

کتابچه خلاصه مقالات

بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

آموزش پاسخگو، دانشگاه متعالی
پیامد انجام

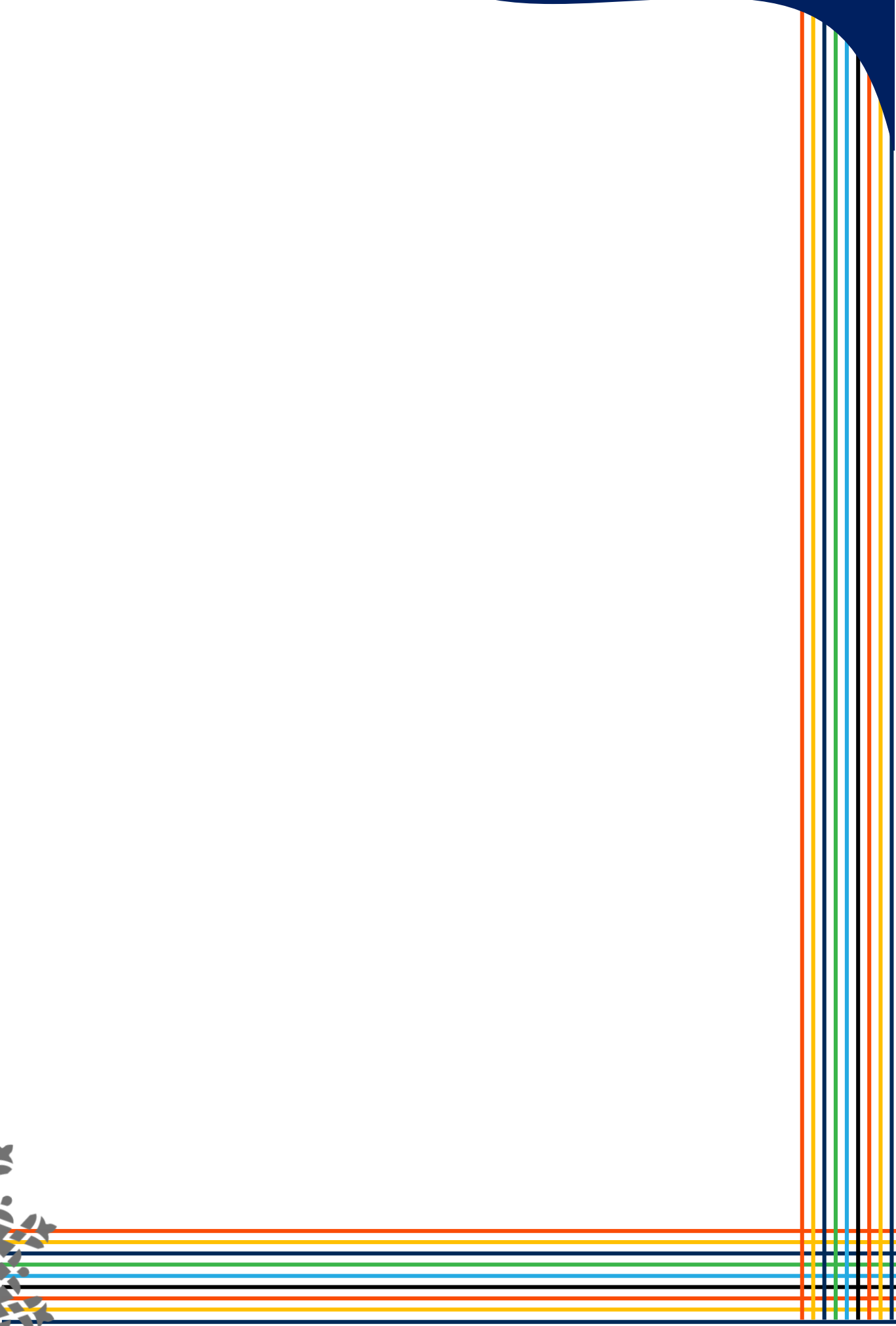
۱۳-۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

دانشگاه علوم پزشکی تهران،
مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی



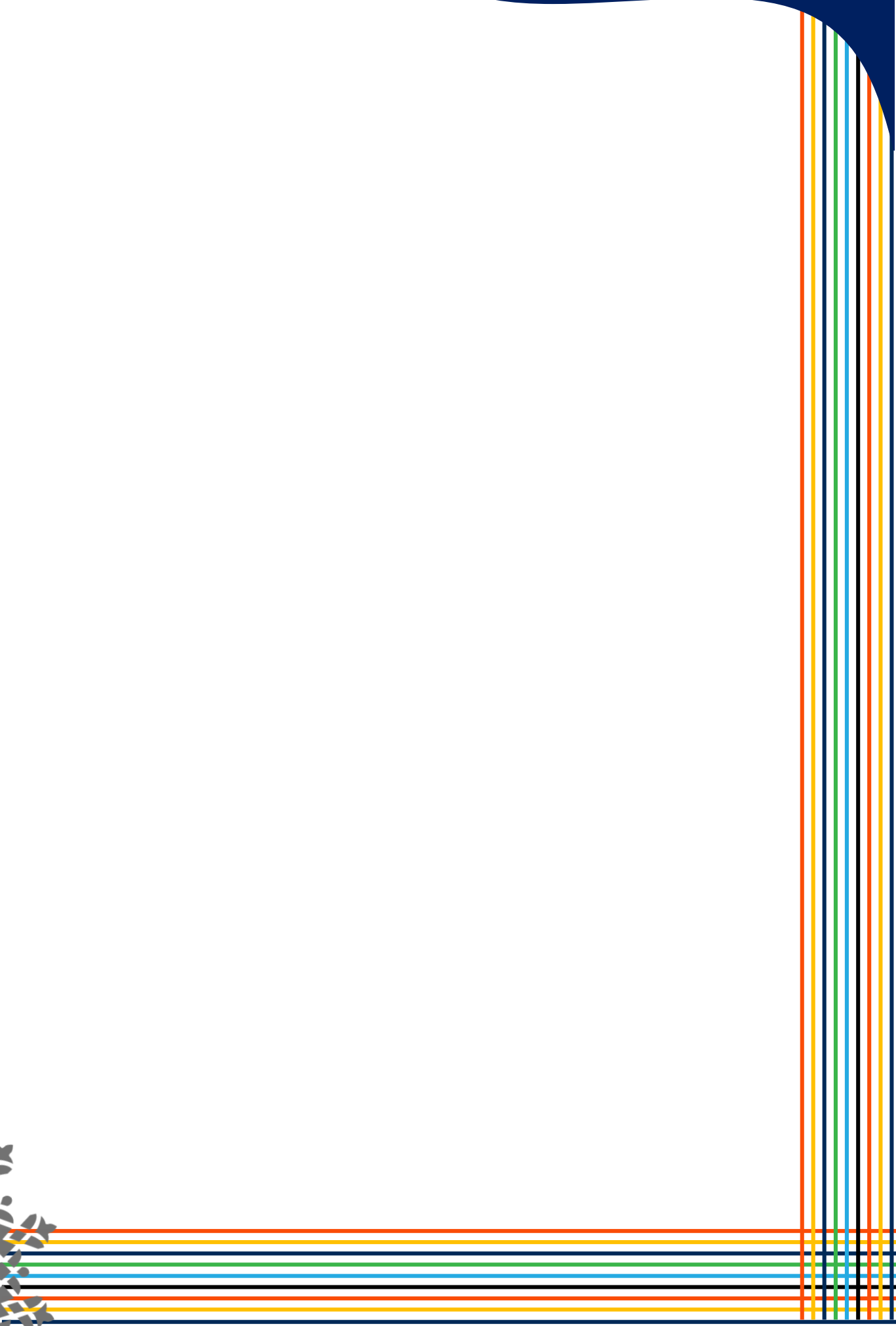
www.ichpe.org info@ichpe.org ICHPE





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





به نام خداوند بخشاینده مهربان بهترین علم آن است که مفید باشد.

«حضرت علی (ع)»



نظام سلامت جمهوری اسلامی ایران الگویی منحصر به فردی از ادغام ارائه خدمات سلامت با نظام آموزش و پژوهش علوم پزشکی می باشد که در طی دهه های پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، دستاوردهای عظیمی را برای نظام سلامت به ارمغان آورده است؛ به نحوی که یکی از مهمترین دستاوردهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، توسعه آموزش علوم پزشکی در مسیر پاسخگویی به نیازهای سلامت جامعه به صورت عادلانه و با بالاترین کیفیت بوده است.

آموزش علوم پزشکی اثربخش نمی تواند از محیط های حقیقی طبابت جدا باشد و باید هم راستا با نظام ارائه خدمات سلامت باشد. در عصر حاضر دانش آموختگان علوم پزشکی را نمی توان فقط در درون محیط ها و عرصه های دانشگاهی و آموزشی تربیت کرد، زیرا ارتباط برنامه آموزشی با واقعیت های عرصه محدود خواهد شد و دانش آموخته قادر نخواهد بود برای برآوردن نیاز جمعیتی که قرار است به آنها خدمت داده شود، آموزش مناسبی دریافت کند. این مهم که در سایه سیاست های کلان ابلاغی مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) محقق شده، آموزش پزشکی کشور را به یک الگویی شناخته شده در منطقه و جهان تبدیل کرده است. این تغییرات در حد ادعا باقی نمانده و پیامدها و دستاوردهای آن، در قالب شاخص های پاسخگویی به نیازها و انتظارات جامعه، قابل سنجش و ارزشیابی می باشد.

همایش کشوری آموزش علوم پزشکی با ارائه چکیده دستاوردهای ارزشمند این سیستم، یکی از موفق ترین و پر مخاطب ترین همایش های علمی کشور بوده و در طی مسیر تکاملی خود در بیست و سه دوره گذشته، به نقطه عطفی در برنامه های دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی تبدیل شده است.

ضمن قدردانی از کلیه برگزارکنندگان این رویداد عظیم، امید است بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی که هم زمان با شانزدهمین جشنواره آموزشی شهید مطهری و پنجمین جشنواره دانشجویی ایده های نوآورانه آموزشی برگزار می شود، بتواند با به اشتراک گذاشتن تجربیات ارزشمند یک سال گذشته، به عنوان یک رویداد انگیزشی در میان اعضای هیات علمی، دانشجویان و مدیران آموزشی در دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی، نقش خود را به طور موثر ایفا کند.

دکتر بهرام عین اللهی

وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی

به نام خداوند بخشاینده مهربان

هیچ صدقه ای که مردم دهند از علمی که منتشر شود بهتر نیست.

«پیامبر اکرم (ص)»



معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با برنامه ریزی، هدایت و نظارت بر روند آموزش علوم پزشکی در دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی کشور، به طور مستقیم و غیرمستقیم نقش حساسی در حفظ و ارتقای سلامت جامعه ایفا می کند. آشنایی و به اشتراک گذاری نتایج طرح های توسعه ای، پژوهش در آموزش و دانش پژوهی آموزشی، فعالیت ها و برنامه های مرتبط با توانمندسازی اعضای هیات علمی، ارزشیابی برنامه ها و استادان، ارزیابی فراگیران، استفاده از فناوری های نوین آموزشی، ادغام انواع شبیه سازها و بهره گیری از هوش مصنوعی در آموزش، روش های اثربخش تدریس، تجربیات آموزش پاسخگو و مبتنی بر جامعه و سایر موارد مشابه، موجب ارتقای کمی و کیفی آموزش علوم پزشکی می شود.

همایش های کشوری آموزش علوم پزشکی با گرد هم آوردن صاحب نظران و دانشمندان آموزش علوم پزشکی، محیط یادگیری ارزشمندی را فراهم می کند که می تواند این مهم را محقق سازد. از طرفی تبادل تجربیات با دانشمندان و صاحب نظران بین المللی که در این همایش مورد توجه ویژه قرار داشته، اثربخشی این همایش را دوچندان کرده است.

امید است بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش پزشکی نیز که به همت مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی وزارت و دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران و با همفکری و مشارکت فعال تمامی دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی کشور طراحی و برگزار شده، بتواند با ارائه آخرین یافته های علمی در زمینه آموزش علوم پزشکی راهگشای متخصصان و صاحب نظران در مسیر دستیابی به مرجعیت علمی باشد.

دکتر ابوالفضل باقری فرد

معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

رئیس بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

به نام خداوندگار دانش و دانایی

به راستی که دانش، مایه حیات دل‌ها، روشن‌کننده دیدگان کور و نیروبخش بدن‌های ناتوان است.

«حضرت علی (ع)»



بعد از نظرسنجی گسترده از دانشگاه‌ها دانشکده‌های علوم پزشکی و صاحب‌نظران عرصه آموزش و تصمیم‌گیری برای برگزاری هر ساله همایش کشوری آموزش علوم پزشکی، برنامه‌ریزی برای همایش بیست و چهارم آغاز شد. با توجه به بازخوردهای ارزشمندی که از همایش‌های قبلی دریافت کرده بودیم، تغییراتی در روند همایش ایجاد کردیم که از آن جمله می‌توان به کاهش بخش‌های همزمان همایش از چهارده به سیزده مورد و افزایش زمان پرسش و پاسخ و بحث‌ها در همه رویدادها تا حد امکان اشاره کرد.

یکی از نکات بارز همایش بیست و چهارم حضور علاقه‌مندان شرکت در همایش از خارج از کشور است. بر همین اساس یک بخش طولی از هر سه روز همایش، به ارائه‌های انگلیسی، اعم از سخنرانی کلیدی، کارگاه، سمپوزیوم، کلینیک، سخنرانی کوتاه و ... اختصاص یافته و تلاش شده است تا آخرین یافته‌های آموزش پزشکی، توسط برترین دانشمندان شناخته شده از کشورهای مختلف جهان در آن ارائه شود. همچنین تلاش شد تا با توجه به نیاز روز دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و اجرای برنامه عدالت، تعالی و بهره‌وری در آموزش علوم پزشکی، سمپوزیوم‌های اختصاصی و متناسب نیز در برنامه‌ها پیش‌بینی گردد. بخش دانشجویی همایش امسال نیز در کنار جشنواره دانشجویی ایده‌های نوآورانه آموزشی که با استقبال بی‌نظیر دانشجویان علوم پزشکی کشور روبرو شده است، گسترده‌تر از سال‌های گذشته برنامه‌ریزی شد. ارائه تجربیات کلان‌مناطق آمایشی، برگزاری دوره مهارت‌های حیاتی یادگیری آموزش پزشکی، شناسایی فرآیندهای ادامه‌دار جشنواره‌های گذشته و تقدیر از آن‌ها با عنوان جایزه تداوم (توسعه دانش پژوهی آموزشی و مدیریت آن) و معرفی و تقدیر از برترین دانشجویان علوم پزشکی در زمینه پژوهش‌های آموزشی از دیگر بخش‌های نوین این همایش است که امیدوارم در کنار جشنواره آموزشی شهید مطهری برای همه شرکت‌کنندگان گرامی مفید و آموزنده باشد. از معاون محترم آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش که در همه مراحل علمی و اجرایی همایش با حمایت‌های ارزشمندشان ما را یاری کردند و همچنین از همکاران محترم در دانشگاه علوم پزشکی تهران که زحمت برگزاری همایش بیست و چهارم را به عنوان دانشگاه همکار متقبل شدند و ارائه‌های این همایش بدون یاری ایشان میسر نبود، قدردانی می‌کنم.

دکتر آیین محمدی

رئیس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی وزارت

دبیر بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

به نام آن که جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان برافروخت

دانش روشنی بخش اندیشه است. «حضرت علی (ع)»



مقارن با هفته بزرگداشت استاد، بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی و شانزدهمین جشنواره آموزشی شهید مطهری، با حضور فعال جمع کثیری از استادان اندیشمند و مبدع در عرصه آموزش علوم پزشکی کشور برگزار می‌شود تا علاوه بر تداوم روند همایش‌های پیشین و فراهم آوردن بستری مناسب برای تبادل آخرین یافته‌ها و تجارب نو در این حوزه تخصصی، زمینه ساز خلق ایده‌های نوآورانه برای علاقمندان این حوزه در عمل باشد. در همایش سال جاری تغییراتی که بخش عمده‌ای

از آن‌ها، برگرفته از بازخوردها و نظرات شرکت‌کنندگان محترم در همایش‌های قبلی بود، در قالب جلسات متعدد تخصصی بحث و تصمیم‌گیری شد. تمرکز بر تقویت مهارت‌های حیاتی یادگیری در آموزش از طریق برگزاری دوره محیا که هدف آن ایجاد فرصت تمرین عملی و کسب مهارت‌های عمومی و تخصصی و کاربرد آن در حوزه آموزش علوم پزشکی از جمله این تغییرات بود. همچنین اختصاص زمان بیشتر به پرسش و پاسخ در بخش سخنرانی‌های کوتاه، برپایی نمایشگاه پوسترهای الکترونیک و غرفه‌های مجازی، تقویت ارتباطات از طریق برگزاری جلسات ارتباط با متخصص و جلسه شبکه سازی با حضور متخصصان بین‌المللی، از این موارد است که با ایجاد این تغییرات، فرصت بیشتری برای تبادل نظر و به اشتراک گذاری تجارب میان اندیشمندان ارایه دهنده و شرکت‌کنندگان فرهیخته، در رویدادهای مختلف فراهم شد. به علاوه، بهره‌مندی از حضور و مشارکت نظریه‌پردازان و اندیشمندان برجسته حوزه آموزش از کشورهای مختلف جهان و با توزیع جغرافیایی گسترده، بستری مناسب را برای آگاهی از آخرین یافته‌های عرصه آموزش علوم پزشکی، ایجاد نمود. این مهم از طریق تمرکز بر دعوت حضوری و مجازی صاحب‌نظران و متخصصان شناخته شده بین‌المللی و از طریق تنوع بخشی به رویدادهای بین‌المللی محقق شد. در عین حال، اقبال در خور تقدیر دانشجویان به بخش‌های مختلف دانشجویی همایش امسال و ارایه ایده‌های نوآورانه ارزشمند توسط آنان، شرایطی را فراهم نموده است که به این بخش از برنامه همایش نیز نسبت به سال‌های گذشته، به طور جدی‌تری پرداخته شود. در همین راستا برای اولین بار، انتخاب دانشجویان فعال در عرصه توسعه آموزش جهت درخواست عضویت در ICHPE Student Taskforce به صورت نظام‌مند انجام شد که استقبال بی‌نظیر دانشجویان سراسر کشور، نشان از انگیزه و علاقه وافر دانشجویان به مشارکت در این حوزه است. لازمه حرکت رو به جلو در مسیر برگزاری همایش آموزش علوم پزشکی، طراحی و انجام ارزشیابی نظام‌مند و جامع رویدادهای همایش است. به این منظور در سالجاری ارزشیابی همایش با تاکید بر دو بُعد کمی و کیفی و همچنین انجام ارزشیابی‌های در لحظه از طریق دریافت نظرات شرکت‌کنندگان هر رویداد به طور مشخص برنامه ریزی و هدایت شد.

بی شک برگزاری چنین همایش تخصصی، مرهون حمایت‌های ارزشمند و بی دریغ معاونت محترم آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت محترم آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تهران و همچنین ریاست محترم مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی آن وزارت در تمامی مراحل علمی و اجرایی است. حمایتی که راه برگزاری همایش را هموار و عزم دست‌اندرکاران و همکاران در دانشگاه علوم پزشکی تهران را جزم نمود تا با همکاری تنگاتنگ و بی وقفه و با کمال افتخار، همایشی در خور مخاطبان فرهیخته آن از سرتاسر کشور، به منصفه ظهور رسانند. و در پایان از تمامی اساتید و دانشجویان عزیز از سراسر کشور که در بخش علمی و اجرایی همایش مشارکت داشتند و همچنین کلیه شرکت‌کنندگان عزیزی که در همایش امسال با حضور و مشارکت خود به ما این افتخار را دادند که از تجارب و دانسته‌هایشان بیاموزیم، بسیار سپاسگزارم.

دکتر محبوبه مافی نژاد

مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

دبیر علمی بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی



ارکان بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی
و شانزدهمین جشنواره آموزشی شهید مطهری
و پنجمین جشنواره دانشجویی ایده های نوآورانه آموزشی

رئیس همایش: دکتر ابوالفضل باقری فرد
قائم مقام رئیس همایش: دکتر حسین قناعتی
دبیر همایش: دکتر آیین محمدی
قائم مقام دبیر همایش: دکتر سید فرشاد علامه
دبیر علمی همایش: دکتر محبوبه مافی نژاد
دبیر اجرایی همایش: دکتر ابراهیم کلانتر مهرجردی
دبیر علمی جشنواره ایده های نوآورانه آموزشی: رادمان امیری
دبیر علمی رویدادهای بخش دانشجویی همایش: مهلا رسولی

همکاران بخش علمی بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

دکتر اکبر بابایی حیدر آبادی	دکتر سلیمان احمدی
دکتر لیلا بذرافکن	دکتر فضل اله احمدی
دکتر محمد برزگر	دکتر ناهید احمدیان یزدی
دکتر الهام بوشهری	دکتر هدی احمری تهران
دکتر شعله بیگدلی	دکتر کاوه اسلامی
دکتر مهدی بیگلرخانی	دکتر مریم اعلا
دکتر قدیر پوربایرامیان	دکتر بتول اقبالی
دکتر منصوره تقوی نیا	دکتر فریبرز اکبرزاده
دکتر محمد جلیلی	دکتر سمیه اکبری فارمد
دکتر سپیده جمشیدیان	دکتر اطهر امید
دکتر طاهره چنگیز	آقای رادمان امیری
دکتر هنگامه حبیبی	دکتر میترا امینی
دکتر غلامرضا حسن زاده	دکتر محمدرضا اندرواژ
دکتر شیرین حسنونند	دکتر فؤاد ایرانمنش
دکتر مریم حسینی ابرده	دکتر معصومه ایمانی پور
دکتر محمد حسین زاده داورزنی	دکتر مهدی آقاباقری
دکتر علی اکبر حق دوست	دکتر مریم آویژگان

دکتر سید کامران سلطانی عربشاهی
 دکتر مهدی سیاح برگرد
 دکتر ماریا شاطر جلالی
 دکتر مهسا شکور
 دکتر فروزان شکوه
 دکتر مریم شهابی
 خانم فاطمه شهبازی
 دکتر علیرضا شهریاری
 دکتر معصومه شوهانی
 دکتر فرنگیس شوقی شفق آریا
 دکتر محمدحسن شیخها
 دکتر ماندانا شیرازی
 دکتر شهنام صدیق معروفی
 دکتر افشین صرافی نژاد
 دکتر لیلا صفابخش
 آقای روح الله صفایی پور
 دکتر ماهدخت طاهری
 دکتر ناهید ظریف صنایعی
 دکتر فرشید عابدی
 دکتر سمیره عابدینی
 دکتر شهنام عسگری پور
 دکتر فریبا عسگری
 دکتر سمیه علیزاده
 دکتر مریم علیزاده
 دکتر مهستی علیزاده
 دکتر علی عمادزاده
 دکتر سعیده غفاری فر
 دکتر رضا غفاری
 دکتر آرزو فرج پور
 دکتر سید علی اکبر فقیهی
 دکتر هاشم فلاح

دکتر فریبا حقانی
 دکتر علی اصغر حیات
 دکتر آبتین حیدرزاده
 دکتر سارا حیدری
 دکتر علی خانی جیحونی
 دکتر سلیمه خلیلی ازاندهی
 دکتر مجتبی خواجه آزاد
 دکتر نسرین خواجه علی
 دکتر نسیم خواجهی راد
 دکتر معصومه خیرخواه
 دکتر ایده دادگران
 دکتر سمیه دلآوری
 دکتر افسانه دهناد
 دکتر رضا دهنویه
 دکتر عاطفه ذبیحی
 دکتر سمیرا رجایی
 دکتر معصومه رحیمی
 دکتر حبیب الله رضایی
 دکتر ریثا رضایی
 دکتر عیسی رضایی
 دکتر عبدالله رفیعی
 دکتر فاطمه رمضان زاده
 دکتر فاطمه رنجبر
 دکتر مریم روانی پور
 دکتر سولماز زارع
 دکتر مجید زارع بیدکی
 دکتر یدالله زارع زاده
 دکتر آفاق زارعی
 دکتر ربابه زوج حسینی
 دکتر ویدا سپاهی
 دکتر جواد سرآبادانی

- | | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| دکتر آیین محمدی | دکتر آرام فیضی |
| دکتر الهه محمدی | دکتر مریم قائمی امیری |
| دکتر نوید محمدی | دکتر نسترن قطبی |
| دکتر مزگان محمدی مهر | دکتر جلیل کوهپایه زاده |
| دکتر سیاوش مرادی | دکتر عزیز کامران |
| دکتر لیلا مصلی نژاد | دکتر جواد کجوری |
| دکتر نادر ممتازمنش | دکتر مریم کرباسی مطلق |
| دکتر محمدرضا منصوریان | دکتر آزاده کردستانی مقدم |
| دکتر مانوش مهربابی | دکتر شهناز کریمی |
| دکتر لیلا مهستی جویباری | دکتر حسین کریمی مونقی |
| دکتر عظیم میرزازاده | دکتر زهرا کریمیان |
| دکتر فخرالسادات میرحسینی | دکتر محسن کشاورز |
| دکتر سید جمال میرموسوی | دکتر محمدحسن کشاورزی |
| دکتر صدیقه نجفی پور | دکتر فاطمه کشمیری |
| دکتر آرش نجیمی | دکتر ابراهیم کلانتر مهرجردی |
| دکتر علی نوروزی | دکتر فرحناز کمالی |
| دکتر سمیه نوری حکمت | دکتر حمیدرضا کوهستانی |
| دکتر زریچهر وکیلی | دکتر حوریه محمدی کناری |
| دکتر منیژه هوشمندجا | دکتر مهرناز گرانمایه |
| دکتر شهرام یزدانی | دکتر رقیه گندم کار |
| دکتر سید مجتبی یاسینی اردکانی | دکتر رضا لاری پور |
| دکتر افسانه یخ فروش ها | دکتر محبوبه مافی نژاد |
| دکتر محمدرضا یزدانخواه فرد | دکتر ریتا مجتهدزاده |
| دکتر نیکو یمانی | دکتر یوسف محمدپور |



داوران خلاصه مقالات فارسی و انگلیسی بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش

علوم پزشکی

دکتر ریتا رضایی	دکتر ناهید احمدیان یزدی
دکتر فاطمه رمضان زاده	دکتر هدی احمری تهران
دکتر مریم روانی پور	دکتر مریم اعلا
دکتر سولماز زارع	دکتر سمیه اکبری فارمد
دکتر آفاق زارعی	دکتر اطهر امید
دکتر ربابه زروج حسینی	دکتر محمدرضا اندرواژ
دکتر ویدا سپاهی	دکتر فؤاد ایرانمنش
دکتر مهدی سیاح برگرد	دکتر معصومه ایمانی پور
دکتر ماریا شاطر جلالی	دکتر مهدی آقاباقری
دکتر فروزان شکوه	دکتر مریم آویژگان
دکتر نازنین شمائیان رضوی	دکتر اکبر بابایی حیدر آبادی
دکتر مریم شهابی	دکتر مهدی بیگلرخانی
خانم فاطمه شهبازی	دکتر قدیر پوربایرامیان
دکتر علیرضا شهریاری	دکتر منصوره تقوی نیا
دکتر معصومه شوهانی	دکتر سید جمال میرموسوی
دکتر محمدحسن شیخها	دکتر لیلا جویباری
دکتر شهنام صدیق معروفی	دکتر هنگامه حبیبی
دکتر افشین صرافی نژاد	دکتر شیرین حسنونند
دکتر لیلا صفابخش	دکتر مریم حسینی ابرده
دکتر ناهید ظریف صنایعی	دکتر سارا حیدری
دکتر سمیره عابدینی	دکتر سلیمه خلیلی ازاندهی
دکتر سمیه علیزاده	دکتر مجتبی خواجه آزاد
دکتر مریم علیزاده	دکتر نسرین خواجه علی
دکتر علی عمادزاده	دکتر معصومه خیرخواه
دکتر آرزو فرج پور	دکتر سمیه دلآوری
دکتر مریم قائمی امیری	دکتر افسانه دهناد
دکتر عزیز کامران	دکتر عاطفه ذبیحی
دکتر مریم کرباسی مطلق	دکتر سمیرا رجایی
دکتر شهناز کریمی	دکتر معصومه رحیمی

دکتر زهرا کریمیان	دکتر لیلیا مصلی نژاد
دکتر محسن کشاورز	دکتر علی نوروزی
دکتر محمدحسن کشاورزی	دکتر سمیه نوری حکمت
دکتر فرحناز کمالی	دکتر زریچهر وکیلی
دکتر حمیدرضا کوهستانی	دکتر منیژه هوشمندجا
دکتر محبوبه مافی نژاد	دکتر افسانه یخ فروش ها
دکتر یوسف محمدپور	دکتر محمدرضا یزدانخواه فرد
دکتر الهه محمدی	

داوران پنجمین جشنواره دانشجویی ایده‌های نوآورانه آموزشی

(به ترتیب حروف الفبا)

دکتر مریم اعلا	دکتر سولماز زارع
دکتر بتول اقبالی	دکتر ویدا سپاهی
دکتر فریبرز اکبرزاده	دکتر مهلا سلاجقه
دکتر محمدرضا اندرواژ	دکتر مهسا شکور
دکتر مژگان بهشید	دکتر علی شیخیان
دکتر بهروز پورآقا	دکتر شهنام صدیق معروفی
دکتر سپیده جمشیدیان	دکتر ماهدخت طاهری
دکتر لیلیا مهستی جویباری	دکتر فریبا عسگری
دکتر علی اصغر حیات	دکتر احمد علی نقی لنگری
دکتر ایده دادگران	دکتر سید علی اکبر فقیهی
دکتر هلن درگاهی	دکتر نسترن قطبی
دکتر مرضیه دشتی رحمت آبادی	دکتر آزاده کردستانی مقدم
دکتر لیلیا دشمنگیر	دکتر آرمان لطیفی
دکتر سمیه دلاوری	دکتر یحیی محمدی
دکتر معصومه رحیمی	دکتر مانوش مهربابی
دکتر حبیب اله رضایی	دکتر صدیقه نجفی پور
دکتر عیسی رضائی	دکتر مهشید نقاش پور
دکتر فرهاد رضانی بدر	دکتر محمد رضا یزدانخواه فرد
دکتر فاطمه رنجبر	

هیات داوران پایان نامه‌های آموزش پزشکی

(به ترتیب حروف الفبا)

دکتر حمیدرضا کوهستانی	دکتر فضل اله احمدی
دکتر رضا لاری پور	دکتر الهام بوشهری
	دکتر یدالله زارع زاده

کمیته اجرایی برگزاری همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

(به ترتیب حروف الفبا)

خانم معصومه پرهیزگار	خانم مریم اجاقیان
دکتر قدیر پوربایرامیان	خانم گلچهره احمدی
دکتر ماشالله ترابی	دکتر هدی احمري طهران
خانم ترانه تهمتنی	خانم آزاده اشتیاقی
دکتر اکرم ثناگو	خانم حورا اشرفی فرد
آقای علی جاهد	مهندس آرمان اصغرپور
خانم سمیه جعفری	دکتر مریم اعلا
دکتر لیلا جویباری	خانم منیرالسادات افضلی
خانم رویا جلوداری	آقای هاوژین امان الهی
دکتر هنگامه حبیبی	دکتر مهتاب امینی
دکتر محمد حسین زاده	خانم زهرا ایران پور مبارکه
خانم زهره حسین زاده	دکتر مهدی آقاباقری
آقای امین حسینی شاوون	خانم زهرا آقاجانلو
آقای میرحامد حسینی	آقای رضا استیری
خانم روناک حقی	آقای مجید بابایی
خانم حمیده حمیدی	آقای بهمن بالویی
آقای حمید خانجانی	خانم لی لی بردائی
آقای علیرضا قربان خانلو	خانم شهرزاد برهانی
خانم مژگان خانی	آقای بهنام برین
خانم نگار دیوبندی	خانم حنانه بلوکات
مهندس تقی ربانی	خانم فرشته بهاری
آقای پوریا رحمتی پور	آقای سینا بیات
دکتر معصومه رحیمی	دکتر شعله بیگدلی
خانم ویدا رشمئی	

- | | |
|------------------------|----------------------------|
| دکتر مریم علیزاده | خانم مریم رضایی |
| آقای نواز عمادی | دکتر قباد رضانی |
| خانم ریحانه عنایت زاده | دکتر آزاده روح الامینی |
| آقای اصغر غازان | آقای مهرباب علی روحانی |
| خانم فرزانه غریبی | دکتر علی ریحانیان |
| دکتر آرزو فرج پور | آقای عظیم رئیسی |
| آقای محمد صالح فرقانی | خانم سارینا زارع |
| آقای امیر محمد فراهانی | دکتر زهرا زارعی حاجی آبادی |
| خانم مهرنوش قائم مقامی | دکتر مهرناز زارعی |
| خانم نجمه قربانی | دکتر آفاق زارعی |
| خانم فاطمه قربی | آقای طاها زارعی |
| آقای مرتضی کاوه دوستی | آقای رضا زائری |
| دکتر مریم کرباسی مطلق | دکتر نازیلا زرقی |
| خانم سمیرا کرمی | مهندس حامد زواره |
| دکتر ابراهیم کلانتر | خانم افسانه سعادت زاده |
| دکتر فرحناز کمالی | خانم زهره سعادت |
| خانم نرگس کوهی فرد | دکتر فرشاد شاه کرمی |
| خانم ریحانه گلباف | دکتر مریم شهابی |
| آقای مهدی گلپایگانی | خانم فاطمه شهبازی |
| خانم معصومه گودرزی | خانم آذر شهبازی |
| آقای کیوان لشکری | دکتر فرنگیس شوقی |
| دکتر محبوبه مافی نژاد | خانم نگار صادقی |
| دکتر ریتا مجتهدزاده | خانم دنیا صادقی |
| آقای علی مجدی | دکتر نرگس صالح |
| آقای منصور محسن آبادی | آقای محمد صالح فرقانی |
| دکتر فاطمه محسنی | خانم فرزانه صداقت کار |
| خانم محدثه محمدزاده | آقای قاسم صفاری |
| دکتر حانیه محمدعلیزاده | آقای روح الله صفایی پور |
| دکتر آیین محمدی | خانم مریم صنعت خانی |
| خانم زینب محمدی | خانم مریم طاهری |
| دکتر الهه محمدی | آقای عارف عزت شوکتی |
| دکتر اسحاق مرادی | آقای محمود عشوری |
| خانم مهناز مرتضوی | خانم غزاله عفیفی راد |
| | خانم محبوبه علی محمدی |



مهندس شروین یارمحمدی
 خانم فتانه اسدی یگانه
 و کلیه همکاران مرکز همایش های رازی

خانم مرضیه ملکی
 آقای رضا ملکی
 خانم شقایق مهرپور
 آقای رمضان میرعرب رضی
 دکتر علی نوروزی
 آقای عزت اله واحدی
 مهندس سید روح الله هاشمی



صفحه

فهرست

- ۳۴ بررسی تاثیر محرک‌های بصری در یادگیری دانشجویان دندانپزشکی البرز
- ۳۶ مقایسه اثربخشی آموزش سنتی، کلاس درس معکوس و بازی‌وارسازی در آموزش مجازی دانشجویان هوشبری دانشگاه علوم پزشکی تبریز
- ۳۸ مقایسه تأثیر آموزش احیای قلبی ریوی پایه به روش چند حسی و منتورشیپ به دانشجویان پرستاری
- ۴۰ طراحی و توسعه سامانه شبیه‌ساز آموزش سیستم‌های اطلاعات بیمارستانی
- ۴۲ طراحی و تولید بسته آموزشی الکترونیکی جراح یار لاپاراسکوپی و ارزیابی میزان رضایتمندی دانشجویان کارشناسی تکنولوژی اتاق عمل در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
- ۴۴ مقایسه تاثیر تدریس مبتنی بر ترسیم نقشه مفهومی با تدریس سنتی (سخنرانی) بر یادگیری و میزان رضایتمندی از درس باکتری‌شناسی پزشکی
- ۴۵ بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر سناریو بر صلاحیت‌های اساسی دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی رازی دانشگاه علوم پزشکی کرمان
- ۴۷ تاثیر آموزش بالینی مهارت‌های خرد و حل مساله بر تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری
- ۴۹ ادغام استراتژی‌های آموزش بین حرفه‌ای و یادگیری مبتنی بر وظیفه: فرصت یادگیری ساختارمند مبتنی بر محل کار در تیم بین حرفه‌ای
- ۵۲ طراحی و تعیین تاثیر آموزشی ابزار مستندسازی، بازانديشي و پس‌خوراند الکترونیکی فعالیت‌های آموزش بالینی دانشجویان پزشکی
- ۵۴ تدوین برنامه آموزشی رشته کارشناسی ارشد سلامت باروری مردان: یک مطالعه ترکیبی
- ۵۶ بررسی ارزشیابی برنامه درسی اجرا شده پزشکی عمومی بر اساس معیارهای برنامه درسی مبتنی بر تربیت هنری از دیدگاه دانشجویان پزشکی
- ۵۸ بررسی انطباق تعداد واحدهای درسی دندانپزشکی عمومی با نیازهای شغلی از دیدگاه دانش‌آموختگان
- ۶۰ پودمان مجازی بیماری‌های گوارش و کبد جهت دانشجویان پزشکی، دستیاران تخصصی، متخصصین داخلی و پزشکان عمومی
- ۶۲ بررسی نحوه اجرای کوریکولوم آموزشی رشته تخصصی طب اورژانس در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور
- ۶۴ دیدگاه دانشجویان در خصوص ادغام برنامه پزشکی خانواده در دوره کارورزی پزشکی اجتماعی در دانشجویان پزشکی بیرجند
- ۶۶ ارزیابی درک اساتید و دانشجویان از کفایت برنامه‌درسی پزشکی عمومی در کسب توانمندی‌های مدیریت تغذیه‌ای بیماران
- ۶۸ تدوین کوریکولوم آموزشی مبتنی بر پیامد کارشناسی ارشد رشته سلامت باروری
- ۷۰ بررسی کیفیت اجرای برنامه درسی فیزیولوژی رشته پزشکی عمومی از دیدگاه دانشجویان

- ۷۲ تبیین چهارچوب برنامه درسی خرد گرا با تمرکز بر توانمندی های شناختی مورد نیاز دانشجویان رشته پزشکی
- ۷۴ بررسی اثربخشی آموزش مجازی مراقبت فرهنگی بر صلاحیت فرهنگی اساتید پرستاری دانشکده- های پرستاری و مامایی وابسته به دانشگاه های علوم پزشکی استان کرمان
- ۷۶ ارزیابی نگرش اساتید بالینی دانشگاه های علوم پزشکی ایران نسبت به پروفیشنالیسم
- ۷۷ شناسایی چالش های اجرای استانداردهای آموزش بالینی از دیدگاه اساتید بخش های بالینی
- ۷۹ بررسی اخلاق حرفه ای اساتید دانشگاه علوم پزشکی مازندران از دیدگاه دانشجویان این دانشگاه
- ۸۱ ارزیابی کورس جدید مقدمات بالینی بیماری های عفونی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان
- ۸۳ بررسی رعایت استانداردهای آموزش بالینی در درمانگاه سرپایی طب پیشگیری دانشگاه علوم پزشکی تبریز از دیدگاه کارورزان
- ۸۵ بررسی وضعیت فرسودگی شغلی در اعضای هیئت علمی علوم پزشکی کرمانشاه
- ۸۷ ارزشیابی کیفیت اجرای دوره کارورزی بالینی طب سرپایی بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد در همه گیری کووید-۱۹
- ۸۹ استاد بالینی متمایز از نقطه نظر دانشجویان
- ۹۱ ارزیابی چالش های آزمون های الکترونیکی دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در دوران کووید ۱۹ و ارایه راهکار از دیدگاه دانشجویان
- ۹۳ رضایتمندی دانشجویان پرستاری از آزمون جامع عملی پایان دوره کارشناسی: یک مطالعه مقطعی
- ۹۵ بررسی دیدگاه اعضای هیات علمی در مورد توانمندی تجویز دارو در کارورزان پزشکی قبل و بعد از همه گیری کووید-۱۹ در دانشگاه علوم پزشکی مشهد
- ۹۶ بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه عمل بازاندیشی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
- ۹۷ بررسی نحوه دسترسی به سامانه آموزش مجازی، مشکلات آموزشی و کیفیت آزمون های مجازی در ایام کرونا از دیدگاه دانشجویان دانشکده علوم پزشکی خلخال
- ۹۹ بررسی تاثیر مشارکت دانشجویان در طراحی سوالات آزمون پایان ترم
- ۱۰۱ طراحی، اجرا و ارزشیابی ارزیابی تکوینی مبتنی بر فعالیت کلاسی در طول ترم تحصیلی بر میزان رضایت دانشجویان
- ۱۰۳ طراحی و روانسنجی ابزار ارزیابی توانمندی رهبری تیمی در دستیاران تخصصی پزشکی با رویکرد قضاوت موقعیتی
- ۱۰۵ بررسی عوامل موثر بر نتایج آزمون علوم پایه و پیش کارورزی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان
- ۱۰۷ شناسایی مولفه های پیش بینی کننده ی پیشرفت تحصیلی دانشجویان مجازی در سیستم مدیریت یادگیری
- ۱۰۹ بررسی ارتباط نگرش به آموزش مجازی بر اضطراب یادگیری و فرسودگی تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۴۰۱

- ۱۱۰ بررسی و مقایسه آگاهی دانشجویان سال اول و اخر مقطع کارشناسی پیوسته دانشکده پرستاری و مامایی مشهد نسبت به ابعاد قانونی و حقوقی سقط جنین
- ۱۱۲ ارزشیابی برنامه آموزشی دانشکده پزشکی کرمان بر اساس الگوی CIPP
- ۱۱۴ ادراکات دانشجویان پزشکی از تأثیر پوشیدن روپوش سفید بر هویت حرفه‌ای آن‌ها طی گذراندن واحد عملی سمیولوژی
- ۱۱۶ سردرگمی میان دوگان‌های رقیب: تجربه کاوی مدرسان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان از آزمون الکترونیک در بحران کووید-۱۹
- ۱۱۹ میزان آمادگی گذر از دانشگاه به کار در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی یزد
- ۱۲۱ بررسی میزان اهمال کاری تحصیلی و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی در میان دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در دوران پاندمی کووید
- ۱۲۲ نیازسنجی، اجرا و ارزشیابی لاگ بوک برای ارزیابی مهارت‌های بالینی دانشجویان کارشناسی هوشبری براساس آخرین بازنگری کوریکولوم آموزشی
- ۱۲۴ بررسی اثربخشی برنامه آموزش دستگاه بای پس قلبی ریوی بر رضایت و یادگیری دانشجویان با استفاده از نقاشی و بحث گروهی
- ۱۲۵ بررسی میزان رضایتمندی از اجرای فرایند ارزشیابی همتا به صورت تکوینی در ارتقا مهارت های بالینی پایه بیهوشی دانشجویان هوشبری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی مشهد
- ۱۲۷ طراحی، اجرا و ارزشیابی لاگ بوک کارورزی او ۲ دانشجویان دکترای تخصصی طب ایرانی
- ۱۲۹ ارزیابی پروفشنالیسم و مهارت‌های ارتباطی دستیاران تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد
- ۱۳۱ دیدگاه دانشجویان درباره آزمون صلاحیت بالینی دانشگاه علوم پزشکی سمنان
- ۱۳۳ عوامل موثر بر تأثیر آموزشی ارزیابی بر یادگیری دانشجویان پزشکی: مطالعه کیفی
- ۱۳۵ خود ارزیابی صلاحیت‌های بالینی دانش آموزان رشته هوشبری دانشکده پیراپزشکی کاشان
- ۱۳۷ بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان دانشکده های علوم پزشکی شهرستان قاین از آموزش مجازی و عوامل موثر بر آن
- ۱۳۹ دیدگاه دانشجویان در خصوص روند ارزشیابی استاد در دانشگاه علوم پزشکی اهواز
- ۱۴۱ تبیین انتظارات دست اندرکاران نظام سلامت از دانش آموخته کارشناسی بهداشت عمومی و انطباق آن با برنامه درسی رشته بهداشت عمومی
- ۱۴۳ بررسی برنامه درسی فیزیولوژی دوره علوم پایه از حیث تطابق با نیازهای آموزشی دوره بالینی رشته پزشکی عمومی
- ۱۴۵ دیدگاه اعضای هیات علمی پرستاری در خصوص به کارگیری مهارت های تفکر انتقادی در برنامه درسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی: یک مطالعه کیفی
- ۱۴۶ بررسی مقایسه‌ای پایبندی به اصول اخلاق حرفه ای در میان دانشجویان عرصه و پرسنل اتاق عمل بیمارستان های آموزشی درمانی منتخب دانشگاه علوم پزشکی ایران
- ۱۴۸ صلاحیت فرهنگی در علوم پزشکی و جنبه‌های مختلف آن از منظر اساتید، دانشجویان و درمانگران

- ۱۵۰ تدوین، اجرا و ارزشیابی دوره کوتاه مدت توانمندسازی دانشجویان رشته فناوری اطلاعات سلامت با محوریت کدگذاری مبتنی بر یازدهمین ویرایش طبقه بندی بین المللی بیماری‌ها
- ۱۵۲ بررسی دیدگاه کارورزان دانشکده‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در نحوه انتقال اخبار ناگوار به بیماران بر اساس مدل SPIKES
- ۱۵۴ تبیین تجربیات دانشجویان تحصیلات تکمیلی از اجرای برنامه آموزشی "پژوهش تقاضا محور" براساس رویکرد یادگیری مادام‌العمر و مدل طراحی آموزشی ADDIE
- ۱۵۶ ارزیابی کیفیت درونی برنامه درسی دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
- ۱۵۸ نظرات اعضای هیئت علمی دانشکده های دندانپزشکی سراسر کشور در خصوص چگونگی ادغام افقی رشته دندانپزشکی با توجه به اصول هاردن
- ۱۵۹ محتوای برنامه درسی مبتنی بر پاسخ گویی اجتماعی در دوره پزشکی عمومی: پژوهش کیفی
- ۱۶۱ بررسی میزان انطباق کوریکولوم آموزشی بخش بیماری های دهان و ... با کسب مهارت‌های عملی مورد نیاز در بالین
- ۱۶۳ بررسی تاثیر آموزش به روش شبیه سازی بر مهارت های خودکارآمدی و عملکرد بالینی در دانشجویان پرستاری
- ۱۶۵ شناسایی مولفه‌های موثر بر مشارکت اعضای هیات علمی در توسعه ماک؛ تحلیلی کیفی بر نظرات خبرگان آموزش مجازی در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران
- ۱۶۷ تدوین برنامه جامع توسعه آموزش مجازی در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی کشور
- ۱۶۹ تبیین توانمندی‌های روسای دانشگاه های علوم پزشکی کشور در راستای پاسخگویی اجتماعی در نظام آموزش عالی سلامت ایران
- ۱۷۱ بررسی تاثیر آموزش آگاهی تیم از موقعیت بر عملکرد تیمی دستیاران تیم درمانی تروما در دانشگاه علوم پزشکی تهران
- ۱۷۳ طراحی و اجرای فناوری مرکز ارزیابی (Assessment Center) در راستای توانمندسازی شایستگی‌های مدیران آموزشی
- ۱۷۵ تبیین ماندگاری اعضای هیات علمی: تحلیل محتوا
- ۱۷۶ تدوین استانداردهای دوره‌های آموزش مهارتی و حرفه‌ای علوم پزشکی و دستیابی به اجماع نظرات متخصصین از طریق برگزاری راند دلفی
- ۱۷۸ طراحی الگوی استانداردهای اعتباربخشی موسسه‌های دانشکده‌های پرستاری ایران: یک مطالعه ترکیبی
- ۱۸۰ عوامل برنامه درسی پنهان در آموزش ارزش‌ها و اخلاق پزشکی
- ۱۸۲ ارزیابی اولیه وضعیت دوره کارآموزی در دانشجویان بهداشت عمومی به منظور برنامه‌ریزی جهت ارتقا کیفیت کارآموزی در دانشکده علوم پزشکی بهبهان
- ۱۸۴ مقایسه اثربخشی محتوای متنی-تصویری و محتوای صوتی-تصویری در آموزش الکترونیکی مدیریت انسداد راه هوایی دانشجویان پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان

- ۱۸۶ تاثیر استفاده از بازی وارسازی بر یادگیری و نگرش نسبت به درس آمار در دانشجویان دانشکده بهداشت
- ۱۸۸ سنجش میزان هوش عاطفی دانشجویان رشته پزشکی و پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر
- ۱۹۰ بررسی موانع و عوامل تسهیل کننده یادگیری مهارت بالینی از دیدگاه دانشجویان بالینی دندانپزشکی در پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر
- ۱۹۲ بازی وارسازی درس فارماکولوژی تخصصی دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان
- ۱۹۴ بررسی ارتباط تفکر تأملی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان مقطع اینترنی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
- ۱۹۶ طراحی و تولید انیمیشن های سه بعدی ویدئویی تعاملی وایر بندینگ ارتودنسی
- ۱۹۸ نگرش دانشجویان به روش تدریس سخنرانی با نمایش کتاب مرجع در مقایسه با روش تدریس با پاورپوینت
- ۲۰۰ تبیین نیازهای آموزشی پرستاران شاغل در بخش اورژانس، چالش ها و ارائه راهکار: یک مطالعه کیفی
- ۲۰۲ آموزش الکترونیکی و چالش های همراه در همه گیری ویروس کرونا: تحلیل کیفی از تجارب اساتید علوم پزشکی
- ۲۰۴ مقایسه تأثیر کلاس وارونه و جیگساو بر دانش احیاء قلبی ریوی مبتلایان به کووید ۱۹ در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر
- ۲۰۶ مقایسه آموزش به دو روش نمایش عملی و آموزش مجازی بر میزان دانش و عملکرد دانشجویان پرستاری در آموزش احیای قلبی ریوی
- ۲۰۷ بازاندیشی دانشجویان پرستاری بر اولین تجربه ارزیابی مراحل رشد و تکامل کودک
- ۲۰۸ بررسی تأثیر مشارکت در طرح فرارشته ای سلامت محور بر خودکارآمدی دانشجویان پزشکی و غیرپزشکی
- ۲۱۰ طراحی و تعیین روایی و پایایی پرسشنامه های دانش، عملکرد و رضایت دانشجویان بهداشت عمومی در درس تکنولوژی آموزشی
- ۲۱۲ نگرش دانشجویان پزشکی و پرستاری نسبت به آموزش بین حرفه ای
- ۲۱۴ بررسی رابطه بین کیفیت تجارب یادگیری و کیفیت تجارب آموزشی دانشجویان پزشکی
- ۲۱۶ بررسی تاثیر تکلیف درسی ترسیم ECG روی کاغذ شطرنجی بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری و دیدگاه دانشجویان نسبت به آن، مطالعه پایلوت
- ۲۱۸ طراحی و اجرای طرح همیار دانشجو در دانشکده علوم پزشکی ساوه
- رضایت سنجی و مقایسه توانمندی های پزشکی و آموزشی دانشجویان در جلسات گزارش صبحگاهی گروه داخلی (با یا بدون حضور دستیاران) در بیمارستان آموزشی امام رضا (ع) و قائم (عج) دانشگاه علوم پزشکی مشهد
- ۲۲۲ تجارب دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی از ارتباط منتور- منتی: یک مطالعه کیفی

- ۲۲۴ بررسی آموزش مبتنی بر شبکه‌های مجازی بر دانش و رویکرد یادگیری دانشجویان پرستاری
- ۲۲۶ مقایسه اثربخشی منتورینگ الکترونیکی بازخورد محور آفلاین و آنلاین در تجارب یاددهی-یادگیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی
- ۲۲۸ طراحی، اجرا و ارزشیابی روش آموزش همتایان در دانشجویان پزشکی-کارآموزی جراحی- دانشگاه علوم پزشکی کردستان
- ۲۳۰ بررسی سواداطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری و نقش کتابداران بالینی در پیشبرد پروژه‌های تحقیقاتی
- ۲۳۲ مقایسه تأثیر یادگیری مبتنی بر شبکه و مبتنی بر حل مسأله بر تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی
- ۲۳۴ تبیین تجارب دانشجویان پرستاری از نقش انگیزشی مربیان در آموزش بالینی: یک مطالعه کیفی
- ۲۳۶ طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه تدریس وارونه در بالین دانشجویان پرستاری
- ۲۳۸ طراحی، اجرا و ارزشیابی کارگاه آموزش بالینی مهارت زایمان ویژه دانشجویان فوریت های پزشکی پیش بیمارستانی با رویکرد مبتنی بر پاسخگویی اجتماعی
- ۲۴۰ رابطه نقش مدرس و محتوای آموزشی دوره با پذیرش یادگیری الکترونیکی: نقش میانجی مهارت کامپیوتری دانشجویان
- ۲۴۲ تأثیر روش تدریس سنتی و کلاس وارونه بر دانش، عملکرد تیمی و مشارکت گروهی پرستاران در انجام احیا قلبی ریوی: یک مطالعه نیمه تجربی
- ۲۴۴ بررسی مقایسه‌ای تاثیر دو روش آموزش آنلاین مبتنی بر نظریه بار شناختی سوئلر و آموزش آنلاین به شیوه متداول بر درگیری تحصیلی دانشجویان پزشکی در درس آناتومی
- ۲۴۶ بررسی نقش یادگیری غیر رسمی بر فراشایستگی‌های شغلی دانش آموختگان رادیولوژی در بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران
- ۲۴۸ مقایسه تاثیر روش یادگیری کوانتومی با روش متداول بر میزان یادگیری، انگیزش یادگیری و یادسپاری دانشجویان کارشناس پرستاری درآموزش مراقبت‌های ویژه
- ۲۵۰ موانع اجرای مراقبت پرستاری مبتنی بر شواهد از دیدگاه استادان پرستاری دانشکده پرستاری ومامایی رفسنجان و کرمان
- ۲۵۲ شکاف بین آموزش نظری و بالینی در دوره پزشکی عمومی
- ۲۵۴ مقایسه یادگیری مبتنی بر مورد ویروس شناسی و تدریس به روش سخنرانی در دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی بابل
- ۲۵۶ بازاندیشی گروهی: نیاز دانشجویان مامایی
- ۲۵۸ تجربه اجرای دوره فلوشیپ انفورماتیک بالینی ویژه پزشکان متخصص؛ یک ضرورت برای آینده پزشکی
- ۲۶۰ تدریس درس باکتری شناسی از طریق تکمیل کتاب کار (آموزش مشارکتی فعال)
- ۲۶۲ بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر یادگیری تاملی بر مهارت اصول اسکراب و سیرکولر در دانشجویان اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی ایران

- ۲۶۴ رابطه یادگیری خود راهبر با راهبردهای فراشناختی و شادکامی دانشجویان پزشکی
- ۲۶۶ طراحی اجرا و ارزشیابی برنامه آموزش بالینی مبتنی بر گراند راندهای پرستاری شبیه‌سازی شده در دانشجویان ارشد پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گیلان
- ۲۶۸ تاثیر برنامه کاربردی موبایل بر به یادسپاری و استدلال بالینی دانشجویان کارشناسی پرستاری
- ۲۷۰ تاثیر رایجه درمانی استنشاقی با اسانس اسطوخودوس بر میزان اضطراب آزمون آسکی در دانشجویان دانشکده علوم پزشکی لارستان
- ۲۷۲ یادگیری حمایت طلبی در جهت ترفیع نیازهای جامعه: بیان یک تجربه
- ۲۷۴ بررسی اثربخشی کیفیت دوره تحصیلی و آموزش مجازی طی بحران پاندمی کووید-۱۹ از دیدگاه دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
- ۲۷۶ تاثیر آموزش از طریق تلفن همراه بر یادگیری و رضایتمندی دستیاران بالینی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
- ۲۷۸ صلاحیت خود ادراک شده در بین فارغ التحصیلان دوره دکتری تخصصی سلامت دهان و دندانپزشکی اجتماعی در ایران
- ۲۸۰ الگوهای درک اثربخشی آموزش مجازی دوران پاندمی کووید ۱۹ در دانشجویان پزشکی: یک مطالعه مقطعی در مراکز آموزشی درمانی رازی قائم شهر- استان مازندران
- ۲۸۲ تلاش جهت کسب هویت حرفه‌ای، استراتژی سازگاری با کارآموزی در عرصه در دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی
- ۲۸۳ شیوع سبک‌های مختلف یادگیری در دستیاران چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
- ۲۸۵ بررسی ارتباط اعتیاد به اینترنت با خودکارآمدی و تعلق پذیری اجتماعی در دوران پاندمی کووید- ۱۹ در دانشجویان اتاق عمل دانشکده علوم پزشکی بهبهان
- ۲۸۷ شناسایی مولفه‌های اخلاق بالینی از منظر اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران
- ۲۸۹ آیا اعتیاد به بازی‌های اینترنتی بر عملکرد تحصیلی تاثیر دارد؟
- ۲۹۱ تبیین نگرش دانشجویان پزشکی عمومی مقطع کاروزی بر مراقبت‌های سالمندی: مطالعه کیفی
- ۲۹۳ حضور اجتماعی برخط در دانشجویان پزشکی در آموزش های مجازی دوران کووید ۱۹: یک مطالعه روانسنجی
- ۲۹۵ بررسی سبک‌های یادگیری ترجیحی در دانشجویان علوم پزشکی بر اساس مدل کلب
- ۲۹۷ بررسی رضایتمندی و ماندگاری دانش از طریق روش یادگیری مبتنی بر تیم آنلاین در درس تروماتولوژی دانشجویان ترم ۱۰ دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان
- ۲۹۸ طراحی، اجرا و ارزشیابی برگزاری کلاس مجدد از طریق بازبینی فیلم تهیه شده حین تدریس درس جنین‌شناسی: راهکاری جهت ارتقاء یادگیری، یادداری و یادآوری درس جنین‌شناسی دانشجویان رشته پزشکی دانشکده پردیس پزشکی آمل
- ۳۰۰ اثربخشی اجرای دوره پاتولوژی بالینی برای دانشجویان پزشکی بر اساس رویکرد هنر دیداری
- ۳۰۲ تاثیر آموزش بالینی مبتنی بر سناریو بر حساسیت اخلاقی دانشجویان پرستاری

- ۳۰۴ بررسی نقش آموزش بالینی بر یادگیری استراتژی‌های خودتنظیمی انگیزه در دانشجویان پزشکی بر پایه مدل کارآموزی شناختی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان
- ۳۰۶ تبیین محیط یادگیری بالینی بخش زایمان و ارائه مدل کاربردی ارتقاء آموزش فراگیران
- ۳۰۸ تبیین تجارب دانشجویان پرستاری از یادگیری بر پایه حل مشکل (PBL) در بالین: یک مطالعه کیفی
- ۳۱۰ مقایسه اثربخشی آموزش استراتژی کار تیمی (Team STEPPS) با استفاده از واقعیت مجازی در مقایسه با فیلم آموزشی برای اعضای تیم‌های مراقبت ویژه بیمارستان بقیه ...ا. (عج)
- ۳۱۲ مقایسه طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش کنار تخت در اتاق لیبر، جهت ایجاد صلاحیت بالینی در تبدیل مهارت‌های پیچیده به آسان به روش معلم‌محور در مدل عمومی چرخه دو حلقه‌ای COX با مدل مبتنی بر فراگیر MiPLAN در دانشجویان رشته مامایی
- ۳۱۴ بررسی اثربخشی آموزش یادگیری خود تنظیمی بر عملکرد تحصیلی و یادگیری خود تنظیمی دانشجویان دارای عملکرد تحصیلی نامطلوب در مقطع علوم پایه‌ی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
- ۳۱۶ طراحی و روان‌سنجی پرسشنامه نگرش به مدیریت تعارض در دانشجویان پزشکی
- ۳۱۷ مقایسه آزمون‌های آنلاین از راه دور و در محل: یک مطالعه مقطعی در آموزش پزشکی
- ۳۱۸ بررسی تاثیر ارزشیابی بالینی به شیوه‌ی اتاق فرار و ارائه بازخورد به دانشجویان با الگوی PEARLS بر رضایت، آمادگی ورود به عرصه، یادگیری و عملکرد دانشجویان پرستاری
- ۳۲۰ ارزیابی‌های نظام آموزش عالی حوزه سلامت به صورت برخط و در منزل: بررسی دیدگاه دانشجویان و دستیاران دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور
- ۳۲۲ معرفی یک سیستم جدید ارزشیابی دانشجویان مبتنی بر میزان اطمینان داوطلبان از پاسخ‌های خویش
- ۳۲۴ بررسی روایی و پایایی آزمون OSABS در ارزیابی مهارت‌های پایه جراحی دستیاران رشته جراحی دانشگاه علوم پزشکی البرز
- ۳۲۶ بررسی میزان کاربست اخلاق حرفه‌ای تدریس اعضای هیات علمی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین
- ۳۲۸ تبیین درک کارورزان و دستیاران گروه‌های داخلی و جراحی از الگوی نقش استاد؛ یک مطالعه کیفی
- ۳۳۰ معیارهای اثربخشی عضو هیات علمی در حوزه آموزش، پژوهش و ارائه‌ی خدمت
- ۳۳۲ طراحی ابزار سنجش آداب تعلیم در اساتید پرستاری
- ۳۳۴ چالش‌های گذار ناگهانی به آموزش از راه دور در پاندمی کووید-۱۹ بر اساس تجارب مدرسین: تحلیل محتوای کیفی
- ۳۳۶ رابطه سبک یادگیری با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی تربت جام
- ۳۳۷ چالش‌های مشارکت موثر پرستاران بالینی در فرآیند کسب صلاحیت بالینی در دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی

- ۳۳۹ مقایسه دیدگاه اعضاء هیئت علمی و دانشجویان پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز در خصوص فرم ارزشیابی اساتید
- ۳۴۱ تبیین درک دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران از هویت حرفه ای تجربه شده در مقاطع آموزش بالینی: یک مطالعه کیفی
- ۳۴۳ بررسی رابطه مهارت های ارتباطی اساتید با تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان
- ۳۴۵ ارزیابی اثر زیست آهنگ بر میزان حساسیت صوتی و ترس از ارزیابی منفی در دانشجویان
- ۳۴۷ چالش های ارتباط و مشارکت در کلاس منحصرآ مجازی در دوران کوید؛ مطالعه ایی کیفی
- ۳۴۹ پاسخگویی آموزش مداوم: بررسی ارتباط میان مشارکت پزشکان در فعالیت های آموزش مداوم و رویداد قصور و تخلفات پزشکی
- ۳۵۱ تحلیل نیازهای آموزشی برنامه های فلوشیپ چشم پزشکی ایران: یک تحقیق کیفی بر اساس مدل STEEPV
- ۳۵۳ طراحی، اجرا و ارزشیابی پاورپوینت های انیمیشنی در آموزش آناتومی
- ۳۵۵ تاثیر یادگیری به شیوه ی بازی وارسازی وقایع علوم پزشکی (سلامت و ایمنی شغلی) در قالب چت بات برای پلتفرم موبایل های هوشمند
- ۳۵۷ طراحی، اجرا و ارزیابی آموزش مبتنی بر کیس در بهبود رضایت، نگرش و دانش دانشجویان پزشکی: اقدام پژوهی
- ۳۵۹ بررسی نظرات دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی نسبت به ابعاد مختلف سیستم آموزش مجازی دان
- ۳۶۱ بررسی اثربخشی آموزش بالینی از دیدگاه اساتید و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود
- ۳۶۳ تأثیر مدل نظارت بالینی بر عملکرد دانشجویان اینترنشیپ مبتنی بر فرایند پرستاری: یک مطالعه ی تجربی
- ۳۶۵ بررسی میزان اثربخشی روش کلاس درس وارونه در تدریس سرفصل مقطع استاژری چشم پزشکی طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره آموزشی بخیه زدن به روش شبیه سازی در افزایش اعتماد به نفس دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی فسا
- ۳۶۷
- ۳۶۹ تاثیر روش کلاس معکوس و ارزشیابی با روش ویژگی های کلیدی بر آموزش دستیاران پزشکی خانواده
- ۳۷۰ بررسی تأثیر روش آموزشی تشویق به خطای دارویی بر دانش و صلاحیت ایمنی دارویی دانشجویان پرستاری: یک مطالعه ی نیمه تجربی
- ۳۷۲ مقایسه آموزش عفونت پس از زایمان به دو روش سخنرانی و نقشه مفهومی بر اساس دو سطح اول مدل کرک پاتریک در دانشجویان مامایی علوم پزشکی اردبیل
- ۳۷۳ بررسی بکارگیری روش تدریس کلاس وارونه جهت ارتقا دانش و آمادگی دانشجویان پزشکی در برابر حوادث و بلایا
- ۳۷۵ ارزیابی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد نسبت به یادگیری آمار به کمک تکنولوژی
- ۳۷۷ کار گروهی و عملکرد گروه در آموزش مجازی دانشجویان پرستاری در دوران کووید

- ۳۷۹ مقایسه تاثیر دو روش آموزشی بازخورد لحظه‌ای و گزارشگری ضبط ویدئویی بر مهارت احیای قلبی ریوی پایه در دانشجویان پرستاری
- ۳۸۱ تأثیر روش بازخورد بر یادگیری دستیاران زنان و زایمان در مدیریت خونریزی زودرس پس از زایمان
- ۳۸۳ بررسی ابعاد مدیریت منابع انسانی استراتژیک از دیدگاه کارکنان و اعضای هیات علمی در دانشکده پرستاری مامایی تهران
- ۳۸۵ تبیین شاخص‌های اخلاق حرفه‌ای اساتید علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی
- ۳۸۶ طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه توانمندسازی اعضای هیات علمی دانشگاه‌های کلان منطقه ۵: همکاری‌های بین دانشگاهی از طریق مدل‌های نیازسنجی
- ۳۸۸ توانمندسازی پژوهشی اساتید، دانشجویان و محققین از طریق آموزش و مشاوره الکترونیکی در حیطه آنالیز آماری و مقاله‌نویسی و مقایسه آن با آموزش چهره به چهره در دوران کووید
- ۳۹۰ طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه ارتقای مهارت‌های آموزشی اساتید بالینی با استفاده از رویکرد همتای نزدیک در دانشگاه علوم پزشکی کرمان
- ۳۹۲ بررسی نظرات اساتید مشاور شرکت‌کننده در کارگاه آموزشی آشنایی با آیین نامه‌های تسهیلات آموزشی، پژوهشی و رفاهی ویژه دانشجویان ممتاز استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان
- ۳۹۴ تبیین نقش و ویژگی‌های ناظر بالینی در توانمندسازی دانشجویان پزشکی
- ۳۹۶ بررسی ارتباط اضطراب ناشی از بیماری کووید - ۱۹ با فرسودگی تحصیلی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س) شیراز
- ۳۹۸ بررسی میزان تعامل دانشجویان و استادان مشاور تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی آبادان و عوامل موثر بر آن در دوران شیوع پاندمی کووید
- ۴۰۰ نقش پیش‌گویی‌کنندگی عزت‌نفس و رشته تحصیلی بر سلامت روان دانشجویان مقطع کارشناسی حرف بهداشتهی حیطه: مشاوره و حمایت دانشجویی
- ۴۰۱ بررسی اثر حمایت اجتماعی، خودکارآمدی تحصیلی و عزت‌نفس بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی علوم پزشکی بوشهر
- ۴۰۳ بررسی رابطه بین همدلی و فرسودگی شغلی در دستیاران پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز
- ۴۰۵ بررسی همبستگی بین هوش معنوی و فرسودگی شغلی بین دستیاران بالینی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در هنگامه همه‌گیری کووید
- ۴۰۷ مقایسه میزان همدلی دانشجویان ایرانی سال اول و سال آخر پزشکی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی مشهد
- ۴۰۹ تجربیات موثر بر ارتقای خودتصنیفی کارورزان پزشکی: یک پیمایش کیفی
- ۴۱۱ اشتیاق و نگرش دانشجویان رشته‌های بهداشت نسبت به رشته تحصیلی در بدو ورود به دانشکده علوم پزشکی بهبهان

- ۴۱۳ بررسی اثر بخشی آموزش مدیریت خشم بر بروز خشم و راهبردهای مقابله ای در دانشجویان کارشناسی پرستاری
- ۴۱۵ طراحی، اجرا و ارزیابی بازی آموزشی دیابت برای دانشجویان داروسازی
- ۴۱۷ بررسی دانش، نگرش و عملکرد پیشگیرانه تیم جراحی در مورد عوارض دود جراحی در بیمارستان‌های آموزشی یزد
- ۴۱۹ موانع موفقیت احیای قلبی ریوی از دیدگاه ارائه دهندگان خدمات فوریت‌های پزشکی
- ۴۲۰ همبستگی بین بازخورد در آموزش بالینی و خود پنداره حرفه ای در دانشجویان پرستاری
- ۴۲۱ میزان استفاده اساتید دانشگاه علوم پزشکی ارومیه از ابزارهای تعاملی سیستم مدیریت یادگیری در دوران پاندمی کووید
- ۴۲۳ بررسی کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پرستاری طبس در دوران پاندمی کووید
- ۴۲۵ بررسی ارتباط میان سواد دیجیتال با میزان آمادگی یادگیری الکترونیک در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی آجا در طی پاندمی کووید
- ۴۲۷ تجربه یادگیری مبتنی بر تیم دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی
- ۴۲۹ ارزیابی محیط آموزشی بالینی بر اساس مدل DREEM از دیدگاه دانشجویان اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی لرستان
- ۴۳۱ طراحی، اجرا و ارزشیابی رویکرد آموزشی کلاس درس وارونه مجازی در بهبود محیط آموزشی و عملکرد تحصیلی دانشجویان فیزیوتراپی
- ۴۳۲ طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزش درمان تکاملی- عصبی در کودکان مبتلا به فلج مغزی برای دانشجویان توانبخشی: یک برنامه مبتنی بر گوشی‌های هوشمند براساس مدل ADDIE
- ۴۳۴ ارزیابی نظام آموزش مجازی دانشکده علوم پزشکی شوشتر در دوران پاندمی کرونا و ویروس
- ۴۳۶ بازسازی بازخورد در آموزش عالی پزشکی: طراحی ابزار REFLECT جهت سنجش وضعیت ارائه بازخورد در آموزش دستیاری
- ۴۳۸ پیش بینی سرزندگی تحصیلی دانشجویان رشته های علوم بهداشتی مبتنی بر مولفه های حمایت تحصیلی
- ۴۴۰ روانسنجی ابزار اندازه گیری استراتژی‌های فراانگیزی در دانشجویان هوشبری
- ۴۴۲ کاربرد گروه‌های بالینت در بهبود روابط پزشک و بیمار در میان دستیاران روان پزشکی
- ۴۴۴ روانسنجی ابزار و اندازه گیری استراتژی‌های خودتنظیمی انگیزه تحصیلی در فراگیران دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان
- ۴۴۶ بررسی تاثیر آموزش راند مجازی موارد بالینی کووید-۱۹ بر دیدگاه دانشجویان پزشکی مقطع کارآموزی داخلی نسبت به استفاده از استدلال بالینی در مواجهه با بیماران کووید-۱۹ در بیمارستان شریعتی
- ۴۴۸ بررسی تاثیر بازاندیشی بر روی بازخوردهای دریافتی حین آموزش بخیه، بر یادگیری کارآموزان در گروه جراحی دانشگاه علوم پزشکی کاشان
- ۴۵۰ بهبود کیفیت یاددهی و یادگیری در دوره دستیاری جراحی با طراحی، اجرا و ارزیابی بازخورد ساختاریافته

- ۴۵۲ چگونه مهارت های ارتباط پزشکی و بیمار را با روش های یادگیری فعال در فضای مجازی آموزش دهیم؟
- ۴۵۴ فرایند تامل بر تجارب بالینی دانشجویان پرستاری در محیط یادگیری بالینی
- ۴۵۶ استفاده از طرح تدریس اعضای تیم (TMTD) مجازی، برای یادگیری مشارکتی در مقطع علوم پایه پزشکی در دوران همه گیری کرونا: یک مطالعه اقدام پژوهی
- ۴۵۷ ارزیابی نظرات اینترن ها در مورد آموزش تجویز منطقی آنتی بیوتیک به روش آموزش مبتنی بر سناریو از طریق سیستم تصمیم یارهمتا
- ۴۵۹ بررسی تاثیر استفاده از نرم افزار چیدن میزجراحی بر دانش و مهارت بالینی دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل
- ۴۶۱ تأثیر یک برنامه آموزشی بر مهارت های ارتباطی دانشجویان پرستاری بر اساس یک مدل ارتباطی: یک مطالعه نیمه تجربی
- ۴۶۳ افزایش دانش و عملکرد کارورزان پزشکی از طریق ادغام میکرولرنینگ و آموزش مبتنی بر وظیفه در روتیشن گوش، گلو و بینی
- ۴۶۴ شناسایی علل و مداخلات موثر در افت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان مشروطی در دانشگاه علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی
- ۴۶۶ طراحی، اجرا و ارزشیابی فرایند منتورینگ پیش عرصه، گامی بسوی ارتقای یادگیری دانشجویان در حیطه شناختی پیش از ورود به عرصه کارآموزی
- ۴۶۸ بررسی عوامل استرس زا و سبک های مقابله با آن در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی البرز
- ۴۷۰ ارزیابی فرسودگی تحصیلی و تعیین گره های آن از دیدگاه دستیاران، کارآموزان و کارورزان رشته پزشکی مرکز آموزشی درمانی امام خمینی (ره) ساری
- ۴۷۲ بررسی تاثیر آموزش استراتژی های تنظیم انگیزش تحصیلی بر مؤلفه های انگیزشی دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی زنجان
- ۴۷۴ بررسی وضعیت مشاوره تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران
- ۴۷۶ پدیده قلدری در محیط کار در بین دانشجویان علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی
- ۴۷۸ شناسایی و اولویت بندی عوامل استرس زای دستیاران رشته زنان و زایمان
- ۴۸۰ مقایسه عوامل تنش زا در دانشجویان پرستاری و پزشکی در پاندمی کووید ۱۹
- ۴۸۲ وضعیت تندرستی روان (Psychological Well-Being) و عوامل مرتبط با آن در آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان
- ۴۸۴ تأثیر آموزش همتایان بر عملکرد دارودرمانی دانشجویان پرستاری در بخش های کودکان
- ۴۸۶ آموزش بین حرفه ای ضرورتی برای ارتباط موثر بین حرفه ای
- ۴۸۷ تأثیر آموزش اخلاق پرستاری با نمایش فیلم بر استدلال اخلاقی دانشجویان پرستاری: یک مطالعه نیمه تجربی

- طراحی، اجرا و ارزشیابی موشن گرافیک آموزشی آلودگی هوا جهت درس آلاینده‌ها و سلامت دانشجویان پزشکی ۴۸۹
- بررسی تاثیر تدریس گروهی در آموزش تریسینگ سفالومتری برای دانشجویان دانشکده دندانپزشکی زنجان ۴۹۱
- بررسی تاثیر یادگیری مبتنی بر مورد بر مهارت‌های تفکر انتقادی و هوش هیجانی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس ۴۹۳
- بررسی شیوع و پذیرش استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی به‌عنوان ابزار تدریس در بین اساتید دانشگاه علوم پزشکی همدان ۴۹۵
- تبیین نقش الگویی اعضای هیئت علمی در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دستیاران تخصصی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران ۴۹۷
- بررسی اثربخشی آستی بر اساس نظریه بازاندیشی دونالدشون بر عملکرد اساتید در آموزش مهارت ارتباطی ۴۹۹
- تبیین تجربیات زیسته دانشجویان پزشکی عمومی در خصوص کوریکولوم پنهان آموزش بالینی در پاندمی کووید ۱۹ ۵۰۱
- اندازه‌گیری رفتار بازخورد جویی دستیاران: روان‌سنجی سه ابزار ۵۰۳
- تحلیل همگرایی حوزه‌های پژوهشی آموزش پزشکی با هوش مصنوعی ۵۰۵
- بررسی میزان آمادگی یادگیری الکترونیکی و رابطه آن با عوامل دموگرافیک دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در دوران همه‌گیری کرونا ۵۰۷
- چالش‌ها و فرصت‌های آموزش بالینی در پاندمی کووید ۱۹ از دیدگاه دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی ۵۰۹
- ارزیابی میزان انطباق فرایندهای آموزش با استانداردهای آموزش بالینی در بیمارستان‌های تحت قرارداد با دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود ۵۱۰
- ادراک دانشجویان پیراپزشکی از محیط آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش ۵۱۱
- رویکردی نوین در ارزشیابی بالینی دانشجویان پرستاری در کارآموزی و کارورزی‌ها: کاربرد نرم افزار ارزیاب ۵۱۳
- بررسی مقایسه‌ای تأثیر آموزش به روش سخنرانی و ایفای نقش بر مهارت‌های ارتباط با بیمار در دانشجویان پرستاری ۵۱۵
- بررسی ارتباط درمانی پرستار با بیمار-دانشگاه علوم پزشکی کاشان ۵۱۶
- بررسی رابطه محیط آموزشی با یادگیری خودراهبر در دانشجویان کارشناسی پرستاری در دوران پاندمی کووید ۵۱۷
- بررسی اثر آموزش در گروه کوچک، نقشه ذهن و مفهومی در آموزش مجازی بر یادگیری درس گیاهان دارویی دانشجویان رشته داروسازی ۵۱۹
- تبیین درک و تجارب دانشجویان پزشکی و اعضای هیئت علمی از آموزش بالینی در زمان بحران کووید ۵۲۱

- ۵۲۳ بررسی مقایسه نمرات ابعاد خودکارآمدی (تحصیلی- بالینی) و میزان تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
- ۵۲۵ رضایت تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری: تحلیل مفهوم هیبرید
- ۵۲۷ تبیین چالش‌ها و موانع تاثیر گذار بر کاربرد و توسعه محتوای آموزشی الکترونیک از دیدگاه اساتید علوم پزشکی: مطالعه کیفی تحلیل محتوا
- ۵۲۹ بررسی رابطه درگیری فکری با حافظه کاری و آموزش در دانشجویان علوم پایه پزشکی مشهد
- ۵۳۰ بررسی رابطه سبک‌های حل مسئله و مدیریت کلاس درس آنلاین در اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی مشهد
- ۵۳۲ عوامل موثر بر مدیریت زمان دانشجویان کارشناسی و پزشکی عمومی دانشگاه های علوم پزشکی کشور ایران در دوران همه گیری کووید
- ۵۳۴ تبیین الزامات کارآفرینی در دانشگاه‌های علوم پزشکی و موسسات آموزش عالی سلامت
- ۵۳۷ تبیین مدل سرآمدی مرجعیت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم از طریق مدل تحلیل سلسله مراتبی تصمیم گیری گروهی
- ۵۳۹ بررسی رابطه توانایی حل مسئله و تنظیم هیجان در دانشجویان دندان پزشکی قزوین
- ۵۴۱ شناسایی ابعاد تاثیرگذار آموزش پاسخگو در دانشگاه علوم پزشکی مازندران
- ۵۴۳ شناسایی وضعیت آموزش علوم پزشکی پاسخگو و ارائه راهکارهای اجرایی از دیدگاه خبرگان حوزه آموزش
- ۵۴۵ بررسی تاثیر اتاق عمل شبیه سازی شده در مرکز مهارت‌های بالینی بر افزایش سطح مهارت‌های فردی و رضایتمندی دانشجویان اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی جیرفت و بم
- ۵۴۶ دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایلام درخصوص مفاهیم و ضرورت برنامه آموزشی پزشکی پاسخگو
- ۵۴۷ نیاز های آموزشی درک نشده پزشکان خانواده شاغل در مراکز خدمات جامع سلامت در حیطة بیماری های قلبی عروقی
- ۵۴۹ امکان‌سنجی استفاده از برنامه‌ی آموزش بدون سخنرانی در آموزش هوشبری در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران
- ۵۵۱ بررسی میزان دستیابی به اهداف آموزشی تماس زودرس با بیمار از دیدگاه دانشجویان پزشکی در دوره علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
- ۵۵۳ بررسی وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه اساتید رشته های پرستاری و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم
- ۵۵۴ تبیین چالش‌ها و راهکارهای توسعه دانش پژوهی آموزشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران: مطالعه کیفی
- ۵۵۶ بررسی تاثیر آموزش کنترل استرس از طریق پادکست بر تعارض کار و زندگی در دستیاران خانم دانشگاه علوم پزشکی ایران
- ۵۵۸ ارتباط بین گرایش به تفکر انتقادی با خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان پزشکی

- ۵۵۹ مولاژ الکترونیکی نمایش ارتباط شبکه بازویی و عضلات اندام فوقانی
- ۵۶۱ بررسی نقش میانجی اضطراب آزمون در رابطه بین اهمال کاری و خود ناتوان سازی دانشجویان
- ۵۶۲ با گذشت قریب بیست سال چالش های آموزش بالینی در حیطه های مختلف چه تغییری کرده است؟ مقایسه دیدگاه دانشجویان درمورد مشکلات آموزش بالینی امروز و دیروز
- ۵۶۵ ارزیابی عملکرد مربیان بالین هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دیدگاه دانشجویان
- ۵۶۷ آسیب شناسی فرآیند تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی مشهد از دیدگاه دانشجویان در حال تحصیل در سنوات خارج از بازه مجاز
- ۵۶۹ بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دکتری تخصصی سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ دانشگاه علوم پزشکی مشهد
- ۵۷۱ تبیین و ارزیابی نقش فرهنگ سازمانی مبتنی بر تعامل و یادگیری در اثربخشی عملکرد پرستاران
- ۵۷۳ سناریوی مطلوب رشته تخصصی کودکان
- ۵۷۵ بررسی علل و تمایل به مهاجرت پزشکان از دیدگاه دستیاران تخصصی دانشگاه های علوم پزشکی منتخب
- ۵۷۷ اعتبارسنجی و هنجاریابی ابزار رهبری چند عاملی در مدیران دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
- ۵۷۸ واکاوی چالش های موجود در زمینه پایان نامه های دانشجویی از دیدگاه اعضای هیئت علمی در راستای ایجاد سیستم هدفمندی پایان نامه های دانشجویی
- ۵۸۰ بررسی میزان اثربخشی برنامه آموزشی مهارت های ارتباطات میان فردی بر همدلی بالینی دانشجویان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل
- ۵۸۲ تجربه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده پرستاری و مامایی ساری در اجرای پایان نامه هایشان در طی همه گیری کووید-۱۹: یک مطالعه کیفی
- ۵۸۴ تدوین سند دیده بانی آموزش پزشکی مجازی در شرایط مشابه با قرنطینه جهانی کووید ۱۹
- ۵۸۶ تحلیل کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین بر اساس مدل SERVQUAL
- ۵۸۸ تأثیر سامانه مدیریت تحصیلی دانشجویان بر فرآیندهای آموزشی و پژوهشی دانشجویان دکتری تخصصی
- ۵۹۰ خشونت کلامی و واکنش حرفه ای به آن در محل کار ماماها های شاغل در بیمارستان های دولتی شهر تهران
- ۵۹۲ بازنگری شرح وظایف: ارتقا عملکرد مراکز و دفاتر توسعه آموزش
- ۵۹۴ ارزیابی وضعیت مدیریت تغییر در آموزش علوم پزشکی: مورد مطالعه دانشکده فناوری های نوین



- 596 Effect of Gamification of Anatomy Teaching on Long-Term Retention of Students
- 598 Simulation Based Training Improves Laparoscopic Surgical Skills in Trainee Surgeons
- 599 Planning, implementation and evaluation of the new Internal Medicine internship rotation curriculum in the School of Medicine of Tehran University of Medical Sciences (SoM-TUMS)
- 601 Introduction of Near-Peer Mentorship Program in an Undergraduate Medical College in Pakistan: A Pilot Study
- 603 Duration of Daily in-Patient Contact; a Determinant of Empathy Level Among Healthcare Professionals
- 604 Switching Trends in Medical Education: Faculty Perception
- 606 Workbook-Based Ethics Learning: A Novel Approach for Overcoming the Barriers and Enhancement of Cognitive Skills in Ethics Education
- 608 Self-Assessment of Active Learning and Critical Thinking during Problem-Based Learning: An Exploratory Study
- 610 Assessment of professionalism attitudes in students of government and private medical college using learner's attitudes to medical professionalism scores (LAMPS)
- 611 Formative assessment how we should give feedback?
- 613 Relationship of Depression, Anxiety, and Stress with Academic Performance among University Students during COVID-19 Pandemic
- 614 Design, implementation and evaluation of a virtual escape room for learning interprofessional management of diabetic patients
- 616 Professionalism among academic educational leaders: A concept analysis
- 617 Design, Implementation and Evaluation of Gamified Pharmacotherapy Course Based on Interprofessional Teamwork (VAR-PHARIN)
- 618 Opportunities and Challenges of Hospital Institutional Accreditation from the Stakeholders' Viewpoints
- 619 Determinant factors in adopting E-learning in healthcare based on extended model of UTAUT and TTF

بررسی تاثیر محرک های بصری در یادگیری دانشجویان دندانپزشکی البرز

آرزو آقا کوچک زاده*^۱، نیایش دانشور پورا^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

نویسنده مسئول: آرزو آقا کوچک زاده

مقدمه:

در چند سال گذشته، مدرسان برای به کارگیری روش های بهتر آموزشی و جهت ارتقای سطح آموزش به استفاده از نرم افزارهای کامپیوتری و پاورپوینت ها (Desktop Presentation Programs) سوق داده شده اند. استفاده از DPPs برای دو گروه اساتید و دانشجویان سودمندست و یکی از بارزترین سودمندی های استفاده از این نرم افزارها، تفکیک و تمایز بصری مطالب با استفاده از به کارگیری رنگ های مختلف، پس زمینه های مرتبط و گیرا و تصاویر است. نرم افزارهایی که جهت ارائه ی مطالب از آن ها استفاده می شود به اساتید امکان ایجاد محیطی پویا و ارائه ای خلاقانه را می دهند. نکات کاربردی در نحوه ی استفاده از این ابزار آموزشی مواردی مانند انتخاب فونت، رنگ و اندازه ی نوشته های به کار برده شده است، که از عوامل تاثیرگذار در یادگیری و ماندگاری بیشتر مطالب در حافظه ی دانشجویان هستند. مطالعات مختلفی درخصوص استفاده از پاورپوینت در جهت آموزش و یادگیری باکیفیت تر انجام شده است و طبق این مطالعات استفاده از روش تدریس با به کارگیری پاورپوینت در مقایسه با روش قدیمی تر، علاوه بر جلب توجه بیشتر دانشجویان، منجر می شود که اساتید دقت بیشتری در آماده سازی و ارائه ی مطالب آموزشی داشته باشند. از آنجایی که با وجود مطالعات انجام شده در خصوص استفاده از DPPs همچنان نتیجه ای دقیق در دسترس نیست و به ویژه بررسی بر روی دانشجویان رشته های علوم پزشکی اندک است، بر آن شدیم به بررسی تاثیر استفاده از عوامل بصری در یادگیری دانشجویان دانشکده دندانپزشکی البرز بپردازیم.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی است. نمونه های مورد بررسی شامل تمامی دانشجویان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی البرز که برای اولین بار واحد درسی "آموزش مهارت های ارتباطی بالینی" را در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ اخذ کرده بودند، می باشد. جهت ارائه این درس، از پاورپوینت های طراحی شده با سه فرمت نوشتاری مشخص (فونت تمام موارد بی نازنین) استفاده گردید، که شامل: ۱. تمام محتوا به رنگ مشکی و غیربرجسته (بدون علامت) ۲. در کنار مطالب پر اهمیت ستاره ای به رنگ زرد قرار داده شده بود ۳. موارد مهم به صورت رنگی و برجسته مشخص شده بودند. همچنین مطالب به صورت یکسان و توسط استاد مشترک ارائه شد. در پایان ترم، محتوای تبدیل شده به فرمت pdf با همان نشانه گذاری های ذکر شده در اختیار دانشجویان جهت مطالعه

قرار گرفت. تعداد جلسات تدریس و سوالات امتحانی از مباحث در تمامی گروه ها با هم برابر بود. در انتها پس از برگزاری امتحانات، برگه های امتحانی با استفاده از روش کورسازی تصحیح و نتایج جمع آوری شدند. داده ها در چهار گروه و با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۲ حد معنی داری کم تر از ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج:

یافته های حاصل از بررسی نتایج آزمون در چهار گروه عنوان شد. گروه اول: بررسی گروه بدون علامت در مقایسه با مطالب ستاره دار که بین دو روش تفاوت معنی دار وجود داشت (PValue=0.035) و میانگین پاسخ های صحیح دانشجویان در روش ستاره دار (۴/۱۷)، نسبت به بدون علامت (۳/۲۹) بیشتر بود. گروه دوم: بررسی گروه بدون علامت در مقایسه با مطالب رنگی و برجسته که بین دو روش تفاوت معنی دار وجود داشت (PValue=0.00) و میانگین پاسخ های صحیح دانشجویان در روش رنگی و برجسته (۵/۱۷) نسبت به بدون علامت (۳/۲۹) بیشتر بود. گروه سوم: بررسی گروه بدون علامت با مطالب دو گروه دیگر رنگی و برجسته به همراه ستاره دار که بین آن ها تفاوت معنی دار وجود داشت (PValue=0.00) و میانگین پاسخ های صحیح دانشجویان در گروه های دارای محرک بصری (۴/۷۶) نسبت به بدون علامت (۳/۲۹) بیشتر بود. گروه چهارم: بررسی گروه ستاره دار در مقایسه با مطالب رنگی و برجسته که بین دو روش تفاوت معنی دار وجود داشت (PValue=0.014) و میانگین پاسخ های صحیح دانشجویان در روش برجسته و رنگی (۵/۱۷) نسبت به ستاره دار (۴/۱۷) بیشتر بود.

بحث و نتیجه گیری:

استفاده از محرک های بصری اثرات مثبتی در یادگیری دانشجویان به همراه داشته است و علاوه بر آن استفاده از مطالب به صورت رنگی و برجسته نتایج بهتری را نشان داده است. با به کارگیری روش های DPPS و همچنین استفاده از محرک های بصری در آموزش، احتمال موفقیت تحصیلی دانشجویان افزایش خواهد یافت و توصیه می شود که این روش در مقاطع آموزشی بیشتر و به صورت موثرتر استفاده شود.

کلمات کلیدی: محرک بصری، یادگیری، دانشجویان

مقایسه اثربخشی آموزش سنتی با کلاس درس معکوس و بازی‌وارسازی در آموزش مجازی دانشجویان هوشبری دانشگاه علوم پزشکی تبریز

علی صادقی ورزقان^۱، ریحانه ابری سردرودی^۲، علی اسدیان^۲، مهلا احمدفام^۲، لاجین ذکری^۲،

سنا حسن پور^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: ریحانه ابری سردرودی

مقدمه:

آموزش حضوری طی پاندمی کووید-۱۹ با اختلالات جدی مواجه شد. به همین ترتیب بسیاری از مراکز علمی ناچار به استفاده از آموزش مجازی شدند. مزایای آموزش مجازی عبارتند از: آموزش از راه دور، آموزش بدون محدودیت زمان-مکان، صرفه جویی در هزینه، شخصی سازی محیط یادگیری. آموزش سنتی، آموزش مبتنی بر سخنرانی مدرس است که مرسوم ترین شیوه آموزش مجازی می باشد. این شیوه تدریس معایبی نظیر خسته کنندگی بدلیل ازدیاد نکات، درک سطحی، یادگیری انفعالی و کاهش تفکر نقاد را در پی دارد. روش های دیگر آموزشی نظیر کلاس درس معکوس و بازی‌وارسازی نیز در محیط مجازی قابلیت اجرا دارد و می توانند باعث افزایش یادگیری شوند. هدف این مطالعه مقایسه یادگیری آموزش سنتی با کلاس درس معکوس و بازی‌وارسازی در بستر فضای مجازی است.

مواد و روش ها:

این پژوهش به شکل مطالعه شبه تجربی تک گروهی قبل و بعد (Before and After Quasi experimental one-group study) در پاییز ۱۴۰۱ بر روی ۲۵ (۱۸ دختر و ۷ پسر) دانشجوی کارشناسی هوشبری دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام شد. ماده درسی تحت مطالعه، درس "مراقبت های ویژه" بود. موضوعات درسی مورد پژوهش از نظر میزان همبستگی پارامترهای حجم مطالب، سختی موضوع و پیش زمینه ذهنی و آشنایی فراگیران توسط پنل خبرگان مورد ارزیابی قرار گرفته و پس از مقایسه آماری همبستگی مباحث، بحث مربوط به هایپرترمی دارویی) سندرم هایپرترمی بدخیم (MHS) سندرم نورولپتیک بدخیم (NMS) و سندرم سروتونین (SS) انتخاب شد (ضریب همبستگی کلی دو به دو این سندرم ها بالای ۰/۹ گزارش شد). برای هر کدام از مباحث، ۱۲ سوال پیش‌آزمون و ۱۲ سوال پس‌آزمون طرح شد و در پنل خبرگان حد نصاب، شاخص میلن و تاکسونومی سوالات بررسی شد. نمره حد نصاب پیش‌آزمون و پس‌آزمون جلسات به ترتیب عبارتند از MHS (30/7) و ۷/۳۰ (، NMS (40/7) و ۷/۳۷ و SS (52/7) و ۷/۵۴. نمره میلن سوالات هر ۶ آزمون کامل بود (۱۴ نمره). تاکسونومی سوالات نیز برای هر آزمون شامل ۵ سوال سطح ۱، ۴ سوال سطح ۲ و ۲ سوال سطح ۳ گزارش شد. پس از اطمینان از مشابه بودن مطالب و سوالات جلسات

از دید آماری، این سه جلسه به طور تصادفی برای روش های آموزشی ذکر شده، انتخاب شدند. به ترتیب، جلسه MHS به شکل آموزش سنتی در محیط اسکای روم، NMS به شکل کلاس درس معکوس در محیط اسکای روم برای مباحثه کلاسی و اپلیکیشن های پیام رسان برای ایجاد گروه های کوچک (small group) و SS به شکل بازی وارسازی اتاق فرار در بسته تحت وب اجرا شد. پیش آزمون ها قبل برگزاری جلسات و پس آزمون ها بعد برگزاری هر جلسه اخذ شد. نتایج حاصله و اختلافات قبل و بعد نمرات آزمون ها به وسیله نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ آنالیز شد.

نتایج:

میانگین نمرات حاصل از پیش آزمون و پس آزمون به ترتیب جلسات بدین شرح است 4.92 (2.10) MHS : و (۱,۷۵) ۷,۰۹، 3.20 (1.44) NMS و (۱,۶۰) ۷,۸۰ و نهایتاً 4.20 (1.60) SS و (۲,۳۱) ۸,۸۳. میانگین اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون 2.13 (1.25) MHS، 4.60 (1.80) NMS و 4.45 (2.12) SS گزارش می شود. در سطح معنی داری ۵ درصد، اختلاف نمرات بین جلسه MHS و NMS معنی دار است.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، آموزش سنتی، کلاس درس معکوس، بازی وارسازی

مقایسه تأثیر آموزش احیای قلبی ریوی پایه به روش چند حسی و منتور شیپ به دانشجویان پرستاری

محمد رضا یوسفی^۱، مریم جعفر نژاد^۲

۱. موسسه درمانی آستان قدس رضوی، خراسان رضوی، ایران

۲. دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: محمدرضا یوسفی

مقدمه:

احیای قلبی-ریوی مهمترین اقدام حیات بخش در بیماران دچار ایست قلبی تنفسی است. پرستاران اولین کسانی هستند که در موقع ایست قلبی در بیماران بستری، بر بالین آنان حاضر می شوند. انجام CPR با کیفیت مطلوب و اثر بخش نیازمند آموزش عمیق و پایدار می باشد. از آنجا که روش های سنتی آموزش باعث یادگیری عمیق نمی شود، استفاده از روش های نوین پیشنهاد شده است. هدف از این پژوهش مقایسه تأثیر آموزش احیای قلبی ریوی پایه به روش چند حسی و منتور شیپ به دانشجویان پرستاری می باشد.

مواد و روش ها:

این مطالعه از نوع مداخله ای با جامعه آماری 69 نفر از دانشجویان پرستاری ترم 5 و 6 می باشد. دانشجویانی که معیار ورود را داشتند، بصورت تصادفی ساده به سه گروه (گروه یک: آموزش به روش منتور شیپ، گروه دو: آموزش به روش چند حسی و گروه سه: آموزش به روش معمول) تقسیم شده و پرسشنامه آزمون سنجش دانش و چک لیست سنجش مهارت CPR بصورت قبل از پروتکل و پس از پایان آموزش تکمیل گردید. در گروه منتورشیپ دانشجویان در محیط بیمارستان توسط فرد با تجربه و با مهارت بالا در انجام CPR آموزش داده شدند، گروه چند حسی، ابتدا فایل های ویدئویی، صوتی و جزوات آموزشی را مشاهده کرده و در زمان کلاس در حین شنیدن و دیدن عملیات CPR، دانشجویان بر روی مانکن روش را اجرا نمودند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن 24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

بیشترین نمره کسب شده در آزمون سنجش دانش CPR مربوط به گروه آموزش به روش منتورشیپ بوده و بیشترین نمره کسب شده در سنجش مهارت CPR در گروه آموزش به روش چند حسی (18/1±1/17) می باشد. مقایسه نتایج گروه منتورشیپ با آموزش به روش معمول، گروه چندحسی با گروه آموزش به روش معمول معنا دار بوده (P<0/05) و مقایسه نتایج گروه منتورشیپ با چند حسی معنا دار نبود (P>0/05).

بحث و نتیجه گیری:

آموزش به روش چند حسی و منتورشیپ از روش های مؤثر در ارتقاء سطح آگاهی و یادگیری عمیق و پایدار دانشجویان در زمینه احیای قلبی ریوی می باشد. پیشنهاد می شود در جهت ارتقاء آموزش بالینی در برنامه ریزی آموزشی مد نظر قرار گیرد.

کلمات کلیدی: احیای قلبی، منتورشیپ، چند حسی



طراحی و توسعه سامانه شبیه‌ساز آموزش سیستم‌های اطلاعات بیمارستانی

ناهید محرابی^۱، احسان نبوتی^۲، علیرضا شهریاری^۱، فائزه غفاری^۳، رضا عباسی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران
۳. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: ناهید محرابی

مقدمه:

بسیاری از دانشجویان علوم پزشکی به خصوص در دوران کارآموزی خود به علت محدودیت‌ها و ملاحظاتی مانند شلوغی محیط بیمارستان، اهمیت حفظ امنیت اطلاعات و لزوم توجه به ایمنی بیماران، فرصت کافی برای کار کردن با سیستم اطلاعات بیمارستانی را ندارند. در چنین شرایطی، یکی از روش‌های مفید برای افزایش مهارت‌های عملی دانشجویان، استفاده از روش‌های یادگیری الکترونیکی و سامانه‌های شبیه‌ساز آموزشی می‌باشد. هدف از انجام این مطالعه، طراحی و توسعه یک سامانه شبیه‌ساز برای آموزش سیستم‌های اطلاعات بیمارستانی برای دانشجویان رشته مدیریت و فناوری اطلاعات سلامت بود.

مواد و روش‌ها

این مطالعه کاربردی در سال ۱۴۰۱ انجام شد. برای این منظور، ابتدا جلسات گروهی متمرکز آنلاین میان متخصصین مدیریت و فناوری اطلاعات سلامت، انفورماتیک پزشکی، آموزش پزشکی و فناوری اطلاعات در دو دانشگاه علوم پزشکی کاشان و ارتش برگزار شد. در این جلسات، نیازهای اطلاعاتی و قابلیت‌های عملکردی سامانه شبیه‌ساز تعاملی آموزش سیستم‌های اطلاعات بیمارستانی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و پس از اطمینان از امکانپذیر بودن هر کدام از آنها، توسط پژوهشگر و در داخل یک چک لیست ثبت و نهایی شد. پس از طراحی مدل مفهومی سامانه، توسعه آن با استفاده از زبان برنامه‌نویسی C#، رابط کاربری HTML و Bootstrap و پایگاه‌داده SQL server، انجام شد. صحت عملکرد سامانه نیز توسط دو ارزیاب و از طریق پیمایش در آن، مورد بررسی قرار گرفت. مشکلات عملکردی موجود در سامانه، شناسایی و پس از بازخورد به تیم توسعه‌دهنده، برطرف شد. در نهایت، محتوای آموزشی و تعاملی سامانه بر روی سامانه بارگذاری گردید.

نتایج:

سامانه شبیه‌ساز آموزش سیستم‌های اطلاعات بیمارستانی به صورت مبتنی بر وب و برای سه اشتراک مدیر سامانه، استاد درس و دانشجو طراحی شد. برای هر یک از کاربران، قابلیت‌های عملکردی مبتنی بر نقش آنها در نظر گرفته شد. محتوای آموزشی قرار گرفته بر روی سامانه شامل سه بخش آموزش، تمرین

و آزمون است. از جمله قابلیت‌های این سامانه می‌توان به ثبت‌نام کاربران و مدیریت سطوح دسترسی آنها، داشبورد مدیریتی سامانه، اختصاص محتوا به دانشجویان، مشاهده محتوای آموزشی، انجام تمرین‌های مکرر و آزمون‌های عملی توسط دانشجویان، ایجاد بانک سوالات، طراحی پرسشنامه و آزمون آنلاین، گزارش‌گیری از عملکرد کاربران، نتایج آزمون‌ها و پرسشنامه‌های تکمیل شده، دریافت خروجی اکسل از گزارشات، پیام‌رسانی درون برنامه‌ای، سفارشی‌سازی و پیکربندی سامانه اشاره کرد.

بحث و نتیجه‌گیری:

همانگونه که مطالعات متعددی نیز نشان داده‌اند، طراحی یک سامانه آموزش الکترونیک با قابلیت‌های مناسب و مبتنی بر نظر متخصصین، می‌تواند به فرایند آموزش دانشجویان کمک کند. استفاده از یک سامانه شبیه‌ساز سیستم‌های اطلاعات بیمارستانی، علاوه بر تقویت توانمندی دانشجویان مدیریت و فناوری اطلاعات سلامت پیش از ورود به عرصه کارآموزی، می‌تواند برای سایر رشته‌های علوم پزشکی مانند پزشکی، پرستاری و علوم پیراپزشکی نیز مفید باشد. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود تا این سامانه توسط دانشجویان رشته فناوری اطلاعات سلامت مورد استفاده قرار گرفته و تاثیر آن بر میزان مهارت و توانمندی دانشجویان ارزیابی شود. همچنین در صورت رضایتمندی از نتایج ارزیابی، برای دانشجویان سایر رشته‌های علوم پزشکی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: آموزش الکترونیکی، سامانه‌های شبیه‌ساز، سیستم‌های اطلاعات بیمارستانی، دانشجویان

طراحی و تولید بسته آموزشی الکترونیکی جراح یار لاپاراسکوپي و ارزیابی میزان رضایتمندی دانشجویان کارشناسی تکنولوژی اتاق عمل در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

فاطمه اکبری^۱، فاطمه کشمیری^۱، فاطمه جبینیان^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه کشمیری

مقدمه:

انجام فعالیت حرفه‌ای در حوزه لاپاروسکوپي یکی از وظایف مهم افراد درگیر در فیلد جراحی از جمله رزیدنت های جراحی، دانشجویان و پرسنل اتاق عمل و ... است. توانایی مشارکت صحیح در جراحی‌های لاپاروسکوپي و تسلط بر چگونگی استفاده و کاربرد ابزار و تجهیزات حساس و گران‌قیمت آن، اهمیت کسب دانش نظری و عملی را در این زمینه دوچندان کرده است. امروزه جهت ارتقای کیفیت آموزش در حیطه‌های تکنولوژی جراحی، روش‌های نوین آموزشی از جمله ساخت نرم‌افزارها و شبیه‌سازها بسیار مورد توجه قرار گرفته است. لذا این مطالعه باهدف طراحی و تولید بسته آموزشی الکترونیکی جراح یار لاپاراسکوپي و ارزیابی میزان رضایتمندی دانشجویان کارشناسی تکنولوژی اتاق عمل انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش مطالعه‌ای توسعه‌ای بود که در مرحله اول به طراحی و تولید محتوای مبتنی بر نقشه مفهومی و پنل های مختلف بسته الکترونیکی (اپلیکیشن جراح یار) پرداخته شد. پس از تأیید نهایی ساختار و محتوای اپلیکیشن توسط متخصصین، کد نویسی های لازم انجام و اپلیکیشن به مرحله بهره برداری رسید. ارزیابی میزان رضایت کاربر از جنبه‌های مختلف اپلیکیشن به کمک پرسشنامه QUIS با مشارکت ۵۶ نفر از دانشجویان اتاق عمل انجام گرفت. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری توصیفی در نرم‌افزار SPSS25 تجزیه و تحلیل شد.

نتایج:

این اپلیکیشن یک سامانه برخط (آنلاین) بوده و قابل اجرا در تلفن همراه هوشمند با سیستم‌عامل‌های اندروید و ios است. بدین صورت که برای سیستم‌عامل اندروید نسخه قابل نصب (با حجم کمتر از ۲ مگابایت) و برای تلفن همراه با سیستم‌عامل ios وب اپلیکیشن به آدرس <https://co-surgery.ir/> طراحی شد. از سرور اوبونتو (Ubuntu)، وب‌سرور انجینکس (Nginx) و دیتا بیس می‌اس‌کیو ال (MySQL) در تولید بسته الکترونیکی استفاده شد. زبان برنامه‌نویسی PHP و فریمورک آن لاراول (Laravel) انتخاب شد تا به وسیله آن وب اپلیکیشن با قابلیت تعاملی مانند سطوح دسترسی مختلف برای کاربران، امکان

ثبت نام و ایجاد کاربر جدید، پنل کاربری، ذخیره اطلاعات و ... طراحی شود. برای طراحی نسخه اندروید از زبان جاوا بهره گرفته شد. یکی از ویژگی‌های جذاب این اپلیکیشن وجود پنل مدیریت بود که با ورود به آن محقق می‌توانست اطلاعات مربوط به محتوای آموزشی اعم از متن، تصویر، فیلم، لینک، تنظیم ترتیب نمایش صفحات و ... را به دلخواه خود تنظیم و ویرایش نماید. در انتهای کار محتوای آموزشی در قالب شش پنل اصلی (ابزارشناسی، گام به گام جراحی، چیدمان میز جراحی، پازل دو به دو، آزمون و نقشه‌های مفهومی) و بر پایه‌ی استراتژی‌های آموزشی نوین از جمله بازی وارسازی، روش جورکردنی (matching)، روش نقشه مفهومی (concept map) و ... تولید شد. در دسترس دانشجویان قرار گرفت و میزان رضایتمندی کاربران سنجیده شد. با توجه به پنج آیتام کلی رضایتمندی رابط کاربری از بسته آموزشی شامل نظر کلی در رابطه با کارکرد نرم افزار، صفحه‌نمایش، مجموعه اصطلاحات و اطلاعات نرم‌افزار، قابلیت یادگیری نرم‌افزار و قابلیت‌های کلی نرم‌افزار میانگین امتیاز به دست آمده از صفر تا ۹ امتیاز در نظر گرفته شده، بین ۶ تا ۸ امتیاز به معنی رضایتمندی در سطح خوب به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری:

با توجه به رضایتمندی و استقبال دانشجویان از اپلیکیشن جراح یار پیشنهاد می‌شود از این قبیل ابزارهای کمک‌آموزشی جهت ارتقای سطح رضایت و کیفیت آموزش به‌ویژه در واحدهای بالینی و تخصصی موردتوجه مدرسین و برنامه ریزان آموزشی قرار گیرد تا به فراخور امکانات سیستم آموزشی و اهمیت واحدهای درسی از آن بهره‌مند شوند. همچنین به نظر می‌رسد توسعه چنین اپلیکیشن‌هایی در سایر فیلدهای بالینی مانند قلب و عروق، مغز و اعصاب و ... که به علت شرایط حساس و پیچیده امکان آموزش کمتری فراهم است می‌تواند به پیوند هر چه بیشتر دانش شناختی به دانش عملکردی و رفتاری کمک کند.

کلمات کلیدی: آموزش الکترونیکی، نقشه مفهومی، لاپاراسکوپی



مقایسه تاثیر تدریس مبتنی بر ترسیم نقشه مفهومی با تدریس سنتی (سخنرانی) بر یادگیری و میزان رضایتمندی از درس باکتری شناسی پزشکی

مجید زارع بیدکی^۱، محدثه مشکین روا^۱، سیده فاطمه عسکری^۱، فاطمه باقر نژاد حصار^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

نویسنده مسئول: مجید زارع بیدکی

مقدمه:

استفاده از روش های نوین و فعال یادگیری و دانشجو محور از سوی سیستم های آموزشی احساس شده است و کاربرد این روش ها در علوم مختلف از جمله در علوم پزشکی متداول شده است. نقشه مفهومی به عنوان یکی از شیوه های آموزشی که به فهم عمیق مطالب و ارتباط مفاهیم کمک می کند به عنوان یک سبک جدید در تدریس مدنظر قرار گرفته است. در مطالعه حاضر تاثیر استفاده از نقشه مفهومی در یادگیری و میزان رضایتمندی دانشجویان در بخشی از درس باکتری شناسی مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش ها:

در این مطالعه نیمه تجربی دانشجویان پزشکی در گروه کنترل (۵۵ نفر) و گروه مداخله (۳۴ نفر) قرار گرفتند. در هر دو گروه با یک پیش آزمون سطح دانش پایه میکروب شناسی آنها سنجیده شد. در طی ۴ جلسه گروه مداخله و گروه کنترل با تدریس به روش سخنرانی آموزش دیدند. در شروع مطالعه برای گروه مداخله، توضیحات مربوط مفهوم و معنا و ارزشمندی کاربردی نقشه مفهومی، نحوه رسم آن به کمک نرم افزار و نیز نحوه به کارگیری آن به صورت حضوری ارائه گردید. پس از پایان جلسات تدریس، از دانشجویان یک پس آزمون در راستای سنجش میزان یادگیری آنان در درس میکروب شناسی انجام گردید. پرسشنامه رضایت دانشجویان از روش نقشه مفهومی در کلاس درس باکتری شناسی پزشکی به صورت ۵ گزینه ای بر اساس نظرات متخصصان طراحی گردید و توسط گروه مداخله تکمیل شد. نتایج این مطالعه با استفاده از نرم افزار SPSS و در سطح معناداری ۰/۰۵ تحلیل شد.

نتایج:

بحث و نتیجه گیری:

کلمات کلیدی: روش های تدریس، سخنرانی، نقشه مفهومی

بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر سناریو بر صلاحیت‌های اساسی دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی رازی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

زهرة خشنود^۱، منیر السادات نعمت‌اللهی^۱، جمیله فرخزادیان^۱، محمد صادقی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: زهرة خشنود

مقدمه:

امروزه رشته پرستاری به عنوان یکی از مشاغل مهم و تاثیرگذار در امر سلامت مردم از اهمیت به سزایی برخوردار است و صلاحیت پرستاران به منظور ارائه خدمات با کیفیت و ایمن تضمین کننده سلامت مددجویان در مراکز ارائه خدمات مراقبت سلامت است. صلاحیت به عنوان تنوعی از مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای انجام یک کار خاص و به عنوان یک ویژگی حیاتی در ارائه عملکرد بالینی ایمن و با کیفیت تعریف می‌شود. با توجه به خاص بودن پرستاری کودکان، صلاحیت‌های اساسی دانشجویان در این بخش‌ها با مشکلاتی مواجه است. بنابراین بکارگیری روش‌های آموزشی جدید در پرستاری اطفال لازم است. یکی از روش‌های یادگیری مدرن یادگیری بر اساس سناریوهای بالینی است، بنابراین این مطالعه با هدف بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر سناریو بر صلاحیت‌های اساسی دانشجویان پرستاری انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه نیمه تجربی و از نوع پیش‌آزمون پس‌آزمون بود. جامعه پژوهش شامل دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی رازی دانشگاه علوم پزشکی کرمان بود. تمام دانشجویان پرستاری در عرصه کودکان ورودی ۱۳۹۷ در دو نیمسال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به صورت سرشماری انتخاب شدند. همه شرکت‌کنندگان به روش سرشماری انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه مداخله (۳۳ نفر) و کنترل (۴۰ نفر) تقسیم شدند. سپس دانشجویان ابتدای لیست به عنوان گروه کنترل در ترم اول و دیگر دانشجویان در ترم دوم به عنوان گروه مداخله در نظر گرفته شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه متغیرهای دموگرافیک و پرسشنامه صلاحیت‌های اساسی دانشجویان پرستاری جمع‌آوری شد. گروه کنترل تحت آموزش معمول و برای گروه مداخله علاوه بر آموزش معمول، روش آموزش مبتنی بر سناریو نیز اجرا شد. قبل از مداخله دو گروه پیش‌آزمون‌ها را کامل کردند. گروه کنترل آموزش معمول و برای گروه مداخله علاوه بر آن سناریوهای کودک مبتلا به تشنج، عفونت ادراری و پنومونی طی ۳ جلسه ۲ ساعته تدریس شد و یک ماه بعد پس‌آزمون از هر دو گروه گرفته شد. با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آمار پارامتریک استفاده شد، همچنین داده‌ها پس از جمع‌آوری به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و آزمون‌های آماری توصیفی شامل

میانگین و انحراف معیار و واریانس و آزمون‌های t زوجی و t مستقل و کای اسکوئر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

میانگین نمره صلاحیت‌های اساسی در گروه مداخله بعد از آموزش ۲۴۷٫۰۵ (SD= ۳۶٫۴۸) نسبت به قبل از مداخله ۲۲۹٫۰۵ (SD= ۳۶٫۵۸) افزایش یافت. (P ≤ 0.05) صلاحیت‌ها در همه ابعاد به غیر از اخلاق (P = 0.116) و تفکر انتقادی (P = 0.121) بهبود معنی‌داری داشت. میانگین نمره صلاحیت‌های اساسی گروه کنترل بعد از آموزش ۲۴۰٫۷۶ (SD= ۳۵٫۳۶) نسبت به قبل از آن ۲۳۵٫۵۶ (SD= ۲۷٫۹۴) اختلاف معنی‌داری نداشت (P > 0.05). آزمون تی مستقل اختلاف معنی‌داری بین گروه کنترل و مداخله، قبل و بعد از مداخله نشان نداد (قبل: P > 0.05، بعد: P > 0.05).

بحث و نتیجه‌گیری:

نتایج حاکی از اثربخشی آموزش مبتنی بر سناریو بر صلاحیت‌های اساسی دانشجویان گروه مداخله بود اما نسبت به روش معمول اختلافی نداشت. بر این اساس توصیه می‌شود استفاده از روش‌های نوین تدریس و آموزش مبتنی بر سناریو بیشتر در برنامه آموزشی دانشگاه‌ها قرار بگیرد. همچنین لازم است تحقیقات بیشتری در زمینه بکارگیری این روش در ترکیب با سایر روش‌های آموزش مثل مبتنی بر تیم و مبتنی بر مشکل و دانشجویان در سال اول، دوم و سوم انجام شود.

کلمات کلیدی: صلاحیت‌های اساسی، سناریو، پرستاری، آموزش مبتنی بر سناریو، دانشجویان پرستاری



تاثیر آموزش بالینی مهارت‌های خرد و حل مساله بر تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری

طیبه مرادی^۱

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: طیبه مرادی

مقدمه:

اعتقاد براین است که استفاده از روش‌های آموزش بالینی جدید می‌تواند بر تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری در محیط بالین تاثیر بگذارد. اما مطالعات در این زمینه محدود است. مدل بالینی مهارت‌های خرد (One Minute Preceptor) یک مدل فراگیر محور است که ۵ مهارت خرد آن به ترتیب عبارتند از: ملزم کردن دانشجو به فکر کردن، تحقیق و کاوش برای مشخص کردن شواهد و دلایل، آموزش اصول و قوانین کلی، دادن بازخورد مثبت، تصحیح موارد نادرست می‌باشد. آموزش یادگیری مبتنی بر حل مساله (problem-based learning) نیز یک روش دانشجو محور است که گروه‌های کوچک دانشجویی با همکاری هم مشکل را استخراج کرده به جست و جو و مطالعه برای حل آن می‌پردازند تا آگاهی خود را افزایش داده و موقعیت را درک کنند. مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر آموزش بالینی مهارت‌های خرد و حل مساله بر تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری انجام شد.

مواد و روش‌ها:

مطالعه به صورت کارآزمایی بالینی بر روی کل دانشجویان پرستاری ترم ۶ دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام شد. دانشجویان به روش قرعه‌کشی به سه گروه تقسیم شدند. از دو ابزار اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه تفکر انتقادی کالیفرنیا فرم B برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. کارآموزی به مدت ۲۵ ساعت برای هر گروه اجرا شد. در ابتدای شروع کارآموزی، دانشجویان در یک کلاس توجیهی شرکت کرده و سپس پرسشنامه تفکر انتقادی بین دانشجویان توزیع شد. با توجه به اینکه برای گروه مورد نظر چه نوع روش آموزشی تعیین شده بود آموزش بالینی معمول یا آموزش بالینی حل مساله یا مدل بالینی مهارت‌های خرد به دانشجویان ارائه شد. یک هفته پس از پایان کارآموزی پرسشنامه تفکر انتقادی مجدد توسط دانشجویان تکمیل شد.

نتایج:

دانشجویان شرکت‌کننده در این مطالعه ۴۰ نفر بودند. میانگین سن دانشجویان $21/77 \pm 1/32$ بود. تفاوت آماری معنی‌داری از نظر سن، جنس، میانگین معدل کتبی دیپلم و معدل ترم قبل دانشجویان بین سه گروه مشاهده نشد. میانگین نمره تفکر انتقادی قبل از جلسات کارآموزی در سه گروه آموزش بالینی تفاوت آماری معنی‌داری نداشت. بین میانگین تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری در سه گروه

آموزش بالینی، اختلاف معناداری وجود داشت. $(p = 0/049)$ به طوریکه نمره مهارت تفکر انتقادی بعد از آموزش بالینی مهارت‌های خرد، حل مساله و گروه کنترل به ترتیب $۶۹/۱۳$ ، $۶۴/۱۳$ ، $۱۷/۱۲$ بود.

بحث و نتیجه گیری:

نمره تفکر انتقادی در گروه آموزش بالینی حل مسئله و آموزش بالینی مهارت های خرد نسبت به گروه کنترل بالاتر بود. این روش های آموزشی فرصت خوبی است تا دانشجویان با کارگروهی آشنا شده، فعالیت کنند و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات را به خوبی فراگیرند بنابراین به نظر می رسد این دو روش آموزشی می تواند نمره تفکر انتقادی دانشجویان را ارتقا بخشد و می تواند به عنوان روش های مناسب آموزشی به خصوص در محیط بالین استفاده شود.

کلمات کلیدی: آموزش بالینی، مهارت های خرد، حل مساله



ادغام استراتژی های آموزش بین حرفه ای و یادگیری مبتنی بر وظیفه: فرصت یادگیری ساختارمند مبتنی بر محل کار در تیم بین حرفه ای

امیرهوشنگ مهرپرور^۱، فاطمه کشمیری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه کشمیری

مقدمه:

در آموزش مبتنی بر وظیفه (TBL)، تمرکز بر یادگیری مجموعه‌ای از وظایف است که توسط ارائه دهنده خدمات سلامت انجام می‌شود. در این روش، یادگیری حول انجام وظایف و دستیابی به نتایج اتفاق می‌افتد، به نحوی که فراگیران سعی می‌کنند نه تنها خود وظایف بلکه مفاهیم و مکانیسم‌های زیربنایی هر وظیفه را نیز درک کنند تا بتوانند آن را به بهترین نحو انجام دهند. در آموزش مبتنی بر وظیفه، موقعیت مواجهه با مسائل و مشکلات دانش‌آموختگان در محیط واقعی و نحوه حل آنها فراهم می‌گردد. با توجه به اینکه در ارائه خدمات سلامت شغلی، همکاری بین حرفه مختلف اجتناب ناپذیر است، در این برنامه از استراتژی آموزش بین حرفه ای استفاده شده است. در این استراتژی، آموزش اعضای بیش از یک حرفه همراه با هم آموزش می‌بینند تا در آینده شغلی بتوانند خدمات بهتری به خدمت گیرندگان مرتبط ارائه کنند. این نوع آموزش نیازمند همکاری و تبادل اطلاعات بین متخصصان حرفه‌های مختلف است. حوزه سلامت شغلی حوزه‌ای چند رشته‌ای، بین حرفه‌ای، بین‌سازمانی و بین‌بخشی است که از مرزهای بخش سلامت فراتر می‌رود. این مطالعه با هدف تدوین برنامه آموزش بین حرفه‌ای مبتنی بر وظیفه (Inter-professional task-based training) طراحی شده است تا فرصت مناسبی را فراهم کند که دانشجویان در تیم بین حرفه‌ای مشابه با محیط واقعی با وظایف و مسائل کاری آشنا شده و نحوه مدیریت آنها را در تیم بین حرفه‌ای یاد بگیرند.

مواد و روش‌ها:

در گام اول نیازسنجی آموزشی با هدف تبیین وظایف و انتظارات از دانش‌آموختگان انجام شد. در این مرحله بررسی متون در رابطه با وظایف، توانمندی‌ها و پیامدهای مورد انتظار از تیم سلامت شغلی انجام شد. همچنین نظرات متخصصان در رابطه با وظایف اعضای تیم سلامت شغلی بررسی شد. نتایج حاصل از فاز اول در جلسات پنل تخصصی با حضور اعضای تیم از رشته‌های مختلف ارائه خدمات سلامت شغلی و آموزش پزشکی بررسی شد. موارد استخراجی با مضامین مشابه طبقه بندی شد. در گام بعد وظایف تبیین شد. جهت تحلیل وظایف، ریز وظایف با در نظر گرفتن مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های مورد نیاز برای تحقق هر وظیفه تعیین شد. در گام بعد روایی محتوایی وظایف و ریز وظایف تدوین شده از دیدگاه ذینفعان مختلف شامل اعضای هیئت علمی، دانش‌آموختگان در ارائه خدمات شغلی به صورت

کیفی و همچنین با استفاده از شاخصهای کمی بررسی شد. فرم سنجش روایی محتوایی کیفی بصورت الکترونیکی برای شرکت کنندگان در این مرحله ارسال شد. پس از جمع آوری فرم ها، کامنتها و نظرات کیفی متخصصان جمع آوری شد. سپس شاخص های کمی روایی محتوا مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین روایی محتوا به روش کمی از دو شاخص "نسبت روایی محتوا (CVR)" و "شاخص روایی محتوا (CVI)" استفاده شد. برای تعیین CVR از متخصصان مذکور درخواست شد تا هر وظیفه را بر اساس طیف سه درجه‌ای (ضروری است، مفید است ولی ضروری نیست و ضرورتی ندارد) بررسی نمایند. بر اساس جدول لاوشه حداقل ارزش نسبت روایی محتوا تعیین شد. برای CVI معیار "مربوط بودن" هر یک از توانمندی ها با استفاده از طیف لیکرت چهار درجه‌ای بررسی شد. در این مطالعه (item-level content validity index) CVI برای هر وظیفه بررسی شد و همچنین (scale-level content validity index) S-CVI/Ave محاسبه شد. نتایج حاصل از نظرسنجی و سنجش روایی در پنل تخصصی بررسی و اصلاحات پیشنهادی و شاخصهای روایی کمی هر یک از وظایف مورد بحث قرار گرفت. در این مرحله وظایف تیم ارائه خدمات سلامت شغلی در پنل تخصصی نهایی شد. پس از تبیین وظایف، ماتریس وظایف- نقش های موردانتظار در تیم سلامت شغلی، و ماتریس وظایف - مهارت های موردنیاز برای انجام هر وظیفه تدوین شد. در گام بعد برای هر یک از وظایف، روش تدریس و روش ارزیابی متناسب تدوین شد. در نهایت اجزای برنامه آموزش بین حرفه‌ای مبتنی بر وظیفه در پنل تخصصی تدوین شد.

نتایج:

وظایف در ۷ محور شامل محورهای "ارزیابی و شناسایی خطر مخاطرات محیط کاری"، "کنترل عوامل زیان‌آور شغلی"، "تعیین جایگاه شغلی مناسب برای هر فرد"، "معاینات سلامت شغلی"، "مدیریت بیماریهای ناشی از کار/مرتبط با کار"، "روابط بین سازمانی، بین رشته‌ای و قضاوت قانونی" و "آموزش و دانش پژوهی در ارائه خدمات سلامت شغلی" طبقه بندی شد. بر اساس نظر متخصصین ۸ وظیفه در فاز اول روایی محتوایی برای شفافیت بیشتر، نیازمند اصلاحات تعیین شد.

بحث و نتیجه گیری:

در مطالعه حاضر از ادغام رویکردهای آموزش بین حرفه ای و آموزش مبتنی بر وظیفه استفاده شد. در فرایند آموزش بین حرفه ای فرصتی فراهم می شود تا فراگیران علاوه بر یادگیری مهارتهای تکنیکی و فنی، مهارتهای نرم و غیرتکنیکی را نیز از طریق آموزش از هم، باهم و برای هم یاد بگیرند. حتی در بخش سلامت نیز افراد متعددی به نوعی در تأمین و ارتقای سلامت شغلی تأثیرگذار هستند، از جمله پزشکان عمومی، متخصصان طب کار، بهداشت حرفه‌ای، ایمنی، ارگونومی، بهداشت محیط و... لذا برای تأمین بالاترین سطح سلامت شغلی در شاغلین و خانواده‌های آنها همکاری افراد مختلف در این رشته‌ها همراه با همکاری کارفرمایان، سازمان های بیمه‌گر و سایر نهادها مورد نیاز است. ادغام رویکرد بین حرفه ای یا روش مبتنی بر وظیفه که از عناصر اساسی آموزش مبتنی بر مسئله و آموزش در گروه های کوچک بهره

می گیرد می تواند فرصت مناسبی برای تفهیم مطالب درسی، آموزش کاربردی تر مطالب و افزایش کارایی فرایند یاددهی- یادگیری را فراهم کند.

کلمات کلیدی: آموزش، بین حرفه ای، وظیفه، استراتژی



طراحی و تعیین تاثیر آموزشی ابزار مستند سازی، بازاندیشی و پس خوراند الکترونیکی فعالیت های آموزش بالینی دانشجویان پزشکی

فریبرز اکبرزاده^۱، نعت بیلان^۲، سعیده غفاری فر^۲

۱. مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: فریبرز اکبرزاده

مقدمه:

یکی از وظایف دانشجویان پزشکی مستندسازی پروندههای پزشکی در بخش های بالینی و درمانگاه میباشد. مراکز Medicare و Medicaid در آمریکا بطور جدی حیطه مستند سازی را گسترش دادند و علاوه بر پزشکان دانشجویان و دستیاران پزشکی موظف به مستند سازی پرونده های پزشکی شدند. مستندسازی الکترونیک پزشکی (Electronic Medical Recording) بطور روز افزونی مورد استفاده قرار گرفته است. فیدبک یکی از مهم ترین فرم های تعامل بین استاد و دانشجو میباشد.. از دیگر استراتژی های مهم آموزشی در آموزش پزشکی بازاندیشی یا همان Reflection میباشد. اصولا اساتید باید به بازاندیشی دانشجویان نیز فیدبک ارائه نمایند. با توجه به افزایش تعداد دانشجویان ورودی به دانشکده های پزشکی و مشغله زیاد اساتید که منجر به محدود شدن زمان راند های آموزشی می شود این مطالعه در نظر دارد با توجه به نظریه یادگیری سازنده گرایی و تجربیات مشابه در کشورهای پیشرفته با راه اندازی نرم افزار، ثبت الکترونیکی مدارک پزشکی را امکان پذیر نموده و پل ارتباطی مستقیم بین استاد و دانشجو برای ارائه فیدبک نوشتاری به مدارک پزشکی تکمیل شده بیمار را فراهم نماید. بدینوسیله در کنار راندهای بالینی، وسیله ای برای تعامل بیشتر ایجاد شود.

مواد و روش ها:

سامانه تحت وب نام www.webakbarzadeh.ir طراحی شد. در این سامانه امکانات تکمیل و ارسال مستندات پزشکی در ارتباط با شرح حال، برگه پیشرفت روزانه، خلاصه پرونده، آموزش بیمار و برگه بازاندیشی فراهم شد. استاد از طریق همین سامانه برای مستندات پزشکی فیدبک ارائه میکرد. امکان بارگذاری مدارک پزشکی بیمار مانند الکتروکاردیوگرافی بصورت فایل وجود داشت. استاد میتواند تکالیف مرتبطی را برای دانشجو مقرر کرده و دانشجو جواب آنها را ارسال نماید. امکان تعامل نا محدود برای اصلاح یک مستند در ارسال فیدبک، تغییرات لازم و پاسخ دانشجو وجود داشت. دانشجویان کارآموز و کارورز پزشکی در طی دوره بالینی قلب و عروق در مرکز قلب شهید مدنی تبریز در این طرح بعنوان گروه مطالعه شرکت کرده و گروه کنترل در قسمت آموزش و تکمیل مدارک پزشکی از سایر

دانشجویان در همان دوره بالینی انتخاب شدند. گروه کنترل دیگری از بخش داخلی مرکز امام رضا بعنوان گروه کنترل مستندسازی وارد مطالعه شدند. میزان تاثیر برنامه آموزشی با استفاده از معیارهای کرک - پاتریک سطح یک تا سه مورد ارزیابی قرار گرفت. برای سطح یک پرسشنامه رضایت از برنامه آموزشی در گروه مطالعه، برای سطح دوم نمرات کتبی پایان دوره دانشجویان گروه مطالعه و گروه کنترل مدنی، برای سطح سوم تکمیل بودن مدارک پزشکی دانشجویان گروه مطالعه با گروه های کنترل و بازانديشي دانشجویان گروه مطالعه مورد ارزیابی قرار گرفت. از طرف دیگر برنامه تحت وب نیز از نظر سهولت و اجرا توسط پرسشنامه و نحوه گزارش گیری مورد ارزیابی قرار گرفت. آنالیز آماری داده های کمی بصورت تعیین میانگین و انحراف معیار و مقایسه بین گروه ها توسط T-Test و داده های کمی با گزارش فراوانی و مقایسه بوسیله آزمون χ^2 انجام شد.

نتایج:

اجرای این پایان نامه با گرنت National Agency for Strategic Research in Medical Education (NASR) وزارت بهداشت به شماره ۹۶۰۲۳۶ به تصویب رسید. مطالعه در مدت شش ماه انجام شد. تعداد ۲۳ نفر دانشجوی کارورز و ۴۲ نفر دانشجوی کارآموز پزشکی در گروه مطالعه و به همین تعداد در گروه های کنترل بیمارستان مدنی و بیمارستان امام رضا حضور داشتند. در مجموع تعداد ۱۹۵ نفر دانشجو در مطالعه شرکت داشتند. معیارهای ارزیابی آموزشی کرک پاتریک برای بررسی اثر بخشی برنامه مورد استفاده قرار گرفت. در سطح اول میزان رضایت از کار با سامانه در مستندسازی و ارسال مدارک پزشکی و دریافت فیدبک در گروه مطالعه در تمامی موارد متوسط و بالاتر از متوسط بود. در سطح دوم نمرات پایانی دانشجویان در گروه مطالعه نسبت گروه کنترل مدنی به میزان ۱/۱۶ نمره افزایش قابل ملاحظه ای را از نظر آماری نشان داد. در سطح سوم فراوانی و میزان تکمیل بودن مستندات پزشکی در گروه مطالعه بطور معنی داری بیشتر از دو گروه کنترل بود. نمرات عملکرد بازانديشانه دانشجویان در دو سطح In action و On action مورد بررسی قرار گرفت که میانگین اعداد با متد لیکرتی متوسط و بالاتر آن بوده است. میزان رضایت از کار با سامانه در حد متوسط و بالا بوده و امکانات گزارش گیری های متنوع از عملکرد دانشجویان و اساتید در سامانه وجود داشت.

بحث و نتیجه گیری:

استفاده از این برنامه آموزشی برای مستند سازی مدارک پزشکی و ارایه فیدبک به آنها توسط اساتید و ایجاد تعاملات آموزشی امکان پذیر بوده و منجر به ارتقای سطح آموزش، توانمندی بیشتر مستندسازی و بهبود فعالیت های بازانديشانه دانشجویان پزشکی در آموزش بالینی می شود. با کاهش دادن مشکلات مربوط به سرعت اینترنت و توانمندی بیشتر دانشجویان در تایپ مستندات پزشکی میتوان مشکلات اجرای برنامه را به مقدار زیادی کاهش داد.

کلمات کلیدی: مستند سازی الکترونیکی، بازانديشي، فیدبک

تدوین برنامه آموزشی رشته کارشناسی ارشد سلامت باروری مردان:

یک مطالعه ترکیبی

مژگان جوادنوری^۱، زهرا عباسپور^۱، روشن نیکبخت^۱، شهلا خسروی^۲، سیمین منتظری^۱، داریوش رخ

افروز^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: مژگان جواد نوری

مقدمه:

از آنجا که سیستم مراقبت های اولیه سلامت ایران برای سالیان متمادی با موضوعات سلامت مادران و کودکان شکل گرفته است، مردان هیچگاه جایگاه، تشکیلات و سازوکار تعریف شده ای در مراقبت های اولیه سلامت کشور نداشته اند و در واقع ۵۰٪ سلامت باروری جامعه مورد غفلت واقع شده است. برخلاف تصور عموم، مردان از گروه های پرخطر جامعه از نظر تهدید سلامتی محسوب می شوند. با در نظر داشتن غفلت نظام سلامت از سلامت مردان در مراقبت های اولیه، در حال حاضر اقدامات پیشگیرانه، آموزشی و مشاوره ای برای مردان نه تنها متولی خاصی ندارد بلکه تحصیلات آکادمیک ویژه ای برای این نیازهای سلامت مردان در نظام آموزش عالی تعریف نشده است. در حال حاضر متخصصان اورولوژی به عنوان تنها رده ای که مستقیماً با سلامت باروری مردان مرتبط هستند وظایف حرفه ای خود را که متمرکز بر اقدامات تشخیصی و درمانی تخصصی و فوق تخصصی می باشد ایفا می کنند. با توجه به نوع آموزش زمانبر، پرهزینه و تخصصی؛ و نیز با توجه به لزوم دسترسی آحاد مردان به خدمات اولیه، ارزان و در دسترس سلامت، برای اجرای مراقبت های اولیه سلامت مردان در رده های محیطی تر لزوم تربیت نیروی انسانی همجنس، با شمار بیشتر و تحصیلات ارزان تر مطرح می گردد.

مواد و روش ها:

این پژوهش یک مطالعه ترکیبی متوالی است که متشکل از چند مرحله می باشد: ۱- مطالعه تطبیقی: به منظور بررسی کوریکولومهای مرتبط یا مشابه در دنیا و ایران انجام شد و همچنین برنامه های آموزشی مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد حوزه سلامت در رشته های نزدیک و مرتبط بررسی شد تا جایگاه رشته ی پیشنهادی و اشتراکات و افتراقات و همپوشانی های آنان معلوم گردد. ۲- تدوین کوریکولوم در گام هایی شامل: تعیین پیامدهای اصلی برنامه آموزشی، تعیین شایستگی ها (دانش، نگرش و مهارت-ها) برای پیامدها، تعیین اجزا شایستگی ها، طراحی استراتژی پیاده سازی پیامدهای اصلی و ویژه و ارزشیابی هر کدام از پیامدها، تعیین پیامدهای نهایی، میانی، پیامدهای دوره، پیامدهای ترمی سطوح مختلف شایستگی ها (دانش، نگرش و مهارت)، -تدوین اهداف ویژه و نحوه دستیابی، تعیین منابع

دسترسی به دانش پایه و مهارت‌های بالینی و تدوین راهنمای یادگیری برای هر موضوع آموزشی و نحوه دستیابی به پیامدهای یادگیری، تعیین اجزا کوریکولوم و نحوه پیاده سازی آن، تدوین نقشه کوریکولوم، تدوین نحوه ارزشیابی شایستگی ها و پیامدها.

نتایج:

نتایج مطالعه تطبیقی: در مجموع ۴ کوریکولوم خارجی و یک مرکز تحقیقاتی برای این منظور استفاده شد. نتایج فاز تدوین کوریکولوم: پیامدهای اصلی برنامه آموزشی با فاز نیازسنجی طی دو مطالعه ی مجزا نیازهای سلامت باروری و جنسی مردان. نوع و میزان شایستگی هایی که فراگیران باید برای برآورده ساختن نیازهای مردان در حیطه سلامت باروری واجد باشند تعیین شد. دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز فراگیران در قالب عناوین درسی تنظیم شد. شایستگیهای مورد نیاز فراگیران، بر اساس تاکسونومی بلوم در سه حیطه ی یادگیری شناختی، عاطفی، روانی حرکتی دسته بندی شدند. پیامدهای اصلی در قالب ۳۲ واحد درسی (کمبود، اختصاصی اجباری، اختصاصی اختیاری) تنظیم شد. پیامدهای حیطه شناختی در قالب دروس نظری -پیامدهای حیطه روانی-حرکتی (مهارت‌ها) در قالب واحدهای کارآموزی - پیامدهای حیطه عاطفی (نگرش) با توجه به همپوشانی، در قالب دروس نظری و کارآموزی -دانش و مهارت‌های پژوهشی در قالب درس روش پژوهش و سمینار پروژه و واحد پایان نامه تنظیم شد. پیامدهای نهایی، میانی، مرتبط با سال تحصیلی، پیامدهای دوره، پیامدهای ترمی و پیامدهای هر درس در سطوح مختلف شایستگی‌ها، اهداف ویژه و نحوه دستیابی، منابع دسترسی به دانش پایه و مهارت‌های بالینی و راهنمای یادگیری برای هر موضوع آموزشی و نحوه دستیابی به پیامدهای یادگیری تدوین شد. روش تدریس، استراتژی های آموزشی، نقشه کوریکولوم - جدول ماتریکس نحوه دستیابی به پیامدها و نحوه ارزشیابی آن ها تدوین شد.

بحث و نتیجه گیری:

کوریکولوم برنامه کارشناسی ارشد سلامت باروری مردان متناسب با نیاز سیستم سلامت برای تربیت دانش آموختگانی برای ارائه خدمات سلامت پیشگیری، آموزش و مشاوره تدوین شد. این کوریکولوم از تعهدات یک طرح راهبردی آموزش پزشکی و نیز از ماموریت های ویژه کلان منطقه آمایشی چهار می باشد.

کلمات کلیدی: سلامت باروری، مردان، تدوین کوریکولوم

بررسی ارزشیابی برنامه درسی اجرا شده پزشکی عمومی بر اساس معیارهای برنامه درسی مبتنی بر تربیت هنری از دیدگاه دانشجویان پزشکی

خدیجه فرخ فال^۱، یحیی محمدی^۲، حسین کریمی مونی^۲

۱. دانشگاه علم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: یحیی محمدی

مقدمه:

برنامه درسی جزء اساسی هر نظام آموزشی است و در واقع نقش کلیدی و حساسی در بارور سازی توانمندی‌های مرتبط با رشد و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای در دانشجویان ایفا می‌کند. تربیت هنری بعنوان جزء مهم برنامه درسی، در ایجاد و رشد مهارت‌های حرفه پزشکی مثل تشکیل زیرساختی عمیق و پایدار در سلوک شخصی و اجتماعی، رشد اخلاقی، افزایش اعتماد به نفس و ... تأثیر شگرفی دارد. در واقع هنر با رو کردن آگاهانه و آزادانه انسان به ارزش‌ها سبب تحول اصیل و واقعی و رشد و ارتقای شخصی پزشک می‌شود. آنچه این ساختار تحولی را ممکن می‌سازد تربیت است. از این رو توجه به تربیت هنری به منظور پرورش پزشکان به عنوان انسان‌های کامل که علاوه بر مهارت درمان بیماران، بعنوان اسوه‌هایی توانمند قادر به ارزش گذاری تمدن‌شایسته و مطلوب ضروریست. اسناد بالادستی تعیین‌کننده سیاستهای کلی نظام سلامت در حوزه آموزش، به این مهم به عنوان پاسخ‌گویی اجتماعی پزشک اشاره جدی دارد. از طرفی برای بهبود انسجام برنامه‌های درسی و آموزشی، بایستی آنها را به‌طور دوره‌ای ارزیابی و در صورت لزوم تغییرات موردنیاز را بر روی آنها اعمال کرد. ارزشیابی برنامه درسی، فرایند ارزش و شایستگی و کارآمدی برنامه درسی است که هم شامل کل برنامه درسی و هم بویژه عناصر برنامه درسی می‌شود. در این خصوص رویکرد ارزشیابی عمدتاً متمرکز بر ارزشیابی اجرا یا محصول برنامه درسی است، که در این راستا ارزشیابی به عنوان یکی از ابزارهای بسیار ارزشمند ارتقاء کیفیت تدریس و یادگیری محسوب می‌شود، زیرا می‌تواند بازخورد مفیدی برای استادان و دانشگاه در مورد کیفیت عناصر برنامه درسی فراهم سازد. از طرفی به دلیل موانعی از جمله جا نیفتادن فرهنگ صحیح نقد و همچنین نگرانی از بازخورد مدیران و مسئولین آموزش، ارزشیابی به درستی اجرا نمی‌شود و با وجود اجرای مدل تلفیقی برنامه درسی پزشکی اما ارزشیابی با مدل‌های قدیمی است که شکافی بین برنامه درسی و ارزشیابی آن ایجاد می‌نماید و این کارآمدی برنامه درسی را مختل می‌نماید. بر این اساس هدف مطالعه حاضر بررسی وضعیت ارزشیابی برنامه درسی دوره پزشکی عمومی مبتنی بر تربیت هنری از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند می‌باشد.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی است که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ انجام شد. جامعه پژوهش، کلیه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در این سال می باشد. بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه برآورد گردید. جمع آوری اطلاعات با پرسشنامه محقق ساخته صورت گرفت. این پرسشنامه مشتمل بر دو بخش اطلاعات دموگرافیک و سوالاتی مربوط به وضعیت ارزشیابی برنامه درسی دوره پزشکی عمومی است. شیوه نمره گذاری به شیوه مقیاس لیکرت ۵ گزینه ای بود. روایی پرسشنامه به تأیید صاحب نظران آموزش پزشکی رسید و پایایی پرسشنامه با استفاده از شیوه الفای کرونباخ ۰/۸۹ محاسبه گردید. برای تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS 16 و از آمار توصیفی و آمار استنباطی آزمون (t تک نمونه ای) استفاده شد.

نتایج:

نتایج نشان داد که از ۱۲۵ پرسشنامه تکمیل شده، ۵۳٪ شرکت کنندگان دختر و ۴۷٪ پسر بودند. میانگین سن شرکت کنندگان 17.8 ± 20.64 بود. از کل شرکت کنندگان، ۸۲/۴٪ در دوره پیش بالینی و ۱۶٪/۶ در دوره بالینی مشغول به تحصیل بودند. از نظر توزیع سنی و جنسیتی بین افراد شرکت کننده تفاوت آماری وجود نداشت. توزیع داده های مربوط به ارزشیابی برنامه درسی نرمال بود. میانگین ارزشیابی برنامه درسی مبتنی بر تربیت هنری از دیدگاه دانشجویان 0.80 ± 2.09 بود که به طور معنی داری کمتر از میانگین نظری (۳) می باشد ($p < 0.001$). بنابراین نتیجه گرفته می شود که ارزشیابی برنامه درسی مبتنی بر تربیت هنری با رویکرد تلفیقی علوم انسانی در علوم پزشکی از دیدگاه دانشجویان از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس این مطالعه وضعیت ارزشیابی برنامه ی درسی از نظر توجه به معیارهای تربیت هنری نامطلوب است. از طرفی نقش تربیت هنری در انتقال و نهادینه نمودن مهارت های اجتماعی شدن و سلوک فردی فراگیرنده ثابت شده است. انتخاب روش ارزشیابی منوط به رعایت سه اصل اساسی مناسب بودن، عملی و کارا بودن و به کارگیری روش های چندگانه است. لذا با توجه به این شرایط توصیه می شود برای اطمینان بیشتر از نقاط قوت و ضعف و نیز کسب توانمندی های حرفه ای پزشک، ارزشیابی مناسب، همه جانبه و تلفیقی با گنجاندن معیار های تربیت هنری در ارزشیابی صورت گیرد تا بتوان به تربیت دانش آموختگان شایسته و پاسخگو در دانشگاه علوم پزشکی که توانمندی های قابل انتظار برای پاسخگویی به نیاز های جامعه جهانی رو به رشد و در حال تغییر را داشته باشد دست یافت.

کلمات کلیدی: ارزشیابی، پزشکی عمومی، تربیت هنری، دیدگاه دانشجویان

بررسی انطباق تعداد واحدهای درسی دندانپزشکی عمومی با نیازهای شغلی از دیدگاه دانش آموختگان

کتایون کاتبی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: کتایون کاتبی

مقدمه:

یکی از مهمترین وظایف دانشگاه‌های علوم پزشکی پاسخگویی اجتماعی و تربیت افرادی است که برای خدمت رسانی به مردم آموزش‌های کافی را دریافت کرده باشند. محتوای کوریکولوم آموزشی دندانپزشکی از زمان اولین تصویب آن چند بار مورد بازبینی قرار گرفته است و محتوای روز به آن اضافه شده است. اما از نظر تعداد واحدهای درسی تغییر عمده‌ای صورت نگرفته است. هدف از این مطالعه بررسی انطباق تعداد واحدهای هر درس با نیازهای شغلی دانش آموختگان دندانپزشکی عمومی می باشد.

مواد و روش‌ها:

جامعه آماری این مطالعه توصیفی مقطعی دندانپزشکان عمومی شهر تبریز فارغ التحصیل شده از دانشکده‌های دندانپزشکی داخلی از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۹ بودند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود در دو قسمت بود. در قسمت اول سن، جنس و سال فارغ التحصیلی از دانشگاه پرسیده شده بود و در قسمت دوم خواسته شده بود در مقابل هر یک از حیطه‌های دندانپزشکی شامل ارتودنتیکس، اندودنتیکس، پرئودنتیکس، پروتز پارسیل، کامل، ثابت، جراحی و ترمیمی بنویسند که چند درصد از بیماران مطب یا کلینیکی که در آن کار می‌کنند به این حیطه مربوط می‌شود. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با نظر سنجی از ده نفر از اساتید دندانپزشکی و آموزش پزشکی بررسی و تایید شد. حجم نمونه دانشجویان بر اساس جدول مورگان با در نظر گرفتن ۵٪ خطا و برآورد میزان مشارکت ۵۰٪ تعداد ۳۰۰ نفر تعیین شد. جهت توزیع پرسشنامه‌ها لیست دندانپزشکان عمومی تبریز از نظام پزشکی گرفته شد و بر اساس جدول تصادفی دندانپزشکان انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم افزارهای پیام رسان به دندانپزشکان فرستاده شدند. به شرکت کنندگان توضیح داده شد که اطلاعات آنان محرمانه باقی می‌ماند و نتایج به صورت میانگین گزارش خواهد شد. تعداد واحدهای دروس مورد نظر در کوریکولوم‌های دندانپزشکی مصوب سالهای ۱۳۷۹ به بعد به تفکیک نظری و عملی استخراج شدند. رابطه بین میانگین درصد بیماران هر حیطه با تعداد واحدهای درسی محاسبه شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS17 و روشهای آمار توصیفی و همبستگی پیرسون مورد تحلیل قرار گرفتند. سطح معنی داری $p < 0.05$ در نظر گرفته شد.

نتایج:

از ۳۰۰ نفر ۱۶۱ نفر پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. بدین ترتیب میزان بازگشت پرسشنامه‌ها ۵۳٫۶٪ بود، میانگین سنی شرکت کنندگان در مطالعه 31.5 ± 7.1 سال بود. ۹۱ نفر از شرکت کنندگان (۵۶٫۵٪) مونث و ۷۰ نفر (۴۳٫۵٪) مذکر بودند. بیشترین درصد بیماران دندانپزشکان عمومی به ترتیب مربوط به حیطه اندودنتیکس (۲۵٪)، ترمیمی (۲۳٪) و پروتز ثابت (۲۰٪) بودند و کمترین درصد بیماران به ترتیب مربوط به پروتز پارسیل (۱٪)، ارتودنتیکس (۲٪) و پروتز کامل (۸٪) بودند، بیشترین همبستگی بین تعداد واحدهای دروس و نیازهای شغلی به ترتیب در حیطه های پرپودنتیکس $r=0.043, P<0.001$ و جراحی $r=0.039, P<0.001$ و پروتز کامل $r=0.036, P<0.001$ گزارش شد. کمترین همبستگی تعداد واحدهای درسی و نیازهای شغلی به ترتیب در پروتز پارسیل، ارتودنتیکس، ترمیمی و اندودنتیکس مشاهده شد. درصد بیماران پروتز پارسیل و ارتودنسی دندانپزشکان عمومی حدود ۱۵ برابر کمتر از درصد بیماران اندودنتیکس، پروتز ثابت و ترمیمی بود اما تعداد واحدهایشان فقط حدود ۱٫۵ واحد کمتر است.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به تطابق کم تعداد واحدهای بعضی دروس با نیازهای شغلی دندانپزشکان عمومی در این مطالعه که هم راستا با نتایج مطالعه ای در تهران می باشد، به نظر می رسد که در بازنگری بعدی کوریکولوم دندانپزشکی عمومی بهتر است تعداد واحدهای دروسی مانند پروتز پارسیل و ارتودنتیکس کاهش یابد و تعداد واحدهای پروتز ثابت، اندودنتیکس و ترمیمی افزایش یابد.

کلمات کلیدی: دندانپزشکی عمومی، نیازهای شغلی، کوریکولوم آموزشی

پودمان مجازی بیماری‌های گوارش و کبد جهت دانشجویان پزشکی، دستیاران تخصصی، متخصصین داخلی و پزشکان عمومی: طراحی اجرا و ارزشیابی

محبوبه طباطبایی چهر^۱، امیر صادقی^۱، محمدرضا زالی^۱، سلیمان احمدی^۱، امین حبیبی^۱، معصومه کلانتریون^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: محبوبه طباطبایی چهر

مقدمه:

جایگاه آموزش پودمانی، در سیر تحول برنامه ریزی درسی، از آن جهت که نیاز مبرم به آموزش مهارت‌ها در کوتاه‌ترین زمان و با مطلوب‌ترین بازدهی را مرتفع می‌نماید، در کنار آموزشهای دانشگاهی بعنوان مکمل برنامه‌های درسی مورد توجه و اهمیت است. در راستای ارتقای برنامه‌های آموزش بالینی، با فراهم‌سازی بستر برنامه ریزی تخصصی و نرم‌افزاری، طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره‌های آموزشی بیماری‌های گوارش و کبد بصورت الکترونیکی و هوشمند مورد هدف قرار گرفت.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش با نیاز سنجی و هماهنگی مقدماتی و سپس توانمندسازی اعضای هیات علمی گروه گوارش و کبد دانشگاه علوم پزشکی آغاز شد. برگزاری دوره‌های پودمانی، براساس مدل طراحی آموزشی ADDIE صورت گرفت. تحلیل و جمع‌آوری اطلاعات کافی و دقیق و شناسایی واقعی نیازهای آموزشی و تحلیل نیازهای آموزشی با انجام مصاحبه‌های انفرادی، مرور متون و برگزاری جلسات انجام گرفت. در مرحله دوم با تعیین اهداف آموزشی، تعیین محتواها و راهبردهای یاددهی-یادگیری تعاملی، تعیین زیرپودمان‌ها و سرفصل‌های هر زیر پودمان، تشریح توالی و ساختار دوره هر زیر پودمان، تعیین راهبردهای آموزشی آنلایین و آفلاین هر پودمان طراحی گردید. سپس محتواهای آموزشی در قالب محتوای اسکورم تولید و جهت ارایه در دوره‌های پودمانی در پلتفرم نوید بارگزاری گردید. ۳ دوره سه ماهه جهت دستیاران، متخصصین و پزشکان عمومی و سه دوره یک ماهه جهت دانشجویان پزشکی برگزار گردید. ارزشیابی برنامه بر اساس مدل کرک پاتریک و در سطح یک و دو صورت گرفت. میزان رضایت فراگیران با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته سنجش شد. روایی و پایایی پرسشنامه با انجام آزمون‌های مناسب بررسی گردید. میزان یادگیری به دو صورت تجمیعی شامل خودآزمایی در ضمن برنامه، و تکوینی شامل آزمون‌های کتبی و شفاهی آنلایین و در پایان دوره بررسی شد.

نتایج:

اطلاعات جمع‌آوری شده حاکی از رضایتمندی بالای شرکت‌کنندگان این برنامه بود. برگزاری این دوره توانست علاقه و توجه ۹۲ درصد از آنان را به یادگیری مباحث این پودمان جلب نماید. در ۸۱٫۸٪ دانش

و اطلاعاتشان را ارتقا بخشید، ۸۵٪ شرکت کنندگان این برنامه را دارای نوآوری دانستند، ۹۰٪ آنان از برگزاری آن رضایت داشتند و ۸۸٪ خواهان تداوم دوره ها بودند. با انجام تحلیل قبل و بعد مداخله، محتوای برنامه توانست دانش و اطلاعات فراگیران را ارتقا بخشد. در ارزیابی سطح دانش، نمره آزمون های طراحی شده مجازی در سامانه توانسته است یادگیری آنان را در خصوص دریافت نمرات آزمون های تکوینی پایان هر مبحث یک تا سه جلسه ای، از میانگین ۱۳/۲ به ۱۷/۸ ارتقا دهد. ارزشیابی کلی دوره هم از طریق پرسشنامه و در پایان دوره انجام شد که بیانگر این بود که در موارد برگزاری محتوای علمی و تدریس اساتید، اهداف و اثربخشی افزایش اطلاعات در سطح خوب تا عالی و در موارد تعاملات گروهی اساتید در نوید و گروه های مجازی در سطح متوسط تا خوب توصیف گردید. در جلسات فوکوس گروپ با اعضای هیئت علمی و فراگیران و همچنین گنجاندن سوالات باز در پرسشنامه پایان دوره، در بیان نقاط قوت و ضعف و پیشنهادات بهبود دوره ها مواردی بیان گردید که در ارتقا و تداوم برگزاری دوره ها با رفع نقایص و تاکید بر نقاط قوت مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به بازخوردهای گرفته شده از فراگیران و شرکت کنندگان، برگزار کنندگان این دوره های پودمانی به هدف خود که افزایش انگیزه، علاقه و اشتیاق در توانمندسازی دانشی و اطلاعاتی آنها در دسترسی به آخرین مطالب علمی بروز شده و ارتقای مراقبتهای درمانی در خصوص بیماری های گوارش و کبد بزرگسالان، رسیده اند. با تداوم و توسعه برگزاری این دوره های آموزشی و قابلیت تعمیم به سایر دوره ها و سطوح تخصصی تر می تواند روش های سهولت دسترسی بیشتر مثل کتاب الکترونیک و مزایای یادگیری از طریق موبایل، کیس ها و بیماران شبیه سازی شده مجازی و ... را نیز در دستور کار تکامل و وسعت این برنامه هدف گیری نماید.

کلمات کلیدی: دوره های آموزشی پودمانی، آموزش مجازی، دانشجوی پزشکی، دستیاران، متخصصین پزشکی، پزشکان عمومی

بررسی نحوه اجرای کوریکولوم آموزشی رشته تخصصی طب اورژانس در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور

سید رضا حبیب زاده^۱، حمید رضا ریحانی^۱، حسین کریمی مونقی^۱، مهدی فروغیان^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: مهدی فروغیان

مقدمه:

آموزش دستیاری طب اورژانس با مشکلات زیادی روبرو می‌باشد هرچند کوریکولوم آموزشی این رشته در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی کشور مطرح و تصویب شده است، اما اجرای دقیق و رسیدن به اهداف تعیین شده تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد. این پژوهش به بررسی نحوه اجرای کوریکولوم آموزشی رشته تخصصی طب اورژانس در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور و میزان تطابق آن با کوریکولوم رسمی تصویب شده در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی پرداخته است.

مواد و روش‌ها:

مطالعه توصیفی مقطعی حاضر بر روی جامعه مورد مطالعه که در این پژوهش گروه های طب اورژانس سراسر کشور (مدیران گروه و دستیاران ارشد) بوده اند انجام پذیرفت. در این مطالعه، ۳۸ نفر از مدیران گروه و دستیاران ارشد طب اورژانس دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در مطالعه شرکت کردند. در این مطالعه پرسشنامه ای بر اساس موارد موجود در کوریکولوم رسمی طب اورژانس تهیه و برای مدیران گروه و دستیاران ارشد طب اورژانس دانشگاه های علوم پزشکی کشور فرستاده شد و پس از تکمیل و استخراج اطلاعات داده ها با استفاده از نرم افزار اماری spss 23 تجزیه و تحلیل شد. از امار توصیفی به صورت فراوانی و جداول توصیفی استفاده شد.

یافته ها:

نتایج نشان داد که ۳۸/۹۲ درصد از برنامه‌های ارائه شده در گروه‌های آموزشی طب اورژانس سراسر کشور، تطابق نداشتند. تنها ۲۹/۴۶ درصد از برنامه‌های ارائه شده با محتوای کوریکولوم رسمی مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تطابق داشتند. نتایج نظرسنجی از مدیران گروه و دستیاران ارشد طب اورژانس نشان داد که در برنامه‌های آموزشی بالای ۵۰ درصد دارای تطابق با برنامه‌های وزارت بهداشت، عملیات احیاء قلبی ریوی پیشرفته ارائه شده در گروه‌های آموزشی طب اورژانس سراسر کشور با تطابق ۹۰ درصد انجام می‌شود. نتایج نظرسنجی نشان داد که آزمون‌های ایستگاهی (OSCE) ارائه شده در تمام گروه‌های آموزشی طب اورژانس سراسر کشور اصلاً انجام نشده است. آزمون PMP در ۵۰ درصد از گروه‌های آموزشی اصلاً انجام نشده و در ۵۰ به‌طور متوسط انجام شده است.

نتیجه گیری:

بر اساس نتایج حاصل از مطالعه حاضر نیاز به مشارکت و همکاری دستیاران ارشد طب اورژانس و مدیران گروه دانشگاه‌های مختلف سطح کشور در اجرای پژوهش‌های بیشتر برای دستیابی به تطابق بیشتر برنامه‌های آموزشی ارائه شده در گروه‌های آموزشی طب اورژانس سراسر کشور با محتوای کوریکولوم رسمی رشته که مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور میباید احساس می‌شود.

کلمات کلیدی: کوریکولوم، آموزش، طب اورژانس



دیدگاه دانشجویان در خصوص ادغام برنامه پزشکی خانواده در دوره کارورزی پزشکی اجتماعی در دانشجویان پزشکی بیرجند

فروغ احراری^۱، بیتا بیجاری^۱

۱. دانشکده علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

نویسنده مسئول: فروغ احراری

مقدمه:

طرح پزشک خانواده با هدف ارتقای سلامت خانواده و کاهش هزینه درمان آغاز شد. از وظایف پزشکان خانواده ارائه خدمات بهداشتی درمانی است. دانشجویان پزشکی پس از اتمام دوره تحصیلی خود به میزان کافی با موضوعات مورد نیاز پزشکی عمومی یا پزشک خانواده آشنا نشده و مشکلات عدیده‌ای گریبان‌گر وی می‌شود. با توجه به نیاز دانشجویان در خصوص آشنایی و کسب مهارت بیشتر در خصوص مدیریت و درمان سرپایی و اینکه در آخرین کوریکولوم مصوب دوره پزشکی عمومی در سال ۹۶ توانایی اخذ شرح حال جامع و معاینه فیزیکی عمومی کامل و جامع در کلینیک پزشک خانواده یا مراکز جامع سلامت و نسخه نویسی بر اساس تجویز منطقی داروها جزو اهداف کلی دوره پزشکی اجتماعی و خانواده ذکر شده است. بنابراین هدف ما در این مطالعه بررسی دیدگاه دانشجویان پزشکی کارورزی در خصوص ادغام برنامه پزشک خانواده در دوره کارورزی پزشکی اجتماعی در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند بود.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه مقطعی (توصیفی تحلیلی) دانشجویان پزشکی معرفی شده جهت گذراندن دوره کارورزی پزشکی اجتماعی از بهمن ۱۴۰۰ تا آبان ۱۴۰۱ در مدت ۹ ماه به مدت یک هفته طبق گروه بندی انجام شده (در گروه های ۵-۶ نفری) در یکی از مراکز جامع سلامت بیرجند به همراه متخصص پزشک خانواده بصورت عملی آموزش دیدند. در این دوره یک هفته ای دانشجویان در مورد شرح حال، معاینه بالینی، نسخه نویسی، بیماری های شایع، علائم خطر بیماری ها، مراقبت های مادران باردار، کودکان و سالمندان و نحوه ارجاع به پزشک متخصص آموزش های لازم را دریافت می کنند. در پایان دوره پرسشنامه محقق ساخته شامل ۲۰ سوال در مورد نظر دانشجویان در مورد هر کدام از موارد آموزش داده توسط دانشجویان تکمیل گردید. داده‌ها پس از جمع آوری وارد نرم افزار SPSS(22) شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

در این مطالعه تعداد ۵۶ دانشجو با میانگین سنی افراد $24 \pm 5/98$ سال شرکت کردند ۶۰/۷ درصد افراد دختر و ۵۸/۹ درصد مجرد و ۷۵٪ غیر بومی بودند. در مجموع ۹۲/۸٪ از دانشجویان از محتوای آموزشی پزشکی خانواده رضایت داشتند. ۹۶/۴٪ از دانشجویان معتقد بودند که برنامه برایشان مفید بوده است.

۸۷/۵ درصد دانشجویان بیان کردند که دوره کارورزی پزشکی خانواده، کیفیت یادگیری در خصوص مدیریت Red Flag های بیماری های شایع جهت ارجاع به سطوح بالاتر افزایش داده است. ۸۵/۷ درصد دانشجویان در مورد دوره کارورزی پزشکی خانواده خانواده، کیفیت یادگیری در خصوص مدیریت بیماری های دیابت و پرفشاری خون و دیس لیپیدمی افزایش داده است. کمترین میزان رضایت دانشجویان از محتوای آموزشی در مورد دوره کارورزی پزشکی خانواده در ترویج اخلاق حرفه ای در دانشجویان پزشکی با ۶۲/۵ درصد بود.

بحث و نتیجه گیری:

بیشترین موضوعی که در دانشجویان دوره کارورزی بیشتر مورد توجه قرار گرفته بود کیفیت یادگیری در خصوص مدیریت Red Flag های بیماری های شایع جهت ارجاع به سطوح بالاتر بود. ادغام برنامه پزشکی خانواده در دوره کارورزی و تاکید بر محتوایاتی که قابلیت رضایت بیشتری در دانشجویان ایجاد می کند می تواند نقش مهمی در افزایش مهارت و توانمندی دانشجویان بعد از فارغ تحصیلی و در دوره پزشکی خانواده برای آنها داشته باشد. در نتیجه کاربردی کردن آموزش ها می تواند موجب یادگیری عمیق تر در کارورزان گردد.

کلمات کلیدی: پزشکی خانواده، ادغام، دوره کارورزی، دانشجویان



ارزیابی ادراک اساتید و دانشجویان از کفایت برنامه درسی پزشکی عمومی در کسب توانمندی های مدیریت تغذیه ای بیماران

فاطمه رودی^۱، زهرا موفقی^۱، سارا صبوری^۱، ساجده صفار^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: سارا صبوری

مقدمه:

یکی از روش های معمول، جهت تصمیم گیری های مرتبط با سنجش کفایت آموزش و یا اصلاح و بهبود فرایندهای آموزشی مختلف، سنجش نگرش افراد دخیل در عرصه آموزش می باشد. در این شیوه در واقع قضاوت در این مورد به افرادی که به طور مستقیم در آموزش دخیل بوده اند (مجریان آموزش - اساتید) و یا به آنها آموزش داده شده است (مشتریان آموزش - دانشجویان و فارغ التحصیلان) واگذار می شود و نظر آنان مبنای تصمیمات و سیاستگذاری های بعدی خواهد بود. طبق سند حداقل توانمندی های پزشکی عمومی، در ذیل اصول کلی مراقبت از بیمار، تجویز دارو، تغذیه و اقدامات حمایتی مرتبط با آن، از دانش آموخته پزشکی انتظار می رود بتواند برنامه مراقبت از بیمار خود را در سه سطح پیشگیری از ابتلا به بیماری، کنترل بیماری، پیشگیری از عوارض آن، را با دیدگاهی کل نگر طراحی کند. توجه به اصول تغذیه در مدیریت بیماری ها و ارائه برنامه های مراقبتی بیماران، یک جز مهم در اصلاح سبک زندگی و نیازهای سلامتی جامعه و یکی از رسالت های مهم پزشکی در چارچوب پاسخگویی اجتماعی می باشد. پایه های این نگرش سلامت محوری، پویایی و مسئولیت پذیری فزاینده، نسبت به سلامت و تغذیه افراد جامعه، همچون بسیاری از نگرش های پزشکان در مدت زمان حضور در دانشکده و بیمارستان و در بازه آموزش پزشکی عمومی شکل می گیرد. مطالعه حاضر به ارزیابی برنامه درسی پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در کسب توانمندی های مرتبط با توجه به مدیریت تغذیه در طراحی برنامه مراقبتی بیمار پرداخته است.

مواد و روش ها:

مطالعه توصیفی - مقطعی حاضر با ابزار پرسشنامه محقق ساخته بر مبنای امتیاز دهی لیکرت و مطابق با سنجه های مرتبط با حوزه مدیریت تغذیه ای بیمار در سند حداقل توانمندی های پزشکی عمومی (ویرایش سال ۱۳۹۴) در سال های ۱۴۰۰-۰۱ انجام شده است. تعداد ۹۸ عضو هیات علمی و ۴۸ کارورز در شرف فارغ التحصیلی یا تازه فارغ التحصیل وارد مطالعه شدند و پرسشنامه ای مشتمل بر ۲ بخش توسط آنان تکمیل شد. داده ها با نرم افزار SPSS (version 20) و با استفاده از آزمون های پارامتریک و نان-پارامتریک مرتبط مقایسه و تجزیه و تحلیل شدند

نتایج:

میانگین نمره نگرش کارورزان وارد شده در مطالعه نسبت به توانمندی حیطة توجه به تغذیه در برنامه مراقبتی بیمار ۱/۹ و در حد ضعیف- متوسط بود و فقط ۹ نفر توانمندی خود را در این حیطة خوب- خیلی خوب ارزیابی کردند (% ۱۸/۷). میانگین نمره دیدگاه اعضا هیات علمی درگیر در برنامه آموزش پزشکی عمومی به این توانمندی ۱/۷ و در حد ضعیف- متوسط بود و تنها ۱۳ نفر از ۹۸ عضو هیات علمی توانمندی کارورزان در این حیطة را در حد خوب- خیلی خوب ارزیابی کردند. نتایج تجزیه و تحلیل آماری نشان داد بین نگرش اعضا هیات علمی دانشکده و کارورزان در خصوص توانمندی مدیریت تغذیه ای بیماران بعنوان جزئی از برنامه مراقبت از بیمار تفاوت معناداری وجود نداشت. ($P\text{-value} > 0.05$)

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نگرش اعضا هیات علمی دانشکده پزشکی مشهد و کارورزان در شرف فارغ التحصیلی و یا تازه فارغ التحصیل شده، توانمندی کارورزان در خصوص حیطة مدیریت تغذیه ای در حد کافی نبوده و لازم است جهت جبران شکاف آموزشی و کسب این توانمندی، برنامه ریزی های جامع کوتاه و بلندمدتی برای دانشجویان و فارغ التحصیلان پیش بینی و اجرا شود.

کلمات کلیدی: برنامه درسی، تغذیه، پزشکی

تدوین کوریکولوم آموزشی مبتنی بر پیامد کارشناسی ارشد رشته سلامت باروری

ناهید جوادی فرا^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

نویسنده مسئول: ناهید جوادی فر

مقدمه:

علیرغم اینکه از سال ۱۹۶۷ تا کنون رشته سلامت باروری در مقاطع ارشد و دکترا در بسیاری از کشورهای جهان مطرح بوده و از سال ۱۳۸۵ تا کنون دانشجویان دکترای بسیاری در این رشته در کشورمان فارغ التحصیل شده اند ولیکن در حال حاضر این دوره در مقطع کارشناسی ارشد، نه بعنوان یک رشته بلکه بعنوان یکی از گرایش های رشته مامایی بوده و از سال ۱۳۸۸ در مجموعه کوریکولوم رشته مامایی و در قالب ۱۰ واحد آموزشی (اختصاصی گرایش بهداشت باروری) گنجانیده شده و از آن زمان تا کنون هیچگونه تغییری در آن اعمال نشده است. با توجه به اهمیت سلامت باروری و براساس دیدگاه های بسیاری از متخصصین این رشته و مدرسان آن، محتوای کوریکولوم گرایش موجود غیر موثر، غیر کاربردی و متفرق است و در بردارنده کلیه ابعاد سلامت باروری نیست و علاوه بر آن چالش های سلامت باروری در جهان و توسعه دانش مرتبط با آن را پاسخگو نمی باشد. لذا هدف این مطالعه تدوین کوریکولوم آموزشی مبتنی بر پیامد کارشناسی ارشد رشته سلامت باروری با استفاده از ۴ مرحله اول مدل کرن بوده است.

مواد و روش ها:

در این مطالعه به عنوان اولین گام، تیم تحقیق با استفاده از روش آنالیز محتوای کیفی به بررسی تجارب ۲۵ مشارکت کننده شامل دانشجویان، فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد مامایی با گرایش بهداشت باروری، اساتید و دانش آموختگان شاغل این گرایش در ۵ دانشگاه علوم پزشکی پرداخت. علاوه بر آن مطالعه ای مروری بر پژوهش های کیفی انجام شده در ایران در راستای آشنایی با نیازهای سلامت باروری در اقشار مختلف مردم ایران بعنوان مطالعه تکمیلی دوم و همچنین مطالعه ای تطبیقی برای آشنایی با محتوای کوریکولوم کارشناسی ارشد سلامت باروری در ۱۰ دانشگاه مطرح جهان به عنوان مطالعه تکمیلی سوم پرداخت. کدها و زیرطبقات مطالعات فوق برای تهیه نسخه اولیه دلفی استفاده شد و در اختیار ۱۲ نفر از اساتید رشته سلامت باروری قرار گرفت (مرحله دوم از مدل برنامه ریزی درسی کرن). پس از تحلیل نتایج دور اول دلفی و استخراج نیازهای آموزشی، پیش نویس برنامه درسی براساس پیامدها و وظایف تدوین گردید. در دور دوم دلفی علاوه بر محتوای آموزشی، تعداد واحد، پیش نیاز نیز به پرسشنامه اضافه شد و پس از اجماع و جمع آوری نظرات و با رعایت مراحل تدوین کوریکولوم و مشخص نمودن استراتژی های آموزشی، کوریکولوم نهایی تدوین گردید.

نتایج:

تحلیل کدها و طبقات ۳ مطالعه فوق نشان داد که چهارچوب ابتدایی برنامه درسی کارشناسی ارشد سلامت باروری در ۷ حوزه سلامت باروری، سلامت جنسی، مدیریت خدمات سلامت باروری، اصول طراحی و آنالیز تحقیقات اپیدمیولوژیک، مشاوره خدمات سلامت باروری، ارزیابی سلامت فیزیکی و روانی خانواده و حیطه های حقوقی می باشد. پیامدهای بدست آمده از مطالعات فوق در نسخه اول دلفی توسط ۱۲ نفر از اساتید رشته سلامت باروری بررسی و پیامدهای با اجماع بالای ۹۰٪ باقی ماند و نهایتاً به ۵ حیطه پیامدهای مرتبط با سلامت باروری و جنسی، پیامدهای مرتبط با مدیریت ارائه خدمات در سلامت باروری و جنسی، پیامدهای مرتبط با سلامت جسمی و روانی خانواده، پیامدهای مرتبط با اصول طراحی و آنالیز تحقیقات اپیدمیولوژیک و پیامدهای مرتبط با حیطه های حقوقی، تقلیل یافت و متناسب با آن اهداف کلی و اختصاصی و محتوای برنامه مشخص گردید. پس از تحلیل نتایج دور اول دلفی و استخراج نیازهای آموزشی، پیش نویس برنامه درسی براساس پیامدها و وظایف تدوین گردید که شامل ۱۵ واحد جبرانی (از دوره کارشناسی مامایی)، ۲۸ واحد اختصاصی و ۴ واحد پایان نامه بود. در دور دوم دلفی پس از اجماع و جمع آوری نظرات و اعمال تغییرات لازم، کوریکولوم نهایی تدوین گردید.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نیازسنجی جامع و طراحی مراحل تدوین کوریکولوم براساس مدل توسعه برنامه درسی کرن، کوریکولوم مبتنی بر پیامد کارشناسی ارشد سلامت باروری می تواند پاسخگوی نیازهای آموزشی این رشته باشد.

کلمات کلیدی: کوریکولوم، مبتنی برپیامد، سلامت ارشد



بررسی کیفیت اجرای برنامه درسی فیزیولوژی رشته پزشکی عمومی از دیدگاه دانشجویان

علی هرمزی^۱، خدیجه فرخ فال^۱، خیر النساء رمضان زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

نویسنده مسئول: خیر النساء رمضان زاده

مقدمه:

چنانچه واضح است دوره آموزشی علوم پایه پزشکی پیش زمینه پیشرفت تحصیلی و فهم دقیق مطالب دوره های بعدی پزشکی عمومی می باشد این دوره فرصتی برای علاقمند کردن دانشجویان پزشکی نسبت به ادامه تحصیل در رشته های تخصصی علوم پایه بوده و دانشجوی پزشکی با استفاده از اطلاعات کسب شده در این دوره به حل مشکلات بالینی و تصمیم گیری بالینی می پردازد. حجم زیاد واحد درس فیزیولوژی و نحوه ارائه و استفاده از وسایل کمک آموزشی و آزمایشگاهی در اخذ نمرات پایین درس فیزیولوژی در آزمون علوم پایه پزشکی با اهمیت است، از طرفی بیشترین علاقه مندی دانشجویان در دروس علوم پایه متعلق به دروس فیزیولوژی و آناتومی است. در بسیاری از موارد مشاهده می شود که توجه کمتری به کیفیت آموزش پزشکی دانشگاه ها و بهبود ارتقاء آن می شود. مطالعات نقش برجسته دروس علوم پایه در به خاطر آوردن و بازسازی بین اختصاصات بیماری و تشخیص آن تایید شده است. از طرفی تدریس علوم پایه همراه با تدریس بالینی یادگیری عمیق تر و جامع تر و طولانی مدت تری را به همراه دارد. پیشرفت علوم بالینی در درمان بسیاری از بیماری ها مثل فشارخون مرهون مطالعات فیزیولوژی است بنابراین فیزیولوژی در علم سازی و درمان های جدید و کارا تر نقش اساسی دارد. به این ترتیب توجه به آن ضروری به نظر می رسد و لازم است برای دستیابی به کیفیت مطلوب آموزش، ابتدا به ارزیابی کیفیت برنامه آموزشی پرداخت و سپس تغییرات لازم را در برنامه های آموزشی ایجاد کرد. لذا این پژوهش با هدف بررسی کیفیت تدریس فیزیولوژی از دیدگاه دانشجویان پزشکی طراحی شده است.

مواد و روش ها:

این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی است که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ انجام شد. جامعه پژوهش، کلیه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در این سال می باشد. بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه برآورد گردید. جمع آوری اطلاعات با پرسشنامه محقق ساخته صورت گرفت. این پرسشنامه مشتمل بر دو بخش اطلاعات دموگرافیک و سؤالاتی مربوط ارزیابی کیفیت برنامه درسی اجرا شده فیزیولوژی بر اساس مدل برنامه درسی آیزنر می باشد. این پرسشنامه در ۳۳ گویه تدوین شد و دارای ۶ خرده مقیاس (اهداف، محتوا، فرصت های یادگیری، سازماندهی محتوا، راهبردهای تدریس و ارزشیابی) است. روایی آن با $CVR = 0/99$ و $CVI = 0/84$ مورد تأیید صاحب نظران آموزش پزشکی قرار گرفت و

پایایی پرسشنامه با استفاده از شیوه الفای کرونباخ $0/89$ محاسبه گردید. داده ها وارد بسته نرم افزاری SPSS25 گردید و در تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی (شاخص های مرکزی و پراکندگی) و استنباطی آزمون های t تک نمونه ای و مستقل استفاده شد.

نتایج:

نتایج این مطالعه نشان داد که تعداد 106 دانشجو پرسشنامه را تکمیل نمودند. که $45/3\%$ (48 نفر) معدل 17 و بیشتر و $54/7\%$ (58 نفر) معدل کمتر از 17 داشتند. $41/5\%$ (44 نفر) زن و $58/5\%$ (62 نفر) را مردان تشکیل دادند. به نظر دانشجویان شرکت کننده در مطالعه برنامه درسی فیزیولوژی مطلوب است ($3/38 \pm$) و در مقایسه با میانگین فرضی 3 (حد متوسط) افزایش معنی داری دارد. ($0001/0 > p$) میانگین نمره کیفیت اجرای برنامه درسی فیزیولوژی بین دانشجویان دختر ($3/24 \pm 0/53$) و پسر ($3/0 \pm 42/84$) تفاوت آماری معنی داری نشان نداد. بر اساس معدل تحصیلی، به نظر دانشجویان با معدل 17 و بالاتر برنامه درسی فیزیولوژی از کیفیت مطلوبی برخوردار است ($0001/0 > p$)، $3/0 \pm 57/75$ (ولی از نظر دانشجویان با معدل کمتر از 17 برنامه درسی فیزیولوژی کیفیت متوسط داشته و افزایش معنی داری با میانگین فرضی 3 نشان نمی دهد ($52/0 = p$)). $3/0 \pm 18/69$. (مقایسه میانگین امتیاز برنامه درسی فیزیولوژی بر اساس معدل نشان داد که در دانشجویان با معدل تحصیلی کمتر از 17 کاهش معنی داری در مقایسه با دانشجویان دارای معدل 17 و بالاتر دارد. ($0073/0 = p$)).

بحث و نتیجه گیری:

مسئله ارتقاء کمی و کیفی دانش فیزیولوژی اساتید و دانشجویان، در دسترس بودن مطالب مربوطه و ارائه کاربردی مطالب به شکل منسجم و مطابق با سرفصل های وزارت بهداشت، در افزایش مهارت کاری افراد و افزایش خدمات درمانی موثر خواهد بود. چنانچه افراد با معلومات کافی فیزیولوژی در محیط کار حاضر باشند زمان و کیفیت تشخیص، درمان، مصرف دارو و عوارض احتمالی و تداخلات دارویی و حتی استراتژی های پیشگیری از وقوع بیماری و عوارض آن سریعتر و با دقت بیشتری محقق خواهد شد. به نظر می رسد تفاوت های فردی دانشجویان در ارزیابی کیفیت تدریس فیزیولوژی نقش مهمی دارد. برای رفع این چالش، پیشنهاد می شود راهبردی تدریس کمکی برای تسهیل یادگیری فیزیولوژی به دانشجویان با معدل تحصیلی پایین تر بکار گرفته شود

کلمات کلیدی: فیزیولوژی، دانشجویان پزشکی، علوم پایه، کورلیکولوم آموزشی

تبیین چهارچوب برنامه درسی خرد گرا با تمرکز بر توانمندی های شناختی مورد نیاز دانشجویان رشته پزشکی

پرهام درگاهی^۱، هلن درگاهی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: پرهام درگاهی

مقدمه:

خرد بعنوان بالاترین سطح از رشد و تعالی انسان، از آموزه های بنیادین در فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی است و منظور از آموزش خردگرا پرورش انسان هایی است که استدلال ورزی در آنها نهادینه شده باشد. این مفهوم در طول تاریخ و همگام با رشد علوم عقلی و استدلالی و پیچیده شدن زندگی و روابط آدمیان، دستخوش تحولات گوناگون شده و معانی ضمنی متعددی را پذیرفته است. پیشینه تاملات خردورزانه در باب پزشکی به عهد یونان باستان باز می گردد. از زمان بقراط تا قرن نوزدهم، پزشکی رایج و غالب، آمیزه ای از تلاش های نظری و تجربی برای کشف ماهیت واقعی بیماری و درمان آنها بود. پس از آن، پزشکی که تا آن زمان متأثر از فلسفه روزگار خود بود، به سمت علمی شدن پیش رفت و به جای نظردورزی در باب بیماری ها، روش تجربی را برگزید. دیگر برای تشخیص و درمان بیماریها نیاز به گفتگوی چندانی با بیمار نبود و فقط کافی بود ارگانی که دچار آسیب زیست شناختی شده را کشف و درمان کرد. سرانجام به رغم خوش بینی های اولیه، طب مدرن در بسیاری از حوزه ها نتوانست موفقیت چندانی کسب کند. به این ترتیب رویکردی به نام طبابت انسان گرا شکل گرفت که طب را صرفا علم نمی دانست بلکه برای آن جنبه ای انسانی و هنری نیز قائل بود و این گونه بود که علوم انسانی پزشکی برای پیوند زدن ارزش های انسانی و علمی در پزشکی ابداع شد. چالش های پیش رو در حوزه علوم پزشکی تربیت پزشکانی است که با وجود اینکه از لحاظ دانش قوی هستند، از حیث مهارت های استدلالی و مدیریت بیمار نمی توانند به شیوه صحیح و موثر بیماران را اداره کنند. بدین لحاظ تیم پژوهش بر آن شد تا مولفه های تاثیرگذار بر آموزش خردگرا با هدف ارتقاء توانایی استدلال بالینی را بررسی کند تا بلکه مبنایی برای طراحی برنامه درسی خردگرا در دانشجویان پزشکی باشد.

مواد و روش ها:

در این مطالعه کیفی، داده ها با استفاده از روش تحلیل محتوای مرسوم مورد بررسی قرار گرفت. روش گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختار یافته بود که تا اشباع نظری داده ها ادامه یافت. اینکه چه صلاحیت های مرتبط با تفکر و استدلال بالینی را می شناسید که می تواند به اخذ بهترین تصمیمات تشخیصی و درمانی منجر شود، محور سوالات مصاحبه در این پژوهش بود. مشارکت کنندگان

صاحب‌نظران حوزه آموزش استدلال بالینی، از دو گروه متخصصین آموزش پزشکی و اساتید بالینی انتخاب شدند (۱۶ نفر). اساتید بالینی افرادی بودند که فراگیران آنان را به عنوان الگوی معلم بالینی می‌شناختند. نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انجام شد. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری اولیه، زیر طبقه‌ها و طبقات اصلی و با کمک نرم‌افزار مکس کیودا صورت گرفت.

نتایج:

یافته‌ها نشان داد علاوه بر دانش روزآمد، تقویت بازانديشي، ادغام تفکر نقادانه و تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد که در برگزیده بخش علمی حرفه پزشکی می‌باشند، جنبه انسانی پزشکی که پایبندی به اصول حرفه مندی، ارتباط مناسب و دریافت اطلاعات صحیح و کافی از بیمار به همراه شناخت مسائل فرهنگی و مذهبی بیمار می‌توانند درک بهتری از بیمار را همراه داشته باشد. هر دو بخش لازمه توانایی بکارگیری سطوح بالای حیطه شناختی، استدلال بالینی و اخذ تصمیم‌گیری بهتر پزشکی می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری:

در حرفه پزشکی تاملات مربوط به انسان و پرداختن به مسایل ضروري او از قبیل سلامت و بیماری به سختی می‌تواند از اذهان افراد نقاد و خردمند در هر عصری جدا شود. در واقع این که انسان‌هایی با قدرت تحلیل داشته باشیم که نقادی و استدلال ورزی و در آنها نهادینه شده باشد مستلزم ایجاد بستری مناسب برای طرح‌گفتمان و تحلیل‌های نظورزانه است. پیوند علوم انسانی با پزشکی باعث قوام بخشی و شکل‌دهی به هویت حرفه‌ای و پرورش تامل انتقادی می‌شود. فهم احساسات بیمار و اهمیت دادن به مسائل او در موقعیت‌های بالینی درک عمیق‌تری از ماهیت پزشکی و روابط انسانی میان پزشک و بیمار را ایجاد خواهد کرد که همگام با ارزش‌های انسانی در شالوده حرفه مندی باعث ارتقاء سلامت می‌شوند.

کلمات کلیدی: خرد، برنامه‌درسی، توانمندی شناختی، استدلال بالینی، دانشجویان پزشکی



بررسی اثربخشی آموزش مجازی مراقبت فرهنگی بر صلاحیت فرهنگی اساتید پرستاری دانشکده‌های پرستاری و مامایی وابسته به دانشگاه های علوم پزشکی استان کرمان

جمیله فرخ زادیان^۱، منیره رحیمی^۱، صدیقه خداپنده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: جمیله فرخ زادیان

مقدمه:

دانشجویان پرستاری روزانه بامدجویانی مواجه می شوند که دارای زمینه های فرهنگی متنوع هستند. این تنوع مانع برقراری تعامل لازم بین مددجو و دانشجویان می شود. بنابراین از دانشجویان پرستاری انتظار می رود صلاحیت های لازم برای ارائه مراقبت ایمن و فرهنگی متناسب با نیاز مددجو را کسب کنند. برای ایجاد چنین مهارتی نیاز است اساتید پرستاری در سطح بالایی از صلاحیت فرهنگی باشند تا بتوانند آن را به طور موثر به دانشجویان به عنوان پرستاران آینده انتقال دهند. اساتید می توانند از طریق برنامه های آموزشی صلاحیت فرهنگی خود را افزایش دهند. لذا این مطالعه با هدف بررسی اثربخشی آموزش مجازی مراقبت فرهنگی بر صلاحیت فرهنگی اساتید پرستاری انجام شد.

مواد و روش ها:

در این پژوهش نیمه تجربی همه ۶۵ اساتید پرستاری دانشکده های پرستاری وابسته به دانشگاه های علوم پزشکی استان کرمان به روش سرشماری وارد مطالعه شدند و سپس به روش تصادفی ساده قرعه کشی به دو گروه کنترل ($n=30$) و مداخله ($n=35$) تخصیص یافتند. برنامه آموزش مراقبت فرهنگی در طی ۳ جلسه ۲ ساعته ظرف یک ماه به صورت مجازی از طریق skyroom اجرا شد. از پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه ویرایش شده صلاحیت فرهنگی برای اساتید پرستاری جهت بررسی صلاحیت فرهنگی اساتید قبل و یک ماه بعد از آموزش مجازی مراقبت فرهنگی استفاده شد.

نتایج:

نتایج نشان داد در مرحله ی پیش آزمون میانگین نمره صلاحیت فرهنگی در گروه مداخله ($3/29 \pm 0/58$) نسبت به گروه کنترل ($3/24 \pm 0/58$) تفاوت معنی داری نداشت و هر دو گروه در سطح با صلاحیت فرهنگی متوسط بودند ($p=95/0$)، $0/05$ ، $t=$ تفاوت معنی داری پس آزمون میانگین صلاحیت فرهنگی گروه مداخله ($3/80 \pm 0/70$) نسبت به گروه کنترل ($3/23 \pm 0/67$) افزایش معنی داری یافت ($p=0/001$)، $t=76/4$ ، $p=$ (بدین ترتیب گروه مداخله از سطح با صلاحیت فرهنگی متوسط به سطح ماهر فرهنگی رسیدند).

بحث و نتیجه گیری:

آموزش مجازی مراقبت فرهنگی بر صلاحیت فرهنگی اساتید پرستاری تأثیر معنی داری داشته است و صلاحیت فرهنگی اساتید از سطح متوسط قبل از مداخله به سطح ماهر در بعد از آموزش رسید. جهانی شدن ارتباطات، افزایش مهاجرت‌ها، ارتباطات رسانه ای و نسل هزاره سوم همه مواردی هستند که بر فرهنگ هر جامعه تأثیر می‌گذارند. این عوامل اجتماعی و فرهنگی رویکردهای هستند که چگونگی رفتار و پیامدهای سلامتی را تعیین می‌نمایند. مسئولیت اصلی اساتید و مربیان پرستاری تربیت دانشجویان به عنوان پرستاران آینده می‌باشد. بنابراین لازم است اساتید و مربیان پرستاری از صلاحیت فرهنگی مناسب برخوردار باشند که بتوانند دانشجویان را در این مورد یاری کنند. اساتید می‌توانند با سفرهای علمی بین المللی، تحقیقات مراقبت فرهنگی، مهارت آموزی زبان، همکاری های بین المللی، برگزاری وبینارهای کشوری و بین المللی، ارتباطات بین سازمانی، ایجاد تنوع در محیط دانشگاه، فراهم کردن موقعیت های برای کسب تجربه در خارج از کلاس درس کمک گیرند. همچنین اساتید با بهره گیری از فعل و انفعالات در محیط های طبیعی تر و دیدگاه سیستمیک تر به فرهنگ، ایجاد تغییر در روش تدریس، ایجاد فرصت های برای یادگیری از یکدیگر، ارزش گذاری روی صلاحیت فرهنگی، تعاملات چهره به چهره با افراد مختلف، تمرین های شبیه سازی، داشتن ذهن باز و خدمات مبتنی بر عمل به افزایش صلاحیت فرهنگی خود و دانشجویان کمک کنند.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، مراقبت فرهنگی، صلاحیت فرهنگی، اساتید پرستاری



ارزیابی نگرش اساتید بالینی دانشگاه های علوم پزشکی ایران نسبت به پروفیشنالیسم

مهسا شکور^۱، لیلا حسینی زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اراک، استان مرکزی، ایران
نویسنده مسئول: مهسا شکور

مقدمه:

تعهد حرفه‌ای از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده شایستگی ارائه‌کنندگان خدمات در حرفه‌های پزشکی است و مجموعه‌ای از رفتارهایی را شامل می‌شود که موجب ایجاد اعتماد و اطمینان در ارتباطات بین پرسنل پزشکی با بیمار و جامعه می‌شود. لذا اهمیت تدریس و سنجش پروفیشنالیسم از نظر موسسه اعتباربخشی آموزش پزشکی عمومی تا حدی است که پروفیشنالیسم را یکی از ملزومات ارائه‌گواهی برای برنامه‌های دستیاری اعلام نموده است و سنجش آن را ضروری دانسته است و به نقش مهم سنجش این توانمندی در کمک به ارتقاء برنامه درسی و آموزش و یادگیری دانشجویان تأکید می‌کند. با توجه به اهمیت موضوع و جایگاه اساتید در آموزش تعهد حرفه‌ای، مطالعه حاضر باهدف تعیین نگرش اساتید بالینی دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران نسبت به پروفیشنالیسم انجام گرفت.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر یک مطالعه پیمایشی مقطعی است. نمونه‌گیری ساده و سهمیه‌ای بود. نمونه‌ها ۸۲ نفر از اساتید بالینی از ۹ دانشگاه از دانشگاه‌های مختلف کشور بودند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بومی سازی شده PSQP پنسیلوانیا برای ایران بود که بعد از نهایی شدن ۸ بعد با اجزای متفاوت پیدا کرد. روایی و پایایی ابزار در مطالعه‌ای دیگر با کمک نظر متخصصین در دلفی بررسی شده بود و با کمک تحلیل عاملی تاییدی تایید شده بود. پرسشنامه‌ها از طریق ایمیل توزیع شدند و بدون نام و محرمانه تحلیل شدند.

نتایج:

بر اساس نتایج این ارزیابی میانگین نمره هر بعد از ۵ نمره برای ابعاد مسئولیت‌پذیری، تعالی، عدالت، شرافت و صداقت، نوع دوستی، وظیفه و احترام به ترتیب برابر بود با ۴٫۲۵، ۳٫۹۳، ۴٫۲، ۴٫۴، ۳٫۹۱، ۴٫۳۸ و ۳٫۹۸. بیشترین نمره مربوط به شرافت و کمترین نمره مربوط به نوع دوستی بود.

بحث و نتیجه‌گیری:

از نظر اساتید بالینی در بیشتر ابعاد پروفیشنالیسم پزشکی، نگرش مثبتی نسبت به پروفیشنالیسم وجود داشته است.

کلمات کلیدی: ارزیابی، نگرش، اساتید بالینی، پروفیشنالیسم

شناسایی چالش های اجرای استانداردهای آموزش بالینی از دیدگاه اساتید بخش های بالینی

عسگر آرمون^۱، عبدالله مهدوی^۱، بهمن بشر دوست^۱، یوسف محمدی کبار^۱، قدیر پوربایرامیان^۱، بیتا شهباززادگان^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

نویسنده مسئول: عسگر آرمون

مقدمه:

در راستای بهبود کیفیت آموزش بالینی، باید وضعیت آموزشی بخش های بالینی و عوامل مرتبط با آن، نظیر؛ منابع و امکانات آموزشی و اساتید و نیروی انسانی آموزشی همواره مورد پایش و ارزشیابی قرار گیرد. بنابراین جهت حفظ و ارتقاء کیفیت آموزشی در بخش های بالینی برای دانشجویان پزشکی عمومی، رعایت و اجرای استانداردهای آموزش بالینی بخش ها ضروری می باشد. وضعیت موجود اجرای آموزش در بخش های بالینی نشانگر آن است که چالش های و موانع متعددی در اجرای استانداردهای آموزش بالینی وجود دارد. این پژوهش با هدف شناسایی چالش های اجرای استانداردهای آموزش بالینی از دیدگاه اساتید بخش های بالینی انجام یافت.

مواد و روش ها:

این مطالعه به روش کیفی از نوع اکتشافی و در سال ۱۴۰۰ انجام یافت. جامعه آماری شامل تمامی اعضای هیأت علمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل بودند. نمونه تحقیق به روش هدفمند انتخاب گردید و شامل ۱۴ نفر از اساتید بالینی آموزشی بودند که تجربه آموزشی یا مطالعاتی در این حوزه داشتند. داده های تحقیق از طریق مصاحبه های عمیق نیمه ساختار یافته جمع آوری شد و تا اشباع اطلاعات ادامه یافت. تجزیه و تحلیل داده های حاصل به روش تحلیل محتوای کیفی با تکیه بر کدگذاری باز و محوری انجام گرفت.

نتایج:

مطابق یافته های حاصل از این مطالعه، چالش های اجرای استانداردهای آموزش بالینی از دیدگاه اساتید بخش های بالینی شامل ۴ چالش؛ فردی-انسانی (با ۸ مؤلفه: نگرش اساتید نسبت به استانداردها، دانش اساتید در مورد استانداردها، توانمندی و مهارت اساتید، رفتار اساتید، وقت و زمان، صبر و تحمل، نظارت و کنترل و تجربه اساتید)، سازمانی-نهادی (با ۶ مؤلفه: پشتیبانی آموزشی، توانمندسازی، ارزیابی و پایش، تشویق و تنبیه، اطلاع رسانی و نظارت و کنترل)، برنامه ریزی (با ۵ مؤلفه: برنامه ریزی اولیه، اطلاع رسانی برنامه، ضمانت اجرایی برنامه، خلاقیت در تدوین برنامه ریزی و ارزشیابی و پایش برنامه) و زیرساخت ها و منابع کالبدی (با ۴ مؤلفه: وجود سخت افزارها و امکانات، فضای فیزیکی، استفاده از امکانات و

تکنولوژی های جدید و خرید امکانات آموزشی-درمانی جدید) می باشد که به ترتیب دارای بیشترین فراوانی بوده و نسبت به سایر موانع در اجرای استانداردهای بالینی اهمیت بیشتری دارند.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشانگر آن است که، موانع و چالش های فردی - انسانی و سازمانی- نهادی بیشترین تاثیر را بر اجرای استانداردهای بالینی در بخش های بالینی مراکز آموزشی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل دارند و این امر بیانگر ضرورت تمرکز بیشتر به چالش های فردی و سازمانی در اجرای استانداردهای بالینی می باشد.

کلمات کلیدی: استانداردهای بالینی، اساتید، بخش های بالینی



بررسی اخلاق حرفه ای اساتید دانشگاه علوم پزشکی مازندران از دیدگاه دانشجویان این دانشگاه

علی مراد حیدری گرجی^۱، مرتضی امین پور^۱، مرتضی دارابی نیا^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: علی مراد حیدری گرجی

مقدمه:

اخلاق حرفه ای در مفهوم کلی هر شغل به وسیله ارزش ها و قوانین کلی اخلاق هدایت می شود و در حالت خاص هر شغل به اقتضای نوع آن، مسئولیت های اخلاقی ویژه ای را طلب می کند. اساتید دانشگاه برای اخلاق حرفه ای علاوه بر دانش، باید عامل به حسنات اخلاقی نیز باشند در همین راستا، این پژوهش به منظور برآورد میزان رعایت اخلاق حرفه ای اساتید و مقایسه آن بر اساس جنسیت دانشجویان و نوع دانشکده در دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه، یک مطالعه توصیفی-تحلیلی بود که به روش مقطعی در سال ۱۳۹۴ بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام شد. تعداد ۳۰۰ نفر به صورت تصادفی طبقه بندی از دانشجویان دانشکده های مختلف بهداشت، پیراپزشکی، پرستاری، پزشکی، داروسازی و دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران به صورت تصادفی انتخاب شدند. در این مطالعه از ابزار پژوهش مورد استفاده در مطالعه بودجمهری و همکاران استفاده شد. پایایی این پرسشنامه در مطالعه بودجمهری از طریق آلفای کرونباخ بررسی شد که معادل با ۰/۸۷ شد که معرف پایایی خوب پرسشنامه است روایی محتوایی این پرسشنامه هم از طریق اساتید دانشگاه علوم پزشکی یزد تایید شده بود. پس از جمع آوری داده ها، اطلاعات توسط نرم افزار (spss(16 و با استفاده از آماره های توصیفی نظیر میانگین، انحراف معیار و همچنین آزمون های t مستقل و آنالیز واریانس استفاده شد.

نتایج:

نتایج ارزیابی اخلاق حرفه ای اساتید در دانشگاه علوم پزشکی مازندران آمده است. نتایج حاکی از آن است که بیش از ۶۵ درصد از اساتید این دانشگاه از اخلاق حرفه ای مناسبی برخوردار بودند. میانگین میزان رضایت از اخلاق حرفه ای دانشجویان پسر در کل دانشگاه علوم پزشکی مازندران برابر با ۵۵/۶۳ با انحراف معیار ۶/۵۲ و میانگین میزان رضایت دانشجویان دختر برابر با ۶۰/۷ با انحراف معیار ۷/۸۳ شد. که با توجه به مقدار p-value که کمتر از ۰/۰۵ بود می توان نتیجه گرفت که بین میزان رضایت دانشجویان دختر و پسر از اخلاق حرفه ای اساتید تفاوت معناداری وجود داشت و میزان رضایت دانشجویان دختر از

وضعیت اخلاق حرفه ای اساتید از پسران بالاتر بود. میزان رضایت دانشجویان از اخلاق حرفه ای اساتید در دانشکده بهداشت از همه بالاتر و دانشکده پزشکی از همه پایین تر بود .

بحث و نتیجه گیری:

ارزیابی اخلاق حرفه ای اساتید دانشگاه علوم پزشکی مازندران نشان داد که اکثریت اساتید از شایستگی های لازم برخوردار هستند فقط اساتید باید بیشتر به مشکلات دانشجویان رسیدگی کنند و با آنها تعامل دوستانه تری برقرار کنند تا در دانشجویان حس امنیت و آرامش روحی روانی بیشتری نسبت به فضای دانشگاه ایجاد شود.

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای، اساتید، دانشگاه علوم پزشکی مازندران



ارزیابی کورس جدید مقدمات بالینی بیماریهای عفونی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان

منصوره مومن هروی^۱، احمد نجفی^۱، مائده نجفی زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: منصوره مومن هروی

مقدمه:

از جمله مهمترین تغییرات اعمال شده در برنامه آموزش پزشکی در ایران، طراحی و اجرای دوره مقدمات پزشکی بالینی در برنامه پزشکی عمومی است در بازنگری کوریکولوم پزشکی مقدمات عفونی از جمله مواردی است که به لیست دروس مقدمات اضافه شده است و برای دانشجویان ورودی ۹۶ به بعد اجرا میشود. این مطالعه به بررسی نظرات دانشجویان در مورد نحوه برگزاری دوره و رضایت آنها از این دوره در دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام گردیده است.

مواد و روشها:

با توجه به لزوم پایش برنامه جدید پزشکی عمومی این مطالعه توصیفی به بررسی نظرات ۲۲۲ دانشجو دوره مقدمات بالینی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در مورد نحوه برگزاری دوره رضایت آنها از کورس مقدمات عفونی در سال ۱۴۰۱ انجام گردید تا نقاط ضعف برنامه شناسایی و رفع گردد. از سامانه فرادید برای نظر سنجی استفاده شد و پرسشنامه محقق ساخته حاوی سؤالاتی در مورد نظم دوره رضایت کلی از دوره، کیفیت محتواها، طرح دوره، نحوه ارزشیابی درسنامه فرادید وارد گردید. نتایج بدست آمده از سامانه استخراج و میانگین نظرات سه دوره محاسبه گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

در دانشگاه علوم پزشکی کاشان تاکنون پنج دوره کورس مقدمات عفونی برگزار گردیده است که دو دوره اول بعلت مصادف شدن با اپیدمی کرونا آزمون بصورت الکترونیک و غیرحضوری و سه مورد بصورت الکترونیک حضوری برگزار گردید و نظر سنجی در این سه دوره انجام شده است. رضایت کلی از کورس مقدمات عفونی خیلی راضی ۳۲/۰۲٪، راضی ۴۹/۶۶٪، تا حدودی راضی ۱۶/۲۳٪، ناراضی ۳/۶٪ بود. رضایت کلی از دوره در ابتدا کمتر و در دوره های بعدی افزایش یافته است و موارد خیلی راضی از ۷ (۹/۴۶) به ۳۶ (۳۷/۵۰) و موارد راضی از ۳۶ (۴۸/۶۵) به ۵۱ (۵۳/۱۳) افزایش یافته است. کیفیت محتواهای آموزشی مولتی مدیا ۴۸/۵۳٪ عالی، ۳۸/۳۹٪ خوب، ۱۰/۵۵٪ متوسط، کیفیت طرح درس ۵۲/۴۰٪ عالی، ۲۹/۳۴٪ خوب، ۱۴/۹۲٪ متوسط، حجم مطالب ارائه شده ۴۳/۴۱٪ زیاد و ۳۸/۶۸٪ مناسب، کیفیت سؤالات آزمون ۳۲/۶۱٪ خیلی سخت، ۴۸/۲۹٪ سخت و ۱۵/۵۵٪ مناسب، مدت زمان آزمون ۶/۷۵٪ زیاد، ۳۷/۴۳٪ مناسب، ۴۵/۸۲٪ کم و ۷/۱۹٪ خیلی کم، احترام به دانشجو و پاسخگویی به

سوالات ۲/۲۱٪ خیلی راضی و ۸۴/۵۴٪ راضی، نظم در برگزاری دوره ۴۷/۶۶٪ زیاد و ۴۸/۷۸٪ خوب بود طول دوره از نظر ۱۴/۶۸٪ زیاد، ۴۶/۸۳٪ مناسب و ۳۵/۷۶٪ کم بود. در مورد میزان تمایل دانشجویان به شیوه ارائه درس ۳۲/۳۸٪ با مجازی آفلاین، ۳۲/۹۶٪ با مجازی آنلاین، ۱۴/۸۵٪ با شیوه حضوری، ۱۸٪/۸۵ با روش ترکیبی موافق بودند.

بحث و نتیجه گیری:

میزان رضایت کلی از کورس، کیفیت محتواهای آموزشی و طرح درس مطلوب، احترام به دانشجو و پاسخگویی به سوالات و نظم دوره مطلوب بوده است ولی در مورد حجم مطالب ارائه شده وسختی سوالات آزمون نیاز به تجدید نظر می باشد. میزان تمایل برای ارائه درس بصورت غیرحضوری بیش از حضوری می باشد و این از ویژگی های دانشجویان نسل نت می باشد که تمایل به کلاس های حضوری در آنها کمتر می باشد.

کلمات کلیدی: دانشجو، پزشکی، مقدمات بالینی، عفونی



بررسی رعایت استانداردهای آموزش بالینی در درمانگاه سرپایی طب پیشگیری دانشگاه علوم پزشکی تبریز از دیدگاه کارورزان

مریم برادران بی نظیر^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: مریم برادران بی نظیر

مقدمه:

آموزش در کلینیک سرپایی یکی از مصداق های آموزش بالینی می باشد. اخیرا آموزش بالینی با محوریت بیماران سرپایی نسبت به آموزش در راندها با محوریت بیماران بستری پررنگ تر شده است. یک بخش مهم در یک آموزش بالینی موثر، بررسی وضعیت آن می باشد و برای یافتن نقاط قوت و نقاطی که نیاز به ارتقا وجود دارد، مورد استفاده قرار می گیرد. هدف مطالعه حاضر ارزیابی وضعیت آموزش بالینی در درمانگاه سرپایی طب پیشگیری دانشگاه علوم پزشکی تبریز بر مبنای استانداردهای تهیه شده وزارت بهداشت از دیدگاه کارورزان بود.

مواد و روش ها:

مطالعه از نوع مقطعی- توصیفی می باشد که در سال ۱۴۰۰ انجام شد. جمعیت هدف مطالعه، ۷۸ نفر دانشجوی پزشکی که در حال گذاراندن چرخش پزشکی اجتماعی (سه دوره متوالی) بودند. با استفاده از کتابچه استانداردهای آموزش بالینی که توسط معاونت آموزشی وزارت بهداشت پاییز ۱۳۹۴ منتشر شده است، چک لیست بررسی وضعیت استانداردهای آموزش بالینی در درمانگاه سرپایی که شامل ۱۴ گویه از بایدهای استاندارد آموزش در ژورنال کلاب بود، تهیه گردید و در اختیار شرکت کنندگان در مطالعه قرار گرفت. در مقابل هر گویه چک لیست گزینه های بله و خیر (رعایت گویه و عدم رعایت گویه) آورده شد. هر پا سخ مثبت یک نمره و هر پا سخ منفی نمره صفر گرفت بطوریکه حداکثر نمره چک لیست ۱۴ و حداقل صفر بود. داده های جمع آوری شده وارد نرم افزار SPSS-16 شده و مورد آنالیز قرار گرفت. در ضمن بعد از تبدیل نمرات به درصد اینگونه طبقه بندی شدند: نمره ۸۱ تا ۱۰۰: ایده آل نمره ۸۰ تا ۶۱: مطلوب نمره ۴۱ تا ۶۰: قابل قبول نمره ۴۰ و کمتر: غیرقابل قبول.

نتایج:

چک لیست ها توسط ۷۸ نفر از دانشجویان پزشکی تکمیل گردید. میانگین نمره چک لیست $8/23 \pm 96/2$ بود که در حد مطلوب طبقه بندی شد. با این حال، یافته ها نشان داد که ۲ مورد از استانداردهای آموزش بالینی شامل " اهداف یادگیری و تجربه ضروری در هر یک از چرخش های کارآموزی، کارورزی از پیش مشخص می باشد، و به اطلاع دانشجویان می رسد " و " کارورزان حداقل دو روز در

هفته در کلینیک سرپایی آموزش می بینند" در درمانگاه سرپایی بطور کامل از دیدگاه دانشجویان مطابق با استانداردهای وزارت بهداشت اعمال نمی شود.

بحث و نتیجه گیری:

مطالعه حاضر نشان داد که از دیدگاه کارورزان برخی از استانداردهای آموزش بالینی در درمانگاه سرپایی تعریف شده از سوی وزارت بهداشت، بطور کامل و صددرصد رعایت نمی گردد. در بسیاری از مطالعات در رابطه با آموزش در کلینیک های سرپایی بر مشخص نمودن اهداف آموزشی و مطلع نمودن دانشجویان از اهداف آموزش در کلینیک های سرپایی تاکید شده است. در حالی که در مطالعه حاضر در درمانگاه سرپایی طب پیشگیری دانشگاه علوم پزشکی تبریز، اهداف یادگیری و تجربه ضروری در هر یک از چرخش های کارآموزی و کارورزی در رابطه با آموزش در کلینیک های سرپایی از پیش مشخص نبوده، و به اطلاع دانشجویان نرسیده بود. لذا با توجه به اهمیت این موضوع و استانداردهای آموزش بالینی، می بایست برای ارتقا و بهبود وضعیت تمهیداتی اندیشیده شود.

کلمات کلیدی: آموزش بالینی، کارورزان، استاندارد



بررسی وضعیت فرسودگی شغلی در اعضای هیئت علمی علوم پزشکی کرمانشاه

فروغ زنگنه^۱، لیدا معمارافتخاری^۱، سیدمجتبی احمدی^۱، محمدرسول خزاعی^۱، فرهاد سالاری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

نویسنده مسئول: فرهاد سالاری

مقدمه:

اعضای هیات به دلیل وظایف متعدد شغلی همواره در معرض فرسودگی شغلی قرار دارند؛ که خود می تواند بر کارایی آنها تاثیر منفی داشته باشد. این مطالعه برای بررسی وضعیت فرسودگی شغلی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم کرمانشاه انجام شده است.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی در سال ۱۴۰۰ بر روی ۱۸۲ نفر از اعضای هیات دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه به روش نمونه گیری تصادفی و با استفاده از پرسشنامه فرسودگی شغلی مزلاج انجام شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS25 و روش های آمار توصیفی مورد آنالیز قرار گرفت.

یافته ها:

۱۱۸ نفر از شرکت کنندگان (۶۴٫۸ درصد) از شرکت کنندگان مرد و میانگین سنی شرکت کنندگان در این مطالعه $43/92 \pm 7/40$ بود. ۱۳۲ نفر (۷۲٫۵ درصد) بومی کرمانشاه بودند. از نظر درجه علمی ۲۵ نفر (۱۳٫۷ درصد) استاد، ۳۷ نفر (۲۰٫۳ درصد) دانشیار، ۹۵ نفر (۵۲٫۲ درصد) استادیار و ۲۵ نفر (۱۳٫۷ درصد) مربی بودند. در خورده مقیاس خستگی هیجانی از پرسشنامه فرسودگی، ۱۶۳ نفر (۸۹٫۶ درصد) سطح کم، ۱۸ نفر (۹٫۹ درصد) سطح متوسط و ۱ نفر (۰٫۵ درصد) سطح شدید داشتند. از نظر خورده مقیاس مسخ شخصیت ۹۹ نفر (۵۴٫۴ درصد) سطح کم، ۵۴ نفر (۲۹٫۷ درصد) سطح متوسط و ۲۹ نفر (۱۵٫۹ درصد) سطح شدید داشتند. از نظر خورده مقیاس کفایت شخصی ۳۰ نفر (۱۶٫۵ درصد) سطح کم، ۵۰ نفر (۲۷٫۵ درصد) سطح متوسط و ۱۰۲ نفر (۵۶ درصد) سطح شدید داشتند. سن با فرسودگی شغلی ($-0.15, p=0.03$) و خورده مقیاس مسخ شخصیت ($-0.15, p=0.04$) رابطه معکوس و معنی دار داشت به نحوی که هر چه سن بالاتر فرسودگی کمتر بود. از نظر جنسیت تنها از نظر خورده مقیاس کفایت شخصی تفاوت معنی داری ($p=0.002$) بین دو گروه وجود داشت به نحوی که میانگین مردان ($32/61 \pm 7/77$) بیشتر از زن ها ($28/78 \pm 8/10$) بود. میانگین نمره فرسودگی شغلی بین رتبه علمی اعضای هیات علمی تفاوت معنی داری مشاهده نشد ($p>0.05$)

بحث و نتیجه گیری:

فرسودگی شغلی معمولا پیامد ناشی از فشار شغلی دائم است. به طور جالبی نتایج ما نشان داده هر چه سن اعضای هیات علمی بالاتر باشد، کمتر دچار پدیده فرسودگی شغلی هستند. لذا به نظر می رسد

برگزاری دوره های آموزشی موثر بر مولفه هایی نظیر خودآگاهی، خود مراقبتی، اندیشه ورزی و افزایش وسعت دیدگاه اعضای هیات علمی جوان در کاهش فرسودگی شغلی آنها کمک کننده باشد.

کلمات کلیدی: فرسودگی شغلی، خستگی هیجانی، کفایت شخصی، مسخ شخصیت



ارزشیابی کیفیت اجرای دوره کارورزی بالینی طب سرپایی بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد در همه گیری کووید

سمانه سادات ایوبی^۱، عزت حاج ملارضایی^۱، زهرا موفقی^۱، سارا صبوری^۱، محبوبه جهانی^۱، پروین
عبدالله زاده مقدم^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: سمانه سادات ایوبی

مقدمه:

یک از مقاطع تاثیرگذار در پزشکی عمومی مقطع بالینی است؛ آموزش بالینی نقش حساسی در آموزش پزشکی عمومی دارد زیرا این آموزش‌ها در اصل دانشجوی پزشکی عمومی را برای طبابت و ارتقای سلامت در جامعه آماده و بستری برای ایجاد همسویی بین آموخته‌های دانشجویان و مهارت در تشخیص و درمان بیماری‌ها ایجاد می‌کنند. با توجه به اهمیت و جایگاه بالای طب سرپایی در آموزش پزشکی عمومی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد واحد کارورزی با همین نام ایجاد کرده است. در این دوران دانشجو به صورت مستقیم تنها با استاد هر تخصص در درمانگاه، بیمار را از مرحله اول مراجعه تا پیگیری و تشخیص ویزیت می‌نماید و با روند علمی رویکرد به بیماری‌ها آشنا می‌گردد. در دوران همه گیری کووید-۱۹ آموزش دانشجویان دستخوش چالش‌هایی شد؛ آموزش بخش‌های سرپایی و بیمارستانی برای دانشجویان پزشکی نیز از این قاعده جدا نبودند. با توجه به اهمیت جایگاه طب سرپایی در آموزش پزشکی نظر کارورزان این گردش نسبت به وضعیت آموزشی در دوره همه گیری کووید-۱۹ مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی- مقطعی است؛ شرکت کنندگان این مطالعه دانشجویان مقطع کارورزی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در گردش جدید طب سرپایی بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد در سال ۱۴۰۰ بودند. در این مطالعه دو گروه از کارورزان در دو بازه زمانی همزمان با پیک همه گیری کووید پرسشنامه پژوهش را با رضایت تکمیل کردند. ابزار این پژوهش یک پرسشنامه محقق ساخته بر اساس مطالعات قبلی بود، پرسش نامه با نظر اساتید و کارشناسان آموزشی روایی سنجی شد. این پرسشنامه شامل ۳۴ سوال در حیطه‌های برنامه آموزشی، حیطه اساتید، حیطه عرصه بالینی و پرسنل، حیطه امکانات آموزشی، حیطه ارزشیابی دانشجو بود؛ این سوالات بصورت طیف لیکرت چهار گزینه ای از خیلی خوب تا خیلی ضعیف پاسخ داده می‌شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS 22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و برای توصیف داده‌ها شاخص‌های توصیفی و جداول فراوانی ترسیم گردید.

نتایج:

۴۸ نفر از کارورزان با میانگین سنی ۲۵ سال و میانگین معدل ۱۶٫۷ به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند. در حیطه های پنجگانه رضایت دانشجویان به طور متوسط بالای % ۵۰ بود؛ حداکثر میزان رضایت دانشجویان مربوط به رعایت مقررات انضباطی و حفظ نظم در محیط آموزش بالینی (% ۹۵) و وجود فضا صمیمانه و آموزشی و به دور از تهدید و تحقیر (% ۹۳) و حداقل میزان رضایت دانشجویان مربوط به کفایت تعداد و تنوع بیماران درمانگاه (% ۲۳) بود.

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نتایج مطالعه حاضر در حیطه اساتید بالاترین سطح رضایت در بین دانشجویان وجود دارد و این مسئله از نقاط قوت این گردش بالینی در ایجاد تعامل موثر، انگیزه و فضای علمی مناسب بوده است؛ اما قرار گرفتن در دوره پیک صعودی همه گیری کووید موجب نارضایتی دانشجویان از درمانگاه های آموزشی بعنوان یکی از مهم ترین ارکان طب سرپایی گردیده است. با توجه به اینکه در دوره همه گیری کووید مراجعات سرپایی به مراکز درمانی به طور کلی کاهش یافته بود نتایج جاری مورد انتظار است. برای جبران کاستی های آموزش درمانگاهی در شرایط مشابه احتمالی توصیه می گردد منابع آموزشی الکترونیک با هدف شبیه سازی آموزش درمانگاهی استفاده گردد تا آموزش سرپایی دانشجویان کمتر تحت تاثیر قرار گیرد. این گردش در مجموع با توجه به رضایت دانشجویان از شرایط آموزشی و اساتید می تواند در صورت افزودن منابع جدید آموزشی در هر شرایطی رضایتمندی دانشجویان را به دنبال داشته باشد.

کلمات کلیدی: کارورزی، طب سرپایی، کووید-۱۹، ارزشیابی



استاد بالینی متمایز از نقطه نظر دانشجویان

نسرین مؤذن^۱، امیر امیر آبادی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

۲. دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: نسرین مؤذن

مقدمه:

نقش اساتید بالینی در آموزش مهارت های لازم و عملکرد مناسب دانشجویان پزشکی بسیار پر رنگ است. آموزش در رشته های علوم پزشکی مدرن نیازمند تاکید بر اهمیت نقش مدرسین بالینی برای آموزش مهارت های الزامی آموزشی در کنار آموزش منش و رفتار است. به منظور بهبود چنین قابلیت هایی و نیز ارتقای مراقبت از بیمار، لازم است تا ویژگی های مدرسین بالینی و منش ایده ال برای آنها را مشخص کنیم. مطالعات متعددی تا کنون برای تعیین ویژگی های بهترین مدرس بالینی انجام شده است. هر چند هنوز جنبه های زیادی ناشناخته مانده است. هدف مطالعه ی حاضر، مشخص کردن ویژگی های یک استاد کارآمد بالینی در آموزش پزشکی است.

مواد و روش ها:

مطالعه در دی ماه ۱۴۰۱ و در دیپارتمان کودکان دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد. ما از دستیاران تخصصی کودکان ویژگی های یک استاد متمایز و کارآمد بالینی را پرسیدیم. ابزار مطالعه یک چک لیست محقق ساخته بود که بر اساس مدل kano طراحی شده بود. در این سبک، از شرکت کنندگان درخواست می شود از دو بعد به سوالات پاسخ دهند. بعد مثبت و بعد منفی. مثلا پرسیم "نظر شما وقتی این ویژگی خاص وجود دارد چیست؟" و نیز پرسیم "نظر شما وقتی این ویژگی وجود ندارد یا قابل دیده شدن نیست، چیست؟" سوالات در سه حیطه ی ویژگی های انسانی، معلم و نیز پزشک بودند. کیفیت هر مورد به عنوان اساسی، مورد انتظار و یا جذاب مشخص می شد. ویژگی اساسی برای مدرس بالینی لازم و ضروری است. مورد انتظار، آن خصوصیتی است که توقع می رود هر مدرسی داشته باشد. و نهایتا ویژگی جذاب، معمولا در اساتید مورد انتظار نیست ولی در صورت وجود، بسیار هیجان انگیز است. شرکت کنندگان می توانستند در صورتی که قادر به تصمیم گیری در مورد خصوصیتی نبودند از گزینه ی "نا مشخص" استفاده کنند. در صورت عدم تفاوت در تمایز یک مدرس کارآمد از گزینه ی "بی تفاوت" و در صورتی که با وجود آن ویژگی در استاد مخالف باشند از گزینه ی "مخالف" استفاده کنند.

نتایج:

سی و پنج دستیار تخصصی کودکان وارد مطالعه شدند. در میان ویژگی های انسانی، داشتن حس مسؤولیت پذیری (۸۶٪) و مهارت های ارتباطی خوب (۷۷٪) دو تا از مورد انتظارترین ویژگی های مدرسین بالینی از دید دانشجویان بوده است. توانایی تفکر منطقی (۶۸٪) و حل مساله (۶۸٪) دو ویژگی مورد انتظار در حیطه ی پزشکی و نیز در دسترس بودن (۶۸٪) و ایجاد انگیزه در دانشجویان برای استقلال (۶۳٪) دو ویژگی مورد انتظار به عنوان یک معلم بوده اند. ده درصد شرکت کنندگان کاملاً مخالف توبیخ دانشجویان توسط اساتید بوده اند. در حالی که ۶۵ درصد نسبت به این ویژگی بی تفاوت بوده اند. مهارت ارایه ی خوب، ایجاد انگیزه در دانشجویان و ارزیابی آنها ویژگی هایی بودند که از دید بیش از نیمی از شرکت کنندگان داشتن یا نداشتن آن تفاوت قابل توجهی در کیفیت مدرس بالینی ایجاد نمی کرد. ده درصد شرکت کنندگان از ویژگی های مهارت رهبری، پژوهشگری و توضیح به والدین و بیماران در خصوص بیماری را به عنوان ویژگی جذاب در اساتید بالینی ذکر کردند.

بحث و نتیجه گیری:

مشخص کردن خصوصیات یک استاد کارآمد بالینی در آموزش پزشکی از اهمیت به سزایی برخوردار است. در مطالعه ی حال حاضر، حس مسؤولیت پذیری، مهارت های ارتباطی خوب و دید باز نسبت به مسایل مختلف شایعترین ویژگی های مورد انتظار یک استاد متمایز از نقطه نظر دانشجویان بوده است. دانستن این خصوصیات می تواند به ارتقا و بهبود کیفیت اساتید بالینی کمک کند.

کلمات کلیدی: استاد بالینی، خصوصیت، پژوهش

ارزیابی چالش‌های آزمون‌های الکترونیکی دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در دوران کووید ۱۹ و ارائه راهکار از دیدگاه دانشجویان

معصومه قلی‌زاده^۱، پریسا یوشاری^۱، حسین معصومی^۱، مبین جنتی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: معصومه قلی‌زاده

مقدمه:

نظام آموزشی یکی از مهم‌ترین ارگان‌ها برای تربیت و تامین نیروی انسانی کارآمد است و این نظام سهم و بودجه قابل توجهی را برای اینکار به خود اختصاص داده است بنابراین اطمینان از کیفیت عملکرد نظام آموزشی به ویژه در شرایط ویژه مانند غیرحضوری شدن فعالیت دانشگاه‌ها به دلیل بیماری کووید-۱۹ و داشتن مزیت رقابتی آن امری ضروری می‌باشد از این رو، برنامه‌های ارزیابی، بخش مهم‌تری از فعالیت‌های آن را تشکیل می‌دهد و عملکرد تحصیلی دانشجویان به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که با آن میتوان نظام آموزشی را ارزیابی کرد که این ارزیابی با غیرحضوری شدن و برگزاری آزمون‌های مجازی مزایا و مشکلاتی نیز داشت بنابراین هدف ما از انجام این مطالعه بررسی چالش‌های برگزاری امتحانات در دوران آموزش غیرحضوری و ارائه راهکار از دیدگاه دانشجویان می‌باشد.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه یک تحقیق کیفی با رویکرد پدیدارشناسی می‌باشد در سال ۱۴۰۱ در دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام گرفت و شرکت‌کنندگان با روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند و بر اساس تجارب دانشجویان نسبت به بررسی چالش‌های برگزاری امتحانات در دوران آموزش غیرحضوری و ارائه راهکار از دیدگاه دانشجویان دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی اقدام شد با توجه به ماهیت موضوع، برای دستیابی به تجارب و دیدگاه‌های مختلف پیرامون موضوع، نمونه‌های ناهمگن با بیشترین تنوع از نظر رشته و گرایش و مقطع تحصیلی در هر دو جنس انتخاب شدند که بتوانند دیدگاه‌های متنوعی درباره پدیده مورد مطالعه ارائه دهند و در نهایت یافته‌ها با روش تحلیل محتوایی مورد مطالعه، تحلیل و طبقه‌بندی شدند. همچنین برای بررسی روایی مطالعه از روش گوبا و لینکن استفاده گردید.

نتایج:

پس از تحلیل محتوا ۵ مضمون اصلی چالش‌ها شامل مشکلات مربوط به اینترنت، سامانه‌های آزمون، هماهنگی با سازمان‌های خارج از وزارت بهداشت، توجه اساتید نسبت به آزمون مجازی و مسائل مربوط به روان و اطمینان از نحوه ارزشیابی شناسایی شد و نیز برای هرکدام مضامین فرعی مانند تایم ناکافی

برای هر سوال، عدم ارسال به موقع پاسخ به سوالات، عدم نمایش سوالات، کندی سرعت اینترنت، آشنایی کم دانشجویان و اساتید با بستر و سامانه های آزمون های مجازی از نتایج استخراج شد همچنین برای رفع این چالش ها نیز راهکارهایی نیز ارائه گردید.

بحث و نتیجه گیری:

نتیجه این پژوهش نشان داد که برگزاری آزمونهای مجازی در کنار مزایا، مشکلاتی نیز به همراه دارد که با رفع این مشکلات و با استفاده از تجارب برگزاری آزمون مجازی میتوان برگزاری آزمون ها را به سمت الکترونیکی کردن پیش برد و به هدف ارزیابی دقیق و جامع عملکرد تحصیلی و یادگیری دانشجویان نائل شد.

کلمات کلیدی: آزمون های مجازی، چالش، کووید ۱۹



رضایتمندی دانشجویان پرستاری از آزمون جامع عملی پایان دوره کارشناسی: یک مطالعه مقطعی

طاهره یعقوبی^۱، فرشته عراقیان محرد^۱، علی حسامزاده^۱، فاطمه طالبیان^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گلستان، ایران

نویسنده مسئول: طاهره یعقوبی

مقدمه:

آموزش بالینی پایه و اساسی برنامه آموزش پرستاری را تشکیل می‌دهد. تاکید آموزش پرستاری بر تربیت پرستارانی است که علاوه بر کسب دانش، دارای مهارت های بالینی نیز باشند. استفاده از ارزشیابی کارآمدترین روش به منظور بهبود کیفی و اثربخشی آموزش است. ارزشیابی مهارت های بالینی دانشجویان اقدام بسیار دشوار است. در ارزشیابی دانشجویان پرستاری می توان از شیوه های مختلفی استفاده کرد. ارزشیابی بالینی ساختار یافته عینی به عنوان یک روش ارزشمند در ارزشیابی بالینی دانشجویان پرستاری مطرح است. بررسی رضایت سنجی دانشجویان می تواند به اساتید و مسئولین این دانشکده جهت اصلاح، بهبود و ارتقا کیفیت برگزاری این آزمون در دوره های بعدی کمک نماید. لذا این مطالعه با هدف بررسی رضایتمندی دانشجویان پرستاری از آزمون جامع عملی پایان دوره کارشناسی در دانشکده پرستاری مامایی انجام شد.

مواد و روش ها:

روش کار این مطالعه به صورت توصیفی و تحلیلی انجام شد. جامعه مورد پژوهش شامل کلیه دانشجویان پرستاری ترم ۸ بود که جهت انجام آزمون جامع عملی پایان دوره کارشناسی حضور داشتند. معیار ورود دانشجویان به مطالعه داشتن کارت شناسایی معتبر ورود به جلسه و واجد شرایط بودن برای گذراندن این آزمون از سوی اداره آموزش دانشکده بود. معیار خروج از مطالعه دانشجوی انتقالی بودن از دانشکده دیگر و یا عدم تمایل بود. روش نمونه گیری سرشماری بود. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه پژوهشگر ساخته شامل دو قسمت اطلاعات دموگرافیک (سن، جنس، تجربه قبلی ارزشیابی عملی با ساختار عینی و سنتی) و سؤالات رضایت سنجی (۱۴سؤال) بود. پرسشنامه از نظر روایی محتوا، توسط ۵ تن از اساتید مجرب مورد ارزیابی قرار گرفت. برای تعیین پایایی، پرسشنامه بین ۲۰ دانشجو توزیع و ضریب آلفا کرونباخ ۸۱٪ محاسبه گردید. پاسخ به سؤالات رضایت سنجی در طیف لیکرت به صورت " کاملاً راضی، راضی، نسبتاً راضی، ناراضی، کاملاً ناراضی" بود. حداکثر نمره بر اساس بار مثبت یا منفی سؤال برای هر سؤال ۴ و حداقل نمره صفر بوده و حداقل نمره کسب شده از پرسشنامه رضایت سنجی صفر و حداکثر نمره ۵۶ بود. در صورتیکه امتیاز ۰-۱۸ عدم رضایت و امتیاز بین ۱۹-۳۷ نسبتاً راضی و ۳۸-۵۶ راضی در

نظر گرفته شد. ارزشیابی به مدت یک روز در مرکز مهارت‌های بالینی دانشکده، برگزار گردید. در یک روز همه دانشجویان پرستاری به روش ارزشیابی عملی با ساختار عینی مورد ارزشیابی قرار گرفتند. داده‌ها توسط آمار توصیفی و آزمون آماری تی زوج با نرم افزار SPSS نسخه ۱۵ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج:

نتایج بیشترین میزان رضایتمندی به ترتیب در دو حیطه، مورد استقبال قرار گرفتن در هنگام ورود فرایند برگزاری و نظم و انضباط در هنگام برگزاری آزمون و بیشترین میزان نارضایتمندی به ترتیب در حیطه‌های، برخورد اولیه با کارکنان و اساتید در حین آزمون اسکی و در اختیار گذاشتن اطلاعات مناسب در خصوص مراحل انجام آزمون بود. نتایج آنالیز آماری نیز نشان داد که بین جنسیت دانشجویان و معدل آنان، نشان دهنده اختلاف معنی دار نبود. ($p=0/07$) طبق نتایج آزمون آماری، افراد با معدل بالا نارضایتی بیشتری در مورد کمک کارکنان و اساتید برای راهنمایی داشتند ($P=0/04$) و دانشجویان دختر نسبت به پسر، نارضایتی بیشتری در مورد کمک کارکنان و اساتید برای راهنمایی داشتند ($<0/0005$) و افرادی که به حرفه پرستاری علاقه مند بودند از مکان برگزاری آزمون نیز رضایت داشتند.

بحث و نتیجه گیری:

آماده سازی محیط، مربیان و دانشجویان قبل از برگزاری آزمون اسکی تاکید نمودند. تجهیزات و تسهیلات کافی آزمون، محیط فیزیکی مناسب، شرایط خوب برگزاری آزمون، انتخاب صحیح فرایندها، زمان کافی اختصاص داده شده جهت ارزشیابی از عواملی است که باعث ایجاد دیدگاه مطلوب در دانشجویان می شود. یکی از موارد مهم نتیجه مطالعه حاضر نارضایتی از عدم در اختیار گذاشتن اطلاعات مناسب در مورد فرایند آزمون می باشد. آزمون اسکی برای دانشجویان بسیار پر استرس است. اگر دانشجویان در مورد چگونگی مسیر ایستگاه‌های آزمون اطلاعات نداشته باشند. این امر سبب افزایش اضطراب و استرس دانشجویان می گردد. عدم برنامه ریزی در ایجاد آمادگی در زمینه آزمون اسکی سبب بروز دیدگاه منفی می گردد. پیشنهاد می گردد که مدیران گروه‌های آموزشی در دانشکده‌های پرستاری در راستای کاهش اضطراب و نگرانی دانشجویان برنامه ریزی داشته باشند. برگزاری آزمون‌های مشابه آزمون اصلی پایان دوره و نهایی، انجام جلسات پرسش و پاسخ قبل از آزمون، در دسترس قرار گرفتن مجموعه‌ای از فیلم‌های اسکی آماده شده را به صورت یک دوره آنلاین در وب سایت دانشگاه در کاهش اضطراب دانشجویان، افزایش اعتماد به نفس تاثیر شگرفی دارد.

کلمات کلیدی: پرستاری، اسکی، رضایتمندی، دانشجو

بررسی دیدگاه اعضای هیات علمی در مورد توانمندی تجویز دارو در کارورزان پزشکی قبل و بعد از همه گیری کووید-۱۹ در دانشگاه علوم پزشکی مشهد

زهرا موفقی^۱، فاطمه رودی^۱، سارا صبوری^۱، سمانه سادات ایوبی^۱، عزت حاج ملا رضایی^۱، آمنه رئوف
رحمتی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: زهرا موفقی

مقدمه:

اپیدمی کووید-۱۹ با تغییر روش های فراگیری علوم مختلف همراه شد که گاهی این تغییر با آسیب ها و چالش هایی نیز همراه بود. چالش های ایجاد شده بدنبال کوید در حوزه پزشکی عمومی می تواند سبب آسیب های جبران ناپذیر در این جمعیت فراگیر شود که در آینده خط اول درمان بیماران جامعه خواهند بود. تجویز منطقی دارو از توانمندی های ضروری قابل کسب در دوره پزشکی عمومی است که کسب آن در مدیریت صحیح بیماران از اهمیت ویژه برخوردار است. مطالعه حاضر به بررسی و مقایسه دیدگاه اساتید مشغول در برنامه پزشکی عمومی نسبت به توانمندی تجویز دارو در کارورزان قبل و بعد از اپیدمی پرداخته است.

مواد و روش ها:

در این مطالعه توصیفی- مقطعی، پس از تخمین حجم نمونه، ۹۶ عضو هیات علمی گروه های دارای برنامه کارورزی پزشکی عمومی که در زمان انجام مطالعه در دانشکده پزشکی مشهد مشغول به کار بوده اند بصورت نمونه گیری در دسترس وارد مطالعه شدند. ابزار مطالعه، پرسشنامه محقق ساخته بر اساس سنجه های حیطة تجویز دارو در حوزه مراقبت از بیمار سند حداقل توانمندی های پزشکی عمومی جمهوری اسلامی ایران (ویرایش ۹۴) بود که براساس مقیاس لیکرت امتیازدهی گردید. روایی ابزار به روش محتوا تایید و پایایی آن به روش آلفا کرونباخ ۰/۷۲ محاسبه شد. داده ها پس از ورود به نرم افزار آماری Jump کمک آزمون آماری ANOVA در سطح معنی داری ۰/۰۵ بود.

نتایج:

بحث و نتیجه گیری:

کلمات کلیدی: بررسی دیدگاه، کارورز پزشکی، توانمندی، تجویز دارو

بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه عمل بازانديشی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

سولماز زارع^۱، زهرا بردبار^۱، میترا امینی^۱، نجمه بردبار^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

نویسنده مسئول: سولماز زارع

مقدمه:

توسعه ظرفیت بازانديشی در دانشجویان به عنصر اصلی بسیاری از دروس دانشگاهی در علوم بهداشتی و آموزش پزشکی تبدیل شده است. یکی از پرسشنامه های اندازه گیری بازانديشی، پرسشنامه عمل بازانديشی (RPQ) است. این مطالعه با هدف سنجش روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه عمل بازانديشی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام شد.

مواد و روش ها:

نسخه انگلیسی پرسشنامه (RPQ) به زبان فارسی ترجمه شد. برای سنجش پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. همچنین روایی پرسشنامه به روش تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی، روایی همگرا و روایی واگرا مورد سنجش قرار گرفت. برای تحلیل داده ها از نرم افزارهای SPSS 18، N-Plus 6.1 و MedCalc 8 استفاده شد.

نتایج:

در نهایت ۲۳۶ دانشجوی پزشکی، پرسشنامه عمل بازانديشی را تکمیل کردند. اکثر دانشجویان مشارکت کننده زن (۵۵/۱٪)، مجرد (۷۴/۶٪)، در رده سنی ۲۵-۲۸ سال (۵۰/۴٪)، و مشغول به تحصیل در مقطع کارورزی (۵۲/۵٪) بودند. پرسشنامه حاضر از روایی صوری و محتوایی قابل قبولی برخوردار بود. پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۲ به دست آمد. پایایی ابعاد پرسشنامه بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۹ بود. در تحلیل عاملی اکتشافی، ده بعد پرسشنامه قادر به توضیح ۷۲/۱۵ درصد از واریانس کل بودند. در تحلیل عاملی تاییدی نیز، شاخص های نیکویی برازش RMSEA، CFI و TLI مناسب بودند. از نظر روایی همگرا و واگرا نیز این پرسشنامه دارای ۱۰۰ درصد موفقیت بود.

بحث و نتیجه گیری:

نسخه فارسی پرسشنامه عمل بازانديشی یک ابزار با پایایی و روایی بسیار بالا و قابل اعتماد برای سنجش بازانديشی دانشجویان پزشکی است. پرسشنامه عمل بازانديشی می تواند به عنوان یک ابزار خودگزارشی بازانديشی در آموزش پزشکی استفاده شود. و از این پرسشنامه می توان برای ارزیابی برنامه های آموزشی که هدف آنها بهبود عملکرد بازانديشی پزشکان است، استفاده نمود.

کلمات کلیدی: روایی، پایایی، پرسشنامه عمل بازانديشی، دانشجویان پزشکی

بررسی نحوه دسترسی به سامانه آموزش مجازی، مشکلات آموزشی و کیفیت آزمون های مجازی در ایام کرونا از دیدگاه دانشجویان دانشکده علوم پزشکی خلخال

محمد حیدری^۱، یلدا موسی زاده^۱، رقیه سلمانی^۱، اسماعیل مهر آیین^۱

۱. دانشکده علوم پزشکی خخلخال، اردبیل، ایران

نویسنده مسئول: یلدا موسی زاده

مقدمه:

آموزش مجازی در عصر و دنیای امروزی یک نیاز اساسی بوده، چرا که فرصت و دسترسی یکسانی برای فراگیران در هر زمان و مکانی را ایجاد می کند. این ویژگی می تواند به گسترش عدالت آموزشی کمک کند. هم چنین رخ دادن حوادثی از قبیل پاندمی کرونا که محیط های آموزشی از جمله مدارس و دانشگاه ها را اجباراً به تعطیلی کشاند، از جمله دلایلی است که نیاز به وجود آموزش مجازی با کیفیت را تقویت می کند. ارزیابی آموزش مجازی از جنبه ها و ابعاد گوناگون یکی از مسائل مهمی بوده که می تواند به شناسایی مشکلات موجود کمک نماید. با شناسایی مشکلات، موانع و ضعف ها، می توان برنامه هایی را برای رفع این مشکلات ارائه داد. بنابراین این مطالعه با هدف بررسی نحوه بهره برداری دانشجویان از آموزش های مجازی و کیفیت آموزش ها و آزمون های مجازی در ایام کرونا از دیدگاه آن ها، در دانشکده علوم پزشکی خخلخال انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی می باشد که به منظور بررسی کیفیت آموزش های مجازی ارائه شده در دانشکده علوم پزشکی خخلخال در طول سه ترم پرداخته است. جمعیت هدف مطالعه تعداد کل دانشجویان این دانشکده بودند که بر حسب تمایل و به واسطه گذراندن حداقل دو واحد درس به صورت مجازی، می توانستند در مطالعه شرکت نمایند. برای جمع آوری اطلاعات یک پرسشنامه ۱۷ سوالی و سه قسمتی شامل اطلاعات دموگرافیک (۶ سوال)، نحوه بهره برداری از آموزش ها و شرکت در آزمون ها (۴ سوال) و مشکلات آموزش و کیفیت آزمون ها (۷ سوال) استفاده شد. روایی محتوا توسط پنج نفر از اعضای هیات علمی دانشکده علوم پزشکی خخلخال تایید شد. برای بررسی پایایی، آلفای کرونباخ پس از توزیع پرسشنامه در میان ۳۰ دانشجو محاسبه شد و میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۲ بدست آمد. لازم به ذکر است به دلیل شرایط پاندمی، پرسشنامه به صورت الکترونیک طراحی شده بود و از طریق ایمیل و پیام رسان های فضای مجازی در اختیار دانشجویان قرار گرفته بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار spss ورژن ۲۶ استفاده شد.

نتایج:

در مجموع ۲۳۱ دانشجو از مجموع ۳۲۰ دانشجوی واجد شرایط در مطالعه شرکت نمودند. ۷۲٫۲ درصد از شرکت کنندگان در مطالعه دختر بودند. میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان در مطالعه $±۶۶٫۶$ بود. ۲۳٫۳۸ (۲۹٫۴%) نفر از شرکت کنندگان در رشته پرستاری مشغول به تحصیل بودند که بیشترین تعداد افراد مورد مطالعه را تشکیل می دادند. در مجموع به ترتیب ۵۶٫۲ درصد و ۶۱٫۵ درصد از دانشجویان از موبایل هوشمند برای اتصال به سیستم های آموزش مجازی و هم چنین آزمون های آنلاین استفاده کردند. هم چنین ۵۴٫۵ درصد از آن ها از اینترنت همراه برای اتصال به اینترنت نیز استفاده کرده بودند که ۸۴٫۵ درصد اظهار داشتند که تلفن همراه و سیم کارت توسط نسل چهارم شبکه های تلفن همراه پشتیبانی می شود. بیشترین مشکلات در حیطه آموزش های مجازی مشکلات سامانه ای و زیرساختی (۶۱ درصد) و در حیطه آزمون های مجازی، مدت زمان کم آزمون ها (۵۵٫۴ درصد) عنوان گردید. ۴۳٫۳ از دانشجویان بیشتر در حیطه آموزش دروس تخصصی با مشکل یادگیری مواجه بودند. به علاوه ۴۰٫۴ درصد شرکت کنندگان ترکیبی از کلاس های آنلاین و آفلاین با محوریت کلاس های آنلاین را برای آموزش ترجیح می دادند. نمرات کیفیت آزمون های مجازی بالاتر از میانگین و به ترتیب $±۱٫۰۶$ ، $۳٫۳۲ ± ۱٫۰۶$ و $۳٫۳۶ ± ۱٫۰۸$ به دست آمد که بر اساس آزمون تی تک نمونه ای اختلاف معناداری با عدد ۳ داشت ($p < 0.000$).

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج می توان بیان نمود که بیشتر مشکلات در حیطه آموزش ها و آزمون های مجازی، مشکلات سامانه ای و زیرساختی است، که نیازمند برنامه ریزی و اختصاص بودجه و نیروی انسانی برای حل مشکلات می باشد. از طرفی با توجه به اهمیت دروس تخصصی بایستی از شیوه های نوین از جمله شبیه سازی جهت یادگیری بهتر و بهره برداری از کلاس های مجازی اقدام نمود.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، پاندمی کرونا، دانشجو

بررسی تاثیر مشارکت دانشجویان در طراحی سوالات آزمون پایان ترم

رضا عمرانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

نویسنده مسئول: رضا عمرانی

مقدمه:

سال‌هاست که تدریس دروس نظری در رشته دندانپزشکی به شیوه سنتی سخنرانی استاد در کلاس برگزار می‌گردد، حتی در متد جدید مجازی هم صرفاً نحوه حضور از فضای فیزیکی به فضای مجازی تغییر یافته اما شیوه کار ثابت است. همچنین به طور سنتی آزمون پایان ترم برای سنجش میزان یادگیری انجام می‌پذیرد؛ اگرچه استفاده از برخی مشارکت‌های دانشجویی مانند تحقیق؛ ارزیابی سخنرانی؛ ترجمه و مانند آن نیز به عنوان جایگزین رایج است. همچنین برای بهبود شرایط روش‌های فراگیر محور Learner-Centered Method (LCM)، قسمتی از وظایف استاد به دانشجو منتقل می‌شود که نتایج مثبت آن در برخی مطالعات ارزیابی شده است. به بیان دیگر در این روش‌ها مسئولیت فراگیری به خود دانشجو واگذار می‌شود که منجر به یادگیری بهتر می‌گردد. اما روش مشارکت دانشجو در طراحی سوالات آزمون پایان ترم چندان رایج نیست. این مطالعه با هدف سنجش یک متد آموزشی که در آن فراگیران در طراحی آزمون نیز نقش دارند انجام پذیرفت.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه از دانشجویان دانشکده دندانپزشکی خواسته شد تا حداکثر ۱۵ روز مانده به امتحان تمامی سوالات آزمون پایان ترم را به صورت چهار گزینه‌ای و نیز تشریحی طراحی کنند. درس مربوطه نظری و در حوزه دندانپزشکی بود. دانشجویان گروه اول ۳۷ نفر و گروه دوم ۳۵ نفر بودند. هیچکدام سابقه گذراندن این درس را بدون پاس کردن نداشتند. میانگین معدل هر دو کلاس نیز مشابهت داشت. شرط طراحی سوال در این بود که باید سوالات شامل تمام فصول رفرنس درس باشد. همزمان گروه دوم نیز در دانشکده دیگری به همان شیوه سنتی یعنی سخنرانی و آزمون پایان ترم؛ درس را سپری نمودند. تمامی دانشجویان گروه نخست در طراحی سوال مشارکت داشتند و در مجموع ۱۳۶ سوال طراحی شد. که در اختیار همگان قرار گرفت. استاد با تغییرات تعداد ۳۰ سوال را از بین آنها انتخاب و برای هر دو کلاس استفاده نمود. سوالات در هر دو دانشکده کاملاً یکسان بود. کلاس‌ها نسبت به تحقیق blind بودند. این آزمون در همان درس مجدداً در ترم بعد بر روی دو کلاس دیگر شامل ۳۴ نفر گروه سنتی و ۳۵ نفر طراح سوال نیز انجام گرفت. ۹۰ روز پس از آزمون و بدون اطلاع قبلی در هر دو دانشکده از دانشجویان خواسته شد تا به سوالات پاسخ دهند تا میزان ماندگاری مطالب در ذهن آنان اندازه‌گیری

شود. سوالات این نوبت با آزمون قبلی کاملاً تفاوت داشت اما دقیقاً از همان رفرنس بود. نتایج با آزمون تی تست و یا نرم افزار spss25 مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج:

در پایان ترم گروه سنتی درس را با میانگین ۱۵/۰۲ و گروه طراح سوال امتحان را با میانگین ۱۶/۳۹ به پایان رساندند. در آزمون که نود روز پس از پایان آزمون و بدون اطلاع قبلی از دانشجویان برگزار شد؛ گروه سنتی با نمره ۸/۰۶ و گروه طراح سوال با نمره ۱۲/۱۱ را بدست آوردند. این آزمایش یک بار دیگر نیز در دانشکده دیگری تکرار شد. درس و استاد یکسان بودند. گروه اول ۳۴ نفره سنتی؛ درس را با نمره ۱۴/۹۱ و گروه دوم ۳۶ نفره طراح سوال میانگین ۱۶/۱۲ بدست آوردند. در آزمون نود روز بعد گروه سنتی ۹/۱۸ نمره و گروه طراح سوال ۱۲/۴۱ نمره بدست آوردند. آزمون تی تست بین دو گروه هم در نوبت اول و هم در نوبت دوم معنا دار بود (P-VALUE 0.02).

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطالعه نشان داد که مشارکت دانشجویان در طراحی سوالات آزمون می‌تواند به یادگیری و به خاطر سپاری مطالب کمک کند. انگیزش دانشجو برای طراحی سوال مناسب؛ منجر به مرور بیشتر مطالب می‌گردد. علاوه بر آن باعث ایجاد روند مطالعه مجدد درس و یادگیری مجدد می‌گردد. مشارکت دانشجو باعث می‌گردد که وی با انگیزه و اشتیاق بالاتری مطالب را مطالعه نماید و با افزایش احتمال مسئولیت پذیری می‌تواند مقایسه آن با روش سنتی تدریس به صورت سخنرانی در تاثیر بر روی میانگین نمرات دانشجویان طراحی و اجرا شد. مشارکت دانشجویان در طراحی سوالات پایان ترم می‌تواند به افزایش انگیزش مشارکت درسی و بالارفتن علاقه و نیز افزایش ماندگاری متون درسی در حافظه آنان کمک نماید.

کلمات کلیدی: دندانپزشکی، آزمون، روش آموزش، آموزش پزشکی



طراحی، اجرا و ارزشیابی ارزیابی تکوینی مبتنی بر فعالیت کلاسی در طول ترم تحصیلی بر میزان رضایت دانشجویان

راحله سلطانی^۱، محسن شمسی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اراک، استان مرکزی، ایران

نویسنده مسئول: راحله سلطانی

مقدمه:

ارزیابی به قضاوت در مورد عملکرد فراگیران بر اساس اهداف تعیین شده می باشد. فرآیند ارزشیابی یک دایره ساده نمی باشد بلکه بیشتر اهمیت آن از لحاظ آموزش است که به گروه هدف کمک کند تا بدانند به هدفهای خود رسیده اند یا نه. ارزشیابی بر اساس زمان به دو نوع ارزشیابی مستمر یا تکوینی و پایانی تقسیم بندی می شود. ارزشیابی تکوینی مستلزم قضاوت در مورد یادگیری است که رخ داده است. ارزشیابی تکوینی بطور خاص برای ارائه بازخورد در مورد عملکرد جهت بهبود و سرعت بخشیدن به یادگیری طراحی شده است. یکی از مهم ترین جنبه ارزشیابی توجه به ارزشیابی تکوینی می باشد که در حین ارائه برنامه انجام می شود. از طرف دیگر دانشجویان در طول ترم فعالیت هایی کلاسی باعث می شود که فراگیران از یک مخاطب غیرفعال به یک یادگیرنده که بتواند در فرایند یاددهی و یادگیری منفعل نبوده و در امر یادگیری مشارکت نمایند. این مطالعه با هدف طراحی و اجرای ارزشیابی تکوینی مبتنی بر فعالیت کلاسی انجام گرفت.

مواد و روش ها:

مطالعه در دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در نیم سال اول در درس آموزش بهداشت و ارتباطات (۲ واحد) انجام گردید. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان کارشناسی پیوسته و ناپیوسته بهداشت عمومی جمعاً ۲۸ نفر بودند. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته که شامل ۱۲ سوال رضایت از روش تدریس درلیکرت ۷ گزینه ای (کاملاً درست است تا اصلاً صدق نمی کند) و دامنه نمره بین ۱۲ تا ۸۴ بود که پایان ترم توسط دانشجویان بصورت خود گزارش دهی تکمیل گردید. داده ها پس از جمع آوری، به کمک نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. در جلسه اول مدرس از دانشجویان می خواست انتظارات خود را از کلاس درس در یک صفحه یادداشت کنند. بحث در گروه های کوچک نظرات دانشجویان در مورد روش تدریس، نحوه ارزشیابی و فعالیت های کلاسی انجام گرفت و سپس نظرات دانشجویان تحلیل و جمع بندی و با دانشجویان توافق حاصل گردید. فعالیت های کلاسی شامل ارائه برخی مطالب درسی توسط دانشجویان به صورت گروهی، آزمون های کوتاه تستی و تشریحی، انجام کارگروهی بعد از تدریس بطوری که دانشجویان در گروه های ۴ نفره به سوالات مطرح شده در زمینه مبحث تدریس شده می پرداختند از گروه های مختلف درخواست می گردید پاسخ

سؤالهای مطرح شده را مکتوب بنویسند و در نهایت تمام گروه ها نتایج بحث های خود را به اشتراک داشته و جمع بندی انجام می شد. شرکت در تالار گفتگو و بحث در مورد موضوعی که توسط استاد مطرح می گردید. در کل ۸ نمره از ۲۰ نمره امتحانی برای ارزیابی تکوینی مبتنی بر فعالیت کلاسی در نظر گرفته شد.

نتایج:

بر اساس نتایج میزان رضایت دانشجویان از روش ارزیابی ۸۰٫۶٪ مطلوب و ۱۶٫۱٪ در سطح متوسط بود و میانگین \pm انحراف معیار نمره رضایت 74 ± 13 سقف نمره از ۸۴ بدست آمد. اکثریت دانشجویان (۸۰٪) روش ارزشیابی را مفید می دانستند و ۷۵ درصد دانشجویان معتقد بودند که ارزشیابی در طول ترم و مبتنی بر فعالیت کلاسی برای ایجاد انگیزه بسیار مفید می باشد. ۸۳٪ درصد معتقد بودند باعث کاهش اضطراب امتحان می گردد (نمودار یک تا ۳). مهارت یادگیری خود راهبر (۶۴٪) و تشویق به فعالیت کلاسی (۸۲٪) گزینه کاملاً درست را انتخاب کرده بودند

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نتایج روش حاضر توانسته بود رضایت دانشجویان را جلب نماید. اجرای ارزشیابی تکوینی در سایر درس ها نیز می تواند کمک کننده باشد. البته مقداری زمانبر و وقت گیر هست ولی می توان با مدیریت زمان حداقل برای قسمتی از مبحث استفاده کرد.

کلمات کلیدی: طراحی، اجرا، ارزشیابی دانشجویان، فعالیت کلاسی، تکوینی

طراحی و روانسنجی ابزار ارزیابی توانمندی رهبری تیمی در دستیاران تخصصی پزشکی با رویکرد قضاوت موقعیتی

نازنین شماعیان رضوی^۱، رقیه گندم کار^۲، محمد جلیلی^۲، علی جعفریان^۲، هما کاشانی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: رقیه گندم کار

مقدمه:

رهبری تیمی یکی از توانمندیهای ضروری و مورد نیاز برای پزشکان می باشد که مستقیماً بر عملکرد تیم مراقبت سلامت و نیز کیفیت مراقبت از بیمار اثرگذار است. ارزیابی رهبری تیمی نقاط قوت و ضعف این توانمندی را در اعضای تیم آشکار می سازد و رهبران تیم می توانند با تاکید بر تقویت و آموزش رفتارهایی که نیاز به ارتقا دارند، برنامه های توانمندسازی و آموزشی را رهبری و مدیریت کنند. آزمون قضاوت موقعیتی خوب طراحی شده ابزاری روا و پایا برای ارزیابی طیف وسیعی از مهارت های غیرتحصیلی می باشد. هدف از مطالعه حاضر طراحی و روانسنجی ابزار ارزیابی رهبری تیمی دستیاران تخصصی پزشکی بر مبنای رویکرد قضاوت موقعیتی است.

مواد و روش ها:

پایان نامه حاضر در راستای طراحی و روانسنجی ابزار ارزیابی رهبری تیمی به شیوه ترکیبی در پنج مرحله انجام شد. در مرحله اول مؤلفه های توانمندی رهبری تیمی و رفتارهای نمایانگر آن و همچنین حوادث خطیر شغلی از طریق مرور متون و انجام مصاحبه استخراج گردیدند. در مرحله دوم طراحی آزمون قضاوت موقعیتی از طریق برگزاری پنل های متعدد متخصصین موضوعی انجام پذیرفت. آزمون پایلوت با مشارکت ۲۰ نفر از دستیاران (۵ نفر از هر کدام از رشته های بیماری های داخلی، طب اورژانس، جراحی، بیهوشی و قلب و عروق) در مرحله سوم برگزار شد. در مرحله چهارم آزمون نهایی قضاوت موقعیتی در سامانه ایپل بارگذاری شد و توسط ۱۳۳ نفر از دستیاران داخلی، جراحی، طب اورژانس، قلب و عروق و بیهوشی تکمیل گردید. مرحله پنجم مشتمل بر تجزیه و تحلیل سؤال ها و بررسی روانسنجی آزمون قضاوت موقعیتی بود و همچنین واکنش دستیاران در خصوص آزمون قضاوت موقعیتی از طریق پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج:

در آزمون نهایی آزمون قضاوت موقعیتی با تعداد ۲۷ سؤال در سه مرحله گذار، عمل و مهارت های بین فردی، تعداد ۱۳۳ نفر از دستیاران دانشگاه علوم پزشکی تهران مورد بررسی قرار گرفتند. نمره کل آزمون طراحی شده ۱۹۱ امتیاز بود که نمرات دستیاران در محدوده ۱۷۷-۱۵۶ (میانگین نمره ۱۶۸/۲۳، انحراف

استاندارد (۴/۰۷۶) قرار داشت. ضرایب دشواری سوالات آزمون در محدوده ۰/۷۹- ۰/۹۰ و ضرایب تمیز در محدوده ۰/۴۵- ۰/۸۴ بود. بررسی ثبات درونی با استفاده از آلفای کرونباخ نشان دهنده پایایی قابل قبول آزمون بود. ($r=0.765$) تحلیل عاملی تاییدی برازش مدل را تایید کرد. شاخص RSME کمتر از ۰/۰۸ برای تأیید برازش مدل در نظر گرفته شد. بیش از ۹۶ درصد از شرکت کنندگان آزمون قضاوت موقعیتی را مرتبط با رهبری تیم، فرصت یادگیری مفید، مناسب برای جنبه های مختلف رهبری تیم و افزایش آگاهی رهبری تیم ارزیابی کردند.

بحث و نتیجه گیری:

رهبری تیمی یکی از مهارت های ضروری برای پزشکان می باشد و به طور مستقیم با سلامت جامعه در ارتباط است. نتایج این پژوهش نشان داد که آزمون قضاوت موقعیتی طراحی شده برای ارزیابی رهبری تیمی، آزمونی روا، پایا و منصفانه بوده و بخوبی توانسته است رهبری تیمی را در دستیاران مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج مطالعه حاضر می تواند گام مهمی در ارزیابی وضعیت موجود و بدنبال آن مداخلات آموزشی مرتبط باشد.

کلمات کلیدی: آزمون قضاوت موقعیتی، رهبری تیم، دستیاران، ارزیابی



بررسی عوامل موثر بر نتایج آزمون علوم پایه و پیش کارورزی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸

ریحانه سلجوقی نژاد^۱، سمیه نوری حکمت^۱، الهام ابوالهادی^۱، حدیثه درویش زاده^۱، محمد خاکساری
حداد^۱، رضا شجاعی پورا^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: سمیه نوری حکمت

مقدمه:

آزمون‌های جامع علوم پزشکی معیاری کشوری و ابزار مهم، جهت ارزیابی و سنجش موفقیت تحصیلی دانشجویان دکترای حرفه ای به شمار می رود. لذا شناسایی و بررسی عوامل موثر بر نمره و نتایج آزمون‌های علوم پایه و پیش کارورزی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی حائز اهمیت می باشد. در پژوهش حاضر به بررسی عوامل موثر بر نتایج آزمون علوم پایه و پیش کارورزی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در یک دوره ۵ ساله (۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸) پرداخته شد.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه بررسی مقطعی می باشد و جامعه مورد بررسی شامل کلیه دانشجویان دکترای حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی کرمان که در آزمون جامع علوم پایه و آزمون پیش کارورزی (در سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸) شرکت کرده‌اند بوده است و همچنین نمونه گیری بصورت سرشماری انجام شده است. به منظور بررسی عوامل موثر بر نتایج و نمرات آزمون علوم پایه و پیش کارورزی از مدل های رگرسیون خطی و رگرسیون لجستیک در نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد.

نتایج:

در این مطالعه تعداد شرکت کنندگان در آزمون علوم پایه و آزمون پیش کارورزی در دوره زمانی مورد مطالعه به ترتیب ۸۹۳ و ۲۶۵ نفر بوده و تعداد قبول شدگان در این آزمون ها به ترتیب ۸۰۸ (۹۰/۵٪) و ۲۴۵ (۹۲/۵٪) نفر بوده است. در هر دو آزمون بیشترین افراد شرکت کننده را زنان مجرد ساکن شهر کرمان تشکیل داده اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که متغیرهای جنسیت و معدل دیپلم در آزمون علوم پایه و سهمیه کنکور، سال ورود، معدل دیپلم و معدل کل در آزمون پیش کارورزی از عوامل موثر بر نمره تراز آزمون‌ها می‌باشند. همچنین رشته تحصیلی، محل سکونت، سهمیه کنکور، معدل کل و سن از عوامل موثر بر نتایج آزمون علوم پایه دانشجویان می‌باشند.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به این موضوع که آزمون علوم پایه در دوره دانشجویان دکترای حرفه‌ای (پزشکی عمومی، دندانپزشکی و داروسازی) و همچنین آزمون پیش کارورزی در دوره پزشکی عمومی از اهمیت ویژه ای

برخوردار است نتایج حاصل از مطالعه می تواند به مدیران و برنامه ریزان در عرصه پزشکی کمک نماید تا عوامل موفقیت دانشجویان را شناسایی و بر اساس آنها برنامه ریزی های لازم را انجام دهند.

کلمات کلیدی: علوم پایه، پیش کارورزی، پزشکی عمومی، دندانپزشکی، داروسازی



شناسایی مؤلفه‌های پیش‌بینی‌کننده‌ی پیشرفت تحصیلی دانشجویان مجازی در سیستم مدیریت یادگیری

گلچهره احمدی^۱، ریتا مجتهدزاده^۲، آیین محمدی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی هوشمند، تهران، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: ریتا مجتهدزاده

مقدمه:

با رشد روزافزون آموزش مجازی و نفوذ گسترده‌ی سیستم مدیریت یادگیری الکترونیکی (LMS) در دانشگاه‌ها، انبوهی داده‌ی منتج از رفتارهای یادگیری دانشجو گردآوری می‌شود که برای پایش پیشرفت تحصیلی در یادگیری الکترونیکی کارایی خواهند داشت. با تحلیل داده‌های لاگ LMS، می‌توان وضعیت تحصیلی و الگوهای یادگیری را در همان مراحل آغازین تشخیص داد و با ارائه‌ی مداخلات آموزشی مناسب، به هدایت دانشجو پرداخت. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف یافتن راهکاری برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانشجویان بر اساس پایش مؤلفه‌های LMS با استفاده از روش‌های واکاوی یادگیری، انجام گرفته است.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش کاربردی و از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی بود که در سه فاز انجام گرفت. در فاز اول با مرور متون و مقالات علمی، مؤلفه‌های قابل پایش در سیستم‌های مدیریت یادگیری الکترونیکی، شناسایی و استخراج شده و مورد اعتبارسنجی قرار گرفتند. در فاز دوم داده‌های متناظر با مؤلفه‌های شناسایی شده، در لاگ سیستم مدیریت یادگیری نوید با اجماع نظر متخصصین، تعیین شدند. در فاز سوم با استفاده از واکاوی یادگیری و از طریق روش‌های آماری ارتباط شاخص‌های LMS نوید با وضعیت پیشرفت تحصیلی دانشجویان مجازی بررسی شد و نهایتاً راهکاری برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی مبتنی بر پایش رفتار دانشجویان مجازی در LMS نوید، پیشنهاد گردید.

نتایج:

یافته‌های فاز اول، حاصل از مرور متون علمی، ۲۷ مؤلفه در داده‌های لاگ LMS بود که در ۳ حیطه‌ی «مراجعه به LMS»، «عملکرد دانشجو» و «ارتباطات» و در ۶ رده‌ی «ورود و استفاده از LMS»، «دسترسی به منابع آموزشی»، «تکلیف»، «ارزیابی»، «پیام‌رسانی» و «مشارکت در تالار گفتگو»، شناسایی و طبقه‌بندی شدند. در فاز دوم، پس از بحث و تبادل نظر در جلسات گروه متمرکز و بر اساس قابلیت‌های نوید، در نهایت ۹ مؤلفه‌ی «تعداد ورود کاربر»، «تأیید مطالعه‌ی منابع آموزشی»، «تعداد پاسخ به تکالیف در موعد مقرر»، «تعداد تأخیر در پاسخ به تکالیف»، «تعداد مشارکت در خودآزمون»، «تعداد

موفقیت در خودآزمون»، «تعداد پیام‌های ارسالی در بستر «LMS»، «تعداد پست‌های ارسالی در تالار گفتگو» و «تعداد پاسخ به پست‌های تالار گفتگو»، به‌منظور پایش پیشرفت تحصیلی دانشجویان مجازی در LMS نوید، تعیین شدند. نهایتاً در سومین فاز، پس از استخراج لاگ داده‌های دانشجویان مجازی از نوید و واکاوی مؤلفه‌های پیشگفت در ارتباط با معدل نیم‌سال تحصیلی دانشجویان، از طریق آزمون آماری تحلیل رگرسیون چندگانه، مشخص شد مؤلفه‌های «ورود کاربر»، «پاسخ به تکالیف در موعد مقرر» و «تأخیر در پاسخ به تکالیف»، دارای قدرت پیش‌بینی معناداری برای پیشرفت تحصیلی هستند. این تحلیل نشان داد که این سه متغیر در مجموع نزدیک ۵۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کنند، $F(9,173)=24.005, R^2=0.555$.

بحث و نتیجه‌گیری:

این مطالعه نشان داد برخی از متغیرهای LMS برای پیش‌بینی موفقیت تحصیلی در دوره‌های آموزشی که از طریق LMS پشتیبانی می‌شوند، مفید هستند. هرچند کارایی بسیاری از متغیرها در پیش‌بینی، به طراحی LMS و اهداف پداگوژیکی وابسته است. مدل‌های پیش‌بینی بر اساس طراحی LMS، اینکه شامل چه ابزارهای است و با چه هدفی مستقر شده، ممکن است ترکیب متفاوتی از متغیرها را شامل شود. یافته‌های پژوهش حاضر به‌منظور شناسایی دانشجویان در معرض افت تحصیلی، مبتنی بر رفتار دانشجویان در LMS، گامی ارزشمند است. شناسایی دانشجویان در معرض خطر این فرصت را برای مدرس و مدیران آموزشی فراهم می‌سازد تا به بحث و پیگیری پرداخته و در راستای برطرف نمودن موانع ارتقای عملکرد تحصیلی اقدام نمایند.

کلمات کلیدی: پیشرفت تحصیلی، سیستم مدیریت یادگیری، واکاوی یادگیری، یادگیری الکترونیکی.

بررسی ارتباط نگرش به آموزش مجازی بر اضطراب یادگیری و فرسودگی

تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۴۰۱

محمد مهدی خالقی^۱، خدیجه مومنی^۱، حسین بوستانی زاده^۱، عابد ابراهیمی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

نویسنده مسئول: عابد ابراهیمی

مقدمه:

استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی به عنوان یکی از ابزارهای نوین فناوری های اطلاعات و ارتباطات در سال های اخیر با استقبال چشمگیری مواجه شده است. شبکه های اجتماعی مجازی در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و غیره کاربرد دارد. در آموزش، دانشجویان به طور فزایندهای از سایت های شبکه های اجتماعی برای ایجاد و حفظ روابط اجتماعی و حمایت از شیوه های یادگیری غیر رسمی و فعالیت های یادگیری استفاده می کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط نگرش به آموزش مجازی بر اضطراب یادگیری و فرسودگی تحصیلی در دانشجویان علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۴۰۱ انجام شد.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر می باشد که در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ مشغول به تحصیل بودند و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده ۳۳۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده های مورد نیاز از پرسشنامه های نگرش نسبت به آموزش مجازی، اضطراب یادگیری پکران، فرسودگی تحصیلی برسو و همکاران استفاده شد.

نتایج:

تجزیه و تحلیل داده ها به روش رگرسیون چند متغیری و ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفت. نتایج نشان داد بین نگرش نسبت به آموزش مجازی با اضطراب یادگیری و فرسودگی تحصیلی رابطه ای وجود ندارد. ($P>0/01$)

بحث و نتیجه گیری:

نتایج این مطالعه نشان داد که اضطراب یادگیری تاثیر مثبتی بر فرسودگی تحصیلی دانشجویان ندارد؛ همچنین بین نگرش به آموزش مجازی با اضطراب یادگیری و فرسودگی تحصیلی نیز ارتباط معناداری وجود ندارد. با این حال بیش از نیمی از شرکت کنندگان دارای نگرش مثبت به آموزش مجازی بودند، همچنین اکثر افراد دارای اضطراب یادگیری متوسط و زیاد بودند و میانگین نمره فرسودگی تحصیلی متوسطی را داشتند.

کلمات کلیدی: آموزش، مجازی، یادگیری، فرسودگی، دانشجویان

بررسی و مقایسه آگاهی دانشجویان سال اول و آخر مقطع کارشناسی پیوسته دانشکده پرستاری و مامایی مشهد نسبت به ابعاد قانونی و حقوقی سقط جنین

فاطمه زهرا کریمی^۱، علیرضا پوراسماعیلی^۲، خدیجه میرزایی نجم آبادی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

۲. دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه زهرا کریمی

مقدمه:

امروزه از سقط جنین به عنوان معضل سلامت زنان، موضوع اصلی سلامت عمومی و کیفیت مراقبتهای بهداشتی و موضوع حقوق باروری و جنسی زنان نام برده می شود. میزان آگاهی مراقبین بهداشتی در تصمیم گیری و مشارکت آنان برای انجام سقط جنین اهمیت بسزایی دارد. مطالعه حاضر با هدف تعیین و مقایسه آگاهی دانشجویان سال اول و آخر مقطع کارشناسی پیوسته مامایی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد نسبت به ابعاد قانونی و حقوقی سقط جنین انجام شد.

مواد و روش ها:

در این پژوهش توصیفی - مقایسه‌ای، ۸۲ نفر از دانشجویان سال اول و سال آخر رشته کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد حضور داشتند که با روش سرشماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه مشخصات دموگرافیک واحدهای پژوهش، پرسشنامه پژوهشگر ساخته بررسی میزان آگاهی نسبت به ابعاد قانونی و حقوقی سقط جنین بود که روایی و پایایی آن‌ها مورد تایید قرار گرفت. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ انجام شد.

نتایج:

بین میزان آگاهی دانشجویان سال اول و سال آخر مامایی در مورد ابعاد قانونی و حقوقی سقط جنین تفاوت آماری معنی داری وجود داشت و میزان پاسخ دهی صحیح در دانشجویان سال آخر بالاتر بود. میانگین نمره آگاهی دانشجویان سال اول و سال آخر مامایی در رابطه با موارد مجاز سقط جنین به ترتیب $2/75 \pm 88/5$ در مقابل $1/51 \pm 9/03$ ، $0/01$ (p=) و در رابطه با مجازات سقط جنین غیر قانونی و شرایط صدور مجوز قانونی سقط جنین درمانی به ترتیب $3/47 \pm 1/48$ در مقابل $5/54 \pm 1/33$ ، $0/001$ (p=) بود.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج پژوهش حاضر بیانگر آگاهی ناکافی دانشجویان مامایی در ارتباط با قوانین سقط جنین از قبیل اندیکاسیون های سقط درمانی قانونی، شرایط لزوم برای صدور مجوز سقط درمانی قانونی و مجازات های سقط جنین غیر قانونی می باشد. لذا پژوهشگران پیشنهاد می نمایند که مسئولین، برنامه ریزی های

آمورزشی را در راستای تقویت آموزش های مربوط به موارد قانونی و حقوقی سقط جنین برای دانشجویان مامایی مدنظر قرار دهند.

کلمات کلیدی: ابعاد قانونی، ابعاد حقوقی، سقط جنین



ارزشیابی برنامه آموزشی دانشکده پزشکی کرمان بر اساس الگوی CIPP

صدیقه خدابنده شهرکی^۱، هانیه نیایش^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: صدیقه خدابنده شهرکی

مقدمه:

برنامه های آموزش عالی جهت ارتقای کیفیت و داشتن پویایی، نیاز به ارزشیابی و بررسی های کمی و کیفی دارند. ارزشیابی شاخصی است که میزان رسیدن به هدف های آموزشی را نشان می دهد و به تحلیل فعالیت های آموزشی می پردازد. در این مطالعه، جهت ارزشیابی دانشکده پزشکی بر اساس الگوی نظری سیپ استفاده شد.

مواد و روش ها:

ارزشیابی برنامه دانشکده پزشکی کرمان با توجه به الگوی CIPP سیپ شامل زمینه، درونداد، فرایند و برونداد اجرا شد. نمونه این پژوهش شامل ۶۹ دانشجو، ۲۳ استاد و ۲۲ دانش آموخته بود. جهت انجام ارزشیابی، در این پژوهش، جهت ارزشیابی دانشکده، از پرسش نامه محقق ساخته استفاده گردید. هر سه پرسش نامه محقق ساخته برای دانشجویان، استادان و دانش آموختگان شامل دو بخش مشخصات دموگرافیک و سؤالات پرسش نامه بود. پرسش نامه ها دارای طیف لیکرت ۵ گزینه ای بودند. نمره ۰-۵/۵ وضعیت نامطلوب، ۳/۵ تا ۵/۵ وضعیت نسبتا مطلوب، ۵/۵ تا ۳/۵ وضعیت کاملا مطلوب در نظر گرفته شد. در این مطالعه، جهت فراگیری علم به عنوان زمینه، شرایط محیطی دانشجویان (تحصیلات والدین و وضعیت اقتصادی) و میزان علاقه آن ها به عنوان درون داد، محتوای آموزشی، توانایی دانشجویان (میزان توانایی آموزشی و پژوهشی آن ها با توجه به معدل، تعداد ترم های مشروطی، میزان مقالات و...)، توانایی استادان (میزان توانایی استادان با توجه به مرتبه علمی، مدرک تحصیلی، سوابق آموزشی و پژوهشی)، امکانات و تجهیزات آموزشی و اهداف آموزشی؛ به عنوان فرایند، برنامه آموزشی (توانایی برنامه در تامین اهداف دوره)، تناسب آن با نیازهای فراگیران (ایجاد پایه علمی، مهارتی و نگرشی قابل قبول و...)، فعالیت های دانشجویان، فعالیت های استادان (میزان عملکرد دانشجویان و استادان در قبال وظایف شان در فرایند یاددهی-یادگیری)، عملکرد آموزش، فعالیت های مسئولین و به عنوان برون داد، میزان تحقق اهداف رشته پزشکی در مقطع دکتری حرفه ای، میزان تولیدات علمی استادان، دانشجویان و دانش آموختگان در نظر گرفته شد. جهت آنالیز داده ها از آزمون تی یک نمونه ای (One-Sample T-Test) استفاده شد. آنالیز آماری SPSS نسخه ۲۱ اجرا گردید. سطح معنی داری در این مطالعه ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها:

از دیدگاه شرکت کنندگان در پژوهش، شاخص زمینه، درونداد، فرایند و کلیت دانشکده پزشکی کاملاً مطلوب و برونداد دانشکده نسبتاً مطلوب بود. نتایج نشان داد که به طور کلی در زمینه، فرایند و برون داد دانشکده پزشکی بین دیدگاه دانشجویان و استادان، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/05$). دانشجویان وضعیت زمینه و استادان وضعیت درونداد، فرایند، برون داد و کلیت دانشکده را مطلوب تر ارزیابی کردند.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج ارزشیابی برنامه آموزشی نهایی دانشکده پزشکی نشان داد که وضعیت این دانشکده مطلوب می‌باشد. در جهت نیل به سطح کاملاً مطلوب، شایسته است مسؤولین دانشکده و دانشگاه، بیش از پیش به تقویت عوامل مهم از جمله بازنگری در مواد و محتوای آموزشی، آموزش روش های تدریس و ارزشیابی و مهارت‌های ارتباطی به استادان توجه نمایند. ارزشیابی هایی دانشکده پزشکی بر اساس الگو سیب دانشجویان و استادان فعالیت های دانشجویان را نسبتاً مطلوب ارزشیابی کردند و می توان با استفاده بیشتر از روش های نوین یاددهی-یادگیری، افزایش تعامل دانشجویان و استادان و توجه بیشتر به نقش فراگیران در فرایند یادگیری، روندی رو به رشد را شاهد بود. لازم است جهت ارتقای این رشته همکاری بین متخصصان این رشته و برنامه ریزان در راستای مرتفع نمودن مشکلات ضروری است.

کلمات کلیدی: ارزشیابی برنامه آموزشی، الگوی CIPP



ادراکات دانشجویان پزشکی از تأثیر پوشیدن روپوش سفید بر هویت حرفه‌ای آن‌ها طی گذراندن واحد عملی سمیولوژی

مرتضی نظری خیجی^۱، مریم پورسعادت^۱، مهدی عباسی^۲، امیرحسین محمدزاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، خراسان رضوی، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: مریم پورسعادت

مقدمه:

روپوش سفید نماد هویت گروهی در محیط‌های بهداشتی و درمانی است. با این حال، مطالعات محدودی درباره تأثیر پوشیدن روپوش سفید بر شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانشجویان پزشکی وجود دارد. هدف ما در این مطالعه تحلیل تجربیات دانشجویان پزشکی از پوشیدن روپوش سفید و تأثیر این لباس بر سطح اعتماد به نفس، عملکرد، رفتار و همچنین شکل‌گیری هویت حرفه‌ای آن‌ها به عنوان پزشکان آینده می‌باشد.

مواد و روش‌ها:

یک نظرسنجی کوتاه با سؤالات باز با هدف تجزیه و تحلیل تجربه دانشجویان پزشکی درباره استفاده از روپوش سفید طی گذراندن واحد عملی سمیولوژی و تأثیر این لباس بر سطح اعتماد به نفس، عملکرد، رفتار و همچنین هویت آن‌ها به عنوان پزشکان آینده طراحی شده است. دانشجویان این پرسشنامه را بصورت داوطلبانه و ناشناس تکمیل کردند. شناسایی مضامین از طریق تحلیل کیفی روایت‌های گزارش شده دانشجویان انجام شد.

نتایج:

۲۵ نفر از ۳۴ دانشجوی واجد شرایط، پرسشنامه را تکمیل کردند که ۸ نفر از آن‌ها آقا و ۱۷ نفر خانم بودند. اکثریت دانشجویان بر این باور بودند که پوشیدن روپوش سفید باعث افزایش اعتماد به نفس و انگیزه آن‌ها می‌شود. بعلاوه تعدادی از دانشجویان به افزایش مسئولیتی که نسبت به بیماران خود هنگام پوشیدن روپوش سفید احساس می‌کردند، اشاره کردند. اغلب دانشجویان دلایل کاربردی از جمله راحتی و سهولت حرکت را برای استفاده از روپوش سفید بیان کردند. همچنین دانشجویان بر این باورند که روپوش سفید بخش مهمی از اولین برداشت بیماران و دیگران در برخورد با دانشجویان پزشکی است.

بحث و نتیجه‌گیری:

دانشجویان پزشکی حین استفاده از روپوش سفید در طول تعاملات اولیه بالینی خود، مشارکت مشروع در محیط‌های بالینی را تجربه کردند که یک گام اولیه مهم در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای آن‌ها محسوب

می‌شود. مطالعات آینده باید چگونگی تاثیر سایر ویژگی‌های ظاهری را در محیط‌های بالینی بر شکل‌گیری شخصیت حرفه‌ای دانشجویان در طول فرآیند آموزش پزشکی بررسی کند.

کلمات کلیدی: هویت حرفه‌ای، روپوش سفید



سردرگمی میان دوگان های رقیب: تجربه کاوی مدرسان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان از آزمون الکترونیک در بحران کووید-۱۹

فواد ایرانمنش^۱، مصطفی هادوی نژاد^۱، مهدیه آذین^۱، جلال حسن شاهی^۱، افسانه امیری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: فواد ایرانمنش

مقدمه:

بحران پاندمی کووید-۱۹ سبب شد تا گرایش دانشگاه های دنیا به سمت استفاده از آموزش الکترونیک و به دنبال آن آزمون الکترونیک بیشتر از گذشته شود. در این میان، برخی دانشگاه ها نخستین تجربه خود را در این خصوص انجام می دادند که دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان از جمله آنها بود. کاوش تجارب ذی نفعان این پدیده آموزشی، از جمله اساتید، می تواند برای دست اندرکاران اجرای تحول آموزشی و ارتقای یادگیری فراگیران در این دانشگاه و دانشگاه های دیگر با تجربه مشابه، آموزه های مفیدی را ارائه دهد.

مواد و روش ها:

در همین راستا، در قالب یک پدیدارشناسی هرمنوتیک، ضمن انجام مصاحبه هایی عمیق با ۱۸ نفر از اعضای هیأت علمی این دانشگاه که با روش های نمونه گیری بیشینه تنوع و نوعی انتخاب و به مشارکت در پژوهش دعوت شدند، به بررسی این تجارب پرداختیم. پروتکل مصاحبه شامل دو دسته پرسش بود: پرسش های اصلی مصاحبه و پرسش های کاوش گر. این پرسش ها برای عمق بیشتر در پدیده و دریافت داده های عمیق تر و دقیق تر از سوی پژوهش گر طرح می شد. پرسش های اساسی از این دست بودند: طبق تجربه ای که درباره آزمون الکترونیک داشتید، نقاط قوت این نوع آزمون را در چه دیدید؟ نقاط ضعف آن چه بود؟ چه راهکارهایی برای تقویت نقاط قوت و کاستن نقاط ضعف پیشنهاد دارید؟ نمونه گیری و مصاحبه ها تا رسیدن مقوله ها به اشباع نظری ادامه یافت؛ اشباع نظری مرحله ای است که در آن داده های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید نمی آیند، مقوله گستره مناسبی می یابد و روابط بین مقوله ها برقرار و تأیید می شوند.

نتایج:

اساتید این دانشگاه میان چند دوگان رقیب دچار سردرگمی شده اند. این دوگان ها به ترتیب عبارت اند از دوگان «آزمون الکترونیک در برابر آزمون حضوری»، «اقدام مدت دار بنیادی در برابر اقدام سریع محدود»، «گشایش ها در برابر تنگناها» و «کاهش فشار روانی در برابر افزایش آن». مضامین و زیرمضمون های اکتشاف شده از متن مصاحبه ها در ارتباط با پیشنهاد های بهبود آزمون الکترونیک شامل برگزاری آزمون در مراکز آزمون، آموزش مستمر اساتید و تنوع شیوه های ارزیابی آموزشی بود. بحث و

نتیجه گیری: بر اساس دوگان آزمون الکترونیک در برابر آزمون حضوری، برخی اساتید هیچ باوری به کارکردی بودن آزمون الکترونیک ندارند و آن را نسخه ای بدلی برای آزمون حضوری می دانند که به طور جوهری با اهداف آموزش سر ناسازگاری دارد. از این رو، ایشان به هیچ وجه استفاده از آزمون الکترونیک را بر نمی تابند و تنها به علت رخداد کووید-۱۹ و تحمیل سیستم آموزشی دانشگاه، ناگزیر به آن تن داده اند. در مقابل، برخی از اساتید آزمون الکترونیک را یک جایگزین قابل اتکا برای آزمون حضوری می دانند که به خوبی می توان از آن در بحران کووید-۱۹ در راستای پیشبرد اهداف آموزشی استفاده کرد. در دوگان اقدام مدت دار بنیادی در برابر اقدام سریع محدود، از یک سو گروهی از اساتید قائل بر این بودند که تا وقتی زیرساخت جامعی از نظر سخت افزاری و نرم افزاری برای آزمون الکترونیک دانشگاه تدارک دیده نشده است، نتیجه ای که از برگزاری چنین آزمونی در دانشگاه به دست خواهد آمد، به آزمون اثربخش منجر نخواهد شد. این در حالی بود که در مقابل، تعدادی دیگر از اساتید این را شرط کافی برای برگزاری آزمون الکترونیک می دانستند و بر این نظر بودند که اگر زیرساخت های حداقلی لازم برای برگزاری آزمون الکترونیک موجود باشد، باید برای برگزاری آزمون الکترونیک اقدام نمود؛ چرا که راه برای رسیدن به کامل ترین بهره برداری از آزمون الکترونیک در آینده باز است؛ اما در هنگام بحران، باید بهینه ترین گزینه با توجه به امکانات موجود کاوش و مورد استفاده واقع شود؛ وگرنه امر آموزش متوقف می ماند. بر اساس دوگان گشایش ها در برابر تنگناهای آزمون الکترونیک، برخی از اساتید اذعان داشتند که حذف مصرف کاغذ و هزینه های چاپ و تکثیر اوراق امتحانی، حذف مراقبت فیزیکی از آزمون، تصحیح فوری و صحیح آزمون و ارائه بلادرنگ نمره به دانشجویان با تأکید بر آزمون های تستی، و امکانات متنوع سامانه آزمون الکترونیک دانشگاه برای برگزاری آزمون از جمله نقاط قوت این نوع آزمون به شمار می آیند؛ حال آنکه در مقابل، بعضی دیگر از اساتید برخی نقاط ضعف را برای آزمون الکترونیک برمی شمردند که از جمله آنها می توان به استفاده از اینترنت و امکانات مرتبط و نیازمندی به مراقبت الکترونیک اشاره نمود. دوگان دیگر کاهش فشار روانی در برابر افزایش آن بود که بر اساس آن برخی از اساتید به این موضوع اشاره داشتند که با حذف حضور فیزیکی دانشجویان در سالن امتحانات به خاطر جایگزینی آزمون های الکترونیک در دوره پاندمی کووید-۱۹، از فشار روانی دانشجویان در این خصوص کم می شود؛ اما در مقابل بعضی دیگر از اساتید به فرآیندی اشاره می کردند که به دنبال اجرای آزمون الکترونیک باعث افزایش فشار روانی دانشجویان، به ویژه دانشجویان توانمند، کوشا و باوجدان می شد؛ و آن اینکه متأثر از ادراک غلبه انسان بر فناوری توسط برخی از اساتید، با این استدلال که در آزمون الکترونیک احتمال تقلب توسط دانشجویان نسبت به آزمون حضوری افزایش می یابد، آنها به طرح سؤالات دشوارتر و افزایش استفاده از امکانات محدودیت ساز در سامانه آزمون الکترونیک دانشگاه روی می آوردند و این باعث می شد تا آن دسته از دانشجویان قوی نیز نتوانند با رضایت کامل از آزمون خارج شوند و این برای آنها باعث افزایش فشار روانی می شد. متناظر با دوگان های یادشده، مشارکت کنندگان پژوهش راهکارهایی را به عنوان پیشنهاد برای بهبود آزمون الکترونیک در دانشگاه ارائه نمودند که عبارت بودند

از برگزاری آزمون در مراکز آزمون، آموزش مستمر اساتید و تنوع شیوه های ارزیابی آموزشی. نظر به اینکه دانشجویان مستعد و باوجدان قابلیت های خود را در آزمون های حضوری بهتر نشان می دهند، بعضی از اساتید پیشنهاد می دادند تا با راه اندازی مرکز آزمون بهتر بتوان بر دانشجویان نظارت کرد و در نتیجه نتایج آزمون به عدالت نزدیک تر شوند و در نتیجه اثربخشی آزمون بهتر حاصل شود. این موضوع به هدایت دانشجویان به شرکت در آزمون در محل مراکز آزمون دیگر دانشگاه ها نیز تعمیم داده می شد. از دیگر کارکردهای مراکز آزمون وجود زیرساخت های مناسب سخت افزاری آنها است که بهانه را از بعضی از دانشجویانی که در شرایط دیگر، از نبود زیرساخت های مناسب اظهار گله می کردند، می گیرد. بینشهاد دیگر در مواجهه با دوگان اقدام مدت دار بنیادی در برابر اقدام سریع محدود، تقویت زیرساخت نرم افزاری برگزاری آزمون الکترونیک در دانشگاه از رهگذر آموزش مستمر اساتید بود؛ چرا که آموزش می تواند در حکم مسیری از اقدام عاجل محدود به سوی اقدامات بنیادی در آینده باشد. اساتید تنوع بخشی به شیوه های ارزیابی آموزشی را نیز در راستای تقویت اطمینان یابی از یادگیری دانشجویان، به عنوان پیشنهادی دیگر مطرح می کردند؛ این موضوع به ویژه در خصوص آزمون تشریحی و ارتقای قابلیت های سامانه آزمون الکترونیک دانشگاه صدق می نمود.

کلمات کلیدی: تجربه کاوی، آزمون الکترونیک، مدرسان



میزان آمادگی گذر از دانشگاه به کار در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم

پزشکی یزد

خدیجه نصریانی^۱، عهدیه بحری^۲، نجمه زمانی^۲، محمد حسن زاده^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: محمد حسن زاده

مقدمه:

امروزه تنها داشتن مدرک تحصیلی مساوی با شایستگی و دستیابی به شغل مورد نظر نیست؛ زیرا با توجه به شرایط کنونی و پیشرفت های چشم گیر در زمینه علم و فناوری ماهیت کار تغییر کرده است. بنابراین لازمه ورود به بازار کار هر حرفه، کسب مهارت های مرتبط با آن است تا به وسیله ی این مهارت ها بتوان شانس استخدام و موفقیت بیشتر در آن شغل را به دست آورد. مسئولیت تربیت نیروهای متخصص در رشته های مختلف و آموزش مهارت های مورد نیاز به دانشجویان، جهت آمادگی برای ورود به بازار کار، بر عهده مراکز علمی و دانشگاه ها می باشد. ورود دانشجویان از دانشگاه ها و مراکز علمی به بازار کار مرتبط با رشته خود، مشروط به داشتن توانایی ها و خصوصیات است که بخشی از آن ها را در طول دوران تحصیل آموخته اند. بنابراین، با توجه به اهمیت آمادگی برای ورود به بازار کار برای دانشجویان هر رشته تحصیلی بویژه رشته های مرتبط با خدمات بهداشتی_درمانی نظیر پرستاری، اشتغال دانشجویان و فعالیت آنها در حیطه های مرتبط با رشته تحصیلی خود و همچنین نقشی که نیروهای بهداشتی_درمانی در ارتقا سلامت و بهداشت افراد و جامعه دارند، مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان آمادگی برای ورود به بازارکار در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه توصیفی - مقطعی حاضر با روش نمونه گیری تصادفی در سال ۱۴۰۱ انجام گرفته است. در این مطالعه، ۱۷۱ نفر از دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد مشارکت نموده اند. جهت جمع آوری داده از پرسشنامه گذر از دانشگاه به بازار کار و پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده های با نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ و آمار توصیفی و آزمون های آماری t مستقل و آنالیز واریانس و با سطح معنی دار ۰/۰۵ انجام گرفت.

نتایج:

میانگین نمره گذر از دانشگاه به کار کل شرکت کنندگان (۱۱۵/۳۸±۲۳/۱۷) بدست آمد. بالاترین نمره مربوط به حیطه کنجاوی گذر (۳۴/۰۹±۸/۷۱) و پایین ترین نمره مربوط به حیطه اعتماد گذر از دانشگاه

به کار (۲۱/۷۲±۴/۸۰) میباشد. بین هیچ یک از مشخصات دموگرافیک دانشجویان با نمره گذر از دانشگاه به کار رابطه آماری معناداری وجود نداشت. ($P>0/05$)

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطالعه نشان می دهد میزان آمادگی گذر از دانشگاه به کار دانشجویان در حد متوسط می باشد. به طور معمول، دانشجویان پرستاری با ورود به دانشگاه یک مسیر شغلی در ذهن دارند. بسیاری از دانشجویان، رشته پرستاری انتخاب می کنند، زیرا این رشته مسیر سریعی را برای اشتغال فراهم می کند. بنابراین اگر دانشجویان فارغ التحصیل شوند و قبل از ایجاد حس هویت به عنوان یک پرستار، وارد کار پرستاری شوند، ممکن است رضایت شغلی پایین و قصد ترک شغلی بالایی داشته باشند.

کلمات کلیدی: گذر از دانشگاه به کار، دانشجوی پرستاری، پرستار



بررسی میزان اهمال کاری تحصیلی و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی در میان دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در دوران پاندمی کووید ۱۹

آتنا گریوانی^۱، محبوبه منتظر عطائی^۲، سمیه سیمائی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

۲. دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: آتنا گریوانی

مقدمه:

شیوع گسترده کرونا، تعطیلی دانشگاه و مراکز آموزش عالی، عملکرد تحصیلی دانشجویان را تحت تاثیر قرار داده است. عواملی نظیر قرنطینه و دوری از کلاس های درس بر عملکرد دانشجویان موثر می باشند. و غالباً باعث بروز رفتارهای اهمالکارانه می گردند. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان اهمال کاری تحصیلی و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در دوران پاندمی کووید ۱۹ انجام گرفته است.

مواد و روش ها:

روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری تحقیق، شامل دانشجویان مقطع علوم پایه دانشکده پزشکی مشهد که تعداد آنها ۶۶۰ نفر می باشند است که با استفاده از روش نمونه گیری غیرتصادفی در دسترس و جدول مورگان و احتساب درصد ریزش پرسشنامه، تعداد ۲۶۸ نفر به عنوان حجم نمونه آماری برآورد گردیده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است. به منظور سنجش متغیر اهمال کاری از پرسشنامه استاندارد اهمالکاری تحصیلی سولومون و راث بلوم ۱۹۸۴ استفاده گردیده است. جهت سنجش عملکرد تحصیلی از معدل کل دانشجویان استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده های تحقیق از طریق نرم افزارهای SPSS انجام گرفت.

نتایج:

یافته های تحقیق نشان داده است که بین کلیه مولفه های اهمال کاری با عملکرد تحصیلی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نتایج ضریب تعیین (R2) نشان میدهد که ۱۶ درصد از تغییرات عملکرد تحصیلی توسط اهمال کاری و مؤلفه های آن قابل تبیین است. همچنین اهمال کاری دانشجویان بیشتر از حد متوسط می باشد. بررسی میانگین عملکرد تحصیلی دانشجویان با توجه به متغیر جنسیت نشان داده است که تفاوت معناداری بین گروه زنان و مردان وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری:

دوران پاندمی کرونا و محدودیت های موجود سبب افزایش اهمال کاری تحصیلی در دانشجویان گردیده و عملکرد تحصیلی آنان را کاهش داده است.

کلمات کلیدی: اهمال کاری، یادگیری، آموزش

نیازسنجی، اجرا و ارزشیابی لاگ بوک برای ارزیابی مهارت های بالینی دانشجویان کارشناسی هوشبری براساس آخرین بازنگری کوریکولوم آموزشی

پرویز فتوحی^۱، سمیرا روحی صفایی^۱، سمیرا وش^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

نویسنده مسئول: پرویز فتوحی

مقدمه:

مهارت های بالینی و ارزشیابی بالینی یکی از مهمترین حیطه های آموزشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی، بویژه دانشجویان رشته کارشناسی هوشبری که از رشته های با بالاترین واحد کارآموزی و بالینی می باشد مطالعه با هدف نیازسنجی، اجرا و ارزشیابی لاگ بوک برای ارزیابی مهارت های بالینی دانشجویان کارشناسی هوشبری براساس آخرین بازنگری کوریکولوم آموزشی انجام شد.

مواد و روش ها:

با توجه به پژوهش های قبلی (امامی و همکاران ۱۴۰۰) در دانشگاه علوم پزشکی کردستان مبنی بر پایین بودن کیفیت آموزش بالینی انجام گرفت و همچنین جلسات با نمایندگان دانشجویان و اساتید از روش ارزیابی بالینی عدم رضایت داشتند پس از جستجو علمی، روش های ارزشیابی مهارت بالینی در پایگاه های داده و همچنین سایت های دانشگاه های علوم پزشکی جهت انتخاب روش مناسب، تصمیم گیری در گروه آموزشی به اجرای لاگ بوک گرفته شد با استفاده از اصول ۱۲ گانه اشپیتز در زمینه تهیه لاگ بوک بالینی، اقدام به تهیه لاگ بوک گردید. پس از تهیه لاگ بوک طراحی شده اولیه، روایی محتوایی توسط تمامی اعضای هیات علمی و مربیان بالینی غیر هیات علمی گروه هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کردستان انجام شد. همچنین از نظرات مسولین آموزش و بخش ها، سوپروایزرهای آموزشی استفاده شد آموزش های لازم به مربیان و اساتید داده شد. سپس در یک ترم برای ۷۵ نفر از دانشجویان ترم ۲ و ۴ و ۶ اجرا گردید در پایان ترم با استفاده از پرسشنامه ارزشیابی لاگ بوک از نظر اساتید و دانشجویان (۷۱ دانشجو و ۱۰ استاد تکمیل نمودند)، توسط نجفی و همکاران که شامل ۴۲ سوال در ۴ حیطه پس از پایایی مجدد ارزیابی گردید. (آلفای ۰/۸۳۶). ($p > 0.05$) پس از آنالیز داده ها با نرم افزار spss 26 و رفع نواقص مذکور در گروه، در شورای آموزشی دانشکده تصویب و به طور مستمر در هر نیمسال اجرا و ارزیابی می گردد.

نتایج:

بر اساس نتایج مطالعه ۴۶ نفر از دانشجویان زن، ۲۷ نفر ترم شش همچنین ۵ نفر از اساتید مرد، ۴ نفر کارشناسی ارشد بودند. نمرات ارزشیابی لاگ بوک و ابعاد آن از نظر اساتید و دانشجویان بالا و در سطح مطلوب قرار داشت و از نظر اساتید بالاترین نمرات به ابعاد کیفیت محتوا و کمترین ضرورت

استفاده از لاگ بوک بود و از نظر دانشجویان بیشترین نمرات ابعاد، نحوه تکمیل و کمترین نمرات، پیامدهای مورد نظر در طراحی لاگ بوک بود. ۸۷/۵ دانشجویان و ۹۰ درصد اساتید استفاده از لاگ بوک را ضروری، ۷۸/۸ درصد دانشجویان و همه اساتید، استفاده از لاگ بوک را موجب انگیزه بهتر دانشجویان و همه اساتید و ۸۱/۷ دانشجویان ارزشیابی موجود در لاگ بوک را مناسب و بسیار مناسب دانستند.

بحث و نتیجه گیری:

لاگ بوک گردآوری شده، براساس آخرین بازنگری برنامه آموزشی وزارت بهداشت، که با توجه به امکانات دانشگاه بومی سازی شده است دارای مقبولیت بالا از نظر اساتید و دانشجویان بود. اجزای لاگ بوک به ترتیب شامل مشخصات فردی، قوانین آموزشی، روش های ارزشیابی، لیست کنفرانس های درون بخشی، سرفصل های تعیین شده در برنامه آموزشی به تفکیک هر کارآموزی، مهارت های اخلاقی، منابع آموزشی، لیست مهارت های اختصاصی به تفکیک و نظرات دانشجویان و اساتید می باشد که در ابتدای ترم در اختیار کارآموزان داده شده و در پایان ترم جهت تایید نهایی تحویل مدیر گروه آموزشی داده می شود. از محدودیت های پژوهش کمبود اساتید ناظر و عدم تطابق مهارت های بالینی در سرفصل های برنامه آموزشی با امکانات دانشگاه بود. پیشنهاد می گردد لاگ بوک مذکور در دانشگاه های دیگر، در تلفیق با سایر روش نوین ارزشیابی و در صورت امکان به صورت الکترونیکی استفاده گردد.

کلمات کلیدی: ارزشیابی، لاگبوک، هوشبری، مهارت بالینی



بررسی اثربخشی برنامه آموزش دستگاه بای پس قلبی ریوی بر رضایت و یادگیری دانشجویان با استفاده از نقاشی و بحث گروهی

بهاره بروسان^۱، مهلا سلاجقه^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: بهاره بروسان

مقدمه:

آموزش بالینی و دوره های کارورزی دانشجویان مقطع کارشناسی سهم بسیار مهمی در آموزش علوم پزشکی دارد. بنابراین ارائه روش های ساده و قابل درک مثل نقاشی برای یادگیری فرایندهای پیچیده بالینی مثل عملکرد دستگاه بای پس قلبی ریوی در جراحی قلب باز، ضروری است.

مواد و روش ها:

۳۰ نفر از دانشجویان کارشناسی هوشبری کارورز در بخش جراحی قلب، با روش سرشماری به دو گروه ۱۵ نفره شاهد و آزمایش تقسیم شدند. مبنای اصلی آموزش دستگاه بای پس قلبی عروقی برای گروه آزمایش نقاشی بود و آموزش گروه شاهد، مطابق معمول با توضیحات مربی بر بالین بیماران انجام شد. در پایان دوره، ارزشیابی دانشجویان دو گروه در دو سطح الگوی کرک پاتریک انجام شد. داده ها با نرم افزار spss و آزمون های آماری مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در سطح یادگیری، میانگین تغییرات نمره دانش شرکت کنندگان بعد از آموزش ۵/۹۳ نمره افزایش در گروه آزمایش و ۴/۷۹ نمره افزایش در گروه شاهد داشت، که معنادار بود. در سطح واکنش، نتیجه آزمون تی مستقل نشان داد بین میزان رضایتمندی از دوره بین دو گروه شاهد و آزمایش تفاوت معنی دار آماری وجود ندارد. (Pvalue= 0.751)

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نتایج این مطالعه، استفاده از نقاشی، در یادگیری عملکرد دستگاه بای پس قلبی عروقی در جراحی قلب، به دانشجویان کارورز هوشبری تاثیر مثبت دارد. همچنین حرکت در مسیر بهبود کیفیت آموزش بالینی دانشجویان هوشبری، بخصوص در بخشهای ویژه نیازمند توجه و بازنگری در شیوه های آموزش بالینی دارد.

کلمات کلیدی: دستگاه بای پس قلبی عروقی، آموزش بالینی، دانشجویان هوشبری، الگوی

بررسی میزان رضایتمندی از اجرای فرایند ارزشیابی همتا به صورت تکوینی در ارتقا مهارت های بالینی پایه بیهوشی دانشجویان هوشبری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی مشهد

زهرة رضایی نژاد^۱، آرزو فرج پور^۱

۱. دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: زهرة رضایی نژاد

مقدمه:

ارزشیابی شایستگی و کارآیی بالینی دانشجویان که طی دو دهه اخیر بسیار به آن پرداخته شده است، یکی از پیچیده ترین وظایف اعضای هیأت علمی و آموزش دهندگان برنامه های بهداشتی است. هدف این مطالعه بررسی رضایتمندی از ارزشیابی همتا به صورت تکوینی بر یادگیری مهارت های بالینی پایه رشته هوشبری است.

مواد و روش ها:

این مطالعه در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه آزاد مشهد انجام شد. به ۴۰ نفر (۲۰ نفر ترم مهرماه -۲۰ نفر ترم بهمن ماه) از دانشجویان هوشبری ۳ مهارت اصلی بیهوشی که شامل اینتوباسیون -ماسک گیری - اکستو به آموزش داده شد و از دانشجویان خواسته شد آنچه را که فرا گرفته اند به اشتراک بگذارند. در ارزشیابی تکوینی دانشجویان به طور تصادفی به گروه های دو نفره تقسیم شدند. نحوه ارزیابی به این صورت بوده که به طور تصادفی یکی از دانشجویان پروسیجرهای مطرح شده را در حضور دانشجوی دوم و استاد انجام داده و دانشجوی دوم باید مراحل انجام مهارت را به طور دقیق مشاهده نموده و موارد خطا و نقاط قوت از من دیدننده را تشخیص دهد و پس از آزمون به وی بازخورد داده و در برگه جدا یادداشت نموده و تحویل استاد دهد، به طور همزمان نیز استاد دانشجو را مشاهده و بر اساس چک لیست نمره می دهد. ۷۰ درصد نمره بابت اجرای صحیح پروسیجر توسط استاد و ۳۰ درصد باقی مانده بر اساس یادداشت های مشاهده و ارزیابی همتا محاسبه می شد. دانشجوی دوم به همین شیوه علاوه بر استاد توسط دانشجوی دیگر مشاهده و ارزیابی می شد. سپس پرسشنامه محقق ساخته که امنیت دهی لیکرت داشت توسط دانشجویان تکمیل شد و نتایج بررسی شد.

نتایج:

نتایج پرسشنامه رضایت سنجی نشان داد ۱۰۰ درصد دانشجویان موافق بودند که تجربه یادگیری مفیدی بود. ۹۹ درصد دانشجویان موافق اند که این شیوه باعث می شود به جزییات در انجام مهارت های مورد ارزیابی دقت بیشتری بکنند. ۹۶ درصد دانشجویان موافق بودند نظرات همتایان برای پیشرفتشان مفید

است. ۸۶ درصد موافق اند که این روش ارزیابی باعث می شود با دیدن خطاهای دوستان روش خود را اصلاح کنند. ۷۸ درصد نیز موافق اند که این روش ارزیابی باعث یادگیری عمیق تر می شود.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به اهمیت ارزشیابی و نتایج این مطالعه و رضایتمندی دانشجویان پیشنهاد می شود از این شیوه ارزشیابی در سایر رشته های علوم پزشکی و بالین استفاده شود و این مسئله باعث می شود و در شیوه های فعال ارزشیابی دانشجویان رضایتمندی بیشتر دارند و منجر به ارتقا یادگیری هم می شود.

کلمات کلیدی: رضایتمندی، ارزیابی همتا، دانشجویان هوشبری



طراحی، اجرا و ارزشیابی لاگ‌بوک کارورزی ۱ و ۲ دانشجویان دکترای تخصصی طب ایرانی

مرضیه قرائتی^۱، پریسا جعفری^۲، آسیه جوکار^۳، روشنک مکبری^۴، زهرا جعفری^۵، مهسا رستمی چایجان^۵

۱. دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران
۳. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۴. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۵. دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

نویسنده مسئول: مرضیه قرائتی

مقدمه:

گسترش آموزش طب‌های سنتی در مقاطع تحصیلی دکترای قسمتی از استراتژی سازمان جهانی بهداشت در راستای مستند ساختن و ادغام مباحث طب‌های سنتی در سیستم‌های بهداشتی است. در این راستا رشته طب ایرانی در مقطع دکترای تخصصی با پذیرش فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی از سال ۱۳۸۶ تاسیس گردید. در حال حاضر در بیش از ۲۰ دانشگاه علوم پزشکی کشور پذیرش دانشجویان در این رشته صورت می‌گیرد. طبق کوریکولوم این رشته، دانشجویان ملزم به گذراندن واحدهای کارورزی ۱ و ۲ در قالب چهار واحد عملی در ترم‌های ۳ و ۴ هستند. با توجه به اهمیت لاگ‌بوک در آموزش دروس بالینی رشته‌های پزشکی هدف این مطالعه تدوین لاگ‌بوک کارورزی ۱ و ۲ و تهیه پرسشنامه استاندارد جهت ارزشیابی اجرای لاگ‌بوک برای اولین بار بود.

مواد و روش‌ها:

الف) تدوین لاگ‌بوک: در طی جلسات متخصصان در کمیته آموزش دفتر طب ایرانی با حضور نمایندگان گروه‌ها و دانشکده‌های طب ایرانی طی ۱۰ جلسه مجازی با حضور ۱۴-۱۰ نفر از متخصصان در مورد آیتم‌های لاگ‌بوک کارورزی ۱ و ۲ بحث و تبادل نظر صورت گرفت. ب) تهیه پرسشنامه استاندارد جهت ارزیابی اجرای لاگ‌بوک: بعد از تدوین لاگ‌بوک، ابتدا با بارش افکار گویه‌های متعدد در سه حیطه ضرورت، محتوای لاگ‌بوک و پیامد اجرا برای پرسشنامه طراحی شد. پس از بررسی، گویه‌های تکراری حذف و پرسشنامه با ۴۷ گویه وارد مرحله روایی صوری شد و مصاحبه چهره به چهره (آنلاین- حضوری) با ۷ نفر از دانشجویان انجام شد. گویه‌های باقی مانده از نظر روایی محتوا شامل اندازه‌گیری CVI و CVR بررسی گردید و گویه‌های فاقد نمره حد نصاب، حذف شدند. در مرحله روایی سازه و پایایی، جهت آنالیز داده‌ها با روش تحلیل عاملی به روش PLS (partial least squares) پرسشنامه با ۳۱ گویه برای دانشجویان طب ایرانی که کارورزی را گذرانده بودند ارسال شد. ۶۱ نفر پرسشنامه را تکمیل نمودند. بعد از آنالیز داده‌ها، ۴ سوال که فاقد حد نصاب نمره بودند حذف شدند. ج) اجرای لاگ‌بوک: لاگ‌بوک کارورزی ۱ و ۲

(نیمسال‌های اول و دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰) در ۳ دانشگاه و لاگ‌بوک کارورزی ۱ برای دومین دوره (نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰) در ۱۶ دانشگاه اجرا گردید.

نتایج:

الف) تدوین لاگ‌بوک: آیت‌های لاگ‌بوک کارورزی ۱ و ۲ شامل اهداف تدوین لاگ‌بوک؛ مهارت‌های بالینی ضروری رشته طب ایرانی شامل گرفتن شرح حال کامل و طراحی برنامه درمانی، انجام اعمال یدوای مانند فصد، حجامت، زالو، بادکش، ماساژ، حقنه و....؛ حداقل تعداد مهارت‌های مورد قبول و نمره اختصاص یافته به هر مهارت برای اولین بار تدوین گردید. ب) تهیه پرسشنامه: پرسشنامه استاندارد با ۲۷ گویه در سه حیطة ضرورت (سوالات ۱-۷)، محتوای لاگ‌بوک (سوالات ۸-۱۵) و پیامدهای اجرای لاگ‌بوک (سوالات ۱۶-۲۷) تهیه گردید. ج) ارزیابی اجرای لاگ‌بوک با استفاده از پرسشنامه استاندارد: از پنج نفر شرکت‌کننده در طرح لاگ‌بوک کارورزی ۱ (اولین دوره اجرا) میانگین سن ۴۵/۶ سال بود. ۳ نفر قبلا از لاگ‌بوک استفاده کرده بودند. در هر سه بخش پرسشنامه، امتیازی در حد " کمتر از متوسط " بدست آمد. از پنج نفر شرکت‌کننده در طرح لاگ‌بوک کارورزی ۲ (اولین دوره اجرا) میانگین سن ۴۵/۸ سال بود. در هر سه بخش پرسشنامه، امتیازی در حد " کمتر از متوسط " بدست آمد. از پنجاه نفر شرکت‌کننده در طرح لاگ‌بوک کارورزی ۱ (دومین دوره اجرا) میانگین سن ۴۵/۴۳ سال بود. در هر سه بخش پرسشنامه، امتیازی در حد "متوسط" بدست آمد.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به اینکه این طرح برای اولین بار در سطح کشور و برای رشته طب ایرانی اجرا گردید و دانشجویان و اساتید تاکنون بدین صورت مورد سوال قرار نگرفته بودند، نتایج بدست آمده قابل قبول بود. پیش‌بینی می‌گردد در آینده با انجام اصلاحات لازم در لاگ‌بوک و پرسشنامه‌ها مبتنی بر نظرات گروه هدف و همچنین تغییر شکل ارائه لاگ‌بوک‌ها به صورت الکترونیک و همچنین آموزش کافی در خصوص اهداف و پیامدهای لاگ‌بوک، نتایج بهتری بدست آید. این پروژه با حمایت مالی مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی، تهران، ایران با شماره طرح ۴۰۰۰۴۰۴ انجام شده است.

کلمات کلیدی: لاگ‌بوک، آموزش بالینی، طب ایرانی

ارزیابی پروفشنالیسم و مهارت‌های ارتباطی دستیاران تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد

اسماعیل رنجبر^۱، مهناز برومند رضازاده^۱، محمد شامل رستمی^۱، مجید خادم رضائیان^۱، محمد محمدی^۱، سید رضا موسوی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: مهناز برومند رضازاده

مقدمه:

پروفشنالیسم پایه اعتمادی است که رابطه پزشک بیمار بر آن بنا می شود. آموزش پروفشنالیسم بخش ضروری برنامه آموزشی دستیاران بالینی است. این مطالعه به منظور سنجش پروفشنالیسم و اخلاق حرفه ای در بین دستیاران در دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شده است.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه در بین سال های ۱۳۹۹-۱۴۰۰ در بخش های تخصصی دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شده است. این مطالعه با استفاده از مدلی ترجمه شده و بومی سازی شده پرسشنامه patient ABIM questionnaire survey assessment که اعتبار و پایایی آن بررسی و تایید شده است انجام شد. سوالاتی در مورد رعایت برخی اصول مهم پروفشنالیسم توسط دستیاران تخصصی با همکاری روان شناس همکار طرح بدون ذکر نام فرد تکمیل شد. پس از تکمیل مرحله پرکردن پرسشنامه ها، تحلیل آماری انجام و نتایج مطالعه با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

نتایج:

در این پژوهش، ۱۰۸ دانشجوی رشته های تخصصی پزشکی مورد مطالعه قرار گرفتند. ۶۷ نفر (۶۲٪) افراد مورد مطالعه زن بودند. بررسی نمرات کسب شده حیطه های مختلف پرسشنامه در شرکت کنندگان میپردازد. نمرات کسب شده شرکت کنندگان در حیطه تعالی 5.95 ± 1.54 ، در حیطه شرافت 7.68 ± 1.75 و در حیطه احترام 6.96 ± 1.67 بود. شایان ذکر است میانگین نمره کل پرسشنامه در تمامی افراد مورد مطالعه 6.88 ± 1.40 گزارش شده است. همچنین بین نمرات کسب شده حیطه های تعالی، احترام، شرافت و همچنین نمره کل پرسشنامه از نظر جنس، وضعیت تاهل، آشنایی با مفهوم تعهد حرفه ای، گذراندن واحد فوق برنامه اخلاق پزشکی، مطالعه شخصی در زمینه اخلاق پزشکی و سال تحصیلی دستیاران تفاوت معنی داری مشاهده نمی شود.

بحث و نتیجه گیری:

یافته های این مطالعه نشان می دهد که اختصاص واحدهای اخلاق پزشکی و همچنین پروفشنالیسم در دوران تحصیلی دستگیری ضروری به نظر می رسد. این یافته به منظور شناخت بیشتر سطح پروفشنالیسم در بین دستیاران می تواند مورد استفاده قرار گیرد..

کلمات کلیدی: پروفشنالیسم، دستیار پزشکی، احترام



دیدگاه دانشجویان درباره آزمون صلاحیت بالینی دانشگاه علوم پزشکی سمنان

زهرا صفائی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

نویسنده مسئول: زهرا صفائی

مقدمه:

لزوم یادگیری مهارت‌های عملی و ارتباطی در کنار آموزش‌های نظری در آموزش پزشکی برکسی پوشیده نیست. دانشجویان پزشکی باید مهارت‌هایی را که برای آینده حرفه‌ای خود به آن نیاز دارند مانند مهارت گرفتن شرح حال، معاینه فیزیکی، مهارت‌های ارتباطی، تشخیصی و درمان، کار تیمی و توانایی مراقبت از بیمار را بیاموزند و به‌کارگیرند. اما ضعف در این مهارت‌ها از جمله معاینه فیزیکی در دانشجویان مشکلی است که توجه جهانی را به خود جلب کرده است. برای واژه صلاحیت تعاریف متعددی در منابع وجود دارد، از جمله: قدرت کاربرد دانش ویژه، مهارت، نگرش و ارزش‌ها برای عملکرد استاندارد مورد نیاز در زمینه خاص. سنجش صلاحیت بالینی از موضوعاتی است که در منابع متعدد مورد تاکید قرار گرفته و فرآیندی پیچیده و ترکیبی از مراحل مختلف ارزیابی است که در آن توانمندی‌های دانشجویان در زمینه کاربرد ماهرانه روش و استفاده از مهارت‌های بالینی برای حل مشکلات بیماران از طریق طراحی و اجرای برنامه‌های درمانی و مراقبتی وی اندازه‌گیری می‌شود. چند سالی است همراه با دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور آزمون صلاحیت بالینی برای دانشجویان پزشکی سمنان نیز برگزار می‌شود. با توجه به اهمیت این آزمون در ارزیابی یادگیری دانشجویان پزشکی مقاطع بالینی و لزوم ارتقاء کیفیت آن، این مطالعه با هدف بررسی رضایتمندی شرکت‌کنندگان این آزمون انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه توصیفی مقطعی در آزمون‌های صلاحیت بالینی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان در سال ۱۴۰۰ انجام شد. جامعه مورد مطالعه دانشجویان شرکت‌کننده در این آزمون‌ها بود. نمونه‌گیری بر اساس معیار ورود، با توجه به تعداد و در دسترس بودن همه نمونه‌ها، بصورت روش سرشماری طراحی گردید. ابزار پژوهش پرسشنامه ارسالی از وزارت متبوع با ۱۲ سؤال با مقیاس لیکرت ۵ تایی و ۲ سوال درباره "تجربه کلی از برگزاری آزمون در این دانشگاه" و "توصیه به شرکت در آزمون صلاحیت بالینی در مرکز مهارت‌های بالینی این دانشگاه به دیگر دانشجویان" بود. پس از پایان هر آزمون پرسشنامه در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌گرفت. کلیه پرسشنامه‌ها بدون نام جمع‌آوری و مطابق با اهداف مطالعه از آزمونهای آماری توصیفی استفاده شد.

نتایج:

از ۱۱۷ فرم توزیع شده، براساس ۱۰۲ فرم تکمیل شده، ۲ نفر دانشجوی سایر دانشگاهها بودند. میانگین سنی ۲۵/۸ سال و ۶۵٪ ایشان زن بودند، بیش از ۸۰٪ دانشجویان از اطلاع رسانی درباره آزمون، تسلط و دقت و رفتار کارکنان، مهیا بودن شرایط برای اجرای برنامه طبق زمان بندی، کیفیت و کمیت مجموعه امکانات و کیفیت و محل تابلو های و برگه های راهنما رضایتی در حد عالی و خوب داشتند. در " روشن بودن راهنمای ایستگاهها، بیمار استاندارد، کیفیت سیستم صوتی و تصویری و مولاژها" رتبه ضعیف یا خیلی ضعیف انتخاب شده بود (بین ۴ تا ۱۴٪). برای ۵۳/۲٪ شرکت کنندگان، این آزمون تجربه خوبی را رقم زده بود و ۲۸/۷٪ هم آنرا ناخوشایند توصیف کردند، حدود ۱۸/۱٪ به سوال "شرکت در آزمون صلاحیت بالینی در مرکز مهارت های بالینی این دانشگاه را به دیگر دانشجویان توصیه می کنید؟" پاسخ خیر داده بودند (در مقابل حدود ۷۰٪ پاسخ مثبت)، مابقی دانشجویان به این سؤال پاسخ نداده یا گزینه نظری ندارم را انتخاب کرده بودند.

بحث و نتیجه گیری:

در مطالعه کیفی درباره دیدگاه دانشجویان از این آزمون در اصفهان، نامناسب بودن بعضی مولاژها، ضعف در بیمارنماها و برگزاری خوب آزمون گزارش شده است که با نتایج مطالعه ما شباهت دارد. از آنجا که تضمین کسب صلاحیت بالینی برای ورود به عرصه خدمات و مقاطع تحصیلی بالاتر دانش آموختگان علوم پزشکی از تعهدات دانشگاههاست، ارزیابی این امر باید به طور دقیق انجام شود. این آزمونها که به روش OSCE (آزمون عینی ساختارمند بالینی) برگزار می گردد، نسبت به سایر روشها (مانند آزمونهای سنتی) فرایند پیچیده تری دارد، بنابراین باید برای برگزاری آن برنامه ریزی داشت تا به هزینه- اثربخشی مناسب دست یافت. همچنین با توجه به اینکه نامناسب بودن بافتار و شرایط محیطی می تواند بر پاسخگویی شرکت کنندگان تأثیرگذار باشد، باید در کاهش یا حذف موارد مختل کننده اهتمام ورزید. بررسی موارد نارضایتی و برنامه ریزی برای رفع نفاط ضعف (مانند آموزش بهتر بیمار استاندارد و ارتقاء سیستم سمعی و بصری و مولاژها) ضروری به نظر می رسد. پیشنهاد می گردد در مطالعات بعدی مصاحبه هایی با دانشجویان صورت گیرد تا علت نارضایتی های موجود مشخص گردد. بررسی نظرات ذینفعان اصلی این برنامه یعنی دانشجویان شرکت کننده، می تواند راهنمایی برای مسئولان برگزاری آزمون در رفع کاستی های موجود باشد.

کلمات کلیدی: دانشجویان، آموزش مجازی، رضایتمندی

عوامل موثر بر تاثیر آموزشی ارزیابی بر یادگیری دانشجویان پزشکی: مطالعه

کیفی

آزاده کردستانی مقدم^۱، محمد جلیلی^۲، حمیدرضا خانکه^۱

۱. دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران

نویسنده مسئول: آزاده کردستانی مقدم

مقدمه:

تاثیر آموزشی ارزیابی اثری است که ارزیابی بر فراگیر و آزمون گیرنده دارد. در این راستا، مهم ترین تاثیر آموزشی ارزیابی تقویت انگیزه دانشجویان است که منجر به مطالعه موثر در راستای کوریکولوم می گردد. لذا، ارزیابی به عنوان یک انگیزه بیرونی بر میزان تلاش و یادگیری دانش آموزان تاثیر گذار است و می تواند راهنمایی کننده یادگیری های بعدی آن ها باشد. هدف از این مطالعه بررسی عوامل موثر بر تاثیر آموزشی ارزیابی بر یادگیری فراگیران می باشد.

مواد و روش ها:

در این مطالعه از روش کیفی تحلیل محتوا استفاده شده است. بدین منظور، با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند تجارب ۱۳ دانشجوی پزشکی (فازهای مختلف)، ۷ عضو هیات علمی (علوم پایه و پزشکی بالینی) و ۱ کارشناس ارزشیابی از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته و فوکوس گروپ جمع آوری گردید. جهت اطمینان از دقت و اعتبار و یافته ها، از معیارهای لینکلن و گوبا استفاده شد. ابتدا، مصاحبه های ضبط شده (مصاحبه های شخصی و بحث گروهی متمرکز) کلمه به کلمه رونویسی شد و برای تحلیل تطبیقی مستمر آماده شد. همچنین یادداشت های میدانی در کنار داده های حاصل از مصاحبه قرار گرفت. کدها و طبقات با فرآیند استقرایی از طریق کدگذاری باز، خط به خط خواندن متن و اختصاص کدهای مربوطه به آن استخراج شدند. سپس، طبقات با مقایسه مداوم پدیدار شدند. در واقع تحلیل داده ها همزمان با جمع آوری داده ها انجام شد. پس از تکمیل کدگذاری و اطمینان از صحت کدگذاری، مفاهیم شناسایی و توسعه یافتند.

نتایج:

عوامل موثر بر تاثیر آموزشی ارزیابی، در سه دسته کلی عوامل مرتبط با ارزیابی کننده، ارزیابی شونده، و فرآیند ارزیابی دسته بندی شد. ارزیابی کننده ارزیابی کننده یکی از عوامل اثر گذار نظام ارزیابی است که در این مطالعه مشخص گردید. بر اساس داده های حاصل از این مطالعه نگرش ارزیاب به ارزیابی و انگیزه وی برای ارزیابی و همچنین توانمندی وی برای انجام این کار و نیز ویژگی شخصیتی (سخت گیری یا سهل گیری) و عملکرد وی می تواند بر یادگیری منتج از ارزیابی دانشجو اثرگذار باشد. نگرش ارزیاب در

خصوص چگونگی کمک به یادگیری دانشجو از طریق ارزیابی، و ارتباط بین اهداف یادگیری و اهداف ارزیابی عامل مهمی است. همچنین فیدبک هایی که ارزیاب در خصوص ارزیابی های قبلی از موسسه و دانشجویان دریافت نموده بر فرآیند ارزیابی موثر است. آگاهی ارزیاب از هدف ارزیابی و داشتن مهارت کافی در خصوص طراحی و به کار گیری انواع روش های ارزیابی، ارزیاب را در راستای انجام یک ارزیابی قابل قبول توانمند می نماید. ارزیابی شونده ویژگی های فردی ارزیابی شونده، انگیزه وی از مطالعه و یادگیری، و درک او از آزمون بر یادگیری وی از ارزیابی موثر است. ویژگی های فردی ارزیابی شونده از جمله میزان استرسی که دانشجو قبل از آزمون تجربه می نماید، ambitious یا competitive بودن او از عواملی هستند که می توانند بر میزان و نوع مطالعه دانشجو و یادگیری او اثر گذار باشند. روش های ارزیابی منظور از عوامل مرتبط با فرآیند ارزیابی در این مطالعه، فرمت ارزیابی، محتوای مورد ارزیابی، نحوه اسکورینگ آزمون، استیک آزمون، تایم آزمون، تواتر و فرجه آزمون می باشد. اینکه دانشجو از طریق چه نوع آزمونی مورد ارزیابی قرار می گیرد حائز اهمیت است. همچنین سهمی که هر یک از آزمون ها در ارزیابی به خود اختصاص می دهند بر یادگیری دانشجو اثرگذار است. از آنجایی که موفقیت در آزمون های سرنوشت ساز از اهمیت بیشتری برای دانشجو برخوردار است، زمان بیشتری را به مطالعه اختصاص می دهند. همچنین داشتن زمان کافی جهت پاسخگویی به سوال می تواند به یادگیری حین ارزیابی دانشجو کمک نماید. داشتن فرجه کافی و کوتاه بودن فواصل بین جلسات ارزیابی نیز می تواند یادگیری دانشجو را افزایش دهد.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نقش مهم ارزیابی در فرآیند آموزشی، به نظر می رسد شناخت عوامل موثر بر تاثیر آموزشی ارزیابی بر یادگیری می تواند به ما در طراحی ارزیابی برای یادگیری بهتر کمک نموده و در واقع می توانیم از این طریق پیش بینی بهتری از چگونگی تاثیر طراحی برنامه های ارزیابی بر فرآیند آموزشی داشته باشیم. به عبارتی نتایج این مطالعه می تواند به عنوان یک راهنما جهت طراحی ارزیابی برای یادگیری بکار گرفته شود.

کلمات کلیدی: ارزیابی، تاثیر آموزشی، دانشجویان پزشکی

خود ارزیابی صلاحیت‌های بالینی دانش‌آموختگان رشته هوشبری دانشکده پیراپزشکی کاشان ۱۴۰۰-۱۴۰۱

معصومه کوچکی نصرابادی^۱، مهرداد مهدیان^۱، محمد پراور^۱، سمیه صادقی^۱، زهرا عساریان^۱، سهیلا
بداللهی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: محمد پراور

مقدمه:

دانشگاه‌های علوم پزشکی رسالت مهمی در تأمین نیروی انسانی کارآمد، شایسته و دارای مهارت دارند تا در راستای تحقق بخشی اهداف نظام سلامت و رفع نیازهای جامعه به کار گرفته شوند. همه دانشجویان موظفند در پایان دوره تحصیلی خود، صلاحیت و مهارت کافی برای اجرای مهارت‌های مختلف آموخته شده داشته باشند. به همین علت فراگیری دانشجویان در محیط آموزش بالینی یک جزء اساسی در برنامه‌های آموزشی به شمار می‌آید. صلاحیت بالینی، بکارگیری مدبرانه مهارت‌های تکنیکی و ارتباطی، دانش، استدلال بالینی، عواطف و ارزش‌ها در محیط بالینی است. از آنجا که پرورش مهارت‌های بالینی، عنصر پایه آموزش علوم پزشکی را تشکیل می‌دهد، به تبع آن ارزشیابی بالینی جهت سنجش موفقیت در آموزش‌های ارائه شده نیز بسیار حائز اهمیت می‌باشد. یکی از بهترین روش‌هایی که برای ارزیابی دانش و مهارت‌های بالینی دانشجویان استفاده می‌شود، خودارزیابی است. زیرا دانشجویان منبعی آشکار و دست اول برای گردآوری داشته‌ها و توانمندی‌های عملی خود می‌باشند و به غیر از دانشجو هیچکس دیدگاه بی‌پرده و روشنی از خودش ندارد. درک دانشجویان نسبت به عملکرد خود، می‌تواند به عنوان شاخصی جهت توانایی‌ها و یادگیری‌های آنان بوده و در تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف آموزش مفید باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی ارزیابی دانش‌آموختگان رشته کارشناسی پیوسته هوشبری دانشکده پیراپزشکی کاشان از توانایی‌های خود در انجام مهارت‌های عملی انجام شد.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه توصیفی - مقطعی ۳۴ نفر از دانش‌آموختگان کارشناسی هوشبری دانشکده پیراپزشکی کاشان که به روش سرشماری انتخاب شده بودند، شرکت داشتند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای دو بخشی شامل اطلاعات دموگرافیک و ارزیابی ۲۸ سوالی بود که بر اساس رتبه بندی لیکرت به ۵ رتبه بسیار خوب، خوب، متوسط، ضعیف و بسیار ضعیف تقسیم و ارقام ۱-۵ برای آن منظور شده بود. روایی این پرسشنامه از طریق روایی صوری و محتوا به کمک ۸ تن از اساتید و پایایی این ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۹۵ تعیین گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS16 و آمار توصیفی استفاده شد.

یافته‌ها:

در این مطالعه ۸ مرد (۲۳/۵%) و ۲۶ زن (۷۶/۵%) حضور داشتند که میانگین سنی آنها 21 ± 26 سال بود. میانگین کلی نمرات 83.04 ± 135.18 از ۱۴۰ بود که در سطح بسیار خوب گزارش شد. بیشترین میانگین مهارت از نظر دانشجویان به گویه‌های آماده نمودن داروها و تجهیزات مناسب قبل بیهوشی (۴/۵۹)، پیشگیری از بروز آسیب در پوزیشن‌های مختلف و اقدامات لازم جهت حفظ ایمنی بیمار (۴/۵۳)، ساکشن راه هوایی بیمار با رعایت اصول استاندارد (۴/۴۷) و مانیتورینگ بیمار قبل از بیهوشی با توجه به نوع جراحی و بیهوشی (۴/۴۷) اختصاص داشت.

بحث و نتیجه گیری:

دانشجویان هوشبری کسب مهارت‌های بالینی را در اکثر موارد خوب و عالی گزارش کردند. استفاده از این روش ارزشیابی می‌تواند به اساتید و دانشجویان در بازنگری محتوی آموزشی و تلاش بیشتر آنان در یادگیری موثر باشد. انجام مطالعات مشابه با تعداد بیشتری دانشجویان و در سایر گروه‌ها و رشته‌های علوم پزشکی امکان مقایسه بیشتر را فراهم می‌سازد.

کلمات کلیدی: خود ارزیابی، صلاحیت بالینی، هوشبری

بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان دانشکده های علوم پزشکی شهرستان قاین از آموزش مجازی و عوامل موثر بر آن

محمد علی نژاد مقدم^۱، علی دشتگرد^۱، مریم احمدی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

نویسنده مسئول: علی دشتگرد

مقدمه:

آموزش مجازی در واقع استفاده و بهره گیری از سیستم ها و وسایل الکترونیکی مانند اینترنت، کامپیوتر، نشریه های الکترونیکی و نظایر این ها می باشد که با هدف ارائه یادگیری بهتر و آسانتر، صرفه جویی در وقت و هزینه مورد استفاده قرار می گیرند. اگرچه مطالعات متعددی مزایای آموزش مجازی را نشان داده اند اما توسعه آموزش مجازی نیز بدون توجه به نگرش کاربران و عدم وجود زیرساخت های آموزشی به این روش موفقیت آمیز نخواهد بود. زیرا موفقیت در آموزش مجازی مانند هر نظام اطلاعاتی دیگری تا حد زیادی به رضایت دانشجویان و تمایل آنان به استفاده از آن بستگی دارد. با توجه به نقش محوری دانشجو در سیستم آموزش مجازی، کسب رضایت آنان به عنوان مشتریان نهایی، یکی از اولویت های اولیه مدیران و طراحان این روش و از جمله مهم ترین عوامل موفقیت آن بشمار می رود. با توجه به اهمیت مساله و پژوهش های کم انجام شده در این زمینه و رفتن و تمایل دانشگاه ها به آموزش مجازی در زمان حاضر، از این رو مطالعه حاضر باهدف تعیین میزان رضایتمندی دانشجویان از آموزش مجازی و عوامل موثر بر آن انجام شد. اهداف پژوهش شامل تعیین میزان رضایت مندی تحصیلی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی قاین از آموزش مجازی، تعیین مشکلات آموزش مجازی از دیدگاه دانشجویان، تعیین رابطه مشخصات دموگرافیک (سن، جنس، ترم تحصیلی، رشته تحصیلی، معدل، شرایط اقتصادی) با رضایت- مندی تحصیلی دانشجویان از آموزش مجازی بود.

مواد و روش ها:

جامعه این پژوهش دانشکده علوم پزشکی قاین در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود. نمونه ها به روش در دسترس وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها سیاهه محقق ساخته مشتمل بر ۳۸ سؤال در خصوص میزان رضایت آنان از آموزش به شیوه مجازی بود که به شیوه لیکرت (خیلی زیاد=۴، زیاد=۳، متوسط=۲، کم=۱) نمره گذاری شده بودند، به طوری که هر چه نمره فردی بالاتر بود میزان رضایت مندی نیز افزایش پیدا میکرد.

نتایج:

اطلاعات با استفاده از شاخص های آماری فراوانی و درصد و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. یافته ها نشان داد که میانگین و انحراف معیار رضایت مندی تحصیلی از آموزش مجازی

۷۶/۴۱±۲۲/۸۹ (حداقل: ۳۸ و حداکثر: ۱۵۲ نمره) بود بر این اساس اکثر (۴۰/۲۰ درصد) دانشجویان رضایتمندی متوسط و فقط ۵/۷۴ درصدشان رضایتمندی خیلی زیادی از آموزش مجازی داشتند. میانگین رضایتمندی زنان بالاتر از مردان بود هر چند که از لحاظ آماری تفاوت معناداری مشاهده نشد ($p=0.4$). همچنین نتایج آزمون آنالیز واریانس نشان داد در مقاطع تحصیلی مختلف میزان رضایت تحصیلی دانشجویان از آموزش مجازی متفاوت می باشد. ($p=0.007$) علاوه بر این بیشتر دانشجویان عدم برگزاری جلسات حضوری برای رفع مشکلات درسی، لذت بخش نبودن استفاده از آموزش مجازی، عدم نیاز سنجی آموزشی قبل از شروع کلاس، عدم امکان استفاده از ویدیو کنفرانس، عدم امکان مشارکت در وبینارها، عدم انگیزه در دانشجویان، مشکل سرعت اینترنت و پهنای باند را بعنوان مشکلات اصلی آموزش مجازی ذکر کرده بودند.

نتیجه گیری:

بنابراین نتایج می توان گفت که دانشجویان از آموزش مجازی رضایتی در سطح متوسط داشتند که براساس نظر دانشجویان بیشتر به دلیل نبودن بستر و زیر ساخت مناسب در جهت تشکیل کلاسهای مجازی این عدم رضایت ایجاد شده است که معمولا دانشکده های اقماری از لحاظ امکانات و تجهیزات نسبت به دانشگاه مادر ضعیفتر می باشند که رفع این مشکلات نیازمند نگاه ویژه مسئولین و مدیران آموزشی می باشد.

کلمات کلیدی: دانشجویان، آموزش مجازی، رضایتمندی



دیدگاه دانشجویان در خصوص روند ارزشیابی استاد در دانشگاه علوم پزشکی اهواز

حمزه جعفرزاده^۱، مهدی بیژن زاده^۱، عبدالحسین شکورنیا^۱، سمیه بی پروا حقیقی^۲، احمد فخری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران، اهواز، ایران

نویسنده مسئول: مهدی بیژن زاده

مقدمه:

ارزشیابی فرآیندی ضروری برای تمامی سازمان ها و مؤسسات آموزش عالی است و ارزشیابی استاد توسط دانشجویان در اکثر دانشگاههای معتبر جهان، با اهمیت ترین منبع ملموس برای ارزشیابی است. این مطالعه با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز در خصوص روند ارزشیابی اساتید انجام شده است.

مواد و روش ها:

در این مطالعه توصیفی تحلیلی نظرات ۲۵۰ نفر از دانشجویان رشته پزشکی شاغل به تحصیل در سال ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفت. جهت گردآوری داده ها از پرسش نامه محقق ساخته ای این پرسشنامه مشتمل بر چهار قسمت بود؛ قسمت اول دربرگیرنده مشخصات فردی، قسمت دوم شامل ۱۷ سوال با مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم تنظیم شده بود که به ترتیب از ۵ تا ۱ نمره دهی می شد. قسمت سوم شامل ۳ سوال چند گزینه ای و قسمت چهارم یک سوال آزاد باز برای نوشتن نظرات دانشجویان بود. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات ۵ نفر از متخصصین آموزش پزشکی مورد بررسی قرار گرفت و پایایی پرسشنامه نیز با محاسبه ضریب آلفای کرانباخ (۰/۹۱) تایید شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS22 تحلیل شد. در ابتدا نرمالیتی داده های کمی با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شد. از روش های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار و توزیع فراوانی جهت توصیف داده ها استفاده شد. برای مقایسه بین متغیرهای کمی از آزمون t مستقل و برای دسته بندی سوالات پرسشنامه از تحلیل عاملی استفاده شد. سطح معناداری آزمون ها کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. جهت دسته بندی سوالات پرسشنامه و تعیین عوامل از روش تحلیل عاملی (Factor Analysis) استفاده شد. برای این کار لازم بود ابتدا معیارهای تحلیل عاملی در مطالعه رعایت شده باشد و سپس بر اساس نتایج تحلیل عاملی سوالات در عوامل مختلف دسته بندی شوند. در مورد تعداد نمونه برای تحلیل عاملی در صورتی که KMO بیشتر از ۰/۵ باشد، کفایت تعداد نمونه تایید شده و اگر آزمون بارتلت معنی دار شود، نشانه وجود همبستگی بین متغیرهاست و امکان تحلیل عاملی وجود دارد. در این مطالعه KMO

برابر ۰/۸۰۹ و آزمون بارتلت معنی دار ($p= ۰/۰۰۰۱$) شد. برای تحلیل عاملی از چرخش واریماکس استفاده شد.

نتایج:

میانگین کلی نظرات دانشجویان نسبت به روند ارزشیابی استاد ۲/۷۴ از ۵ بود. دانشجویان مورد بررسی با میانگین نمره ۲/۸۱ عدم رضایت خود را نسبت به "روندکنونی ارزشیابی استاد و موثر بودن آن در دانشکده" ابراز داشته و با دادن نمره ۲/۸۲ "دقت و صداقت دانشجویان و قابل اعتماد بودن نتایج و پیامدهای ارزشیابی استاد در دانشکده" را مورد تردید قرار می دهند. دانشجویان با دادن بالاترین نمره (میانگین ۳/۷۹) خواهان کاهش تعداد سوالات و اصلاح پرسشنامه ارزشیابی استاد بودند. مقایسه نظرات دانشجویان دختر و پسر نشان داد که تفاوت معنی داری بین نظرات دانشجویان دختر و پسر وجود ندارد ($p= 0/71$).

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان داد که دانشجویان از روند کنونی ارزشیابی استاد رضایت ندارند و نتایج حاصل از آن را قابل اعتماد نمی دانند. ایشان بر این باورند که نتایج حاصل از ارزشیابی های دانشجویی تاثیر چندانی در بهبود شرایط و وضعیت آموزشی دانشجویان نداشته و نیازمند اصلاح است.

کلمات کلیدی: ارزشیابی استاد، دانشجویان پزشکی، آموزش پزشکی



تبیین انتظارات دست اندرکاران نظام سلامت از دانش آموخته کارشناسی بهداشت عمومی و انطباق آن با برنامه درسی رشته بهداشت عمومی

مینا سادات هاشمی پرست^۱، مریم رحیم زاده^۲، حیدر ندریان^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: مینا سادات هاشمی پرست

مقدمه:

کارشناسان بهداشت عمومی در نظام سلامت کشور نقش‌های متنوعی را ایفا می‌کنند، لذا دانش آموختگان این رشته باید توانمندی‌های لازم جهت ایفای نقش به صورت چند تخصصی را کسب نمایند. با توجه به تغییر نقش‌ها و وظایف کارشناسان بهداشت عمومی پس از اجرای طرح تحول نظام سلامت و گذشت ۹ سال از تصویب برنامه آموزشی این رشته، مطالعه حاضر به تبیین انتظارات کنونی دست اندرکاران نظام سلامت از دانش آموخته کارشناسی بهداشت عمومی و انطباق آن با برنامه درسی رشته بهداشت عمومی پرداخته است.

مواد و روش‌ها:

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی است. مشارکت‌کنندگان، ۳۳ نفر از دست اندرکاران نظام سلامت بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن حداکثر تنوع در ویژگی‌های دموگرافیک دعوت به شرکت در مطالعه شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انفرادی تا زمان رسیدن به اشباع نظری گردآوری و به طور همزمان تحلیل شد. برای مدیریت تحلیل داده‌های کیفی از نرم افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۰ استفاده شد.

یافته‌ها:

چهار درون مایه و زیرطبقات مربوط به هر یک شامل پاسخگویی به نیازهای جامعه (همسو شدن با تغییرات و نیازهای جامعه، لزوم انطباق برنامه درسی با نیازهای جامعه، افزایش سواد سلامت و توانمندسازی جامعه)، توانمندسازی در راستای ارائه خدمات جامعه‌نگر (توانمندی در راستای عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، کسب مهارت‌های ارتباطی، تقویت مهارت‌های کار در عرصه)، تقویت و توسعه مهارت‌های پایه (کسب مهارت‌های کارآفرینی، مهارت تولید و ارزشیابی محتوای آموزشی، توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی) و تقویت اخلاق حرفه‌ای (رعایت حقوق مراجعین، لزوم پایبندی به تعهدات حرفه‌ای) به عنوان انتظارات دست اندرکاران نظام سلامت از دانش آموخته کارشناسی بهداشت عمومی استخراج گردید. همچنین بر اساس انتظارات مطرح شده از دیدگاه دست اندرکاران نظام سلامت،

سرفصل‌ها و واحدهای برنامه درسی رشته کارشناسی بهداشت عمومی دارای کمبودهایی است که بازبینی و اصلاح برنامه درسی این رشته را ضروری می‌نماید.

بحث و نتیجه گیری:

پاسخگو بودن به نیاز جامعه، مهارت آموزی جهت ارائه خدمات مبتنی بر جامعه و پایبندی به اخلاق از مهمترین انتظارات دست اندرکاران نظام سلامت از دانش آموخته کارشناسی بهداشت عمومی بود. با توجه به کمبودهای موجود در سرفصل‌ها و واحدهای برنامه درسی رشته کارشناسی بهداشت عمومی در ارتباط با انتظارات به دست آمده از دیدگاه دست اندرکاران نظام سلامت؛ و به منظور پاسخگویی به چالش‌های جدید سلامتی و همچنین حفظ جایگاه رشته بهداشت عمومی، بازبینی و اصلاح برنامه درسی این کارشناسان ضروری به نظر می‌رسد. سیاستگذاران رشته و اعضای هیئت‌ت‌بورد رشته بهداشت عمومی در ایران می‌توانند مبنای بازبینی کوریکولوم رشته را بر یافته‌های مطالعه حاضر متمرکز نمایند تا شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان و نقش آنها در ارتقای سلامت جامعه بیش از پیش نمایان شود.

کلمات کلیدی: برنامه درسی، بهداشت عمومی



بررسی برنامه درسی فیزیولوژی دوره علوم پایه از حیث تطابق با نیازهای آموزشی دوره بالینی رشته پزشکی عمومی

زمرد عطایی^۱، خدیجه فرخ فال^۲

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

نویسنده مسئول: خدیجه فرخ فال

مقدمه:

فرایند ارزشیابی برنامه درسی شامل تشخیص نکات قوت و ضعف آن می باشد. یکی از نتایج ارزشیابی این است که می توان به کمک آن تعیین نمود که برنامه های درسی از چه جهاتی موثر بوده و از چه جهاتی به اصلاح، تغییر یا تکمیل نیاز دارند. امروزه با پیشرفت علم و برداشته شدن مرزها از علوم مختلف مانند بیوشیمی، فیزیولوژی و ... یکی از مهمترین و اساسی ترین اهداف آموزشی استفاده از اطلاعات علوم نام برده در زمینه اشتغال می باشد. نقش حجم زیاد واحد درس فیزیولوژی و نحوه ارائه در اخذ نمرات پایین درس فیزیولوژی در آزمون علوم پایه پزشکی با اهمیت است، با توجه به اهمیت این درس پایه و از طرفی حجم زیاد واحد درسی ایجاب می کند که مطالب درسی مورد بازبینی قرار گرفته و کاربردی ترین سرفصل ها با تاکید ویژه ای تدریس شده و از آموزش مطالب کم کاربرد اجتناب شود. لذا این پژوهش با هدف دستیابی به انطباق مباحث فیزیولوژی بر اساس نیاز طراحی شده است.

مواد و روش ها:

این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی است که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد. جامعه پژوهش، کلیه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در این سال می باشد. بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه ۱۰۶ برآورد گردید. جمع آوری اطلاعات با پرسشنامه محقق ساخته صورت گرفت. این پرسشنامه مشتمل بر دو بخش اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم سوالات در ارتباط با سرفصل های مباحث فیزیولوژی ارائه شده در واحدهای درسی فیزیولوژی رشته پزشکی بر اساس برنامه درسی پزشکی عمومی مصوب شصت و هفتمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۰۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می باشد که شیوه نمره گذاری به شیوه مقیاس لیکرت ۵ گزینه ای بود. روایی آن با $CVR = 0/99$ و $CVI = 0/84$ مورد تأیید صاحب نظران آموزش پزشکی قرار گرفت و پایایی پرسشنامه با استفاده از شیوه الفای کرونباخ $\alpha = 0/89$ محاسبه گردید. داده ها وارد بسته نرم افزاری SPSS25 گردید و در تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی (شاخص های مرکزی و پراکندگی) و استنباطی (آزمون های t تک نمونه ای و مستقل) استفاده شد.

نتایج:

نتایج این مطالعه نشان داد که تعداد ۱۰۶ دانشجوی دوره بالینی (کارآموز و کارورز) پرسشنامه را تکمیل نمودند. که ۴۵/۳٪ (۴۸ نفر) معدل ۱۷ و بیشتر و ۵۴/۷٪ (۵۸ نفر) معدل کمتر از ۱۷ داشتند. ۴۱/۵٪ (۴۴ نفر) زن و ۵۸/۵٪ (۶۲ نفر) را مردان تشکیل دادند. به نظر دانشجویان شرکت کننده در مطالعه همه مباحث برنامه درسی فیزیولوژی در آموزش مفاهیم بالینی و بیماری ها کاربرد دارد (۳/۸۹±۰/۸۱) و در مقایسه با میانگین فرضی ۳ (حد متوسط) افزایش معنی داری دارد. (0001/0>p) میانگین نمره کاربرد مباحث فیزیولوژی بین دانشجویان دختر (۳/۷۵±۰/۷۸) و پسر (۳/۹۹±۰/۸۳) تفاوت آماری معنی داری نشان نداد. بر اساس معدل تحصیلی، به نظر دانشجویان با معدل ۱۷ و بالاتر (۴/۱۴±۰/۶۶) در مقایسه با دانشجویان با معدل کمتر از ۱۷ (۳/۶۸±۰/۷۸) کاربرد مباحث فیزیولوژی در یادگیری دروس تخصصی بالینی زیاد است به طوری که با میانگین نظری ۳ (حد متوسط) افزایش معنی داری از نظر آماری نشان داد. (0034/0=p) ولی از نظر دانشجویان با معدل کمتر از ۱۷ برنامه درسی فیزیولوژی کیفیت متوسط داشته و افزایش معنی داری با میانگین فرضی ۳ نشان نمی دهد مقایسه میانگین امتیاز برنامه درسی فیزیولوژی بر اساس معدل نشان داد که در دانشجویان با معدل تحصیلی کمتر از ۱۷ کاهش معنی داری در مقایسه با دانشجویان دارای معدل ۱۷ و بالاتر دارد. (0073/0=p) به تفکیک گویه های مورد ارزیابی، به نظر دانشجویان توضیح مکانیسم مولکولی در مباحث مختلف فیزیولوژی اهمیتی در یادگیری دروس بالینی (۳/۱±۱۳/۲) و یا شغل پزشکی (۲/۸۷±۱/۱۶) ندارد.

بحث و نتیجه گیری:

مطالعات در این زمینه در دانشگاه های ایران انجام شده و امتیاز پرکاربردترین درس پایه در آموزش بالینی به درس فیزیولوژی اختصاص یافته است. انجمن آمریکایی دانشکده پزشکی هر ساله از دانشجویان پزشکی راجع به این که چقدر علوم پایه آن ها را برای آموزش دروس بالینی و پاتولوژی آماده می کند سوال می کند، دانشجویان رشته پزشکی اعتقاد دارند که فیزیولوژی بالاترین ارتباط و اهمیت را دارد. نتایج این مطالعه کاربرد مباحث مختلف فیزیولوژی را در یادگیری دروس بالینی تایید می نماید، در عین حال ذکر جزئیات مکانیسم های مولکولی ضرورتی ندارد. پیشنهاد می شود با توجه به حجم بالای دروس پزشکی و اهمیت این درس در یادگیری دروس بالینی، ارائه مباحث مولکولی در اولویت محتوای آموزش قرار نگیرد.

کلمات کلیدی: برنامه درسی فیزیولوژی، پزشکی، نیاز آموزشی بالینی

دیدگاه اعضای هیات علمی پرستاری در خصوص به کارگیری مهارت های تفکر انتقادی در برنامه درسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی: یک مطالعه کیفی

مازیار رستمی^۱، لیلا مهستی جویباری^۱، جعفر جهانی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۲. دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: مازیار رستمی

مقدمه:

مهارت های تفکر انتقادی یکی از اهداف آموزش عالی و یک قابلیت مورد انتظار برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته پرستاری است که ضرورت دارد در دوران تحصیل پرورش یافته و بعد از کسب تجارب آموزشی و اشتغال به حرفه پرستاری رشد و توسعه یابد. با توجه به جایگاه این گونه از مهارت ها ضرورت مطالعات بیشتر در این زمینه احساس می شود. هدف از انجام این مطالعه، بازکاوی دیدگاه و تجربیات اعضای هیات علمی پرستاری در باره بکارگیری مهارت های تفکر انتقادی در دوره تحصیلات تکمیلی بود.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر یک تحقیق با رویکرد کیفی از نوع تحلیل محتوای هدایت شده مبتنی بر الگو است که در سال ۱۳۹۹، با استفاده از نمونه گیری هدفمند با حداکثر تنوع انجام شد. ۱۶ تن از اعضای هیات علمی پرستاری دانشگاه های علوم پزشکی گلستان و فارس در مطالعه مشارکت نمودند. معیار ورود تجربه کافی تدریس در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا بود. برای گردآوری داده ها از مصاحبه های نیمه ساختار و باز پاسخ در باره آموزش مهارت های تفکر انتقادی به دانشجویان و همچنین سوالات کاوشی استفاده شد. مصاحبه ها ضبط، دست نویس و مطابق روش "تحلیل محتوای کیفی هدایت شده" تحلیل شدند.

نتایج:

از تحلیل داده ها سه طبقه اصلی "مهارت های تفکر انتقادی"، "عوامل موثر بر تفکر انتقادی"، "موانع تفکر انتقادی" و دوازده زیرطبقه شکل گرفت.

بحث و نتیجه گیری:

تحلیل داده ها نشان داد مشارکت کنندگان سعی داشته اند تا با کم کردن تدریس تئوریک و افزایش مباحث تحلیلی، هرچه بیشتر از مهارت های تفکر انتقادی برای آموزش با کیفیت تر دانشجویان استفاده نمایند. اساتید پرستاری به تفکر انتقادی در امر آموزش بسیار توجه می کنند و معتقد هستند مهارتی بسیار کاربردی در حرفه پرستاری است. نتایج این مطالعه می تواند برای برنامه ریزی مناسب در جهت بهبود آموزش های مهارت های تفکر انتقادی به کار گرفته شود.

کلمات کلیدی: پرستاری، کوریکولوم، آموزش، تفکر، دانشجویان

بررسی مقایسه‌ای پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای در میان دانشجویان عرصه و پرسنل اتاق عمل بیمارستان‌های آموزشی درمانی منتخب دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰

زهرا نوری خانقاه^۱، الهام رمضان پور^۱، سهراب نصرتی^۱، داوود رسولی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: داوود رسولی

مقدمه:

رعایت اخلاق حرفه‌ای در قسمت‌های مختلف نظام سلامت به ویژه در اتاق عمل حایز اهمیت است؛ چرا که رعایت اخلاق حرفه‌ای در اتاق عمل سبب کاهش خطا پزشکی، پذیرش مسئولیت‌های داوطلبانه و افزایش آن، افزایش رضایتمندی حرفه‌ای و وجدان کاری کادر درمان می‌شود. از طرفی در محیط اتاق عمل ایجاد اعتماد، اساسی‌ترین عنصر در ارتباط بین کادر درمان و بیمار محسوب می‌شود، به طوری که می‌تواند بر نتیجه‌ی درمان بیماران نیز موثر باشد. از این جهت، رعایت اخلاق حرفه‌ای در پرسنل اتاق عمل و دانشجویان به عنوان عضوی از کادر درمان و شاغلین آینده ضروری به نظر می‌رسد؛ لذا این پژوهش با هدف تعیین و مقایسه اصول اخلاق حرفه‌ای در میان دانشجویان عرصه و پرسنل اتاق عمل بیمارستان‌های آموزشی درمانی منتخب دانشگاه علوم پزشکی ایران انجام پذیرفت.

مواد و روش‌ها:

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بود که به صورت مقطعی بین سال‌های ۱۴۰۱-۱۴۰۰ انجام پذیرفت، در این پژوهش ۲۰۰ نفر از پرسنل اتاق عمل شش بیمارستان منتخب دانشگاه علوم پزشکی ایران به صورت تصادفی طبقه‌ای سهمیه‌ای و ۶۰ نفر از دانشجویان اتاق عمل عرصه دانشگاه علوم پزشکی ایران به صورت غیر تصادفی و در دسترس وارد با رضایت آگاهانه وارد مطالعه شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه استاندارد و پایا و روا "رعایت اخلاق حرفه‌ای" بود، داده‌ها بعد از جمع‌آوری وارد Spss نسخه ۲۴ شدند و توسط آمار توصیفی (میان و دامنه‌ی میان چارکی) و آزمون‌های آماری کای اسکور و آزمون غیرپارامتریک من ویتنی تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج:

نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که اخلاق حرفه‌ای ۹۸٫۴٪ دانشجویان عرصه‌ی اتاق عمل و ۷۵٪ پرسنل اتاق عمل در وضعیت قوی و مناسبی دارد و آزمون من ویتنی بین نمره کلی اخلاق حرفه‌ای آنها تفاوت معنی‌داری را از لحاظ آماری نشان نداد ($p=0.09$)، هم‌چنین در ابعاد رفتار حرفه‌ای، عدالت و انصاف، برتری جویی و رقابت طلبی، احترام به دیگران و همدردی بین دانشجویان عرصه اتاق عمل و

پرسنل تفاوت معناداری مشاهده نشد. ($p>0.05$) در بعد وفاداری و مسئولیت پذیری به صورت معناداری میانگین نمرات دانشجویان بیشتر از پرسنل اتاق عمل به دست آمد ($P=0.0001$)

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای، دانشجویان اتاق عمل، پرسنل اتاق عمل



صلاحیت فرهنگی در علوم پزشکی و جنبه های مختلف آن از منظر اساتید، دانشجویان و درمانگران

سمانه سرگزی^۱، نیکو یمانی^۱، آرش نجیمی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: سمانه سرگزی

مقدمه:

یکی از جزییات مراقبت کل نگر، توجه به فرهنگ بیمار است. زمانی که تفاوت میان فرهنگ بیمار و فرهنگ پزشک وجود داشته باشد، موجب برداشت های متفاوتی از سلامتی، بیماری، مراقبت سلامت و درمان می شود. همچنین تفاوت فرهنگ، زبان و مذهب بین پرستار و بیمار، می تواند مانعی برای انجام صحیح وظایف پرستاری باشد. توجه به فرهنگ مراجعه کننده موجب ارتقای کیفیت خدمات ارائه شده به بیمار و گسترش مفهوم عدالت در سلامت می شود. هدف از مطالعه تشریح مفهوم و مولفه های صلاحیت فرهنگی، چگونگی کسب صلاحیت فرهنگی و چالش های آن در حیطه سلامت از منظر اساتید رشته های بالینی، دانشجویان و درمانگران بود.

مواد و روش ها:

این پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوا است که در سال ۱۴۰۱ در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد. در این راستا با ۱۷ نفر از اساتید، درمانگران و دانشجویان رشته های پزشکی، پرستاری، مامایی و توانبخشی از شهرهای مختلف ایران، مصاحبه های نیمه ساختارمند انجام شد و مشارکت کنندگان رضایت نامه آنلاین جهت ضبط مصاحبه را تکمیل نمودند. مصاحبه ها بصورت حضوری و آنلاین انجام و با نرم افزار MAXQDA به روش گرانهایم و لوندمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه ها تعداد ۵۲۱ کد اولیه به دست آمد که در ۶ طبقه اصلی از قبیل مولفه های صلاحیت فرهنگی، چگونگی کسب صلاحیت فرهنگی، ترسیم یک درمانگر با نگاه فرهنگی، چالش های فرهنگ و درمان، مهارت های یاری رسان در صلاحیت فرهنگی و رمز و راز ارتباط فرهنگی دسته بندی شدند. همچنین تعاریف مختلف فرهنگ و صلاحیت فرهنگی از نقطه نظر مشارکت کنندگان از شهرهای زاهدان، مشهد، اصفهان، گرگان، سنندج، تبریز، اردبیل، بجنورد، ایرانشهر، خرم آباد و شیراز تشریح شد. نکته مورد تاکید مشارکت کنندگان در اکثر مصاحبه ها این بود که مهارت ارتباط بین فرهنگی تاثیر زیادی در گرفتن شرح حال، معاینه و درمان دارد و فقدان آن موجب دشواری در تشخیص و درمان و همچنین کندی سیر درمان خواهد شد.

بحث و نتیجه گیری:

کشور ایران از قومیت های مختلفی تشکیل شده و دارای تنوع فرهنگی قابل توجهی است. با گسترش شهرنشینی و مهاجرت افراد به شهرهای بزرگ، درمانگران با چالش مهمی مواجه می شوند که نیازمند کسب آمادگی هستند. آموزش صلاحیت فرهنگی، برای شاغلین حرفه های سلامت ضروری است و می توان از طریق آموزش رسمی و غیر رسمی موجب ارتقاء این صلاحیت در ارائه دهندگان خدمات سلامت شد، هرچند متأسفانه علیرغم اهمیت این موضوع، در تربیت دانشجویان رشته های مختلف علوم پزشکی از قبیل پزشکی، پرستاری، مامایی و فیزیوتراپی توجهی به آموزش صلاحیت فرهنگی در ایران نشده است. شایان ذکر است این پژوهش جهت نیازسنجی برای طراحی برنامه آموزشی صلاحیت فرهنگی انجام گردیده است.

کلمات کلیدی: صلاحیت فرهنگی، آموزش علوم پزشکی، فرهنگ، دانشجو



تدوین، اجرا و ارزشیابی دوره کوتاه مدت توانمندسازی دانشجویان رشته فناوری اطلاعات سلامت با محوریت کدگذاری مبتنی بر یازدهمین ویرایش طبقه بندی بین المللی بیماری ها: فعالیتی بین دانشگاهی

سمیه پایدار^۱، لیلا احمدیان^۲، یوسف سادات^۳، زهرا شهابی نیا^۴، اعظم صباحی^۴

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران
۳. دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس، هرمزگان، ایران
۴. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

نویسنده مسئول: اعظم صباحی

مقدمه:

دهمین ویرایش طبقه بندی بین المللی بیماری ها (ICD-10) به عنوان مبنای اصلی کدگذاری بیماری ها، ناخوشی ها و علل مرگ بیش از ۳۰ سال می باشد که مورد استفاده قرار می گیرد. اما به دلیل پیشرفت علم پزشکی، سیستم طبقه بندی متفاوت و قدرتمندی براساس آنتالوژی رسمی، قابل پیاده سازی در زیر ساخت های فناوری اطلاعات مدرن و منعطف با تغییرات آینده و قابل استفاده با سایر سیستم های طبقه بندی و ترمینولوژی با عنوان ICD-11 توسط سازمان بهداشت جهانی (WHO) برای استفاده در همه کشورها طراحی گردید. با توجه به مسئولیت کدگذاری بیماری ها توسط فارغ التحصیلان رشته فناوری اطلاعات سلامت و نبود منبع جامع و منسجمی برای آشنایی با نحوه کدگذاری داده ها براساس ICD-11، هدف از این مطالعه تدوین، اجرا و ارزشیابی دوره کوتاه مدت توانمندسازی دانشجویان رشته فناوری اطلاعات سلامت با محوریت کدگذاری مبتنی بر ICD-11 در دانشگاه های علوم پزشکی بود.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر طی سالهای ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در چهار مرحله انجام شد. مرحله اول احساس نیاز بود که به دلیل تغییر کوریکولوم آموزشی درس کدگذاری بیماری ها و اعلام WHO جهت استفاده از ICD-11 در تمامی کشورها و عدم وجود دستورالعمل و راهنماهای منسجمی برای یادگیری نحوه کدگذاری بیماری ها و تشخیص ها براساس ICD-11، نیاز به منبع جامعی جهت کدگذاری صحیح بیماری ها و وضعیت های مرتبط با سلامت بر اساس ICD-11 احساس شد. در مرحله دوم طراحی دوره براساس نیازسنجی مرحله اول صورت گرفت و کتابی با عنوان "یازدهمین ویرایش طبقه بندی بین المللی بیماری ها" توسط محققان براساس دستورالعمل های WHO تدوین گردید. در مرحله سوم، دوره آموزشی به مدت سه ترم، مطابق سرفصل دروس کدگذاری بیماری ها، آموزش و یادگیری دانشجویان فناوری اطلاعات سلامت در دانشگاه های بیرجند، کرمان و لرستان براساس دستورالعمل و راهنماهای منسجم موجود در کتاب تألیف شده،

انجام گردید. در مرحله نهایی میزان رضایت و یادگیری دانشجویان مورد ارزشیابی قرار گرفت. میزان رضایت دانشجویان، براساس پرسشنامه محقق ساخت یافته با مقیاس اندازه گیری لیکرت اندازه گیری شد. جهت ارزشیابی میزان یادگیری دانشجویان نیز پرسشنامه ای شامل ۱۴ سوال طراحی و طی دو مرحله قبل و بعد دوره در اختیار دانشجویان فناوری اطلاعات سلامت قرار گرفت. در نهایت داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS.22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

نتایج ارزشیابی از ۸۷ دانشجو در ارتباط با میزان رضایت نشان داد که در زمینه رضایت فراگیران از آموزش کدگذاری براساس کتاب ICD-11، ۹۲% معتقد بودند که کتاب باعث افزایش دانش و مهارت آن ها در زمینه کدگذاری بیماری ها شده است. در ارتباط با میزان یادگیری دانشجویان نتایج نشان داد که میانگین پیش آزمون ۲/۱۰ و درصد یادگیری ۱۵% بود که پس از گذراندن دوره های آموزشی میانگین پس آزمون به ۱۲/۲۲ و درصد یادگیری به ۸۷/۳% افزایش یافته است. همچنین نتیجه آزمون t زوجی نشان داد که بین میانگین نمرات قبل و بعد از برگزاری آموزشی تفاوت معنی داری ($P=0.000$) وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری:

از آنجایی که ICD-11 به عنوان یک استاندارد در جهان توسط پزشکان، پرستاران، مدیران اطلاعات سلامت، متخصصان فناوری اطلاعات، سیاستگذاران و محققان جهت ثبت، طبقه بندی و گزارش بیماری ها مورد استفاده قرار می گیرد بنابراین لزوم توجه به این موضوع بسیار حائز اهمیت می باشد. فرایند حاضر اولین فرایند ساختارمندی است که در جهت بهبود عملکرد آموزشی دانشجویان رشته ی فناوری اطلاعات سلامت بصورت فعالیت بین دانشگاهی انجام گرفته است. نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان می دهد که اجرای این فرآیند موجب افزایش سطح یادگیری، دانش و مهارت فراگیران در زمینه کدگذاری بیماری ها شده است.

کلمات کلیدی: کدگذاری، ICD-11، فناوری اطلاعات سلامت

بررسی دیدگاه کارورزان دانشکده ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در نحوه انتقال اخبار ناگوار به بیماران بر اساس مدل SPIKES در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰

مأده محمدیان روشن^۱، ایده دادگران^۱، حسین خوشرنگ^۱

۱. دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نویسنده مسئول: حسین خوشرنگ

مقدمه:

در علم پزشکی خبر بد به خبری گفته میشود که برای بیمار نگرشی منفی نسبت به آینده اش ایجاد کند. پزشک علاوه بر مهارت های بالینی، به ارتباط موثر، صداقت، دلسوزی، و سخن گفتن شفاف با بیمار در جهت از بین بردن تردید هایشان نیاز دارند. بنابراین به نظر می رسد بکارگیری یک متد خاص برای انتقال خبر ناگوار امری ضروری است. علی رغم این که عدم آموزش نحوه ی انتقال اخبار ناگوار به پزشکان میتواند به عواقب منفی منجر شود، با این وجود آموزش های پزشکی از قدیم بیشتر بر روی مهارت های عملی پزشکان تاکید می ورزند و به مهارت های ارتباطی توجه چندانی ندارند. بنابراین با توجه به اهمیت نحوه انتقال خبر بد به بیماران و تاثیر مستقیم آن بر امید، روحیه و انگیزه و هم چنین تمایل آنها برای ادامه و پیگیری روند درمان، در این مطالعه به بررسی دیدگاه کارورزان دانشگاه علوم پزشکی گیلان در زمینه ی نحوه ی انتقال اخبار ناگوار به بیماران پرداختیم.

مواد و روش ها:

در این مطالعه ۱۵۳ کارورز دانشکده ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان از ۳ ورودی شرکت کردند و این مطالعه بصورت مبتنی بر کل جامعه ی پژوهش انجام گرفت. اطلاعات حاصل از این مطالعه از طریق پرسشنامه ی محقق ساخته که روایی و پایایی آن تایید شده بود جمع آوری گردید. هر یک از ۱۹ سوال موجود در ۴ حیطه ی اصلی پرسشنامه دارای طیف لیکرتی ۵ گزینه ای همیشه، غالباً، معمولاً، به ندرت، هرگز میباشد. به هر گزینه امتیازی از ۱ تا ۵ تعلق میگیرد. پس از بررسی امتیازات کسب شده توسط کارورزان و چارک بندی امتیازات در هر حیطه، مقادیر کمتر از چارک دوم به عنوان دیدگاه ضعیف، امتیازاتی که در چارک دوم و سوم قرار داشته باشند به عنوان دیدگاه متوسط و امتیازات بیشتر از چارک سوم به عنوان دیدگاه خوب تلقی شدند. سپس تعداد و درصد کارورزانی که دیدگاه خوب، ضعیف و یا متوسط داشتند بر اساس این تقسیم بندی بدست آمد. برای سنجش ارتباط آماری متغیرهای دموگرافیک جنس، رده های سنی، وضعیت تاهل و مقطع پذیرش دانشجو با نمرات کسب شده از ۴ حیطه اصلی و کل پرسشنامه از آزمون Chi_square استفاده گردید و برای سنجش ارتباط میانگین سن با نمرات کسب شده از ۴ حیطه ی اصلی و کل پرسشنامه از آزمون One way Anova استفاده شد. سطح معنی داری آماری آزمون ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج:

۴۳٫۱٪ از افراد مورد تحقیق را مردان و ۵۶٫۹٪ را زنان تشکیل دادند. میانگین سنی دانشجویان مورد تحقیق برابر $۱/۳۲ \pm ۲۶/۱۲$ سال بود بطوری که کم سن ترین فرد ۲۳ ساله و بالاترین سن نیز ۳۳ ساله بودند. تنها ۸٫۵٪ از کارورزان مورد تحقیق اعلام نمودند که دوره آموزشی در رابطه با نحوه انتقال خبر بد به بیماران دیده اند و ۶۸٪ از کارورزان مورد تحقیق اعلام نمودند که هنگام انتقال خبر بد به بیماران دچار استرس و اضطراب میشوند. بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه ۵۴٫۲٪ از کارورزان در حیطه ترجیحات فردی در انتقال اخبار ناگوار به بیماران، ۶۰٫۸٪ در حیطه مدیریت شرایط محیطی، ۵۲٫۳٪ در حیطه نحوه انتقال خبر بد و ۵۲٫۹٪ در حیطه اقدامات پس از انتقال خبر بد دیدگاه ضعیفی داشته اند

بحث و نتیجه گیری:

براساس نتایج حاصل از مطالعه ی حاضر، بسیاری از کارورزان مورد مطالعه در زمینه ی انتقال اخبار ناگوار آموزش ندیده بودند و درصد بالایی از کارورزان نیز اعلام کرده اند که هنگام انتقال اخبار ناگوار به بیمار دچار اضطراب میشدند. پس از بررسی دیدگاه کارورزان در ۴ حیطه ترجیحات فردی، فراهم کردن شرایط محیطی، انتقال خبر بد و اقدامات پس از انتقال خبر بد به بیمار، بیش از نیمی از کارورزان در تمامی حیطه ها دیدگاه ضعیف داشته اند. باتوجه به ضرورت غیر قابل اجتناب دانستن این مهارت برای پزشکان جهت کنترل بازخورد بیمار و ارتباط موثر پزشک و بیمار، جلب اعتماد بیمار به پزشک، کاهش اضطراب پزشک هنگام انتقال خبر بد به بیماران، و جلوگیری از ناامیدی و دلسردی بیماران از ادامه روند درمان و با توجه به تاثیر آموزش این مهارت به کارورزان در راستای کاهش اضطراب و افزایش اعتماد به نفس و عملکرد بهتر و ارتقاء دیدگاه آنان با توجه به نتایج حاصل از مطالعات مشابه، توصیه میشود با بازنگری کوریکولوم آموزش پزشکی عمومی آموزش هرچه بهتر و موثرتر مهارت انتقال اخبار ناگوار به بیماران و ارزیابی هرچه بهتر آن در پزشکان جهت تربیت پزشکانی کارآمد مدنظر قرار گیرد.

کلمات کلیدی: دیدگاه، کارورز، کوریکولوم، هم دردی، ارتباط پزشک

تبیین تجربیات دانشجویان تحصیلات تکمیلی از اجرای برنامه آموزشی "پژوهش تقاضا محور" براساس رویکرد یادگیری مادام‌العمر و مدل طراحی آموزشی ADDIE

عادلہ رفتی^۱، پوریا گیل^۱، سیاوش مرادی^۱، عاطفہ ززولی ذبیحی^۱، ابوالقاسم رحمانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: پوریا گیل

مقدمه:

اهمیت پایان نامه‌های آموزشی و سهم آن در پاسخگویی به نیازهای جامعه بر کسی پوشیده نیست. مطابق اسناد بالا دستی نظیر کوریکولوم‌های مصوب، برای نگارش پایان نامه هم اهداف آموزشی و هم اهداف پژوهشی در نظر گرفته شده است. با این حال بررسی متون نشان داد که عمده تمرکز پایان نامه‌ها بر فرایند پژوهش می‌باشد. حال آنکه پایان نامه به عنوان یک واحد درسی می‌تواند تجربیات آموزشی زیادی را همراه با پژوهش برای دانشجویان در پی داشته باشد و فضایی را فراهم سازد تا حین اجرای آن با تکیه بر اصول آموزش علوم پزشکی و نظریه‌های یاددهی و یادگیری بتوان بسیاری از خلاهای آموزشی را پر کرد. از سویی دیگر مطابق اسناد ملی ما، امروزه صحبت از پایان نامه‌های کاربردی و تقاضا محور در راستای حرکت به سمت دانشگاه نسل سوم می‌باشد. به نظر می‌رسد برای طراحی آموزشی در این زمینه نیاز است به دنبال عامل ارتباط دهنده و یا تقویت‌کننده این فرایند باشیم. مطابق منابع، دانشگاه نسل سوم و پایان نامه‌های تقاضا محور همراه با رویکرد یادگیری مادام‌العمر مورد تاکید بوده است. بایو نیز در مطالعه خود از یادگیری مادام‌العمر به عنوان ابزاری برای توسعه سرمایه انسانی در یک دانشگاه ثروت آفرین یاد کرد. در این راستا گروه نانوفناوری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، برنامه آموزشی برای آموزش دادن پژوهش تقاضا محور ارائه کرد. در آن از مولفه‌های رویکرد یادگیری مادام‌العمر و گام‌های مدل ADDIE، برای طراحی آموزشی استفاده شد تا با این کار فراگیر هم در زمینه پژوهش تقاضا محور توانمند شود و هم با اجرای این برنامه به تقویت و تمرین مولفه‌های یادگیری مادام‌العمر در دانشجویان کمک شود. هدف از این مطالعه بررسی اثربخشی این برنامه از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد نانوتکنولوژی بوده است.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه از روش کیفی آنالیز محتوایی مرسوم برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه‌های نیمه ساختارمند انفرادی با دانشجویان کارشناسی ارشد نانوتکنولوژی بود. در نهایت با ۱۰ مصاحبه اشباع داده حاصل شد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مرسوم تحلیل شد.

نتایج:

در مجموع ۱۹ دانشجو مطابق این برنامه آموزش دیدند که ۱۰ نفر آنها اکنون دانش آموخته باشند. بررسی نظرات مشارکت‌کنندگان نشان داد که اغلب آنها با بکار بردن کلماتی نظیر "مناسب بودن استراتژی"، "توجه به نیاز جامعه"، "ایجاد بستر شغلی" و "توجه به دانشجو" رضایت خود را از اجرای برنامه مذکور اعلام داشته‌اند. با این حال تعدادی پیشنهاداتی نظیر درگیری شدن مراکز تحقیقات و بخش صنعت در ادامه کار جهت اجرای بهتر فرایند و مفید بودن دوره داشته‌اند. لذا با تجزیه و تحلیل داده‌ها، نظرات فراگیران در ۴ طبقه (مناسب و متناسب بودن آموزش، نقش موثر و رضایت‌بخش اساتید گروه، بسترسازی برای کارآفرینی توسط دانش آموختگان و ارتقای مهارت‌های مربوط به یادگیرنده مادام‌العمر) و ۹ زیر طبقه قرار داده شد.

بحث و نتیجه‌گیری:

مطابق یافته‌های مطالعه جاری از نظر دانشجویان این دوره در عملکرد مناسب آنها جهت شغل آینده‌شان، مفید و کاربردی بوده است. آنها عمده مزایای آن را که در تفکر بیشتر و ایجاد انگیزه و پرورش خلاقیت و برقراری ارتباط با نهاد های مختلف به عنوان بازار هدف بیان کرده‌اند. با این حال فشرده بودن فعالیت‌ها، نگرانی‌های دانشجو از نو بودن عرصه و عدم شفافیت در استانداردها و قوانین برای دریافت مجوزهای قانونی و مسیر تجاری‌سازی از موارد نیازمند توجه بوده است. لذا نیاز است در صورت تداوم برنامه به این موارد توجه شود.

کلمات کلیدی: برنامه آموزشی، یادگیری مادام‌العمر، طراحی

ارزیابی کیفیت درونی برنامه درسی دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

یحیی محمدی^۱، جواد اکبری مطلق^۲، محمد رضا رئیسون^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

۲. دانشگاه فرهنگیان

نویسنده مسئول: جواد اکبری مطلق

مقدمه:

از آنجا که فلسفه و چرایی گنجاندن دروس معارف اسلامی، مأموریت اصلی دانشگاه ها، که همان انسان سازی است را راحت تر خواهد کرد و فساد در جامعه را کم خواهد کرد. اهداف اساسی این دروس شامل مواردی همچون آشنا کردن دانشجویان با اندیشه ای دینی در حوزه باورها، اخلاق، تاریخ اسلام، تاریخ معاصر، تبیین اندیشه های دینی از طریق ادبیات دانشگاهی، ارتقای معنویت و اخلاق دانشجویان، حل مشکلات عاطفی آن ها، پاسخگویی به مسائل وجودی انسان، افزایش آگاهی دانشجویان نسبت به تفکر دینی، ایجاد تغییرات مورد نظر در رفتار و عادات دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی می باشد. در صورتی که دانشگاه ها زیر سازی لازم برای آموزش و تقویت برنامه درسی معارف اسلامی انجام ندهند، ممکن است دانشجویان دچار نوعی بی هویتی معنوی و سردرگمی اخلاقی در جامعه و مراکز شغلی خودشان قرار گیرند و خسارت های جبران ناپذیری در نظام های آموزشی خواهد داشت. لذا هدف مطالعه حاضر ارزیابی کیفیت درونی برنامه درسی دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند بود.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی-تحلیلی است. جامعه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند که بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۳۰۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته ۴۸ سوالی استفاده شد. روایی پرسشنامه به تائید صاحب نظران آموزش پزشکی رسید. و پایایی پرسشنامه با استفاده از شیوه الفای کرونباخ ۸۷٪ بدست آمد. تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS 16 و از آمار توصیفی (فراوانی و درصد) و آمار استنباط t تک نمونه ای و t مستقل استفاده شد.

نتایج:

از مجموع ۳۰۰ پرسشنامه تکمیل شده، ۱۷۹ نفر از شرکت کنندگان مرد (۵۹/۷٪) و ۱۲۱ نفر زن (۴۰/۳٪) بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان در این مطالعه ۴/۹۴ ± ۲۲/۲۶ بود. نتایج ارائه شده در جدول شماره ۱ در عناصر (اهداف، محتوا، روش های تدریس، ارزشیابی و نمره کلی کیفیت درونی برنامه درسی

دروس معارف اسلامی) از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند و مقایسه میانگین وزنی به دست آمده با میانگین نظری نشان می دهد که کیفیت درونی عنصر اهداف از دیدگاه دانشجویان از متوسط به بالا برخوردار است. همچنین نتایج نشان داد که میانگین عناصر (محتوا، روش های تدریس و ارزشیابی) از میانگین نظری پائین تر است و این عناصر از کیفیت پائینی برخوردار است. (P0/05).

بحث و نتیجه گیری:

هدف برنامه درسی عمومی رشد همه جانبه دانشجویان است و این برنامه ها باید با نیازهای دانشجویان و جامعه طراحی، تدوین و اجرا شود و پاسخگوی تغییر و تحولات و نیازهای متناسب با این تحولات باشد لذا برای آگاهی از چنین امری برنامه های درسی باید به طور مداوم ارزیابی شوند و اقدام های اصلاحی برای بهبود کیفیت آن انجام شود. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می شود اهداف و محتوای ارائه شده در برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشجویان با همکاری اساتید، برنامه ریزان و مسؤولان ذیربط، مورد تجدید نظر و بازبینی قرار گیرد. همچنین اساتید از روش های نوین تدریس و خلاقانه استفاده کنند تا یادگیری معنادار و پایدار در دانشجو ایجاد گردد و همچنین روش های ارزشیابی دانشجو محوری و پژوهانه جایگزین روش های سنتی ارزشیابی شود تا افزایش کیفیت برنامه درسی و بهبود یادگیری دانشجویان را شامل شود.

کلمات کلیدی: برنامه درسی، کیفیت درونی، معارف اسلامی



نظرات اعضای هیئت علمی دانشکده های دندانپزشکی سراسر کشور در خصوص چگونگی ادغام افقی رشته دندانپزشکی با توجه به اصول هاردن

مامک عادل^۱، فریبا زاهدی فرا^۱، فاطمه سفیدی^۱، فرزانه پارسایی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

نویسنده مسئول: مامک عادل

مقدمه:

ادغام و تلفیق موضوع های درسی از مباحث مهم و نیازهای مربوط به طراحی برنامه درسی در جامعه دانشگاهی می باشد. هدف از پژوهش حاضر بررسی نظرات اعضای هیئت علمی دانشکده های دندانپزشکی سراسر کشور در خصوص چگونگی ادغام افقی رشته دندانپزشکی با توجه به اصول هاردن می باشد.

مواد و روش ها:

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است. جامعه آماری اعضای هیئت علمی در دانشکده های دندانپزشکی کشور به تعداد ۱۵۱ نفر بودند که به روش سرشماری وارد مطالعه گردیدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته مراحل ادغام با توجه به الگوی هاردن بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS26 و آزمون کای اسکوئر در سطح معناداری ۰/۰۵ استفاده گردید.

نتایج:

نتایج مطالعه بیانگر این بود که تنها ۵۰ درصد از اساتید ادغام افقی را به عنوان یک ضرورت آموزشی ارزیابی می کردند و ادغام افقی در دانشکده ها با اصول هاردن انطباق کمی داشت. همچنین نتایج نشان داد از نظر اساتید میزان کاربردی بودن ادغام افقی در دروس بیماری های سیستمیک، دندانپزشکی تشخیصی و ناهنجاری های دهان و فک به طور معناداری نسبت به سایر دروس بالاتر بود ($p > 0.05$).

بحث و نتیجه گیری:

نظر به اینکه اساتید دانشگاه ها در گروه های تخصصی آگاهی کمی از چگونگی اجرای ادغام افقی با توجه به اصول هاردن داشتند. برگزاری دوره های آموزشی در خصوص فواید ادغام افقی در دروس دانشکده های دندانپزشکی، از ضروریات می باشد.

کلمات کلیدی: ادغام افقی، دیدگاه اعضاء هیات علمی، اصول هاردن، رشته دندانپزشکی

محتوای برنامه درسی مبتنی بر پاسخ گویی اجتماعی در دوره پزشکی عمومی:

پژوهش کیفی

غلامعلی دهقانی^۱، احمد پورعباس^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: غلامعلی دهقانی

مقدمه:

برنامه درسی آموزش عالی ابزار علمی و اجتماعی نیرومندی است که ضمن ترسیم چگونگی و حدود انتقال دانش و مهارت‌ها، تجربه وسیع علمی برای دانشجویان محسوب می‌شود. در عصر حاضر، آموزش عالی بر اثر عواملی مانند کاهش کیفیت آموزش و عدم تناسب آنها با نیازهای دانشجو و جامعه با چالش‌های زیادی روبرو بوده است؛ لذا بسیاری از صاحب نظران اعلام داشته‌اند، در پاسخ به این چالش‌ها، آموزش عالی برای ارتقای کیفیت فرصت‌های یادگیری، باید در محتوای برنامه‌های درسی آینده جهت‌گیری نوینی را دنبال کند. پاسخ گویی اجتماعی به صورت اتفاقی رخ نمی‌دهد، بلکه باید محتوای آموزشی مربوط به آن در برنامه درسی پزشکی لحاظ گردد. یکی از مشکلات برنامه درسی فعلی محتوای نامناسب آن است که پوشش دهنده مفهوم پاسخ گویی اجتماعی نیست. بنابراین این مطالعه با هدف طراحی محتوای برنامه درسی مبتنی بر پاسخ گویی اجتماعی در دوره پزشکی عمومی انجام پذیرفت.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه، پژوهشی کیفی بود که براساس روش تحلیل محتوای کیفی با مشارکت ۱۲ استاد و ۵ پزشک عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام شد. نمونه‌های آماری به روش هدفمند انتخاب و تجارب و دیدگاه‌های آنان تا رسیدن به مرحله اشباع داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. در این مطالعه از روش مصاحبه نیمه ساختارمند برای گردآوری داده‌ها استفاده شد و تحلیل آنها نیز براساس رویکرد تحلیل محتوای قراردادی انجام پذیرفت.

نتایج:

باتوجه به تحلیل داده‌های گردآوری شده در این تحقیق، تعداد ۲۶۰ کد به دست آمد که پس از حذف کدهای تکراری و ادغام موارد مشابه، کدهای استخراج شده، ۵ تم اصلی و ۳۶ تم فرعی بدست آمد. تم‌های اصلی و فرعی استخراج شده از این مطالعه عبارتند از: علوم و مهارت‌های بالینی (دانش بالینی بسته به نیازهای محلی؛ گرفتن شرح حال؛ معاینه فیزیکی؛ اقدامات عملی؛ مراقبت از بیمار؛ انجام تست‌های آزمایشگاهی و تشخیصی؛ تجویز منطقی داروها؛ بازتوانی بیمار؛ طب مکمل یا جایگزین؛ مهارت حل مسأله؛ توسعه تفکر انتقادی؛ مهارت استدلال بالینی؛ رویکرد کل نگر و جامع؛ یادگیری مادام‌العمر و خودراهبر)؛ علوم سلامت (نیازهای سلامت جامعه؛ تغییرات سیمای سلامت جامعه؛ تامین، حفظ و ارتقای

سلامت فرد و جمعیت تحت پوشش؛ طب پیشگیری؛ عوامل خطر ساز سلامت فرد و جامعه؛ تعیین وضعیت سلامتی فرد و جمعیت تحت پوشش؛ اپیدمیولوژی اجتماعی؛ پژوهش در حیطه سلامت؛ پزشکی مبتنی بر شواهد؛ علوم رفتاری، اجتماعی و اخلاق حرفه ای (ویژگی های جمعیتی؛ زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ سنت های محلی؛ تعهد و رفتار حرفه ای؛ اخلاق پزشکی)؛ مهارت های ارتباطی و رهبری (مهارت ارتباط مؤثر با بیمار و همراهان و همکاران؛ سازماندهی و رهبری؛ تیم سازی و کارگروهی؛ مدیریت بحران) و سازماندهی محتوا (واحدهای درسی انتخابی در زمینه اجتماعی؛ مرتبط نمودن محتوای بالینی با نقش های حرفه ای؛ ادغام علوم بالینی با علوم رفتاری و اجتماعی؛ ادغام تئوری با عمل)

بحث و نتیجه گیری:

در راستای آموزش پزشکی پاسخ گو در مقابل نیازهای جامعه تحت پوشش، ضروری است که محتوای درس تدریس شده در دانشکده های پزشکی بر اساس اولویت های سلامت جامعه شکل گیرد. هم چنین محتوای برنامه درسی بایستی به شکل ادغام یافته و در محیط های آموزشی متناسب با کلاس درس، مراکز بهداشتی و درمانی، کلینیک ها و بیمارستان های آموزشی برای دانشجویان ارائه گردد تا دانشجویان ضمن شناخت مشکلات و بیماری های بالینی افراد جامعه و دریافت آموزش های مقتضی، مشکلات و آسیب های اجتماعی افراد را نیز مورد بحث، بررسی و ریشه یابی قرار داده و با برقراری ارتباط نزدیک با خانوارها، نسبت به شناسایی مشکلات و شیوه برخورد با آنها اقدام نمایند.

کلمات کلیدی: محتوا، برنامه درسی، پزشکی عمومی، پاسخ گویی اجتماعی، پژوهش کیفی

بررسی میزان انطباق کوریکولوم آموزشی بخش بیماری های دهان و ... با کسب مهارت های عملی مورد نیاز در بالین

ندا حاجی حسنی^۱، فاطمه سفیدی^۱، افسانه یخ فروش ها^۱، مهسا اصفهانی^۱، سودا علی اکبری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه سفیدی

مقدمه:

تعیین نقاط ضعف و قوت برنامه ها در هر دوره ی آموزشی از مهمترین و مشکل ترین مراحل برنامه ریزی آموزشی است. هدف مطالعه حاضر بررسی میزان انطباق کوریکولوم آموزشی بخش بیماری های دهان و ... با کسب مهارت های عملی مورد نیاز در بالین می باشد.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر یک مطالعه اپیدمیولوژیک تحلیلی و از نوع همبستگی بود که بر روی کلیه دانشجویان دندانپزشکی قزوین که واحد بیماری های دهان را اخذ نموده بودند و به تعداد ۱۶۰ نفر در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه مشغول به تحصیل بودند انجام شد. جهت انجام مطالعه یک پرسشنامه در دو بخش طراحی شد، بخش اول مشخصات دموگرافیک شامل سن، جنس، وضعیت تاهل، ترم تحصیلی، معدل کل و بخش اصلی پرسشنامه مربوط به سرفصل های آموزشی و ساعات اختصاص یافته و انطباق محتواها با سرفصل بود، ضمناً یک چک لیست در خصوص علل مراجعه بیماران به بخش بیماری ها نیز تکمیل شد. اطلاعات گردآوری شده وارد نرم افزار Spss نسخه ۲۶ شد، سپس با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد...) و آمار تحلیلی شامل t مستقل، تحلیل واریانس مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

بطور کلی نتایج مطالعه حاضر نشان داد که از نظر اکثر دانشجویان مورد مطالعه انطباق کامل از نظر حجم و محتوا در مباحث کوریکولوم دروس گروه بیماری های دهان و فک و صورت مانند دندانپزشکی تشخیصی^۱،^۲،^۳ و^۴، بیماری های سیستمیک^۱،^۲ و^۳ و بیماری های دهان و فک و صورت عملی^۱،^۲ و^۳ وجود دارد. بین نظرات دانشجویان ترم های قبل از ده و ترم ۱۲ در اکثریت دروس بجز درس تشخیصی^۴ تفاوت معناداری وجود نداشت. (>05/0P)، همچنین جنسیت، سن و معدل تاثیر چندانی در نظرات دانشجویان در خصوص میزان انطباق کوریکولوم نداشت و در این موارد در اکثر دروس تفاوت معناداری یافت نشد. (>05/0P)

بحث و نتیجه گیری:

نتایج حاصل از این پژوهش، بر این مساله تاکید می نماید که گرچه برنامه ی بازنگری شده دندانپزشکی از دیدگاه اعضای کمیته راهبردی و تیم بازنگری دندانپزشکی مناسب بوده است از دید دانشجویان نیز

مطلوب است. لزوم توجه بیشتر برنامه ریزان و مسوولان آموزشی به حجم دروس بر حسب ساعت و موارد عملي بر اساس وضعیت موجود نیازهای شایع خدمات دندانپزشکی در جامعه و نیز نظرات صاحبانظران و اساتید مربوط و همچنین دندانپزشکان شاغل در جامعه، به طور دوره ای تاکید دارد.

کلمات کلیدی: انطباق، بیماریهای دهان، کوریکولوم، مهارت های عملی



بررسی تاثیر آموزش به روش شبیه سازی بر مهارت های خودکارآمدی و عملکرد بالینی در دانشجویان پرستاری

زهرا صفاری^۱، مرضیه عزیزی^۱، محمدحسن کشاورزی^۱، علی اصغر حیات^۱، رحمت اله عرب زاده^۱، زهرا اسماعیل زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

نویسنده مسئول: محمدحسن کشاورزی

مقدمه:

یادگیری عملکردهای بالینی در نظام آموزش پرستاری از جایگاه ویژه ای برخوردار است. هر تجربه بالینی فقط یادگیری صرف یک دانش یا مهارت عملی خاص نیست، بلکه تجربه بالینی امکان به کار بستن تئوری، پالایش مهارت ها و عملکردهای بالینی، و پذیرش نقش پرستاری حرفه ای را فراهم می سازد و اطمینان دانشجویان به قابلیت های حرفه ای خود را افزایش می دهد و هدف اصلی آن، رساندن دانشجویان به بالاترین سطح یادگیری، یعنی شایستگی حرفه ای است. هدف از انجام این مطالعه بررسی تاثیر آموزش به روش شبیه سازی بر مهارت های خودکارآمدی و عملکرد بالینی در دانشجویان پرستاری در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود.

مواد و روش ها:

این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی از نوع pre-test & post-test است. جامعه مورد پژوهش دانشجویان رشته پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه بودند. نمونه ها به روش سرشماری انتخاب و بدون تصادفی سازی وارد مطالعه شدند. دانشجویان به دو گروه آزمون و کنترل تقسیم شدند که به گروه آزمون از طریق شبیه سازی و گروه کنترل به روش معمول (پاورپوینت و سخنرانی) آموزش داده شد. مهارت خودکارآمدی و عملکرد بالینی دانشجویان دو گروه قبل و بعد از اجرای برنامه های آموزشی با استفاده از پرسشنامه مورد ارزشیابی قرار گرفت. در نهایت با استفاده از روشهای آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و روشهای آمار استنباطی شامل آزمون t- test مستقل و زوجی و تحلیل کوواریانس با استفاده از نرم افزار spss نسخه ۲۳ تجزیه و تحلیل داده ها صورت گرفت.

نتایج:

میانگین مهارت های خودکارآمدی دانشجویان پرستاری بعد از مداخله (۱۴۲/۱۳) نسبت به قبل از مداخله (۸۷/۵۷) افزایش یافته بود. این نتیجه نشان می دهد که آموزش به روش شبیه سازی بر مهارت های خودکارآمدی دانشجویان پرستاری تاثیر دارد. همچنین میانگین عملکرد بالینی دانشجویان پرستاری بعد از مداخله (۴/۵۷) نسبت به قبل از مداخله (۲/۱۶) افزایش یافته بود. این نتیجه نشان می دهد که آموزش به روش شبیه سازی بر عملکرد بالینی دانشجویان پرستاری تاثیر دارد.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به یافته‌های پژوهش روش آموزش شبیه سازی به عنوان یک شیوه آموزشی موثر، به ویژه در واحدهای کارآموزی پرستاران پیشنهاد می گردد، به ویژه این که مهارت های لازم، قبل از ورود به عرصه های واقعی کسب می گردد و نیز در مواردی که عرصه آموزش بالینی مناسب و متناسب با اهداف آموزشی در شرایط خاص فراهم نباشد، می توان به این شیوه آموزشی به عنوان یک راهکار جدید توجه نمود.

کلمات کلیدی: شبیه سازی، مهارت های خودکارآمدی، عملکرد بالینی، دانشجویان پرستاری

شناسایی مولفه های موثر بر مشارکت اعضای هیات علمی در توسعه موک؛ تحلیلی کیفی بر نظرات خبرگان آموزش مجازی در دانشگاه های علوم پزشکی ایران

زهرا کریمیان^۱، آرزیتا برزه کار^۱، مانوش مهربابی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

نویسنده مسئول: آرزیتا برزه کار

مقدمه:

موک ها از پیشرفت های نوظهوری هستند که در دهه اخیر در حیطه آموزش الکترونیکی به وقوع پیوسته اند و در سراسر دنیا تلاش های زیادی برای توسعه این دوره ها انجام شده است. تولید و تامین محتوای آموزشی این دوره ها بسیار مهم، هزینه بر و بخصوص زمان بر است. اعضای هیات علمی از مهمترین گروه هایی هستند که برای طراحی و تولید این دوره های آموزشی فراخوانی می شوند اما عوامل زیادی بر میزان مشارکت آن ها تاثیر گذار است. تحقیق حاضر با هدف شناسایی عوامل موثر بر توسعه موک از دیدگاه خبرگان و متخصصین آموزش مجازی دانشگاه های علوم پزشکی ایران انجام شده است.

مواد و روش ها:

تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و به شیوه تحلیل محتوا انجام شد. نمونه تحقیق از خبرگان آموزش مجازی دانشگاه های علوم پزشکی ایران در سال ۲۰۲۲ که حداقل ۲ سال سابقه کاری در زمینه آموزش مجازی داشته باشند انتخاب شدند روش نمونه گیری به شیوه هدفمند و دانه برفی با ۵ نمونه اولیه آغاز شد و در نهایت با ۱۵ نمونه در حد اشباع داده ها کامل شد. ابزار تحقیق مصاحبه نیمه ساختارمند به شیوه الکترونیکی و کتبی بود و داده ها با تحلیل محتوای قیاسی در سطح کدهای باز، گویه ها، مولفه ها و مفاهیم اصلی تحلیل شد.

نتایج:

با تحلیل محتوای نظرات ۱۵ خبره آموزش مجازی در نهایت ۸۴ کد باز استخراج شد که با توجه به اشتراکات معنایی، در نهایت ۲۸ گویه استخراج شد. گویه ها در چهار عامل اصلی و ۱۲ مولفه شامل عوامل ساختاری (تنظیمات، شفافیت، ساختار)، فرهنگی (نمادها، یکپارچگی)، سیاسی (عدالت، شراکت/ مذاکره، سودآوری) و نیروی انسانی (توانمندسازی، پشتیبانی، نگرش، انگیزش) تقسیم بندی شد. در نظر خبرگان بر توزیع متناسب قدرت در دانشگاهها، کاهش بوروکراسی، شفاف سازی، حفظ مالکیت معنوی، احساس یکپارچگی و سوآوری منصفانه تاکید شد.

بحث و نتیجه گیری:

مسائل آموزش عالی چندبعدی و چند متغیره هستند. موک ها نیز از پدیده های نوینی هستند که تجارب کم اما چالش های زیادی را با خود دارند. توسعه موک ها به مشارکت اعضای هیات علمی و طراحان آموزشی نیاز دارد و شناسایی این عوامل به سرعت بخشی فرایند تولید کمک می کند. در تحلیل و شناسایی و مرتفع کردن این چالشها لازم است عوامل فرهنگی، ساختاری، سیاسی، و نیروی انسانی از ابعاد مختلف توجه شود.

کلمات کلیدی: موک، مشارکت، توسعه، یادگیری الکترونیکی



تدوین برنامه جامع توسعه آموزش مجازی در دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی کشور

ریتا مجتهدزاده^۱، آیین محمدی^۱، شادی اسدزندی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: آیین محمدی

مقدمه:

به خصوص بعد از تجربه دوران کرونا، یادگیری الکترونیکی در آموزش علوم پزشکی به شکل گسترده به کار می رود. در دانشگاه های علوم پزشکی کشور نیز اقدامات متعددی در این رابطه انجام شده است ولی چالش هایی نیز وجود داشته است. بنابراین در این مطالعه برنامه جامع توسعه آموزش مجازی در دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی کشور تدوین و ارائه شد.

مواد و روش ها:

ابتدا شناسایی وضعیت موجود آموزش مجازی در دانشگاه های علوم پزشکی صورت گرفته و بعد تحلیل وضعیت موجود آموزش مجازی در دانشگاه های علوم پزشکی بر مبنای مقایسه با اسناد بالادستی، وضعیت آموزش مجازی در دانشگاه های برتر دنیا و روند آموزش مجازی در دنیا صورت گرفت. در مرحله بعد مصاحبه با صاحب نظران در مورد مولفه ها و اقدامات لازم برای توسعه آموزش مجازی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور صورت گرفت و بعد جمع بندی نتایج مراحل قبل، مستند وضعیت تحلیلی آموزش مجازی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور به تفکیک تیپ تدوین شده و در نهایت اقدامات دارای اولویت برای توسعه آموزش مجازی در ۱۰ سال آینده در سطح ستاد وزارت بهداشت و دانشگاه های علوم پزشکی (به تفکیک تیپ) تعیین شد.

نتایج:

مجموعه اقدامات وب سایت ۷۱ دانشگاه علوم پزشکی کشور در دسته بندی زیر استخراج شد: اطلاعات سامانه های آموزش مجازی، رشته های مجازی، آموزش مداوم جامعه پزشکی، آموزش کارکنان، توانمندسازی هیات علمی، آموزش سلامت عمومی، ادغام آموزش مجازی در برنامه های حضوری و تولید محتوای الکترونیکی. روند آموزش مجازی در دنیا هم با مرور نظام مند بررسی و نتایج در قالب ۶ تم، ۱۴ طبقه و ۸ زیرطبقه دسته بندی شد. بر این اساس سوالات و چارچوب مصاحبه نیمه ساختارمند تعیین شده و با ۱۵ نفر مصاحبه انجام شد که در طی آن ۲۰۴ کد در مورد اقدامات لازم برای توسعه آموزش مجازی در قالب ۶ تم اصلی سیاست های گسترش آموزش مجازی، رشته ها و دوره های آموزش مجازی،

رویکردهای پداگوژیکی به آموزش مجازی، زیرساخت، محتوای الکترونیکی و منابع انسانی در آموزش مجازی بازیابی شد که در جلسه فوکوس گروپ نهایی شد. این اقدامات در هر حیطه با روش تحلیل سلسله مراتبی یا Analytic Hierarchy Process (AHP) اولویت بندی در سه سطح اقدامات ۱ تا ۳ ستاره شد. به عنوان مثال نتایج برای دانشگاه‌های تیپ ۱ به شرح زیر است: سه ستاره: پرداختن به کیفیت در کنار کمیت، اقدام برای اعتباربخشی مرکز آموزش مجازی دانشگاه، اولویت بندی نیازها و اقدامات لازم، داشتن برنامه مشخص برای دوران پسا کرونا برای یادگیری ترکیبی، تشکیل تیم های کاری از متخصصین محتوا، طراحان آموزشی و IT برای برنامه ریزی و توسعه مبتنی بر شواهد، استقرار صحیح سیستم ارزیابی دانشجویان در محیط مجازی و برنامه های توانمندسازی تدریس مجازی برای اعضای هیات علمی دو ستاره: توسعه ارتباطات بین دانشگاهی بر اساس امکانات آموزش مجازی، طراحی آموزشی کوریکولوم های موجود برای ارائه ترکیبی، شناسایی و توسعه رشته های قابل ارائه بین المللی به صورت مجازی، برنامه ریزی برای استفاده از آموزش مجازی در آموزش های عملی و بالینی، طراحی و ارائه زیر ساخت های آموزش مجازی متناسب با امکانات دانشجویان، به اشتراک گذاری محتواهای الکترونیکی تولید شده در دانشگاه، توسعه زیرساخت های حرفه ای تولید محتوای الکترونیکی، طراحی سیستم ارزشیابی محتواهای ارائه شده به دانشجویان یک ستاره: استفاده از پتانسیل آموزش مجازی برای بین المللی سازی، توسعه آموزش های مداوم و حرفه ای به شیوه مجازی، عرضه رشته های مجازی دارای پتانسیل جذب دانشجوی خارجی، شناسایی نیازهای نرم افزاری جدید و توسعه سیستم های موجود متناسب با گسترش آموزش مجازی، فراهم سازی زیرساخت های مناسب برای آموزش های بالینی و عملی مانند AR و VR، تدوین و تصویب شیوه نامه های تشویقی و انگیزشی برای استفاده اثربخش از آموزش مجازی انجام شد.

بحث و نتیجه گیری:

در این مطالعه مدل عملیاتی شکل گرفت که با مراجعه به آن می توان اقدامات عملیاتی که در هر کدام از سطوح فوق باید برای حال و آینده آموزش مجازی کشور انجام شود را مشاهده نمود. با توجه به اینکه در طراحی و اجرای این طرح، مسیله قابلیت اجرا و تطابق با وضعیت موجود بسیار مورد توجه و تاکید بوده، این مدل می تواند مبنای تصمیم سازی، تعریف اقدامات و صرف بودجه در هر سطح باشد.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، برنامه عملیاتی

تبیین توانمندی های روسای دانشگاه های علوم پزشکی کشور در راستای پاسخگویی اجتماعی در نظام آموزش عالی سلامت ایران

لیلا دشمنگیر^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: لیلا دشمنگیر

مقدمه:

تبیین توانمندی های روسای دانشگاه های علوم پزشکی کشور در راستای پاسخگویی اجتماعی در نظام آموزش عالی سلامت ایران لیلا دشمنگیر گروه مدیریت و سیاست گذاری سلامت، مرکز تحقیقات مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران مقدمه پاسخگویی به نیازهای جامعه از سوی دانشگاه های علوم پزشکی یک موضوع مهم و اساسی می باشد. در این راستا لازم است روسای دانشگاه های علوم پزشکی از توانمندی لازم جهت هدایت کلیه فعالیت های آموزشی، پژوهشی و خدماتی به سمت برطرف نمودن چالش ها و اولویت های سلامت در جامعه تحت پوشش خود اقدام نمایند. این پژوهش با هدف تعیین توانمندی های روسای دانشگاه های علوم پزشکی کشور در راستای پاسخگویی اجتماعی در نظام آموزش عالی سلامت و تبیین چالش های مرتبط در این خصوص انجام گرفت.

مواد و روش ها:

این پژوهش یک مطالعه کیفی است که با بهره گیری از روش مصاحبه و مرور مستندات انجام گرفت. مصاحبه ها با روسای دانشگاه های مختلف علوم پزشکی کشور در دولت های مختلف صورت گرفت. برای انتخاب روسا، از روش نمونه گیری مبتنی بر هدف استفاده گردید. مستندات مرتبط با توانمندی های لازم برای یک رئیس دانشگاه علوم پزشکی، فرایند انتخاب، انتصاب، انفصال و تمدید دوره از سطوح مختلف نظام سلامت از جمله وزارت بهداشت، دانشگاه های علوم پزشکی و مجلس شورای اسلامی گردآوری گردید. قبل از انجام مصاحبه، راهنمای مصاحبه تهیه گردید. با بهره گیری از رویکرد تحلیل مفهومی، داده ها تحلیل گردید. برای تحلیل داده ها، از نرم افزار MAXQDA20 استفاده گردید. برای افزایش اعتبار مطالعه از روش هایی مانند بازبینی توسط مشارکت کنندگان و جستجو برای شواهد مغایر استفاده گردید.

نتایج:

بر اساس نتایج تخصص مدیریت آموزشی روسای دانشگاه های علوم پزشکی عاملی مهم در حصول برنامه ریزی های آموزشی و پاسخگویی اجتماعی می باشد. توانمندی های روسای دانشگاه های علوم پزشکی در چهار موضوع اصلی و ۱۶ زیر موضوع تعیین گردید. توسعه آموزش مبتنی بر اثر، راهبردهای

ارتقای کیفیت در آموزش، پژوهش و ارایه خدمات سلامت، نیازها و انتظارات سلامت جامعه تحت پوشش، مشارکت ذینقشان در اهداف حوزه سلامت از جمله این موضوع ها می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

دانشگاه های کشور نیازمند برنامه هایی یکپارچه و هدفمند برای تحول در آموزش علوم پزشکی می باشند. در راستای پاسخگویی به نیازهای امروز کشور در سپهر دانش آموزش پزشکی، روسای دانشگاه های علوم پزشکی کشور باید دارای توانمندی های لازم در این حوزه باشند. انتخاب مدیران دانشگاهی باید بر اساس شاخص ها و معیارهای مشخص و تعریف شده در حوزه نظام آموزش عالی سلامت صورت گیرد. این در حالی است که در ایران تحولات سیاسی تأثیر زیادی بر تغییرات مدیریتی دانشگاه ها داشته و با تغییر دولت ها توانمندی های مدیریتی در سایه گرایشهای سیاسی به محاق می رود و این امر می تواند بر برنامه های نظام آموزش عالی تاثیر قابل ملاحظه ای داشته باشد.

کلمات کلیدی: پاسخگویی اجتماعی، نظام سلامت



بررسی تاثیر آموزش آگاهی تیم از موقعیت بر عملکرد تیمی دستیاران تیم درمانی تروما در دانشگاه علوم پزشکی تهران

آزاده روح الامینی^۱، علی جعفریان^۱، کمال بصیری^۱، محمد جلیلی^۱، رامین مهرداد^۱، رقیه گندم کار^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: علی جعفریان

مقدمه:

آگاهی از موقعیت یکی از عوامل انسانی موثر بر عملکرد تیم‌های درمانی در محیط‌های پیچیده بالینی مانند اورژانس است. عملکرد تیم‌های درمانی در شرایط پیچیده بالین دور از خطای انسانی نیست. علت بیشتر خطاهای انسانی در چنین شرایطی ناشی از کار تیمی ضعیف بین ارائه دهندگان خدمات بهداشتی می‌باشد. کار تیمی در محیط‌های پیچیده درمانی به لحاظ پویایی، عدم قطعیت و محدودیت زمانی در تصمیم‌گیری، به سادگی کنار هم قرار گرفتن یک یا چند متخصص نیست. در کار تیمی برای داشتن مراقبتی ایمن و دور از خطا علاوه بر دانش بالینی و مهارت فنی باید به عوامل انسانی و رفتاری نیز توجه شود. یکی از این عوامل انسانی موثر در بیشتر خطاهای انسانی در کار تیمی، آگاهی از موقعیت می‌باشد که آموزش آن می‌تواند منجر به کاهش خطای تصمیم‌گیری، تشخیص درست و اقدام مناسب شود. هدف از مطالعه حاضر آموزش آگاهی تیم از موقعیت به دستیاران تیم درمانی تروما در دانشگاه علوم پزشکی تهران و بررسی تاثیر آن بر عملکرد بالینی تیم می‌باشد.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر از نوع تجربی با گروه کنترل و پس آزمون بود. دستیاران پنج رشته تخصصی طب اورژانس، جراحی عمومی، ارتوپدی، بیهوشی و جراحی مغز و اعصاب به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به دو گروه کنترل و مداخله تقسیم شدند. برنامه آموزشی همسو با مدل آگاهی از موقعیت اندسلی در سه بخش سخنرانی تعاملی، تمرین و دبریفینگ، نقد و نمایش فیلم طراحی شد. برای ارزیابی آگاهی تیم از موقعیت چک لیست نشانگرهای رفتاری براساس تاکسونومی ابعاد رفتاری انیل و همکارانش (۲۰۱۸) طراحی شد. پس از طراحی ابزار و محتوای آموزشی، مداخله آموزشی به صورت کارگاه یکروزه و به مدت ۳ ساعت محیط شبیه‌سازی شده مرکز مهارت‌های بالینی در دو روز متفاوت برای گروه مداخله و کنترل اجرا شد. کار تیمی دستیاران تیم‌های درمانی با استفاده از دوربین مداربسته ضبط شد، و توسط دو ارزیاب آموزش دیده با استفاده از چک لیست نشانگرهای رفتاری ارزیابی شد. برای ارزیابی عملکرد بالینی تیم از چک لیست روا و پایای گیس و همکارانش (۲۰۰۸) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های کمی با استفاده از آزمون آماری تی مستقل و آزمون من ویتنی، و ضریب همبستگی پیرسون انجام گردید.

محاسبات با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و با سطح اطمینان ۹۵ صدم یا سطح معنی داری ۰/۰۵ انجام شد.

نتایج:

آگاهی تیم از موقعیت و عملکرد بالینی ۱۶ تیم درمانی تروما (۳ یا ۴ نفره) متشکل از دستیاران سال‌های اول تا آخر پنج رشته تخصصی در دو گروه کنترل (۸ تیم) و مداخله (۸ تیم) توسط دو ارزیاب مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. مقایسه میانگین نمره آگاهی تیم از موقعیت در دو گروه مداخله (۷۶/۷۵±۱۷/۳۵) و کنترل (۴۷/۶۳±۱۳/۵۱) بعد از مداخله آموزشی اختلاف آماری معنی داری نشان داد ($p < 0/05$). مقایسه میانگین نمره عملکرد بالینی تیم در دو گروه مداخله (۱۹۶/۷۵±۲۸/۹۰) و کنترل (۱۱۹±۳۹/۱۰۸) بعد از مداخله آموزشی اختلاف آماری معنی داری نشان داد ($p < 0/05$). مقایسه میانگین عملکرد بالینی تیم و آگاهی تیم از موقعیت ارتباط مثبت آماری معنی داری نشان داد ($p < 0/05$, $r = 0/92$).

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان داد، آموزش آگاهی تیم از موقعیت اثرات مثبتی بر بهبود سطح آگاهی از موقعیت و عملکرد بالینی تیم‌های درمانی تروما دارد. از آنجایی که دستیاران پزشکی دانش و مهارت‌های کارتی می محدودی دارند استفاده از این برنامه آموزشی در کنار سایر برنامه‌های آموزشی با هدف توسعه دانش کارتی می و مهارت‌های جمع‌آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری و اقدامات آگاهانه جهت ارائه درمانی ایمن و دور از خطای انسانی در راستای ایمنی بیمار توصیه می‌شود.

کلمات کلیدی: آگاهی تیم از موقعیت، تیم تروما، عملکرد بالینی، دستیاران، مدل اندسلی

طراحی و اجرای فناوری مرکز ارزیابی در راستای توانمندسازی شایستگی های مدیران آموزشی

سمیه علیزاده^۱، زهره سهرابی^۲، سیدکامران سلطانی عربشاهی^۲، ماندانا جوانک^۳

۱. دانشکده علوم پزشکی اسفراین، خراسان شمالی، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نویسنده مسئول: زهره سهرابی

مقدمه:

در حال حاضر، در بیشتر دانشگاه های علوم پزشکی ایران واحدهای توانمندسازی اساتید به ارائه برنامه هایی در جهت توانمندسازی اعضای هیئت علمی می پردازد. اما توسعه حرفه ای مدیران آموزش پزشکی که اساسا نقش رهبری آموزشی را در بدنه نظام آموزش پزشکی کشور را دارند، نیاز به توجه بیشتر دارد. پژوهش حاضر با هدف ارائه برنامه توانمندسازی مدیران آموزشی با استفاده از فناوری مرکز ارزیابی انجام شد. فناوری مرکز ارزیابی برخلاف برداشت اولیه نه یک مکان فیزیکی، بلکه یک فرآیند ارزیابی است به عنوان مداخله آموزشی مجموعه ای از تمرینات شبیه سازی شده است که مشارکت کنندگان را از طریق اجرای تمرین و دریافت بازخورد در راستای مجموعه ای از شایستگی های هدف و قابل توسعه برای موفقیت فردی و حرفه ای، آماده می کند.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر در سه فاز در دانشگاه علوم پزشکی ایران انجام شد. در فاز طراحی بر اساس مرور انتقادی و دلفی اصلاح شده شایستگی های پایه مدیران آموزشی شناسایی شد. از بین شایستگی های پایه، تفکر سیستمی، ارتباطی، حل مسئله برای انجام مداخله در قالب مرکز سنجش شایستگی انتخاب شد. برای شایستگی تفکر سیستمی، حل مسئله تمرین شبیه سازی شده فردی و مهارت ارتباطی تمرین گروهی بر اساس نظر خبرگان و مرور متون طراحی شد. برای ارزیابی عملکرد شرکت کنندگان فرم های رتبه بندی متناسب با هر شایستگی بر اساس اصول طراحی روبریک تدوین شد. پس از برگزاری یک جلسه آزمایشی، برنامه توانمندسازی در قالب مرکز سنجش شایستگی یک روزه با حضور ۵ شرکت کننده (مدیران آموزشی)، ۴ ارزیاب، ۴ ایفاگر نقش و دو نفر هماهنگ کننده برگزار شد. ارزیابی سطح یک کرک پاتریک با روش متنی آزاد انجام شد.

نتایج:

بر اساس نتایج کسب شده از تمرینات شبیه سازی شرکت کنندگان در هر دو شایستگی تفکر سیستمی و حل مسئله نمرات کمتر از میانگین کسب کردند. براساس پرسشنامه بارتون کمترین نمره مربوط به

مهارت شنود و بیشترین نمره کسب شده مربوط به مهارت کلامی بود. در انتهای هر تمرین شرکت کننده براساس عملکرد خود بازخورد دریافت کرد. بر اساس ارزشیابی سطح اول کرک پاتریک، شرکت کنندگان از برنامه رضایت داشتند.

بحث و نتیجه گیری:

به نظر می رسد طراحی و اجرای برنامه های مبتنی بر اصول یادگیری بالغین بوده می تواند به عنوان رویکردی مناسب در توانمندسازی مدیران آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی ایران به کارگرفته شود
کلمات کلیدی: فناوری مرکز ارزیابی، شایستگی مدیران آموزشی، توانمندسازی



تبیین ماندگاری اعضای هیات علمی: تحلیل محتوا

سمیره عابدینی^۱، الهام بوشهری^۱، حسام الدین کمال زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، هرمزگان، ایران

نویسنده مسئول: سمیره عابدینی

مقدمه:

دانشگاه‌ها مبدا تحولات در جامعه و نقش استراتژیکی در پیشبرد اهداف کشور دارند و اعضای هیات علمی سنگ بنای آن هستند. دانشگاه‌ها باید ظرفیت لازم را جهت جذب و نگهداشت اعضای هیات علمی که مهمترین سرمایه‌های آن‌ها می‌باشند را در خود ایجاد کنند. از این رو این مطالعه با هدف تبیین عوامل ماندگاری اعضای هیات علمی دانشگاه‌های کلان منطقه ۵ ایران انجام شد.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا انجام شد. در این مطالعه از روش نمونه‌گیری مبتنی برهدف با حداکثر تنوع استفاده شد. جامعه آماری پژوهش با مشارکت ۱۲ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه‌های کلان منطقه ۵ بود. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق، فردبه فرد بصورت تلفنی و نیمه ساختار یافته انجام شد. جهت آنالیز داده‌ها از رویکرد آنالیز محتوای کیفی به روش ایلو و کینگزاستفاده شد.

نتایج:

از متن مصاحبه‌ها جهت تبیین عوامل ماندگاری اعضای هیات علمی، ۶ طبقه اصلی و ۶ طبقه فرعی دسته بندی شدند. اولین طبقه اصلی، عوامل بیرونی با زیر طبقه‌ها وجهه اجتماعی و الگوهای ذهنی، دومین طبقه اصلی عوامل درونی با زیر طبقه‌ها عوامل اقتصادی و به روز ماندن، سومین، چهارمین و پنجمین طبقه اصلی به ترتیب مسائل اقتصادی، مدیریتی، رفاهی حمایتی و ششمین طبقه اصلی سازمانی با زیر طبقه‌ها قوانین و فرهنگ استخراج گردید.

بحث و نتیجه گیری:

عوامل متعددی در ماندگاری اعضای هیات علمی نقش دارند. با توجه به دستاورد این پژوهش پیشنهاد می‌گردد دانشگاه‌ها فرآیند نگهداشت هیات علمی متناسب با تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و انتظارات و ارزش‌های اعضای هیات علمی تدوین و به آنها ابلاغ گردد، تا منابع انسانی خود را در موقعیت هیات علمی حفظ نمایند.

کلمات کلیدی: ماندگاری، اعضای هیات علمی، تحلیل محتوا

تدوین استانداردهای دوره‌های آموزش مهارتی و حرفه‌ای علوم پزشکی و دستیابی به اجماع نظرات متخصصین از طریق برگزاری راند دلفی، گامی موثر در راستای ارتقای کیفیت دوره‌های مهارتی و حرفه‌ای

رقیه گندمکار^۱، الهه محمدی^۱، مهدی سروش^۲، عظیم میرزازاده^۱، جمشید حاجتی^۱، آرمین شیروانی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲. مرکز ملی مهارتی و حرفه‌ای، تهران، ایران

نویسنده مسئول: الهه محمدی

مقدمه:

سالانه دوره‌های آموزش مهارتی و حرفه‌ای زیادی در حوزه علوم پزشکی توسط دانشگاه‌ها و سایر موسسات دولتی و غیر دولتی ارائه می‌شود. از آنجا که عملکرد مهارت آموزان این دوره‌ها به طور مستقیم با سلامت جامعه در ارتباط است اطمینان از کیفیت دوره‌ها و کسب توانمندی‌های ضروری توسط مهارت آموزان امری الزامی است. استانداردها می‌توانند چارچوبی برای حفظ و ارتقای کیفیت دوره‌های آموزشی فراهم آورند. از این رو، هدف مطالعه حاضر تدوین استانداردهای دوره‌های آموزش مهارتی و حرفه‌ای علوم پزشکی و دستیابی به اجماع نظرات متخصصین از طریق برگزاری راند دلفی است.

مواد و روش‌ها:

ابتدا با انجام مرور متون متن پیش نویس اولیه استانداردها تدوین گردید. سپس طی جلسات متعددی در اختیار ذی نفعان قرار گرفت و هر یک از استانداردها از نظر انطباق با دوره‌های مهارتی مورد بحث قرار گرفته و اصلاحات لازم انجام شد. سپس پیش نویس استانداردهای تایید شده در قالب یک پرسشنامه طراحی شد و طی یک راند دلفی برای منتخبی از مدیران و مسوولان علمی و ارزیابان این دوره‌ها که دارای تجربه کافی در حوزه آموزش مهارتی بودند ارسال گردید. در این پرسشنامه در مورد هر کدام از استانداردها چهار سوال در مقیاس لیکرت بسیار کم تا بسیار زیاد از نظر معیار "وضوح، ارتباط، در سطح اپتیموم قرار داشتن و قابل ارزیابی بودن" مطرح گردید. علاوه بر این، در انتهای هر حوزه ی استاندارد فضایی در نظر گرفته شد تا شرکت کنندگان پیشنهادات خود را در مورد هر استاندارد ذکر کنند. پس از بررسی نظرات متخصصان متن استانداردها اصلاح و نهایی گردید.

نتایج:

نتایج حاکی از قرار داشتن اکثر استانداردها با میانگین بیش از ۷۰ درصد در سطوح بالا از نظر معیار وضوح، ارتباط، در سطح اپتیموم قرار داشتن و قابل ارزیابی بودن اعلام شد. مواردی که دارای درصد پایین در این معیارها بودند مورد بازبینی قرار گرفتند. استانداردهای تدوین شده شامل ۱۰ حوزه "درخواست برگزاری دوره، اطلاع رسانی دوره و پذیرش مهارت آموزان، اجرای دوره آموزشی، ارزیابی

مهارت‌آموزان، مدیریت اجرایی دوره، منابع انسانی، منابع مالی، منابع حمایتی- ایمنی، منابع فیزیکی و ارزشیابی و ارتقای دوره"، ۸۲ استاندارد الزامی و ۹ استاندارد ترجیحی می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

مطالعه حاضر، اولین مطالعه در سطح کشور با هدف تدوین استانداردهای دوره‌های مهارتی و حرفه‌ای علوم پزشکی بود. استانداردهای تدوین شده می تواند مبنایی برای برنامه ریزی و همچنین ارزشیابی‌های دورنی و بیرونی و اعتباربخشی این دوره ها قرار گیرد که به نوبه خود در ارتقای کیفیت دوره های آموزش مهارتی و حرفه‌ای تاثیر بسزایی دارد.

کلمات کلیدی: دوره مهارتی، استاندارد، علوم پزشکی



طراحی الگوی استانداردهای اعتباربخشی موسسه ای دانشکده های پرستاری ایران؛ یک مطالعه ترکیبی

رجب دشتی کلانتر^۱، مرضیه اسدی ذاکر^۲، مریم رسولی^۳، نسرین الهی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: مرضیه اسدی ذاکر

مقدمه:

اعتباربخشی به عنوان الگوی تضمین کیفیت مراکز آموزش عالی زمینه لازم را برای بررسی و اطمینان از کیفیت فرایند آموزش در حال و ارائه خدمات در آینده را فراهم می نماید. سازمان جهانی بهداشت طی راهبردی جهانی خواستار توسعه معیارهای تضمین کیفیت آموزشی بخصوص اعتباربخشی تا سال ۲۰۲۰ می باشد. بر این اساس و همچنین اولویت های پژوهشی وزارت بهداشت در توسعه شیوه های ارزشیابی و نیز به جهت عدم وجود الگوی اختصاصی اعتباربخشی موسسه ای دانشکده های پرستاری در ایران، تیم تحقیق با هدف طراحی الگوی استانداردهای اعتباربخشی موسسه ای مطابق با شرایط دانشکده های پرستاری ایران مطالعه حاضر را طراحی و اجرا نمود.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر به صورت یک مطالعه ترکیبی (کیفی و کمی) در چهار مرحله طراحی و انجام شد. مرحله اول مطالعه تطبیقی الگوی اعتباربخشی دانشکده های پرستاری ۵ کشور منتخب (ایالات متحده، انگلستان، آفریقای جنوبی، مالزی و استرالیا) با ایران، مرحله دوم تبیین ادراک صاحب نظران پرستاری و اعتباربخشی از معیارهای اعتباربخشی دانشکده های پرستاری در ایران، مرحله سوم تدوین اولیه الگوی اعتباربخشی موسسه ای دانشکده های پرستاری ایران بر اساس مدل دونابدین و مرحله چهارم اعتبارسنجی الگوی اعتباربخشی اولیه با استفاده از روش دلفی در دو مرحله.

نتایج:

یافته ها بیانگر ضرورت طراحی اعتباربخشی موسسه ای اختصاصی در دانشکده های پرستاری است. در این مطالعه الگوی اعتباربخشی موسسه ای دانشکده های پرستاری ایران در ۹ حوزه، ۳۸ استاندارد، ۲۱۶ معیار و ۶۴۱ زیرمعیار ارائه می گردد. حوزه ها شامل اهداف و رسالت، ساختار سازمانی، فعالیت های آموزشی، برنامه آموزشی، خدمات دانشجویی، منابع، نیروی انسانی و خدمات پشتیبانی، اساتید و مربیان، فعالیت های پژوهشی و فعالیت های تضمین کیفیت و ارزشیابی می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

الگوی اعتباربخشی در جهت ارتقای آموزش حرفه پرستاری مورد توافق منابع و متخصصان پرستاری و اعتباربخشی می باشد. همچنین ضرورت دارد دولت ها مطابق با سیاست های WHO از ایجاد و اجرای ساختارهای اعتباربخشی دانشکده های پرستاری حمایت کنند تا تربیت فارغ التحصیلان پرستاری با توانایی ارائه مراقبت ایمن و متناسب با نیاز جامعه تسهیل گردد. الگوی اعتباربخشی طراحی شده با شرایط فعلی دانشکده های پرستاری ایران و استانداردهای روز اعتباربخشی در کشورهای منتخب مطالعه تطبیقی تطابق مناسبی دارد، بنابراین ضمن پاسخگویی به تضمین کیفیت آموزشی در دانشکده های پرستاری کشور می تواند شرایط پویایی را برای توسعه همه جانبه و ارتقاء مداوم کیفیت آموزشی فراهم نماید. در کنار این به جهت تطابق با استانداردهای اعتباربخشی معتبر بین المللی امکان لازم را برای رقابت و ارتقاء جایگاه بین المللی آموزش پرستاری ایران فراهم می نماید.

کلمات کلیدی: اعتباربخشی، آموزش پرستاری، اعتباربخشی موسسه ای، دانشکده پرستاری، مطالعه ترکیبی



عوامل برنامه درسی پنهان در آموزش ارزش ها و اخلاق پزشکی

معصومه محمدحسین زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: معصومه محمدحسین زاده

مقدمه:

برنامه‌های درسی به‌عنوان قلب مراکز دانشگاهی نقش مهمی در تحقق اهداف آموزش پزشکی دارد. براساس دیدگاه صاحب‌نظران، برنامه درسی به مجموعه‌ای از تجارب و رویدادهای طراحی‌شده جهت تحقق نتایج و پیامدهای تربیتی خاص اطلاق می‌گردد. لیکن، رویدادها یا فعالیت‌های تربیتی بیشتر از آنچه قصد می‌شود، اتفاق می‌افتد. واقعیت این است که دانشجویان با قرارگیری در محیط آموزشی چیزهای بسیار بیشتری از آنچه به‌طور رسمی برای آن‌ها طراحی‌شده، یاد می‌گیرند. آن‌ها در خلال قرارگیری در محیط آموزشی غیر از برنامه‌درسی رسمی انواع مختلفی از برنامه‌های درسی، از جمله «برنامه‌درسی پنهان نانوخته» را تجربه می‌کنند. به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد به‌موازات برنامه‌درسی رسمی، گونه‌ی دیگری از برنامه‌ی درسی پنهان در حال اجرا است. این برنامه‌درسی بیشتر در حیطه نگرش و ارزش‌ها متبلور شده ولی در حیطه رفتار و تا حدی دانش هم ردپای آن دیده می‌شود که در شکل‌دهی به بخش مهمی از هویت فراگیران نظام آموزشی به ویژه هویت ارزشی و اخلاقی آنها نقش اساسی دارد.. برنامه‌درسی پنهان عبارت است از آنچه در خارج از چارچوب برنامه‌درسی تجویز شده و به‌موازات اجرای آن تدریس می‌شود. یکی از رسالت‌های مهم نظام آموزش پزشکی، درونی کردن اخلاق حرفه‌ای (حرفه‌ای گری) و شکل‌گیری هویت ارزشی در بین فراگیران است. از این‌رو مسئولان دانشگاه به‌منظور داشتن تصویر کامل‌تری از نظام آموزشی به ویژه در حیطه ارزشها و تصمیم‌گیری مناسب‌تر، باید از لایه‌ها و ابعاد گوناگون این برنامه‌درسی آگاه باشند. به اعتقاد شریف جعفری و همکاران (۱۳۹۵) برنامه‌درسی پنهان نقش مهمی در انتقال ارزش‌های حرفه‌ای‌گری ایفا می‌کند و اغلب صاحب‌نظران برنامه‌درسی به این نتیجه رسیدند که تأثیرات برنامه‌درسی پنهان از بعد آموزشی به‌ویژه در انتقال ارزش‌ها و هنجارها به‌مراتب قوی‌تر از برنامه‌درسی آشکار می‌باشد. بسترها، ابعاد و عوامل مختلفی در نظام آموزشی وجود دارد که موجب پیدایش برنامه‌درسی پنهان می‌شود. لذا در این مطالعه سعی شد عوامل برنامه‌درسی پنهان در نهادینه سازی ارزشها و اخلاق در دانشجویان پزشکی مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش کیفی به شیوه پدیدارشناسی انجام شد. میدان پژوهش دانشکده پزشکی مشهد و مشارکت کنندگان آن، دانشجویان رشته پزشکی عمومی این دانشگاه بودند. مشارکت کنندگان به شیوه هدفمند (دانشجویان دوره کارآموزی و کارورزی علاقمند به بحث آموزش پزشکی عضو کمیته‌های استعداد

درخشان و کمیته های دانشجویی توسعه آموزش EDC مشهد انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. در مجموع با ۱۷ نفر دانشجو مصاحبه انجام شد. مصاحبه ها تا اشباع اطلاعات ادامه پیدا کرد. اطلاعات جمع آوری شده بر اساس روش استراوس و کوربین (۱۹۹۰)، با نرم افزار MAXQDA تحلیل شد. اعتبار و صحت داده ها بر اساس بررسی مجدد داده ها توسط شرکت کنندگان و استفاده از همتایان پژوهشی، بررسی و تأیید شد.

نتایج:

تجارب زیسته دانشجویان حاکی از نقش بسیار مهم برنامه درسی پنهان دانشگاه در فرایند نهادینه سازی ارزشها و اخلاق حرفه ای در دانشجویان و به تبع آن در هویت یابی حرفه ای بود. به عبارت دیگر گویا بعد پیش بینی نشده برنامه های درسی نقش مهم تری را در این زمینه ایفا می نمود. به گونه ای که گویا به موازات برنامه درسی رسمی پزشکی، برنامه درسی دیگری به صورت غیررسمی و پنهان در زمینه ارزشها در این دانشکده در جریان است که بر شکل گیری ارزش های دانشجویان و به تبع آن بر رفتار دانشجویان تأثیرگذار بوده است. تمامی عوامل مربوط به برنامه درسی پنهان دانشگاه که شرکت کنندگان بیان نموده بودند در این امر مؤثر هستند، در این مطالعه در چهار طبقه عوامل مربوط به محیط شناختی (شامل الف-محتوای و مواد آموزشی، ب-روش تدریس، ج-روش ارزشیابی ح-گروه بندی)، عوامل مربوط به محیط فیزیکی (شامل الف-فضای فیزیکی محیط آموزشی، ب-چیدمان کلاس، ج-کمبود امکانات و تجهیزات)، عوامل مربوط به محیط اجتماعی (شامل الف-تعاملات نامناسب اساتید و رزیدنت ها و دانشجویان، ب-تعاملات دانشجویان با یکدیگر، ج-تعاملات نامناسب کارکنان با دانشجویان و د-جو نامناسب حاکم بر محیط آموزشی) و عوامل مربوط به محیط دیوانسالاری (الف-قوانین و مقررات نامناسب حاکم بر محیط آموزش مانند قوانین آموزشی، قانون استریت برای آزمون دستیاری، قوانین خوابگاه و ب-نحوه اعمال اقتدار از جمله گاردینگ در آموزش پزشکی) دسته بندی شد.

بحث و نتیجه گیری:

علی رغم اینکه یکی از اهداف مهم برنامه درسی رسمی دانشگاه در دوره پزشکی عمومی، نهادینه سازی ارزش های اسلامی و ایرانی برشمرده شده است. اما به نظر می رسد بعد پیش بینی نشده برنامه درسی که به آن برنامه درسی پنهان اطلاق می شود در این خصوص موانعی را به وجود می آورد و هویت یابی ارزشی دانشجویان را دچار چالشهایی می کند لذا همانطور که صفایی موحد (۱۳۹۶) بیان می کند مسئولین باید شناخت بیشتری از نقش عوامل موثر در برنامه درسی پنهان پزشکی داشته باشند و تلاش نمایند از ظرفیت های این برنامه در حوزه آموزش علوم پزشکی جهت نهادینه سازی ارزشها و اخلاقیات در دانشجویان و ارتقای فرایند یاددهی و یادگیری و توانمندسازی حداکثری دانشجویان استفاده مناسب تری نمایند و با رصد و پایش مستمر عوامل ایجاد کننده برنامه درسی پنهان در این دانشگاه و مدیریت صحیح چالشهای آن را به حداقل برسانند.

کلمات کلیدی: برنامه درسی پنهان، اخلاق، آموزش پزشکی

ارزیابی اولیه وضعیت دوره کارآموزی در دانشجویان بهداشت عمومی به منظور برنامه ریزی جهت ارتقا کیفیت کارآموزی در دانشکده علوم پزشکی بهبهان سال ۱۴۰۱

معصومه علیدوستی شهرکی^۱، الهام نژاد صادقی^۱، وحیده باهوش^۱، سیده لیلا دهقانی^۱

۱. دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

نویسنده مسئول: سیده لیلا دهقانی

مقدمه:

رشته ی بهداشت عمومی یکی از شاخه های مهم علوم بهداشتی است، دانش آموختگان پس از فراغت از تحصیل، کارشناس حرفه ای در نظام سلامت خواهند بود تا با قرار گرفتن در کنار سایر کارکنان و مدیران سلامت، مسوولیت تامین، حفظ و ارتقای سلامت جامعه را به عهده گیرند. لذا دانش آموختگان باید اطلاعات و توانمندیهای لازم را برای ایفای نقش، کسب نمایند و مجهز به مجموعه ای از علوم، مهارتها و اعتقادات باشند. بنابراین ارائه آموزش های کافی و آماده سازی آموزش های متناسب با جایگاه های سازمانی، از مسائل مهم و ضروری است که باید به آن توجه شود و در این میان کارآموزی در عرصه از اساسی ترین بخش های آموزش دانشجویان این گروه می باشد و به نظر می رسد ارزیابی شرایط، قبل از شروع کارآموزی به منظور شناسایی محتوای آموزشی و روش های آموزشی موثر برای افزایش توانمندیها و مهارت های مورد نیاز در عرصه، مفید باشد تا بر اساس آن برنامه ریزی بهتری جهت ارتقای کیفیت دوره و ایجاد مهارت های مورد انتظار در دانشجو انجام شود. لذا مطالعه حاضر با هدف ارزیابی اولیه وضعیت دوره کارآموزی در دانشجویان بهداشت عمومی در دانشکده علوم پزشکی بهبهان، مهر ماه ۱۴۰۱ انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه بصورت ترکیبی انجام شد. گروه هدف مطالعه، دانشجویان کارشناسی بهداشت عمومی ورودی سال ۹۸ بودند که ۲ هفته از شروع دوره کارآموزی در عرصه آنها گذشته بود و با رضایت کامل و بیان اصول محرمانه ماندن اطلاعات وارد مطالعه شدند، معیار ورود دانشجوی کارشناسی پیوسته و معیار خروج؛ انتقالی یا مرخصی تحصیلی دانشجو بود. ابتدا با مصاحبه نیمه ساختاریافته اطلاعات بخش کیفی جمع آوری شد و با اشباع داده ها و تکراری شدن اطلاعات، مصاحبه ها خاتمه یافت. در بخش کمی مطالعه، آزمون کتبی ارزیابی اطلاعات علمی مورد نیاز دانشجویان در محیط کار برگزار شد. بر اساس سرفصل های مربوط به دوره کارآموزی بهداشت عمومی، سوالات در حیطه واکسیناسیون، بهداشت مادر و کودک، بهداشت دهان و دندان، تغذیه، سالمندان، جوانان و مدارس، بیماری های واگیر و غیر واگیر با کمک معاونت بهداشت و واحد آموزش نیروهای بدو ورود به سیستم بهداشت، تهیه شد.

نتایج:

مشارکت کنندگان در بخش کیفی؛ ۴ دانشجو، ۳ پرسنل از مراکز بهداشتی و ۲ نفر از اساتید گروه بهداشت عمومی بودند پس از تحلیل محتوای مصاحبه ها، ۳ چالش اصلی به عنوان تم اولیه کشف شد که شامل: عدم انطباق برخی از اطلاعات دانشجویان با نیازهای محیط کار، عدم اطمینان پرسنل مراکز جهت انجام مراقبتها توسط دانشجویان، عدم همکاری پرسنل مراکز (برای کار با سامانه سیب و تزریق واکسن) بود. در بخش کمی مطالعه در مجموع ۱۹ دانشجو وارد مطالعه شدند. ۳ دانشجو پسر و ۱۶ دانشجو دختر بودند. آزمون ارزیابی اولیه شامل ۱۲۵ سوال مرتبط با سرفصل کارآموزی و اطلاعات مورد نیاز برای کار در عرصه بود و بازه نمره آزمون بین ۰ تا ۱۲۵ لحاظ شد. میانگن و انحراف معیار امتیاز کسب شده توسط دانشجویان $36/19 \pm 12/81$ و خیلی ضعیف گزارش گردید.

بحث و نتیجه گیری:

مطالعاتی کیفیت کارآموزی را از نظر دانشجویان در دانشگاه ها و در گروه های مختلف ارزیابی کرده اند و لزوم برنامه ریزی و اصلاح این فرایند را مطرح نموده اند (۱-۶) اما در عمل باید در این راستا قدمی برداشت. نتایج پژوهش حاضر در بخش کیفی مسائل و چالش ها موجود در کارآموزی دانشجویان بهداشت عمومی را مشخص کرد و منجر شد که از همان روزهای اول اقداماتی برای رفع و اصلاح مشکلات انجام شود و با رایزنی ها بین معاونت آموزش و معاونت بهداشت، همکاری واحد آموزش نیروهای بدو خدمت از سوی مرکز آموزش بهورزی جلب شد و با همکاری این واحد، همانند روند آموزش نیروهای بدو خدمت، ارزیابی اولیه با تدوین آزمون کتبی انجام شد و نتایج آزمون، آموزش های مورد نیاز برای دانشجویان جهت کار در عرصه را مشخص نمود و با کمک مرکز آموزش بهورزی کارگاه آموزشی فشرده در ۱۰ روز، جهت بازآموزی مطالب تئوری مرتبط با سرفصل ها و آموزش عملی مهارت های حرفه ای برگزار گردید. ارزیابی نهایی دانشجویان با برگزاری آزمون عملی و کتبی به پایان دوره موکول شد. امید است این فرآیند در ترم های تحصیلی بعدی نیز قبل از شروع دوره کارآموزی برای دانشجویان کارآموز انجام و مداخلات لازم صورت گیرد تا بتوان نتایج در زمینه ی میزان اثربخشی آن را بطور کامل گزارش نمود.

کلمات کلیدی: ارزیابی، کارآموزی، بهداشت عمومی، دانشجو، بهبهان.

مقایسه اثربخشی محتوای متنی-تصویری و محتوای صوتی-تصویری در آموزش الکترونیکی مدیریت انسداد راه هوایی دانشجویان پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان

دریا حسامی^۱، بهاره قدمی^۱، پرویز فتوحی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

نویسنده مسئول: دریا حسامی

مقدمه:

روش های آموزش و یاددهی تاثیر بسزایی در علاقه مندی به یادگیری و پیشرفت دارد به کارگیری ابزارهای مناسب آموزش برای انتقال پیام به مخاطبان یک ضرورت انکارناپذیر است. طی سال های اخیر توجه زیادی به روش های نوین در امر آموزش شده است، از مهمترین این روش ها آموزش الکترونیک می باشد که به مجموعه فعالیت های آموزشی گفته می شود که با استفاده از ابزارهای الکترونیکی اعم از صوتی، تصویری، و... صورت می گیرد. اینفوگرافیک ها که از محتوای متنی-تصویری هستند اطلاعات را در فضای محدود ارائه می دهند و خوانندگان را به خواندن تشویق می کنند، یکی دیگر از روش های فعال آموزش استفاده از فیلم آموزشی می باشد، برخی از مزایای آن، یادگیری گروهی، تکرار تجربه یادگیری، صرفه جویی هزینه و زمان، ایجاد انگیزه و افزایش خلاقیت می باشد. این مطالعه با هدف مقایسه اثربخشی محتوای متنی-تصویری و محتوای صوتی-تصویری در آموزش الکترونیکی مدیریت انسداد راه هوایی دانشجویان پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان انجام گرفت.

مواد و روش ها:

این پژوهش به صورت توصیفی-پیمایشی انجام شده است. در راستای آموزش های علمی بالینی موثر به دانشجویان علوم پزشکی، محتوای متنی-تصویری (اینفوگرافیک) و محتوای صوتی-تصویری (فیلم) مدیریت انسداد راه هوایی به زبان ساده که محتوی متن و مباحث آموزشی از منابع علمی معتبر و مورد تایید اساتید گروه هوشبری به صورت کاملا یکسان بوده است. هر دو محتوی که ۴۸ ساعت به صورت همزمان (بر اساس اصول همزمانی محتوای مایر) در کانال اجتماعی اطلاع رسانی دانشکده بارگذاری و سپس پرسشنامه به صورت آنلاین قرار داده شد. جامعه آماری شامل ۴۲۰ نفر از دانشجویان دانشکده پیراپزشکی که عضو کانال بوده اند. که ۱۱۸ نفر از آنان پس از مشاهده هر دو محتوی پرسشنامه مرتبط را تکمیل نمودند. برای جمع آوری داده، با توجه به اینکه هدف، سطح یک (واکنش) از الگوی سطحی کرک پاتریک بود، پرسشنامه ۲۲ سوالی که شامل ۱۱ سوال اثربخشی محتوای اینفوگرافیک و ۱۱ سوال اثربخشی فیلم آموزشی با پرسشنامه شعبانی و همکاران در ۵ سطح لیکرت از کاملا موافق تا کاملا مخالف استفاده شده است که روایی و پایایی آن نیز تأیید شده است. در این مطالعه پایایی پرسشنامه

با آلفای کرونباخ برای اینفوگرافیک ، ۰/۸۲۷ و فیلم ۰/۹۱۱ می باشد. آنالیز داده ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون کای دو با نرم افزار spss ۲۶ انجام گرفت.

نتایج:

% ۶۲/۷ دانشجویان زن و میانگین سنی $۳/۵۸ \pm ۲۲/۹۸$ بوده اند. آزمون آماری نشان داد که سطح معناداری sig اینفوگرافیک برابر با ۰/۰۰۰ و مقدار آماره مربع کای ۶۳/۳۷ و برای فیلم به ترتیب ۰/۱۰۲ و ۳۷/۸۱۴ می باشد. ($p > 05/0$) در خصوص درصد رضایت مندی دانشجویان از اینفوگرافیک و فیلم به ترتیب در خصوص سوالات صرف کمترین زمان برای درک مفاهیم ۷۸% و ۶۷%، افزایش سطح دانش بعد از استفاده ۸۴/۷% و ۷۵/۴%، رضایت بخشی کل محتوا ۷۹/۶% و ۷۸/۶% می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

طبق نتایج پژوهش، محتوی اینفوگرافیک در سطح واکنش مدل کریک پاتریک اثربخش بوده است ولی فیلم آموزشی اثربخشی لازم را نداشته است. شاید علت این امر محتوی ساده و خلاصه اینفوگرافیک می باشد که دانشجویان دسترسی سریع تری به دانش دارند. البته رضایت مندی دانشجویان از هر دو محتوی بالا می باشد. از محدودیت های مطالعه، مشکلات اینترنت و عدم دسترسی بروز دانشجویان به شبکه اجتماعی و با امکانات کامل جهت ارائه محتواهای الکترونیک می باشد. پیشنهاد می گردد که استفاده از آموزش الکترونیک و محتواهای با حجم کم و استفاده از تصاویر بجای متن بلند که اثربخشی بالا و مقبولیت بیشتری دارد، توسط دانشجویان تحت نظر اساتید استفاده گردد. می توان با ارائه گروه های آموزش الکترونیک یا نرم افزارهای مرتبط که دانشجویان به صورت مستمر آموزش داده شده و از روش های مختلف آموزشی استفاده شده و بتوان فرآیند کامل آموزش براساس الگوی کرک پاتریک (واکنش، یادگیری، رفتار و نتیجه) را ارزیابی و روش های موثر آموزشی را در جامعه دانشجویان علوم پزشکی شناسایی نمود.

کلمات کلیدی: اثربخشی، آموزش الکترونیک، فیلم، اینفوگرافیک

تاثیر استفاده از بازی وارسازی بر یادگیری و نگرش نسبت به درس آمار در دانشجویان دانشکده بهداشت

آسیه عشوری^۱، مهرانوش خشنودی فر^۱، ماهدخت طاهری^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نویسنده مسئول: مهرانوش خشنودی فر

مقدمه:

با توجه به اهمیت یادگیری درس آمار و ضرورت بهبود آموزش و عملکرد تحصیلی فراگیران در این زمینه، استفاده از رویکردهای جدید و پتانسیل آنها می تواند کمک کننده باشد. بازی وار سازی از جمله استراتژی های جدید آموزشی مورد توجه در سال های اخیر است. بازی وار سازی، استفاده از عناصر طراحی بازی، در زمینه های غیر بازی است. هدف از مطالعه ی حاضر بررسی تاثیر استفاده از بازی وار سازی بر نگرش و یادگیری مبحث آزمون فرضیه آماری درس آمار در مقایسه با رویکرد یادگیری الکترونیکی رایج در دانشجویان مقطع کارشناسی رشته های بهداشت است.

مواد و روش ها:

در یک مطالعه ی نیمه تجربی، تمام دانشجویانی که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ واحد درسی آمار زیستی را در مقطع کارشناسی در دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گیلان دریافت کرده بودند (تعداد = ۶۴) وارد مطالعه شدند و به صورت خوشه ای (کلاسی) و غیر تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تخصیص یافتند. هر دو گروه محتوای آموزشی مبحث آزمون فرضیه ی آماری را در سامانه نوید دریافت کردند، به همراه آن فعالیت های یاددهی- یادگیری در گروه کنترل به شیوه مرسوم حل مساله و در گروه مداخله به صورت بازی وار سازی شده ارائه شد. طراحی و تولید فعالیت های یاددهی - یادگیری بازی وارسازی شده مطابق با نظریه ی یادگیری بازی سازی شده ی لندرز و شامل عناصر امتیاز، سطح، چالش، جدول امتیازات و روایت با استفاده از نرم افزار استوری لاین ۳۶۰ انجام شد. پیش از مداخله، مشخصات جمعیت شناختی و نگرش دانشجویان نسبت به درس آمار با استفاده از پرسشنامه SATS-36 (Schau و همکاران، ۲۰۰۳) ثبت شد. پس از اجرای مداخله نیز، علاوه بر ثبت مجدد نگرش نسبت به درس آمار، یادگیری مبحث آزمون فرضیه ی آماری در دو گروه با استفاده از یک آزمون محقق ساخته ی روا و پایا اندازه گیری شد. همچنین تجربه ی کاربری محتوای بازی وار سازی شده با استفاده از پرسشنامه ی EGameFlow (Fu و همکاران، ۲۰۰۹) در گروه مداخله اندازه گیری شد. جهت تحلیل داده ها از آزمون تی دو نمونه ی مستقل و تحلیل کوواریانس در نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد.

نتایج:

۶۴ دانشجو شامل ۵۹ دختر (۸۱ درصد)، با متوسط سن ۲۰/۵ سال (دامنه ی ۱۹ تا ۲۳) وارد مطالعه شدند. در ابتدای مطالعه دو گروه از نظر هیچ یک از مشخصات دموگرافیک و نگرش نسبت به درس آمار تفاوت معنی داری نداشتند. پس از مداخله، میانگین نمره ی نگرش دانشجویان از نظر دشواری درس آمار در گروه مداخله به طور معنی داری بهتر از گروه کنترل بود ($P=0/019$) و در سایر ابعاد نگرش عاطفی، توانایی درک، ارزش، علاقه مندی و تلاش تفاوت معنی داری بین دو گروه وجود نداشت (برای تمام موارد $P>0/05$). البته بازی وار سازی اثری متوسط ($\eta^2=0/099$) بر بهبود نگرش نسبت به دشواری درس آمار و اثری ضعیف بر بهبود نگرش نسبت به ارزش ($\eta^2=0/051$) و توانایی درک ($\eta^2=0/012$) درس آمار داشت. یادگیری بین دو گروه تفاوت معنی داری نداشت ($P=0/522$). تجربه ی کاربری محتوای بازی وار سازی شده از نظر دانشجویان در تمام ابعاد تمرکز، شفافیت هدف، بازخورد، چالش، کنترل، غوطه وری، تعامل اجتماعی و بهبود دانش بالاتر از حد متوسط بوده و داده ها نشان داد که نمره ی یادگیری دانشجویان با تجربه ی کاربری آنها در ابعاد بازخورد ($r=0/583$, $P=0/001$)، تمرکز ($r=0/509$, $P=0/005$) و چالش ($r=0/23$, $P=0/421$) همبستگی خطی مستقیم و معنی داری دارد.

بحث و نتیجه گیری:

علیرغم اینکه استفاده از بازی وار سازی در فعالیت های یاددهی - یادگیری نسبت به روش مرسوم، منجر به افزایش معنادار یادگیری در مقایسه ی دو گروه با یکدیگر نشد، اما موجب بهبود نگرش دانشجویان از نظر دشواری درس آمار گردید و بر نگرش دانشجویان نسبت به ارزش درس آمار و توانایی درک آن موثر بود. از آنجا که بهبود نگرش می تواند پتانسیلی جهت بهبود یادگیری فراهم کند، مطالعات بزرگتری در این زمینه جهت ارزیابی تاثیر و بهینه سازی طراحی بازی وارسازی در یادگیری درس آمار پیشنهاد می گردد. همچنین پیشنهاد می شود در طراحی بازی وارسازی آموزشی به ترتیب ابعاد بازخورد، تمرکز و چالش که با بهبود یادگیری فراگیران ارتباط داشتند، بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: بازی وارسازی، درس آمار، یادگیری، نگرش، دانشجویان

سنجش میزان هوش عاطفی دانشجویان رشته پزشکی و پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

سمیه ابن رومی^۱، نازنین جعفری^۱، آزاده عازمیان^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

نویسنده مسئول: آزاده عازمیان

مقدمه:

بسیاری از یادگیری‌ها نیازمند داشتن مهارت‌های اجتماعی و هیجانی می‌باشند. توجه به پرورش و ارتقاء هوش هیجانی یا عاطفی در هر گروهی می‌تواند منجر به مسئولیت‌پذیری بیشتر و عملکرد بهتر افراد شود. در حقیقت این هوش مشتمل بر شناخت احساسات خویش و دیگران و استفاده از آن برای اتخاذ تصمیمات مناسب در زندگی است. در حوزه پزشکی، مهارت‌های مورد نیاز یک پزشک یا پرستار شامل گوش دادن، ایجاد اطمینان در جهت حفظ اسرار بیمار، نشان دادن همدلی التیام در بیمار است که تنها با کسب علم امکان‌پذیر نیست و اینها مهارت‌هایی هستند که نشانه هوش عاطفی پزشک یا پرستار می‌باشد. بررسی‌های نشان می‌دهد در محیط دانشگاهی، هنوز هدف‌های آموزشی، روش‌های تدریس و ارزشیابی دانشجویان، مبتنی بر یادسپاری حجم عظیمی از مطالب جزوه و کتاب‌هاست و تحلیل، تفکر و استدلال، روابط بین فردی، کنترل تکانش که از ابعاد هوش عاطفی و هیجانی هستند، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو مطالعه حاضر با هدف سنجش میزان هوش عاطفی دانشجویان رشته پزشکی و پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش از حیث هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از حیث روش از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان رشته پزشکی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود با توجه به حجم جامعه مزبور، از بین آنان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، نمونه مورد نیاز انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌های تحقیق حاضر پرسشنامه است. پرسشنامه بکاررفته در این تحقیق، پرسشنامه هوش عاطفی کراون (۲۰۰۷) است. این پرسشنامه ۲۵ سوال را در ۵ بعد می‌سنجد (ابعاد شامل: خودآگاهی، مدیریت بر عواطف، همدردی، مهارت اجتماعی و انگیزه). پایایی پرسشنامه نیز به کمک ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که ضریب آلفای کل پرسشنامه ۰/۸۳ بدست آمد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، اطلاعات موجود در پرسشنامه‌ها کدگذاری و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ تحت ویندوز مورد تحلیل آماری قرار گرفت. ضمناً سطح معناداری فرضیه‌های تحقیق ($\alpha=0/05$) در نظر گرفته شد.

نتایج:

یافته های تحقیق نشان داد میانگین هوش عاطفی دانشجویان رشته پزشکی ۸۹/۶۲ و میانگین هوش عاطفی دانشجویان رشته پرستاری ۸۸/۵۷ که خوب ارزیابی می شود. از طرف دیگر بررسی ها نشان داد که بین میزان هوش عاطفی دانشجویان رشته پزشکی و پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تفاوت معنی داری وجود ندارد. ($Pvalue > 0.05$) همچنین با توجه $Pvalue$ های بدست آمده، ارتباط بین هوش عاطفی و سن در دانشجویان پزشکی (۰/۹۵۶ بزرگتر از ۰/۰۵)، بین هوش عاطفی و سن در دانشجویان پرستاری (۰/۹۶۱ بزرگتر از ۰/۰۵)، ارتباط بین هوش عاطفی و جنسیت در دانشجویان پزشکی (۰/۹۸۹ بزرگتر از ۰/۰۵)، بین هوش عاطفی و جنسیت در دانشجویان پرستاری (۰/۱۲۸ بزرگتر از ۰/۰۵)، ارتباط بین هوش عاطفی و مقطع تحصیلی در دانشجویان پزشکی (۰/۴۲۶ بزرگتر از ۰/۰۵) و نهایتاً بین هوش عاطفی و مقطع تحصیلی در دانشجویان پرستاری (۰/۰۶۹ بزرگتر از ۰/۰۵) معنی دار نبود.

بحث و نتیجه گیری:

یافته های بدست آمده نشان داد که در نمونه مورد مطالعه بین دانشجویان رشته های پزشکی و پرستاری از حیث هوش عاطفی تفاوت معنی داری وجود ندارد. که به نظر میرسد با توجه به بالینی بودن دانشجویان، حضور در بالین و آموزش بالینی نقش مهمی در آن داشته باشد. همچنین، مبتنی بر این یافته می توان اینگونه عنوان کرد که می توان به دور از هرگونه تفکیکی، بصورت جمعی و گروهی نسبت به برگزاری دوره های آموزشی ارتقای سطح هوش عاطفی (با عنایت به این مهم که این هوش اکتسابی است) اقدام نمود. همچنین نظر به اینکه ارتباطی بین نمرات هوش عاطفی و متغیرهای جمعیت شناختی جنسیت، سن و مقطع تحصیلی یافت نشده است، این نتیجه بیانگر آن است که در نمونه مورد مطالعه اساساً از حیث متغیر هوش عاطفی بایستی به سایر عوامل دقت شود و مورد بررسی قرار گیرد. مثل تاثیر فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی توجه کرد. از اینرو نیاز است برای بهبود و ارتقای سطح تعمیم بخشی یافته های این تحقیق، پژوهشی مشابه با آن در مقیاسی بزرگتر و با حجم نمونه ای بیشتر مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد تا بهتر بتوان قضاوت نمود.

کلمات کلیدی: هوش عاطفی، دانشجویان پزشکی، پرستاری

بررسی موانع و عوامل تسهیل کننده یادگیری مهارت بالینی از دیدگاه دانشجویان بالینی دندانپزشکی در پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

نازنین جعفری^۱، سمیه ابن رومی^۱، آزاده عازمیان^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

نویسنده مسئول: آزاده عازمیان

مقدمه:

محیط بالینی بعنوان اثر گذارترین بافت آموزشی برای کسب مهارت‌های بالینی و دانش یاد می شود و رشته دندانپزشکی یکی از رشته های مهم علوم پزشکی و توام با مهارت‌های عملی فراوان است. و بدیهی است کیفیت آموزش بالینی این رشته بتاثیر مستقیم بر سلامت دهان و دندان در جامعه دارد. توجه به این نکته ضروری است که شناسایی مسایل موجود در آموزش بالینی و اقدام در جهت اصلاح آنها موجب دستیابی به اهداف آموزشی و ارتقاء کیفیت آموزش می شود. هدف از این پژوهش بررسی دیدگاه دانشجویان بالینی دندانپزشکی در زمینه شناسایی موانع و عوامل تسهیل کننده در آموزش بالینی آنها بوده است.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی است که در سال ۱۴۰۱ انجام شد جامعه و نمونه های پژوهش را کلیه دانشجویان دندانپزشکی در مقطع بالینی در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تشکیل دادند. روش نمونه گیری بصورت سرشماری انجام گردید و ۳۱ نفر از مشارکت کنندگان مبادرت به پر کردن پرسشنامه نمودند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته که پس از بررسی متون و منابع کتابخانه ای سوالات آن طراحی گردید استفاده شد. روایی صوری و محتوی پرسشنامه توسط ۱۰ نفر از اعضاء هیئت علمی انجام و اصلاحات لازم بر روی پرسشنامه صورت گرفت. پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرنباخ ارزیابی و این ضریب برابر ۰/۷۲ محاسبه شد. پرسشنامه شامل ۲ بخش بود. ۱- مشخصات دموگرافیک ۲- پرسشنامه مربوط به عوامل تسهیل کننده عوامل بازدارنده بود که در حیطه های ویژگیهای اساتید (۹ سوال)، ارتباط اساتید و دانشجویان (۹ سوال)، آموزش توسط اساتید و مربی و پرسنل در بخش (۸ سوال)، ارتباط بیمار و دانشجو (۴ سوال)، رضایت دانشجو از وجود قوانین در بخش (۷ سوال)، وجود امکانات دانشگاهی و بیمارستانی (۹ سوال)، ارتباط پرسنل و دانشجو (۸ سوال)، و نحوه ارائه دروس تئوری و عملی (۶ سوال) و ویژگی های دانشجو (۴ سوال) تدوین گردیده بود و از مقیاس رتبه ای ۵ درجه ای از کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱ امتیاز بندی شده بود. از مقیاس رتبه ای ۵ درجه ای برای دستیابی به نگرش شرکت کنندگان استفاده شد. جمع امتیازات کسب شده در سوالات مربوط به سنجش نگرش پس از نمره دهی به هر سوال بر اساس بار ارزشی آن بر مبنای ۱۰۰٪ به ۴ طبقه نگرش کاملاً مثبت (۱۰۰-

۸۰)، مثبت (۶۰-۸۰) نظری ندارم (۴۰-۶۰) و کمتر از ۴۰ مخالفم تقسیم گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار spss و با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و جداول توزیع فراوانی و آمار استنباط (تی تست مستقل و همبستگی پیرسون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

نتایج نشان داد بیشتر دانشجویان مرد (۶۵/۵٪) و مجرد (۹۰/۳٪) بودند ۷۴/۲٪ از دانشجویان به رشته خود علاقه داشتند. ۹۳/۵٪ از دانشجویان اعتماد به نفس خود دانشجو را بعنوان عامل مهم در تسهیل یادگیری وی می دانستند. همچنین ۹۰/۳٪ از دانشجویان خوشرویی استاد را در پاسخ به دانشجو مهمترین عامل تسهیل گر در آموزش بالینی خود می دانستند. ۹۰/۴٪ احساس مسئولیت اساتید در امر آموزش بالینی خود را مهم می دانستند و ۹۶/۸٪ از دانشجویان مهمترین عامل بازدارنده در آموزش خود را کمبود Case های بالینی بیان کردند. ۹۳/۶٪ مانع مهم دیگر در آموزش بالینی را وجود استرس بیان کردند. همچنین ۸۳/۱۹٪ مهمترین عامل بازدارنده را عدم وجود بخش های استاندارد و امکانات مناسب می دانستند. تفاوت معنی داری بین میانگین نمرات عوامل تسهیل کننده و بازدارنده با مشخصات دموگرافیک دانشجویان دیده نشد.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج پژوهش شناسایی مشکلات آموزش بالینی، جذب دانشجو متناسب با شرایط و امکانات تحصیلی ضمن اقدام در جهت رفع و اصلاح مشکلات و همچنین تقویت عوامل تسهیل کننده یادگیری در محیط بالینی موجب افزایش بهره وری و در نهایت تربیت افراد ماهر و ارائه خدمات مراقبتی با کیفیت بالا می شود.

کلمات کلیدی: تسهیلات، موانع، دندانپزشکی



بازی وارسازی درس فارماکولوژی تخصصی دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان

عرفان جودکی رادا، فخرالسادات میرحسینی^۱، علی صادقی ورزقان^۱، اکرم نخع پورا^۱، محمد شبانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: فخرالسادات میرحسینی

مقدمه:

یکی از دغدغه‌های اصلی نظام دانشگاهی، عدم رشد بعد کیفی آموزش نسبت به رشد کمی آن می‌باشد. عوامل متعددی از جمله استفاده از روش‌های تدریس مناسب، استفاده از شیوه‌های مناسب طراحی آموزشی، انتخاب فرایند اصولی در انتخاب و ارائه محتوا، بر اثربخشی آموزشی موثر است. یکی از روش‌های آموزشی در علوم پزشکی، یادگیری مبتنی بر مساله است که بر رویکرد سازنده گرایی تاکید دارد. از الگوهای برجسته در این زمینه، می‌توان به الگوی مریل اشاره کرد. گفتنی است طراحی آموزشی مساله محور مبتنی بر بازی، علاوه بر ایجاد فضای مناسب برای یادگیری تیمی، انگیزه را نیز افزایش می‌دهد. هدف از مطالعه حاضر، آموزش درس فارماکولوژی تخصصی دانشجویان آموزش هوشبری می‌باشد.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه مقطعی در سال ۱۴۰۰ انجام پذیرفت. جامعه هدف، دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان بودند. برای آموزش فارماکولوژی بیهوشی، ۵ اصل مهم الگوی مریل در نظر گرفته شد. در اصل اول، میزان آگاهی دانشجویان از موضوع آموزشی (فارماکولوژی کتاب میلر)، با توجه به ارزیابی‌های تکوینی ترم تحصیلی، مشخص شد. در اصل دوم، سه هدف شناختی مورد انتظار از فراگیران نگاشته شد و برای هر کدام از آن‌ها، فعالیت‌های لازم صورت گرفت. طبق تصمیم پنل خبرگان برای پیش برد اصل سوم، ارائه محتوا آموزشی به شکل پرسش و پاسخ از فراگیران در قالب بازی مارپله اتخاذ شد. در ادامه نیز قوانین بازی، تجهیزات لازم، سوالات بازی در سه سطح شناختی و فعالیت عملی مورد انتظار مشخص شد. گفتنی است برای طراحی سوالات چهارگزینه‌ای از چک لیست میلمن استفاده شد. برای دستیابی به اصل چهارم، سوالات پرسیده از فراگیران، توسط متخصصین بیهوشی حاضر در جلسه، مورد تحلیل قرار گرفته و نمونه‌های بالینی عنوان شد. همچنین پرسشنامه‌ای، جهت ارزیابی بازی تنظیم شد. در اصل پنجم، مریل چهار روش را در ارائه و ارزشیابی آموزش پیشنهاد می‌کند. با تعیین تعداد سوالات هر فصل، روش دقیق نمره‌دهی، استفاده از منابع بین المللی برای طراحی سوالات، سعی شد چهار اصل تفکیک، تنوع مثال، همتاسازی و سطح دشواری رعایت شود.

نتایج:

با در نظر گرفتن اصول مهم الگوی مریل، ۱۰۰ سوال چهارگزینه ای تحت نظر پنل خبرگان طراحی شد. در روز اجرای بازی، قوانین بازی مجدداً برای فراگیران شرح داده شد. بازی با حضور سه گروه دو نفره برگزار شد. سوالات، در چارچوب قوانین بازی، پرسیده شدند؛ در نهایت یک گروه، با عبور از سه سطح آسان، متوسط، دشوار و انجام مهارت عملی در زمان مقرر، به عنوان برنده شناخته شد. میانگین نمره کسب شده توسط سه گروه، ۸۷ شد. بعد از مشخص شدن تیم‌های اول، دوم و سوم، گروه‌ها، دانش‌های جدید کسب شده را با تیم داوری متشکل از متخصصین بیهوشی و متخصص آموزش پزشکی به اشتراک گذاشتند. در نهایت مشخص شد ۵ سوال طراحی شده، در منابع مختلف، دارای جواب‌های متفاوت هستند. فراگیران از ساختار و هیجان بازی رضایت ۱۰۰٪ و از نوع سوالات طراحی شده، ۶۶٪ رضایت داشتند. یک نفر از فراگیران، زمان تعیین شده را کافی نمی‌دانست. همچنین در قسمت پیشنهادات پرسشنامه، فراگیران خواستار ادامه این روند در آموزش فارماکولوژی بیهوشی شدند.

بحث و نتیجه گیری:

این مطالعه با هدف آموزش فارماکولوژی بیهوشی و با تاکید بر بازی‌وارسازی اجرا شد در آموزش علوم پزشکی، موضوعات متفاوتی وجود دارد که می‌توان جهت بازی‌وارسازی از آن استفاده نمود. پیشنهاد می‌گردد اجرای این روش، به عنوان الگو در رشته‌ها و دروس مختلف دانشگاه و در سبک‌های متفاوت اجرا شود.

کلمات کلیدی: بازی‌وارسازی، فارماکولوژی، مارپله، بیهوشی، مریل



بررسی ارتباط تفکر تأملی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان مقطع اینترنی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

صدیقه مختارپور^۱، سید علی اکبر فقیهی^۱، مریم کمالی^۱، آتیه حبیبی^۱، مارال استوارفر^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

نویسنده مسئول: سید علی اکبر فقیهی

مقدمه:

یادگیری توأم با تفکر تأملی به عنوان یک کار آزردهنده در مسیر شکل دادن به دانش محتوایی در یک حیطه موضوعی خاص تلقی میگردد. با این وجود، دلایل منطقی وجود دارد که چرا بایستی یادگیری توأم با تفکر تأملی مهم شمرده شده و در ارزیابی دانشجویان گنجانده شود. تفکر تأملی نشان دهنده یادگیری عمیق است و در جایی که فعالیتهای یاددهی-یادگیری از قبیل تفکر تأملی وجود ندارد، صرفاً یادگیری سطحی حاصل میگردد. مطالعه حاضر با هدف بررسی و تعیین ارتباط تفکر تأملی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان مقاطع اینترن دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام پذیرفت.

مواد و روش‌ها:

در این پژوهش توصیفی-مقطعی تعداد ۲۱۵ دانشجوی اینترن دانشگاه علوم پزشکی شیراز مورد مطالعه قرار گرفتند. در این پژوهش به منظور بررسی و اندازه گیری تفکر تأملی، از پرسشنامه تفکر تأملی که توسط کمبر و لیونگ در سال ۲۰۰۰ میلادی طراحی شده، استفاده گردید. همچنین برای بررسی پیشرفت تحصیلی معدل ترم قبل دانشجویان سنجیده شد. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ بررسی و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

نتایج:

در کل ۲۱۵ شرکت کننده به این مطالعه وارد شدند که میانگین سنی آن ها 25.16 ± 0.979 سال می باشد بود حدود ۴۹/۸٪ از شرکت کنندگان مرد و ۵۰/۲٪ آنها خانم بودند. میانگین نمره ی تفکر تأملی در بین شرکت کنندگان برابر 55.46 ± 12.226 بود. در این مطالعه پیشرفت تحصیلی در آقایان بطور معناداری بیش از خانم ها بود و با سن ارتباط معناداری نداشت. دانشجویان پسر نمره های بیشتری در پرسشنامه تفکر تأملی کسب کردند و تفاوت جنسیتی در زیرحوزه های تفکر انتقادی، فهم، و تأمل معنادار بود. پیشرفت تحصیلی و تفکر تأملی و تمام زیرحوزه های آن ارتباط خطی معناداری داشتند. در این مطالعه همچنین مدلسازی برای پیشبینی پیشرفت تحصیلی با زیرمؤلفه های تفکر تأملی انجام شد که از نظر آماری پیامد مطلوبی داشت.

بحث و نتیجه گیری:

در این مطالعه نتیجه گرفتیم که تفکر تأملی و زیر مؤلفه های آن شامل تفکر انتقادی، عمل عادت‌مند، فهم، و تأمل با پیشرفت تحصیلی ارتباط خطی معنادار دارند

کلمات کلیدی: تفکر تأملی، پیشرفت تحصیلی، اینترن



طراحی و تولید انیمیشن‌های سه بعدی ویدئویی تعاملی وایر بندینگ ارتودنسی

آذین نوریان^۱، مصطفی شیخی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

نویسنده مسئول: مصطفی شیخی

مقدمه:

فرایند یادگیری و دسترسی به اطلاعات در دهه ی گذشته به سرعت دچار تغییر شده است. با رشد فناوری اطلاعات، روش های سنتی آموزش که در حال حاضر در حال اجرا هستند به تنهایی قادر به برآورده کردن نیازهای آموزشی نسل جدید دانشجویان نیستند. شیوع ناگهانی کووید-۱۹، حوزه تعلیم و تربیت را تحت تأثیر خود قرار داد. با شروع اپیدمی کووید-۱۹ در سراسر جهان، پروتکل‌های بهداشتی بر رعایت فاصله-گذاری اجتماعی تأکید کردند. در این راستا در بسیاری از کشورها از جمله در کشور ما، برای کاهش شیوع ویروس کرونا آموزش های حضوری در دانشگاه ها تعطیل شد. بنابراین استفاده از روش های نوین آموزش مانند آموزش به وسیله محتوای الکترونیکی ضروری است. از جمله این موارد استفاده از انیمیشن به عنوان محتوای الکترونیکی پیشنهاد شده است. یکی از انواع انیمیشن‌های سه بعدی، انیمیشن ویدئویی تعاملی است. برتری و ویژگی منحصر به فرد انیمیشن سه بعدی ویدئویی تعاملی نسبت به سه بعدی ساده امکان جابجایی دیدگاه و زوایای دید دوربین توسط کاربر بصورت شخصی سازی شده حین اجرای انیمیشن به همراه امکان زوم، مکث و ادامه پخش انیمیشن است که بررسی و یادگیری بهتر آموزش را فراهم می کند. انیمیشن تعاملی به کاربران اجازه می دهد تا دیدگاه اول یا سوم شخص داشته باشند و در یک فضای سه بعدی حرکت کرده یا اشیاء را دستکاری کنند و در عین حال فعالانه تصمیم بگیرند که کدام اقدامات را در شرایط واقعی انجام دهند. بنابراین بر آن شدیم تا برای اولین بار در کشور در رشته دندانپزشکی دروس وایر بندینگ واحد ارتودنسی عملی ۱ را در قالب انیمیشن‌های سه بعدی ویدئویی تعاملی طراحی، اجرا و مورد ارزشیابی قرار دهیم.

مواد و روش‌ها:

بر اساس اصول طراحی آموزشی ADDIE به شرح زیر انجام شد. تحلیل (Analysis): مخاطبان استفاده از این محصول آموزشی دانشجویان ترم ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی زنجان است که واحدهای عملی ارتودنسی ۱، ۲، ۳ و ۴ را انتخاب نموده اند. نیاز آموزشی آنها کسب مهارت‌های وایر بندینگ تعیین شد. طراحی (Design): انیمیشن‌های سه بعدی تعاملی از مباحث خم کردن اجزای سیمی در ۳ مجموعه (Z spring، Adams clasp، Labial bow) طراحی شد. تهیه و تولید (Development): شبیه سازی و طراحی گرافیکی انیمیشن سه بعدی ویدئویی تعاملی با نرم افزارهای ۳ D انجام شد. اجرا (Implementation): محتوای تهیه شده بصورت پایلوت در اختیار ۱۸ نفر از دانشجویانی که واحد درسی

ارتودنسی عملی ۲ را در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ انتخاب نموده بودند و در ترم گذشته واحد ارتودنسی عملی ۱ را سپری کرده بودند بر حسب تمایل و داوطلبانه شرکت داده شدند ارائه شد. ارائه محتوا در یک جلسه حضوری جهت دریافت نقد و بازخورد از دانشجویان انجام شد. ارزشیابی (Evaluation) در سطح اول (واکنش) مدل کرک پاتریک به دو روش، بررسی رضایتمندی دانشجویان از کیفیت محصول آموزشی با استفاده از پرسشنامه استاندارد (QUIS (Questionnaire of Users Interface Satisfaction)، بررسی میزان رضایت دانشجویان از تدریس توسط انیمیشن سه بعدی ویدئویی تعاملی با استفاده از پرسشنامه رضایتمندی از روش تدریس انجام شد.

نتایج:

تعداد ۱۸ نفر (۱۱ مرد و ۷ زن) از دانشجویان ورودی ۹۸ و ۹۷ که داوطلبانه و بصورت نمونه در دسترس در مطالعه پایلوت شرکت نمودند. نتایج نشان داد در هر ۵ حیطه پرسشنامه استاندارد QUIS شامل ویژگی های صفحه نمایش، واژگان و فناوری اطلاعات، یادگیری، قابلیت های سیستم، تاثیرات کلی مقادیر میانگین و انحراف معیار بدست آمده بیشتر از حد متوسط ۵ بود و بنابراین دانشجویان از کیفیت محصول آموزشی رضایت بالایی داشتند. نتایج پرسشنامه رضایتمندی از روش تدریس نشان داد که اکثر دانشجویان میزان رضایت بالایی (بالتر از ۷۰٪) از روش تدریس با محصول آموزشی تهیه شده داشتند

بحث و نتیجه گیری:

محتوای انیمیشن سه بعدی ویدئویی تعاملی تهیه شده، به خوبی توانسته است در جلب رضایت دانشجویان از کیفیت محصول آموزشی و روش تدریس مبتنی بر انیمیشن موفق باشد. بنابراین به عنوان یک ابزار کمک آموزشی در کنار آموزش متداول و در شرایط بحرانی مانند پاندمی کووید-۱۹ می تواند به عنوان جایگزین آن استفاده شود.

کلمات کلیدی: آموزش، انیمیشن، ارتودنسی

نگرش دانشجویان به روش تدریس سخنرانی با نمایش کتاب مرجع در مقایسه با روش تدریس با پاورپوینت

داود خضرلو^۱، ناصر قربانیان^۱، سیدرضا مودب^۱، مارال رضائی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: داود خضرلو

مقدمه:

شواهد علمی چندانی در مورد اثربخش بودن آموزش بطریق پاورپوینت وجود ندارد. غیراستاندارد بودن اسلایدها و عادات اشتباه فراگیران در عدم مراجعه به کتب مرجع و اکتفا به مطالعه فقط از روی اسلایدها نه تنها باعث کاهش یادگیری میشود، بلکه میتواند دیدگاه فراگیران را نسبت به مهارت تدریس کاهش دهد. در صورتیکه نتایج مطالعات قبلی نشان داد که تفاوتی در میزان یادگیری در ارائه با پاورپوینت و بدون پاورپوینت وجود ندارد. پاورپوینت به دلیل محدودیت های ذاتی که دارد یادگیری و تعمق را کاهش می دهد؛ همه فراگیران قبل از اینکه سخنرانی مدرس پیرامون اسلایدی که نمایش می دهد شروع شود، نکات نوشته شده در پاورپوینت را خوانده و تمام می کنند. ساده سازی اسلاید با نوشتن فقط بولت (تیترا) مانع از ایجاد "طرحواره" یا ایجاد ارتباط بین اطلاعات در مخاطب می شود. پاورپوینت می تواند ذهن شنوده را منفعل کرده و ذهن را بوسیله جلوه های بصری به هر مسیری که میخواهد هدایت کند. مطالعات نشان داده اند که در آموزش آندراگژی پاورپوینت فراگیران را به انفعال سوق میدهد. بنابراین به نظر می رسد تدریس سخنرانی سنتی با نمایش کتاب مرجع می تواند چالشهای پاورپوینت را رفع نموده و فراگیران را ملزم به مطالعه کامل کتاب مرجع نماید. هدف از این پژوهش بررسی دیدگاه فراگیران درباره دو روش تدریس مختلف می باشد.

مواد و روش ها:

این پژوهش یک مطالعه توصیفی می باشد. جامعه آماری شامل ۳۵ نفر از فراگیران مقطع کارشناسی بودند. طی دو نیمسال متوالی نصف محتوی دو درس مختلف توسط یک مدرس به صورت سخنرانی سنتی با نمایش متن کتاب مرجع، و نصف دیگر بوسیله نمایش پاورپوینت تدریس شدند. ابزار اندازه گیری هدف این پژوهش پرسشنامه بررسی نگرش فراگیران بود. گویه های پرسشنامه بر اساس مرور پژوهش های مرتبط با موضوع ارزشیابی روش تدریس انتخاب شدند؛ پرسشنامه نهایی دارای ۲۴ گویه بودند که ۱۹ گویه در زمینه نگرش فراگیران نسبت به مهارت تدریس، و ۵ گویه دیگر مربوط به نگرش فراگیران نسبت به نقش تدریس در ایجاد تفکر انتقادی بودند. اعتبار پرسشنامه ها با مشارکت فعال ۳

خبره و دو دانشجوی کارشناسی ارشد بررسی شد. پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت در طیف پنج گزینه ای از بسیار موافق تا نظری ندارم، تنظیم شد با آزمون آماری t-test ناپارامتریک من ویتینی بررسی شدند.

نتایج:

نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) پرسشنامه به ترتیب ۰٫۷۴ و ۰٫۸۵ بدست آمد. در جدول زیر میانگین درصد پاسخ فراگیران به گویه های مربوط به "مهارت تدریس" و "تفکر انتقادی" برای ۵ سطح طیف لیکرت ارائه شده است. نتایج نشان داد که ۷۹٪ از فراگیران نسبت به روش تدریس سخنرانی نظر "موافق" و "خیلی موافق" داشته، درحالیکه در روش تدریس از روی پاورپوینت ۵۵٪ چنین نظری داشتند؛ در سوالات مربوط حیطه "مهارت تدریس" نیز ۷۳٪ از فراگیران نسبت به روش تدریس سخنرانی نظر "موافق" و "خیلی موافق" داشتند، درحالیکه برای روش تدریس پاورپوینت ۵۴٪ بدست آمد که تفاوت دو روش تدریس معنی دار ($P < 0.0008$) می باشد. در سوالات مربوط به حیطه "تفکر انتقادی" نیز ۶۸٪ از فراگیران نسبت به روش تدریس سخنرانی نظر "موافق" و "خیلی موافق" داشتند درحالیکه برای روش تدریس پاورپوینت این مقدار ۵۳٪ بود؛ که تفاوت دور روش تدریس معنی دار ($P < 0.016$) بود.

بحث و نتیجه گیری:

در این مطالعه طبق نظر فراگیران میزان رضایت فراگیران از تک تک گویه های پرسشنامه (به جز ۲ گویه) در روش تدریس سخنرانی بیشتر از روش تدریس پاورپوینت بود. طبق نظرات فراگیران در روش تدریس سخنرانی "رفتار فردی و سوابق علمی" و "قضاوت و ارزشیابی منطقی تر" به ترتیب ۴۸٪ و ۵۷٪ بیشتر از روش تدریس پاورپوینت بود. همچنین "تمرکز و توجه به درس" و "تلاش استاد به هدایت دانشجو" و پویایی کلاس و عدم خسته کننده بودن درس (گویه ۱۰) در روش تدریس سخنرانی بطور میانگین ۲۳٪-۳۳٪ بیشتر از روش تدریس با پاور پوینت بدست آمد. با توجه به کمبودها و نواقص آموزش از روی پاورپوینت غیراستاندارد و همچنین فرهنگ نادرست استفاده فراگیران از آن، تدریس از روی متون کتب مرجع، میتواند به عنوان راهکاری برای ارتقاء یادگیری در نظرگرفته شود. در این مطالعه دانشجویان اظهار داشتند که روش تدریس از روی نمایش کتاب باعث شد که مطالعه کتاب در آنها بیشتر شود. همچنین این نوع آموزش خسته کننده نبود. توانائیهای علمی استاد بیشتر به چشم نمایان شد، تهیه جزوه و یادداشت برداری راحتتر شد، تلاش استاد برای تفهیم درس بیشتر شد، تفکر و تحلیل مباحث در کلاس بیشتر اتفاق افتاد.

کلمات کلیدی: سخنرانی سنتی، پاورپوینت، مهارت تدریس

تبیین نیازهای آموزشی پرستاران شاغل در بخش اورژانس، چالش ها و ارائه راهکار: یک مطالعه کیفی

فروش عزیز^۱، بهنام هنرور^۱، زهرا ملازم^۱، آذر کاظمی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: بهنام هنرور

مقدمه:

پرستاران بخش اورژانس نقش مهمی در ارائه خدمات سلامت و مراقبت از بیماران دارند. با توجه به اهمیت ارائه مراقبت صحیح و سریع در بخش اورژانس، پرستاران نیاز به مهارت و دانش کافی برای مراقبت از بیماران دارند. نیازسنجی آموزشی پرستاران اورژانس، شناسایی چالش ها و راهکارهای رفع نیازهای آموزشی از دیدگاه پرستاران، می تواند اهمیت این موضوع را روشن کند و جهت برنامه ریزی و تمهیدات لازم برای رفع نیازهای آموزشی پرستاران بخش اورژانس موثر باشد. این مطالعه با هدف کشف نیازهای آموزشی پرستاران شاغل در بخش اورژانس، چالش ها و راهکارهای رفع نیازهای آموزشی در دو بیمارستان آموزشی سانترال وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شیراز در جنوب غرب ایران که مرکز پذیرش بیماران در منطقه جنوب کشور می باشد، انجام شده است.

مواد و روش ها:

داده ها از طریق ۱۵ مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته (۱۱ مصاحبه رو در رو) و ۴ مصاحبه تلفنی (در اپیدمی بیماری کووید ۱۹) و یادداشت برداری در عرصه از ماه ژانویه ۲۰۲۰ تا مارس ۲۰۲۱ جمع آوری شد. مصاحبه ها یا یک سوال کلی شروع شد و سوالات دیگری بر اساس پاسخ مصاحبه شوندگان مطرح شد. سوال کلی "تجربه یک روز کاری تان و نیازهای آموزشی که هنگام کار کردن در بخش اورژانس با آنها مواجه می شوید توصیف کنید"، مطرح شد. سپس سوالات دیگری از قبیل "هنگامی که بر بالین بیمار کار می کنید چه نیازهای آموزشی در خود احساس میکنید؟" "موانع/مشکلات رفع نیازهای آموزشی از نظر شما چیست؟" "راهکارهای رفع نیازهای آموزشی چیست؟" و "تمایل دارید نیازهای آموزشی تان از چه طریقی برطرف گردد؟" مطرح گردید. پس از انجام هر مصاحبه محقق در بخش های اورژانس حضور پیدا کرد و یادداشت برداری میدانی در رابطه با نیازهای آموزشی پرستاران بخش اورژانس و چالش ها و راهکارهای رفع آن حین انجام کار صورت گرفت. داده های رکورد شده از مصاحبه ها و داده های جمع آوری شده از عرصه بصورت دقیق انتقال داده شدند و آنالیز با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای کیفی گرانهم و لاندمن انجام گردید.

نتایج:

شرکت کنندگان شامل ۱۵ پرستار ۲۴ تا ۴۳ ساله بودند که در بخش های اورژانس بیمارستان نمازی و فقیهی شیراز مشغول به کار می باشند. از تجزیه و تحلیل داده ها ۳ مضمون اصلی بدست آمد: " نیاز به آموزش جامع و مستمر"، "راهبردهای رفع نیازهای آموزشی" و "چالش های مدیریت نیازهای آموزشی". همچنین ۹ طبقه و ۳۶ زیر طبقه نیز تعریف شد.

بحث و نتیجه گیری:

تبیین نیازهای آموزشی پرستاران و شناسایی چالش ها و راهکارهای رفع نیازهای آموزشی آنها می تواند در برنامه ریزی برای رفع موانع آموزشی و ارائه آموزش مداوم کاربردی، به کارگیری استراتژی های موثر یاددهی-یادگیری برای ارتقا آموزش پرستاران و بهبود عملکرد آنها در مهارت های بالینی موثر باشد. همچنین ایجاد زیر ساخت مناسب برنامه های سلامت همراه و به کارگیری اپلیکیشن های آموزشی مبتنی بر موبایل که در بخش اورژانس کاربردی می باشند باید مورد توجه مدیران بیمارستان و سیاست گزاران بهداشت قرار گیرد. سلامت همراه می تواند با غلبه بر محدودیت های مکانی و زمانی و همچنین در شرایط اپیدمی بیماری ها آموزش های در دسترس را برای بهبود مهارت های بالینی به پرستاران ارائه دهد.

کلمات کلیدی: پرستاران اورژانس، آموزش، تحقیق کیفی

آموزش الکترونیکی و چالشهای همراه در همه گیری ویروس کرونا: تحلیل کیفی از تجارب اساتید علوم پزشکی

مینا گائینی^۱، طاهره صباغی قمی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

نویسنده مسئول: مینا گائینی

مقدمه:

با شیوع نوع جدید از ویروس کرونا، بخش آموزش یکی از آسیب پذیرترین بخش ها بود. برای مقابله با پیامدهای ناشی از تعطیلی مراکز آموزشی و توقف فرایندهای آموزشی، فراگیران و اساتید در تمام مقاطع ناگزیر به استفاده از آموزش مجازی به اشکال مختلف شدند. تقریباً نیمی از کلاسهای آموزشی دنیا در این شرایط به صورت آنلاین در آمده است. ایران نیز از جمله کشورهایی بود که از روزهای نخست، استفاده از شیوه های مختلف آموزش مجازی را به عنوان جایگزینی برای آموزش حضوری در دستور کار خود قرار داد. با توجه به زیر ساخت های هر دانشگاه از نظر آموزش الکترونیکی و مجازی، چالشهای متفاوتی می تواند در زمینه آموزش الکترونیکی وجود داشته باشد. بنابراین با توجه به اینکه تغییر آموزش از نوع حضوری به آموزش مجازی و همچنین با توجه به امکانات و تجهیزات و زیر ساخت های موجود جهت آموزش الکترونیکی در هر موسسه آموزشی، با چالشهایی همراه می باشد، مطالعه حاضر در خصوص "شناسایی چالشهای آموزش الکترونیکی در همه گیری ویروس کرونا از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی قم" انجام شد.

مواد و روش ها:

۲۷ مشارکت کننده در قالب نمونه گیری هدفمند، از میان اساتید شاغل در دانشکده های پزشکی، بهداشت، پرستاری و مامایی و پیراپزشکی که درگیر با آموزش الکترونیکی بودند و تجربه غنی از موضوع داشته و تمایل به مشارکت در مطالعه را نشان دادند، انتخاب شدند. نمونه گیری تا زمان اشباع داده ها و طبقات ادامه یافت. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه عمیق، چهره به چهره و نیمه ساختار یافته فردی و یادداشت های عرصه استفاده شد. اطلاعات کسب شده از مشارکت کنندگان به طور همزمان پیاده سازی و وارد نرم افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۰ گردید و با روش آنالیز محتوای کیفی تحلیل شد.

نتایج:

بر اساس تجزیه و تحلیل داده ها، سه درونمایه اصلی و نه طبقه فرعی استخراج شد. اولین درون مایه "چالش های مربوط به مدرس" (تولید محتوی، ایجاد راهکارهای انگیزشی، آمادگی عاطفی - روانی استاد)، "چالشهای مربوط به فراگیر" (کمرنگ شدن اشتیاق یادگیری، کمرنگ شدن پایبندی به اصول اخلاقی، میل به بی نظمی) دومین درونمایه و "چالشهای مربوط به ساختار" (ضعف زیر ساخت های آموزش

الکترونیکی، عدم وجود ابزارهای ارزشیابی موثر، تعاملات خشک و بیجان) درون مایه دیگری از این مطالعه بود.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل کیفی تجارب مشارکت کنندگان در این مطالعه می توان عنوان نمود که آشنایی با این مسائل و چالشها و رویارویی صحیح و مناسب با آنها نه تنها برخی از این مشکلات را در زمینه آموزش الکترونیکی از بین برده و یا سبب کاهش اثرات آنها می شود، بلکه با توجه به ضرورت رویکرد تغییر آموزش سنتی به آموزش الکترونیکی دانشگاهها را در گام نهادن به این عرصه استوارتر می سازد. همچنین آشنایی سیاستگذاران و برنامه ریزان آموزشی با این چالشها که برخاسته از تجارب غنی یکی از اصلی ترین صاحبان فرایند آموزش (اساتید) می باشد، می تواند آنها را در زمینه ارائه راهکارهای مناسب و موثر مدیریت و کاهش اثر مشکلات آموزش الکترونیکی یاری بخشد، بطوریکه آنها بتوانند با مدیریت موثر چالش های موجود، هزینه های مازاد مرتبط با آموزش الکترونیکی که بر سازمان های آموزشی بویژه دانشگاه ها تحمیل می شود را کاهش دهند.

کلمات کلیدی: آموزش الکترونیکی، چالش، اساتید، ویروس کرونا، مطالعه کیفی

مقایسه تأثیر کلاس وارونه و جیگسا و بر دانش احیاء قلبی ریوی مبتلایان به کووید ۱۹ در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

محمد رضا یزدانخواه فرد^۱، فاطمه کیانی^۱، مریم روانی پور^۱، راضیه باقرزاده^۱، فاطمه حاجی نژاد^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

نویسنده مسئول: محمد رضا یزدانخواه فرد

مقدمه:

ماهیت آموزش در دانشگاه‌های علوم پزشکی به گونه‌ای است که تدریس در این دانشگاه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار و ارتقای کیفیت آموزش دانشجویان، بدون تحول در روش‌های تدریس غیرممکن می‌باشد. بنابراین تجدیدنظر در روش‌های سنتی تدریس و استفاده از روش‌های نوین، فعال و دانشجو محور اجتناب ناپذیر بوده و مورد قبول سیستم‌های آموزشی می‌باشد. به گونه‌ای که کاربرد این روش‌ها در علوم مختلف از جمله علوم پزشکی متداول شده است. از آنجایی که دانش و عملکرد در امر آموزش پرستاری حائز اهمیت می‌باشد، نیاز است پژوهش‌هایی در مورد بررسی اثر آموزش‌های ارائه شده بر دانش کسب شده در دانشجویان پرستاری صورت پذیرد؛ بنابراین مطالعه حاضر با هدف تعیین و مقایسه تأثیر کلاس وارونه و جیگسا و بر دانش احیاء قلبی ریوی مبتلایان به کووید ۱۹ در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر انجام گرفت.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه نیمه تجربی دو گروهی با طرح پیش آزمون-پس آزمون بر روی ۴۱ دانشجوی ترم ۷ کارشناسی پرستاری در مبحث احیاء قلبی ریوی مبتلایان کووید ۱۹ صورت گرفت. دانشجویان بصورت تصادفی به دو گروه کلاس جیگسا (۲۰ نفر) و کلاس وارونه (۲۱ نفر) تقسیم شدند. پس از آموزش مبحث به دو روش فوق، دانش احیاء قلبی ریوی دو گروه، با سؤالات پژوهشگر ساخته سنجیده شد. داده‌ها با استفاده از میانگین، انحراف معیار، آزمون‌های تی مستقل و زوجی با سطح معنی داری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج:

نتایج این مطالعه نشان داد که در هر دو گروه نمره دانش بعد از مداخله بیشتر از قبل از مداخله بوده و این تفاوت از لحاظ آماری معنی دار بود ($<0/001$)؛ به گونه‌ای که میانگین نمره دانش احیاء قلبی ریوی در کلاس وارونه از $13/62 \pm 3/56$ قبل از مداخله به $20/71 \pm 5/41$ بعد از مداخله و همچنین در کلاس جیگسا، از $14/65 \pm 3/17$ قبل از مداخله به $26/20 \pm 2/63$ بعد از مداخله افزایش یافته است. مقایسه میانگین تغییرات این دو روش فعال آموزشی نشان داد که در گروه کلاس جیگسا میانگین افزایش نمره دانش بیشتر از کلاس وارونه می‌باشد که از لحاظ آماری معنی دار ($<0/001$) است.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به تأثیر مناسب این دو روش آموزشی فعال، توصیه می‌گردد که مدرسین پرستاری از این روش‌ها و به خصوص روش جیگساو که در این مطالعه موجب بهبود بهتر یادگیری دانشجویان پرستاری گردید، در آموزش دانشجویان بیشتر استفاده نمایند.

کلمات کلیدی: آموزش پرستاری، تدریس، کلاس جیگساو، کلاس وارونه



مقایسه آموزش به دو روش نمایش عملی و آموزش مجازی بر میزان دانش و عملکرد دانشجویان پرستاری در آموزش احیای قلبی ریوی

فائزه بنی یعقوبی^۱، فرشید الازمنی نوده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

نویسنده مسئول: فرشید الازمنی نوده

مقدمه:

احیای قلبی ریوی از مهمترین موارد اورژانس است که کارکنان بهداشتی و درمان ممکن است با آن مواجه شوند. توانایی انجام احیاء مستلزم کسب دانش لازم در زمینه احیای قلبی - ریوی است. هدف از این مطالعه مقایسه آموزش به دو روش نمایش عملی و آموزش مجازی بر دانش و عملکرد دانشجویان در اجرای احیای قلبی ریوی می باشد.

مواد و روش ها:

این مطالعه نیمه تجربی در سال ۱۴۰۰ بر روی ۶۰ نفر از دانشجویان پرستاری یکی از دانشکده های پرستاری در شهر تهران که بر اساس نمونه گیری مبتنی بر هدف انتخاب شده بودند، انجام شد. نمونه ها در دو گروه ۳۰ نفره تحت آموزش به روش نمایش عملی و آموزش مجازی قرار گرفتند. میزان تاثیر آموزش در دو سطح دانش و عملکرد قبل، بلافاصله و چهار هفته بعد از آموزش با استفاده از پرسشنامه پژوهشگر ساخته، بررسی شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و با استفاده از آزمون های آماری T-test و RM-ANOVA مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

میانگین و انحراف معیار مجموع نمرات بعد از مداخله در سطوح یادگیری (دانش و عملکرد) در هر دو گروه دارای تفاوت معنادار بودند. ($P > 0.001$) میانگین جمع نمرات دو گروه قبل از مداخله با هم تفاوتی نداشت. در مرحله ی پس آزمون (بلافاصله بعد از آموزش) میانگین نمرات در گروه آموزش مجازی افزایش بیشتری داشت اما تفاوت معنی داری دیده نشد. ($P = 0.120$) در مرحله ی یادداری (۴ هفته بعد از آموزش) موثرتر بودن روش نمایش عملی مشخص شد. ($P = 0.01$)

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج به نظر می رسد هر دو روش مورد استفاده سبب افزایش یادگیری شده اند. به همین جهت پیشنهاد می گردد در آموزش واحدهای عملی و بالینی از روش های یادگیری به صورت تلفیقی در آموزش دانشجویان پرستاری استفاده گردد.

کلمات کلیدی: آموزش، دانشجوی پرستاری، نمایش عملی، آموزش مجازی،

بازاندیشی دانشجویان پرستاری بر اولین تجربه ارزیابی مراحل رشد و تکامل کودک

فاطمه ابراهیم پور^۱، منیژه نوریان^۱، فاطمه حسندوست^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه ابراهیم پور

مقدمه:

یکی از اهداف آموزش پرستاری، آشنایی دانشجویان با فرایند رشد و تکامل در دوران کودکی به منظور انجام مداخلات مبتنی بر بهبود سلامت می باشد. پروژه محور بودن روش یاددهی در آموزش علوم پزشکی می تواند به درک و یادگیری عمیق دانشجویان از مباحث نظری کمک کند. هدف از این مطالعه شناسایی درک دانشجویان پرستاری از انجام پروژه ارزیابی رشد و تکامل کودک سالم می باشد.

مواد و روش‌ها:

در درس پرستاری کودک سالم همزمان با آموزش نظری مراحل رشد و تکامل در سنین مختلف دوران کودکی، طی یک تکلیف پروژه محور عملی از دانشجویان ترم ۵ پرستاری خواسته شد تا طبق پروتکل مشخص همراه با فرم ارزیابی محقق به صورت فردی به ارزیابی مراحل رشد و تکامل کودک بپردازند و بازاندیشی خود را در انتهای پژوه به صورت کتبی گزارش نمایند.

نتایج:

با تحلیل کیفی بر ۴۵ بازاندیشی نگارش شده توسط دانشجویان چهار درون مایه اصلی شامل ۱. نقاط عطف یادگیری، ۲. چالش‌ها و راه‌کارها، ۳. شگفت‌انگیزها و ۴. هیجانات مرتبط با اولین تجربه ارزیابی مراحل رشد و تکامل کودک آشکار شد.

بحث و نتیجه‌گیری:

تلفیق مباحث نظری با فرصت‌های یادگیری در عمل می‌تواند به کسب تجربه یادگیری معنادار، تعامل نزدیک با جامعه، شناخت بهتر هیجانات، شناسایی نقاط قوت و ضعف، بهبود انگیزه و ملموس کردن مباحث درسی برای دانشجویان کارشناس پرستاری منجر شود. از این رو نیاز است تا در طراحی تکالیف درسی مبتنی بر اهداف آموزش از روش‌های نوآورانه همراه با بازخورد استفاده نمود.

کلمات کلیدی: بازاندیشی، دانشجویان پرستاری، پرستاری کودکان، رشد و تکامل کودک

بررسی تأثیر مشارکت در طرح فرارشته ای سلامت محور بر خودکارآمدی دانشجویان پزشکی و غیرپزشکی

مهديه قنبری^۱، سارا حیدری^۱، بنت الهدی آخوندزاده^۱، مسعود میرزایی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران

نویسنده مسئول: مسعود میرزایی

مقدمه:

فعالیت بین رشته ای به یک مفهوم کلیدی تبدیل شده است که باید در تمام برنامه های درسی در تمام مراحل آموزشی ادغام شود. اتخاذ این رویکرد مستلزم پیوند رشته های مختلف با هم و ایجاد تیم های اساتید و دانشجویان است که تجربه آموزشی را غنی می کند. این روش آموزشی تأثیر مثبتی بر خودکارآمدی درک شده آنها دارد و می تواند یادگیری معنادار دانشجویان را ارتقا دهد. در یک محیط آکادمیک، باورهای دانشجویان در مورد خودکارآمدی آنها نسبت به یادگیری بر پیشرفت تحصیلی شان تأثیر می گذارد، که به نوبه خود بر اهداف آموزشی که برای خود تعیین می کنند و دستاوردهای تحصیلی نهایی آنها مؤثر می باشد. در واقع فراگیران با خودکارآمدی بالاتر انگیزه بیشتری برای مطالعه و در نتیجه کسب نتایج تحصیلی بالاتر دارند. بر اساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا دانشجویان ممکن است سطوح مختلف خودکارآمدی داشته باشند و ممکن است با توجه به روش های مختلف آموزشی عملکرد متفاوتی داشته باشند. نتایج مطالعات مختلف نشان داده است که آموزش تیمی بین حرفه ای باعث افزایش خودکارآمدی درک شده در دانشجویان شده است. از مهمترین نتایج حس خودکارآمدی بعد از فعالیتهای بین رشته ای، توانایی مدیریت تعارض در فعالیت های تیمی می باشد که برای عملکرد سازنده در تیم ها ضروری است. مطالعه حاضر قسمتی از پروژه استفاده از هوش مصنوعی در ایجاد و توسعه ابزار بر خط آموزش و مشاوره مجازی پیشگیری، تشخیص، درمان و خودمراقبتی بیماران قلبی با نام اختصار هماتاب می باشد، که با حمایت بنیاد ملی نخبگان و در قالب گرنت شهید احمدی روشن انجام گردید. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر شرکت در طرح فرارشته ای سلامت محور هماتاب، بر خودکارآمدی دانشجویان پزشکی و غیرپزشکی انجام شده است.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۱۸ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی و دانشگاه یزد در سال ۱۴۰۱ در شهر یزد انجام شد. شرکت کنندگان در قالب ۶ تیم شامل تیم نرم افزار و هوش مصنوعی، تیم تغذیه، تیم روانشناسی، تیم فعالیت بدنی و توانبخشی قلب، تیم طراحی و انیمیشن، تیم آموزش پزشکی و آموزش بهداشت وارد مطالعه شدند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه تایید شده مطالعه کشمیری (۱۴۰۰) با روایی و پایایی قابل قبول بود که شامل چهار حیطه و ۳۳ سؤال لیکرت ۵ گزینه ای می

باشد. پس از کسب رضایت آگاهانه شرکت کنندگان، پرسشنامه خودکارآمدی در در ابتدا، حین و انتهای طرح توسط اعضای تیم تکمیل گردید. داده ها با استفاده از آمار توصیفی فراوانی، میانگین و آزمون تحلیل واریانس مکرر با نرم افزار SPSS version 25 انجام شد.

نتایج:

پایایی پرسشنامه مجدد با روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که ۸۱٪ گزارش شد. ۶۷٪ (۱۲ نفر) از شرکت کنندگان دانشجویان دختر و میانگین سنی شرکت کنندگان $28/8 \pm 6$ بود. میانگین نمرات خودکارآمدی قبل از شروع، حین اجرا و بعد از پایان طرح به ترتیب $141/50$ - $137/87$ - $144/56$ گزارش شد. اگرچه افزایش میانگین نمرات خودکارآمدی در انتهای طرح مشاهده گردید، اما تفاوت معنادار آماری بین نمرات قبل، حین و بعد از طرح وجود نداشت. ($P\text{-value}=0.53$)

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان داد انجام فعالیت های فراحرفه ای و چند رشته ای موجب ارتقای خودکارآمدی در بین دانشجویان رشته های علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی می گردد. هرچند این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست، اما افزایش میانگین نمرات خودکارآمدی مشاهده گردید. قابل ذکر است در ارزیابی خودکارآمدی و ارتباط بین حرفه ای دانشجویان در حین اجرای فرایند مشخص گردید که میانگین نمرات خودکارآمدی کاهش یافته است. بنابراین محققین با تغییر الگوی برگزاری جلسات و دعوت از اساتید مطرح جهت سخنرانی های انگیزشی و بیان تجربیات موفق در همکاری های بین رشته ای و فرارشته ای سعی در رفع این مشکل نمودند که تاثیر آن با افزایش میانگین نمرات خودکارآمدی در پایان فرایند مشخص گردید.

کلمات کلیدی: خودکارآمدی، فرارشته ای، سلامت محور

طراحی و تعیین روایی و پایایی پرسشنامه های دانش، عملکرد و رضایت دانشجویان بهداشت عمومی در درس تکنولوژی آموزشی

فاطمه دارابی^۱، زهرا کریمیان^۲

۱. دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، همدان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

نویسنده مسئول: زهرا کریمیان

مقدمه:

برنامه آموزشی، انگیزه را در دانشجویان جهت ارتقای یادگیری در درس تکنولوژی آموزشی بالا می برد. برای به اجرا درآمدن برنامه آموزشی می توان از دانش، عملکرد و رضایتمندی استفاده کرد. برای سنجش و ارزیابی هر یک از بخش های دانش، عملکرد و رضایت، نمونه های پژوهش نیاز به پرسشنامه معتبر دارد و طراح یک پرسشنامه جدید نیاز دارد تا شواهد علمی را جمع آوری نماید تا نشان دهد بخش های پرسشنامه طراحی شده از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است. مطالعه حاضر با هدف طراحی و تعیین روایی و پایایی پرسشنامه های دانش، عملکرد و رضایت دانشجویان بهداشت عمومی در درس تکنولوژی آموزشی انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه، از نوع توصیفی تحلیلی است. در این مطالعه با بررسی متون، مقالات و پرسشنامه های مشابه اقدام به طراحی پرسشنامه اولیه گردید. در این مطالعه پس از طراحی پرسشنامه، به منظور بررسی روایی و پایایی ابتدا روایی صوری کمی و کیفی، روایی محتوایی (CVR, CVI) و سپس پایایی انجام شد. روایی صوری و محتوایی به روش لاشه براساس کسب نظر پانل خبرگان انجام شد و هم چنین پایایی پرسشنامه توسط نمونه های مورد مطالعه به روش ضریب آلفای کرونباخ انجام شد.

نتایج:

براساس یافته های مطالعه؛ پرسشنامه ای که طراحی شده در ۴ قسمت اصلی با ۱۲۱ گویه تنظیم شده است. بخش اول، در مورد مشخصات دموگرافیک است که شامل ۳ سؤال می باشد، بخش دوم، مربوط به دانش که با ۲۰ سؤال چندگزینه ای MCQ با مقیاس نمره گذاری؛ گزینه صحیح نمره ۱ و سایر گزینه ها نمره صفر سنجیده شد، از این رو بازه نمرات بین ۰ تا ۲۰ بود. سؤالات مطابق سرفصل های تدریس شده (اصول ایفای نقش (۴ سؤال)، اصول رسانه های آموزشی نورتاب یا دیداری شفاف ثابت (از جمله؛ اسلاید، طلق، اپک، اورهد، پاورپوینت و غیره (۷ سؤال)، اصول رسانه های آموزشی غیرنورتاب از جمله؛ پوستر، پمفلت، ماکت و غیره (۷ سؤال) و اصول فرآیند ارتباط برای برقراری آموزش (۲ سؤال) طراحی شد، بخش سوم، عملکرد با ۸۰ سؤال بر اساس سرفصل درس در چهار زمینه (طراحی و تهیه یک نمونه پوستر،

طراحی و تهیه یک نمونه پمفلت، اجرای ایفای نقش و اسلایدهای تهیه شده در نرم افزار پاورپوینت) سنجیده شد. تعداد سؤالات هر بخش شامل ۲۰ سؤال بود. زیر مقیاس های سؤالات پوستر و پمفلت در بخش های شناسه، دورنما، محتوا و عناصر دیداری تنظیم شد. پاسخ سؤالات عملکرد بر اساس مقیاس بلی نمره ۱، خیر نمره صفر و نسبتا یا تاحدودی نمره ۵/۰ سنجیده شد. در مجموع بازه نمرات بین ۴۰-۰ (با توجه به اینکه سؤالات هر زیر مقیاس ۲۰ سؤال بوده و نمره بین صفر تا ۱ است پس بازه نمره بین ۰ تا ۴۰ می شود)، نمره مورد قبول ۲۰ بود. بخش چهارم، میزان رضایت مندی دانشجویان از کیفیت دوره با ۱۸ سؤال در بخش های انگیزش (۲ سؤال)، یادگیری (۳ سؤال)، حل مسأله (۳ سؤال)، فعالیت تیمی (۳ سؤال)، تعامل (۳ سؤال)، زمان (۲ سؤال)، و کاربرد (۲ سؤال) با مقیاس نمره گذاری لیکرت ۵ گزینه ای (بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم) با بازه نمره بین ۵-۱ سنجیده شد. در ارزیابی محتوایی در سطح متخصصین CVR آیتم هایی که بالاتر از ۰/۶۰ بود انتخاب شدند و CVI سؤالات باقی مانده ۰/۷۹ به دست آمد. پایایی پرسشنامه دانش ۰/۷۸، عملکرد ۰/۸۰ و رضایت از دوره ۰/۹۲۸ تایید شد.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج این مطالعه روایی و پایایی مناسبی برای پرسشنامه های دانش، عملکرد و رضایت دانشجویان بهداشت عمومی در درس تکنولوژی آموزشی فراهم نموده است، که می تواند برای اهداف پژوهشی، آموزشی و عملی مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی از آنجایی که اکثر زیرمقیاس ها پایایی درونی بالایی داشتند، بنابراین ابزار از پایایی خوبی برخوردار است. نتایج این مطالعه می تواند در مدارس و دانشگاه ها مورد استفاده قرار گیرد. این پرسشنامه با توجه به شیوه اجرا و سهولت نمره گذاری که مهم ترین جنبه عملی آن است، ابزار مفید و معتبری است که می تواند دانش، عملکرد و رضایت دانشجویان را ارزیابی کند؛ به گونه ای که می توان از آن به عنوان وسیله ای قابل اعتماد در پژوهش ها استفاده کرد. این پژوهش می تواند مبنایی برای طراحی برنامه ها یا مداخلات آموزشی در دانشجویان علوم پزشکی باشد.

کلمات کلیدی: دانش، عملکرد، رضایت، روایی، پایایی، تکنولوژی آموزشی

نگرش دانشجویان پزشکی و پرستاری نسبت به آموزش بین حرفه ای

سعیده دریازاده^۱، زهرا آموزشی^۲، سمیه کرامتی نژاد^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

نویسنده مسئول: زهرا آموزشی

مقدمه:

مربیان در تخصصهای مختلف مراقبت سلامت برای بهبود کیفیت، ایمنی، خدمات بیمار محور و به موقع بودن آن و همچنین کارایی و عدالت در سیستم مراقبت بهداشتی، به این نتیجه رسیدند که تمام متخصصان مراقبت های بهداشتی باید در تیم های بین حرفه ای آموزش ببینند. به همین منظور آموزش های پیشرفته در این خصوص برای متخصصین مراقبت سلامت ایجاد شد. زیرا که آموزش بین حرفه ای با تربیت تیم توانمند و مسئولیت پذیر که دارای ارتباطات موثر بین حرفه ای هستند می تواند در ارائه خدمات مراقبت با کیفیت به بیماران، نقش موثری را در آموزش پزشکی ایفا نماید. از سوی دیگر نگرش دانشجویان و افراد در حرفه های مختلف سلامت در میزان کیفیت ارائه خدمات موثر است. با توجه به اهمیت آموزش بین حرفه ای در دانشجویان علوم پزشکی برای بهبود عملکرد آنها در آینده شغلی، این مطالعه با هدف بررسی نگرش دانشجویان پزشکی و پرستاری نسبت به آموزش بین حرفه ای در سال ۱۴۰۱، انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی- مقطعی بر روی ۴۲ نفر از دانشجویان پزشکی و پرستاری مقاطع بالینی در بخش جراحی بیمارستان امام رضا (ع) دانشگاه علوم پزشکی بیرجند که در یک دوره آموزش بین حرفه ای به صورت سرشماری شرکت کرده بودند، انجام شد. برای جمع آوری داده ها از نسخه فارسی پرسشنامه روا و پایای نگرش به یادگیری بین حرفه ای شامل ۱۲ گویه با مقیاس ۵ درجه لیکرت (دارای دو حیطه تعامل محور و انطباق حرفه ای) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی و آزمون U Mann-Whitney و با نرم افزار SPSS ورژن ۲۳ بود. ($P \leq 0/05$)

نتایج:

در مجموع ۳۷ پرسشنامه (۸۸/۱۰ درصد) توسط دانشجویان تکمیل شد. میانگین نمره نگرش دانشجویان پزشکی در حیطه تعامل محور $36/1 \pm 2/61$ و در حیطه انطباق حرفه ای $17/0 \pm 1/60$ بوده است. هم چنین میانگین نمره نگرش دانشجویان پرستاری در حیطه تعامل محور $36/0 \pm 2/66$ و در حیطه انطباق حرفه ای $16/1 \pm 7/53$ بوده است. مجموع نمرات گویه های پرسشنامه ۶۰ نمره بود. نتیجه آزمون من ویتنی نشان

داد میانگین نمره نگرش دانشجویان پزشکی و پرستاری در دو حیطه اختلاف آماری معنی داری نداشت
($p=0/859$).

بحث و نتیجه گیری:

در مجموع نگرش دانشجویان نسبت به آموزش بین حرفه ای مثبت بود. بنابراین به منظور افزایش اثربخشی این رویکرد و ارتقای همکاری های حرفه ای میان حرف سلامت، ایجاد نگرش مثبت نسبت به این رویکرد توصیه می شود. مناسب است که از دوران تحصیل، دانشجویان با این رویکرد آشنا شوند و مهارت های بالینی و همکاری های بین حرفه ای و تیمی خود را ارتقا دهند. برگزاری کارگاه های آموزشی برای اعضای هیات علمی جهت بهبود نگرش و تاکید بر لزوم اجرای این رویکرد توصیه می شود.

کلمات کلیدی: آموزش بین حرفه ای، نگرش، پرستاری، پزشکی، آموزش-پزشکی



بررسی رابطه بین کیفیت تجارب یادگیری و کیفیت تجارب آموزشی دانشجویان پزشکی

الناز وفادار مرادی^۱، سیدمجید صدرزاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: الناز وفادار مرادی

مقدمه:

اثربخشی نظام آموزشی همراه با رشد پژوهش های هر کشور از جمله شاخص های سنجش توسعه یافتگی محسوب می شود و دانشجویان، مشتریان اصلی سیستم آموزش در دانشگاه ها هستند و کیفیت خدمات آموزشی را با انتظارات و ادراکات خود از خدمات دریافت شده می سنجند. بنابراین کیفیت و اثربخشی دوره های آموزشی اهمیت بسیار زیادی دارد. این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین کیفیت تجارب یادگیری و کیفیت تجارب آموزشی دانشجویان مقطع فیزیوپاتولوژی دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شده است.

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی- مقطعی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد که در نیمسال تحصیلی دوم سال ۹۸-۱۳۹۷ مقطع فیزیوپاتولوژی را گذرانده اند، می باشند. جمع آوری داده ها به شیوه میدانی انجام می شود. پس از کسب رضایت فراگیران جهت شرکت در مطالعه، پرسشنامه مورد نظر را به منظور تکمیل در اختیار ایشان قرار خواهد داد. ابزار پژوهش حاضر شامل دو قسمت می باشد. بخش اول شامل اطلاعات دموگرافیک آزمودنی ها شامل سن و جنسیت، علاقمندی به رشته، موفقیت تحصیلی (معدل) می باشد و بخش دوم پرسشنامه استاندارد تجربه دوره های آموزشی ارائه می گردد. ۱- پرسشنامه استاندارد تجربه دوره های آموزشی: این پرسشنامه توسط ویلسون و همکاران در سال ۱۹۹۷ طراحی شده است و دارای ۳۶ عبارت است که از شش مولفه تشکیل شده است. سوالات با مقیاس لیکرت پنج درجه ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم و از یک تا پنج نمره گذاری می شود. مولفه های این پرسشنامه شامل تدریس مناسب، اهداف روشن، ارزیابی مناسب، تکالیف مناسب، استقلال و مهارت کلی می باشد. ۲- پرسشنامه کیفیت تجارب یادگیری این پرسشنامه توسط نیومن در سال ۱۹۹۰ طراحی شده است و پنج حیطه مختلف کیفیت تجارب یادگیری را مورد سنجش قرار می دهد که در ایران چهار حیطه آن به کار گرفته شده است و شامل ۱- کیفیت کتابخانه و امکانات مرتبط با سایت کامپیوتری، ۲- محتوا شامل کیفیت راهنمایی تحصیلی و درسی و میزان ارزشمندی موضوعات درسی ارائه شده، ۳- انعطاف پذیری یادگیری شامل فرصت یادگیری

مستقل، قدرت انتخاب دروس مختلف و وجود بحث در کلاس و ۴- کیفیت روابط رسمی و غیر رسمی اساتید و دانشجویان می باشد. هر یک از سوالات از یک تا پنج نمره گذاری می شود.

نتایج:

در این مطالعه توصیفی- مقطعی می باشد ۱۰۷ از دانشجویان شرکت داشتند که میانگین و انحراف معیار سن این دانشجویان $22/09 \pm 1/18$ سال بود. از این بین، ۴۷/۱ درصد مرد و ۵۲/۹ درصد زن، ۱۴ درصد متاهل و ۸۶ درصد مجرد، ۱۴/۸ درصد شاغل و ۸۵/۲ درصد بدون شغل و در نهایت ۵۵/۱ درصد علاقمند به رشته خود بودند. کیفیت تجارب یادگیری دارای میانگین نمره ۷۱/۸۸ و کیفیت تجارب دوره آموزشی دارای میانگین نمره ۶۳/۴۷ بوده است که از لحاظ آماری معنادار بود ($P\text{-value} \leq 0/001$) و ارتباط بین این دو متغیر خطی و مستقیم بوده است. ارتباط بین مقیاس های تدریس مناسب ($P\text{-value} \leq 0/001$)، اهداف روشن ($P\text{-value} \leq 0/001$)، ارزیابی مناسب ($P\text{-value} \leq 0/001$)، استقلال ($P\text{-value} \leq 0/001$) و مهارت کلی ($P\text{-value} \leq 0/001$) با تجارب دوره آموزشی معنادار بود. در این میان قویترین همبستگی با کیفیت تجارب دوره آموزشی مربوط به تدریس مناسب (۰/۶۲) بود، اما ارتباط معناداری بین تکالیف مناسب ($P\text{-value} = 0.15$) و دوره آموزشی وجود نداشت. کیفیت تجارب دوره آموزشی بخوبی می تواند کیفیت تجارب یادگیری را پیش بینی کند و به ازای یک واحد افزایش در کیفیت تجارب دوره آموزشی به طور متوسط ۰/۶۵ واحد کیفیت تجارب یادگیری افزوده می شود که از لحاظ آماری نیز معنی دار است ($P\text{-value} \leq 0/001$).

بحث و نتیجه گیری:

نتایج حاصل از این ارزیابی نشان داد که بین کیفیت تجارب یادگیری و کیفیت تجارب آموزشی همبستگی مستقیم وجود دارد و این همبستگی از نوع مستقیم و خطی است به طوری که کیفیت تجارب دوره آموزشی بخوبی می تواند کیفیت تجارب یادگیری را پیش بینی کند. تلاش برای ارتقا جنبه های مختلف مرتبط با آموزش توسط برنامه ریزان آموزش علوم پزشکی کشور در سطوح مختلف می تواند منجر به ارتقا سطح یادگیری در فراگیران شود. برای تجزیه و تحلیل کامل تر ابعاد این ارتباط باید ذکر شود که در پرسشنامه کیفیت تجارب آموزشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، ۳۶ سوال از دانشجو پرسیده می شود که دیدگاه دانشجویان نسبت به شش حیطه اصلی آموزش را جویا می شود. پرسشنامه تجارب یادگیری نیز شامل ۱۲ سوال شامل مولفه های محتوای آموزش، منابع، انعطاف پذیری برنامه درسی، و کیفیت روابط استاد - دانشجو می باشد. این پژوهش نشان می دهد که دانشجویان به هر میزان که مولفه های آموزشی از نظرشان شرایط مناسب تری داشته باشد.

کلمات کلیدی: یادگیری، آموزش، دانشجو، پزشکی

بررسی تاثیر تکلیف درسی ترسیم ECG روی کاغذ شطرنجی بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری و دیدگاه دانشجویان نسبت به آن، مطالعه پایلوت

کبری آخوندزاده^۱، سکینه شفیعا^۲، زهرا عابدینی^۱، اشرف خرمی راد^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: کبری آخوندزاده

مقدمه:

الکتروکاردیوگرافی یا ECG پر استفاده ترین ابزار تشخیصی در پزشکی است. با وجود اهمیت تشخیص ریتم قلبی بیمار توسط پرستاران، متأسفانه دانشجویان پرستاری در تفسیر ECG با مشکل مواجه هستند و این امر نیاز به اصلاح شیوه آموزش را خاطر نشان می کند. این مطالعه درصدد است تاثیر تکلیف درسی ترسیم ECG روی کاغذ شطرنجی بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری و دیدگاه دانشجویان نسبت به آن را در تدریس واحد درسی پرستاری مراقبتهای ویژه بسنجد.

مواد و روش ها:

این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی است که بر روی ۳۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری ترم ۵ در دانشگاه علوم پزشکی قم در نیم سال اول ۱۴۰۱-۱۴۰۲ انجام شد. نیمه اول ترم تحصیلی به شیوه سنتی سخنرانی و پرسش و پاسخ تدریس شد و در نیمه دوم علاوه بر بکارگیری شیوه های مرسوم از دانشجویان خواسته شد که ECG های شایع را ترسیم کنند. جهت انجام مطالعه رضایت دانشجویان جلب شد و خاطر نشان شد که انجام تکلیف درسی ترسیم نمره اضافه بر ۲۰ است. در پایان میزان یادگیری با توجه به نمره آزمون ECG با سوالات چهار گزینه ای ارزیابی شد. همچنین پرسشنامه دیدگاه دانشجویان نسبت به شیوه آموزش ترسیم تکمیل شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و پیرایش ۲۲ انجام شد. p value کمتر از ۰/۰۵ ز نظر آماری معنی دار در نظر گرفته شد.

نتایج:

طبق نتایج مطالعه در اکثر موارد دیدگاه دانشجویان نسبت به این شیوه آموزش مثبت بوده است. از نظر ۶۶/۷ درصد دانشجویان این روش به میزان زیاد مهارت آنها را برای تفسیر ECG در آینده ارتقاء می بخشد و ۶۱/۵ درصد گزارش کردند که تدریس CCU به روش ترسیم ECG تا حد زیاد نسبت به روشهای دیگر در یادگیری ماندگارتر است. دیدگاه مخالف در تمام موارد کمتر از ۵ درصد گزارش شد. تفاوت آماری معنی داری در نمره آزمون ECG قبل از مداخله و پس از آن وجود داشت. (p=0.019)

بحث و نتیجه گیری:

ترسیم می تواند در ارتقاء یادگیری واحد درسی پرستاری مراقبت های ویژه کمک کننده باشد و احتمالا انگیزه دانشجویان را برای یادگیری افزایش دهد.

کلمات کلیدی: ترسیم، ECG، آموزش، دانشجوی پرستاری



طراحی و اجرای طرح همیار دانشجو در دانشکده علوم پزشکی ساوه

محمود کریمی^۱، سمیرا علیرضائی^۱، پریسا حسینی کوکمری^۱

۱. دانشکده علوم پزشکی ساوه، اراک، ایران

نویسنده مسئول: پریسا حسینی کوکمری

مقدمه:

ویژگی‌های اصلی برای دانشجویان بهداشت در حیطه‌های بین‌فردی، درون‌فردی، تفکر و استدلال و علوم پایه تقسیم بندی شده است. بنا بر تقسیم‌بندی انجمن کالج‌های پزشکی آمریکا یکی از اجزاء اصلی در حیطه تفکر، نحوه انجام تحقیق علمی می‌باشد. منظور از تحقیق علمی نیز فعالیت‌های دانشجویان در زمینه توسعه دانش و فهم ایده‌های علمی و نحوه انجام یک مطالعه علمی است. بدین‌منظور مطالعه حاضر با هدف طراحی و اجرای طرح همیار دانشجو در تدوین و اجرای پروپوزال تحقیقاتی در بین دانشجویان رشته بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی ساوه به انجام رسیده است.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر در بین ۴۵ نفر از دانشجویان بهداشت عمومی در دانشگاه علوم پزشکی ساوه در دو نیمسال تحصیلی به انجام رسیده است. بدین‌منظور پس از تدوین طرح درس و دوره و تعیین اهداف آموزشی برای دوره منتورشیپ مقدماتی و پیشرفته، آموزش‌منتورها (دانشجویان همیار) به روش سخنرانی، پرسش و پاسخ و استفاده از فیلم آموزشی به مدت یک ماه توسط اساتید مربوطه صورت گرفت. معیارهای ورود برای انتخاب به‌عنوان منتور؛ گذراندن درس روش تحقیق و تدوین حداقل یک پروپوزال در طول دوران تحصیل، گذراندن کارگاه‌های روش تحقیق و دیپلم پژوهشی و همچنین شرکت در برنامه یک ماهه آموزش‌منتورها بوده است. بر این اساس ۵ منتور اصلی و به ازای هر دو دانشجو یک منتور از افراد حائز شرایط به‌منظور همراهی در تدوین پروپوزال انتخاب شدند. به مدت دو ترم و طی جلسات هفتگی برنامه‌ریزی شده، دانشجویان به همراه منتورهای خود در جلسات گروهی که توسط ۵ منتور و استاد مربوطه برای کلیه دانشجویان برگزار می‌گردید شرکت داشتند و سپس در قالب گروه‌های کوچکتر کار خود را پیش می‌بردند و گزارش کار خود را به منتورهای اصلی و استاد راهنما می‌دادند و فیدبک‌های لازم را از استاد دریافت می‌کردند. عناوین انتخاب شده بر اساس نیازسنجی معاونت بهداشتی و بر حسب علاقه دانشجویان به موضوع مورد بررسی بوده است.

نتایج:

دانشجویان در طی این دوره توانستند ۲۰ عنوان پژوهشی را در قالب پروپوزال تدوین و وارد مرحله اجرایی نمایند. به همین‌منظور جلسات آموزشی (راهنمای انتخاب عنوان، نحوه سرچ، رفرنس‌دهی، نحوه تدوین

بیان مساله، آشنایی با ورد، داوری پروپوزالها، نحوه نحوه انجام کار تحقیقاتی در فیلد، نحوه تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیقاتی، نگارش گزارش کار تحقیقاتی و پاورپوینت) به صورت مداوم برای دانشجویان توسط استاد و منتورهای اصلی برگزار گردید. دانشجویان پس از گذراندن جلسات آموزشی، جلسات رفع اشکال نیز داشتند که با حضور منتورها انجام می‌گرفت. در این بین بر اساس کارهای انجام شده تعدادی از دانشجویان توانستند در همایش‌های دانشجویی شرکت و مقاله خود را ارائه نمایند. وجود همتایان و قرار گرفتن دانشجویان در تیم‌های پژوهشی، علاوه بر تقویت روحیه تیم‌سازی به زمانبندی بهتر کارها طبق برنامه‌ریزی انجام شده و بهره‌گیری از تجارب دوران تحصیل منجر می‌شود. دانشجویان در انتهای دوره رضایت کامل از نحوه انجام برنامه را داشتند.

بحث و نتیجه گیری:

با رجوع به شایستگی‌هایی که دانشجویان در طی دوران تحصیل خود باید کسب کنند می‌توان دید در کنار مهارت‌هایی که در جهت تقویت انجام مهارت علمی است بر مهارت‌های بین فردی نیز تأکید شده است. برنامه منتورشیپ پژوهشی علاوه بر ایجاد رضایتمندی در منتور و دانشجویان و تقویت بنیه علمی آنها، منجر به بهبود مهارت‌هایی چون انجام کار تیمی و یادگیری مهارت‌های اجتماعی که از لازمه‌های رفتاری یک دانشجوی بهداشت عمومی است می‌گردد.

کلمات کلیدی: منتورینگ، همیار دانشجو، دانشجویان



**رضایت سنجی و مقایسه توانمندی های پزشکی و آموزشی دانشجویان در
جلسات گزارش صبحگاهی گروه داخلی (با یا بدون حضور دستیاران) در
بیمارستان آموزشی امام رضا (ع) و قائم (عج) دانشگاه علوم پزشکی مشهد در
سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ از دیدگاه اعضای هیئت علمی، دستیاران و کارورز**

مینا اکبری راد^۱، فرنوش ابراهیم زاده^۱، محمدرضا فرزانه فر^۱، ابوالقاسم الهیاری^۱، مریم عمادزاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: مینا اکبری راد

مقدمه:

هدف مطالعه حاضر رضایت سنجی و مقایسه توانمندی های پزشکی و آموزشی دانشجویان در جلسات گزارش صبحگاهی گروه داخلی (با و بدون حضور دستیاران) می باشد. از این رو و با توجه به جدا سازی دانشجویان کارورز از دستیاران در بخش داخلی بیمارستان امام رضا (ع) وابسته به دانشگاه علوم پزشکی مشهد، در این تحقیق به بررسی میزان بهره مندی کارورزان از جلسات گزارش صبحگاهی پرداخته شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی مقطعی در بخش های داخلی بیمارستان آموزشی امام رضا (ع) و قائم (عج) دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام شد. شرکت کنندگان واجد شرایط برای ورود به مطالعه، شامل اساتید گروه داخلی، دستیاران تخصصی و کارورزان بودند که برنامه بخش داخلی را گذرانده بودند و حداقل در دو جلسه گزارش صبحگاهی شرکت کرده بودند. معیارهای خروج از مطالعه شامل پاسخ ناقص به پرسشنامه ها و عدم تمایل به همکاری و تکمیل پرسشنامه بود. نمونه مورد نیاز شامل ۱۲۴ نفر کارورز، ۶۰ دستیار بالینی و ۴۱ استاد بود که با استفاده از روش سرشماری، تمامی شرکت کنندگان واجد شرایط که در جلسات گزارش صبحگاهی شرکت کرده بودند، وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه مکارم و همکاران بوده است. قبل از شروع جلسات، محقق با حضور در محل برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی در هر بیمارستان، پرسشنامه ها را بین نمونه هایی که تمایل به شرکت در مطالعه داشتند توزیع و پرسشنامه ها را در پایان جلسات گزارش صبح جمع آوری می کرد. داده های جمع آوری شده در مورد بیمارستان ها به صورت محرمانه بایگانی شد و نام بیمارستان ها در مطالعه حاضر کدگذاری شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 23 مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

در این تحقیق ۲۲۵ نفر مشارکت نمودند که ۶۰ نفر (۲۶٪) دستیار بالینی، ۱۲۴ پرسشنامه (۵۵٪) کارورز و ۴۱ نفر (۱۸٪) استاد بودند که ۶۱ درصد ایشان را خانم‌ها تشکیل می‌دادند. مطابق با نتایج، به ترتیب (۵۶٪) دستیاران و (۶۷٪) اساتید در بیمارستان امام رضا (ع) در خصوص برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی بدون حضور دستیاران مخالف بوده‌اند. در بیمارستان قائم (۷۸٪) دستیاران و (۷۹٪) اساتید با حضور دستیاران موافق بوده‌اند. در حالی که بیش از نیمی از کارورزان در بیمارستان امام رضا (ع) (۹۱٪) در خصوص برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی بدون حضور دستیاران موافق و (۶۰٪) در بیمارستان قائم نیز در خصوص برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی با حضور دستیاران مخالف بوده‌اند. ۴۰ درصد دستیاران، ۲۲ درصد کارورزان و ۶۰ درصد اساتید در بیمارستان قائم، اعتقاد داشتند که برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی با حضور دستیاران بر توانمندی‌های پزشکی تاثیر می‌گذارد. همچنین تاثیر جلسات گزارش صبحگاهی بر توانمندی پزشکی بر اساس دیدگاه دستیاران بالینی، کارورها و اساتید بطور معناداری تفاوت داشت ۱۸. ($p=0.001$) درصد دستیاران، ۵۳ درصد کارورزان و ۱۹ درصد اساتید در بیمارستان امام رضا، اعتقاد داشتند که برگزاری جلسات گزارش صبحگاهی بدون حضور دستیاران بر توانمندی‌های پزشکی تاثیر می‌گذارد. همچنین تاثیر جلسات گزارش صبحگاهی بر توانمندی پزشکی بر اساس دیدگاه دستیاران بالینی، کارورها و اساتید بطور معناداری تفاوت داشت. ($p=0.001$) جهت تعیین ارتباط بین میانگین نمره کل در میان دیدگاه دستیاران بیمارستان قائم (عج) و بیمارستان امام رضا (ع) از آزمون Mann-Whitney استفاده گردید. مطابق با این آزمون بین میانگین نمره کل دیدگاه دستیاران در دو بیمارستان رابطه معنی داری مشاهده شد ($p=0.004$). جهت تعیین ارتباط بین میانگین نمره کل در میان دیدگاه کارورزان بیمارستان قائم (عج) و بیمارستان امام رضا (ع) از آزمون Mann-Whitney استفاده گردید. مطابق با این آزمون بین میانگین نمره کل دیدگاه کارورزان در دو بیمارستان رابطه معنی داری مشاهده شد. ($p=0.001$) جهت تعیین ارتباط بین میانگین نمره کل در میان دیدگاه اساتید بیمارستان قائم (عج) و بیمارستان امام رضا (ع) از آزمون Mann-Whitney استفاده گردید. مطابق با این آزمون بین میانگین نمره کل دیدگاه اساتید در دو بیمارستان رابطه معنی داری مشاهده شد ($p\text{-value}=0.001$).

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نتایج تحقیق مشخص گردید که دستیاران و اساتید با عدم حضور دستیاران در گزارشات صبحگاهی مخالف بوده‌اند و برعکس کارورزان با عدم حضور دستیاران در گزارشات صبحگاهی موافقت نشان داده‌اند. به عبارت دیگر بر اساس دیدگاه کارورزان، اکثر شاخص‌های کیفیت آموزشی و پزشکی در جلسات گزارش صبحگاهی در بیمارستان امام رضا بدون حضور دستیاران بالینی به طور مناسب‌تری حاصل شده است.

کلمات کلیدی: دستیاران بالینی، کارورزان، اساتید، گزارش صبحگاهی

تجارب دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی از ارتباط منتور- منتی: یک مطالعه کیفی

ربابه امروزی^۱، معصومه قلیزاده^۱، علی جنتی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: معصومه قلیزاده

مقدمه:

روش های تعاملی در تدریس، امکان دستیابی به سطوح بالای یادگیری دانشجویان را فراهم میکنند و مدرسین علاقمند به اهداف آموزشی با سطوح بالا، مستلزم انتقال سبک های تدریس از روش های سنتی به روش های دانشجو محور و تعاملی هستند. در این راستا، بکارگیری منتورها در امر آموزش و تقویت رابطه منتی- منتور از جمله راهکارهای توصیه شده است. رابطه ای متمایز که هم حرفه ای و هم بین فردی است و در صورت برقراری مناسب، میتواند حائز منافی برای هر دو طرف رابطه باشد. در دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی تبریز، طی مرحله انتقال از روشهای سنتی به تعاملی، تعداد برنامه های منتورشیپ رو به افزایش است و شناسایی تجربیات زیسته مشارکت کنندگان در این تعاملات میتواند راهنمای مناسبی در اتخاذ بهترین شیوه ها و ملاحظات و دستیابی به اهداف آموزشی و سطوح بالای یاددهی- یادگیری باشد. به همین منظور، پژوهش حاضر با هدف تبیین و شناسایی تجربیات دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی از مشارکت منتورها در تدریس واحدهای درسی انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه انجام شده، یک پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی است. مشارکت کنندگان، از بین دانشجویان مقطع کارشناسی و ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی بودند که در تدریس واحدهای درسی آنها، از مشارکت منتورها کمک گرفته شده بود. تجارب دانشجویان منتی با استفاده از مصاحبه های نیمه ساختارمند و به روش حضوری، شناسایی و بررسی شد. حجم نمونه لازم برای مصاحبه ها با تحقق اشباع و رسیدن به مرحله ای که با تکرار مصاحبه، داده جدیدی دریافت نمیشد، مشخص گردید. متن مصاحبه ها بعد از انجام، پیاده سازی و سپس تحلیل محتوا انجام گرفت. برای تحقق قوام و دقت مطالعه، تمهیدات لازم جهت تامین چهار معیار اعتبار، اعتماد، تایید پذیری و قابلیت انتقال اتخاذ شد.

نتایج:

در مجموع ده نفر از دانشجویان متشکل از سه دانشجوی مرد و هفت دانشجوی زن تجربه خود را با تیم پژوهشی به اشتراک گذاردند. دانشجویان (منتی ها) تعریف درک کرده خود از واژه منتور را توصیف و نحوه برخورداری از کمک، راهنمایی و حمایت منتورها را طی دوره تحصیل بیان کردند. دو مولفه اصلی متشکل

از شش مضمون فرعی حاصل تحلیل تجارب زیسته دانشجویان از ارتباط با منتورها بودند. مولفه های تقویت کننده با مضامین حمایت استاد، خصوصیات منتور و تجارب مثبت قبلی مشخص شدند. مولفه های تضعیف کننده با مضامین کانتکس آموزشی، خصوصیات فردی منتی ها و تعارض نقشهای منتوری مشخص گردید. تجزیه و تحلیل تجارب بیان شده نشان داد ایفای نقش مربی گری از طرف منتورها نسبت به سایر نقشها مثل حمایت منتی ها، غالب بوده است و زمان بیشتری از ارتباط دوطرفه صرف تسهیل در تهیه تکالیف و پروژه های کلاسی و ارائه فیدبک به تکالیف تیمی در زمان کلاس درسی شده است.

بحث و نتیجه گیری:

دانشجویان مشارکت کننده، طیف متنوعی از نحوه ارتباط با منتورها را تجربه کرده اند. تعاملات منتی ها با منتورها تحت شرایط و تجربیات مختلف میتواند تقویت یا تضعیف شود. درک و توجه به عوامل مختلف برای بهبود، توسعه و اثربخشی آموزشی این رابطه، ضروری است. این مطالعه نشان می دهد که روش منتورینگ در این دانشکده، می تواند، یک تجربه مثبت و سودمند باشد. شفاف سازی نقشهای منتور، منتی و اساتید در شکل گیری آگاهانه تر این رابطه میتواند مفید واقع شود و تداوم و ترویج بکارگیری این روش، امکان تجربه ی منتورینگ پویا و موثرتری را فراهم نماید.

کلمات کلیدی: مطالعه کیفی، منتورینگ، یادگیری، روشهای تعاملی



بررسی آموزش مبتنی بر شبکه های مجازی بر دانش و رویکرد یادگیری دانشجویان پرستاری

معصومه ایمانی پور^۱، ملیحه حاتمیان^۱، نیایش محبی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: معصومه ایمانی پور

مقدمه:

دادن دارو به روشی ایمن و موثر بخش مهم فرآیند درمان بوده و از وظایف حساس پرستاران بحساب می آید. درحالیکه خطاهای دارویی شایع هستند. این خطاها در بخش مراقبتهای ویژه، به دلایلی مانند ماهیت پیچیده بیماری، بیماری های زمینه ای، سالخوردگی و بدحال بودن بیماران به مراتب بیشتر است. تجویز موثر و ایمن داروها نیازمند دانش کافی در زمینه های مختلف از جمله دانش تئوری و بالینی تجویز دارو، داروشناسی و توانایی محاسبات بالینی داروها است. درحالیکه شواهد نشان می دهد دانش و مهارت پرستاران و دانشجویان پرستاری در زمینه داروشناسی رضایتبخش نیست و علت آن ناشی از فرآیندهای یادگیری سطحی، آموزش غیرموثر داروشناسی، عدم تخصیص وقت کافی در خصوص داروشناسی و شکاف بین کاربرد دانش تئوریک و استانداردهای عملکرد دارودهی در بالین می باشد. به این ترتیب آموزش فارماکولوژی بخش مهمی از یک استراتژی کاربردی برای جلوگیری از خطاهای دارویی و مدیریت ایمنی بیماران محسوب می شود. بر این اساس هدف مطالعه حاضر بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر شبکه های اجتماعی بر دانش و رویکرد یادگیری دانشجویان پرستاری در زمینه اصول فارماکولوژی بالینی بود.

مواد و روش ها:

این مطالعه یک کارآزمایی کنترل شده دو گروهی قبل و بعد بود. جامعه پژوهش دانشجویان ترم چهارم و پنج کارشناسی پرستاری بودند که به روش در دسترس وارد مطالعه شدند. گروه کنترل به روش روتین در دو جلسه سه ساعته در مورد داروهای ترالی اورژانس آموزش دیدند. گروه آزمون از طریق شبکه اجتماعی تلگرام آموزش دیدند. به این صورت که مطالب در قالب پادکستهای صوتی ۲-۳ دقیقه، اسلاید، تصاویر، ویدئوکلیپهای کوتاه، سناریو بالینی و پیامهای کوتاه متنی روزهای فرد در اختیار دانشجویان قرار میگرفت و روز جمعه هم به سوال و تمرین و رفع اشکال اختصاص داشت. مداخله حدود دو ماه بطول انجامید. متغیرهای وابسته دانش و رویکرد یادگیری در هر دو گروه یکبار قبل از مداخله و یکبار بعد از مداخله با استفاده از پرسشنامه های ASSISST و پرسشنامه محقق ساخته دانش که مراحل روایی پایایی آنها تایید شد، بررسی شدند.

نتایج:

بنابر آزمونهای آماری دو گروه از نظر دانش و رویکرد یادگیری قبل از آموزش همگن بودند. نتایج نشان داد دانش گروه آزمون در مقایسه با گروه کنترل بعد از مداخله آموزشی افزایش بیشتر و معنی داری داشت ($P < 0.001$). درمورد رویکرد یادگیری نیز تغییرات نمره رویکرد یادگیری گروه آزمون بیشتر از گروه کنترل بود ($P < 0.001$). همچنین نتایج نشان داد بعد از مداخله رویکرد یادگیری عمقی در گروه آزمون به طور معنی داری افزایش داشته و غالب شده بود. در حالیکه در سایر رویکردها و در گروه کنترل اگرچه تغییراتی اتفاق افتاده بود اما هیچکدام معنا دار نبودند.

بحث و نتیجه گیری:

یافته های مطالعه حاضر نشان داد استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی به عنوان یک روش آموزشی الکترونیک می تواند به طور معنی داری دانشجویان را به سمت یادگیری عمقی که درک و فهم موضوع و پیوند دادن آموخته های جدید با یادگرفته ها و تجارب قبلی است، سوق دهد چراکه امکان ارائه محتوای آموزشی در قالب های کوچک و به دفعات در طول زمان بیشتر را فراهم می آورد و لذا می توان از تنوعی از روشهای ارائه محتوا مانند کیس و سناریو بالینی، فیلم و کلیپ و ... استفاده کرد و دانشجویان را به تفکر بیشتر و یادگیری عمقی هدایت کرد. البته با توجه به معنی دار نشدن نتایج در سایر رویکردهای یادگیری، بنظر می رسد تکرار مطالعه مشابه با حجم نمونه بیشتر ضروری باشد. یافته ها همچنین نشان داد استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی به عنوان یک روش آموزشی الکترونیک می تواند به طور معنی داری، دانش دانشجویان را در زمینه فارماکولوژی بالینی افزایش دهد.

کلمات کلیدی: شبکه اجتماعی مجازی، رویکرد یادگیری، دانش

مقایسه اثربخشی منتورینگ الکترونیکی (E-Mentoring) بازخورد محور آفلاین و آنلاین در تجارب یاددهی-یادگیری (ETL) دانشجویان تحصیلات تکمیلی

زهرة سادات میرمقتدایی^۱، احسان طوفانی نژاد^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: زهرة سادات میرمقتدایی

مقدمه:

یکی از اهداف اصلی منتورینگ، ارتقای منتی (Mentee) در موارد مختلف مانند ارتقای حرفه ای، حمایت روانی و سازمانی است. با توجه به گسترش روابط سایبری نیاز به منتورینگ الکترونیکی بیش از پیش احساس می گردد که می تواند بصورت آفلاین و یا آنلاین صورت گیرد. این مطالعه با هدف مقایسه منتورینگ الکترونیکی بازخورد محور آفلاین و آنلاین با تجارب یاددهی-یادگیری در دانشجویان تحصیلات تکمیلی یکی از دانشگاههای علوم پزشکی انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه از نوع تجربی دوگروهه، با طراحی قبل و بعد در نظر گرفته شد که ۶۰ نفر از دانشجویان واجد شرایط که حداقل یکسال تحصیلی را به اتمام رسانده بودند، با روش نمونه گیری در دسترس، به عنوان جامعه پژوهش انتخاب شدند و در دو گروه ۳۰ نفری به صورت تصادفی قرار گرفتند. در ابتدا پرسشنامه تجارب یاددهی-یادگیری پارالا (ETLQ) توسط آنها تکمیل گردید. سپس این دانشجویان به مدت دو نیمسال تحصیلی تحت نظر یک منتورالکترونیکی قرار گرفتند تا آنها را در طی کردن مسیر تحصیلی کمک نماید. بعد از اتمام دوره مجدد مورد بررسی قرار گرفتند. این پرسشنامه شامل ۳۳ سوال است که درک دانشجویان از محیط یادگیری-یاددهی، رویکرد یادگیری دانشجویان و تفکر نقادانه آنان را ارزیابی می کند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 16 و آزمون های آماری کای دو و ANOVA تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج:

نتایج پژوهش نشان داد که نمره کل تجارب یاددهی-یادگیری در گروه آفلاین ۴۸/۳۷ درصد بود و دو نیمسال پس از دریافت منتورینگ الکترونیکی نمره آنها به ۵۲/۰۳ درصد رسید. (000/0=P) نمره کل تجارب یاددهی-یادگیری گروه آنلاین قبل از انجام مداخله ۴۸/۳۰ درصد بود که پس از انجام مداخله به ۶۸/۴۲ درصد رسید. اختلاف میانگین امتیازات در درک دانشجویان از محیط یادگیری-یاددهی از ۰/۴۱±۰/۱۰ به ۰/۸۳±۰/۰۸، رویکرد یادگیری دانشجویان از ۰/۱۱±۰/۲۵ به ۰/۸۳±۰/۰۸ و تفکر نقادانه از ۰/۱۱±۰/۷۲ به ۰/۰۷±۰/۵۱ (003/0=P) افزایش قابل توجهی در گروه منتورینگ الکترونیکی بازخورد محور آنلاین در مقایسه با گروه آفلاین نشان می دهد.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج این پژوهش نشان داد که هر نوع منتورینگ الکترونیکی می تواند در کسب تجارب یاددهی-یادگیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی موثر واقع شود هر چند ارتباط آنلاین تاثیر قابل توجه تری داشت. نتایج این مطالعه به اهمیت برنامه ریزی در این زمینه تاکید می کند. پیشنهاد می شود با توجه به سهولت استفاده، در دسترس بودن و نسبتا کم هزینه بودن، این روش به عنوان یک روش مناسب به منظور برآورده سازی انتظارات دانشجویان و کسب رضایت بخش تجارب یاددهی-یادگیری استفاده شود.

کلمات کلیدی: اثربخشی، منتورینگ الکترونیکی، تجارب یاددهی-یادگیری، دانشجویان



طراحی، اجرا و ارزشیابی روش آموزش همتایان در دانشجویان پزشکی-کارآموزی جراحی- دانشگاه علوم پزشکی کردستان

کیوان صابونی^۱، بهزاد خلفی^۱، شاهین صارمی^۱، مجید شفیعیان^۱، فرزانه زارعی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

نویسنده مسئول: کیوان صابونی

مقدمه:

آموزش توسط همتایان از شیوه‌های آموزشی فراگیر محور است که با ایجاد شرایط جذاب باعث بهبود یادگیری می‌شود. فعال ساختن دانشجویان در روش تدریس گروه‌های همتا با کاهش بار کاری اعضای هیأت علمی و مدرسان همراه است. با توجه به نیاز سنجی انجام شده از اساتید و کارآموزان گروه جراحی دانشگاه علوم پزشکی کردستان و تعیین مشکل اساسی آنان در سیستم آموزشی سنتی موجود و همچنین عدم رضایت کافی از وضعیت آموزشی حال حاضر بر طبق ارزیابی‌های انجام شده، به نظر می‌رسد عدم تعامل کافی و عدم ایفای نقش توسط دانشجویان و همچنین روند فرسایشی و خسته کننده در سیستم آموزشی سنتی موجود؛ مشکل و مانع اساسی و اصلی در روند آموزش دانشجویان است. از این رو بر آن شدیم با در نظر گرفتن ویژگی‌هایی که آموزش همتا دارد و بر اساس آنچه که شیوه‌های نوین آموزشی میتوانند بر کیفیت و جنبه‌های مختلف یادگیری تاثیر گذار باشند این مطالعه را جهت ارزیابی پاسخگویی آموزشی روش همتایان در کارآموزان بخش جراحی دانشگاه علوم پزشکی کردستان طراحی و اجرا نماییم و به همین سبب این مطالعه در گروه کارآموزان جراحی دانشگاه علوم پزشکی کردستان اجرا گردید و ارزیابی از طریق بررسی میزان رضایتمندی فراگیران و همچنین میزان یادگیری آن صورت گرفت.

مواد و روش‌ها:

از روش اقدام پژوهی استفاده شد. بعد از تصویب طرح و طراحی سوالات پرسشنامه محقق ساخته، برای ۵۰ نفر از دانشجویان دوره اکسترنی جراحی که برای اولین بار در آبان ماه سال ۱۴۰۰ به کارآموزی جراحی آمدند، اجرا شد. کارآموزان به صورت تصادفی به دو گروه ۲۵ نفره تقسیم شدند. در گروه شاهد که تحت تدریس به روش سنتی قرار گرفتند مباحثی یکسان با مباحث مطرح شده در گروه مداخله از منبع مطالعه معرفی شده براساس کوریکوم انتخاب شد و طی کلاسهای حضوری، تدریس شد. در ابتدای دوره تمامی دانشجویان هر دو گروه مورد آزمون قرار گرفتند و نمراتشان ثبت شد و در طول دوره هر دو گروه آموزش روتین بخش را دریافت نمودند. به دانشجویان گروه مداخله علاوه بر آموزش روتین با تعیین مباحث جلسات آموزش همتا با نظارت یکی از رزیدنت‌ها، مباحث مجدداً آموزش داده شد که طی آن گروه به پنج گروه پنج نفره کوچک تر تقسیم شدند و از هر گروه یک نفر به عنوان آموزش دهنده همتای شریک

انتخاب شد. همچنین یک دانشجوی تخصص دستپاری سال دو جراحی به عنوان همتای نزدیک بر اجرای این فعالیت و بحث درون گروهی نظارت نمود و البته در تمام مراحل اجرای این روش استاد مربوطه درون کلاس حاضر بوده و مواقع لازم کارآموزان برای رفع اشکال یا ابهامات موجود در مبحث مربوطه از راهنمایی و مشاوره استاد استفاده میکردند. در پایان دوره نیز پس آزمون انجام شد. برای ارزیابی اثربخشی آموزشی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد و به این ترتیب سطح اول و دوم مدل کرک پاتریک مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج:

بر اساس آنالیز داده های بدست آمده، بین دو گروه شاهد و مداخله در رضایتمندی، اعتبار و قابلیت اجرا، تفاوت معنا داری وجود داشت. میزان رضایتمندی و همچنین میزان یادگیری به طور قابل توجهی در مقایسه با گروه شاهد که به روش سخنرانی تحت آموزش قرار گرفتند؛ بالاتر بود و بدین ترتیب این مطالعه در سطح اول و دوم الگوی کرک پاتریک موفق بوده و به اهداف آموزشی خود از جمله رضایتمندی و یادگیری و همچنین خودکارآمدی دست یافته است.

بحث و نتیجه گیری:

سهولت و تمایل بیشتر فراگیران برای ارتباط با همتایان و در دسترس بودن آنان در وضعیتهای خارج از کلاس درس و محیطهای صمیمانه تر و در نتیجه بحث و تبادل نظر فراتر از محیط رسمی کلاس، باعث می شود تا فرصت بیشتری برای ملاقات با همتایان وجود داشته باشد و محدودیت زمان تدریس جبران شود. در چنین شرایطی با صرف زمان بیشتر برای مباحثه، یادگیری عمیق تر ایجاد می گردد. بنابراین پیشنهاد می شود اساتید علوم پزشکی از این پتانسیل و ظرفیت برای ارتقاء کیفی آموزش ها استفاده نمایند.

کلمات کلیدی: آموزش همتایان، دانشجوی پزشکی

بررسی سواد اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری و نقش کتابداران بالینی در پیشبرد پروژه های تحقیقاتی

مینو سپهری گهر^۱، فاطمه تهرانی فر^۱، فاطمه خلیلی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه تهرانی فر

مقدمه:

با رشد اینترنت و فناوری، منابع اطلاعاتی موجود در اینترنت برای دانشجویان پرستاری نقش مهمی در انجام پروژه های تحقیقاتی، تکالیف آموزشی و محل کار دارند. از این رو، سواد اطلاعاتی آنها پیش نیاز مهمی برای موفقیت و ارائه خدمات بهتر و شایسته تر است. هدف از این مطالعه تعیین سواد اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری و نقش کتابداران در پیشبرد پروژه های تحقیقاتی بود.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی مقطعی در دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی و ایران در سال ۱۴۰۱ انجام شد. جامعه پژوهش شامل ۳۵ نفر از دانشجویان ارشد و دکترای پرستاری بود که به صورت در دسترس انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه گردآوری آوری شد و با نرم افزار SPSS 21 با استفاده از آمار توصیفی (درصد، میانگین، انحراف معیار) و تحلیلی (آزمون تی، تحلیل واریانس) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

شرکت کنندگان بیشتر از منابع چاپی به خصوص برونر و تایلور و... به زبان فارسی برای جستجوی اطلاعات استفاده کردند، بیش از ۷۰٪ آنها استفاده کامل از عملگرها و سایت های مرتبط را نمی دانستند و میانگین نمرات استفاده از ویژگی های مختلف جستجو در پایگاه های اطلاعاتی دیجیتال، وزارت بهداشت و موتورهای جستجو بسیار پایین بود ($1/34 \pm 1/08$). بیشتر آنها با اینکه در کارگاه های آموزشی شرکت کرده بودند فقط با گوگل اسکولار و SID کار پژوهشی خود را انجام می دادند و عده ای دیگر (۳۱/۲۷٪) راهبرد جستجویشان بر اساس مقالات ریویو پابمد و ساینس دایرکت بود. (۵۱/۴۳٪) دانشجویان دکترای ارشد در انجام پروژه و تحقیق خود در قسمت روش تحقیق مشکل داشتند، ۳۰٪ آنها کارهای پژوهشی خود را کامل انجام میدادند و از کتابدار برای راهبرد جستجو کمک گرفته بودند.

بحث و نتیجه گیری:

دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری فاقد مهارت‌های لازم برای جستجو و بازیابی اطلاعات از منابع الکترونیکی هستند و بیشتر متمایل به استفاده از منابع چاپی بوده و از منابع دیجیتال در حد مقاله‌های فارسی و استفاده از منابع لاتین موجود در مقالات استفاده می‌کنند. پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده نقش کتابداران بالینی و مربیان پرستاران بالینی را برای ارتقای سواد اطلاعاتی پرستاران، بزرگترین گروه ارائه دهندگان مراقبت‌های بهداشتی ارزیابی کنند.

کلمات کلیدی: سواد اطلاعاتی، منابع اطلاعاتی، پرستاران، کتابداران



مقایسه تأثیر یادگیری مبتنی بر شبکه و مبتنی بر حل مسأله بر تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی

نقیسه حکمتی پور^۱، مهلا دوستی نوری^۱

۱. دانشگاه آزاد اسلامی علی آباد کتول، گلستان، ایران

نویسنده مسئول: نقیسه حکمتی پور

مقدمه:

تفکر و مهارت درست اندیشیدن از مسائل مهمی است که از دیرباز مورد توجه نظام آموزشی بوده است تا با پرورش مهارت های مختلف تفکر سیستم آموزشی ارتقاء یابد؛ یکی از مهمترین انواع تفکر، تفکر انتقادی می باشد. دانشگاه ها و سیستم آموزشی می توانند با پرورش فارغ التحصیلانی که دارای مهارت تفکر انتقادی باشند، نوآوری را در جامعه ارتقاء بخشند. امروزه با توجه به پیچیدگی هایی که در سیستم های بهداشتی و بالین رخ داده است پرستاران نیاز دارند تا برای تصمیم گیری های بالینی در این موقعیت ها از قدرت تفکر انتقادی بالایی برخوردار باشند و یکی از وظایف معلمان پرستاری آموزش تفکر انتقادی می باشد. محققین بیان کردند که برای توسعه این نوع تفکر در فراگیران، اساتید باید از سبک تدریس فعال، چالش برانگیز و دانشجو محور استفاده کنند.

مواد و روش ها:

این مطالعه یک پژوهش تجربی پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل می باشد که در گروه دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای استان گلستان در مقطع ترم ۷ و ۸ پس از دریافت کد اخلاق اجرا شد. روش نمونه گیری در این مطالعه به صورت در دسترس از بین دانشجویان پرستاری عرصه در حال تحصیل در دانشگاه آزاد از بین دانشجویانی که شرایط ورود به مطالعه را داشتند می باشد. در ابتدا از بین ۱۹۰ دانشجوی عرصه در حال تحصیل ۷۵ دانشجو که شرایط ورود به مطالعه را داشتند انتخاب شدند سپس به روش تخصیص تصادفی تحت وب به سه گروه حل مسئله، مبتنی بر شبکه و گروه کنترل تقسیم شد. در ابتدا تخصیص تصادفی از قبل تنظیم شده در وب، در پاکت های مهر و موم شده نوشته شده و توسط کمک پژوهشگر به هر یک از دانشجویان داده شد. گروه آموزش مبتنی بر حل مسئله (P)، گروه مجازی (I) و گروه کنترل (C) بود. پس از توضیح اهداف پژوهش برای دانشجویان، عدم اجباری بودن شرکت در مطالعه، امکان قرار گرفتن در هر یک از گروه ها به صورت تصادفی و آزادی برای انصراف از مطالعه در هر زمانی از اجرای مراحل رضایت نامه کتبی آگاهانه از آن ها گرفته می شود. مباحثی از دروس پرستاری انتخاب شد که دانشجویان پیش زمینه در رابطه با موضوع را دارند. پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و گرایش به تفکر انتقادی CTDI توسط دانشجویان تکمیل

شد. نمرات کسب شده از این پرسشنامه از ۷۵ تا ۴۵۰ متفاوت می باشد. هر چقر دانشجوی نمره بالاتری از این پرسشنامه کسب نماید به معنی قدرت تفکر انتقادی بیشتری در وی می باشد. در جلسه اول برای هر گروه به طور جداگانه روش تدریس یادگیری مبتنی بر حل مسئله و مبتنی بر شبکه در یک جلسه ۹۰ دقیقه ای و روش استفاده از آن توضیح داده شد. در طول ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای نمونه سناریو برای هر جلسه جداگانه ارائه می شد. در گروه مبتنی بر حل مسئله کمک پژوهشگر در هر جلسه درسی، سناریوهایی را طرح نموده و دانشجویان در گروه های ۶-۵ نفره به صورت حضوری با یکدیگر بحث نمودند. سپس طراحی یک فرآیند پرستاری جامع توسط دانشجویان انجام می شد. سناریوهای انتخابی از بین بیماران بستری در بخش توسط اساتید پرستاری طرح و انتخاب شده بودند. در گروه تحت آموزش به شیوه مبتنی بر شبکه نیز مدرس سناریوهای یکسان را مطرح می نمود و فرآیند پرستاری تا مرحله برنامه ریزی توسط دانشجویان به صورت گروهی ۵-۶ نفره در گروه های واتساپ نوشته و ارائه می شد. در پایان جلسه ۸ مجدداً آزمون تفکر انتقادی CTDI توسط دانشجویان شد.

نتایج:

پیش از اجرای مداخله میانگین نمره تفکر انتقادی در دانشجویان گروه حل مسئله و مبتنی بر شبکه به ترتیب $۸۲/۹ + ۹۶/۳۵۰$ و $۷۳/۱۲ \pm ۷۶/۳۴۳$ بود که تفاوت آماری معنی داری نداشت. ($P=0/58$) پس از مداخله نیز نمرات گروه حل مسئله و مبتنی بر شبکه $۹۵/۱۷ + ۴/۴۷۷$ و $۲۸/۳۷۲ \pm ۱۸/۵۵$ بود که تفاوت آماری معنی داری بین دو گروه دیده نشد. ($P=0/53$)

بحث و نتیجه گیری:

یافته ها نشان داد که آموزش حل مسئله در جهت بهبود تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری چه به صورت حضوری و یا روش های مجازی به اندازه یکسانی می تواند موثر باشد. چه بسا استفاده از این دو روش به صورت تاقیقی بتواند تاثیر شگرفی در آموزش دانشجویان و به دنبال آن، تربیت نسلی از پرستاران برای ارتقاء کیفیت خدمات ارائه

کلمات کلیدی: حل مسئله، شبکه، تفکر نقاد، پرستاری

تبیین تجارب دانشجویان پرستاری از نقش انگیزشی مربیان در آموزش بالینی: یک مطالعه کیفی

سیده فاطمه غیائی^۱، نسرين حنیفی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

نویسنده مسئول: نسرين حنیفی

مقدمه:

اکثر نظریه پردازان در حوزه آموزش بر نقش انگیزه تاکید می کنند و عدم وجود آن را به عنوان مانعی در فرآیند یادگیری می دانند. انگیزه یکی از الزامات آموزش بالینی مؤثر است. مربیان بالینی نقشی کلیدی در انگیزش دانشجویان پرستاری ایفا می کنند. لذا، این مطالعه با هدف تبیین و درک تجارب دانشجویان پرستاری از نقش انگیزشی مربیان در آموزش بالینی انجام شد.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر، یک مطالعه کیفی توصیفی است. جامعه پژوهش شامل دانشجویان و مربیان پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی زنجان بود. معیار ورود به مطالعه شامل: اشتغال به تحصیل در سال دوم کارشناسی پرستاری و بالاتر، توانایی و تمایل به بیان تجارب بود. نمونه گیری به صورت هدفمند و تا زمان اشباع داده ها انجام شد. جهت جمع آوری داده ها از مصاحبه های عمیق نیمه ساختارمند استفاده شد. زمان هر مصاحبه ۴۰ تا ۶۰ دقیقه بود. مدیریت داده های کیفی با استفاده از نرم افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۰ انجام شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل محتوای قراردادی با رویکرد Lundman (2004) و Graneheim استفاده شد. برای دستیابی به اعتبار و اعتماد علمی داده های کیفی از چهار معیار موثق بودن گوبا و لینکولن شامل: اعتبار، قابلیت اعتماد، تأیید پذیری و انتقال پذیری استفاده گردید.

نتایج:

مشارکت کنندگان در مطالعه شامل ۱۶ دانشجوی پرستاری (۱۰ زن و ۶ مرد) در محدوده سنی ۲۱ تا ۲۵ سال بود. از تحلیل داده های کیفی حاصل از مصاحبه های انجام شده ۳ طبقه اصلی شامل: "نگرش مثبت/منفی مربیان نسبت به پرستاری"، "ارتباطات" و "اقتدار" استخراج شد.

بحث و نتیجه گیری:

تجارب حاصل از مصاحبه با مشارکت کنندگان نشان می دهد که یک مربی دارای دیدگاه منفی نسبت به رشته پرستاری ممکن است از طریق نظرات ضمنی آن را مورد انتقاد قرار دهد یا اینکه در مورد تمجید از رشته پرستاری و مزایای آن اغراق کند. لذا، دانشجویان در هنگام ورود به محیط بالین متوجه می شوند که مدینه فاضله ارائه شده توسط مربی آنها توهمی بیش نیست و ممکن است اعتماد خود را به معلم

خود از دست بدهند و افسردگی شدید را تجربه کنند. مهارت های ارتباطی مربیان بالینی در بخش و با افراد مختلف از جمله پرستاران، بیماران و دانشجویان نقش انکارناپذیری در معرفی مربی به عنوان الگو برای دانشجویان دارد. تجارب دانشجویان پرستاری مشارکت کننده در مطالعه حاضر نشان می دهد که مربیان بالینی مدل های خوبی نبوده و آنها از ناتوانی مربیان در برقراری ارتباط صحیح شکایت داشتند. اقتدار یکی از مهمترین عوامل در توانایی مربی برای ایجاد انگیزه یا ناامید کردن دانشجویان است. اختیارات مربیان در عرصه بالینی ارتباط تنگاتنگی با قابلیت های عملی، علمی و مدارج علمی پیشرفته آنها دارد. شرکت کنندگان ما بر این باور بودند که اقتدار و اعتماد به نفس مربیان می تواند به دانشجویان آنها منتقل شود. مربی ای که فاقد این ویژگی ها باشد، قطعاً نمی تواند از سازمان (بخش) خود حمایت مناسب و لازم را دریافت کند.

کلمات کلیدی: مربی، دانشجوی پرستاری، آموزش بالینی



طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه تدریس وارونه در بالین دانشجویان پرستاری

مرضیه جهانی صیاد نویری^۱، مهرانوش خوش تراش^۱، ملوک پورعلیزاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نویسنده مسئول: مرضیه جهانی صیاد نویری

مقدمه:

مأموریت اصلی آموزش پرستاری، تربیت پرستاران توانمند و شایسته است که دانش، نگرش و مهارتهای لازم را برای حفظ و ارتقاء سلامت جامعه داشته باشند. برای رسیدن به این هدف، آموزش بالین مهمترین و اساسی ترین نقش را برعهده دارد. استفاده از فضای مجازی و روش های ترکیبی در این امر می تواند کمک شایانی به ارتقاء این مهم داشته باشد. بنابراین این مطالعه با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه تدریس وارونه در بالین دانشجویان پرستاری انجام گردید.

مواد و روش ها:

۶۰ دانشجوی پرستاری ترم ۷ دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی رشت در واحد کارآموزی غدد، پوست و روماتولوژی در نیمسال دوم ۱۴۰۰ و نیمسال اول ۱۴۰۱ به روش تدریس وارونه (کلاس نظری وارونه و گزارش مورد وارونه) مورد آموزش قرار گرفتند. به این صورت که قبل از شروع کارورزی واحد مزبور، دروس بطور مجازی در اختیار دانشجویان قرار گرفته و در روز اول حضور در واحد از دانشجویان آزمون کتبی (مشمتمل بر ۵ سؤال) به عمل می آمد. در ادامه در دوره ۱۰ روزه کارآموزی، با توجه به موردهای (Case) موجود در بخش ها، محتوای آموزشی مربوطه توسط استاد بالینی با استفاده از روش های فعال تدریس (ترکیبی از سخنرانی، نقشه مفهومی، پرسش و پاسخ، بارش افکار) مجدداً به دانشجویان تدریس و به سئوالات آنها پاسخ داده می شد (کلاس نظری وارونه). پس از آن از گروهی از دانشجویان خواسته می شد ابتدا مورد (Case) موجود در بخش را با توجه به مطالب آموخته شده ارزیابی نمایند (مطالعه پرونده و خود بیمار) و سپس گزارش خود را در بالین بیمار به استاد و سایر دانشجویان ارائه دهند به گونه ای که علل بیماری، علائم و نشانه ها، یافته های پاراکلینیک، روش های درمانی، مراقبت های پرستاری و عوارض مربوط به آن بیمار با توجه به مطالب آموخته شده، تجزیه و تحلیل و ارائه شود (گزارش مورد وارونه). در پایان نیز به سئوالات دانشجویان پاسخ داده می شد. کل دانشجویان در این واحد بالین به این شیوه تحت آموزش قرار گرفتند. در آخرین روز کارورزی، اثربخشی روش تدریس بالینی وارونه با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته رضایتمندی (مشمتمل بر ۲۰ آیتم که تحت روایی صوری و محتوا قرار گرفته است) و آزمون کتبی سنجش دانش (مشمتمل بر ۵ سؤال) مورد ارزیابی قرار می گرفت.

نتایج:

میانگین و انحراف معیار سن دانشجویان $۱/۵۴ \pm ۲۲/۶۸$ و $۵۱/۷\%$ دانشجویان زن بودند. $۷۶/۶\%$ دانشجویان به میزان زیاد و خیلی زیاد از این روش تدریس رضایت داشتند. بیشترین رضایت دانشجویان مربوط به شیوه اجرای روش تدریس بالینی وارونه توسط استاد بود ($۸/۹۲ \pm ۲۵/۱۱$). درمورد خود روش تدریس، اکثر دانشجویان معتقد بودند امکان برقراری ارتباط بین مطالب آموزشی در این روش زیاد است ($۸۸\%/۴$) و تدریس به این روش قدرت تحلیل‌گری و تفکر انتقادی آنها را افزایش داده است ($۶۸\%/۳$). همچنین اکثر آنها اعتقاد داشتند تدریس بالینی به این روش با سبک یادگیری دانشجویان همخوانی دارد (۷۵%) و امکان پاسخگویی به نیازهای یادگیری فردی آنها وجود دارد ($۷۱\%/۶$)، همچنین $۷۳\%/۴$ درصد دانشجویان معتقد بودند تدریس بالینی به این روش علاقه آنها نسبت به موضوع درسی را افزایش داده است. نمرات کسب شده دانشجویان در آزمون نهایی پایان واحد نسبت به نمرات آزمون شروع واحد بطور معناداری بالاتر بود ($Z = -6.807$ ، $P = 0.00$).

بحث و نتیجه‌گیری:

رضایتمندی بالای دانشجویان از روش تدریس بالینی وارونه و ارتقای نمره دانشجویان در پایان واحد، نشان از اثربخشی این روش آموزشی در بالین دارد. لذا پیشنهاد می‌شود از این روش در واحدهای بالینی دیگر پرستاری و همچنین سایر رشته‌های علوم پزشکی استفاده شود.

کلمات کلیدی: کلاس وارونه، بالین، دانشجویان پرستاری



طراحی، اجرا و ارزشیابی کارگاه آموزش بالینی مهارت زایمان ویژه دانشجویان فوریت های پزشکی پیش بیمارستانی با رویکرد مبتنی بر پاسخگویی اجتماعی

امیر فقیهی^۱، پریسا ثابت سروسستانی^۱، مصطفی بیژنی^۱، شهناز کریمی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی فسا، فارس، ایران

نویسنده مسئول: امیر فقیهی

مقدمه:

تناسب داشتن برنامه آموزشی با نیازهای شغلی دانش آموختگان کلیه رشته های علوم پزشکی، از اصول کلیدی ارتقای دانش کاربردی افراد و افزایش کیفیت بکارگیری دانش و مهارت آنان در راستای پاسخگویی اجتماعی می باشد. ضعف آموزش بالینی در کسب مهارت مراقبت از زنان درحال زایمان، یکی از مهم ترین چالش های دانش آموختگان رشته فوریت های پزشکی در زمان شروع به فعالیت در مراکز پیش بیمارستانی می باشد. بنابراین مطالعه حاضر با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی کارگاه مهارت آموزی زنان و زایمان ویژه دانشجویان فوریت های پزشکی پیش بیمارستانی انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه دانش پژوهی در آموزش، ویژه دانشجویان کارشناسی ناپیوسته فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی فسا و شیراز در نیمسال اول ۱۴۰۱ و در سه مرحله طراحی، اجرا و ارزشیابی انجام شد. ابتدا کمیته ای از متخصصین رشته های زنان وزایمان، پرستاری و فوریت های پزشکی پیش بیمارستانی تشکیل گردید. به منظور طراحی کارگاه ها از مدل تیلور استفاده شد و کلیه مراحل نیازسنجی، تنظیم اهداف آموزشی، تهیه محتوا، تعیین استراتژی های آموزشی و روش های ارزشیابی مشخص گردید. کارگاه های آموزشی به مدت یک هفته اجرا شد. ارزشیابی بر اساس مدل کرک پاتریک (رضایت مندی و یادگیری) انجام شد. به منظور ارزیابی رضایت مندی فراگیران و ارزشیابی یادگیری عملی، پرسشنامه ۱۰ سوالی رضایت سنجی با مقیاس ۵ دامنه ای لیکرت و آزمون عملی ساختارمند عینی (OSCE) استفاده شد.

نتایج:

یافته ها نشان داد میزان رضایت مندی دانشجویان پس از برگزاری کارگاه های آموزشی ۹۱/۴ درصد بود ($P \geq 0.001$) همچنین میانگین نمرات دانش قبل از مداخله ($14/36 \pm 1/47$) نسبت به بعد از مداخله ($17/54 \pm 1/69$) افزایش معناداری داشت و میانگین نمرات مهارت قبل از مداخله ($13/68 \pm 1/39$) نسبت به بعد از مداخله ($16/17 \pm 1/39$) نیز افزایش معناداری داشت ($P \geq 0.001$).

بحث و نتیجه گیری:

این مطالعه نشان داد برگزاری کارگاه آموزش بالینی مهارت زایمان منجر به افزایش رضایت مندی و بهبود سطح یادگیری دانشجویان می گردد. از آنجاکه به دلیل مسائل فرهنگی و قوانین آموزشی، دانشجویان پسر اجازه ورود به بخش زایمان را ندارند اما در ارائه خدمات در سطح جامعه با فرایند زایمان مواجه می شوند، لذا پیشنهاد می گردد استفاده از این روش یادگیری در برنامه آموزشی رشته کارشناسی ناپیوسته فوریت های پزشکی پیش بیمارستانی در نظر گرفته شود.

کلمات کلیدی: کارگاه، زایمان، فوریت های پزشکی



رابطه نقش مدرس و محتوای آموزشی دوره با پذیرش یادگیری الکترونیکی: نقش میانجی مهارت کامپیوتری دانشجویان

سید حمید شریف نیا^۱، کلی ان آلن^۲، گوکمن ارسلان^۳، نسیم قهرانی^۱، پردیس رحمت پور^۴، فاطمه خوشنوی فومنی^۵

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

2. School of Education, University of Melbourne, Melbourne, Australia

3. Department of Psychological Counseling, Burdur Mehmet Akif Ersoy University

۴. دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۵. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: سید حمید شریف نیا

مقدمه:

در سال‌های اخیر، سیستم‌های آموزش آنلاین در بسیاری از دانشگاه‌ها در سراسر جهان اجرا شده است تا فرایند یاددهی و یادگیری را پشتیبانی کند. اما این آموزش، برای محیط‌های آموزشی که نتوانستند خود را با آن تطبیق دهند بسیار چالش برانگیز بوده است و موجب شد پذیرش یادگیری الکترونیک در همه‌ی مراکز آموزشی یکسان نباشد لذا جهت ارزیابی پذیرش یادگیری الکترونیک لازم است عوامل تاثیرگذار بر آن، مورد بررسی قرار گیرند. نقش مدرس و نحوه برخورد او با این رویکرد و توانمندی او در تهیه محتوای مناسب این دوره، و نحوه ارائه آن به دانشجویان بسیار مهم است. اما آنچه در سال‌های اخیر و ارائه آموزش مجازی دیده شد این بود که یادگیری الکترونیک از طرف همه دانشجویان شرکت‌کننده در یک کلاس با یک مدرس و محتوای درسی واحد، مورد پذیرش یکسان واقع نشد و دانشجویانی که مهارت‌های کامپیوتری کمتری داشتند، یادگیری الکترونیک را نامناسب و آن را موجب کاهش انگیزش تحصیلی دانشجویان و پیامد نامطلوب یادگیری دانسته‌اند بنابراین بررسی نقش میانجی مهارت کامپیوتری دانشجویان، در رابطه بین نقش مدرس و محتوای دوره با پذیرش یادگیری الکترونیک حائز اهمیت است.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر یک پژوهش همبستگی از نوع پیش‌بینی‌کنندگی است و با روش معادلات ساختاری به نقش میانجی‌گری مهارت کامپیوتری دانشجویان در ارتباط بین نقش مدرس و محتوای آموزشی دوره با پذیرش یادگیری الکترونیک پرداخته است و داده‌های آن از مرداد تا مهر ۱۴۰۱، از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران جمع‌آوری شد. معیار ورود دانشجویانی بودند که حداقل یک نیمسال از یادگیری الکترونیک استفاده نمودند. بر اساس چهار متغیر پنهان موجود در این مطالعه، سطح احتمال کمتر از ۰/۰۵، سطح توان ۸۰٪ و اندازه اثر ۰/۱۹، حجم نمونه پیشنهادی ۳۸۲ نفر، بوده است. ابزار شامل ۴ مولفه

و ۲۰ گویه می‌باشد. هر یک از مولفه‌ها، از پرسشنامه‌های استاندارد استخراج شده و در مجموع ابزار جدید روانسنجی گردید و روا و پایا بوده‌است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و جهت تست مدل میانجی از ماکرو PROCESS استفاده شده‌است.

نتایج:

یافته‌ها نشان داد که مدرس تاثیر پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معنادار بر مهارت کامپیوتری دانشجویان ($\beta = .44, p < .001$)، و بر پذیرش یادگیری الکترونیک ($\beta = .23, p < .001$)، دارد و مهارت کامپیوتری دانشجویان نیز می‌تواند با تاثیر مثبت و معنادار پذیرش یادگیری الکترونیک ($\beta = .32, p < .001$) را پیش‌بینی کند و در واقع مهارت کامپیوتری دانشجویان توانسته رابطه بین مدرس و یادگیری الکترونیک را میانجی‌گری کند. همچنین بین محتوا تاثیر پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معناداری بر مهارت کامپیوتری دانشجویان ($\beta = .30, p < .001$) و بر پذیرش یادگیری الکترونیک ($\beta = .20, p < .001$)، دارد و مهارت کامپیوتری دانشجویان با رابطه مثبت و معنادار توانسته پذیرش یادگیری الکترونیک ($\beta = .37, p < .001$) را پیش‌بینی کند. در واقع مهارت کامپیوتری دانشجویان توانسته رابطه بین مدرس و یادگیری الکترونیک را میانجی‌گری کند.

بحث و نتیجه‌گیری:

نتایج این مطالعه نشان داد مهارت دانشجویان در استفاده از کامپیوتر می‌تواند رابطه بین مدرس و محتوا با پذیرش یادگیری الکترونیک را میانجی‌گری کند و هر چه مهارت دانشجویان بالاتر رود به همان نسبت پذیرش آن‌ها از یادگیری الکترونیک نیز بالاتر می‌رود که این امر در پژوهش‌های دیگر نیز دیده شده‌است. بطوریکه پژوهشگران دریافتند دانشجویانی که در استفاده از کامپیوتر و فضای مجازی توانمندتر بودند، بهتر می‌توانستند از محتوا و تدریس مدرس بهره‌برده و تکالیف و تمرین‌ها را به خوبی به انجام رسانند و این امر موجب افزایش اعتماد به نفس، خودتکایی و یادگیری مستقل دانشجویان شده، و منجر شد که دانشجویان یادگیری الکترونیک را حتی سودمندتر از روش سنتی نیز بدانند. بنابراین از آنجایی که خصوصاً در چند سال اخیر، یادگیری الکترونیک بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و علیرغم مزایای خوب آن در امر یاددهی و یادگیری هم برای دانشجویان و هم مدرسان نقش بسزایی داشته اما چالش‌هایی نیز به همراه داشت که یافته‌های این مطالعه، می‌تواند برای مؤسسات آموزشی و مدرسان مفید باشد تا با آگاه سازی نقش عناصر مذکور، پذیرش یادگیری الکترونیک را در بین دانشجویان بهبود بخشند.

کلمات کلیدی: مهارت، پذیرش، مدرس، محتوا، یادگیری الکترونیک

تأثیر روش تدریس سنتی و کلاس وارونه بر دانش، عملکرد تیمی و مشارکت گروهی پرستاران در انجام احیا قلبی ریوی: یک مطالعه نیمه تجربی

شیرین داغ بلندان عراقی^۱، نوشین کهن^۲، سکینه سبزواری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی هوشمند، تهران، ایران

نویسنده مسئول: سکینه سبزواری

مقدمه:

ایست قلبی ریوی یکی از مهمترین فوریت‌های پزشکی و از علل عمده مرگ در جهان است. با توجه به کوتاه بودن زمان طلایی انجام CPR، عدم اطلاعات و مهارت کافی در مراحل احیاء، به عنوان یک اشتباه پزشکی منجر به از دست رفتن جان مددجو میگردد. بنابراین نیاز است که پرستاران آموزش CPR را به بهترین روش ممکن دریافت کرده باشند. در روش سنتی آموزش احیای قلبی ریوی مشکلات متعددی از قبیل عدم همخوانی برنامه آموزشی با نیازهای شرکت کنندگان، عدم اختصاص زمان مناسب برای تمرین عملی آموخته یا عدم وجود نظارت مناسب بر آموزش و بی توجهی به نظرات آموزش گیرندگان وجود دارد. در زمینه استفاده از تکنولوژی و فناوری روش های متعددی برای آموزش مباحث علوم پزشکی به کار رفته است که یکی از این موارد روش کلاس وارونه می باشد. این مطالعه با هدف تعیین و مقایسه تاثیر دو روش تدریس سنتی و کلاس وارونه بر سطح دانش، عملکرد تیمی و مشارکت گروهی پرستاران در انجام CPR انجام گرفت.

مواد و روش‌ها:

مطالعه با روش نیمه تجربی بود. حجم نمونه با توجه به جامعه که ۱۰۰ پرستار شاغل در مرکز نمونه گیری بود و نیز بر اساس فرمول کوکران، ۷۹ نفر بدست آمد که با احتمال ریزش نمونه در نهایت ۸۰ نفر در نظر گرفته شد، که این تعداد به دو گروه روش تدریس سنتی $n=40$ و روش تدریس کلاس وارونه $n=40$ تقسیم شدند. جهت ارائه مطالب در جلسات آموزشی، بر اساس آخرین گایدلاین انجمن قلب آمریکا، یک بسته برای آموزش اصول CPR تهیه شد. در روش سنتی طی یک جلسه دو ساعته و حضوری مطالب بسته آموزش داده شد. در گروه کلاس وارونه دو هفته قبل در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت و سپس مطابق با اصول کلاس وارونه بحث و تبادل نظر و رفع اشکال انجام شد. برای سنجش میزان دانش نظری از پرسشنامه ۲۰ سوالی چهار گزینه و برای ارزیابی عملکرد تیمی از چک لیست ۲۰ سوالی و جهت ارزیابی مشارکت گروهی از چک لیست ۱۲ سوالی استفاده شد که هر سه ابزار از نظر روایی و پایایی مورد تایید قرار گرفتند. در هر گروه ابتدا پیش آزمون انجام و سپس در زیر گروههای ۴ نفره

عملیات احیا را روی مانکن انجام می دادند. داده ها با استفاده از آزمون های تی مستقل و تی زوجی و با نرم افزار آماری spss 16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج:

بعد از مداخله در هر دو گروه سطح دانش بطور معنی داری افزایش داشته است، اما در گروه کلاس وارونه بطور معنی داری بیشتر از شیوه سنتی بود. همچنین بعد از مداخله وضعیت عملکرد تیمی نیز بهتر از آموزش به شیوه سنتی بود. در مورد مشارکت گروه بعد از مداخله در هر گروه افزایش معنی داری مشاهده شد با اینحال در مقایسه دو روش در کلاس وارونه مشارکت گروهی بهتر از شیوه سنتی بود. ($p < 0.05$)

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نتایج مشخص شد که دانش احیای قلبی ریوی به طور مستقیم با روش تدریس مرتبط است، بدین صورت که در دو گروه سطح یادگیری افزایش پیدا کرده بود و این میزان افزایش در گروه روش تدریس وارونه به طور معناداری بیشتر از گروه روش تدریس سنتی بوده است. وضعیت عملکردی پرستاران در انجام احیای قلبی بعد از آموزش بهبود داشته و این میزان افزایش به طور معناداری در گروه روش تدریس کلاس وارونه بیشتر بود. مشارکت گروهی پرستاران در یک تیم احیای قلبی ریوی می تواند تحت تاثیر روش آموزش و تدریس قرار بگیرد؛ به طوری که ثابت شد تیم های احیای که از طریق آموزش وارونه مطالب آموزشی را دریافت کرده بودند نسبت به گروه آموزش سنتی به طور معناداری در انجام پروتکل های احیای قلبی ریوی مشارکت گروهی بهتری داشته اند. در مقایسه نتایج حاضر با مطالعات انجام شده در مورد دانش با مطالعه Ankeet و همکاران، در زمینه عملکرد با Azepleta و همکاران در مورد مشارکت گروه با Yacout و همکاران مشابهت داشت. در مورد مغایرت با سایر مطالعات می توان به تفاوت سطح فراگیران، نوع دروس، ویژگی مشارکت کنندگان و حوزه تخصصی موضوع اشاره کرد. از محدودیتهای پژوهش می توان به ماهیت احیا قلبی ریوی اشاره کرد که مهارت های مورد مطالعه روی مانکن های شبیه سازی مورد ارزیابی قرار گرفته و نمی توان با اطمینان به انجام احیا قلبی ریوی تعمیم داد.

کلمات کلیدی: تدریس سنتی، کلاس وارونه، CPR، عملکرد تیمی، مشارکت گروهی

بررسی مقایسه ای تاثیر دو روش آموزش آنلاین مبتنی بر نظریه بار شناختی سوئلر و آموزش آنلاین به شیوه متداول بر درگیری تحصیلی دانشجویان پزشکی در درس آناتومی

سهراب نصرتی^۱، زهره سهرابی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: زهره سهرابی

مقدمه:

یکی از مهم ترین شاخص های نشان دهنده کیفیت آموزش و پیشرفت تحصیلی، درگیری تحصیلی دانشجویان است و پیشرفت استفاده از آموزش برخط، فرایندهای یاددهی یادگیری را دچار تحولات اساسی کرده است. لذا هدف مطالعه ی حاضر مقایسه ی تاثیر دو روش آموزش آنلاین مبتنی بر نظریه بار شناختی سوئلر و آموزش آنلاین به شیوه متداول بر درگیری تحصیلی دانشجویان پزشکی در درس آناتومی بود.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر جزء پژوهش های شبه تجربی با دو گروه غیر همسان با طرح قبل و بعد بود. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه درگیری تحصیلی شوفلی و بکر با آلفای کرونباخ ۰/۸۵ استفاده گردید، پژوهشگر ۱۰۴ نفر از دانشجویان علوم پایه رشته پزشکی عمومی را به دو گروه مداخله (۵۲ نفر) و مقایسه (۵۲ نفر) تقسیم کرده و بعد از پیش آزمون برای گروه مداخله، ۳ جلسه آموزش آنلاین آناتومی دستگاه گوارش در بستر نرم افزار بیگ بلو باتن و مبتنی بر نظریه بار شناختی سوئلر و برای گروه مقایسه سه جلسه آموزش آنلاین درس آناتومی دستگاه گوارش در بستر نرم افزار بیگ بلو باتن و به روش معمول اجرا شد. بعد از مداخله نیز پس آزمون گرفته شد. بعد از جمع آوری داده ها، این داده ها وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ شده و با استفاده از آزمون تی وابسته و مستقل تحلیل شدند.

نتایج:

نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات درگیری تحصیلی در دو گروه مقایسه و مداخله، بعد از اجرای مداخله تفاوت معنا داری از لحاظ اماری وجود دارد و همچنین نتایج نشان داد که آموزش آنلاین درس آناتومی مبتنی بر نظریه بار شناختی سوئلر بر درگیری تحصیلی دانشجویان پزشکی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و تاثیر معنا دار آموزش برخط بر اساس نظریه بارشناختی، پیشنهاد میشود معلمان و دست اندرکاران درباره اصول پایه و اساسی نظریه بارشناختی آموزش ببینند تا بتوانند این اصول را با توجه به ظرفیت محدود حافظه فعال فراگیران، در آموزش و برنامه ریزی درس ها آن را به کار گیرند.

کلمات کلیدی: نظریه بار شناختی، درگیری تحصیلی، آموزش آنلاین



بررسی نقش یادگیری غیر رسمی بر فراشایستگی های شغلی دانش آموختگان رادیولوژی در بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی تهران

سحر محمودی^۱، عصمت نوحی^۱، زهرا قربانی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۲. دانشگاه علوم انسانی دانشگاه اراک، اراک، ایران

نویسنده مسئول: عصمت نوحی

مقدمه:

در دنیای در حال تغییر و زمینه های کاری سریع، مهارت ها و شایستگی ها به سرعت منسوخ می شوند. سازمان ها ناگزیرند برای همگام شدن با دنیای پیرامون و مقابله با چالش های حاصل از این تغییرات به توسعه شغلی کارکنان پردازند، بر همگان پوشیده نیست که این توسعه برای به روز شدن هماهنگ با جهان از مسیر یادگیری امکان پذیر است. افراد آگاهانه یا ناآگاهانه از طریق تجارب کاری و فردی، براساس نیازهای خود، به یادگیری غیر رسمی می پردازند، توجه به این یادگیری در بطن روابط اجتماعی، می تواند تمرکز یادگیری را از فرایندی برای رسیدن به رفاه فردی به فرایندی برای با هم یادگرفتن و هماهنگی با تغییرات و رسیدن به اهداف سازمانی قرار دهد تا افراد مسئولیت های خود را بهتر به سرانجام برسانند. اگر به مدل های موجود برای شایستگی تکیه کنیم، شایستگی یا تبدیل به یک فرآیند مبتنی بر مهارت می شود یا به دلیل فقدان یک رابطه منطقی ذاتی، به ساختاری استنتاجی محض تبدیل می شود که از ابعاد قابل شناسایی برخوردار نیست. در نظر گرفتن فرا شایستگی، بسیاری از مشکلات مربوط به مفهوم سازی ناهمگن شایستگی در حوزه های مختلف کاربردی را حل می کند. فرا شایستگی را به عنوان یک سازه رفتاری مستقل دارای یک طبیعت ترکیبی و مؤلفه های زیربنایی است که آنها عبارتند از: شایستگی انگیزشی، شایستگی شناختی، شایستگی عاطفی، شایستگی رفتاری، شایستگی اجتماعی و شایستگی فرآیند شخصیت.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی تحلیلی می باشد. جامعه پژوهش را به روش نمونه گیری سرشماری از بین کارشناسان رادیولوژی پنج بیمارستان دانشگاه علوم پزشکی تهران انتخاب شدند. ابزار پژوهش دو پرسشنامه یادگیری غیررسمی و فراشایستگی شغلی بود، که مولفه های آن برگرفته از دو تحقیق Chang- Seon Lim و صالحی عمران و همکارانش (۲۰۱۷) بود. روایی محتوای پرسشنامه یادگیری غیر رسمی و فرا شایستگی شغلی با استفاده از منابع معتبر و نظر خواهی از صاحب نظران بررسی شد و برای پایایی، ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب $r = 0/822$ و $r = 0/915$ محاسبه شد.

نتایج:

تحلیل دومتغیره میان متغیر یادگیری غیررسمی و فراشایستگی شغلی نشان می دهد که رابطه و همبستگی معناداری میان این دو متغیر وجود دارد. ($p < 0.05$). در حدود ۵۰ درصد از پاسخگویان موافق نقش یادگیری غیررسمی بر شایستگی شغلی هستند. از بین مولفه های یادگیری غیر رسمی مولفه رفتار آموزی حدود (۵۲%) و از بین گویه هایی شایستگی شغلی، گویه شیوه های تفکر (۴۳.۵%) بیشترین توافق را داشتند. تحقیق حاضر نشان داد، با افزایش یادگیری غیررسمی، میزان شایستگی شغلی افزایش می یابد. همچنین بر اساس یافته های مطالعه، بیش از نیمی از پاسخگویان نسبت به متغیر رفتارآموزی موافق بودند و دید مثبتی نسبت به اثر الگوبرداری از رفتار دیگران و تاثیرپذیری از رفتار همکاران در یادگیری غیررسمی داشته اند.

بحث و نتیجه گیری:

ریشه این شیوه یادگیری غیر رسمی را در مدل یادگیری اجتماعی بندورا می توان یافت. در این نظریه به یادگیری از طریق الگوبرداری اهمیت داده شده است. بندورا معتقد است که بخش زیادی از یادگیری های ما از راه مشاهده رفتار دیگران و تقلید آموخته می شود. بر اساس این دیدگاه، انسانها با مشاهده دیگران دانشها و مهارت ها، قوانین، راهبردها و عقاید و نگرش ها را فرا می گیرند در مجموع دیدگاه کارشناسان به یادگیری غیر رسمی در بهبود عملکردشان مثبت بوده که می تواند بستری مناسب در بیمارستان ها برای ارتقاء کیفیت کاری نیروی انسانی و کاهش خطا باشد. در متون مربوطه تعامل اجتماعی به عنوان یک عنصر مهم یادگیری غیررسمی مورد بحث قرار می گیرد. چنانچه Jeon & Kim, 2012 بیان می دارند که حرفه ای ها از طریق تعامل اجتماعی با همکاران، مدیران و دیگر متخصصان خود یاد می گیرند. تعامل اجتماعی به عنوان یک عنصر مهم یادگیری غیررسمی استدلال می شود و یادگیری غیررسمی اجتماعی یکی از مؤثرترین نوع یادگیری در محیط کار در نظر گرفته می شود. این واقعیت که کارمندان برای یادگیری به یکدیگر مراجعه می کنند، بینش مهمی است که سازمانها باید آن را تشخیص داده تا به شکل اهرمی برای رشد از آن بهره ببرند. آنچه که در تحقیقات، یادگیری از هم رده و هم سطح خوانده می شود.

کلمات کلیدی: یادگیری غیر رسمی، فراشایستگی

مقایسه تاثیر روش یادگیری کوانتومی با روش متداول بر میزان یادگیری، انگیزش یادگیری و یادسپاری دانشجویان کارشناس پرستاری در آموزش مراقبت‌های ویژه

نجمه ولی زاده زارع^۱، سحر عرب خزاعی^۱، طاهره صادقی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: نجمه ولی زاده زارع

مقدمه:

آموزش پرستاری باید متمرکز بر افزایش خلاقیت، ایجاد تفکر پویا و مهارت تصمیم‌گیری‌های بالینی باشد. استفاده از روش آموزش کوانتومی فرآیند یادگیری با ارائه زمینه و محتوی برای بهبود فرآیند یادگیری، تدریس و ایجاد لذت حین آموزش موثر است.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه نیمه تجربی روی ۴۶ دانشجوی ترم ۶ پرستاری دانشکده پرستاری مامایی مشهد که به صورت تصادفی به گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند انجام شد. مراحل آموزش کوانتومی شامل ثبت نام، تجربه، برچسب زدن، نمایش و بازنمایی، مرور و جشن اجرا شد. منطبق بر اصول بکارگیری روش یادگیری کوانتومی قبل شروع آموزش، کلاس درس طراحی شد. جهت طراحی کلاس و ایجاد نشاط، به چیدمان صحیح و منظم صندلی‌ها، استفاده از گلدان و نصب پوسترهای آموزشی توجه شد. ۱۰ عدد پوستر آموزشی مربوط به محتوی آموزشی در جلسه اول تهیه و در کلاس درس نصب شد. در جلسه دوم ۸ پوستر آموزشی جدید مرتبط با مباحث جدید و ۲ پوستر از جلسه قبل جهت یادآوری مطالب قبلی نصب شد. ۴ پوستر انگیزاننده یادگیری کوانتومی به صورت مشترک در هر دو جلسه جهت دانشجویان تهیه و نصب شد. استفاده از موسیقی بی کلام در حین تدریس که یکی از ویژگی‌های مدل یادگیری کوانتومی است مرحله تجربه با استفاده از تجربیات دانشجویان در مورد بیماران قلبی و اهمیت توجه به این بیماران و اهمیت لزوم یادگیری تفسیر نوار قلب با ذکر مثال‌های بالینی توسط دانشجویان اجرایی شد. مرحله برچسب زدن شامل یادگیری مفاهیم انتزاعی جدید درسی با استفاده از ابزارهای مختلف می‌باشد. در این مرحله آموزش مطالب در زمینه فعالیت الکتریکی قلب، اشتقاق‌های قلب، بررسی امواج قلب و تعیین ریت و محور قلب بود که با استفاده از پاورپوینت، فیلم آموزشی و بحث گروهی و با توجه به پوسترهای آموزشی توسط پژوهشگر اجرا شد. مرحله نمایش به اجرا در آوردن بخشی از مطالب آموزش داده شده توسط مدرس و دانشجویان است در این مرحله فرصتی برای دانش‌آموزان فراهم شد تا دانشجو نشان دهند که چه چیز را می‌دانند در این مرحله با طراحی میزگردهای گروهی و بررسی حل مساله به صورت گروهی

پرداخته شد. مرحله بعد مرور مطالب آموزش دیده شده است در این مرحله دانشجویان با تکرار مطالب به مرور و شمارش مطالب آموخته شده جدید پرداختند و مجدداً با مراجعه به پوسترهای آموزشی به طور خلاصه وار مطالب تکرار شد. در مرحله جشن با تشکر از دانشجویان دادن هدایا و استفاده از موسیقی و دست زدن به اتمام رسید. استفاده شد. در گروه کنترل تدریس براساس روش متداول انجام شد. میزان یادگیری در هر دو گروه با استفاده از امتحان اندازه گیری شد. یک ماه بعد نمره میزان یادسپاری در هر دو گروه اندازه گیری شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه سبک یادگیری کلب و انگیزش یادگیری بود. داده ها با استفاده از آزمون های آماری با هم مقایسه شدند.

نتایج:

نمره میزان یادگیری در گروه مداخله $2/28 \pm 16/84$ و در گروه کنترل $2/41 \pm 15/16$ بود. آزمون آماری تی مستقل این تفاوت را معنادار نشان داد. ($001/0 > P$) میانگین نمره یادسپاری گروه کنترل $2/05 \pm 11/71$ و گروه مداخله برابر $1/88 \pm 13/52$ بود. ($001/0 > P$) در گروه مداخله انگیزش یادگیری قبل و بعد از مداخله تفاوت معناداری را نشان داد. ($001/0 > P$) در گروه کنترل انگیزش یادگیری قبل و بعد از مداخله تفاوت معناداری نداشت. ($30/0 = p$)

بحث و نتیجه گیری:

روش های آموزشی مبتنی بر ایجاد انگیزه و فراهم کردن محیطی با نشاط می تواند بویژه در دروس مهارتی سبب افزایش انگیزش یادگیری و یادسپاری شود. اساتیدی توانند روش های فعال و پویایی مانند کوانتومی برای درک و کسب بیشتر مهارت های پرستاری استفاده نمایند.

کلمات کلیدی: یادگیری کوانتومی، روش متداول، میزان یادگیری، انگیزش یادگیری، یادسپاری، دانشجو پرستاری

موانع اجرای مراقبت پرستاری مبتنی بر شواهد از دیدگاه استادان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی رفسنجان و کرمان

فریبا مظهری^۱، لیدا سلطانی^۱، عصمت نوحی^۲، سکینه سبزواری^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، کرمان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: فریبا مظهری

مقدمه:

مراقبت مبتنی بر شواهد، به استفاده از شواهد معتبر به دست آمده از تحقیقات در عملکرد بالینی گفته می‌شود که با توجه به شرایط بیمار و نوع بیماری وی اجرا می‌گردد. مطالعه حاضر با هدف بررسی موانع اجرای مراقبت پرستاری مبتنی بر شواهد از نظر استادان و مربیان آموزشی انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش از نوع توصیفی-مقطعی بود که با مشارکت ۷۰ نفر از استادان و مربیان هیأت علمی و غیر هیأت علمی دانشکده پرستاری رفسنجان و کرمان در مقاطع مختلف تحصیلی صورت گرفت. شرایط ورود به مطالعه، داشتن حداقل مدرک کارشناسی و دو سال سابقه کار بود. پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته شامل خصوصیات دموگرافیک مانند سن، جنس، سطح تحصیلات، سابقه کار و... و موانع عملکرد مبتنی بر شواهد از نظر استادان تکمیل گردید. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی و درصد) در نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

۶۸/۶ درصد مشارکت کنندگان را زنان و ۳۱/۴ درصد را مردان تشکیل دادند. بیشتر نمونه‌ها (۴۴/۳ درصد) در رده سنی ۳۵ تا ۴۴ سال قرار داشتند. از دیدگاه مربیان و استادان، مهم‌ترین موانع اجرای پرستاری مبتنی بر شواهد در حیطه آموزشی «نداشتن افراد آموزش دیده برای چگونگی به کارگیری یافته‌های تحقیقی در امر مراقبت مبتنی بر شواهد» با ۹۴/۳ درصد، در حیطه مدیریتی «عدم آگاهی مدیران پرستاری از ضرورت مراقبت پرستاری مبتنی بر شواهد» با ۸۵/۷ درصد و در حیطه فردی «عدم مهارت کافی برای اجرای مراقبت مبتنی بر شواهد» و «عدم آگاهی پرستار از مراقبت مبتنی بر شواهد» با ۸۵/۷ درصد بود.

بحث و نتیجه گیری:

از جمله موانع عمده در کاربرد پرستاری مبتنی بر شواهد، می توان به دو حیطه آموزش و مدیریت اشاره کرد. بنابراین، با فراهم نمودن امکان دسترسی کارکنان پرستاری به منابع و امکانات کتابخانه ای و آموزش مداوم آن ها در زمینه مراقبت مبتنی بر شواهد و به روز کردن اطلاعات آن ها، می توان گام مؤثری در این راستا برداشت که این امر مستلزم همراهی و برنامه ریزی مدیران در سطوح مختلف می باشد.

کلمات کلیدی: پرستاری مبتنی بر شواهد، مراقبت پرستاری، مراقبت مبتنی بر شواهد



شکاف بین آموزش نظری و بالینی در دوره پزشکی عمومی

مریم آویژگان^۱، میلاد صفری^۱، شهرزاد شهیدی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: میلاد صفری

مقدمه:

محیط بالینی به عنوان عرصه ای محوری برای دانشجویان پزشکی است که می توانند آموزش های تئوری خود را با عملکرد بالینی پیوند بزنند، نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی و در راستای تقویت نقاط ضعف گام بردارند. خلا بین دانش نظری و عملی، مشکلاتی در توانمندی دانش آموختگان و مراقبت های سلامت ایجاد نموده است. از آنجایی که دانشجویان از منابع مهم شناخت نقص های سیستم آموزشی هستند، در خصوص کیفیت آموزش بالینی می توانند مورد پرسش و مشورت قرار بگیرند. با توجه به اهمیت استخراج چالش های مبتنی بر بستر اجتماعی و فرهنگی و درک عمیقتر از پدیده مورد مطالعه، این پژوهش به تبیین موانع و چالشهای بکارگیری دانش نظری در عرصه های بالین در دانشجویان پزشکی پرداخت.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی در سال ۱۴۰۱ در دانشجویان پزشکی که حداقل یک سال دوره بالینی را گذرانده باشند. نمونه گیری با روش هدفمند از نوع مطلوب تا اشباع اطلاعات انجام شد. روش جمع آوری اطلاعات، مصاحبه های فردی نیمه ساختارمند با متوسط زمان ۴۵ دقیقه بود که با هماهنگی قبلی، در مکانی آرام و مناسب بعد از کسب رضایت آگاهانه و اجازه ضبط صدا انجام گردید. برای تحلیل داده ها از روش تحلیل محتوای قراردادی استفاده شد. بلافاصله پس از هر مصاحبه، صداها به دقت پیاده، تایپ و کدگذاری شد. کدهایی که از نظر مفهومی مشابه بودند در یک طبقه دسته بندی شدند. از طریق مقایسه مداوم، طبقات با یکدیگر ادغام و طبقات اصلی استخراج شدند. به منظور افزایش اعتبار داده ها، پرسش از همکار و چک اعضا استفاده گردید. همچنین تمام جزییات پژوهش از نمونه گیری تا فرایند جمع آوری و تحلیل داده ها به طور کامل ذخیره و با سایر همکاران و خبرگان تحقیق کیفی بررسی شد.

نتایج:

در این مطالعه تعداد ۲۰ مصاحبه کتبی و شفاهی انجام و ۸۷۲ کد اولیه، ۱۵ زیرمقوله و پنج مقوله اصلی استخراج شد. مقوله اول- استهلاک سیستمیک، سیستم مستهلک شامل دو زیر مقوله الف) پایبند نبودن کادر آموزش و درمان به شرح وظایف ب) کمبود نیروی انسانی، فشار کاری زیاد مقوله دوم- خروج قطار سیاست گذاری از ریل شامل سه زیرمقوله: الف) پزشک عمومی، خروجی فراموش شده ب) ناکارآمدی

ارزیابی عامل انباشت نقص ج) درمان اولویت نظام سلامت و نه آموزش: مقوله سوم-آموزش ناکارآمد، پزشک کارنابلد شامل پنج زیرمقوله الف) آموزش سینه به سینه به جای آموزش مبتنی بر شواهد، ب) دخالت ندادن کارورز در روند درمان ج) پایبند نبودن کادر آموزشی به استانداردهای آموزش بالینی د) منابع کیس محور و پروتکل محور حلقه مفقوده آموزش ه) بیشترین زمان و تمرکز، قربانی کم کاربردترین مطالب مقوله چهارم-اخلاق غیرحرفه ای، افراد غیرحرفه ای: شامل دو زیرمقوله الف) شکاف ارتباطی-عاطفی مانع درک متقابل استاد و فراگیر ب) بد رفتاری حرفه ای عامل بدآموزی و گریز فراگیران مقوله پنجم-حواشی پررنگ تر از متن شامل سه زیر مقوله الف) مشکلات معیشتی عامل بی انگیزگی ب) کرونا قاتل تجربه های مفید ج) مهاجرت و دستگیری، راهزن آموزش.

بحث و نتیجه گیری:

در شرایط فعلی سیستم مستهلک بدلایلی همچون کمبود نیروی انسانی، فشارکاری زیاد و پایبند نبودن کادر آموزش و درمان به مسولیت های حرفه ای خود، فعالیت همراه خستگی زیاد منجر به کاهش فرصت، فراموشی مطالب علمی و کاهش کاربست مطالب نظری در بالین توسط دانشجویان می شود. همچنین حضور دانشجویان در یک بیمارستان فوق تخصصی با استادان فوق تخصص، کیس های و آموزش های فوق تخصصی، تربیت پزشک عمومی را تحت الشعاع قرار داده است. از طرف دیگر ناکارآمدی ارزیابی مثلث آموزش یعنی استاد، دانشجو و عرصه های آموزش، منجر به مشکلات زیر ساختی در عرصه های بالینی، بی صلاحیتی اخلاقی- علمی بعضی هیات علمی، حتی نقص در روش، مدت و منابع مطالعه دانشجویان شده است. مطلب مهمتر اولویت درمان نسبت به آموزش، سرانه زمانی که برای بررسی هر بیمار در بیمارستان نصیب دانشجویان می گردد را کاهش می دهد. آموزش ناکارآمد و سینه به سینه به جای مبتنی بر شواهد، بیمار محور بجای علامت محور و دخالت نداشتن دانشجویان در درمان، عامل تولید پزشک کارنابلد و افزایش خطاهای پزشکی شده است. واگذاری بخشی از مسولیت درمان بیمار در کنار نظارت دقیق استادان و دستیاران عامل بکارگیری مهارت ها، تثبیت و تصحیح مهارت های بالین میشود. علی رغم وجود طرح دوره، برخی از اساتید همچنان طبق میل شخصی کلاس های آموزشی را با مطالب غیرکاربردی اداره کرده و دانشجویان نیز به دلیل عدم مطالبه از اساتید باعث پیشگیری از این روند نمی شوند. مشکلات معیشتی گره کور زندگی بسیاری از دانشجویان است که آنها را مجبور به تلاش در سایر زمینه های غیرآموزشی جهت تسهیل معاش می کند. این موضوع همراه با حرکت در مسیر دستگیری و یا مهاجرت، راهزنان کیفیت آموزش بالینی هستند. از جمله فرصت های مطالعه، استخراج چالش های بکارگیری دانش نظری در محیط بالین و ارائه ایده هایی جهت خروج از وضعیت فعلی بود. وسعت دلایل ایجاد اختلال آموزشی از جمله محدودیت ها بود که برای کشف و اصلاح آن پیشنهاد می شود در سطوح مختلف دانشجو، استاد، کادر درمان و مدیران مطالعه شود.

کلمات کلیدی: آموزش بالینی، آموزش نظری، پزشکی عمومی

مقایسه یادگیری مبتنی بر مورد ویروس شناسی و تدریس به روش سخنرانی در دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی بابل

فرزین صادقی^۱، زهرا رضایپور^۱، ریتا مجتهد زاده^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: ریتا مجتهد زاده

مقدمه:

یادگیری مبتنی بر مورد (CBL) یکی از استراتژی های یادگیری فعال و فراگیر محور محسوب می شود که در آن دانشجو با کاوش در سناریوهای موارد واقعی به منظور درک مطالب جدید از دانش قبلی خود استفاده نموده و با بازاندیشی بر روی آموخته های خویش به یادگیری معنا دار دست می یابد. مطالعه حاضر، با هدف مقایسه یادگیری مبتنی بر مورد ویروس شناسی و تدریس به روش سخنرانی در دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی بابل انجام گردید.

مواد و روش ها:

این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۱۰۲ نفر از دانشجویان مقطع علوم پایه دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی بابل در سال ۱۴۰۱ انجام شد. شرکت کنندگان بصورت تصادفی به دو گروه A و B تقسیم شدند. بر اساس اهداف درس، هشت مورد بالینی برای جلسات CBL چهار مورد برای هر گروه آماده شد. گروه A چهار جلسه CBL داشت در حالی که آموزش گروه B طی چهار جلسه با شیوه تدریس سخنرانی با موضوعات مشابه انجام شد. پس از اتمام ۴ جلسه اول دو گروه A و B از نظر شیوه تدریس بصورت متقاطع جابه جا شدند. بلافاصله پس از اتمام جلسات از دانشجویان هر کدام از گروه ها در خصوص شیوه تدریس CBL با استفاده از پرسشنامه ایی (بر اساس مقیاس لیکرت) که روایی و پایایی آن تأیید شده بود بازخورد گرفته شد. همچنین پس از آزمون یا Post test بلافاصله پس از اتمام چهار جلسه CBL و شیوه سنتی برای کل فراگیران انجام شد. پس از آزمون در قالب ۱۰ سؤال چهار گزینه ای بود و در مجموع ۵ نمره داشت. سئوالات منطبق با اهداف درس طراحی شده و توسط یک استاد ویروس شناسی دیگر از نظر پوشش اهداف و صحت آزمون تأیید گردیده بود. در نهایت داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 25 و آزمون های توصیفی و تحلیلی با سطح معنی داری $P < 0.05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج:

بر اساس نتایج پرسشنامه تکمیل شده توسط فراگیران، تقریباً ۸۰ درصد پاسخ‌ها امتیازی بالاتر یا مساوی ۳ در مقیاس لیکرت داشتند. در مجموع میزان رضایت شرکت‌کنندگان از روش مبتنی بر مورد (CBL 12/82 درصد) بود. اکثر دانشجویان در پاسخ به سوال "اگر روش تدریس مبتنی بر مورد در بالین نیز استفاده شود کارایی اش بیشتر می‌شود" موافقت کامل داشتند (۶۹ درصد). میانگین نمرات پس‌آزمون فراگیران از ۵ نمره در گروه مبتنی بر مورد $3/50 \pm 0/99$ و در گروه سخنرانی $3/09 \pm 0/91$ بود که بصورت معنی‌داری ($P = 0.003$) در گروه مبتنی بر مورد بیشتر بود.

بحث و نتیجه‌گیری:

بر اساس یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد استفاده از روش تدریس CBL در آموزش درس ویروس‌شناسی می‌تواند در حفظ و کاربرست دانش، بهتر از روش تدریس سخنرانی عمل نماید. همچنین میزان رضایت دانشجویان از تدریس ویروس‌شناسی با روش CBL بطور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از روش سخنرانی است. به نظر می‌رسد استفاده بیشتر از سناریوهای رایج که دانشجویان در سال‌های تحصیل در بالین یا در هنگام کار به عنوان یک پزشک بیشتر با آن مواجه می‌شوند در به یادآوری دانشی که در علوم پایه کسب نموده‌اند مفید خواهد بود.

کلمات کلیدی: یادگیری مبتنی بر مورد، سخنرانی، ویروس‌شناسی



بازاندیشی گروهی: نیاز دانشجویان مامایی

الهام فکوری^۱، مریم دافعی^۱، فاطمه پورحکاک^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

نویسنده مسئول: الهام فکوری

مقدمه:

بازاندیشی در ساده‌ترین شکل به معنی فکر کردن در مورد یک موضوع است. اگر دانشجو بعد از هر نوع تجربه‌ی یادگیری بر آن بازاندیشی نکند، بر اساس مدل یادگیری تجربی، یادگیری اتفاق نمی‌افتد. بنابراین یکی از مسئولیت‌های استاد، هدایت دانشجو به سمت بازاندیشی بر فرایندهای یادگیری است. آموزش مامایی در ارتقای سلامت جامعه، اهمیت دارد و تلاش در جهت بهبود کیفیت آموزش مامایی بخصوص آموزش بالینی مامایی ضروری بنظر می‌رسد. در نتیجه تیم تحقیق برآن شد تا با طراحی و اجرای و ارزشیابی دوره کارورزی بارداری و زایمان به روش باز اندیشی گروهی بر اساس مدل boud و همکاران گامی در جهت ارتقا کیفیت آموزش بردارد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش از نوع توسعه ای می باشد. دانشجویان مامایی جامعه این مطالعه را تشکیل دادند. این مطالعه بر اساس مدل اشاعه نوآوری راجرز و مدل باز اندیشی boud و همکاران طراحی شد. برای اجرای مطالعه، ابتدا جلسات آماده سازی به مدت یک ساعت جهت آشناسازی فراگیران با بازاندیشی و فرایند آموزش برگزار شد. سپس پرسشنامه نظرسنجی که در پژوهش عابدینی و همکاران و صداقتی مورد استفاده قرار گرفته بود در اختیار دانشجویان قرار داده شد. پس از برگزاری جلسه معارفه فرایند بازاندیشی برای هر دانشجو در حداقل ۴ روز از کاروزی اجرا شد. روزانه در ساعت پایانی کاروزی از فراگیران خواسته شد بصورت انفرادی با تکمیل چک لیست به بازاندیشی عملکرد خود در این روز بپردازند. چک لیست شامل ۶ سوال باز بود. سپس دانشجویان در گروه هایی کوچک (تا ۴ نفر)، موارد خود را بررسی کردند و در انتها بازاندیشی ها در گروه های بزرگتر که به علت پاندمی بیماری کرونا به صورت مجازی تشکیل شده بود، مطرح شد و دانشجویان مجدد بازخوردهایی را از سایر هممتایان و مربی دریافت کردند. در هر یک از جلسات کارورزی، برای هر فراگیر حداقل یک مددجو تعیین شد که تحت نظارت مربی، مراقبت شود. مباحث تشخیصی، درمانی، مراقبتی و موضوعات اخلاقی در جلسات بازاندیشی مورد بحث قرار گرفت و بازخورد مناسب توسط مربی داده شد. شرح فرایند مامایی، تکمیل فرایند با دانسته های قبلی، مطالعه و تحلیل اطلاعات و به کارگیری آن در مراقبت از مددجو و ارائه اطلاعات جدید، از اجزای فرایند آموزشی بود که به مدت ۲۰ دقیقه انجام می شد. پس از اتمام فرایند در پایان دوره مجدد پرسشنامه

نظرسنجی در اختیار دانشجویان قرار داده شد. نتایج آزمون با انجام آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج:

۳۲ نفر از دانشجویان کارشناسی پیوسته مامایی ورودی سال ۱۳۹۶ در این مطالعه شرکت کردند. میانگین سنی دانشجویان 22 ± 1 سال بود. هر دانشجو برای حداقل ۴ جلسه از کارآموزی اتاق زایمان بازاندیشی انجام داد. مباحث تشخیصی، درمانی، مراقبتی و موضوعات اخلاقی در این جلسات مورد بحث قرار گرفت و بازخورد مناسب توسط مربی به آن ها داده شد تا موارد را اصلاح کنند. براساس چک لیست تکمیل شده توسط دانشجویان مباحث مورد بررسی در فرایند بازاندیشی به سه دسته تقسیم شدند؛ که شامل: ۱- کنترل لیبر (۲۸%) ۲- فرایند زایمان و مراقبت های پس از زایمان از مادر (۵۶%) ۳- مراقبت از نوزاد (۱۶%) بودند. همچنین نتیجه آزمون t-test نشان داد که اختلاف آماری معنی داری بین نظرات دانشجویان پیش از شروع مطالعه و بعد از پایان مطالعه وجود دارد ($p=0/012$).

بحث و نتیجه گیری:

بازاندیشی به عنوان یک ابزار کمکی می تواند یادگیری دانشجویان را ارتقا دهد و همچنین این ابزار می تواند به مربیان در امر آموزش صحیح و کافی یاری رساند چرا که مربیان نیز حین انجام بازاندیشی فرصتی پیدا خواهند کرد تا مطالب ارائه شده را تکمیل و یا در صورت برداشت غلط دانشجویان، اصلاح نمایند.

کلمات کلیدی: بازاندیشی، دانشجو، مامایی، آموزش پزشکی



تجربه اجرای دوره فلوشیپ «انفورماتیک بالینی» ویژه پزشکان متخصص؛ یک ضرورت برای آینده پزشکی

افشین صرافی نژاد^۱، رقیه ارشاد سرابی^۱، کامبیز بهاءالدین بیگی^۱، محمد مهدی قائمی^۱، زهرا کرباسی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: زهرا کرباسی

مقدمه:

رشته انفورماتیک بالینی کاربرد انفورماتیک و فناوری اطلاعات برای ارائه خدمات سلامت و درمان است. این رشته شامل طیف گسترده ای از موضوعات از حمایت تصمیم گیری بالینی تا تصاویر بصری، از مستندات بالینی به سیستمهای کامپیوتری ورود دستورات پزشک و از طراحی سیستم تا پیاده سازی آن و موضوعات پذیرش آن میباشد. پزشکان هر روز و در هر موقعیت کاری که هستند با خدماتی که در زمینه انفورماتیک پزشکی و بویژه خروجی هایی نظیر پاسخ های آزمایش های پاراکلینیکی، رو در رو هستند و از آنها برای تصمیم گیری های بالینی خود بهره می برند. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف طراحی، اجرا و ارزیابی دوره فلوشیپ پودمانی «انفورماتیک بالینی» ویژه پزشکان متخصص کشور انجام گرفته است.

مواد و روش ها:

این پژوهش به عنوان یک پروژه راهبردی، پژوهشی - آموزشی با هدف ارتقای علمی پزشکان متخصص در رشته انفورماتیک پزشکی برای ارتقای کیفی خدمات بالینی آنان صورت گرفت. در فاز اول پروژه پژوهشی آموزشی، مبتنی بر روشهای پرسشگری با پرسشنامه و انجام مصاحبه و جلسات بحث تخصصی، بر اساس نیازسنجی های انجام شده در بین گروه های مختلف فراگیران، برنامه کلی دوره به صورت سرفصل اصلی و جوانب و حواشی آن تدوین گردید. محتواهای آموزشی توسط اساتید مرتبط با هر موضوع ضبط و توسط کارشناسان ذی صلاح ویرایش گردید. طرح آماده سازی محتواها و مازول های درسی از ابتدای سال ۱۴۰۰ آغاز گردید و جهت اجرا برای پزشکان متخصص طی بهار و تابستان ۱۴۰۱ ارائه گردید. کل دوره در قالب سه مازول اصلی تنظیم و بیش از ۳۰ ساعت محتوای اولیه دوره بعلاوه حدود ۱۰ ساعت محتوای تکمیلی تدوین شد. به منظور ارائه محتواهای آموزشی از سامانه مدیریت یادگیری نوید استفاده شد. محتوای اصلی دوره به شکل تعداد متناسب ویدیوکلیپ آموزشی در چندین مازول جدا از هم ولی مرتبط و دنبال هم، تهیه شده و همراه با کتب الکترونیکی، فایل های اسلاید، فایل های صدای اساتید، متن نوشته شده از توضیحات اساتید (Transcript)، و برخی مقالات مرتبط و منابع اشتراکی داخلی و خارجی تدوین و تنظیم شد و در اختیار گروه هدف قرار گرفت. در پایان دوره جهت ارزیابی فراگیران، آزمون

پایان دوره به صورت الکترونیکی برگزار شد و هم چنین پروژه پایان دوره برای فراگیران تعریف گردید و بر اساس موارد مذکور ارزیابی صورت گرفت.

نتایج:

تجربه اجرای این دوره بسیار خاص و شاید بسیار متفاوت با تمامی دوره های دیگری که در کشور جاری است برگزار شد. دلیل این امر تعداد زیاد پزشکان متخصص بالینی بود که برای اولین بار در ایران، در چنین دوره ای شرکت کردند. در اولین فراخوان و اطلاع رسانی های پیرو آن در فاصله بسیار کوتاهی، بیش از ۵۰۰ نفر برای دوره ثبت نام اولیه داشتند که حجم کاری بالا و سنگینی را به تیم اجرایی تحمیل کرد. دوره دانش پذیری سبب شد که تعدادی از این افراد که به دلایلی از جمله عدم فرصت کافی یا عدم مطالعه دقیق شرایط دوره امکان شرکت را نداشتند حذف شوند و در نهایت ۳۱۲ نفر پزشک متخصص در بیش از ۵۰ شهر کشور و در بیش از ۴۵ رشته تخصصی و فوق تخصصی با ترکیب حداقل ۱ الی ۳۰ نفر از هر رشته، باقی ماندند. آزمون پایان دوره فلوشیپ انفورماتیک بالینی در تاریخ ۱۴ و ۱۵ مهرماه ۱۴۰۱ در بستر پرس لاین انجام شد. در این آزمون ۲۳۰ نفر ثبت نام نمودند و ۸۰ نفر ثبت نام نکردند. از بین ثبت نام کنندگان، ۲۲۹ نفرشان به ترتیب ۹۵ نفر سطح خیلی خوب، ۱۲۲ نفر سطح خوب، ۱۲ نفر سطح متوسط و یک نفر بدون ثبت پاسخ سؤالات، آزمون را به اتمام رساندند. لازم به ذکر است پروژه های پایان دوره انفورماتیک بالینی از شرکت کنندگان دریافت گردید و پس از بررسی تمام پروژه های دریافت شده، گواهی پایان دوره با توجه به سطح قبولی شرکت کنندگان و ذکر کلیه امتیازات حاصله صادر گردید.

بحث و نتیجه گیری:

این دوره به عنوان اولین حرکت ابتکاری جمعی برای آموزش پزشکان کشور در زمینه اصول و مبانی انفورماتیک بالینی بود و می تواند راهگشای تداوم این کار توسط دانشگاه های کشور با همکاری انجمن های علمی تخصصی پزشکی باشد. این امر نشان دهنده مسیر طولانی به سمت آشناسازی متخصصین مراقبت بهداشتی با انفورماتیک بالینی است که به طور کلی به عنوان یک ضرورت اصلی برای پزشکان محسوب می شود.

کلمات کلیدی: انفورماتیک بالینی، پزشکان، آموزش

تدریس درس باکتری شناسی از طریق تکمیل کتاب کار (آموزش مشارکتی فعال)

عباس عبداللهی^۱، شهناز کریمی^۱، ژیلا فریدونی^۱، زهرا منتصری^۱، سهراب نجفی پور^۱، اکبر فرجادفر^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی فسا، فارس، ایران

نویسنده مسئول: عباس عبداللهی

مقدمه:

دانشجو محور بودن آموزش در مقایسه با استاد محور بودن آموزش مفهوم قابل تاملی است. در این روش، جایگاه دانشجو، مهمتر از محتوای آموزشی است و اهمیت تغییر آموزش بر اساس افزایش مشارکت دانشجو، بیان میشود. در رویکرد دانشجو محور، دانشجویان باید مسئولیت پذیری بیشتری در قبال فرایند یادگیری داشته باشند؛ دخالت دادن دانشجو در امر آموزش توسط روش های مختلف مانند یادداشت برداری، یکی از ساده ترین شیوه های مداخله دانشجو در آموزش و یادگیری است. یادداشت برداری یا جزوه نویسی، پدیده ای مثبت در آموزش است زیرا بعنوان یک پدیده فعال باعث می شود تا دانشجو شنیده های خود از آموزش استاد را در یک فرایند فعال، با تجزیه و تحلیل منطقی و عقلانی بر روی کاغذ درج نماید که این امر منجر به افزایش حافظه طولانی مدت میگردد.

مواد و روش ها:

این مطالعه نوآورانه آموزشی یک مطالعه توصیفی-مقطعی است که باهدف ارتقای کیفیت یادگیری دانشجویان، پیاده سازی و موردبررسی قرار گرفت. این برنامه در سه مرحله طراحی، اجرا و ارزشیابی، انجام شد. در مرحله طراحی، پیش نویس برنامه، ابتدا از طریق برگزاری جلسات با حضور اساتید گروه علوم پایه (میکروبیشناسی)، بالینی (بیماریهای عفونی) و آموزش پزشکی و همچنین مرور بر متون، صورت پذیرفت و طراحی الگوی روش تدریس و کتاب کار پس از انطباق با کوریکولوم آموزشی، بر اساس نقشه ذهنی انجام شد. مرحله اجرای برنامه، با مشارکت اساتید در تدریس بر اساس کتاب کار و مشارکت دانشجویان در کلاس های درس صورت گرفت. در انتهای اجرای مطالعه، فرم ارزشیابی توسط دانشجویان تکمیل گردید. جهت دریافت نظرات دانشجویان شرکت کننده در برنامه، پرسشنامه ای منطبق بر اهداف مورد انتظار در اختیار ایشان قرار گرفت و در جلسه ای توجیهی، نظرات ایشان جمع آوری و بررسی گردید. این پرسشنامه با طیف لیکرت ۵ گزینه ای در محدوده کاملاً موافق امتیاز ۱ و محدوده کاملاً مخالف امتیاز ۵، جنبه های مختلف مطالعه را موردبررسی قرار داد. این پرسشنامه تحت عنوان فرم ارزیابی درس در مرکز توسعه آموزش علوم پزشکی تدوین و ارزشیابی شده است؛ جامعه آماری این پژوهش ۱۵۱ نفر از دانشجویان بودند که به صورت سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. امتیاز هر یک از سؤالات محاسبه شد

و با میانگین و انحراف معیار نمایش داده شد. جهت انجام این طرح پس از تأیید انجام مطالعه در کمیته اخلاق مطالعات پژوهشی در دانشگاه علوم پزشکی، کد اخلاق به آن تعلق گرفت.

نتایج:

نتایج ارزشیابی حاکی از رضایتمندی دانشجویان از شیوه تدریس و نحوه ارائه، بر اساس این مطالعه بوده است. بر اساس نتایج فرمهای تکمیل شده ارزشیابی توسط دانشجویان، گویه های قید شده به ترتیب ذیل بیشترین میزان رضایتمندی را در میان دانشجویان داشته اند: پیشنهاد استفاده از کتاب کار برای سایر دروس، دقت و وضوح تدریس محتوای درس توسط مدرس، تسهیل یادگیری توسط کتاب کار، شیوه تدریس مناسب و کاربردی درس، تأثیر در مشارکت کلاسی به دلیلی استفاده از کتاب، تأثیر مثبت کتاب در فهم و دسته بندی دقیق مطالب، خودآموز بودن کتاب بعد از تدریس استاد و مناسب بودن طراحی و گرافیک کتاب.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج حاصل از تحقیق ما، نشاندهنده رضایتمندی دانشجویان در شیوه تدریس با استفاده از کتاب کار تکمیل-فرم داشته است. در شیوه تدریس با استفاده از کتاب کار در بررسی نتایج ارزشیابی بعمل آمده از دانشجویان، یادداشت برداری دانشجویان نقش بسزایی در افزایش مشارکت آنان در امر آموزش و یادگیری در کلاس درس داشته است. در طراحی این کتاب، مجریان، سعی بر طراحی کتاب بر اساس الگوی نقشه ذهنی داشته اند؛ استفاده از این طراحی، بنا بر اعلام دانشجویان، تأثیر بسزایی در یادگیری مطالب داشته است. در بررسی مطالعات و شواهد خارجی، داخلی و مرور تجربیات، تجربیات متفاوتی در مورد تغییرات ساختاری در آموزش بیان شده است اما مطالعه ای که دقیقاً مشابه به مطالعه ما داشته باشد، انجام نشده است؛ علیرغم این موضوع، نتایج این تحقیق کاملاً منطبق با سایر یافته های مؤثر بر فرایند دانشجو محور بودن آموزش و تأثیر تعمیق یادگیری از طریق یادداشت برداری توسط دانشجویان، بوده است. انتخاب یک راهبرد مناسب در یاددهی دروس پزشکی یک موضوع کلیدی در آموزش دانشجویان است؛ با توجه به اینکه آموزش بعنوان زیربنای کارکرد و فعالیت های اصلی یک مجموعه بحساب می آید، یک آموزش مناسب می تواند نمایی از پیشرفت تحصیلی محسوب شود.

کلمات کلیدی: دانشجو محور، یادداشت برداری، مدل آموزشی

بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر یادگیری تاملی بر مهارت اصول اسکراب و سیرکولر در دانشجویان اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی ایران

الهام رمضانپورا^۱، زهره سهرابی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: زهره سهرابی

مقدمه:

آموزش بالینی مهم‌ترین منبع یادگیری و شکل‌دهی هویت حرفه‌ای دانشجویان علوم پزشکی می‌باشد. فرایندی که دانشجو در آن با حضور بر بالین بیمار به تدریج به کسب مهارت پرداخته و با استفاده از تجربیات و استدلال‌های منطقی کسب‌شده برای حل مشکل بیمار آماده می‌شود. لذا آماده‌سازی دانشجویان برای به عهده‌گیری نقش‌های مختلف در حیطه‌های خدمات بهداشتی درمانی از مهم‌ترین هدف‌های دانشکده‌های پزشکی می‌باشد. یکی از روش‌هایی که تاثیر آن در افزایش قدرت تفکر دانشجویان به تایید رسیده است، یادگیری تاملی است. بازاندیشی، به عنوان یک فرایندی فراشناختی است که قبل، حین و بعد از موقعیتها رخ می‌دهد و موجب ایجاد درک عمیق‌تر از موضوع و افزایش خودآگاهی از توانمندی‌های فردی و برخورد بهتر با مواجهات آینده، می‌شود. در محیط‌های بالینی مانند اتاق عمل که دانشجویان با حوزه وسیعی از اعمال جراحی مواجه می‌شوند که آنها را ملزم به داشتن دانش و مهارت کافی حین جراحی می‌کند. بنابراین دانشجویان باید قادر باشند در موقعیت‌های بالینی مختلف، آموخته‌هایشان را با فعالیت‌هایشان هماهنگ کنند. مطالعات نشان می‌دهد، تعداد قابل توجهی از دانشجویان در برخی از مهارت‌ها حتی به سطح انجام مهارت تحت نظارت نیز نرسیده‌اند. بنابراین تغییر شیوه‌های آموزش در بالین ضروری بوده و مدرسین بالینی نیازمند بکارگیری سبک‌های نوین تدریس در محیط‌های بالینی می‌باشند. لذا این مطالعه با هدف بررسی میزان اثربخشی یادگیری تاملی بر مهارت‌های اسکراب و سیرکولر در دانشگاه علوم پزشکی ایران به انجام رسید.

مواد و روش‌ها:

پژوهش حاضر از نوع نیمه تجربی با طرح دوگروهه پیش‌آزمون-پس‌آزمون بود که جامعه پژوهش ۶۰ نفر از دانشجویان ترم ۳ و ۵ کارشناسی اتاق عمل بودند که به شیوه سرشماری وارد مطالعه شدند. فاز اول پژوهش قبل از انجام مداخله بود که پیش‌آزمون مهارت‌های اصول اسکراب و سیرکولر با استفاده از آزمون بالینی ساختارمند عینی (OSCE) در مرکز مهارت‌های بالینی دانشکده برگزار گردید. فاز دوم مطالعه اجرای مداخله بود. ابتدا محتوای آموزشی در گروه کنترل، در طی ۴ جلسه که جلسه اول و دوم آن بصورت تئوری در قالب سخنرانی و دو جلسه دوم بصورت عملی در مرکز مهارت‌های بالینی آموزش داده شد.

سپس محتوای آموزشی برای گروه مداخله به همان صورت گروه کنترل (دو جلسه تئوری و دو جلسه عملی) با رویکرد مبتنی بر یادگیری تاملی ارائه گردید. رفلکشن در مطالعه حاضر Reflection on action بود که طبق آن، پژوهشگر از دانشجویان درخواست نمود، تجربه بالینی و کلاسی خود را پس از هر جلسه تدریس از محتوای آموزشی به رشته تحریر درآورند (نگارش تجربه) و ظرف مدت ۲۴ ساعت جهت دریافت بازخورد از طریق ایمیل به استاد ارسال نمایند. در فاز سوم پس از آزمون، یک هفته پس از انجام مداخله و به صورت آزمون بالینی ساختارمند عینی از دانشجویان هر دو گروه در پراتیک دانشکده برگزار گردید.

نتایج:

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد، بین میانگین نمرات پیش آزمون در سه حیطه مهارت پوزیشن دهی، اصول اسکراب، بخیه زدن در دانشجویان اتاق عمل بین دو گروه کنترل و مداخله ارتباط آماری معناداری یافت نشد که نشان می‌دهد که دانشجویان اتاق عمل هر دو گروه در شرایط اولیه یکسان وارد پژوهش شده‌اند. همچنین نتایج تحلیل کواریانس نشان داد، بین میانگین نمرات تأثیر آموزش مبتنی بر یادگیری تاملی بر مهارت اصول اسکراب و سیرکولر در دانشجویان رشته اتاق عمل در پس آزمون گروه کنترل (۵۶/۶۳) و در گروه مداخله (۷۶/۷۰) تفاوت معناداری وجود دارد. (05/0 < p)

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان داد، دانشجویان با راهنمای ساختاریافته و منسجم برای بازاندیشی می‌توانند فراتر از فرآیند توصیف به سطوح عمیق‌تر تأمل و در نتیجه یادگیری حرکت کنند. در راستای نتایج مطالعه حاضر، یافته‌های پژوهش Coleman در سال ۲۰۱۷ بر دانشجویان پرستاری نشان داد، بازاندیشی باعث اصلاح آموزش‌های غلط و یا عملکردهایی است که بالقوه می‌تواند باعث آسیب به بیمار شود. نگارش تجربه می‌تواند باعث آگاهی و ارزیابی دانشجو از وضعیت خود گردد و موجب شناسایی فرصتهای یادگیری، نقاط قوت و ضعف فراگیر و حتی سیستم آموزشی شود. این استدلال در مطالعه پرسون و همکاران، ۲۰۱۵ مورد حمایت قرار گرفت که نشان داد، هر چه فرآیند بازاندیشی بیشتر اجرا شود، نگارش از توصیفات ساده محتوا و سناریو به سمت ارزیابی‌ها تغییر می‌کند. بنابراین فراگیران در موقعیت مشابه آینده، آگاهانه‌تر عمل خواهند کرد.

کلمات کلیدی: یادگیری تاملی، بازاندیشی، سخنرانی، دانشجویان

رابطه یادگیری خود راهبر با راهبردهای فراشناختی و شادکامی دانشجویان

پزشکی

مریم نعمتی^۱، نسیم قهرانی^۱، آناهیتا صادقی^۱، اعظم اسمعیلی^۱، فاطمه حسین زاده دوگلرسر^۱، حسین جلاهی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: نسیم قهرانی

مقدمه:

یکی از ویژگی های مهم محیط یادگیری، این است که فراگیران را برای یادگیری خودراهبر و مستقل، آماده کند. دانشجویان با کاربرد این اصول، قادرند با تشخیص نیازهای یادگیری، تدوین اهداف، شناسایی منابع، انتخاب و اجرای راهبردهای مناسب و ارزیابی نتایج پردازند و خود را با شرایط تطبیق داده و برنامه های یادگیری شان را بهبود بخشند. این مطالعه با هدف بررسی رابطه یادگیری خودراهبر با راهبردهای فراشناختی و شادکامی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۴۰۱ انجام شده است.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی-مقطعی به روش همبستگی انجام شده است. ابزار جمع آوری اطلاعات، سه پرسشنامه استاندارد یادگیری خودراهبر، راهبردهای فراشناختی و شادکامی بود. پرسشنامه یادگیری خود راهبر ویلیامسون (۲۰۰۷) مشتمل بر ۶۰ گویه بسته پاسخ با طیف لیکرت ۵ گزینه ای و پایایی ۰/۹۳ است. ابزار بعدی پرسشنامه فراشناخت ولز و کارترات MCQ-30 با طیف ۴ درجه ای لیکرت و پایایی ۰/۹۱ و ابزار سوم پرسشنامه شادکامی آکسفورد مایکل آرگایل با ۲۹ گویه و طیف چهارگزینه ای لیکرت و پایایی ۰/۸۷ است. روایی هر سه پرسشنامه توسط صاحب نظران مورد تایید قرار گرفته است. جامعه آماری شامل ۳۶۲ دانشجویست که ۱۹۳ نفر از آنان به روش تصادفی طبقه ای از دانشکده های ساری (۱۵۶ نفر) و پردیس رامسر (۴۳ نفر) به عنوان نمونه (مطابق جدول کرجسی و مورگان) انتخاب شدند. معیار ورود به مطالعه تمایل دانشجوی رشته پزشکی به مشارکت در تحقیق و معیار خروج از مطالعه، استفاده از مرخصی تحصیلی بود. نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنوف نشان داد که داده های مطالعه نرمال اند، لذا برای تعیین وضعیت متغیرها از آزمون Sample T Test و برای تعیین رابطه بین آنها از Pearson Correlation Coefficient و نرم افزار spss استفاده گردید.

نتایج:

نتایج نشان داد میانگین نمرات یادگیری خودراهبر (۳/۶۳) و فراشناخت (۳/۳۳) دانشجویان بالاتر از گزینه متوسط پرسشنامه و میزان شادکامی آنان (۱/۳۶) کمتر از متوسط است. همچنین بین یادگیری خودراهبر و شادکامی با سطح اطمینان ۹۵٪ و $Sig=0.000$ رابطه معنادار ($r=+0/۴۵۹$) دیده شد. همچنین بین یادگیری خود راهبر و راهبردهای فراشناختی با $Sig=0.000$ رابطه معنادار ($r=+0/۸۹$) وجود داشت. همچنین با $df=191, a \leq 0.05$ بین دانشجویان دانشکده ساری و پردیس رامسر، در یادگیری خودراهبر، مهارت های فراشناختی و میزان شادکامی تفاوت معناداری مشاهده نگردید.

بحث و نتیجه گیری:

از آنجا که دانشجویان رشته پزشکی در آینده‌ای نه چندان دور باید وارد جامعه شده و به عنوان کادر درمان در نظام سلامت فعالیت نمایند، لذا شناسایی دقیق چالش‌ها و نیازهای یادگیری آنها از جمله مهارت‌های خودتنظیمی و یادگیری خود راهبر اهمیت ویژه دارد. بر اساس نتایج بدست آمده، مهارت‌های یادگیری خود راهبر و فراشناخت دانشجویان پزشکی در حد قابل قبولی است، لیکن باید برای بهبود و افزایش شادکامی آنان برنامه‌ریزی شایسته صورت گیرد. با توجه یافته‌ها و ارتباط بین یادگیری خود راهبر با فراشناخت و شادکامی، پیشنهاد می‌شود اساتید و برنامه‌ریزان دانشکده‌های پزشکی در جهت آموزش و ارتقای این مهارت‌ها بکوشند تا بتوانند فراگیرانی مستقل، خودتنظیم، و شاداب تربیت نمایند.

کلمات کلیدی: یادگیری خودراهبر، راهبردهای فراشناختی، شادکامی



طراحی اجرا و ارزشیابی برنامه آموزش بالینی مبتنی بر گراند راندهای پرستاری شبیه سازی شده در دانشجویان ارشد پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گیلان

مریم خوشبخت پیشخانی^۱، نازیلا جوادی^۱، ایده دادگران^۱، فریبا عسگری^۱، معصومه ادیب^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نویسنده مسئول: مریم خوشبخت پیشخانی

مقدمه:

هدف فناوری آموزشی نوین تسهیل یادگیری و بهبود عملکرد آن است. در این راستا، شبیه سازی های آموزشی میتواند به عنوان تکنیک و یا رسانه آموزشی موجب تحقق این هدف شوند. در رشته پرستاری آموزش بالینی دارای اهمیت بالایی است. بکارگیری روش شبیه سازی در پرستاری میتواند منجر به گسترش دانش، مهارت و عملکرد دانشجویان این رشته شود. از آنجاییکه راند آموزشی پرستاری می تواند به عنوان یک استراتژی آموزش بالینی برای دانشجویان پرستاری در محیط های درمانی استفاده شود و به عنوان یک استراتژی آموزشی فرصتی را برای دانش جویان فراهم کند تا یادگیری کلاس را با فعالیت های عملی بالینی مرتبط نمایند، می توان از گراند راندهای شبیه سازی شده جهت آمادگی دانشجویان استفاده نمود. با این روش دانشجویان پرستاری می توانند مشکلات بیماران و نگرانی های سلامتی بیماران را به خوبی شناسایی نموده، رسیدگی به چالش های بالینی، به اشتراک گذاشتن تجارب شخصی، و شناسایی شکاف در درک بالینی بیمار را به خوبی مدیریت نمایند. لذا این مطالعه با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی گراند راند های پرستاری شبیه سازی شده در ارتقای توانایی مراقبت از بیماران دارای شرایط بحرانی در دانشجویان کارشناسی ارشد پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی گیلان انجام شد.

مواد و روش ها:

در این مطالعه مقطعی، دانشجویان کارشناسی ارشد پرستاری گرایش داخلی جراحی، ویژه و اورژانس دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت در نیمسال دوم تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ جهت گذراندن واحد بالینی خود دعوت به مطالعه شدند. هر واحد کارآموزی بصورت سه نفره و ۶ روزه بوده که طبق برنامه تنظیم شده آموزش بالینی برای آنان برنامه ریزی شد. از ۶ روز کارآموزی دانشجویان در روز اول با اهداف دوره آشنا شده و سپس با حضور در روز اول کارآموزی در بالین همراه با استاد مربوطه در گراند راندهای پرستاری و سایر تیم درمانی شرکت نموده و گراند راندهای بالینی را مشاهده نمودند. در روز دوم در یک گراند راند شبیه سازی شده در اسکیل لب دانشکده شرکت نمودند که در آن مهارتشان در (بررسی وضعیت سلامت بیماران، تشخیص های پرستاری، آشنایی با داروها، نتایج آزمایشات، فرایند و مراقبت های پرستاری و پذیرش و ترخیص و آموزش به بیمار) بصورت شبیه سازی شده در مورد بیمار

این‌توبه دچار پلورال افیوژن، نارسایی قلبی و MI، برای آنان اجرا شد. در روز سوم تا پنجم مباحث مطرح شده توسط دانشجویان بصورت گرانند راند در بخش همراه با سایر کادر درمانی اجرا شد. نقش استاد بالینی بصورت مجری و مشاور برنامه بود. استاد بحث را روشن و هدایت می کرد و دانشجویان مراقبت های مرتبط با بیمار را در حضور بیمار و سایر تیم درمانی مورد بحث و بررسی قرار می دادند. در روز ششم ارزشیابی از مطالب ارایه شده در کارآموزی از دانشجویان به عمل آمده و رضایت دانشجویان از گرانند راندهای شبیه سازی شده توسط پرسشنامه ۶ بعدی استروهللی و اسپنسر (۲۰۲۰) که تحت روایی و پایایی قرار گرفت مورد بررسی قرار گرفت که پاسخهای آن در مقیاس پنج درجه ای لیکرت (کاملاً موافق ۵-۱ کاملاً مخالف) بود.

نتایج:

نتایج نشان داد که دانشجویان در بعد اول ۷۵ درصد، در بعد دوم ۸۳ درصد، در بعد سوم ۹۱ درصد، در بعد چهارم ۵۰ درصد، در بعد پنجم ۷۵ درصد و در بعد ششم ۵۰ درصد گزینه کاملاً موافق را انتخاب نمودند. بر اساس نتایج کلی رضایت سنجی دانشجویان ۱۰۰-۸۰ درصد رضایتمندی مطلوب (خیلی موافق و موافق) از انجام گرانند راند پرستاری شبیه سازی شده را گزارش نمودند و "گرانند راندهای پرستاری به من کمک کرد تا شرایط بیماران دارای وضعیت پیچیده را تجزیه و تحلیل کنم" حداکثر رضایت مندی را به خود اختصاص داد.

بحث و نتیجه گیری:

دانشجویان رضایتمندی زیادی از گرانند راند پرستاری شبیه سازی شده و تاثیر آن در یادگیری خود نشان دادند. دیدن بیمار و اینکه بتوان مداخلات را با اهداف مراقبت مرتبط کرد، باعث افزایش سطح آگاهی و رضایت دانش جویان شده و به استاد کمک می کند از این طریق یادگیری دانشجویان را در محیط بالینی تقویت نماید. لذا گرانند راند پرستاری شبیه سازی شده می تواند به عنوان ابزاری ارزشمند برای افزایش یادگیری دانش جویان در محیط های بالینی مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: گرانند راند پرستاری، آموزش بالینی، یادگیری، شبیه سازی

تاثیر برنامه کاربردی موبایل بر بیادسپاری و استدلال بالینی دانشجویان کارشناسی پرستاری

فاطمه بهرام نژاد^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه بهرام نژاد

مقدمه:

داروشناسی برای پرستار یک از مقوله های اصلی آموزش پرستاری به شمار می رود. اجرای دستورات دارویی از مهمترین وظایف پرستاران است. اما به دلایل متعددی ممکن است دانش داروشناسی پرستار دچار مشکل شود و یا در مواردی این احتمال وجود دارد که مبتنی بر شرایط بالینی و فیزیولوژیکی بیمار دارویی جایگزین داروی تجویز شده باشد. به منظور ماندگاری درس داروشناسی و ارتقای استدلال بالینی دانشجویان پرستاری مطالعه حاضر با هدف تاثیر برنامه کاربردی موبایل بر بیادسپاری و استدلال بالینی دانشجویان کارشناسی پرستاری انجام شده است.

مواد و روش ها:

مطالعه قبل-بعد حاضر در سال ۱۴۰۰ با جامعه پژوهش دانشجویان ترم ۵ پرستاری علوم پزشکی تهران انجام شده است. در این مطالعه محتوای آموزشی برنامه کاربردی موبایل پس از مرور متون و سنجش روایی محتوا و صوری در قالب برنامه کاربردی موبایل طراحی و روایی شد. اشکالات احتمالی آن برطرف شد. سپس از دانشجویان یک پیش ازمون با کمک پرسشنامه های استدلال بالینی و دانش سنجیده شد. ۴ هفته برنامه کاربردی روی موبایل دانشجویان نصب شده و به دانشجویان فرصت داده شد که از این اپلیکیشن استفاده کنند. سپس پرسشنامه دانش و استدلال بالینی توسط دانشجویان تکمیل شد. سپس داده های جمع اوری شده با کمک آمار توصیفی (فراوانی، میانگین) و آمار تحلیلی (تی زوجی و کای اسکوئر) آنالیز شد.

نتایج:

از ۶۵ دانشجوی شرکت کننده در این مطالعه ۷۸٪ دانشجو مونث و ۲۹٪ متاهل بودند، میانگین سطح دانش (انحراف معیار) قبل از مداخله $15/07 \pm 5/20$ و بعد از مداخله $16/98 \pm 5/83$ بود. اختلاف آماری معنی داری بین قبل و بعد از مداخله وجود داشت. $(p=0/001)$ نمره استدلال بالینی قبل از مداخله $8/1 \pm 47/2$ و بعد از مداخله $9/23 \pm 1/3$ بود و اختلاف آماری معنی داری بین قبل و بعد از مداخله یافت

نشد. $(p=0/34)$

بحث و نتیجه گیری:

براساس یافته های مطالعه حاضر می توان گفت برنامه کاربردی موبایل در بیادسپاری درس داروشناسی بالینی دانشجویان موثر است. برنامه کاربردی موبایل در هر زمان و هر مکان در دسترس فرد می باشد و سهولت در دسترسی و استفاده، اهمیت استفاده آن را دوچندان می کند. با کمک برنامه کاربردی موبایل در زمانی که خود فرد احساس نیاز کرده و آماده پذیرش اطلاعات می باشد، مطالب را مطالعه می کند و این امر خود اثربخشی آموزش را افزایش می دهد. همچنین براساس اشتراک نظریه های یادگیری ساختاری و بزرگسالان و تاکید بر خود یادگیری، امکان تمرین و ممارست، سهولت کنترل سرعت یادگیری، عدم استرس، افزایش قدرت تفکر انتقادی، بهره گیری از سبک های مختلف یادگیری (بصری، شنوایی و لمسی) تمام این موارد در یک برنامه کاربردی موبایل آموزشی دیده می شود. همین امر، فرد را تشویق به استفاده از این برنامه کاربردی موبایل کرده و فرد راغب می شود تا موارد آموزشی را بارها و بارها مشاهده کرده و آموزش بپذیرد.

کلمات کلیدی: برنامه کاربردی موبایل، استدلال بالینی، دانشجوی، پرستاری، دانش



تاثیر رایجه درمانی استنشاقی با اسانس اسطوخودوس بر میزان اضطراب آزمون آسکی در دانشجویان دانشکده علوم پزشکی لارستان

محمد رفیع بذرافشان^۱، زهرا سیفی^۱، فریدون جهانگیر^۲، مرضیه اسدی لاری^۱، مژگان جوکار^۳، سارا مقدم^۱

۱. دانشکده علوم پزشکی لارستان، فارس، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: محمد رفیع بذرافشان

مقدمه:

اختلالات اضطرابی شایع ترین اختلالات روان پزشکی در میان نوجوانان و جوانان است، بطوریکه اضطراب امتحان تجربه ناخوشایند نگرانی و هیجان پذیری در موقعیت هایی است که فرد احساس می کند تحت شرایط ارزشیابی قرار دارد، همچنین یک عامل بازدارنده در پیشرفت تحصیلی دانشجویان است که هزینه های هنگفتی را بر جوامع تحمیل می کند. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر رایجه درمانی استنشاقی با اسانس اسطوخودوس بر اضطراب ناشی از آزمون آسکی انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر به صورت کارآزمایی بالینی تصادفی شده دو سوکور با گروه کنترل انجام شد. واحدهای پژوهش ۵۲ نفر از دانشجویان دانشکده علوم پزشکی لارستان بودند که به صورت تصادفی سازی بلوکی در دو گروه کنترل و مداخله قرار گرفتند. در گروه مداخله ۲ قطره از اسانس دو درصد اسطوخودوس و در گروه دارونما ۲ قطره آب مقطر داده شد. نمونه ها به مدت ۲۰ دقیقه، اسانس را استنشاق نمودند. اضطراب و علایم حیاتی (فشار خون سیستولیک و دیاستولیک، تعداد ضربان قلب، تعداد تنفس) هر گروه قبل و بعد از مداخله با استفاده از پرسشنامه اسپیلبرگر و ابزار اندازه گیری علایم حیاتی مورد سنجش و ثبت قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار STATA 14 و از آزمون های آماری t مستقل، ویلکاکسون برای مقایسه میانگین اضطراب قبل و بعد مداخله و از آزمون تی زوجی جهت مقایسه تغییرات علایم حیاتی استفاده گردید.

نتایج:

نتایج مطالعه نشان داد بین دو گروه تفاوت معنی دار آماری از لحاظ ویژگی های دموگرافیک پایه وجود نداشت. نتایج آزمون تی مستقل بین دو گروه مداخله و دارونما نشان داد بین میانگین نمره اضطراب پیش از مداخله اختلاف آماری معنی داری بین گروه مداخله 10.58 ± 4.16 و گروه دارونما 12.54 ± 4.18 وجود ندارد. ($P \text{ Value} > 0.05$) بعد از انجام مداخله نیز با آزمون تی مستقل بین میانگین نمره اضطراب گروه

مداخله و گروه دارونما تفاوت معنی دار آماری وجود نداشت. لذا مداخله تاثیری در نمره اضطراب دانشجویان نداشته است. نتایج آزمون تی زوجی نیز نشان داد بین میانگین نمرات اضطراب دانشجویان قبل ۴۴/۱۶ (۱۰/۵۸) و بعد از مداخله ۴۴/۹۲ (۱۲/۱۸) در گروه مداخله تفاوت معنی دار آماری وجود نداشت. همچنین بین میانگین نمرات اضطراب دانشجویان قبل ۴۱/۸۰ \pm ۱۲/۵۴ و بعد از مداخله ۴۳/۱۹ \pm ۱۳/۱۲ در گروه دارونما تفاوت معنی دار آماری ندارد.

بحث و نتیجه گیری:

رایحه درمانی استنشاقی با اسانس اسطوخودوس تاثیری بر اضطراب ناشی از آزمون آسکی در دانشجویان نداشته است.

کلمات کلیدی: رایحه درمانی، اسانس لاوندر، اضطراب، آزمون آسکی

یادگیری حمایت طلبی در جهت ترفیع نیازهای جامعه: بیان یک تجربه

مهشید براتی^۱، سروش بهرامی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

نویسنده مسئول: مهشید براتی

مقدمه:

در رویکردهای اخیر آموزش عالی، توجه ها به سمت نگاهی نو از جنس پاسخ گویی به جامعه و توجه اجتماعی جلب شده بنحوی که در رویکرد اخیر دانشگاه ها و دانشکده های پزشکی تربیت نیروهایی با توانمندی پاسخگویی اجتماعی جز جدا نشدنی نظام آموزشی و عملی ما هستند. در حقیقت رویکرد های نوین نظام آموزشی برآن است افراد، گروه ها و موسساتی را در جامعه پدید آورد که با پذیرش عواقب و پیامدهای مسئولیت به عموم ذی نفعان پاسخگو باشند و با دارا بودن دو مشخصه اصلی تلاش در جهت شناسایی مشکلات و نیاز ذی نفعان و دیگری تلاش حداکثری در جهت رفع آن نیازها و مشکلات بتوان در جهت رشد و تعالی سلامت جامعه قدم بردارد.

مواد و روش ها:

در جهت آشنایی بیشتر دانشجویان با پاسخگویی اجتماعی و کسب مهارت های حمایت طلبی و حاکمیت بخشی برنامه ای ۶ مرحله ای اجرا شد: (۱) آموزش های تئوری: جهت فراهم سازی بستر لازم ارائه گردید (۲) نیاز سنجی: کارورزان موظف بودند پس از حضور در روستا با کار مبتنی بر شواهد در ادامه فعالیت های گروه های پیشین از افراد بالای پنجاه سال روستا لیستی تهیه کرده و طی تماس تلفنی با این افراد و امتیازدهی به آنها با سامانه FRAX افراد پرخطر شناسایی نمایند. (۳) طرح ریزی و هدف گذاری: جهت پیشگیری از خطر سقوط و شکستگی، با مراجعه حضوری به منازل و استفاده از چک لیست های استاندارد نقاط خطر منازل شناسایی و هشدارهای لازم جهت رفع آنها داده شد. در صورت عدم استطاعت مالی این افراد، منازل آنها را بر اساس میزان حادثه خیز بودن اولویت بندی کرده و در جهت رفع مشکلات طرح ریزی کردیم. (۴) هدف گذاری و ایجاد ارتباط با مسئولین مرتبط: طی مشورت با مربی آموزشی گروه پزشکی اجتماعی و همچنین مدیر گروه محترم هماهنگی های لازم جهت برگزاری جلسه ای با کارشناسان معاونت بهداشتی شهرستان، مسئول کمیته امداد امام خمینی (ره)، شهردار منطقه، رئیس شورای اسلامی شهر و خیرین سلامت صورت گرفت و مشکلات مذکور در این جلسه جهت جلب حمایت مسئولین طرح گردید. (۵) اجرا و نظارت: پس از جلب حمایت تعداد از ارگانها و خیرین، هزینه مناسب سازی منازل افراد برآورد گردیده و تیم اجرایی جهت رفع موانع و خطرات وارد عمل گردید. (۶) بازخورد و

رصد: پس از مناسب سازی با مراجعه مجدد به منازل نقاط خطر مورد ارزیابی مجدد واقع شده و از ساکنین منازل در خصوص اصلاحات انجام شده بازخورد گرفتیم.

نتایج:

با توجه به کاربردی و جامعه نگر بودن مداخله و ارتباط نزدیک دانشجویان با اقشار مختلف جامعه در پایان طی نظر سنجی بعمل آمده دانشجویان اظهار داشتند ضمن لمس تجربیات متفاوت و نوین، توانسته اند بیش از پیش با واقعیات و نیازهای سلامت جامعه آشنا شوند و این فعالیت ها در حساس سازی و افزایش انگیزش آنان در توجه به نیازهای جامعه و پاسخ گویی اجتماعی تأثیر داشته است. خدمت گیرندگان و افراد جامعه نیز از آموزش ها، خدمات پیشگیرانه و مراقبتی ارائه شده ابراز رضایت نمودند. البته در اجرای این برنامه با موانعی چون عدم پاسخگویی و یا حتی پاسخگویی نامناسب مردم به سوالات، عدم همکاری مردم روستا جهت بازدید از منازل و تامین مالی جهت مناسب سازی منازل نیز مواجه شدیم.

بحث و نتیجه گیری:

این برنامه، تجربه ای بسیار مفید و رضایت بخش در زمینه جلب مشارکت دانشجویان و افزایش حساسیت و انگیزش آنان در زمینه پاسخ گویی و توجه به نیازهای جامعه بود. همچنین منجر به افزایش ارتباط بین مرکز مطالعات دانشگاه، دانشجویان، جامعه هدف و نهادهای مرتبط گردید. با توجه به ضعف برنامه های جامعه محور در آموزش پزشکی دانشگاه های علوم پزشکی کشور پیشنهاد می شود کمیته ای در وزارت بهداشت جهت سامان دهی هرچه بیشتر اینگونه فعالیت های جامعه محور تشکیل شده تا با فراهم سازی بسترهای آموزشی مشابه و خلاقانه، پاسخگویی اجتماعی در قالب برنامه های آموزشی مدون و همچنین برنامه های داوطلبانه (مانند اردوهای جهادی) به دانشجویان آموزش داده شود

کلمات کلیدی: یادگیری، حمایت طلبی، پاسخگویی اجتماعی، آموزش عالی، حاکمیت بخشی، بیان تجربه، جامعه محور

بررسی اثربخشی کیفیت دوره تحصیلی و آموزش مجازی طی بحران پاندمی کووید-۱۹ ازدیدگاه دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

فاطمه عباسی^۱، سیدجمال میرموسوی^۱، سید علیرضا جوادی نیا^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: سید علیرضا جوادی نیا

مقدمه:

پاندمی کووید-۱۹ در طی سالیان اخیر تاثیر بسزایی بر ابعاد مختلف زندگی افراد گذاشته است. یکی از مهمترین بخش هایی که تحت تاثیر این پاندمی قرار گرفته، نحوه ارائه خدمات آموزشی بوده به طوری که با لغو آموزش حضوری، گرایش شدید و غیرقابل اجتنابی جهت بهره مندی از آموزش مجازی در تمامی موسسات آموزشی ایجاد شد. دراین میان دانشگاه های علوم پزشکی با توجه به نقش اساسی آن ها در تربیت نسل بعدی ارائه دهندگان سلامت علی رغم پیش آمدگی های قبلی در بهره مندی از این فرصت های آموزشی، با چالش های جدی تری مواجه بودند. این مطالعه دیدگاه و دانشجویان مقطع علوم پایه از آموزش آنلاین و میزان رضایتمندی آن ها در طی پاندمی را مورد بررسی قرار داد.

مواد و روش ها:

این مطالعه مقطعی، درنیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بر روی ۶۳ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی سبزوار انجام شد. میزان رضایت دانشجویان از آموزش الکترونیک و اثربخشی دوره های آموزش مجازی در دانشجویانی که حداقل یک ترم تحصیلی گذرانده و کلیه دوره آموزش آن ها مجازی بوده ارزیابی شد. پرسشنامه الکترونیک دارای ۵۵ گویه در ۱۰ احیطه اجزای تشکیل دهنده آموزش مجازی شامل محتوا، فعالیت های یاددهی-یادگیری، طراحی صفحات، موادآموزشی، بازخورد، انعطاف پذیری، میزان حجم کاری، کمک رسانی، انگیزه وارزشیابی بود. حداکثر امتیاز هرگویه ۵ و حداقل امتیاز آن ۱ و همچنین محدوده نمرات بین ۵۵ تا ۲۷۵ بود. در پایان داده ها به نرم افزار SPSS21 وارد و در سطح معناداری $p > 0.05$ آنالیز شدند.

نتایج:

از مجموع ۶۳ دانشجو، ۲۳ نفر مرد (۳۶٫۵٪) و ۴۰ نفر زن (۶۳٫۵٪) بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان 21.3 ± 2.8 سال بود. میانگین معدل کل دانشجویان 16.7 ± 0.1 و میانگین معدل ترم قبل 16.2 ± 0.1 بود. بالاترین مجموع امتیاز واردشده در پرسشنامه ۵۶ و پایین ترین امتیاز ۲۳۴ بود (میانگین 148 ± 4.4). مقایسه میزان رضایت براساس جنسیت ($p=0.14$) و محل-سکونت ($p=0.18$) اختلاف معناداری نداشت.

همچنین بین بستر مورد استفاده و میانگین نمرات پرسشنامه در هیچ دو گروهی رابطه معناداری وجود نداشت. ($p=0.61$) از جهتی بین ورودی شرکت کنندگان و میانگین نمرات پرسشنامه رابطه معناداری وجود نداشت. ($p=0.82$) آزمون همبستگی پیرسون جهت آزمون رابطه دو متغیر معدل ترم قبل و میانگین نمرات پرسشنامه نشان داد که بین معدل ترم قبل و میانگین نمرات پرسشنامه همبستگی معناداری مشاهده نشد. ($p=0.92$) در نتیجه از نظر آماری این دو متغیر با یکدیگر رابطه ندارند. همچنین آزمون همبستگی پیرسون جهت آزمون رابطه دو متغیر معدل کل و میانگین نمرات پرسشنامه نشان داد که بین معدل کل و میانگین نمرات پرسشنامه همبستگی معناداری مشاهده نشد. ($p=0.94$) در نتیجه از نظر آماری این دو متغیر با یکدیگر رابطه ندارند. میزان رضایت دانشجویان از آموزش مجازی طبق پرسشنامه متوسط (66.7%) برآورد گردید.

بحث و نتیجه گیری:

به طور کلی بر اساس نتایج به دست آمده، می توان چنین استنباط کرد که از نظر دانشجویان اثربخشی دوره آموزش مجازی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، در حد متوسط است که در این بین بیشترین میزان رضایت در بخش انگیزه و کمترین آن مربوط به بخش کمک رسانی این دوره در پرسشنامه بود.

کلمات کلیدی: پاندمی کووید-۱۹، آموزش مجازی، دیدگاه، رضایتمندی

تاثیر آموزش از طریق تلفن همراه بر یادگیری و رضایتمندی دستیاران بالینی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

پریسا نبیئی^۱، رویا خلیلی^۱، پروین رضوان^۱، هاجر شیعه^۱، میترا امینی^۱، زهره اسماعیل زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

نویسنده مسئول: پریسا نبیئی

مقدمه:

همزمان با شروع بحران کرونا در سراسر جهان و همگام با گسترش فن آوری های نوین در محیط های آموزشی، آموزش مجازی در دستور کار دانشگاه های کشور قرار گرفت. آموزش از طریق موبایل یکی از روش های آموزش مجازی بود که با توجه به محدودیت زمانی اساتید بالینی و حضور همیشگی آنان با افراد، در دانشگاه های علوم پزشکی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. دوره آموزشی دستیاران جدیدالورود بالینی نیز با توجه به شرایط موجود، به صورت مجازی در مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی با محوریت آموزش از طریق موبایل، در نظر گرفته شد و بر همین اساس عناوین دوره و نحوه پیاده سازی و اجرای آن طراحی گردید. در این دوره آموزشی، اطلاع رسانی، آموزش و ارزشیابی با تشکیل گروه های مجازی در تلفن های همراه انجام گرفت. این مطالعه با هدف بررسی میزان یادگیری و رضایت شرکت کنندگان از دوره آموزشی مجازی با محوریت آموزش از طریق موبایل، انجام شده است.

مواد و روش ها:

این مطالعه از نوع مداخله ای (توصیفی - تحلیلی) و به صورت مقطعی بود. جامعه آماری این مطالعه تمامی دستیاران ورودی سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۰ شرکت کننده در این دوره (۳۷۸ نفر) بود که به دلیل محدودیت جامعه آماری، تمامی افراد به عنوان نمونه وارد مطالعه شدند و گروهی واتسآپی با حضور تمامی اساتید دوره و دستیاران تشکیل شد پس از آن، جلسات بصورت آموزش ترکیبی (آنلاین و آموزش از طریق موبایل) برگزار شد. در فواصل جلسات آموزشی، اسلاید های تدریس شده در هر جلسه، مقالات و کارگروهی متناسب با آن ها، در این گروه واتسآپی قرار می گرفت و پس از تکمیل کارگروهی ها، در جلسه آخر اساتید به رفع اشکال، پرسش و پاسخ و ارائه بازخورد به فراگیران پرداختند. جهت سنجش میزان یادگیری دستیاران، روش مداخله ای پیش آزمون و پس آزمون انجام گرفت و پرسشنامه ای با ۳۲ سوال گنجانده شد و پایایی پرسشنامه به روش پایلوت و با استفاده از آلفای کرونباخ ۷۵٪ و روایی آن بر اساس نظرات اساتید گروه آموزش پزشکی تایید شد. پرسشنامه مذکور بعنوان پیش آزمون قبل از شروع جلسات آموزشی در گروه واتسآپی جهت تکمیل، قرار گرفت. پس از پایان دوره آموزشی، یک هفته جهت مطالعه کلیه مباحث تدریس شده به دستیاران مهلت داده شد و در ادامه، پس آزمون بصورت آنلاین به مدت

یک ساعت برگزار گردید. همچنین کیفیت برگزاری دوره و میزان رضایت شرکت کنندگان نیز در پایان هفته با استفاده از قرارگیری چک لیست رضایت سنجی در گروه واتساپی، سنجیده شد که در بخش پایانی چک لیست مذکور سوالاتی باز جهت سنجش نقاط ضعف و قوت برگزاری این دوره گنجانده شده بود. در انتها پس از جمع آوری پرسشنامه ها، با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۲ و آزمون های آماری توصیفی-تحلیلی، داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج:

بر اساس نتایج مطالعه، ۶۰٪ از شرکت کنندگان زن (۲۲۶ نفر) و باقی (۱۵۲ نفر) مرد (۴۰٪) بودند. میانگین نمرات کلی در پیش آزمون ۱۵/۰۸ و در پس آزمون ۱۶/۹۱ از ۳۲ بود. سنجش میزان یادگیری دستیاران از طریق موبایل، به روش مداخله ای بصورت مثبت و معنادار گزارش گردید ($t = 86/12$) و $p = ۰/۰۰۱$ (که حاکی از بهبود کیفیت یادگیری دستیاران بالینی در این دوره آموزشی بود. همچنین میزان رضایت شرکت کنندگان از دوره در دو حیطه سطح علمی و کاربردی بودن مطالب ۹۲٪ بود. نتایج بخش سوالات باز پرسشنامه نیز نشان داد که نقاط قوت این دوره آموزش ترکیبی، از دیدگاه مشارکت کنندگان عبارتند از: امکان حضور آنلاین تعداد زیادی از دستیاران در دوره، امکان استفاده از مطالب تدریس شده بصورت ضبط شده بعد از اتمام دوره، ارسال کلیه اسلایدهای تدریس شده پس از هر جلسه در گروه واتساپ، مشارکت در تدریس و انجام کار گروهی متنوع در گروه واتساپی، انجام ارزشیابی و ارائه بازخوردهای موثر به فراگیران بود و از جمله نقاط ضعف دوره می توان به ضعف سیستم اینترنتی، عدم درک صحیح مطالب درسی و زمان بر بودن فرایند مشارکت در یادگیری اشاره کرد.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان داد که آموزش ترکیبی دستیاران با محوریت آموزش از طریق موبایل (باتوجه به محدودیت زمانی دستیاران)، در بهبود یادگیری و رضایت دستیاران از فرایند آموزشی، موثر بوده است. بنابراین به نظر می رسد توسعه این روش آموزش، ضرورتی انکارناپذیر در رویایی با تحولات جدید جامعه می باشد و می تواند تاثیر بسزایی در بهبود عملکرد برون دادهای نظام آموزشی کشور داشته

کلمات کلیدی: آموزش، آموزش از طریق موبایل، دستیاران بالینی، رضایتمندی

صلاحیت خود ادراک شده در بین فارغ التحصیلان دوره دکتری تخصصی سلامت دهان و دندانپزشکی اجتماعی در ایران

مهسا ملک محمدی^۱، فخرالسادات حسینی^۱، محمدحسین خوشنویسان^۱، هادی قاسمی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: هادی قاسمی

مقدمه:

دکتری تخصصی سلامت دهان و دندانپزشکی اجتماعی یکی از تخصصهای دندانپزشکی در ایران است که به عنوان رابط میان دندانپزشکی بالینی و سلامت عمومی شناخته میشود و به مسائل سلامت دهان در جامعه از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میپردازد. متخصصان دندانپزشکی اجتماعی نیاز به آموزش هایی فراتر از بالین دارند که آنها را با مهارت های لازم برای انتقال آرام از دانشگاه به چالش های سلامت دهان در دنیای واقعی مجهز کند. ارزیابی صلاحیتها گامی اساسی برای اطمینان از عملکرد صحیح فارغ التحصیلان، تحقق شکاف های آموزشی برای انجام بازنگری های لازم و حتی کسب اطلاعات مورد نیاز برای استانداردهای اعتباربخشی است. هدف این مطالعه ابتدا ارائه ابزاری معتبر برای ارزیابی صلاحیت خود ادراک شده در بین فارغ التحصیلان این رشته بر اساس چارچوب شایستگی جامع تدوینی و سپس بررسی صلاحیت های فارغ التحصیلان در ایران با استفاده از رویکرد خودارزیابی است.

مواد و روش ها:

در این مطالعه مقطعی ابتدا پرسشنامه ای خود ایفا بر اساس چارچوب شایستگی تدوینی، طراحی شد. پرسشنامه از لحاظ روایی (صوری، محتوا و ساختاری) و پایایی آن استانداردسازی شد و شامل دو بخش بود: اطلاعات زمینه ای و گزاره های صلاحیت، شامل ۶۹ گزاره در ۹ حیطه صلاحیت دندانپزشکی جامعه نگر (پژوهش، مدیریت برنامه های سلامت، تولید، آموزش، مشارکت و ارتباطات، حرفه ای گری، سیاستگذاری سلامت، وضعیت سلامت دهان و مولفه های آن، توسعه و ارزیابی خدمات سلامت دهان). سپس پرسشنامه به صورت آنلاین برای تمام فارغ التحصیلان دندانپزشکی اجتماعی در ایران، از فوریه تا مارس ۲۰۲۲ ارسال شد. شرکت کنندگان صلاحیت خود ادراک شده خود را در مورد هر گزاره در مقیاس لیکرت ۷ نمره ای (۱ = اصلاً صلاحیت ندارم، ۷ = کاملاً صلاحیت دارم) ارزیابی کردند. آزمون t مستقل، ANOVA یک طرفه و آزمون همبستگی برای تجزیه و تحلیل آماری نتایج در نرم افزار SPSS 26 انجام شد.

نتایج:

درصد پاسخگویی افراد ۸۱٪ (۵۰ نفر) و اکثر شرکت کنندگان (۶۳٪) زن بودند. میانگین کل نمرات شایستگی خود ادراک شده در همه حیطه ها بالاتر از میانه نمره ۴ (از ۷) بود. حیطه ها به ترتیب شروع

از بالاترین میانگین سطح صلاحیت خود ادراک شده عبارت بودند از: وضعیت سلامت دهان و دندان و مولفه های آن ($۵/۵۵ \pm ۱/۰۹$)، آموزش ($۵/۲۵ \pm ۱$)، پژوهش ($۵/۱۴ \pm ۱/۱۳$) حرفه ای گری ($۴/۹۸ \pm ۱/۰۴$)، تولید ($۴/۸۷ \pm ۱/۲۲$)، توسعه و ارزیابی خدمات سلامت دهان ($۴/۷۶ \pm ۱/۱۶$)، مشارکت و ارتباطات ($۴/۱ \pm ۶۵/۱۵$)، مدیریت برنامه های سلامت ($۴/۶۵ \pm ۱/۲۲$) و سیاستگذاری سلامت ($۴/۵۲ \pm ۱/۱۸$) . سطح صلاحیت خود ادراک شده در میان شرکت کنندگان بر اساس برخی ویژگی های زمینه ای مانند جنسیت، مدارک تحصیلی، دانشگاه ها و سپری کردن دوره های تکمیلی در حیطه های مختلف به طور معنادار متفاوت دیده شد. به عنوان مثال مردان در حوزه تولید ($p=0/014$) و سیاستگذاری سلامت ($p=0/01$) سطح صلاحیت بالاتری گزارش کردند.

بحث و نتیجه گیری:

فارغ التحصیلان دندانپزشکی اجتماعی اغلب با انگیزه زیادی وارد این برنامه می شوند، زیرا آنها متعهد به بهبود سلامت دهان و دندان، نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح جامعه نیز هستند. کسب صلاحیت های مورد انتظار در این حوزه تخصصی و توانایی به کارگیری این صلاحیت ها در موقعیت های حرفه ای متناسب با دانش آنها، هدف اصلی آموزش این متخصصان است. دستیابی به این هدف هم موجب احساس رضایت در افراد و هم بهبود سلامت دهان و دندان مردم می شود. در این مطالعه مشخص شد که فارغ التحصیلان دوره بیست ساله دکتری تخصصی سلامت دهان و دندانپزشکی اجتماعی در ایران، در اکثر حیطه های شایستگی خود را بالاتر از حد متوسط می دانند، اما در برخی از حیطه ها باید آموزش های بیشتر یا روش های مناسب برای دستیابی به سطح شایستگی مورد انتظار در نظر گرفته شود. ارزشیابی منظم تکوینی و تراکمی فارغ التحصیلان به بهبود برنامه درسی و آماده سازی پزشکان شایسته کمک می کند و در عین حال انتظارات در حال تغییر در این حوزه و نیازمندیهای سلامت دهان و دندان جامعه ایران را نیز مد نظر قرار میدهد.

کلمات کلیدی: دندانپزشکی اجتماعی، صلاحیت، خودارزیابی

الگوهای درک اثربخشی آموزش مجازی دوران پاندمی کووید ۱۹ در دانشجویان پزشکی: یک مطالعه مقطعی در مراکز آموزشی درمانی رازی قائمشهر- استان مازندران

میثم رضایپور^۱، احمد علیخانی^۱، معصومه عبدی تالارپشتی^۱، مهدی باقری^۱، هاجر کاکویی^۱، لیلیا سپاهی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: میثم رضایپور

مقدمه:

بحران ناشی از بیماری همه گیر COVID-19، مشکلاتی را در عرصه آموزش ایجاد کرد، اما فرصت مناسبی برای گسترش آموزش مجازی بود. گسترش آموزش مجازی، به عنوان یکی از مهمترین بسته های طرح تحول نوآوری آموزشی در دانشگاههای علوم پزشکی ایران محسوب می شود. مزیت های اصلی آموزش مجازی در حوزه آموزش پزشکی می تواند شامل نگرش مثبت به یادگیری الکترونیکی و سازگاری آن، جلوگیری از جدایی دانشجویان از محیط آموزشی، مستند سازی و نظارت بر آموزش، کنترل یادگیری خود و افزایش سودمندی درک شده و چالش های اصلی آن شامل عدم رعایت آداب و رسوم کلاس مجازی، تعاملات نامناسب، محدودیت زمانی و نقص و مشکلات زیرساختی می باشد. علاوه بر این مزیت ها و چالش ها، مرحله آموزشی دانشجویان پزشکی (علوم پایه، مقدمات بالینی، بالینی) می تواند روی کیفیت، درک اثر بخشی آموزش مجازی، در استفاده کنندگان این بستر آموزشی موثر باشد. از طرف دیگر، آموزش مجازی در دوران کووید ۱۹، برای مرحله بالینی (کارآموزی و کارورزی) دارای اهمیت بالایی می باشد. این رو، بررسی دیدگاههای دانشجویان گروه های بالینی نسبت به فعالیت های آموزشی مجازی می تواند اطلاعات ارزشمندی را برای تدوین برنامه ریزی های درسی در این موقعیت و موقعیت های مشابه در سالهای آتی فراهم آورد. مطالعات مختلفی طی این پاندمی پیرامون سنجش دیدگاه های دانشجویان نسبت به فعالیت های آموزشی مجازی انجام شده است، اما مطالعه ای که با رویکرد فرد-محوری، الگوهای مربوط به درک اثربخشی فعالیت های آموزشی مجازی را مورد ارزیابی قرار دهد وجود ندارد. به همین دلیل مطالعه حاضر برای دستیابی به این هدف انجام شد.

مواد و روشها:

مطالعه حاضر از نوع مقطعی در مرکز آموزشی درمانی رازی قائمشهر در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ روی ۱۴۵ نفر از دانشجویان پزشکی از کارورزان و کارآموزان و دستیاران انجام شد. از تجزیه و تحلیل پروفایل پنهان، برای طبقه بندی بهینه دانشجویان به پروفایل های غیر همگن، براساس ۵ فعالیت آموزش مجازی استاندارد در مرحله بالینی که شامل کنفرانس مجازی، گزارش صبحگاهی مجازی، سامانه نوید، Text review و ژورنال

کلاب مجازی بود استفاده شد. این حیطه ها براساس پرسشنامه استانداردهای آموزش بالینی حوزه معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جمع آوری شد.

نتایج:

براساس تحلیل پروفایل پنهان، مدل ۳ پروفایلی بهترین برآزش را داشت. پروفایل ۱، با فراوانی ۳۵ دانشجو (۲۴٫۱٪) و پروفایل ۳، با فراوانی ۴۷ دانشجو (۳۲٫۴٪) به ترتیب دارای کمترین و بیشترین درک اثربخشی از هر ۵ فعالیت آموزشی مجازی شامل کنفرانس مجازی، گزارش صبحگاهی مجازی، سامانه نوید، Text review و ژورنال کلاب مجازی را داشتند. پروفایل ۲، با فراوانی ۶۳ دانشجو (۴۳٫۴٪) دارای یک درک اثربخشی بینابین از هر ۵ فعالیت آموزشی مجازی نسبت به پروفایل های ۱ و ۳ برآ دارا بودند. اگرچه مرحله تحصیلی دانشجویان (اینترن، اکسترن، رزیدنت) با الگوی پروفایل بندی این دانشجویان از لحاظ ۵ فعالیت ذکر شده ارتباط معنی داری داشته است ($p\text{-value}=0.005$)، اما جنسیت ($p=0.317$) و گروههای آموزشی ($p=0.675$) ارتباط معنی دار نداشتند. بالای ۵۰ درصد از اینترن ها و حدود ۴۳ درصد از رزیدنت ها درک اثربخشی بالا از هر ۵ فعالیت آموزشی مجازی را گزارش کردند، اما نزدیک به ۵۰ درصد از اکسترن ها درک اثربخشی بینابین از هر ۵ فعالیت آموزشی مجازی را گزارش کردند.

بحث و نتیجه گیری:

اگرچه مرحله تحصیلی به عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار در الگوهای درک اثربخشی فعالیت های آموزش مجازی بود، اما بسیاری از متغیرهای دیگر هم در سطح فردی و هم در سطح بیمارستانی می تواند در تنوع الگوهای درک اثربخشی فعالیت های آموزش مجازی موثر باشد، که پیشنهاد می شود در مطالعات بعدی مدنظر قرار گیرد؛ و همچنین سهم و تبیین کنندگی هر یک از این سطوح برای تنوع الگوهای درک مشخص شود. نتایج مطالعه حاضر می تواند اطلاعات خوبی را برای تدوین برنامه های مداخله ای جهت اصلاح درک اثربخشی ضعیف از فعالیت های آموزشی مجازی موردنظر را فراهم کند.

کلمات کلیدی: مرحله بالینی، گزارش صبحگاهی مجازی

تلاش جهت کسب هویت حرفه‌ای، استراتژی سازگاری با کارآموزی در عرصه در دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی

حسن بابامحمدی^۱، نیره آقایی^۲، محمد رضا عسگری^۱، ناهید دهقان نیری^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: حسن بابامحمدی

مقدمه:

محیط کارآموزی در عرصه برای دانشجویان پرستاری پرچالش بوده و لازمه کار در چنین محیطی سازگاری است. دانستن استراتژی‌های سازگاری مورد استفاده دانشجویان به بدنه دانش پرستاری می‌افزاید و می‌تواند به مسئولین پرستاری در اتخاذ تصمیمات مناسب جهت تقویت مهارت‌های سازگاری مؤثر و بهره‌مندی بیشتر دانشجویان از موقعیت کارورزی کمک نماید. مطالعه حاضر باهدف تبیین استراتژی‌های سازگاری دانشجویان پرستاری با کارآموزی در عرصه انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوی، در یکی از دانشکده‌های پرستاری مامایی وابسته به یک دانشگاه علوم پزشکی بزرگ در شمال ایران انجام شد. ۱۹ دانشجوی سال آخر (سال چهارم) پرستاری که در کل هفته در شیفت صبح و یک روز در هفته در شیفت صبح و عصر مشغول گذراندن کارورزی بودند به روش نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع وارد مطالعه شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته چهره به چهره، در یک دوره ۱۸ ماهه جمع‌آوری و به‌دقت پیاده‌سازی شد و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی گرانیهام و لاندمن (۲۰۰۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: تلاش جهت کسب هویت حرفه‌ای به عنوان تم اصلی و چهار طبقه تلاش جهت کسب صلاحیت بالینی، تلاش برای اجتماعی شدن یا مورد پذیرش قرار گرفتن، کنترل اقتضایی و عدم تبعیت یا زیربار رفتن از تحلیل داده‌ها استخراج شدند.

بحث و نتیجه‌گیری:

یافته‌ها نشان داد همه مشارکت‌کنندگان بسته به شرایط کارورزی در کنار استفاده از استراتژی‌های مثبت، از استراتژی‌های منفی سازگاری هم استفاده می‌کردند؛ بنابراین ضرورت دارد مسئولین تدابیر لازم را جهت اصلاح شرایط منفی تأثیرگذار پیش‌بینی و به دانشجویان در اتخاذ استراتژی‌های مناسب سازگاری کمک نمایند.

کلمات کلیدی: سازگاری، اینترنشیپ، مطالعه کیفی

شیوع سبک‌های مختلف یادگیری در دستیاران چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

آرش میرمحمد صادقی^۱، ساحل سلطانی شاهگلی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: آرش میرمحمد صادقی

مقدمه:

دستیاران رشته چشم پزشکی، به دلیل ماهیت رشته ای و اهمیت حرفه ای شغلشان، نیاز به نوع خاصی از آموزش های عملی دارند که لازم است اساتید از روش ها و رسانه های مختلفی برای تدریس به آنان استفاده نمایند. انتخاب این روش ها و رسانه های آموزشی به عوامل گوناگونی از جمله سبک یادگیری دستیاران بستگی دارد. هدف از انجام این پژوهش، استفاده از پرسشنامه وارک و پرسشنامه کلب در شناخت سبک های یادگیری ترجیحی دستیاران چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران است.

مواد و روش‌ها:

در یک مطالعه مقطعی، ۲۲ نفر از دستیاران چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران که در سال ۱۴۰۱ در حال تحصیل بودند، وارد مطالعه شدند. پرسشنامه به صورت آنلاین در اختیار دستیاران قرار گرفت و شامل جنس، سال تحصیل، ۱۲ سوال پرسشنامه سبک های یادگیری کلب، و ۱۶ سوال پرسشنامه وارک بود. نتایج: از ۲۲ دستیار شرکت کننده، ۱۱ نفر مرد و ۱۱ نفر خانم بودند. ۱۲ نفر در سال ۱ دستیار، ۵ نفر در سال ۲ دستیار، و ۵ نفر در سال ۳ دستیار مشغول به تحصیل بودند.

نتایج:

در تحلیل نتایج پرسشنامه کلب، در محور عمودی، ۲۰ نفر قسمت یادگیری از طریق فکر کردن و ۲ نفر قسمت یادگیری از طریق احساس را ترجیح داده بودند. در محور افقی، ۱۵ نفر یادگیری از طریق انجام دادن و ۷ نفر یادگیری از طریق تماشا کردن را ترجیح داده بودند. سبک یادگیری ۱۴ نفر (۶۳٫۶٪) از نوع همگرا، ۶ نفر (۲۷٫۳٪) از نوع جذب کننده، ۱ نفر (۴٫۵٪) از نوع واگرا، و ۱ نفر (۴٫۵٪) از نوع انطباق دهنده بود. در تحلیل نتایج پرسشنامه وارک، سبک یادگیری ترجیحی ۱۰ نفر (۴۵٫۵٪) از نوع خواندن و نوشتن، ۵ نفر (۲۲٫۷٪) از نوع دیداری، ۴ نفر (۱۸٫۲٪) از نوع شنیداری، و ۳ نفر (۱۳٫۶٪) از نوع حرکتی بود. نتایج هر دو پرسشنامه با جنس دستیار و سال تحصیل ارتباط معنی دار نداشتند.

بحث و نتیجه گیری:

شیوع بیشتر سبک یادگیری همگرا در دستیاران چشم پزشکی نشانگر اهمیت یادگیری از طریق فکر کردن و انجام دادن در این افراد است. برتری نسبی سبک خواندن و نوشتن در این دستیاران نشاندهنده اهمیت جزوه های آموزشی و کتابها در یادگیری این افراد است، ولی تعداد قابل توجه افراد با ترجیح سایر سبک ها (سبکهای دیداری، شنیداری، و حرکتی) نشاندهنده این است که برای یادگیری تمامی دستیاران باید از رسانه ها و روش های آموزشی متعدد دیگر نیز کمک گرفت.

کلمات کلیدی: دستیار، سبک یادگیری، کلب، وارک.



بررسی ارتباط اعتیاد به اینترنت با خودکارآمدی و تعلق پذیری اجتماعی در دوران پاندمی کووید-۱۹ در دانشجویان اتاق عمل دانشکده علوم پزشکی بهبهان سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

طیبه عرب زاده^۱، سید هومن بارون زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بهبهان، اهواز، ایران

نویسنده مسئول: طیبه عرب زاده

مقدمه:

امروزه استفاده از اینترنت بخش جدایی ناپذیری از زندگی روزمره دانشجویان را برای فعالیت های دانشگاهی و غیر دانشگاهی به خود اختصاص می دهد. دانشجویان زمان طولانی از روز را با اهداف گوناگون در فضای مجازی صرف می نمایند، شروع پاندمی کووید - ۱۹ در سال ۲۰۱۹ و مجازی شدن آموزش در دانشگاه ها به ناچار مدت زمان استفاده از اینترنت را در دانشجویان افزایش داد با وجود تمام ویژگی- های مثبت اینترنت، نگرانی های جدی از تأثیر منفی آن بر سلامت روان، خودکارآمدی و کیفیت ارتباطات اجتماعی دانشجویان وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط اعتیاد به اینترنت با خودکارآمدی و تعلق پذیری اجتماعی در دانشجویان رشته تکنولوژی اتاق عمل دانشکده علوم پزشکی بهبهان در دوران همه گیری کووید - ۱۹ انجام گردید.

مواد و روش ها:

جامعه هدف این پژوهش تحلیلی - مقطعی ۱۰۹ نفر از دانشجویان رشته اتاق عمل دانشکده علوم پزشکی بهبهان بودند که به صورت سرشماری وارد پژوهش شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه اعتیاد به اینترنت کیمبرلی یانگ، پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر - GSE (17) و پرسشنامه محقق ساخته تعلق پذیری اجتماعی بود که روایی و پایایی آن ها مورد تایید قرار گرفته است. داده های گردآوری شده به وسیله نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ و با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

۶۴ نفر (۵۸/۷ %) از مشارکت کنندگان دختر و ۴۵ نفر (۴۱/۳ %) پسر با میانگین سنی $21/50 \pm 2/7$ بودند. میانگین نمره اعتیاد به اینترنت در دانشجویان این رشته $13/1 \pm 37/09$ بود که براساس نمرات پرسشنامه در محدوده بدون اعتیاد به اینترنت قرار داشتند، ۱۴ درصد از دانشجویان در معرض اعتیاد به اینترنت و تنها یک نفر از دانشجویان اعتیاد به اینترنت داشت. میانگین نمرات خودکارآمدی و تعلق پذیری اجتماعی دانشجویان به ترتیب $43/35 \pm 5/4$ و $23/16 \pm 3/1$ بود که نشان می دهد دانشجویان از سطح

خودکارآمدی و تعلق پذیری اجتماعی متوسطی برخوردار هستند. اعتیاد به اینترنت با خودکارآمدی رابطه مثبت و معناداری را نشان داد. ($P = 0/000$) بررسی ارتباط سه مولفه اعتیاد به اینترنت، خودکارآمدی و تعلق پذیری اجتماعی با متغیرهای دموگرافیک جنسیت، سن، معدل، محل سکونت و سال ورودی ارتباط معناداری را نشان نداد. ($P > 0/05$)

بحث و نتیجه گیری:

به نظر می رسد با وجود افزایش مدت زمان استفاده از اینترنت در زمان پاندمی کووید - ۱۹ به دلیل مجازی بودن آموزش در دانشگاه ها، این مسئله به تنهایی، سبب ایجاد و افزایش اعتیاد به اینترنت در دانشجویان نگردیده است. تلاش برای فرهنگ سازی استفاده صحیح از اینترنت در سال های اخیر ممکن است بر کاهش و پیشگیری از اعتیاد به اینترنت مؤثر بوده باشد. نکته قابل توجه در این مطالعه ارتباط مثبت و معنادار دو متغیر اعتیاد به اینترنت و خودکارآمدی بود که نشان می دهد اعتیاد به اینترنت با افزایش حس خودکارآمدی همراه است، که با نتایج سایر پژوهش ها غیر همسو می باشد، این مساله را میتوان چنین تبیین نمود که وسیع شدن سطح ارتباطات افراد در فضای مجازی و وجود فضاهای متنوع در اینترنت مانند قابلیت چت کردن، بازی های آنلاین و امکان جلوه دادن غیر واقعی خود سبب افزایش حس خودکارآمدی در آنان شده است.

کلمات کلیدی: اعتیاد، اینترنت، خودکارآمدی، اتاق عمل



شناسایی مولفه های اخلاق بالینی از منظر اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

رویا ملک زاده^۱، حسین حسینی کارنامی^۱، قاسم عابدی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: رویا ملک زاده

مقدمه:

اخلاق بالینی را می توان شناخت و حل تعارض های ارزشی که در هنگام مراقبت در مراکز درمانی به وجود می آید، تعریف نمود. جایگاه ویژه ی حرفه ی پزشکی در نظر آحاد مردم که آن را از سایر مشاغل متمایز و اعضای آن را قابل اعتماد می شمارند، در گرو پذیرش ارزش های حرفه ای پزشکی و التزام به رفتار حرفه ای برخاسته از این ارزش ها است. تدوین موازین رفتار حرفه ای پزشکی، اظهار شفاف ارزش های بنیادین حرفه ی پزشکی است که سلامت بیماران را در اولویت قرار داده و ضامن اعتماد عمومی به این حرفه است. یکی از الزامات توسعه دانش پزشکی، گسترش اصول و مفاهیم اخلاق و تعهد حرفه ای در کلیه شئون نظام سلامت اعم از آموزش، پژوهش و ارائه خدمات است. در طول یک دهه اخیر اقدامات مؤثری در عرصه اخلاق پزشکی به عمل آمده است که البته برای اعتلای این حیطه هنوز راه درازی در پیش است. این مطالعه با هدف شناسایی مولفه های اخلاق بالینی از منظر اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران صورت گرفت.

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر از نوع مطالعه کیفی است. مشارکت کنندگان ۱۷ نفر از اساتید و اعضای شورای اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران با حداقل دو سال تجربه در زمینه اخلاق پزشکی در دانشگاه بودند. داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته به صورت مبتنی بر هدف و روش گلوله برفی جمع آوری شد و تا اشباع داده ها ادامه یافت. سپس پیاده کردن مصاحبه ها، تعیین واحدهای معنایی، کدگذاری، دسته بندی بر اساس تشابه و تناسب، شناسایی درون مایه ها انجام و با استفاده از روش تحلیل محتوا تحلیل و تفسیر شد. تحلیل داده های مطالعه با استفاده از روش گرانهم لوندمن انجام شد. جهت صحت و استحکام مطالعه از معیارهای پیشنهادی گوبا و لینکلن استفاده شد.

نتایج:

مولفه های اخلاق بالینی در هشت درون مایه اصلی شامل صداقت و درستکاری، احترام به حق بیماران، رازداری و حریم خصوصی، وظیفه شناسی، رعایت انصاف و بی طرفی، مدیریت خطاهای پزشکی، ارتباط

با دیگر همکاران، پوشش حرفه ای در محیط های بالینی، آموزش و پژوهش پزشکی می باشد. همه ی درون مایه ها اهمیتی یکسان دارند و باید در قالب یک مجموعه، در نظر گرفته شوند.

بحث و نتیجه گیری:

میان تدوین دستورالعمل های اخلاق بالینی و به تحقق رساندن آن در عمل فاصله زیادی است. علیرغم تدوین دستورالعمل های شورای اخلاق پزشکی، اخلاق بالینی و ارزشیابی پایبندی به اصول حرفه ای دستیاران، نیاز به فرهنگ سازی، جلب مشارکت بیش از پیش کادر علمی، تدوین قوانین و دستورالعمل با ضمانت اجرایی قوی و نظارت مستمر و مداوم بر تحقق آن دارد. کاربردی کردن مفاهیم اخلاق بالینی، افزایش آموزش و آگاهی رده های مختلف پزشکی و بازنگری دستورالعمل های موجود پیشنهاد می گردد. برگزاری دوره های آموزش تخصصی کوتاه مدت اخلاق پزشکی و روش های تدریس فعال برای همه اساتید پزشکی مؤثر خواهد بود، تا زمینه ظهور صلاحیت های اخلاقی و حرفه ای را به صورت عملی در دانشجویان فراهم نمایند.

کلمات کلیدی: اخلاق بالینی، اخلاق پزشکی، علوم پزشکی

آیا اعتیاد به بازی‌های اینترنتی بر عملکرد تحصیلی تاثیر دارد؟

مجید خادم رضاییان^۱، نگار عمرانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: مجید خادم رضاییان

مقدمه:

رسانه‌های ارتباطی امروزه، توانسته اند نقش مهمتری از فرهنگ را در تغییرات اجتماعی بازی کنند و این تحول به عقیده بارلو مهمترین تحول بعد از کشف آتش بوده است. بازی‌های دیجیتال به عنوان یکی از تاثیرگذارترین دستاوردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، به علت جذابیت بالا و ارتباط تنگاتنگی که با مخاطب خود برقرار می‌کند، نسبت به سایر رسانه‌ها پیشتاز است و روز به روز بر شمار مخاطبان آن افزوده می‌شود. جایگاه بازی‌های رایانه‌ای در زندگی کودکان و نوجوانان به‌طور چشمگیری پررنگ شده است، به نحوی که بازی‌های آنلاین امروزه بالاترین سهم استفاده از رایانه‌ها را به خود اختصاص داده است. اعتیاد به بازی‌های آنلاین به معنای وابستگی به بازی و ناتوانی در کنترل آن است که به ایجاد اختلال در چرخه طبیعی زندگی و عملکرد تحصیلی، شغلی و اجتماعی می‌انجامد. با توجه به خلا اطلاعاتی و شکاف دانش، هدف این مطالعه تعیین وضعیت اختلال بازی‌های اینترنتی و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه مقطعی بر روی دانشجویان ترم سه به بالا و مشغول به تحصیل در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۹ که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و در دسترس انتخاب شدند، انجام شد. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه الکترونیکی انجام شد و لینک پرسشنامه را از طریق شبکه‌های مجازی و گروه‌های کلاسی دانشجویان به اطلاع آن‌ها رسید. در نهایت برای لکه‌گیری و تکمیل حجم نمونه در طبقات مقطع تحصیلی (علوم پایه، فیزیوپاتولوژی، کارآموزی و کارورزی) از پرسشنامه کاغذی استفاده شد. ابزار مورد استفاده، پرسشنامه اعتیاد به بازی‌های اینترنتی (۲۰ سوال) بود که با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت شامل "کاملاً مخالفم"، "مخالفم"، "نه موافق نه مخالف"، "موافقم" و "کاملاً موافقم" با حداقل نمره ۱ و حداکثر نمره ۵ نمره دهی شد. دامنه نمرات کلی ۲۰ تا ۱۰۰ می‌باشد و نمره بالاتر از ۷۱، به عنوان فرد دارای معیارهای تشخیصی اختلال بازی اینترنتی در نظر گرفته می‌شود. عملکرد تحصیلی نیز بر اساس معدل، ترم‌های مردودی، ساعات مطالعه کلی و نزدیک روزهای امتحان سنجیده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و آزمون‌های تی دانشجویی و دقیق فیشور و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ انجام شد.

نتایج:

در مجموع ۱۸۵ دانشجوی پزشکی مورد مطالعه قرار گرفتند که ۶۲٪ (۱۱۵ نفر) مونث بودند. ۲۲٪ در مقطع علوم پایه، ۱۶٪ فیزیوپاتولوژی، ۲۴٪ کارآموز و ۳۸٪ کارورز بودند. میانگین معدل کل $16/8 \pm 1/3$ بود. شیوع اختلال بازی های اینترنتی ۴٪ (۷ دانشجو) بود. هرچند شیوع اختلال در پسران ۴ برابر دختران بود (۱٪/۷٪) در برابر ۱٪/۷٪) اما این تفاوت از نظر آماری معنی دار نبود ($p=0.106$) شیوع اختلال در مقطع فیزیوپاتولوژی (۶/۷ درصد) بیشترین و در علوم پایه (۰ درصد) کمترین بود. میانگین معدل $16/8 \pm 1/3$ در گروه سالم و $16/1 \pm 1/5$ در گروه دارای اختلال بازی اینترنتی و ($p=0.147$) و مردود شدن (۲/۹ درصد در گروه سالم و صفر در گروه دارای اختلال بازی اینترنتی و ($p=0.81$) بین دو گروه تفاوت آماری معنی داری نداشت. با این حال میانگین ساعت مطالعه روزانه در گروه سالم ($2/4 \pm 1/6$) به طور معنی داری بیشتر از گروه دارای اختلال بازی اینترنتی ($0/86 \pm 0/6$) بود ($p<0.001$). همچنین میانگین ساعات مطالعه در روزهای نزدیک به امتحان نیز در گروه سالم ($6/7 \pm 2/4$) به طور معنی داری بیشتر از گروه دارای اختلال بازی اینترنتی ($4/7 \pm 1/7$) بود ($p=0.031$).

بحث و نتیجه گیری:

هرچند ساعات مطالعه کلی و در روزهای نزدیک به امتحان در گروه سالم بیشتر از گروه دارای اختلال بازی های اینترنتی می باشد اما در این مطالعه شواهدی از تاثیر این تفاوت بر معدل کل آنها یافت نشد. با این حال با توجه به شیوع نسبتا بالای این اختلال، غربالگری آن در سطح دانشگاه ها توصیه می شود.

کلمات کلیدی: اختلال بازی اینترنتی، عملکرد تحصیلی

تبیین نگرش دانشجویان پزشکی عمومی مقطع کاروزی بر مراقبت‌های سالمندی یک مطالعه کیفی

سلیمه گوهری نژاد^۱، مرضیه نجومی^۱، رسول سرائی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: مرضیه نجومی

مقدمه:

نگرش دانشجویان پزشکی نسبت به افراد سالمند بر عملکرد پزشکی تأثیر می‌گذارد، نمونه‌های زیادی از نگرش ضدپیری یا ایجیسم در ادبیات وجود دارد، از جمله بی‌اعتنایی برخی از پزشکان در مراقبت از افراد سالمند، ارائه اطلاعات کمتر به آنها، در اولویت قرار نگرفتن نسبت به سایر رده‌های سنی. از طرفی بهبود نگرش نسبت به افراد سالمند باید در طول آموزش پزشکی با تغییراتی که در برنامه‌های درسی پزشکی رخ می‌دهد، صورت گیرد. بنابراین مطالعه حاضر بدنبال شناسایی عوامل ریشه‌ای این نگرش در دوران پزشکی عمومی از طریق یک مطالعه کیفی است.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه به روش کیفی و از نوع توصیفی - تفسیری بود. طرح مطالعه کیفی با روش شناسی توصیفی تفسیری می‌تواند پاسخ‌گو سوالات پیچیده و مبتنی بر زمینه باشد. زمانی که هدف مطالعه کاوش یک پدیده و در نظر گرفتن اهمیت آن به ویژه شناسایی عوامل ریشه‌ای باشد و دانش موجود در آن حوزه کافی نباشد از این روش استفاده می‌شود. مشارکت‌کنندگان این پژوهش از بین دانشجویان مقطع کارورزی پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی ایران در بازه زمانی اردیبهشت تا مهر ۱۴۰۰ به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند عمیق فردی، استفاده شد. سوالات مصاحبه مبتنی بر یک راهنمای مصاحبه متشکل از دو بخش سوالات دموگرافیک و سوالات اصلی بود. نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. تجزیه و تحلیل داده‌ها همزمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام شد. با انجام اولین مصاحبه کار تحلیل داده‌ها آغاز شد. تحلیل داده‌ها به روش توصیفی تفسیر بود این رویکرد در چهار مرحله شامل: فاز ۱: پیاده‌سازی فایل‌های صوتی. فاز ۲: آشنایی با داده‌ها و تولید کدهای اولیه. فاز ۳: مقایسه، تقابل، و جستجو تم‌ها و مرحله ۴: توسعه الگوها و بررسی تم‌ها بود. برای دسته‌بندی، سازماندهی و تحلیل داده‌های کیفی از نرم‌افزار MAXQDA 22 استفاده خواهد شد.

نتایج:

در مجموع با ۲۷ دانشجوی پزشکی مصاحبه نیمه‌ساختارمند انجام و بلافاصله پس از مصاحبه، فایل‌های صوتی پیاده‌سازی شد. پس از خواندن دقیق مصاحبه‌ها و جدا کردن واحدهای مفهومی به عنوان کد،

تعداد ۱۶۷ کد اولیه به دست آورد که با انجام مقایسه ی مداوم و تجزیه و تحلیل داده ها، این کدها در ۴ طبقه اصلی تحت عنوان عوامل ریشه ای موثر بر نگرش دانشجویان پزشکی بر مراقبت سالمندی استخراج شد. این طبقات شامل: تبعیض در ارائه خدمت، فقدان آموزش مشارکتی و بین حرفه ای، تعاملات بین فردی و ارتباطات و فقدان زیرساخت های دانشی، انسانی و فیزیکی در مراقبت سالمندی بود. این مطالعه توسط کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه علوم پزشکی ایران به کد IR.IUMS.REC.1399.1115 تایید شده بود و تمام ملاحظات اخلاقی در مطالعه لحاظ شده بود.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به جمعیت رو به رشد سالمندان در آینده ای نزدیک، ارتقای دانش، نگرش و عملکرد پزشکان آینده در زمینه مراقبت های سالمندان و افزایش شانس بقای سالمندان از بیماری های مزمن ضروری است. از دانشکده های پزشکی در ایران درخواست می شود که در اجرای دوره های جامع تر متمرکز بر سالمندان در برنامه درسی خود تجدید نظر کنند و بر بهبود نگرش دانشجویان پزشکی عمومی به نیازهای سالمندان توجه کنند. مداخلات آموزشی باید بر ارتقای مهارت های ارتباطی با بیماران سالمند، پیاده سازی همکاری های بین حرفه ای و تصحیح باورها و کلیشه های رایج نسبت به سالمندان متمرکز کنند. نتایج این مطالعه نشان داد که برخی از دلایل این نگرش نسبت به سالمندان ناشی از محیط سازمانی و سیستمی است.

کلمات کلیدی: نگرش، مراقبت سالمندی، آموزش پزشکی



حضور اجتماعی برخط در دانشجویان پزشکی در آموزش های مجازی دوران کووید ۱۹: یک مطالعه روانسنجی

حبیبه احمدی پور^۱، دیانا حاجی پور^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: دیانا حاجی پور

مقدمه:

همه گیری کووید ۱۹ سبب استفاده گسترده آموزش مجازی شد. دور شدن از کلاس های چهره به چهره در بسیاری از نقاط جهان این سوال را ایجاد کرد که آیا پذیرش یادگیری آنلاین پس از همه گیری ادامه خواهد داشت و چگونه چنین تغییری بر روند آموزش در جهان تاثیر خواهد گذاشت. عوامل زیادی بر یادگیری از راه دور به ویژه در آموزش عالی که در آن گفتمان و ارتباط برای کسب دانش و مهارت لازم است تاثیر می گذارند. یکی از این عوامل حضور اجتماعی است. حضور اجتماعی در یادگیری برخط به این معنی است که دانشجویان در کلاس های برخط، دانشجویان و اساتید را به عنوان یک فرد واقعی درک کرده، در موقعیتهای مختلف بصورت فعال اقدامات دیگران را مشاهده و تفسیر نموده و در تعامل با دیگران باشند. مطالعه حاضر با هدف بررسی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه حضور اجتماعی برخط در دانشجویان پزشکی انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر نوعی مطالعه مقطعی و توصیفی - تحلیلی است. جمعیت مورد مطالعه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند. حجم نمونه با توجه به هدف مطالعه، به ازای هر گویه ۱۶ نفر (مجموعاً ۳۰۳ نفر) در نظر گرفته شد که با روش نمونه گیری غیراحتمالی سهمیه ای وارد مطالعه شدند. معیار ورود به مطالعه رضایت فرد بود و افرادی که به بیش از ده درصد سوالات پرسشنامه را پاسخ ندادند از مطالعه خارج شدند. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه دو قسمتی شامل مشخصات دموگرافیک و نسخه فارسی پرسشنامه حضور اجتماعی برخط Online Social Presence Questionnaire (OSPQ) بود. این پرسشنامه ۱۹ گویه با پنج خرده مقیاس: احترام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، ذهن باز، هویت اجتماعی و صمیمیت به ترتیب با پنج، پنج، سه، چهار و دو گویه است و با مقیاس لیکرت پنج گزینه ای امتیازدهی می گردد که در آن پنج برای بسیار زیاد و یک برای بسیار کم اختصاص داده می شود. در این مطالعه برای مقایسه بهتر، نمره کلی پرسشنامه و همه خرده مقیاس ها به یک نمره صفر تا صد تبدیل شد. برای تهیه نسخه فارسی از روش ترجمه - بازترجمه استفاده شد. روایی پرسشنامه به روش اعتبار محتوا توسط ۶ نفر از متخصصین آموزش پزشکی بررسی و شاخص روایی محتوی (Content

(Validity Index: CVI) محاسبه شد. برای بررسی روایی سازه از روش تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی استفاده شد. پایایی پرسشنامه با محاسبه آلفای کرونباخ در یک مطالعه پایلوت (۳۰ نفر) بررسی گردید. پرسشنامه از طریق پلت فرم پرس لاین به صورت الکترونیک تهیه و لینک آن از طریق شبکه های اجتماعی در اختیار دانشجویان قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و لیزرل نسخه ۸/۸ استفاده شد.

نتایج:

از مجموع ۳۰۳ دانشجوی شرکت کننده در مطالعه، ۶۳/۷ درصد دختر، ۶۷/۳ درصد در مرحله بالینی با میانگین سنی 22.83 ± 2.84 سال بودند. میانگین نمره خرده مقیاس هویت اجتماعی ($P=0.001$) و نمره کلی حضور اجتماعی ($P=0.003$) در دانشجویان دختر بالاتر بود. همچنین میانگین نمره خرده مقیاس صمیمیت در دانشجویان مقطع علوم پایه و کارورزان بالاتر بود ($P=0.006$). همسانی درونی نسخه فارسی با استفاده از آلفای کرونباخ، برای زیرمقیاس ها بین ۰/۷ تا ۰/۹۱ و کل پرسشنامه ۰/۹۳ و شاخص روایی محتوی ۰/۸۶ تعیین شد. در تحلیل عامل اکتشافی، معیار Kaiser-Meyer-Olkin برابر با ۰/۹۳ و آزمون بارتلت از نظر آماری معنی دار بود ($\chi^2 = 3564.94$ ، $df = 171$ ، $P = 0.001$) که نشاندهنده کفایت نمونه گیری و توجیه پذیری تحلیل عامل است. در تحلیل عاملی تاییدی، بار عاملی گویه ها بین ۰/۴ تا ۰/۸۵ بود و اکثر شاخص های برازش مدل، سطح قابل قبولی داشتند $AGFI$ ، $GFI = 0.90$ ، $SRMR = 0.04$ ، $RMSEA = 0.07$ ، $\chi^2 / df = 2.69$ ، $IFI = 0.98$ ، $NFI = 0.96$ ، 0.84 .

بحث و نتیجه گیری:

مطالعه ما نشان داد که نسخه فارسی پرسشنامه حضور اجتماعی برخط دارای ویژگی های روان سنجی خوبی است و می تواند به عنوان ابزاری ساده، معتبر و قابل اعتماد برای ارزیابی حضور اجتماعی مرتبط با محیط های یادگیری الکترونیک مورد استفاده قرار گیرد. همچنین برخی از ویژگی های دانشجویان مثل جنسیت و مقطع تحصیلی با درک بهتر حضور اجتماعی در یادگیری برخط مرتبط است.

کلمات کلیدی: حضور اجتماعی، یادگیری برخط، دانشجوی پزشکی

بررسی سبک های یادگیری ترجیحی در دانشجویان علوم پزشکی بر اساس مدل کلب

سمیه بی پروای حقیقی^۱، حسین زارع^۱، عبدالحسین شکورنیا^۱، فرشته ابراهیمیان^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اهواز، اهواز، ایران

نویسنده مسئول: سمیه بی پروای حقیقی

مقدمه:

سبک های یادگیری کلب یکی از بهترین نظریه های شناخته شده در سبک یادگیری هستند. دانستن سبک یادگیری یک شخص، این امکان را می دهد تا یادگیری در جهت روشی که دارای اولویت است، انطباق یابد. نظریه یادگیری دیوید کلب (۱۹۷۴) چهار سبک یادگیری متمایز را مشخص می کند که براساس یک چرخه یادگیری چهار مرحله ای بنا نهاده شده است. او توضیح می دهد که افراد مختلف به طور طبیعی ترجیح می دهند سبکی خاص و متفاوت از یادگیری را داشته باشند. عوامل مختلف بر روی سبک مورد نظر شخص تاثیر می گذارد. به عنوان مثال، محیط اجتماعی، تجربیات آموزشی و یا ساختار شناختی اولیه فرد در این مورد تأثیرگذار هستند. چهار سبک یادگیری کلب عبارتند از سبک یادگیری واگرا (احساس و مشاهده کردن - CE / RO)، سبک یادگیری جذب کننده (مشاهده و فکر کردن - AC / RO)، همگرا (انجام دادن و فکر کردن - AC / AE)، انطباق یابنده (انجام دادن و احساس کردن - CE / AE). با توجه به اهمیت سبک یادگیری و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، این مطالعه با هدف تعیین سبک های یادگیری دانشجویان رشته علوم پزشکی بر اساس مدل کلب در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال ۱۴۰۰ انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر به صورت توصیفی- تحلیلی و مقطعی بر روی جامعه نمونه ای متشکل از دانشجویان کلیه دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز انجام شد. داده ها از طریق دو پرسشنامه گردآوری شد. پرسشنامه اول اطلاعات دموگرافیک دانشجویان (سن، جنسیت، وضعیت تأهل، رشته، معدل و سال تحصیل) و پرسشنامه دوم سبک های یادگیری دانشجویان را از طریق مدل کلب بررسی کرد. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و مجذور کای با استفاده از نرم افزار SPSS 19 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

نتایج نشان داد که از ۳۹۰ شرکت کننده، ۴۷/۲ درصد زن و ۵۲/۸ درصد مرد بودند. میانگین سنی آنها ۲۲/۹۷ سال بود. در واقع ۲۷/۷ درصد از شرکت کنندگان از دانشکده پزشکی، ۱۲/۱ درصد دندانپزشکی،

۱۲/۱ درصد داروسازی، ۱۱/۳ درصد پیراپزشکی و ۱۰/۸ درصد بهداشت، ۱۳/۸ درصد پرستاری و مامایی، ۱۲/۳ درصد دانشکده توانبخشی بودند. ۹/۷ درصد از شرکت کنندگان سبک یادگیری واگرا، ۱۹/۵ درصد سبک یادگیری جذب کننده، ۵۴/۹ درصد سبک یادگیری همگرا و ۱۵/۹ درصد سبک یادگیری تطبیقی داشتند. آزمون کای اسکوئر نشان داد که بین مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، سال تحصیلی، معدل و جنسیت با سبک یادگیری دانشجویان رابطه معنی داری وجود ندارد ($p < 0/05$).

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج به دست آمده، سبک یادگیری همگرا سبک غالب دانشجویان مورد مطالعه بود. دانشجویان با این سبک یادگیری می توانند مسائل را حل کنند و انتزاعی تر از دیگران فکر کنند. افرادی که سبک یادگیری آن ها همگرا می باشد، در یافتن کاربردهای عملی برای ایده ها و نظریه ها بهترین هستند. آنها قادر به حل مشکلات بوده و تصمیمات خود را با پیدا کردن راه حل هایی برای سوالات و مشکلات اتخاذ می کنند. افرادی که دارای سبک یادگیری همگرا هستند، بیش از آنکه به سوی مسائل اجتماعی یا بین فردی گرایش داشته باشند، به سمت مشکلات جذب می شوند. سبک یادگیری همگرا، دانشجویان را در تخصص ها و امور مربوط به تکنولوژی توانا می سازد. افرادی با سبک همگرا، علاقه مند به امتحان ایده های جدید، شبیه سازی و کار با برنامه های عملی می باشند. این درک از خصوصیات دانشجویان با چنین سبک یادگیری، شناخت واقع بینانه ای از چگونگی نظارت و بهبود فرآیندهای یادگیری و روش های تدریس ارائه می دهد.

کلمات کلیدی: سبک های یادگیری، نظریه یادگیری کلب، دانشجویان علوم پزشکی



بررسی رضایتمندی و ماندگاری دانش از طریق روش یادگیری مبتنی بر تیم آنلاین در درس تروماتولوژی دانشجویان ترم ۱۰ دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۴۰۱

نسیم سیفی^۱، مونا جوادپور^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گلستان، ایران

نویسنده مسئول: نسیم سیفی

مقدمه:

روش های آموزش و یادگیری یکی از مباحث مهم در آموزش علوم پزشکی هستند. تحقیقات نشان داده اندکه آموزش مبتنی بر تیم با مشارکت حداکثری دانشجویان همراه بوده و میزان انگیزه و اشتیاق دانشجویان را به طور قابل توجهی افزایش می دهد. با توجه به شیوع ویروس کرونا و نیاز به برگزاری کلاس ها به صورت آنلاین برآن شدیم تا مطالعه ای با هدف بررسی رضایتمندی و ماندگاری دانش از طریق روش یادگیری مبتنی بر تیم آنلاین (TBL) در درس تروماتولوژی دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۴۰۱ انجام دهیم.

مواد و روش ها:

این مطالعه مقطعی بر روی ۴۴ دانشجوی دندانپزشکی ترم ۱۰ انجام شد. جهت ارائه کلاس به این روش از نرم افزار adobe connect و لینک های مربوط به آزمونها استفاده شد. بطوریکه آزمون فردی و گروهی انجام و در مرحله تکلیف گروهی کیس مربوطه، در محیط نرم افزار آپلود می گردید. در انتها لینک پرسشنامه ارزیابی همتایان به همراه یک سوال مربوط به میزان رضایتمندی دانشجویان در اختیار آنها قرار میگرفت. برای بررسی ماندگاری دانش کل سوالات مربوط به ۴ جلسه، به صورت آزمون آنلاین یک ماه بعد و سه ماه بعد برگزار شد. با توجه به نمره دهی از یک تا ده و کات آف ۵ نمره رضایتمندی مشخص گردید. جهت گزارش ماندگاری از آزمون paired T test استفاده شد. سطح معنی داری ۰/۰۵ بود.

نتایج:

مشخص گردید که ۸۶/۷ درصد از نحوه برگزاری کلاس به صورت TBL آنلاین رضایت داشتند که این میزان از جلسه ابتدایی تا جلسه چهارم به صورت معنی داری افزایش داشت.

کلمات کلیدی: دندانپزشکی، مجازی، یادگیری مبتنی بر تیم

طراحی، اجرا و ارزشیابی برگزاری کلاس مجدد از طریق بازبینی فیلم تهیه شده حین تدریس درس جنین شناسی: راهکاری جهت ارتقاء یادگیری، یادداری و یادآوری درس جنین شناسی دانشجویان رشته پزشکی دانشکده پردیس پزشکی آمل

داود نصیری^۱، نوشین موسی زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: داود نصیری

مقدمه:

یادگیری دروس علوم تشریح از پایه ترین قدم ها در ورود دانشجویان پزشکی به عرصه بالین می باشد. از جمله شرایط پزشک خوب بودن، یک آناتومیست خوب بودن است که این امر در کلیه دروس این رشته حکم می کند. با این حال دروس علوم تشریح به دلیل فراوانی اصطلاحات و تجسم بالایی که در یادگیری آنها نیاز می باشد، مرور و یادآوری را بیش از پیش دشوار می نماید. حجم بالا، نیاز به درک عمیق برخی مباحث و در عین حال نیاز به مرور مداوم آنها به دلیل فرار بودن همواره از چالش های دانشجویان برای این دروس بخصوص مبحث جنین شناسی بوده است. بنابراین با توجه به نیازی که در حیطه یادگیری این مطالب وجود داشت، ما برآن شدیم که شرایط یا امکاناتی فراهم نموده تا دانشجویان بتوانند در زمان بسیار کوتاه به بازبینی آنچه در کلاس تدریس گذشته و تجسم آنچه استاد برای آنها تبیین نموده پردازند. لذا مطالعه حاضر با هدف مقایسه آموزش درس جنین شناسی به روش مرور فیلم های حین تدریس درس و روش سنتی (تنها جزوه و کتاب) بر میزان یادگیری، یادداری و یادآوری دانشجویان پردیس پزشکی آمل انجام شد.

مواد و روش ها:

در مطالعه ترکیبی حاضر تعداد ۵۰ دانشجوی پزشکی در دو گروه فیلم و شاهد بصورت تصادفی تقسیم شدند. ارزشیابی از دانشجویان در ۲ سطح کمی و کیفی انجام شد. در سطح کمی، نمرات آزمون های میان ترم و پایان ترم بودند و همچنین با استفاده از چک لیست استاندارد که به بررسی متغیرهای رضایتمندی و ... می پرداخت. در سطح کیفی اطلاعات مربوط به دیدگاه دانشجویان از فیلم های آموزشی با انجام مصاحبه با ۲۰ دانشجو جمع آوری و نتایج به روش تحلیل محتوای کیفی آنالیز گردید.

نتایج:

یافته های بخش کمی نشان داد که وضعیت نمرات گروه فیلم در مقایسه با گروه شاهد بطور معناداری در میان ترم و پایان ترم بهتر بود. همچنین نتایج حاصل از چک لیست حاکی از آن بود که در گروه فیلم در هر سوال نمرات بالاتر از میانگین بوده و ارزیابی دانشجویان به صورت کلی از این روش بالا بود. طبقه اصلی استخراج شده از تجزیه و تحلیل داده های کیفی یادگیری اثربخش بود که شامل سه زیر طبقه ارتقاء یادگیری، افزایش انگیزه و توانایی های شناختی بودند. سهولت درک، اصلاح روش مطالعه و مکمل یادگیری زیر زیر طبقه مربوط به ارتقا یادگیری و اشتیاق به یادگیری مطالب جدید و لذت بردن از یادگیری از زیر طبقات افزایش انگیزه بود. همچنین توانایی تحلیل، بهبود تمرکز و سرعت پردازش ذهنی نیز زیر طبقاتی بودند که از زیر طبقه توانایی های شناختی استخراج شدند.

بحث و نتیجه گیری:

بطور کلی می توان نتیجه گیری کرد با توجه به اینکه این روش خلی در آموزش ایجاد نمی کند و می تواند بعنوان عامل تاثیرگذار در دروس تجسمی مثل جنین شناسی باشد و همچنین با توجه به حجم سایر دروس در طول ترم، بنظر می رسد پیشنهاد این روش در کلاس های درس به دانشجویان کمک کننده و مفید باشد.

کلمات کلیدی: آموزش پزشکی، یادگیری، یادداری، یادآوری، رضایتمندی، دانشجویان پزشکی، جنین شناسی



اثربخشی اجرای دوره پاتولوژی بالینی برای دانشجویان پزشکی بر اساس رویکرد هنر دیداری

فاطمه سمیعی راد^۱، افسانه یخ فروش ها^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه سمیعی راد

مقدمه:

علیرغم این که آموزش مبتنی بر هنر دیداری به عنوان یک روش فعال و دانشجو محور در تقویت مهارت مشاهده در فرگیران معرفی شده است، ولی در اغلب موارد مواجهه دانشجویان با آثار هنری به صورت غیر فعال است بدین معنا که ممکن است دانشجویان به موزه‌ها برده شوند و روش‌های ارزیابی ویژگی‌های کلیدی بصری را در قطعات هنرهای دیداری و تجسمی آموزش ببینند ولی خود دانشجو برای خلق آثار هنری و ترسیم نقاشی فعالیت‌هایی نداشته باشند. با توجه به اینکه در پاتولوژی فرآیند تشخیص الگو از طریق تجزیه و تحلیل استخراج ویژگی‌های کلیدی انجام می‌شود که لازمه تحقق این امر یادگیری از طریق مشاهده، همراه با کاربرد تجربه قبلی در حل مسئله و تفکر مفهومی به عنوان روش غالب آموزشی می‌باشد مطالعه فوق با هدف تعیین تاثیر اجرای دوره پاتولوژی بالینی برای دانشجویان پزشکی بر اساس رویکرد هنر دیداری انجام گردید.

مواد و روش‌ها:

مطالعه به صورت مداخله‌ای در ۱۰۰ نفر از دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین و طی دو فاز زیر اجرا شد. فاز اول: آماده سازی و تقویت مهارت مشاهده فراگیران در این فاز ابتدا دانشجویان در کارگاه ۴ ساعته شرکت کردند و از طریق به نمایش گذاشتن تصاویر و نقاشی‌های مرتبط پزشکی (باهدف تسهیل تمرکز فراگیران بر شناسایی فرم‌های قابل تشخیص و اطلاعات زمینه‌ای) و همچنین تصاویر و نقاشی غیر پزشکی (با هدف بازشناسی الگوها) جهت ارتقاء مهارت مشاهده با رویکرد تفکر دیداری (visual thinking strategy) آموزش دیدند. فاز دوم: کاربردی نمودن فاز اول و خلق آثار هنری و ترسیم نقاشی از لام‌های پاتولوژی تدریس شده: در مرحله بعد با برگزاری کلاس‌های پاتولوژی بالینی مطابق سرفصلها و مشاهده لام‌های مربوط به مباحث مربوطه در هر جلسه توسط فراگیران، از کلیه دانشجویان درخواست شد که کلیه لام‌های تدریس و ارائه شده توسط استاد را نقاشی و ترسیم کنند و سپس در جلساتی که متعاقباً برگزار می‌شد با رویکرد "Observe-Reflect-Draw-Edit-Repeat" تصاویر رسم شده را مورد بحث و گفتگو قرار دهند جهت ارزیابی میزان رضایت دانشجویان از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات خبرگان و پایایی آن با انجام مطالعه پایلوت با الفای

کرونا باخ ۰/۷۶ تعیین شد. جهت ارزیابی میزان یادگیری فراگیران در زمینه تشخیص لام پاتولوژی و مهارت مشاهده آنها از پیش آزمون و پس آزمون استفاده شد ۴ لام پاتولوژی به هر دانشجو در قبل و بعد از اجرای دوره به دانشجویان داده شد از آنها خواسته شد مشاهدات منحصر به فرد خود را لیست کرده و تشخیص خود را ذکر کنند. میانگین نمرات قبل و بعد از دوره آموزشی با هم مقایسه شد. داده ها در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ و با استفاده از SPSS تحلیل شد.

نتایج:

۶۲/۷ درصد دانشجویان معتقد بودند که روش فوق با نوع یادگیری شان انطباق بیشتری داشته و توانسته به فهم بهتر مطالب درس به آنها کمک کند. ۸۰/۶ درصد بیان داشتند که میزان یادگیری شان با این روش نسبت به روش های مرسوم یادگیری بهتر شده است. ۶۴/۶ درصد میزان مطلوب بودن دوره برگزار شده با رویکرد جدید یادگیری را در این دوره نسبت به سایر دوره ها مطلوب ارزیابی کرده و معتقد بودند که با این روش، به جزئیات لام ها بیشتر توجه کرده و در فرایند تشخیص آن ها کمک کننده بوده همچنین ۸۰ درصد دانشجویان رضایتمندی شان را از روش آموزش مبتنی بر هنر نسبت به روش های مرسوم یادگیری ابراز داشته و بیش از ۶۲/۲ درصد هم استفاده از روش جدید یادگیری را برای تدریس در سایر دوره ها مناسب می دانستند. ۷۰/۳ درصد هم استفاده از مبتنی بر هنر را به سایر اساتید پیشنهاد دادند بعلاوه میانگین نمره مهارت مشاهده و تشخیص دانشجویان در بعد از برگزاری دوره آموزشی (۰/۳±۹/۱۳) افزایش معنی داری را نسبت به قبل آموزش (۷/۵۲±۰/۲) نشان داد (p=0.02).

بحث و نتیجه گیری:

مطابق یافته های پژوهش، استفاده از تصاویر دیداری و نقاشی همراه با مشارکت فعال دانشجویان در ترسیم نقاشی و کاربرد استراتژی VTS علاوه بر افزایش میزان رضایت دانشجویان، می تواند باعث بهبود ویژگیهای کلیدی دیداری، دقت و توجه و تشخیص الگوها در آن ها گردد. با توجه به اهمیت تقویت مهارت مشاهده برای عملکرد دانشجویان پزشکی و فقدان آموزش به طور رسمی در برنامه های درسی دانشکده پزشکی توصیه می شود روش آموزش مبتنی بر هنرهای دیداری در دروس پاتولوژی عملی گنجانده شود.

کلمات کلیدی: هنر، پاتولوژی بالینی، دانشجویان، تفکر دیداری

تاثیر آموزش بالینی مبتنی بر سناریو بر حساسیت اخلاقی دانشجویان پرستاری

لیلا روحی بلسی^۱، مریم خوشبخت پیشخانی^۱، نازیلا جوادی^۱، ریحانه روحی بلسی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نویسنده مسئول: لیلا روحی بلسی

مقدمه:

اخلاق حرفه ای جزء لاینفک حرفه پرستاری است، بنابراین یکی از اهداف اصلی آموزش پرستاری، آموزش اصول اخلاق حرفه ای می باشد. از طرفی دانشجویان پرستاری در طول دوره آموزشی خود در محیط های بالینی با چالش های اخلاقی بسیاری مواجه می شوند و ممکن است در این شرایط جهت حل این چالش ها با مشکل مواجهه شوند. آموزش اخلاق حرفه ای می تواند فرصتی برای رشد تفکر انتقادی و مهارت های استدلال اخلاقی در دانشجویان پرستاری فراهم نماید. مطالعات بر اهمیت انتخاب روش آموزشی مناسب برای بهبود عملکرد اخلاقی در پرستاران تاکید می کنند. در واقع استفاده از یک روش موثر در آموزش اخلاق حرفه ای می تواند دانشجویان پرستاری را برای آینده حرفه شان آماده کند. در میان انواع روش های آموزشی یکی از بهترین روش ها برای برانگیختن تفکر فعال و ارائه بازخوردهای اثربخش به دانشجو در تمام مراحل، روش آموزش مبتنی بر سناریو می باشد. زیرا برخی از محققان معتقدند دانش اخلاقی و آموزش اخلاق باید بر اساس موقعیت های واقعی و مشکلات واقعی باشد. بنابراین هدف از مطالعه حاضر بررسی تاثیر آموزش اخلاق حرفه ای مبتنی بر ارائه سناریوهای اخلاقی در آموزش بالینی بر حساسیت اخلاقی دانشجویان پرستاری می باشد.

مواد و روش ها:

در این مطالعه کارآزمایی پیش آزمون- پس آزمون بر روی ۲۷ دانشجوی ترم ۵ پرستاری در واحد کارآموزی بزرگسالان و سالمندان ۳ به روش نمونه گیری در دسترس انجام گردید. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه حساسیت اخلاقی لوتزن و همکاران استفاده گردید. پیش آزمون در روز اول کارآموزی انجام گرفت و طبق برنامه ریزی های صورت گرفته توسط اساتید در طول دوره کارآموزی، برنامه ارائه سناریوهای اخلاقی در ۴ جلسه از ۸ جلسه کارآموزی توسط اساتید اجرا شد. روش اجرا به این صورت بود که در روزهای تعیین شده ۳۰ دقیقه پایانی کارآموزی به ارائه سناریوهای اخلاقی اختصاص داده شده و پس از ارائه سناریو از دانشجویان خواسته شد درباره مورد مطرح شده نظرات خود را ارائه نمایند و به بحث گروهی بپردازند. در این بین اساتید نقش هدایت کننده و مدیر جلسه را به عهده داشتند. تجزیه و تحلیل داده ها نیز بر اساس آمار توصیفی و تحلیلی (آزمون تی زوجی) انجام گرفت.

نتایج:

بر اساس نتایج میانگین سنی دانشجویان $22/15 \pm 2/54$ سال بود. بر اساس نتایج هر چند نمرات حساسیت اخلاقی قبل ($70/6 \pm 92/60$) و بعد ($61/29 \pm 8/68$) از مداخله متفاوت بودند ولی این تفاوت از نظر آماری معنی داری نبود.

بحث و نتیجه گیری:

یکی از پیامدهای مهم آموزش اخلاق و ارزش های حرفه ای به دانشجویان بر اساس موقعیت های واقعی افزایش ظرفیت آنها برای تصمیم گیری های اخلاقی مستقل در آینده حرفه شان خواهد بود. در واقع آموزش موثر با استفاده از روش های متناسب، می تواند به ارتقا دانش و عملکرد حرفه ای دانشجویان پرستاران و تربیت پرستارانی توانمند کمک نماید.

کلمات کلیدی: سناریو اخلاقی، آموزش، حساسیت اخلاقی



بررسی نقش آموزش بالینی بر یادگیری استراتژی های خودتنظیمی انگیزه در دانشجویان پزشکی بر پایه مدل کارآموزی شناختی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱

حمید نژادکورکی^۱، مهلا سلاجقه^۱، فرانک سلاجقه^۱، علی نوروزی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

نویسنده مسئول: مهلا سلاجقه

مقدمه:

یکی از ارکان اصلی در آموزش دانشجویان پزشکی، آموزش بالینی است. از جمله اصول زیربنایی آموزش بالینی، مدل کارآموزی شناختی است که شامل شش بعد الگو بودن، مربی گری، داربست، پیکره بندی، بازاندیشی و اکتشاف است. همچنین از مهمترین عواملی که می تواند با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی ارتباط داشته باشد خودتنظیمی انگیزه است. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش آموزش بالینی بر یادگیری استراتژی های خودتنظیمی انگیزه در دانشجویان پزشکی بر پایه مدل کارآموزی شناختی است.

مواد و روش ها:

این پژوهش، یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی-تحلیلی بود که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سه گام شامل اندازه گیری استراتژی های خودتنظیمی انگیزه دانشجویان قبل از ورود به فاز آموزش بالینی، ترجمه و روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه آموزش بالینی ماستریخت و اندازه گیری همزمان ادراک دانشجویان از آموزش بالینی و استراتژی های خودتنظیمی انگیزه انجام شد.

نتایج:

نمره استراتژی های خودتنظیمی انگیزه دانشجویان قبل از ورود به فاز آموزش بالینی برابر با $20/08 \pm$ ۱۱۳/۴۳ بود. در روانسنجی پرسشنامه آموزش بالینی ماستریخت، روایی محتوا با نسبت روایی محتوا ۰/۸۲ و شاخص روایی ۰/۹۱ تأیید شد. پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ تأیید شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان دهنده آن بود که ساختار ۷ عاملی از برازش خوبی برخوردار است. براساس تحلیل نتایج حاصل از اندازه گیری همزمان ادراک دانشجویان از آموزش بالینی و استراتژی های تنظیم انگیزشی در انتهای ترم، بین ابعاد الگو بودن، مربی گری، داربست، بازاندیشی، اکتشاف و محیط یادگیری از مدل کارآموزی شناختی و استراتژی های تنظیم انگیزشی رابطه معنی دار وجود داشت و با بهبود هر یک

از این ابعاد، استراتژی های خودتنظیمی انگیزه در میان دانشجویان پزشکی افزایش پیدا می کند. بعد پیکره بندی از مدل کارآموزی شناختی با استراتژی های خودتنظیمی انگیزه رابطه معنی دار نداشت.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج این مطالعه بیانگر این است که مشاهده رفتار و عملکرد استاد بالینی به عنوان نقش الگو منجر به ارتقا و بهبود استراتژی های خودتنظیمی انگیزه در دانشجویان پزشکی می شود. لذا توانمندسازی اعضای هیات علمی بالینی در خصوص مهارت های آموزش بالینی و فراهم نمودن فرصت های مناسب برای ایشان جهت بکارگیری ابعاد مدل کارآموزی شناختی در آموزش بالینی، تأثیرات مثبتی بر تلاش، پشتکار و همچنین عملکرد آتی دانشجو دارد.

کلمات کلیدی: آموزش بالینی، کارآموزی شناختی، خود تنظیمی انگیزه، پرسشنامه آموزش بالینی ماستریخت



تبیین محیط یادگیری بالینی بخش زایمان و ارائه مدل کاربردی ارتقاء آموزش فراگیران

معصومه رحیمی^۱، فریبا حقانی^۲، شهناز کهن^۲، مجید شیرانی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: فریبا حقانی

مقدمه:

محیط های یادگیری بالینی با ایجاد فرصت ها و تجارب یادگیری، چگونگی یادگیری و عملکرد فراگیران را تحت تاثیر قرار می دهند. بخش زایمان یکی از موقعیت های بالینی مهم آموزش دانشجویان مامایی، دستیاران زنان و دانشجویان پزشکی، جهت کسب توانمندی های مهم و مورد نیاز در حیطه بارداری و زایمان است. مطالعه حاضر، با هدف تبیین محیط یادگیری بالینی بخش زایمان، در زمینه چگونگی ایجاد فرصت ها و تجارب یادگیری برای فراگیران هر سه گروه، و ارائه مدل ارتقاء محیط یادگیری بخش زایمان، انجام گرفته است.

مواد و روش ها:

این مطالعه، مطالعه ای چند روشی و متشکل از سه خرده مطالعه بود. خرده مطالعه اول، با استفاده از رویکرد کیفی انجام گرفت. دانشجویان مامایی، دستیاران زنان و زایمان و دانشجویان پزشکی عمومی، اساتید زنان و زایمان و مامایی، از بخش زایمان بیمارستان های آموزشی شهید بهشتی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و هاجر دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، جهت انجام مصاحبه ها انتخاب شدند. داده ها از طریق انجام مصاحبه های انفرادی نیمه ساختارمند و مشاهده در این بخش ها، جمع آوری گردید. مشاهده ها به صورت غیرمشارکتی، در بازه زمانی ۳ ماهه و با ثبت یادداشت های عرصه انجام گردید. تحلیل داده ها نیز، با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی مرسوم، انجام گرفت. در خرده مطالعه دوم با استفاده از رویکرد سنتز تئوری واکر و اوانت، مدل ارتقاء محیط یادگیری بخش زایمان طراحی و ارائه گردید. در خرده مطالعه سوم، مدل طراحی شده در جلسات گروه متخصصین ارائه و اعتباریابی مدل از جهت ساختار کلی و قابلیت اجرا، به روش کیفی انجام گرفت، سپس، راهکارهای عملی حاصل از جلسات متخصصین به منظور تسهیل کاربرد مدل ارائه گردید.

نتایج:

با تحلیل داده ها در مطالعه کیفی، در راستای شناسایی ساختار و ویژگی های بخش زایمان، ۶ طبقه اصلی: "سازماندهی نادرست فرصت های یادگیری"، "جو هیجانی مدیریت نشده"، "رهاشدگی فراگیران

در نقش یادگیرنده و ارائه مراقبت"، "یادگیری مشاهده ای و الگوبرداری دوگانه فراگیران"، "آمادگی ناکافی فراگیران جهت حضور در محیط بالینی"، "ساختار فیزیکی نامناسب و امکانات ناکافی ارائه آموزش و مراقبت"، ظهور یافت. در خرده مطالعه دوم، بر مبنای یافته های حاصل از مطالعه کیفی و مرور متون، ۱۱ مفهوم شکل گرفت، که مبنای طراحی مدل ارتقاء محیط یادگیری بخش زایمان قرار گرفتند؛ و درگام سوم، مدل ارتقاء محیط یادگیری بخش زایمان طراحی گردید. در خرده مطالعه سوم، در جلسات گروه متخصصین مدل طراحی شده اعتباریابی و ساختار آن مورد توافق قرار گرفت. در پایان نیز راهکارهای عملی مدل در ۸ حیطه ارائه شدند.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطالعه نشان داد، توانمندی فراگیران، تا حد زیادی تحت تاثیر ویژگی ها و ساختار محیط یادگیری بخش زایمان قرار گرفته است. محیط یادگیری بخش زایمان، جو هیجانی مثبت و نظم و سازماندهی لازم، جهت ایجاد فرصت های یادگیری فردی و کافی را نداشت. میزان مشارکت، نقش پذیری و آموزش فراگیران، تا حد زیادی تحت تاثیر ویژگی های موقعیتی و ساختار آموزشی آن قرار گرفته بود. با اجرای مدل ارتقاء محیط یادگیری بخش زایمان، می توان چالش های موجود در محیط یادگیری بخش زایمان را برطرف ساخت و زمینه ارتقاء محیط یادگیری را برای فراگیران هر سه گروه فراهم آورد.

کلمات کلیدی: محیط یادگیری، بخش زایمان، مطالعه کیفی، طراحی مدل



تبیین تجارب دانشجویان پرستاری از یادگیری بر پایه حل مشکل (PBL) در بالین: یک مطالعه کیفی

حمیده گلی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: حمیده گلی

مقدمه:

یادگیری مبتنی بر مساله یک روش آموزشی مشارکتی مفید برای تقویت مهارت‌های شناختی و فراشناختی است که زمینه را برای توانمند شدن دانشجویان در خصوص تعیین راهکارهای موثر در موقعیت‌های بالینی از طریق تفکر انتقادی فراهم می‌کند. تفکر انتقادی یک بعد مهم در آموزش پرستاری می‌باشد که پرستار را به سمت تصمیم‌گیری‌های خردمندانه، قضاوت صحیح و ارتباط موثر در جهت نیل به اهداف مراقبتی سازماندهی شده و ایمن سوق می‌دهد. مطالعه حاضر با هدف تبیین تجارب دانشجویان پرستاری از یادگیری بر پایه حل مشکل (PBL) در بالین انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه با رویکرد کیفی و با استفاده از نمونه‌گیری مبتنی بر هدف بر روی دانشجویان ترم ۶ پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار انجام شد. گروه‌های ۶ نفری از دانشجویان در بخش کودکان با یک موقعیت بالینی واقعی روبرو شده سپس در قالب PBL به حل مشکل در حیطه پرستاری پرداختند. پس از اتمام پروژه برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته استفاده شد و نظرات دانشجویان نسبت به این شیوه آموزشی با سوالات باز مورد بررسی قرار گرفت. این پرسش و پاسخ تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت و در نهایت ۱۸ مصاحبه ضبط شد. سپس دست‌نوشته‌ها از طریق رویکرد تحلیل محتوی کیفی مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج:

تحلیل داده‌ها منجر به پیدایش چهار طبقه اصلی شامل: "یادگیری بر پایه مشارکت" "اشتیاق در یادگیری" "مراقبت همه‌جانبه نگر" و "تقویت تفکر انتقادی" گردید.

بحث و نتیجه‌گیری:

یادگیری مبتنی بر مساله بر تقویت مهارت‌های ارتباطی و بهبود یادگیری موثر بوده و به دانشجویان در بکارگیری دانش تئوری در موقعیت‌های بالینی کمک می‌کند. در این روش آموزشی دانشجویان در حالی که با یکدیگر به تعامل می‌پردازند با یک موقعیت بالینی روبرو شده و با ایجاد بارش افکار و طوفان مغزی شرایط را آنالیز کرده، سپس راه‌های مختلف برای حل مسئله را بکار می‌گیرند و درمی‌یابند که در

رویارویی با مشکلات می توانند نتایج متفاوت را پیش بینی و مقایسه کرده و بهترین تصمیم را درخصوص پیاده کردن برنامه مراقبتی ویژه اتخاذ نمایند. لذا این امر موجب افزایش اشتیاق یادگیری، کسب دانش عمیق تر و بکارگیری آموخته ها به دنبال حل مسئله در بالین می شود.

کلمات کلیدی: یادگیری مبتنی بر مساله، آموزش بالینی، پرستاری



مقایسه اثربخشی آموزش استراتژی کار تیمی (Team STEPPS) با استفاده از واقعیت مجازی در مقایسه با فیلم آموزشی برای اعضای تیم‌های مراقبت ویژه بیمارستان بقیه... (عج)

رضا زائری^۱، فاطمه رحمتی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران

نویسنده مسئول: رضا زائری

مقدمه:

موسسه کیفیت و پژوهش مرقبت بهداشتی برای ادغام کار تیمی در عملکرد و بهبود کیفیت، ایمنی و کارایی مراقبت بهداشتی یک رویکرد سیستماتیک و مبتنی بر شواهد با عنوان استراتژی‌ها و ابزارهای تیمی برای افزایش عملکرد و ایمنی بیماری TeamSTEPPS ارائه کرده است. مهمترین سوال‌هایی که در متون به چشم می‌خورد این است که روش مناسب آموزش کار تیمی چیست؟ امروزه با پیشرفت تکنولوژی روش‌های آموزش موثرتری ایجاد شده است. یکی از این تکنولوژی‌ها واقعیت مجازی است بنابراین مطالعه حاضر با هدف مقایسه تاثیر آموزش استراتژی کار تیمی TeamSTEPPS با استفاده از واقعیت مجازی با فیلم آموزشی بر بهبود عملکرد تیمی در اعضای تیم بین حرفه‌ای سلامت طراحی شده است.

مواد و روش‌ها:

تحقیق حاضر مطالعه‌ای نیمه تجربی است که در بخش‌های ویژه بیمارستان آموزشی بقیه... (عج) در سال ۱۳۹۹ انجام شد. گروه هدف این مطالعه اعضای تیم‌های مراقبتی بخش‌های ویژه این بیمارستان بودند. نمونه‌گیری به صورت سرشماری (۷۰ نفر) انجام شد. قبل از شروع مداخله بخش‌های ویژه به دو گروه (مداخله و کنترل) به صورتی که کمترین ارتباط با هم داشته باشند، انتخاب و تقسیم‌بندی شدند. پیش‌آزمون در ابعاد سه گانه دانشی (آزمون یادگیری)، نگرشی (پرسشنامه T-TAQ و رفتار تیمی (TPOT) در تیم‌ها اجرا شد. در طول مداخله محتوای آموزشی استاندارد استراتژی کار تیمی TeamSTEPPS با فرمت واقعیت مجازی (مداخله) و فیلم آموزشی (کنترل) در اختیار اعضای تیم‌ها قرار داده شد. بعد از اجرای مداخله نیز پس از آزمون در ابعاد دانش، نگرش و عملکرد تیمی به روش فوق‌الذکر انجام شد. مقایسه میانگین پیش‌آزمون و پس‌آزمون با استفاده از آزمون T وابسته و مقایسه دو گروه با استفاده از آزمون T مستقل و در نرم افزار SPSS-25 انجام شد.

نتایج:

مداخله استراتژی کار تیمی TeamSTEPPS با استفاده از روش آموزش واقعیت مجازی و فیلم آموزشی در هر دو گروه با افزایش میانگین نمره دانش، نگرش و رفتار تیمی در اعضای تیم همراه بود. مشاهده شد در مقایسه دو گروه، گروه واقعیت مجازی نسبت به گروه فیلم آموزشی به صورت معناداری ($P\text{-value} < 0/05$) در دانش و عملکرد میانگین بالاتری کسب نموده بود اما در بعد نگرش اختلاف معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری:

استفاده از استراتژی آموزش کار تیمی TeamSTEPPS کم هزینه و آسان بوده و قابلیت کاربرد در محیط‌های درمانی ویژه و حساس را دارد. استفاده از تکنولوژی و فناوری های نوین آموزشی مثل واقعیت مجازی می تواند دانش و عملکرد تیمی در اعضای تیم را بهبود ببخشد.

کلمات کلیدی: TeamSTEPPS، واقعیت مجازی، فیلم

مقایسه طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش کنار تخت در اتاق لیبر، جهت ایجاد صلاحیت بالینی در تبدیل مهارت های پیچیده به آسان به روش معلم محور در مدل عمومی چرخه دو حلقه ای COX با مدل مبتنی بر فراگیر MiPLAN در دانشجویان رشته مامایی

مهرنوش قائم مقامی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

نویسنده مسئول: مهرنوش قائم مقامی

مقدمه:

رشته مامایی جزو خطیرترین حوزه های بالین به شمار می آید و این احتمال وجود دارد که اورژانسی بودن زایمان، مربی و کارآموز را از فعالیت های اصیل یاددهی - یادگیری بازدارد. محقق آموزش مهارت های بالینی در اتاق لیبر را با استفاده از دو مدل پیش برد تا بتواند نتایج حاصل از کار را به جوامع آموزشی بزرگ تر تعمیم دهد.

مواد و روش ها:

آموزش کنار تخت دانشجویان مامایی در قالب دوره های کارآموزی واحد درسی زایمان، طی ۴ نیمسال آموزشی به اجرا درآمد. در گروه اول که شامل کارآموزان ترم ۷ مامایی در دو نیمسال ورودی پی در پی بود، آموزش کنار تخت به شیوه مدل COX اجرا شد که بیش تر نقش مربی پررنگ بود؛ مدل COX متشکل از دو حلقه تجربه و تبیین و هر یک نیز شامل گام هایی بود: آماده سازی، خلاصه سازی، تعامل با بیمار و تشریح برای حلقه تجربه و بازاندیشی، توضیح، دانش کاری و آمادگی برای آینده برای حلقه تبیین. سپس با ورود کارآموزان مامایی به ترم ۸، آموزش کنار تخت طبق مدل MiPLAN ادامه یافت که با توجه به در آستانه دانش آموختگی قرار گرفتن دانشجویان، این مدل با هدف محور قرار دادن خود فراگیران و یادگیری مستقل در آنان انتخاب گردید که بیان گر مراحل هم چون ملاقات مربی-کارآموز قبل از ورود به بالین، اتخاذ رفتارهایی خاص توسط مربی و طرح ریزی مواجهه با مددجو توسط کارآموز بود. به منظور ارزشیابی فرآیند، نمرات پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، چک لیست ارزیابی مهارت در انجام زایمان، پرسشنامه بررسی کیفیت برنامه آموزشی و نمرات پیش آزمون و پس آزمون کارآموزان در SPSS ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج:

در گزارش نتایج چک لیست ارزیابی مهارت در انجام زایمان، کارآموزان در مدل COX ، مهارت ها را با موفقیت بیش تری آموخته بودند ($P=0.05$)

کلمات کلیدی: واژگان کلیدی: آموزش کنار تخت، اتاق لیبر، صلاحیت بالینی، مدل COX ، مدل MiPLAN ، مامایی

بررسی اثربخشی آموزش یادگیری خود تنظیمی بر عملکرد تحصیلی و یادگیری خود تنظیمی دانشجویان دارای عملکرد تحصیلی نامطلوب در مقطع علوم پایه‌ی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

زهرا زارعی حاجی آبادی^۱، رقیه گندم کار^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: رقیه گندم کار

مقدمه:

از مهمترین علل مشکلات تحصیلی در دانشجویان پزشکی، ضعف مهارت‌های خودتنظیمی در یادگیری است. بنابر این یکی از راه‌های ارتقای عملکرد تحصیلی دانشجویان فراهم کردن برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای ارتقای مهارت‌های یادگیری خودتنظیمی می‌باشد. علی‌رغم این که مطالعات متا آنالیز، پرورش یادگیری خودتنظیمی با استفاده از مداخلات طولی شامل آموزش آشکار راهبرد های خودتنظیمی به همراه آموزش نهان از طریق تکالیف یادگیری خودتنظیمی را مؤثر تر برشمرده اند اما بر اساس جست و جوی نظام مند انجام شده چنین مطالعاتی هنوز در آموزش علوم پزشکی انجام نشده است. بنابراین مطالعه‌ی حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش یادگیری خودتنظیمی با استفاده از رویکر آموزشی ترکیبی شامل محتوای آموزشی هفتگی (آموزش آشکار) و هفته نگار یادگیری خودتنظیمی (آموزش نهان) بر عملکرد تحصیلی و یادگیری خودتنظیمی دانشجویان دارای عملکرد تحصیلی نامطلوب در مقطع علوم پایه‌ی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر از نوع نیمه تجربی با گروه کنترل هیستوریکال است. شرکت کنندگان در مطالعه دانشجویان پزشکی ورودی ۹۸ بودند که در چارک پایین از نظر معدل دو ترم گذشته قرار داشتند. مداخله شامل ۴ جلسه آموزشی طی ۴ هفته انتهایی بلوک عصبی دانشجویان به عنوان یکی از پر چالش ترین دروس علوم پایه بود. طراحی آموزشی اولیه از طریق بررسی متون انجام و طی سه جلسه با متخصصین نهایی شد. آموزش های این مداخله به صورت محتوای چند رسانه ای تهیه شده با نرم افزار iSpring Suite که مختص تنظیم یادگیری برای بلوک عصبی و منطبق بر مدل زیمرمن طراحی شده بود در سامانه نوید بارگذاری می شد، برای اطمینان از دیده شدن محتواها انتهایی هر جلسه کوپیزی طراحی شده بود که دانشجویان می بایست آن را تکمیل می کردند و نتیجه برای محققان ایمیل می شد. علاوه بر این آموزش ها، دانشجویان هر هفته بعد از دیدن محتوای آموزشی فرم هفته نگار ساختارمند یادگیری خودتنظیمی که شامل دو بخش قبل از مطالعه و بعد از مطالعه بود و در سامانه epoll طراحی شده بود را در ارتباط با

راهبردهای یادگیری خودتنظیمی مورد استفاده خود در مطالعه برای بلوک عصبی طی هفته پیش رو تکمیل می کردند. به عنوان ابزار ارزیابی قبل و بعد و فالوآپ از MSLQ استفاده شد. معدل و نمرات بلوک عصبی شرکت کنندگان با نمرات دانشجویان ورودی سال قبل که در چارک پایین از نظر معدل قرار داشتند از طریق آزمون آنالیز کوواریانس مقایسه شد. همچنین نظر شرکت کنندگان در مورد مداخله از طریق پرسشنامه نظرسنجی با طیف لیکرت بررسی شد. فرم هفته نگار و پرسشنامه نظرسنجی پس از تدوین بر اساس از متون، از نظر ۱۰ نفر از متخصصین در ارتباط با روایی محتوایی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج:

شرکت کنندگان در مداخله ۲۰ نفر و تعداد دانشجویان گروه کنترل ۵۳ نفر بودند. آلفای کرونباخ MSLQ، ۰/۹۱ بود. مقایسه پیش آزمون و پس آزمون (آزمون تی زوجی) نشان داد که نمره کل یادگیری خودتنظیمی شرکت کنندگان به طور معناداری طی مداخله افزایش یافته است. $t=3.639, p=0.002$ همچنین حیطه های تکرار و مرور، سازماندهی، تفکر نقاد، تنظیم فراشناختی، مدیریت زمان و محیط و تنظیم تلاش به طور معنا دار در انتهای مداخله ارتقا پیدا کردند. مقایسه پس آزمون و فالوآپ ۶ ماه بعد از مداخله نشان دهنده ارتقای یادگیری خودتنظیمی (غیر معنادار) دانشجویان بود. نمره بلوک عصبی شرکت کنندگان به صورت معنادار بیشتر از نمره گروه کنترل بود ($f=4.03, p=0.049, \eta^2=0.054$) اما بین معدل دانشجویان گروه مداخله و کنترل تفاوت معناداری وجود نداشت. ($f=0.909, p=0.344, \eta^2=0.013$) نظر شرکت کنندگان در تمام موارد اعم از مفید و کاربردی بودن مداخله، آموزش ها و هفته نگار و همچنین رضایتمندی کلی ایشان بالاتر از حد متوسط بود.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطالعه حاضر نشان دهنده اثربخشی مداخله یادگیری خودتنظیمی در ارتقای یادگیری خودتنظیمی و نمره بلوک عصبی دانشجویان است. همچنین این مداخله رضایتمندی شرکت کنندگان را به دنبال داشته و اثر ماندگاری روی یادگیری خودتنظیمی شرکت کنندگان در ارزیابی ۶ ماه بعد از مداخله داشته است. این مطالعه می تواند نقطه آغازی برای انجام مداخلات طولی و استفاده از ابزار هفته نگار در ارتقای یادگیری خودتنظیمی و در نتیجه بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی باشد.

کلمات کلیدی: یادگیری خودتنظیمی، دانشجویان پزشکی

طراحی و روانسنجی پرسشنامه نگرش به مدیریت تعارض در دانشجویان

پزشکی

فاطمه محسنی^۱، آیین محمدی^۲، محبوبه مافی نژاد^۲، نسیم خواجهی راد^۲

۱. دانشکده علوم پزشکی گراش، فارس، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: محبوبه مافی نژاد

مقدمه:

دانشجویان پزشکی باید در حین انجام کار تیمی و ارتباط با سایر اعضای تیم، تعارضات را به طور موثر مدیریت کنند. این مطالعه با هدف تدوین و روانسنجی ابزاری برای ارزیابی نگرش به مدیریت تعارض در دانشجویان پزشکی و پزشکان شاغل انجام شد.

مواد و روش‌ها:

یک فرایند چند مرحله‌ای برای تدوین و روانسنجی پرسشنامه نگرش به مدیریت تعارض در دانشجویان پزشکی (CMAQ) بر اساس مراحل توصیه شده در AMEE Guide No. 87، استفاده شد. ابتدا آیت‌های اولیه از بررسی ادبیات و فوکوس گروه بدست آمد. پس از مصاحبه شناختی با دانشجویان پزشکی و بازنگری پرسشنامه، روایی محتوایی توسط خبرگان انجام شد. روایی سازه و پایایی پرسشنامه به ترتیب با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) و ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج:

این فرایند چند مرحله‌ای منجر به یک پرسشنامه ۱۲ آیتمی پنج نقطه‌ای از نوع لیکرت با روایی سازه رضایت‌بخش شد. سه عامل با نام‌های "تعاملات درک شده در مدیریت تعارض" شامل ۴ آیت، "ارزش درک شده یادگیری مدیریت تعارض" شامل ۵ آیت و "کاربرد درک شده مدیریت تعارض" شامل ۳ آیت استخراج شد. در تحلیل عاملی اکتشافی ۳ خرده مقیاس ۵۶/۴۸ درصد از واریانس را تبیین کردند. نتایج اعتبارسنجی نشان داد که شاخص اعتبار محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوا (CVR) بیشتر از ۰/۷۵ بود. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹۱ بود.

بحث و نتیجه‌گیری:

این مطالعه نشان داد CMAQ با ویژگی‌های روانسنجی مطلوب و شواهد محکم از روایی ساختاری، پرسشنامه‌ای معتبر برای ارزیابی نگرش دانشجویان پزشکی به مدیریت تعارض است. با این حال با توجه به عدم وجود شواهدی از پرسشنامه اختصاصی سنجش نگرش مدیریت تعارض، مطالعات تاییدی در خصوص دیگر جنبه‌های نگرشی دانشجویان نسبت به مدیریت تعارض در مطالعات آینده توصیه می‌شود.

کلمات کلیدی: تعارض، روانسنجی، دانشجویان پزشکی، پرسشنامه

مقایسه آزمون های آنلاین از راه دور و در محل: یک مطالعه مقطعی در آموزش پزشکی

هانیه مستورا^۱، شبنم نیرومند^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: هانیه مستور

مقدمه:

همه گیری COVID-19 بر شیوه های سنجش و ارزیابی در آموزش پزشکی تأثیر گذاشته است و این امر مستلزم فاصله گرفتن از روش های مرسوم است. با این حال، حفظ امنیت و اعتبار آزمون ها در آموزش پزشکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این مطالعه نتایج آزمون آنلاین از راه دور با آزمون آنلاین در محل و تحت نظارت مستقیم مورد مقایسه قرار گرفت.

مواد و روش ها:

در این مطالعه مقطعی، سامانه برگزاری آزمون های الکترونیکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد مورد استفاده قرار گرفت. آزمون آنلاین از راه دور با نظارت زنده و آزمون آنلاین در محل و تحت نظارت مستقیم در مرکز سنجش دانشکده پزشکی اجرا شد. تحلیل داده ها با استفاده از آزمون تی مستقل و نرم افزار SPSS انجام پذیرفت.

نتایج:

در مجموع ۲۴۳ داوطلب در آزمون های آنلاین شرکت کردند به طوری که ۱۲۵ نفر (۵۱٫۴٪) تحت نظارت مستقیم و در محل آزمون حضور داشتند و گروه دیگر آزمون آنلاین از راه دور با نظارت زنده را تجربه نمودند. نتایج نشان داد که نوع برگزاری آزمون (نظارت آنلاین به صورت زنده و نظارت مستقیم در محل) بر نتایج آزمون تأثیری نداشته است و تفاوت معناداری بین دو گروه شرکت کنندگان مشاهده نگردید
 $T=1/42, df=241, P=0/28$

بحث و نتیجه گیری:

مقایسه نتایج نشان داد که نظارت آنلاین از راه دور می تواند راه حل مناسبی برای حفظ امنیت در انجام آزمون های الکترونیکی باشد. با این حال، موضوعاتی نظیر رعایت حریم خصوصی لازم است مورد توجه قرار گیرد. پیشنهاد می شود در تحقیقات آینده تعمیم پذیری این نتایج و قابلیت هایی نظیر کاربرد هوش مصنوعی در سیستم های نظارتی در برگزاری آزمون های آنلاین مورد بررسی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: آموزش پزشکی، آزمون آنلاین، ارزیابی آنلاین، ارزیابی دانشجو

بررسی تاثیر ارزشیابی بالینی به شیوه ی اتاق فرار و ارائه بازخورد به دانشجویان با الگوی PEARLS بر رضایت، آمادگی ورود به عرصه، یادگیری و عملکرد دانشجویان پرستاری

نجمه قیامی کشتگر^۱، فرشته قلجایی^۱، مهناز قلجه^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران

نویسنده مسئول: نجمه قیامی کشتگر

مقدمه:

ارزشیابی بالینی به وسیله ی بازی اتاق فرار به عنوان یک روش ارزیابی نوین گزارش شده است که عملکرد فراگیران را در یک تیم مورد ارزیابی قرار می دهد ابزاری در جهت ارزیابی مهارت کار گروهی در محیط های بالینی می باشد که می تواند سبب افزایش انگیزه و یادگیری در فراگیران شود. مطالعه حاضر باهدف بررسی تاثیر ارزشیابی بالینی به شیوه ی اتاق فرار و ارائه بازخورد به دانشجویان با الگوی PEARLS بر رضایت، آمادگی ورود به عرصه، یادگیری و عملکرد دانشجویان پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان انجام شد.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر، یک مطالعه کمی از نوع شبه تجربی است که بر روی ۴۲ نفر از دانشجویان کارشناسی پرستاری ترم ۶ دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در سال ۱۴۰۱ انجام شد و ارزشیابی بالینی ورود به عرصه به شیوه ی اتاق فرار در مورد آن ها انجام گرفت. مشارکت کنندگان به روش سرشماری انتخاب شدند و به ۵ گروه ۸-۹ نفره با توجه به معدل ترم های گذشته تقسیم شدند. پس از بررسی اهداف یادگیری مهارت های بالینی دانشجویان پرستاری پلویپرینت محتوای آموزشی تهیه شد و مهارت های بهداشت دست، ارتباط با بیمار، کنترل علائم حیاتی، گواژ و لاواژ -رگ گیری و مایع درمانی، تزریقات و واکسیناسیون، اکسیژن درمانی، احیای قلبی ریوی -کارگروهی مراقبت از زخم و پانسمان به عنوان مهارت های مورد ارزیابی انتخاب شدند و سناریو اتاق فرار بر اساس سنجش مهارت های یاد شده طراحی شد چیدمان اتاق فرار در مرکز مهارت های بالینی مشابه بخشی از یک کلینیک سرپایی انجام گرفت. قبل از شروع بازی دانشجویان در یک جلسه مقدماتی ۱۰ دقیقه ای شرکت کردند و قوانین بازی برای آن ها تشریح شد سپس هر تیم به صورت جداگانه وارد اتاق فرار شد و ۴۵ دقیقه برای حل معماها در اختیار دانشجویان قرار گرفت. در مدت زمان بازی نحوه انجام مهارت های بالینی و روند اجرای بازی توسط ارزیاب با کمک دوربین مشاهده شده و عملکرد دانشجویان به صورت تیمی مورد ارزیابی قرار گرفت. پس از اتمام بازی در یک جلسه ی باز خورد ۶۰ دقیقه ای عملکرد دانشجویان مورد باز نگری قرار گرفته و با

استفاده از الگوی PEARLS (Promoting Excellence And Reflective Learning in Simulation) به دانشجویان باز خورد ارائه شد. و تأثیر آزمون بر رضایت و آمادگی ورود به عرصه، یادگیری و عملکرد دانشجویان در بالین بررسی شد. پرسشنامه های رضایت و آمادگی ورود به عرصه به صورت پس آزمون تکمیل گردید و پرسشنامه ی یادگیری به صورت خود ارزیابی قبل و بعد از آزمون توسط دانشجویان تکمیل شد و پرسشنامه ی عملکرد قبل و بعد از آزمون در بخش های بالینی توسط مربیان تکمیل شد. ابزارهای مورد استفاده، پرسشنامه ی محقق ساخته ی اندازه گیری رضایت، آمادگی ورود به عرصه، یادگیری در قالب لیکرت پنج تایی و عملکرد دانشجویان در قالب لیکرت ده تایی بود. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه ها مورد تایید متخصصان قرار گرفت و پایایی آن ها نیز از طریق آلفای کرونباخ محاسبه گردید به ترتیب (۰/۸۲/۸۴-۰/۸۷/۰۰-۰/۸۸/۰۰-۰/۰۰). داده ها در نرم افزار SPSS نسخه ۲۸ با استفاده از آزمونهای توصیفی و استنباطی با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و آزمون تی زوج تحلیل شد.

نتایج:

از میان ۴۲ نفری که در این مطالعه شرکت نمودند ۲۶ نفر دختر و ۱۶ نفر پسر بودند. میانگین سن دانشجویان ۲۳/۴۶ سال بود. ۸۰ درصد دانشجویان از روش ارزشیابی بالینی بازی اتاق فرار بسیار راضی یا راضی بودند از دیدگاه آنان، آزمون اتاق فرار در آماده سازی آن ها برای ورود به عرصه قطعاً موثر یا بسیار موثر بود. میانگین رضایت از آزمون و آمادگی ورود به عرصه به ترتیب $24/38 \pm 3/4$ و $28/45 \pm 5/7$ به دست آمد که حاکی از رضایتمندی دانشجویان از این روش ارزشیابی است. مقایسه ی میانگین نمره یادگیری (خود ارزیابی مهارت های بالینی) دانشجویان قبل برگزاری آزمون ($40/26 \pm 4/04$) و بعد از آزمون ($51/69 \pm 3/51$) افزایش چشم گیری را نشان داد این تفاوت از نظر آماری نیز معنی دار بود $p < 0/001$. قبل از مداخله میانگین نمره ی عملکرد دانشجویان $29/70 \pm 1/1$ اما بعد از مداخله میانگین نمره به $1/74 \pm$ رسید. این تفاوت از نظر آماری نیز معنی دار است $p < 0/001$.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به رضایتمندی دانشجویان پرستاری از ارزشیابی بالینی به شیوه ی بازی اتاق فرار و تأثیر آن بر یادگیری و عملکرد دانشجویان به کارگیری آن در همه ی گروه های آموزش پزشکی پیشنهاد می گردد.

کلمات کلیدی: اتاق فرار، ارزشیابی بالینی، پرستاری

ارزیابی های نظام آموزش عالی حوزه سلامت به صورت برخط و در منزل: بررسی دیدگاه دانشجویان و دستیاران دانشگاه های علوم پزشکی کشور

آبتین حیدرزاده^۱، هانیه زهتاب هاشمی^۲، پروانه پرواسیده^۳، زهرا بهره ور^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی هوشمند، تهران، ایران

۳. مرکز سنجش آموزش پزشکی، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

نویسنده مسئول: هانیه زهتاب هاشمی

مقدمه:

جامعه مدرن امروزی، انعطاف پذیری روش های ارزیابی را در مواجهه با شرایط گوناگون اجتناب ناپذیر ساخته است. پاندمی SARS-COV2 در سال ۲۰۲۰، جامعه دانشگاهی را با چالش قرنطینه در منزل، مواجه کرد؛ با اینکه آموزش های از راه دور و برخط سالهاست در سراسر جهان در حال اجرا است، ارزیابی آموخته ها به عنوان آخرین حلقه فراگیری، مسأله ای است که لزوم توسعه آن به برگزاری از راه دور مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. پاندمی کووید-۱۹ انگیزه اصلی پژوهش حاضر در بررسی دیدگاه دانشجویان/رزیدنت های دانشگاه های علوم پزشکی کشور در برگزاری آزمون ها در منزل خواهد بود.

مواد و روش ها:

دانشجویان به عنوان ذینفعان مهم در حوزه آموزش، به عنوان جامعه نمونه انتخاب و جهت بومی سازی شرایط و قوانین برگزاری این آزمون در کشور ایران، در فروردین ماه ۱۳۹۹ پرسشنامه ای درخصوص چالش ها و راهکارهای فعلی، تدوین و در اختیار ایشان قرار داده شد؛ تا با توجه به محدودیت ها و چالش های برگزاری این آزمون، راهبردهایی مناسب و قابل اجرا را احصاء و قابلیت اجرای این نوع ارزیابی برای آزمون های ملی و درون دانشگاهی بررسی شود. پرسشنامه شامل مشخصات دموگرافیک و سؤالات نیمه ساختاریافته بود. تحلیل های کمی و کیفی با بکارگیری تکنیک های آمار توصیفی و استنباطی به ترتیب با استفاده از نرم افزارهای SPSS24 و MAXQDA2018، انجام شد و نظرات مربوطه با استفاده از تحلیل محتوای عرفی کدگذاری و طبقه بندی شده و مورد واکاوی قرار گرفتند.

نتایج:

تعداد ۴۲۱۸ پاسخ از دانشجویان علوم پزشکی سراسر کشور دریافت شد. در بخش توصیفی مشخصات دموگرافیک بررسی شد بیشتر پاسخ دهندگان با ۵۴٫۰۸ درصد خانم بودند. با استفاده از آزمون و در سطح معناداری ۰٫۰۵، نتایج مورد تحلیل قرار گرفت و آزمون های میان ترم دانشگاهی و کوئیزها و خود ارزیابی ها گزینه مناسبی برای برگزاری این نوع ارزیابی انتخاب و سایر ارزیابی های حساس و رقابتی همچون

آزمون‌های پایان ترم و جامع پزشکی، واجد شرایط استفاده از این فرایند، نشدند. در بخش تحلیل کیفی نظرات بعد از انجام کدگذاری و تحلیل استقرایی، در مجموع ۸۲۰ کد از نظرات دانشجویان استخراج در بعد چالش، ۵۴۲ کد و در ۶ دسته، به ترتیب تعداد کدهای ارجاع شده شامل مشکلات در عدم دسترسی دانشجویان به اینترنت و امکانات سخت افزاری (کامپیوتر/لپ تاپ/تلفن های هوشمند)، نداشتن امکان پشتیبانی در صورت بروز مشکل، عدم کیفیت فیلم‌های آموزشی اساتید، نبود امکان پرسش و پاسخ توسط اساتید، عدم سهولت کاربری واسط کاربری، غیر قابل اعتماد بودن نتایج بدلیل امکان بروز تقلب. در بخش راهکارها ۴۹۲ کد استخراج و در ۹ دسته برگزاری حضوری آزمون یا به تعویق انداختن آزمون تا حصول شرایط مناسب، در اختیار قرار دادن اینترنت پر سرعت به دانشجویان، کاهش زمان پاسخگویی به سوالات، دسترسی دانشجویان مبتنی بر IP، استفاده از سوالات بیشتر و متفاوت مربوط به هر فرد با سطح دشواری یکسان، تسهیل شرایط پشتیبانی از دانشجویانی که موفق به شرکت در آزمون نشده اند، اجرای آزمون بصورت نظارت شده (وب کم)، ارزیابی در طول ترم مبتنی بر فعالیت کلاسی، کار عملی، متعهد ساختن اساتید به پایش دانشجویان به طور مستمر قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری:

نتیجه بررسی‌ها و تحلیل کیفی نظرات دانشجویان به عنوان ذینفعان اصلی نشان می‌دهد تقلب در آزمونها و عدم دسترسی یکسان به امکانات سخت افزاری و اینترنت از موانع مهم در برگزاری آزمون‌های سرنوشت‌ساز و ملی می باشد برای تحقق این هدف، با توجه به زیرساخت‌های فعلی فنی و فرهنگی کشور نیاز به همکاری مستمر نهادهای بالادستی بمنظور فراهم ساختن زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری مطابق با استانداردهای جهانی جهت برگزاری آزمونهای نظارت شده، اساتید در حوزه آموزش با کیفیت و پایش مستمر دانشجویان می‌باشد. اجرای پایلوت آزمون به خصوص در حوزه آزمون‌هایی با گروه کوچک فراگیران و یا آزمون‌هایی درون‌دانشگاهی و با حساسیت کمتر، می‌تواند شالوده این نوع ارزیابی در ایران را به خوبی پایه‌ریزی نماید. از سویی دیگر اقدام بر توسعه زیرساختی و آموزش اجرای این نوع ارزیابی می‌تواند از سطوح پایین‌تر آموزشی آغاز شده و معطوف به آموزش عالی نباشد.

کلمات کلیدی: ارزیابی، آزمون از منزل، تقلب، آموزش پزشکی

معرفی یک سیستم جدید ارزشیابی دانشجویان مبتنی بر میزان اطمینان داوطلبان از پاسخ‌های خویش

فرهنگ رشیدی^۱، علی‌پاشا میثمی^۱، آرش عکاظی^۱، محمدسینا رضایی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: علی پاشا میثمی

مقدمه:

یادگیری دانشجویان در اولویت سیستم آموزشی باید باشد و این مسئله به خصوص در دانشجویان رشته پزشکی اهمیت بیشتری می‌یابد. پس از پاندمی کووید-۱۹ و مجازی شدن آموزش و آزمون‌ها، ضرورت توجه بیشتر به صحت آزمون‌های مجازی بیش از پیش مطرح می‌شود. در این مطالعه تاثیر دخالت میزان اطمینان دانشجویان در مورد هر پاسخ در تعیین نمره قبولی آنان در آزمون‌های مجازی ارزیابی شده است.

مواد و روش‌ها:

یک سامانه آنلایین ارزشیابی طراحی شد. در فرایند آزمون مجازی سه گزینه دیگر به صورت ۱. اطمینان کامل ۲. اطمینان نسبی ۳. عدم اطمینان در کنار گزینه‌های عادی سوالات چهارگزینه‌ای جهت ارزیابی میزان اطمینان دانشجویان از پاسخ در نظر گرفته شد. نمره هر سوال بر اساس سطح اطمینان، و پاسخ صحیح یا غلط، محاسبه گردید. به این شیوه که برای پاسخ‌های صحیح با اطمینان کامل نمره +۳، برای پاسخ‌های صحیح با اطمینان نسبی نمره +۲، و برای پاسخ‌های صحیح بدون اطمینان نمره +۱ در نظر گرفته شد. همچنین برای پاسخ‌های غلط با اطمینان کامل نمره -۲، برای پاسخ‌های غلط با اطمینان نسبی -۱، و برای پاسخ‌های غلط بدون اطمینان نمره ۰ لحاظ شد. نمرات به روش معمول و روش جدید بر اساس اطمینان به پاسخ ارائه شده محاسبه شد. نمرات تبدیل یافته با میانگین ۱۰ و انحراف معیار ۳٫۳۳ برای هر دو نمره جهت مقایسه با یکدیگر مبنای قرار گرفت. مقایسه نمرات با استفاده از آزمون تی زوجی (paired T) انجام گردید. میزان قبولی و مردودی بر اساس نمره ده و بالاتر نیز با استفاده از آزمون مک نمار (McNemar) مقایسه شد. همچنین بر اساس یک پرسشنامه رضایت دانشجویان پس از پایان آزمون و پیش از نمایش نمرات مربوطه از سامانه و روند جدید، مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج:

سامانه طراحی شده دارای قابلیت‌های منحصربه‌فردی بود؛ همچون ثبت اطمینان از هر پاسخ، عدم امکان ورود از دو سیستم به طور همزمان به سامانه، عدم امکان ورود به سامانه با چندین رمز از یک سیستم، امکان رصد IP سیستم استفاده شده در آزمون و رصد لحظه‌ای روند پاسخ‌های داوطلبان. به کمک این قابلیت‌ها می‌توان برگزاری آزمون‌های مجازی غیرحضوری را مدیریت کرد. ۸ آزمون مختلف با تعداد

دانشجویان از ۱۹ تا ۱۴۸ نفر توسط این سامانه برگزار گردید. اگرچه تفاوت معنی‌داری در میانگین تبدیل‌یافته نمرات معمول و نمرات اطمینان در آزمون‌ها مشاهده نشد، اما میزان قبولی و مردودی بر اساس نمرات اطمینان در مقایسه با نمرات معمول تفاوت معنی‌دار آماری داشت. ($P \text{ value} = 0.007$) در نظرسنجی اکثریت دانشجویان بر اهمیت در نظر گرفتن اطمینان در پاسخ جهت اعتبار بیشتر تعیین نمرات و عدم تأثیر مشخص این روش بر تمرکز و کارایی آنها در آزمون اذعان داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری:

استفاده از نمره اطمینان در تعیین پاسخ‌های شانسی دانشجویان و اصلاح نمرات بر اساس دانش واقعی دانشجویان مؤثر است. انجام مطالعات تکمیلی با در نظر گرفتن دو آزمون، یکی بر مبنای نمره اطمینان و دیگری بر اساس ارزیابی دانش و مهارت در آزمون استاندارد OSCE در اثبات تأثیر این روش پیشنهاد می‌شود.

کلمات کلیدی: ارزشیابی، اطمینان پاسخ، آزمون مجازی

بررسی روایی و پایایی آزمون OSABS در ارزیابی مهارت های پایه جراحی دستیاران رشته جراحی دانشگاه علوم پزشکی البرز

محمد هادی بحری^۱، لیلا ساداتی^۱، رعنا آب جارا^۱، فاطمه عدالت طلب^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

نویسنده مسئول: محمدهادی بحری

مقدمه:

ارزیابی صلاحیت جراحی با استفاده از ابزارهای ارزشیابی عینی و دقیق یکی از چالش های جدی در دوره آموزش دستیاران جراحی است. از آنجا که صلاحیت جراحی تلفیقی از مهارت های تکنیکی، غیر تکنیکی و مهارت های پایه جراحی است در مطالعه حاضر محققین پس از طراحی و اجرای یک بوت کمپ اختصاصی برای آموزش مهارت های پایه جراحی، به اعتباریابی آزمون Objective Structured Assessment of Basic Surgical skills OSABS برای ارزیابی این مهارت ها اقدام نمودند.

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر بخشی یک مطالعه ترکیبی است که بر روی ۳۲ نفر از دستیاران سال اول رشته های جراحی عمومی، ارتوپدی، جراحی اعصاب و زنان دانشگاه علوم پزشکی البرز انجام شد. در این مطالعه با توجه به اهداف پژوهش و جمع بندی نظرات متخصصین گروه های مختلف جراحی در جلسات گروهی متعدد، ۱۷ ایستگاه جهت ارزیابی عملی مهارت های پایه آموزش داده شده طراحی گردید. سپس به تعداد ایستگاه ها، چک لیست های مرتبط بر اساس بلوپرینت و اهداف آموزشی و همچنین یکصد سناریوی آموزشی در جلسات تخصصی با حضور پانل متخصصین رشته و گروه آموزش پزشکی از نظر روایی محتوا تایید و نهایی شد. برای تعیین روایی ملاکی همبستگی بین نمره نهایی این آزمون و نمرات کتبی این دوره و همچنین رتبه قبولی آنها در آزمون دستیاری مد نظر قرار گرفت. جهت بررسی همسانی درونی همبستگی نمرات هر ایستگاه با نمره کل آزمون محاسبه شد و به منظور تعیین پایایی آزمون، همبستگی بین نمرات دو ارزیاب در هر ایستگاه و الفای کرونباخ محاسبه شد.

نتایج:

یافته ها نشان داد ارتباط مستقیمی بین نمرات کتبی با آزمون عملی و رتبه قبولی دستیاران وجود داشت. ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین نمره کلی آزمون با نمرات هر ایستگاه ارتباط معنی دار مثبت وجود دارد، بدین معنی که هر چه نمرات هر ایستگاه بالاتر رود نمره کل نیز بالاتر بوده است. مقایسه انجام شده توسط آزمون تی تست و من ویتنی بین نمرات تمامی دستیاران از نظر ارزیابان نشان

داد که در هیچ یک از ایستگاه ها تفاوت معنی داری با یکدیگر ندارند ($P > 0.05$). به عبارتی هر دو ارزیاب نظر یکسانی داشتند. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده نیز با عدد 0/91 موید پایایی آزمون بود.

نتیجه گیری:

با توجه به تایید روایی و پایایی آزمون عینی ساختارمند مهارت های پایه جراحی (OSABS) در مطالعه حاضر، استفاده از این آزمون در ارزیابی این مهارت ها به عنوان بخشی از صلاحیت جراحی، پس از آموزش در محیط شبیه سازی شده در سال اول دوره آموزشی دستیاران جراحی توصیه می شود.

کلمات کلیدی: آموزش، دستیار جراحی، آزمون ساختارمند عینی بالینی، شبیه ساز

بررسی میزان کاربست اخلاق حرفه ای تدریس اعضای هیات علمی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

افسانه یخ فروش ها^۱، اشکان بابا حاجی^۱، آمنه باریکانی^۱، فریبا طفری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

نویسنده مسئول: افسانه یخ فروش ها

مقدمه:

اساتید از مهم ترین ارکان موسسات آموزشی محسوب می شوند و عملکرد آموزشی آنها در تربیت نیروی انسانی متخصص و به طور کلی در ارتقای نظام آموزش عالی، عنصری کلیدی به شمار می روند. برخورداری اعضای هیأت علمی از قابلیت ها و صلاحیت های حرفه ای و الزام آنان به رعایت مجموعه ای از اصول و استانداردهای حرفه ای در فرایند تدریس نقش تعیین کننده ای در افزایش کیفیت تدریس آنها دارد. با توجه به اهمیت موضوع مطالعه فوق با هدف تعیین میزان کاربست اخلاق حرفه ای تدریس اعضای هیات علمی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین طراحی شد.

مواد و روش ها:

در این مطالعه مقطعی، ۳۲۶ دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۴۰۰ وارد مطالعه شدند. داده ها توسط پرسشنامه اخلاق حرفه ای تدریس گردآوری شد این پرسشنامه دارای ۴۸ سوال است که در قالب ۶ مولفه کلی شامل ویژگی شخصیتی مشتمل بر ۱۹ گویه، اشراف بر محتوا شامل ۷ گویه، تسلط بر شیوه های تدریس ۵ گویه، شناخت ابعاد مختلف یادگیرنده شامل ۵ گویه، ارزشیابی استاد ۷ گویه و رعایت قوانین آموزشی شامل ۵ گویه طراحی شده است. به دنبال هر سوال، دانشجو باید در قالب مقیاس لیکرت، از مقدار خیلی کم (یک امتیاز) تا خیلی زیاد (۵ امتیاز) پاسخ دهد. در مطالعه قبلی و نمونه پایلوت، روایی صوری و روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظر سنجی از متخصصین و پایایی آن توسط آلفای کرونباخ ۰/۹۲ تعیین گردید. داده ها با استفاده از آزمون های آمار توصیفی-تحلیلی و سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

نتایج:

میانگین سنی دانشجویان شرکت کننده در این مطالعه $23/52 \pm 2/35$ بود. میانگین معدل دانشجویان شرکت کننده هم $16/15 \pm 1/28$ گزارش شد. از نظر فراوانی جنسی، ۴۵/۷ درصد دانشجویان مونث و ۵۴/۳ درصد آنها مذکر بودند. از نظر مقطع تحصیلی هم، ۲۵/۲ درصد دانشجویان در مقاطع علوم پایه و فیزیوپات و ۷۴/۸ درصد آنان در مقطع کارآموزی و کارورزی بودند از میان شرکت کنندگان در این مطالعه، ۷۰/۲ درصد مجرد و ۲۹/۸ درصد متاهل بودند. در حیطه ی ویژگی های شخصیتی استاد، از

دیدگاه دانشجویان بیشترین فراوانی شخصیت را پرهیز از شوخی های زننده و کمترین فراوانی را در دسترس بودن، عدم تبعیض بین دانشجویان و نقد پذیری به خود اختصاص داد. در حیطه ی اشراف بر محتوا، از دید دانشجویان بیشترین فراوانی را تدریس درس بدون مواضع شخصی و کمترین فراوانی را تعیین مواضع تئوری از شواهد پژوهشی گزارش شد. در حیطه ی تسلط بر روش های تدریس، از دید دانشجویان بیشترین فراوانی را تخصص کافی بر موضوع و کمترین فراوانی را شناخت نیاز های دانشجو عنوان نمودند. در حیطه ی شناخت ابعاد مختلف یادگیرنده، از دید دانشجویان بیشترین فراوانی را تقویت حیطه های مختلف دانشجویان و کمترین فراوانی را توجه به بازخورد های دانشجویان داشتند. در حیطه ی ارزشیابی استاندارد، از دید دانشجویان بیشترین فراوانی را تعیین روش ارزشیابی و کمترین فراوانی را استفاده از نظام تشویقی مناسب نشان داده شد. در حیطه ی رعایت قوانین آموزشی، از دید دانشجویان بیشترین فراوانی را اهمیت به حضور و غیاب و کمترین فراوانی را تطابق تکالیف با اهداف آموزشی داشتند بر اساس نتایج این مطالعه، میانگین کلی اخلاق حرفه ای تدریس استاد $3/68 \pm 0/51$ گزارش شد. بین مقطع تحصیلی دانشجویان با میانگین کل و میانگین هر یک از حیطه های پرسشنامه ی اخلاق حرفه ای اساتید ارتباط معنی داری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری:

مطابق یافته های مطالعه و بر اساس میانگین نمره کل گزارش شده، اخلاق حرفه ای اساتید دانشکده ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، کمی بالاتر از حد متوسط ارزیابی شد که در صورت انجام مداخلات آموزشی لازم و توانمند سازی اساتید در زمینه اخلاق حرفه ای تدریس می توان این مهارت را ارتقاء داد.

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای، تدریس اساتید، دانشجویان، دانشکده پزشکی

تبیین درک کارورزان و دستیاران گروه های داخلی و جراحی از الگوی نقش استاد؛ یک مطالعه کیفی

قدیر پوربایرامیان^۱، قباد رضانی^۲، اکرم هاشمی^۳، اعظم نوروزی^۳، فروزان کاوری زاده^۳، زهره حسین زاده^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
۳. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: اکرم هاشمی

مقدمه:

الگومحوری یا سرمشق شدن، جوهره فرآیند تدریس و یکی از عملکردهای مهم مربیان آموزش و بالین است، اساتید بالین باور دارند که الگومحوری در آموزش بالینی، مؤثرترین و صحیح ترین روش برای انتقال تجربیات و نگرش های حرفه ای به دانشجویان است. با توجه به اینکه انجام مطالعات کیفی اطلاعات عمیقتر و غنی تری در اختیار محققان قرار می دهد، لذا این تحقیق با هدف تبیین درک کارورزان و دستیاران گروه های داخلی و جراحی از الگوی نقش استاد در دانشگاه علوم پزشکی ایران انجام گرفت.

مواد و روش ها:

این مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوای استقرایی، و نمونه گیری هدفمند از بین کارورزان و دستیاران گروه های داخلی و جراحی دانشگاه علوم پزشکی ایران و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. روش نمونه گیری مطالعه هدفمند بود و بعد از انجام ۱۸ مصاحبه به اشباع نظری رسیدیم. داده های حاصل از فرایند مصاحبه با آنالیز محتوای کیفی استقرایی تحلیل شد.

نتایج:

داده های بدست آمده از تجزیه و تحلیل متن مصاحبه منجر به شناسایی ۶۰ کد اولیه؛ ۳۱ زیرمضمون، مقوله یا درون مایه فرعی و ۵ مضمون اصلی یا بُعد شد. ابعاد اصلی الگو بودن نقش استاد شامل بعد ساختاری، اجرایی، مدیریتی، اخلاقی و علمی بود. هرکدام از این ابعاد نیز دارای زیرمضمون هایی بودند.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که کارورزان و دستیاران گروه های داخلی و جراحی الگوی نقش استاد را دارای پنج بُعد (ساختاری، مدیریتی، اجرایی، علمی و اخلاقی) می دانند. هر کدام از این ابعاد نیز دارای یک سری زیر مولفه ها می باشد. مثلا در بعد اخلاقی می توان زیر مولفه ها را اینگونه بیان کرد: تعهد حرفه ای، مراقبت از بیمار، عملکرد مبتنی بر یادگیری، نقش بازخورد دهنده، قضاوت حرفه ای، درک

بیماران و توجه به راحتی بیمار و رعایت اخلاق پزشکی. بنابراین با شناخت این ابعاد سیاستگذاران و مدیران آموزشی گروه ها بهتر می توانند برنامه ریزی نموده و با لحاظ کردن این ابعاد در بدو گزینش اعضای هیات علمی و یا توانمندسازی اساتید خود در این ابعاد به اثرگذاری هرچه بیشتر نقش الگو بودن استاد و برنامه درسی پنهان امیدوار باشند. همچنین با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، اساتید باید در برنامه ریزی و ساماندهی فعالیت های آموزشی خود در محیط آموزش و بالین این ویژگی ها را در نظر گرفته و در جهت بالا بردن میزان کارآیی دانش و تجربه خود، تقویت انگیزه در دانشجویان در جهت شناخت نقاط قوت و ضعف خود کوشش کنند. پیشنهاد می گردد در جهت ارتقاء اساتید و ترغیب آنان در جهت نزدیک شدن به معیارهای یک استاد نمونه توسط مراکز توسعه آموزش دانشگاهی (از قبیل مراکز آموزش پزشکی) که رسالت مهم توسعه آموزش را به برعهده دارند، برنامه های مناسب جهت روزآمد نگاه داشتن اساتید از نظر موضوع مورد تدریس و شیوه های تدریس اثربخش، آشنایی و بهره گیری از روشهای نوین ارزشابی، توانمندی مهارت های ارتباطی و لزوم دست یابی به تعهدات اخلاقی پزشکی ارائه شود.

کلمات کلیدی: الگوی رفتاری، معلم بالینی



معیارهای اثربخشی عضو هیات علمی در حوزه آموزش، پژوهش و ارائه خدمات

فرشید عابدی^۱، آفاق زارعی^۱، سلیمان احمدی^۲، احسان شریفی پور^۲، نوشین کهن^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی هوشمند، تهران، ایران

نویسنده مسئول: فرشید عابدی

مقدمه:

نقش اعضای هیات علمی به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام آکادمیک در تربیت دانشجو و توسعه یا عقب افتادگی کشور بسیار چشمگیر است. آیین نامه ارتقا می تواند نقش کلیدی در جهت گیری فعالیت های اعضای هیات علمی داشته باشد و از این منظر عنصری سرنوشت ساز در جهت گیری توسعه علمی و آموزش عالی سلامت است. بنابراین نه تنها باید به دنبال میزان تاثیرات عضو هیات علمی در حوزه آموزش دانشجو بود که بر تاثیر آنها بر سایر حوزه های موثر در توسعه کشور نیز توجه نمود. این در حالی است که در آیین نامه فعلی ارتقا، بر اثربخشی عضو هیات علمی تاکید نمی شود. مطالعات نشان می دهد که همچنان انجام پژوهش، با ارزش ترین فعالیت عضو هیات علمی بر شمرده می شود و با وجود اینکه وظایف تدریس اغلب بیش از نیمی از حجم کار را تشکیل می دهد، معمولاً ارزش آن کمتر از پژوهش است و فعالیت های خدماتی نیز در رتبه سوم قرار می گیرند. بنابراین در شرایطی که رقابت بین کشورها برای کسب جایگاه برتر فرهنگی- سیاسی و اقتصادی بیشتر شدت گرفته است و نقش اعضای هیات علمی در نیل به این ارمان مقدس اهمیت بیشتری پیدا نموده است؛ بازنگری اساسی در نظام ارتقای مرتبه اعضای هیات علمی دانشگاه ها بر اساس نیازهای جامعه به شیوه ای که منجر به حداکثر کارایی و اثرگذاری در نظام فعالیت های آنان شود، امری ضروری است. بنابراین این مطالعه با هدف تعیین معیارهای اثربخشی عضو هیات علمی از نظر صاحب نظران حوزه علوم پزشکی کشور انجام شد.

مواد و روش ها:

روش اجرا در این مطالعه، بر اساس مطالعات انجام شده و تجارب صاحب نظران، پرسشنامه ای مشتمل بر ۱۸ سوال از اطلاعات دموگرافیک و معیارهای اثربخشی عضو هیات علمی طراحی شد که پس از تایید روایی آن توسط صاحب نظران علمی در سطح کشور، به صورت الکترونیکی در اختیار روستا و معاونین آموزشی و اساتید هیات ممیزه دانشگاهها قرار داده شد. افراد بایستی از لیست داده شده، پنج عدد از مهمترین معیارهای اثربخشی عضو هیات علمی را انتخاب می کردند و چنانچه مورد دیگری مد نظر

داشتند، یادداشت می‌کردند. داده‌ها بعد از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار اکسل نسخه ۲۰۲۲ و با استفاده از آمار توصیفی (تعداد و درصد) تحلیل گردید.

نتایج:

در این مطالعه در مجموع ۱۶۲ نفر شرکت داشتند. ۳۲٫۵٪ آنان استادیار، ۳۴٫۵٪ دانشیار و ۳۳٪ استاد بودند. معیارهای اثربخشی در حوزه آموزش کیفیت تدریس عالی (۲۳٫۲۵٪)، به روز نگه‌داشتن اطلاعات و دانش حرفه‌ای با شرکت در دوره‌های توانمندسازی تخصصی (۱۷٫۹۹٪)، پروفیشنالیسم و الگوی نقش بودن استاد (۱۷٫۲۶٪)، استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش (۱۴٫۶۵٪)، تولید محصولات آموزشی منطبق با استانداردها (۱۱٫۹۴٪). معیارهای اثربخشی در حوزه پژوهش میزان کاربردی بودن تحقیقات در حل مسائل جامعه (۲۵٫۸۸٪)، تاثیر تحقیقات بر روی ارتقای سلامت و رفاه جامعه (۲۴٫۳۲٪)، تعداد ارجاعات به مقاله (۱۳٫۶۲٪)، تعداد و کیفیت پتنت و اختراع (۱۱٫۰۹٪)، تالیف و ترجمه کتب تخصصی برای آموزش‌های بومی (۸٫۵۶٪). معیارهای اثربخشی در ارائه‌ی خدمت مراقبت و درمان موثر بیمار (۱۹٫۱۱٪)، رعایت اخلاق پزشکی (۱۸٫۲۲٪)، اختصاص وقت کافی به آموزش بیمار (۱۷٫۱۹٪)، توجه به همکاری بین حرفه‌ای در مراقبت بیمار (۱۵٫۵۶٪)، نهادینه‌سازی استفاده راهنماها و مسیرهای بالینی (۱۱٫۴۱٪). **بحث و نتیجه‌گیری:**

در این مطالعه، معیارهای اثربخشی عضو هیات علمی از نظر اساتید علوم پزشکی کشور استخراج شد. در حالیکه در آیین‌نامه‌ی فعلی ارتقاء به معیارهای اثربخشی منتج از این مطالعه توجه جدی نشده است. در بسیاری از کشورها معیار ارتقاء تنها اثربخشی آنها در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال در دانشگاه کلرادو، اساتید برای ارتقاء به دانشیاری، باید اولاً در همه جنبه‌های تدریس، فعالیت‌های علمی و خدماتی/بالینی فعالیت مطلوبی داشته باشد و دوماً در یکی از حوزه‌های تدریس، تحقیق و یا فعالیت بالینی به تعالی رسیده باشند. در دانشگاه مک‌گیل نیز، فعالیت‌های اصیل علمی، نوآوری‌های حرفه‌ای و بالینی و فعالیت‌های خلاقانه پایدار به علاوه‌ی تدریس برتر و یا مشارکت موثر در کمیته‌های دانشگاهی از معیارهای ارتقای اعضای هیات علمی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد بازنگری آیین‌نامه ارتقای اعضای هیات علمی متناسب با معیارهای اثربخشی اعضای هیات علمی در حوزه‌های مختلف وجود دارد.

کلمات کلیدی: آیین‌نامه‌ی ارتقاء، اثربخشی، هیات علمی

طراحی ابزار سنجش آداب تعلیم در اساتید پرستاری

زهرا عابدینی^۱، لایلا قنبری افرا^۱، طاهره صدیقیان^۱، حیدر قادری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

نویسنده مسئول: زهرا عابدینی

مقدمه:

رفتارهای نامطلوب اساتید در محیط آکادمیک یکی از چالش‌های رایج در مراکز آموزشی است که موجب کاهش کیفیت آموزش، اشکال در روابط حرفه‌ای و اختلال در پیشبرد اهداف می‌شود. ارزیابی خط مشی‌های شناخت و کنترل رفتار اساتید و پیشگیری از توسعه رفتارهای نامطلوب اولین اقدام در شناسایی موقعیت و ارتقا رفتارهای حرفه‌ای در آموزش است. از این رو وجود ابزار معتبر و متناسب با فرهنگ و ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه برای سنجش رفتارهای حرفه‌ای که در متون اسلامی به آداب تعلیم تعبیر شده است، ضروری است. هدف از این پژوهش طراحی ابزار سنجش آداب تعلیم در اساتید پرستاری دانشگاه علوم پزشکی قم بوده است.

مواد و روش‌ها:

مطالعه روش‌شناسی به دو روش کمی و کیفی با هدف طراحی و تعیین روایی و پایایی مقیاس آداب تعلیم در ایران در سال ۱۴۰۰ انجام شد. در بخش کیفی جهت تبیین مفهوم و ابعاد آداب تعلیم در اساتید، از طریق مروری بر مقالات و متون اسلامی و مصاحبه با ۲۸ دانشجوی پرستاری به کمک روش تحلیل محتوا انجام و طبقات مربوط و گویه‌های پرسشنامه طراحی شد. برای ارزیابی روایی ابزار، بررسی کیفی و کمی انجام شد. در بخش کیفی با پانزده نفر از دانشجویان در مورد گویه‌های ابزار، مصاحبه شد. سادگی، تناسب و وضوح سوالات مورد ارزیابی قرار گرفت. اعتبار محتوا به دو روش کمی و کیفی مورد ارزیابی قرار گرفت. در ارزیابی کیفی، پرسشنامه به ۱۵ مدرس پرستاری داده شد. نظرات اساتید در مورد آیتم‌ها، دستور زبان، جمله بندی و امتیازدهی اخذ شد. ارزیابی کمی بر اساس دو شاخص اعتبار محتوا و نسبت اعتبار محتوا انجام شد. برای محاسبه اعتبار محتوا، از اساتید پرستاری خواسته شد تا به اهمیت هر مورد (ضروری، مفید، غیرضروری) امتیاز دهند. مقدار بالاتر از ۰/۴۲ بر اساس جدول لاوشه، معنی دار در نظر گرفته شد. پایایی با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ، تتا، مک دونالد امگا و در نهایت پایایی مرکب تخمین زده شد. مقیاس بیست و پنج گویه‌ای توسط ۲۵۰ دانشجوی پرستاری تکمیل گردید. روایی سازه، به کمک تحلیل عامل اکتشافی بررسی شد.

نتایج:

یافته های مطالعه منجر به استخراج ۱۲۵ کد اولیه، ۲۵ کد نهایی و سه درونمایه آداب آموزشی، اخلاقی و ارتباطی شد و پرسشنامه طراحی گردید. روایی محتوایی پس از اصلاح موارد پیشنهاد شده توسط متخصصان تایید شد. شاخص اعتبار محتوا و نسبت اعتبار محتوا نیز محاسبه شد. ساختار عاملی استخراج شده به کمک شاخص های برازش مدل تایید شدند. پایایی مرکب و ثبات درونی ابزار بیش از ۰/۷ برآورد شد. مقادیر برای گویه ها ۰/۸۶ تا ۰/۹۲ بود و هیچ یک از سؤالات پرسشنامه حذف نشد. یافته ها نشان داد که مقیاس سنجش آداب تعلیم اساتید پرستاری، یک سازه سه بعدی است که از روایی و پایایی مناسبی برخوردار می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

مقیاس آداب تعلیم اساتید، دارای ساختار عاملی قابل قبول است و گویه های آن از ثبات درونی برخوردار می باشد. این پرسشنامه برای سنجش آداب تعلیم اساتید در جامعه ایرانی قابل استفاده است و می تواند در برنامه ریزی جهت ارتقا رفتارهای حرفه ای و آداب تعلیم اساتید در دانشکده های پرستاری مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: آداب، تعلیم، اساتید، ارزیابی



چالش‌های گذار ناگهانی به آموزش از راه دور در پاندمی کووید-۱۹ بر اساس

تجارب مدرسین: تحلیل محتوای کیفی

شیرین حسنوندا^۱، الهام گودرزی^۱، شهین رئوفی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

نویسنده مسئول: شیرین حسنوندا

مقدمه:

طی دو سال اخیر با توجه به همه‌گیری کووید-۱۹، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی سراسر جهان برای جلوگیری از انتشار این ویروس به اجبار آموزش‌های خود را به صورت مجازی ارائه دادند. عدم آمادگی مراکز آموزش عالی در تامین بستر آموزشی مناسب، ناآشنایی مدرسین با شیوه‌های آموزش مجازی و تبدیل ناگهانی آموزش حضوری به مجازی، در ابتدا چالش‌هایی برای نهادهای آموزشی به همراه داشت. از آنجائی که شناسایی و درک تجارب اساتید راه را برای کشف و رفع نیازهای آموزشی هموار می‌سازد، لذا مطالعه حاضر با هدف تبیین چالش‌های تدریس از راه دور در پاندمی کووید-۱۹ بر اساس تجارب مدرسین انجام شد.

مواد و روش‌ها:

پژوهش کیفی حاضر با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی از آذر ۱۴۰۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ انجام شد. مشارکت کنندگان ۱۰ عضو هیئت علمی، ۳ مدیر حوزه آموزش و یک کارشناس واحد آموزش مجازی بودند که به روش هدفمند با حداکثر تنوع انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته به صورت الکترونیکی یا حضوری تا اشباع داده ادامه یافت. مصاحبه‌ها بین ۳۰-۵۵ دقیقه به طول انجامید. همزمان با جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل با رویکرد ۵ مرحله‌ای پیشنهادی گرینهایم و لاندمن (۲۰۰۴) انجام گرفت.

نتایج:

کاهش کیفیت تعاملات بین فردی، چالش احراز هویت، چالش‌های مرتبط با ارزیابی آنلاین، استهلاک تجهیزات شخصی اساتید، کاهش دانش و مهارت اساتید در حوزه فناوری آموزشی ارتباطات (ICT)، مقاومت اساتید نسبت به تغییر ناگهانی آموزش، مشکلات اتصال شبکه، مشکلات پشتیبانی، چالش‌های مرتبط با تولید محتوای الکترونیکی، نقایص مربوط به اجرای دروس عملی/آزمایشگاهی و سوء استفاده اساتید و دانشجویان از آموزش مجازی از مهم‌ترین چالش‌ها بر اساس تجارب مشارکت کنندگان بود.

بحث و نتیجه گیری:

چالش‌های مطرح شده در این مطالعه با سایر مطالعات در سایر کانتکست‌ها هم‌خوانی داشت. با توجه به چالش‌های فوق‌الذکر، در دسترس بودن یک تیم پشتیبانی فنی برای توسعه موفقیت‌آمیز و حل مشکلات اساتید ضروری و سرمایه‌گذاری در بعد نیروی انسانی و آموزش آن‌ها، مسئله مهمی در توسعه یادگیری الکترونیکی است. همچنین برای تحقق یادگیری الکترونیکی لازم است که ابعاد مختلف آمادگی از لحاظ زیرساخت‌های فنی و تجهیزات، آمادگی سیاسی، آمادگی منابع انسانی و سازمانی مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج حاصل از این مطالعه و مطالعات مشابه می‌تواند در جهت مدیریت بهتر این بحران (با توجه به تداوم پاندمی موردنظر) و بحران‌های مشابه مورد استفاده قرارگیرد.

کلمات کلیدی: یادگیری الکترونیکی، تحلیل محتوا



رابطه سبک یادگیری با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی تربت جام در سال ۱۴۰۱

زینب جلمبادانی^۱

۱. دانشکده علوم پزشکی تربت جام، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: زینب جلمبادانی

مقدمه:

یکی از تفاوت های فردی موثر بر یادگیری، سبک های یادگیری است که این سبک ها در پیشرفت تحصیلی فراگیران نیز تاثیر بسزایی دارد. این مطالعه به منظور تعیین سبک های یادگیری دانشجویان گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی تربت جام و تعیین رابطه آن با میانگین نمره پیشرفت تحصیلی آنها در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه مقطعی بر روی تمام دانشجویان بهداشت عمومی شاغل به تحصیل در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ انجام شد. پرسش نامه شامل سوال های دموگرافیک و ۱۲ سوال مربوط به سبک های یادگیری (کلب) بود. در مجموع ۱۵۰ نفر از دانشجویان با پر کردن پرسش نامه در مطالعه شرکت کردند. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون مجذور کای تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج:

نتایج نشان دادند که بیش تر دانشجویان (۳/۶۰٪) دارای سبک یادگیری جذب کننده بودند و بقیه سبک های یادگیری عبارت بودند از همگرا (۹/۱۸٪)، واگرا (۵/۱۰٪) و انطباق یابنده (۳/۱۰٪). ارتباط آماری معنی داری بین نوع سبک های یادگیری چهارگانه و میانگین نمره پیشرفت تحصیلی دانشجویان مشاهده نشد. (Pvalue=0/28) اما بین استفاده از یکی از دونوع سبک جذب کننده یا همگرا و در مقابل واگرا یا انطباق یابنده با میانگین نمره های آن ها ارتباط معنی داری وجود داشت. (Pvalue=0/028)

بحث و نتیجه گیری:

دانشجویان بهداشت عمومی دارای سبک های یادگیری متفاوتی هستند و اساتید باید به این نکته توجه نمایند و از روش ها و شیوه های نوین تدریس متناسب با سبک یادگیری دانشجویان استفاده کنند. تا فرصت تجارب یادگیری برای همه دانشجویان در کلاس درس فراهم شود.

کلمات کلیدی: سبک یادگیری، پیشرفت تحصیلی، دانشگاه

چالش های مشارکت موثر پرستاران بالینی در فرآیند کسب صلاحیت بالینی در دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی

سید عبدالمطلب حسنی^۱، خدیجه یزدی^۲، زهرا سبزی^۳، کوروش جودکی^۴

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۴. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: خدیجه یزدی

مقدمه:

صلاحیت بالینی به عنوان توانایی پرستار در عملکرد موثر و ایمن بالینی و انجام مسئولیت های حرفه ای در عرصه عمل تعریف شده است. دوره عرصه به منظور ایجاد موقعیت های مناسب برای افزایش مهارت در کاربرد دانش و شکل دهی مهارت های اساسی دانشجویان پرستاری نقش اساسی دارد. عواملی همچون کمبود مربیان مجرب یا عدم دسترسی به آنها و ناهماهنگی های سیستم آموزشی از عوامل تاثیر گذار بر آموزش بالینی دانشجویان پرستاری می باشد. همچنین پرستاران شاغل در بیمارستان که در محیط بالینی فعالیت می کنند نیز نقش مهمی در آموزش دانشجویان پرستاری دارند. با وجود اینکه پرستار نقش مهمی در آموزش دانشجویان دارد برخی از آنها مشارکت در آموزش دانشجو را جزئی از وظایف خود نمی دانند. با شناخت عوامل موثر بر مشارکت پرستاران در کسب صلاحیت بالینی دانشجویان پرستاری در عرصه، مسئولان قادر خواهند بود که برنامه های مطلوبی را طرح ریزی کرده و منجر به کسب صلاحیت بالینی دانشجویان پرستاری شوند. لذا با توجه به نقش مهم آموزش بالینی برای دانشجویان پرستاری در عرصه هدف از این مطالعه بررسی چالش های مشارکت موثر پرستاران بالینی در فرایند کسب صلاحیت دانشجویان عرصه می باشد.

مواد و روش ها:

این پژوهش بصورت کیفی با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی است که در سال ۱۳۹۹ در بخش های مراکز آموزشی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی گلستان انجام شد. مشارکت کنندگان اصلی شامل دانشجویان رشته پرستاری در مقطع عرصه و پرستاران شاغل در بیمارستان بودند. مشارکت کننده گان به روش هدفمند انتخاب شدند. از مصاحبه نیمه ساختاریافته و مشاهده جهت جمع آوری داده ها استفاده شد. داده ها با کمک نرم افزار مکس کیودی ورژن ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت مقبولیت داده ها از معیار چهارگانه لینکلن و گوبا استفاده شد.

نتایج:

تجزیه و تحلیل داده ها منجر به ظهور طبقه اصلی "عدم آمادگی جهت پرستاران جهت ایفای نقش آموزش به دانشجویان" شد. این طبقه شامل زیر طبقات "فقدان کفایت علمی پرستاران، ترس از تفویض اختیار به دانشجویان"، "تعاملات محدود پرستاران بالینی با دانشجویان" می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

یکی از مواردی که مانع کسب صلاحیت بالینی دانشجویان می شد فقدان کفایت علمی پرستاران بود. بیشتر مشارکت کنندگان بیان کردند پرستاران از دانش و مهارت کافی برخوردار نیستند و اصول علمی را رعایت نمی کنند به همین دلیل این دانشجویان دچار دوگانگی می شدند. در مطالعه ای که توسط ابادری و همکاران انجام شد تفاوت بین آموزش تئوری در کلاس با آنچه که در بیمارستان توسط پرستاران اجرا می شود را به عنوان عامل استرس زا در محیط بالینی گزارش کرد که این یافته با مطالعه حاضر در یک راستا می باشد. زیر طبقه دیگری که مشارکت کنندگان جز موانع کسب صلاحیت بالینی در ارتباط با پرستاران بیان کردند، ترس از تفویض اختیار به دانشجویان بود. نگرانی در مورد اشتباهات پزشکی به عنوان یکی از دلایل مهم روابط ضعیف بین پرستاران و دانشجویان گزارش شده است. در حالی که مهارت تفویض اختیار یکی از عناصر پرستاری هست بیشتر مشارکت کنندگان بیان کردند پرستاران در واگذاری پروسیجر به دانشجویان ترس و هراس دارند که دلیل آن می تواند عواقب بعدی و دادگاهی شدن پرستار باشد. زیر طبقه دیگری که در این مطالعه بدست آمد تعاملات محدود پرستاران با دانشجویان بود. در این مطالعه اکثر دانشجویان بیان کردند که پرستاران در کارشان نظارت کافی ندارند و فقط پرستاران در فکر انجام کار محوله به دانشجویان بودند و هیچ بازخورد مستقیم و غیر مستقیمی در جهت صحت اجرای کار نداشتند که این امر می تواند کیفیت مراقبت را کاهش داده و احتمال خطا را افزایش دهد. در این راستا مطالعاتی که در ایران توسط خلیف زاده انجام شدند نظارت در آموزش بالینی در ایران را اثربخش نمی دانند و علت آن را عدم مشارکت کارکنان و همچنین غیرتخصصی بودن نظارت در آموزش بالینی و کمبود وقت پرسنل پرستاری می دانند که با مطالعه حاضر همخوانی دارد. از آنجا که کارکنان پرستاری یکی از ارکان اصلی محیط بالینی دانشجویان پرستاری هستند، به نظر می رسد کاهش یا بهبود چالش همکاری ضعیف پرستاران بخش در آموزش بالینی دانشجویان پرستاری با رفع موانع همکاری پرستاران و افزایش تسهیل کننده ها در جهت کسب صلاحیت بالینی دانشجویان پرستاری می تواند کمک کننده باشد.

کلمات کلیدی: مشارکت پرستاران، صلاحیت بالینی، مطالعه کیفی

مقایسه دیدگاه اعضاء هیئت علمی و دانشجویان پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز در خصوص فرم ارزشیابی اساتید

مهدی بیژن زاده^۱، حمزه جعفرزاده^۱، عبدالحسین شکورنیا^۱، سمیه بی پروا حقیقی^۱، احمد فخری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

نویسنده مسئول: مهدی بیژن زاده

مقدمه:

یکی از روش ها به منظور ارتقای کیفیت آموزش و ارزیابی میزان موفقیت، در رسیدن به اهداف آموزشی، ارزشیابی اساتید است. یکی از مهم ترین فرایندهای ارزیابی اساتید، اخذ نظر دانشجویان از ابعاد گوناگون به وسیله فرم ارزشیابی است. امروزه، ارزشیابی از فعالیت های آموزشی استادان در دانشگاه ها با بیش از هزاران نوع پرسشنامه ارزشیابی مختلف انجام میگیرد. وظیفه مهم و بارز آموزش که به استاد محول شده است در پایان هر نیم سال از طریق سایت، توسط دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز مورد ارزیابی قرار میگیرد. دانشجویان در صورتی که فرم ارزشیابی اساتید را تکمیل نکنند قادر به اخذ کارت ورود به جلسه نیستند. و در واقع تکمیل این فرم الکترونیکی اجباری است. ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان به وسیله پرسشنامه های مشخص که در مورد دروس نظری و عملی در اختیار آنان قرار داده می شود، انجام می گیرد. این مطالعه با هدف مقایسه دیدگاه دانشجویان و اعضاء هیئت علمی پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز در خصوص فرم ارزشیابی اساتید انجام شده است.

مواد و روش ها:

در این مطالعه توصیفی تحلیلی نظرات اساتید و دانشجویان رشته پزشکی مورد بررسی قرار گرفت. حجم نمونه با توجه به جدول مورگان ۵۲ نفر از اساتید دانشکده پزشکی و تعداد ۲۵۰ نفر از دانشجویان رشته پزشکی بودند که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به تدریس و آموزش اشتغال داشتند. جهت گردآوری داده ها از پرسش نامه محقق ساخته استفاده شد که در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت نمره دهی می شد. روایی پرسشنامه با نظر سنجی از کاشناسان آموزش پزشکی تایید شد و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرانباخ ۰/۹۱ محاسبه شده است. تحلیل داده ها با بکارگیری نرم افزار SPSS22 و با استفاده از آزمون t مستقل صورت گرفته است.

نتایج:

میانگین کلی نمرات اساتید و دانشجویان نسبت به ارزشیابی استاد به ترتیب عبارت بود از $۰/۵۸ \pm ۳/۱۳$ و $۰/۵۶ \pm ۲/۷۴$ و مقایسه میانگین ها نشان داد که تفاوت معنی داری بین نظرات اساتید و دانشجویان وجود دارد ($p=0.001$) و ارزیابی اساتید از ارزشیابی مثبت تر می باشد. همچنین میانگین نمرات از روند

کنونی ارزشیابی استاد به ترتیب برای اساتید و دانشجویان $۱/۰۸۵ \pm ۳/۰۰$ و $۱/۰۰۱ \pm ۱/۹۲$ بود ($p=0.001$) و رضایت دانشجویان از روند کنونی ارزشیابی استاد در دانشکده بطور معنی داری پایین تر می باشد. در خصوص قابل اعتماد بودن نتایج ارزشیابی استاد، دانشجویان و اساتید به ترتیب با نمره $۲/۷۲ \pm ۱/۰۲$ و $۲/۶۳ \pm ۰/۹۲۹$ بود. این اختلاف معنادار نبود و با توجه به اینکه بازه نمره از ۱ تا ۵ است، نمره داده شده نمره مطلوبی نبود. دانشجویان و اساتید در خصوص الکترونیک بودن فرم ارزشیابی نظر مساعد دارند و نیازی به تغییر روند الکترونیکی فرم دیده نمی شود ($p=0.001$). در خصوص الزامی بودن فرم ارزشیابی دانشجویان مخالف الزامی بودن هستند و اساتید موافق هستند ($p=0.030$).

بحث و نتیجه گیری:

دانشجویان احساس می کنند که نتایج حاصل از ارزیابی آنها هیچ گونه تاثیری در بهبود شرایط و ارتقاء سیستم ندارد و از طرفی نگرانی از آشکار شدن هویت شان دارند، تعداد زیاد سوالات، عدم تناسب سوالات فرم ارزشیابی اساتید با اهداف ارزیابی و تئوری و عملی بودن درس باعث می شود دقت دانشجویان در تکمیل کردن فرم ارزشیابی کاهش پیدا کند و نتیجه آن مورد رضایت اعضای هیئت علمی نباشد. از طرفی غیر قابل اعتماد بودن نتایج باعث می شود اساتید توجه لازم به نظرات نداشته باشند و نتایج را در تغییر شیوه و ارتقا خود لحاظ نکنند و به دنبال آن دانشجویان هم وقتی شاهد عدم تغییر هستند نسبت به تکمیل فرم بی انگیزه تر می شوند. دانشجویان و اساتید دانشکده پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز، روند کنونی تکمیل فرم ارزشیابی را مطلوب نمی دانند و نتایج حاصل از آن را قابل اعتماد نمی دانند و این فرایند نیاز به اصلاح دارد.

کلمات کلیدی: فرم ارزشیابی اساتید، دانشجویان، آموزش پزشکی

تبیین درک دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران از هویت حرفه ای تجربه شده در مقاطع آموزش بالینی: یک مطالعه کیفی

زهرا سادات طباطبائی^۱، فاطمه ابراهیم پور^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه:

شکل گیری هویت حرفه ای با رشد ارزش ها، باورها، احساس دلبستگی، تعلق به آرمان ها و همگامی با هنجارهای حرفه ای همراه است. فرایند شکل گیری هویت حرفه ای بر تقویت توانایی اندیشیدن، عمل کردن و احساس کردن همانند یک پزشک تمرکز دارد. این فرآیند بیشتر به عنوان یک فرآیند مداوم و خود راهبر تعریف شده است که در طی آن ویژگی ها، ارزش ها و هنجارهای حرفه پزشکی به دست آمده، در فرد درونی می شود. دانشجویان پزشکی در محیط های آموزش دانشگاهی، بیمارستانی و جامعه با پدیده ها، تعاملات و بسترهای پیچیده، پویا، متغییر و چند بعدی در حرفه روبرو می شوند که می تواند بر چگونگی شکل گیری هویت و درک آنان از حرفه پزشکی موثر باشد. هدف از این مطالعه تبیین درک دانشجویان پزشکی از هویت حرفه ای تجربه شده در مقاطع آموزش بالینی بود.

مواد و روش ها:

در این مطالعه کیفی ۱۵ دانشجوی کارآموز و کارور پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران به روش نمونه گیری مبتنی بر هدف مشارکت داشتند. معیارهای ورود دانشجویان به مطالعه، داشتن حداقل ۶ ماه تجربه حضور در بالین و داشتن حداقل یک تجربه تعارض اخلاقی در موقعیت بالینی بر اساس خوداظهاری دانشجویان بود. گردآوری داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند تا رسیدن به اشباع درون مایه ها صورت گرفت. به منظور واکاوی عمیق تجارب دانشجویان، مدت زمان انجام مصاحبه ها از ۶۰ الی ۹۰ دقیقه به طول انجامید. سپس با استفاده از روش تحلیل تماتیک، اقدام به استخراج درون مایه های اصلی و فرعی شد.

نتایج:

در مجموع ۴ درون مایه اصلی و ۱۵ درون مایه فرعی و ۱۳۴ کد تبیین شد. هویت حرفه ای درک شده توسط دانشجویان پزشکی در فاز بالینی در قالب چهار درون مایه اصلی نشانگر گذرگاه های شناختی (شامل ۱) از مشاهده گری تا درک اولویت ها (پرهیز از کم کاری، حفظ حریم خصوصی، گوش دادن به بیمار و...)، (۲) از مواجهه با تعارضات اخلاقی تا درک هیجانات خود (حس پزشکی نصفه نیمه، درماندگی، عدم استدلال در لحظه و...)، (۳) از عوامل زمینه ساز فردی تا آموزشی (حجم کاری بالا و فضای نامناسب،

الگومحور بودن یادگیری در آموزش هرمی، (۴) از تحلیل موقعیت تا کنشگری فعالانه (تفکر جمعی، کمک گرفتن از الگوی مثبت و منفی، امتناع از دادن بازخورد) بود.

بحث و نتیجه گیری:

دانشجویان پزشکی در ابتدای ورود به مقاطع بالینی موقعیت های اخلاق حرفه ای و مختلفی را درک می کنند، اما عمدتاً در تحلیل موقعیت، تصمیم گیری و درونی کردن ارزش های حرفه ای دچار سردرگمی ناشی از عدم دریافت آموزش های جامع و مبتنی بر موقعیت می شوند و در نهایت از استراتژی های فردی شناختی برای گذر از تعارضات موجود و یادگیری اخلاقی استفاده می کنند. یافته های این مطالعه بر تقویت مهارت های فردی، توسعه و تدوین رویکرد و روش های موثرتر برای آموزش اخلاق حرفه ای مبتنی بر بالین بیمار و بهبود ارتباط استاد و دانشجو برای ارتقا فرایند آرایه بازخورد اخلاقی تاکید دارد.

کلمات کلیدی: شکل گیری هویت حرفه، بالین، دانشجوی پزشکی



بررسی رابطه مهارت های ارتباطی اساتید با تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

ماهدخت طاهری^۱، محمد سمایی^۱، پوریا اکبری^۱، سپیده روح الامین^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نویسنده مسئول: محمد سمایی

مقدمه:

تدریس اثربخش مجموعه ای از عملکردها و ویژگی های یک مدرس است که باعث دستیابی به اهداف آموزشی و یادگیری دانشجو می شود. از طرفی برقراری ارتباط موثر بین استاد و دانشجو از اجزای غیرقابل انکار محیط دانشگاهی می باشد. با توجه به اهمیت عملکرد آموزشی اساتید، این پژوهش با هدف تعیین رابطه مهارت های ارتباطی اساتید با تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی انجام شد. شناخت نظر دانشجویان درباره این مسئله می تواند در فرایند آموزش و برنامه ریزی آموزشی اهمیت فراوانی داشته باشد.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی- تحلیلی بوده که به صورت مقطعی بر روی ۱۵۰ نفر از دانشجویان دندانپزشکی سال دوم تا ششم در دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ انجام شد. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه ای شامل دو بخش مشخصات فردی و مهارت های ارتباطی بارتون جی ای و کیفیت تدریس سراج بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری همبستگی اسپیرمن و t-مستقل استفاده شد.

نتایج:

یافته ها نشان داد که از بین ابعاد مهارت های ارتباطی، مهارت کلامی ($p < 0.001$, $r = 0.33$) و روابط بین فردی ($p < 0.001$, $r = 0.45$) با اجرای تدریس ارتباط مستقیم و معنی دار وجود دارد. همچنین بین مهارت بازخورد با طرح درس ($p < 0.001$, $r = 0.33$) و ارزشیابی تدریس ($p < 0.01$, $r = 0.20$) ارتباط مستقیم و معنی دار مشاهده شد. براساس نتایج بدست آمده بین مهارت کلامی ($p < 0.001$, $r = 0.27$) با معدل ارتباط معکوس و معنی دار وجود داشت. به طوریکه با افزایش معدل، مهارت کلامی کاهش می یابد. نتایج نشان داد که بین میانگین نمره مهارت کلامی ($p = 0.039$) و مهارت شنود ($p = 0.012$) در افراد مجرد و متاهل تفاوت معنی دار وجود دارد. بدین معنی که میانگین نمره مهارت کلامی و مهارت شنود در افراد مجرد بالاتر از افراد متاهل بود. همچنین اولویت های تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان به ترتیب ابعاد طرح درس، روابط بین فردی، اجرای تدریس و ارزشیابی تدریس بود.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج حاصله، می توان گفت که بین مهارت های ارتباطی اساتید با تدریس اثربخش رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد. یعنی اساتید با تقویت مهارت های ارتباطی (به خصوص مهارت کلامی و بازخورد) می توانند کیفیت تدریس خود را ترقی بخشند و در کنار عوامل متعدد دیگر در افزایش کیفیت محیط آموزشی نقش موثری داشته باشند. همچنین اساتید دارای مهارت کلامی و بازخورد بالاتر، توانایی بیشتری در امر تدریس دارند. لذا توصیه می شود به تمرین و یادگیری مهارت های برقراری یک ارتباط موثر، به خصوص برای استادان که همواره با گروه کثیری از دانشجویان در تعامل هستند، توجه شود تا منجر به موفقیت هرچه بیشتر در حوزه آموزشی و پیشرفت دانشجویان گردد. توجه به مهارت های ارتباطی می تواند زندگی دانشجویان را در آینده متحول نماید. به همین علت پیشنهاد می شود ارزیابی های دقیق برای تعیین سطح مهارت های ارتباطی اساتید در بحث تدریس، توانایی های پایه و نیازهای ایشان انجام شود. همچنین برگزاری کارگاه های آموزشی توسط سازمان های مربوطه و برنامه ریزی های لازم، نقش موثری در بهبود هرچه بیشتر کیفیت تدریس در دانشگاه ها خواهد داشت.

کلمات کلیدی: مهارت های ارتباطی، تدریس اثربخش، دانشجویان دندانپزشکی



ارزیابی اثر زیست آهنگ بر میزان حساسیت صوتی و ترس از ارزیابی منفی در دانشجویان

وحیده ابوالحسن نژاد^۱، غلامرضا شریف زاده^۱، بی بی نرگس معاشری^۱، مریم میری^۱، طاهره نخعی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

نویسنده مسئول: وحیده ابوالحسن نژاد

مقدمه:

زیست آهنگ دانش شناخت ریتمی بدن انسان و از مهمترین موضوعات در حیطه شناسایی ارگونومی ذهن است که با شناسایی جنبه های جسمانی، حسی، شناختی و شهودی شخص می تواند در کاهش اشتباهات بدون دلیل و نوسانات عملکردی افراد نقش موثری ایفا نماید. تغییرات روزانه انرژی بواسطه زیست آهنگ بدن به عنوان یک عامل محرک درونی می تواند ویژگی های شخصیتی و فردی از قبیل حساسیت صوتی و ترس از ارزیابی منفی در دانشجویان را تحت تاثیر قرار داده و افت و خیزی را در فرآیند یادگیری دانشجو خصوصا در روزهای بحرانی وی ایجاد نماید. حساسیت صوتی به عنوان یک مشخصه اغلب ذاتی می تواند منجر به عکس العمل یا رفتار فرد در محیط پر صدا گردد. ترس از ارزیابی منفی نیز به عنوان یک عامل اضطرابی شناسایی شده که دانشجو را بیش از حد نسبت به نظرات منفی دیگران حساس می نماید. تاثیر زیست آهنگ در روزهای بحرانی بر حساسیت و اضطراب دانشجویان و همزمانی آن با فرآیندهای یادگیری و ارزشیابی، انگیزه یادگیری و تلاش برای مشارکت در فعالیت های آموزشی و در نهایت عملکرد تحصیلی آنان را تحت تاثیر قرار می دهد لذا، بررسی این تاثیرپذیری لازم و ضروری به نظر می رسد. مطالعه حاضر با هدف تعیین اثربخشی بیوریتیم (زیست آهنگ) بر میزان حساسیت صوتی و ترس از ارزیابی منفی در دانشجویان به انجام رسیده است.

مواد و روش ها:

در این پژوهش مقطعی که بر روی تعداد ۹۷ دانشجوی دانشکده بهداشت به انجام رسید، بر اساس تاریخ تولد دانشجویان، اطلاعات مربوط به بیوریتیم یا زیست آهنگ با استفاده از نرم افزار Natural Biorhythms-3.04 استخراج گردید. چرخه های ریتمی دانشجویان در چهار حیطه جسمانی، عاطفی، ادراکی و شهودی ترسیم و امکان مقایسه موقعیت های مختلف چرخه های زیستی با دوره زمانی ثابت تحت سه وضعیت شارژ (مثبت)، بحران (گذار) و دشارژ (منفی) فراهم شد. در روزهای بحرانی یعنی زمانی که سیکل ها از روی نقطه صفر عبور می کنند، به نظر می رسد فرد در یک وضعیت بی ثبات بوده و آمادگی عکس العمل نشان دادن در یک موقعیت ضروری را در سطح بهینه ندارد. در این مطالعه، با تحلیل منحنی های سینوسی ترسیم شده، دو روز بحرانی و غیر بحرانی برای دانشجویان در نظر گرفته شده و دو پرسشنامه

حساسیت به صدای و اینشتاین و ترس از ارزیابی منفی در این دو روز به شیوه خود اجرایی نیمه نظارتی تکمیل گردید و سپس داده های بدست آمده پس از ورود به نرم افزار SPSS ورژن ۲۶ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج:

در این پژوهش مقطعی که بر روی تعداد ۹۷ دانشجو با میانگین سنی $21/9 \pm 1/6$ سال انجام و $75/3\%$ دانشجویان مورد مطالعه مونث، $74/2\%$ مجرد و $48/5\%$ در منزل شخصی سکونت داشتند، در روزهای بحرانی شناسایی شده با استفاده از نرم افزار، میانگین نمره حساسیت به صدا $63/8 \pm 13$ و در روزهای غیر بحرانی $62/1 \pm 14$ بدست آمد که در روز بحرانی مورد مطالعه بطور معناداری بالاتر از حساسیت به صدا در روز غیر بحرانی خود بوده است. ($02/0, P=28/2t=$) نمره ترس از ارزیابی منفی در روز بحرانی $8/2 \pm$ و در روز غیر بحرانی $34/1 \pm 7/8$ بود اما اختلاف آماری معنی داری را نشان نداد. ($3/0, P=03/1Z=$) همچنین حساسیت به صدا در دانشجویان ساکن خوابگاه های دانشجویی در روزهای بحرانی و غیر بحرانی به طور معناداری بالاتر از دانشجویان ساکن در خانه های دانشجویی بود.

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نظریه بیوریتیم، افراد در زمان های مختلف رفتارهای متفاوتی از خود نشان می دهند و این تغییر درونی می تواند علت رفتارهای بیرونی و عملکردهای متفاوت آن ها در زمان های مختلف باشد. پیرو نتایج به دست آمده، دانشجویان در روزهای بحرانی از حساسیت صوتی بالاتری برخوردار بوده اند. بر این اساس شاید بتوان گفت که ریتم های زیستی در روزهای بحرانی به طور غیرمستقیم و از طریق تغییر برخی مشخصه های ذاتی بر میزان انرژی و نوع رفتار انسان اثرگذار بوده و لذا، تنظیم برنامه های آموزشی خاص و زمانبندی ارزشیابی تحصیلی بر اساس زیست آهنگ می تواند افزایش بهره وری و بازدهی مورد انتظار را در دانشجویان به همراه داشته باشد. ضمن اینکه افزایش حساسیت صوتی در دانشجویان ساکن خوابگاه دانشجویی به عنوان یک فاکتور محیطی می تواند نشان از تغییر انرژی و زیست آهنگ در هر شرایط ریتمیک در اثر عوامل مختلف درونی و بیرونی باشد.

کلمات کلیدی: زیست آهنگ، حساسیت صوتی، ترس از ارزیابی منفی، دانشجویان

چالش های ارتباط و مشارکت در کلاس منحصرآ مجازی در دوران کووید؛

یک مطالعه کیفی

شهین سالاروند^۱، معصومه سادات موسوی^۲، مجید رحیمی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: شهین سالاروند

مقدمه:

با گسترش شیوع بیماری کووید ۱۹ در سال ۲۰۱۹ به عنوان یک بیماری همه گیر و بحران جهانی، تمام جنبه های زندگی از جمله آموزش تحت تاثیر قرار گرفت. اکثر دولت ها از روش های جایگزین جهت آموزش دانشجویان استفاده نمودند تا تداوم آموزش حفظ شود. از جمله این روش ها، آموزش مجازی بود. از آنجا که ارتباط و تعامل در هر شکلی از آموزش، حیاتی است. این پژوهش کیفی جهت تبیین تجارب اساتید و دانشجویان علوم پزشکی از چالش های ارتباط و همکاری در کلاس در عصر کووید انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه ای کیفی توصیفی اکتشافی با اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی که تجربه حضور/تدریس در کلاس آنلاین در دوره تعطیلی کووید را داشتند و بوسیله نمونه گیری هدفمند وارد مطالعه شدند. سؤال اصلی اولیه در این پژوهش عبارت بود از: تجربه شما از ارتباط و همکاری در کلاس های آنلاین در دوره تعطیلی کووید چیست؟ و سؤالات بعدی با توجه به بیانات شرکت کنندگان جهت رسیدن به اطلاعات هر چه عمیق تر ادامه یافت.

نتایج:

نتایج این مطالعه شامل چالش های ارتباطی در آموزش مجازی مرتبط با پاندمی کووید را در دو طبقه محوری از تجارب ارتباطی استاد و دانشجو در عصر کووید بیان کرد که عبارت از؛ نقص در اجتماعی شدن دانشجویان و دغدغه های مرتبط با ارتباط بودند که هر کدام دارای زیر طبقاتی بودند. شرکت کنندگان مطالعه حاضر به نقص در اجتماعی شدن دانشجویان علوم پزشکی در طی آموزش صرفا مجازی در پاندمی کووید اشاره کردند. طبقه نقص در اجتماعی شدن، دارای زیر طبقات کاهش حس اجتماعی و مدیریت در کلاس، کاهش یادگیری اجتماعی مطلوب، نقص در کسب هویت حرفه ای، نارسایی در بازخوردهای آموزشی، و موانع زیر ساختی در ایجاد ارتباط مطلوب بود. طبقه دغدغه های مرتبط با ارتباط دارای زیر طبقاتی مانند برخوردهای غیر مدنی، احساس عدم حمایت و دلگرمی در دانشجویان، و تنگناها بود.

بحث و نتیجه گیری:

مطالعه حاضر نشان داد که دیالوگ ها و ارتباطات مجازی غیر رسمی بین دانشجویان و دانشجویان و مربیان زیاد شده بود... ولی ارتباطات آموزشی که منجر به بهبود یادگیری شوند، ضعیف بود. با توجه به فقدان ارتباط حضوری در دوران آموزش آنلاین پاندمی کوید، برنامه درسی پنهان و اجتماعی شدن دانشجویان با اختلال رو برو شدند. برنامه درسی پنهان و اجتماعی شدن که با مشاهده رفتارها و ارتباط با دیگران کسب می شود، تاثیر بسزایی در آموزش دانشجویان علوم پزشکی و کسب هویت حرفه ایی دارد. کلاس درس تنها محلی برای انتقال دانش نیست. بلکه جامعه ای کوچک ولی بسیار مهم است و نباید انتظار داشت که دانشجو به صورت منفعل در کلاس درس حاضر و فقط شنونده باشد.

کلمات کلیدی: ارتباط، مشارکت کلاسی، کلاس آنلاین.



پاسخگویی آموزش مداوم: بررسی ارتباط میان مشارکت پزشکان در فعالیت های آموزش مداوم و رویداد قصور و تخلفات پزشکی

امیرمازیار نیائی^۱، علیرضا سلیمی^۱، اکبر بلوردی^۱، فرشید منجمی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. اداره کل آموزش مداوم وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

نویسنده مسئول: امیر مازیار نیائی

مقدمه:

خطاهای پزشکی عامل بخشی از مرگ و میر و آسیب به بیماران است و به یک نگرانی عمومی، در بین سیاستگذاران، ارایه دهندگان و متخصصان سلامت تبدیل شده است. اکثر این خطاها به دلیل آموزش ناکافی در طول تحصیل و حین خدمت رخ می دهد. این موارد می توانند موجب افزایش هزینه های درمان و افزایش طول مدت بستری بیماران شوند. آموزش مداوم جامعه پزشکی از جمله استراتژی های نوین حفظ و ارتقای دانش جامعه پزشکی به شمار می رود که جهت ارتقای سلامت جامعه طی چند دهه گذشته توسط اکثر کشورها بکار گرفته شده است، قانون آموزش مداوم پزشکی در ایران نیز در پی تصویب در سال ۱۳۷۵ برای مشاغل وابسته پزشکی مصوب و اجرا شده است. بعد از بیش از ۲۵ سال اجرای قانون این مطالعه به منظور بررسی اثربخشی این آموزش ها در حیطه پیامد از طریق جستجوی ارتباط بین میزان آموزش های مداوم دریافت شده شاغلان حرف مختلف علوم پزشکی و بروز خطا توسط ایشان انجام شد.

مواد و روش ها:

در این پژوهش از نوع علی مقایسه ای گذشته نگرکه با همکاری سه جانبه دانشگاه، سازمان نظام پزشکی و اداره کل آموزش مداوم وزارت انجام گرفت، جمعا سوابق آموزش مداوم سه گروه خطا (تایید شده)، برائت (از خطای نسبت داده شده) و شاهد در دو پژوهش متوالی با رعایت محرمانگی اطلاعات شرکت کنندگان، مورد بررسی قرار گرفت. در مطالعه اول داده های مربوط به ۳۷۱ پزشک از کل کشور و دیگر شاغلان حرف مرتبط شامل ۱۸۵ نفر در گروه خطا (۵۲ زن و ۱۳۳ مرد) و ۱۸۶ نفر در گروه برائت (۸۰ زن و ۱۰۶ مرد) که عملکرد ایشان در هیات های انتظامی سازمان نظام پزشکی در فاصله سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفته بود، در مطالعه وارد و مورد تحلیل قرار گرفت. در مطالعه دوم که به جهت عدم معناداری تفاوت بین دو گروه خطا و برائت انجام گرفت، گروه شاهد از مجموعه مشمولان آموزش مداوم تحت پوشش دانشگاه به صورت تصادفی که هریک با یکی از اعضای گروه خطا بر اساس تخصص

مربوطه و با احتساب امتیاز آموزش مداوم ۵ سال منتهی به خطای عضو نظیر در گروه خطا، جور شدند؛ به تعداد ۱۸۵ (۶۶ زن و ۱۱۹ مرد) به طور تصادفی انتخاب شده و با گروه خطا مقایسه شدند.

نتایج:

مطالعه اول) بین گروه‌های خطا و برائت در هیچ یک از سال‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ سال قبل از خطا اختلاف آماری معنادار وجود نداشت و تنها اختلاف معنی دار در سال منجر به خطا بود. همچنین بین امتیازات کسب شده و حداقل لازم امتیاز براساس قانون (۲۵) نیز تفاوت معناداری مشاهده نشد و اختلاف تنها منحصر به سال خطا در گروه خطا بود. یافته‌ها نشان داد که فراوانی وقوع خطا در مردان بیشتر از زنان بوده است، به طوری که درصد مردان در هر دو گروه خطا و برائت بیشتر است (۷۱٫۹ درصد مرد در برابر ۲۸٫۱ زن در گروه خطا و ۵۷ درصد مرد در برابر ۴۳ درصد زن در گروه برائت). بیشترین فراوانی خطا متعلق به پزشکان عمومی و متخصصان زنان و زایمان بود.

مطالعه دوم) بین دو گروه خطا و شاهد در ۱ تا ۴ سال قبل از وقوع خطا هیچ تفاوت معناداری مشاهده نشد که یافته مطالعه اول را تایید کرد، تنها تفاوت مشاهده شده بین ۶ ماه منجر به خطا بود (P-Value<0.001). همچنین بین دو گروه طی سال‌ها در سن، جنسیت و تجربه تفاوت معنی دار وجود نداشت و تنها تفاوت مشاهده شده در میزان تجربه سال معطوف به خطا بود (P-value=0.003).

بحث و نتیجه گیری:

معنا داری تفاوت گروه خطا و شاهد اهمیت به روز بودن شاغلان حرف سلامت را در فواصل حداقل ۶ ماه مطرح می‌کند، که می‌تواند به جهت دریافت آموزش داوطلبانه گروه شاهد و بیش از سقف لازم قانون باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت طبق اصول یادگیری بزرگسالان آموزش‌های خودانگیزه تاثیر بیشتری می‌گذارند. اهمیت آموزش اخلاق و منش حرفه‌ای نیز موضوع مهمی است که باید به آن پرداخته شود. عدم وجود تفاوت بین دو گروه در دیگر موارد بر ضرورت عبور از آموزش مداوم به سمت توسعه حرفه‌ای مداوم (CPD) صحنه گذارده، با نظر وودوارد (۲۰۱۰) که معتقد است، آموزش‌های مداوم پزشکی در پیشگیری از خطا غیرموثر بوده و با ارزیابی ضعیف ارایه می‌شوند، مطابقت دارد.

کلمات کلیدی: آموزش مداوم، خطای پزشکی

تحلیل نیازهای آموزشی برنامه های فلوشیپ چشم پزشکی ایران: یک تحقیق

کیفی بر اساس مدل STEEPV

محمد علی جوادی^۱، شیما طباطبایی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: محمد علی جوادی

مقدمه:

آموزش فلوشیپ چشم پزشکی نظیر سایر برنامه های آموزش تکمیلی تخصصی، متمرکز بر پیشرفت آموزشی، پیشرفت در تحقیقات پزشکی و ارتقای کارآمدی آکادمیک است. مدت این دوره های فلوشیپ در کشور یک تا دو سال است و بر ارتقای دانش نظری پزشکان متخصص و مهارت عملی (بالین و جراحی) متخصصان و افزایش فعالیت های تحقیقاتی در رشته مورد نظر تاکید دارد. همچنین گذاردن دوره های فلوشیپ پزشکی در روند استخدام اعضا هیات علمی نقش موثری دارد. در ایران یک روند افزایشی مداوم در گسترش دوره های فلوشیپ و پذیرش فلوها در رشته های مختلف چشم پزشکی، وجود داشته است. علی رغم مزایای متعدد آموزش فلوشیپ برای متخصصان و دانشگاه های علوم پزشکی، گسترش دوره های فلوشیپ مضراتی نیز دارد. همچنین گسترش دوره های فلوشیپ، نیاز برای ارزشیابی کیفیت آموزش و برنامه ریزی موثر برای آینده نیروی پزشکی را ضروری می سازد. از آنجایی که روندهای موثر بر آینده مراقبت های تخصصی چشم پزشکی نیز در حال تغییر هستند و رویکرد آموزش پزشکی تخصصی چشم پزشکی در حال تغییر است، لازم است سیاستگذاری ها و برنامه ریزی ها برای توسعه آموزش تکمیلی تخصصی (فلوشیپ) بر اساس مطالعات آینده پژوهی متحول گردد. هدف این تحقیق بررسی اهمیت تحلیل نیازهای سلامت، چالش ها، کمبودهای آموزشی، روندهای جاری و آینده و تاثیرات بالقوه آن ها بر آموزش فلوشیپ چشم پزشکی است. همچنین اینکه چه نیازهای آموزشی از طریق آموزش فلوشیپ در رشته چشم پزشکی قابل دستیابی است، مورد بحث قرار می گیرد.

مواد و روش ها:

این مطالعه آینده پژوهی با مشارکت خبرگان آموزش چشم پزشکی، برای تبادل نظر و بحث متمرکز با هدف کسب دانش گروهی و دستیابی به نتایج، برای حل مشکلات آموزش فلوشیپ در رشته چشم پزشکی صورت پذیرفت. این روش بر پیمایش ساختارمند استوار است. جامعه خبرگان مطالعه متشکل از اساتید برجسته و تصمیم گیران آموزش چشم پزشکی هستند در راند اول پرسشنامه ها برای خبرگان ایمیل شد و پاسخ ها دریافت و تحلیل شد. در راند دوم نشست پانل خبرگان دوساعت به طول انجامید. تحلیل چارچوبی بر اساسی مدل STEEPV صورت پذیرفت.

نتایج:

مهمترین روندهای موثر بر آینده آموزش فلوشیپ چشم پزشکی در ایران شامل: تغییر نسل و تغییر الگوی کار چشم پزشکان، رشد مهاجرت متخصصان پزشکی، رشد در تعداد خانم‌های چشم پزشک، تغییرات در توقعات پزشکان برای برنامه‌های آموزشی، رشد تکنولوژی‌های آموزشی و ارتباطی، و پیشرفت‌های جدید در تکنولوژی‌های درمانی در تخصص چشم پزشکی بود. مضامین استخراج شده از اولویت‌ها شامل: ارتقای اخلاق و حرفه‌ای‌گری در چشم پزشکی، ارتقای آموزش فلوشیپ چشم پزشکی مبتنی بر توانمندی، ارزیابی مبتنی بر عملکرد، بهره‌مندی از تکنولوژی شبیه‌سازی مجازی در آموزش، و ارتقای تحقیقات بود.

بحث و نتیجه‌گیری:

تحلیل نیازهای آموزشی برای گسترش فلوشیپ‌های رشته چشم پزشکی حایز اهمیت فراوان است. اگر ریشه اصلی مشکلاتی که بر عملکرد چشم پزشکان تاثیر می‌گذارد، نقصان‌های آموزشی باشد، در نتیجه تحلیل نیازهای آموزشی و در نهایت برگزاری دوره‌های تکمیلی تخصصی پیشنهاد می‌شود. اگر علت‌های ریشه‌ای همانا نقصان‌ها در مهارت‌های جراحی و دانش بالینی باشد، افزایش ظرفیت و پذیرش فلوشیپ‌ها تضمین‌کننده کارآمدی پزشکان نخواهد بود. یک تحلیل جامع بر اساس آینده‌پژوهی تعیین خواهد نمود که دپارتمان‌های بالینی آکادمیک، در نهایت چگونه بر کارآمدی و عملکرد متخصصان تاثیر گذار خواهند بود. تاثیرات نامناسب دپارتمان می‌تواند به دلیل سیاست‌گذاری‌های غیر موثر؛ استانداردهای پایین آموزشی و البته تجهیزات پزشکی نامناسب و ناایمن باشند. اگرچه، برنامه‌های فلوشیپ به طور باقوه تضمین می‌نمایند که برای آموزش پزشکان متخصص مفید باشند، لازم است در نظر داشته باشیم که روندهای نوظهور که بر آینده روش ارائه و برنامه ریزی آموزش فلوشیپ از طرف دپارتمان‌های تخصصی بالینی موثر خواهند بود.

کلمات کلیدی: فلوشیپ، چشم پزشکی، کیفی



طراحی، اجرا و ارزشیابی پاورپوینت های انیمیشنی در آموزش آناتومی

لیلا بیگم حجازیان^۱، زینب غلام نیا شیروانی^۱، زینب حسینی مطلق^۱، سیده زهرا بابازاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بابل، ساری، ایران

نویسنده مسئول: لیلا بیگم حجازیان

مقدمه:

امروزه ما در عصر دیجیتال، هستیم و با نسل نت، نسل جدیدی از جوانان که به استفاده از فناوری به شکلی تقریباً ذاتی، عادت کرده اند سر و کار داریم، بنابراین نیازهای گسترده آموزشی چنین جوامعی با استفاده از روش های آموزشی سنتی، دیگر به تنهایی پاسخگو نیست و نظام آموزش سنتی را در بسیاری از کشورهای جهان با مشکلات و چالش های جدی روبه رو کرده است. پیشرفت تکنولوژی، ابزارهای کمکی متعددی را در اختیار انسان قرار داده است که به تدریج به بخشی ضروری از زندگی همه تبدیل شده است. در حال حاضر، اگر معلمان بخواهند پتانسیل های ذاتی فراگیران را آزاد کنند استفاده از فناوری های جدید دیگر یک گزینه نیست، بلکه یک ضرورت است. استفاده از روش های نوین آموزشی و خلاقانه در امر یادگیری، علاقه مندی دانشجویان را برای یادگیری افزایش داده و دانشجویان را به نوآوری هدایت می کند. آموزش به روش انیمیشن، یک رویکرد نوین آموزشی است، در خصوص اغلب روش های نوین آموزشی، اعتقاد بر این است که اجرای آنها نیازمند امکانات و فضاهای آموزشی و صرف وقت زیاد می باشد که خوشبختانه آموزش به روش انیمیشن از نیازمندی های فوق، مبرا است. اگر انیمیشن به درستی استفاده شود، می تواند موارد غیرقابل دسترسی را وارد کلاس کند. روش انیمیشن به عنوان سکوی پرشی برای راه اندازی فراگیران در طیف گسترده ای از یادگیری عمل می کند. آناتومی بدن انسان به صورت مجموعه ای از ساختارهای پیچیده و مرتبط به هم است و درک این ارتباطات و تعاملات نیازمند تجسم سه بعدی است. درک سه بعدی و فضایی دانشجویان از دانش آناتومی به طور عمده محدود به تصاویر دو بعدی موجود در کتاب ها و اطلس های پزشکی می شود. تعامل با تصاویر موجود در اطلس های پزشکی به اندازه کافی کمک کننده نیست تا دانشجو بتواند تصاویر آناتومیکی را در ذهن خویش بسازد. از این رو، تولید پاورپوینت های انیمیشنی در آموزش آناتومی، اهمیت ویژه ای در یادگیری آسان آناتومی و تجسم قسمت های مختلف آناتومیکی به شکل ملموس تری در ذهن افراد دارد. باتوجه به اهمیت این درس به جرأت میتوان بیان داشت که توسعه دانش پزشکی بدون تکیه اساسی به دانش آناتومی ممکن نیست چراکه علم تشریح در این زمینه دارای نقش محوری میباشد. جهت طراحی، تدوین و تولید چنین پاورپوینت هایی علاوه بر فناوری انیمیشن، نیاز به احاطه کامل در حیطه علمی مربوطه (آناتومی) می

باشد. بنابراین مقاله حاضر با هدف طراحی، تدوین و تولید پاورپوینت های آموزشی آناتومی به روش انیمیشن در دانشگاه علوم پزشکی بابل تنظیم گردیده است.

مواد و روش ها:

ابتدا، اسلاید قسمت های مورد نظر اعم از استخوان، رباط، عضلات، عروق، اعصاب، لایه بندی های سطحی و عمقی و بصورت اولیه از اینترنت انتخاب می شوند، سپس تغییرات لازم بر روی همین تصاویر در محیط های پینت و پاورپوینت صورت گرفته، مجدداً طراحی و دوباره سازی می شوند، این شکل نهائی به عنوان تصویر خام، نامیده می شود. طراحی، تدوین و تولید انیمیشن در محیط پاورپوینت، بر روی همین تصاویر خام، صورت می پذیرد، البته باید در نظر داشت که اسلایدهای انیمیشن، با توجه به لایه بندی، مجاورت و مشخصات آناتومیکی باید دقیق، طراحی شوند و تقدم و تاخر اجزاء آناتومیک در آن حائز اهمیت می باشد.

نتایج:

به منظور ارزشیابی تاثیر کاربرد اسلایدهای انیمیشن در تدریس آناتومی از سطح اول و دوم هرم مدیفیه کرک پاتریک استفاده گردید. در بررسی واکنش (رضایت) نسبت به تدریس درس آناتومی به کمک انیمیشن، ۲۶۰ نفر از دانشجویان علوم پزشکی ورودی های ۱۴۰۱-۱۳۹۹ با میانگین سنی \pm انحراف معیار $19/58 \pm 1/75$ شرکت کردند که $50/4\%$ (۱۳۱ نفر) مونث بودند. در سوالات مورد بررسی در قسمت رضایت سنجی از تدریس پاورپوینت های انیمیشن، سوال ۱ (جذاب و لذت بخش بودن تدریس)، بیشترین میانگین \pm انحراف معیار $(0/72 \pm 4/5)$ (از ۵ امتیاز) و سوال ۳ (ارتقا مهارت برای کار در آینده) کمترین میانگین \pm انحراف معیار $(0/88 \pm 4/33)$ (از ۵ امتیاز) را به خود اختصاص دادند. در بررسی گزینه های پاسخ بصورت طیف لیکرت ۵ قسمتی، سوال ۱ (جذاب و لذت بخش بودن تدریس) و سوال ۴ (افزایش یادگیری) بیشترین درصد در "رضایت خیلی زیاد" ($62/7$) و پس از آن به ترتیب سوال ۳ (مهارت برای کار) ($56/9$)، سوال ۵ (یادگیری ماندگار) ($56/2$) و سوال ۲ (ترغیب برای مطالعه) ($55/8$) در جایگاههای بعدی در پاسخ به "رضایت خیلی زیاد" قرار گرفتند. میانگین \pm انحراف معیار کل پرسشنامه $3/7 \pm 22/08$ (از ۲۵ امتیاز) بدست آمد. بررسی یادگیری دانشجویان علوم پزشکی با نمرات پایان ترم درس آناتومی نشان دهنده میانگین \pm انحراف معیار $4/68 \pm 19/04$ بود.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بکارگیری انیمیشن در تدریس آناتومی، می تواند موجب ارتقای میزان رضایت، یادگیری، انگیزه و مهارت در دانشجویان علوم پزشکی گردد.

کلمات کلیدی: پاورپوینت های آموزشی، انیمیشن، آناتومی

تاثیر یادگیری به شیوهی بازی وارسازی وقایع علوم پزشکی (سلامت و ایمنی شغلی) در قالب چت بات برای پلتفرم موبایل های هوشمند

سید دانیال همایونی^۱، روزبه میرزایی^۱، محیا آذری کورایم^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: سید دانیال همایونی

مقدمه:

با افزایش حجم اطلاعات علمی و دغدغه های ناشی از آموزش های غیرحضوری، نیاز به آموزش الکترونیکی رشد فزاینده ای داشته است. در این تحقیق اپلیکیشن اختصاصی شده آموزش الکترونیکی که قابلیت بروز رسانی مستمر دارد و ادغام آن با متدهای بازی وارسازی، محیط آموزشی جذابی را فراهم کرده و می تواند از بهترین جایگزین های محیط آموزش سنتی به شمار آید. با اجرای آزمایشی این پروژه و بررسی نتایج حاصله، کاربر می تواند از زمان های کوتاه و محدودی که کفایت یک وعده مطالعاتی کامل را نمی دهند به بهترین نحو ممکن استفاده کند، همچنین می توان به عنوان مکمل روش های آموزشی دیگر از آن استفاده کرد. نرم افزار فوق با نام تجاری اوشیلد جهت آزمایش موارد مذکور، برای دانشجویان و علاقه مندان به یادگیری مسائل سلامت و ایمنی شغلی طراحی و ارائه گردیده است و بازخورد عالی آنها از اپلیکیشن، نشان از موفقیت بالای این اپلیکیشن آموزش الکترونیک دارد و می توان در سایر شاخه های علوم پزشکی پیاده سازی و اجرا گردد.

مواد و روش ها:

اپلیکیشن مورد نظر مانند یک شبکه اجتماعی مجازی در قالب پیام رسان هوشمند، شبیه سازی شده است که در آن شخصیت های فرضی با قابلیت بروز رسانی تعداد و محتوای آنها همراه با رفتارها و سناریوهای مختص به خودشان قرار داده می شوند که هر کدام در محیط کار متفاوتی مشغول به کار هستند. در ساعات مختلف روز برای شخصیت ها مشکلاتی در محیط کارشان پیش می آید (سناریوهای واقع گرایانه) و پس از فرستادن پیام از جانب شخصیت طراحی شده، برای رفع مشکلشان از کاربر علت را جویا می شوند و کاربر موظف است به منظور پیش برد داستان به مورد مطرح شده پاسخ دهد. پاسخ های احتمالی به صورت گزینه هایی برای کاربر نمایش داده می شوند و با انتخاب هر یک از گزینه ها توسط کاربر مسیری مختص گزینه منتخب، پیش روی کاربر قرار می گیرد و داستان طبق انتخاب جدید وی ادامه می یابد (چند مسیره یا Multi-branching) و کاربر متوجه صحیح یا اشتباه بودن پاسخ خود می شود و سناریوهای بعدی حول آن موضوع بیشتر تمرکز کرده تا کاربر آن موضوع و موضوع های حول آن را بهتر یاد بگیرد و سپس به حالت اصلی خود بازگشته یا مسیر جدیدی برای وی نمایان خواهد شد. در کنار

قابلیت های مذکور، از موسیقی پیش زمینه و خطوط زمانی به منظور تاثیر گذاری بیشتر در روند یادگیری و افزایش تمرکز کاربر استفاده گردیده است.

نتایج:

با اجرای آزمایشی این پروژه و بررسی نتایج حاصله کاربر می تواند از زمان های کوتاه و محدودی که کفاف یک وعده مطالعاتی کامل را نمی دهند به بهترین نحو ممکن استفاده کند، در این بین کاربر تا حد ممکن با محیط و شرایط حقیقی محیط کار آشنا شده و در نهایت دانش مربوطه را به تدریج و با تداوم این تعاملات، یادآوری و افزایش خواهد داد (این دانش می تواند در حوزه های مختلف و با سناریوهای گوناگون اجرایی شود). با این اوصاف زمان بسیار کمتری صرف یادگیری شده و به دلیل استفاده زنجیروار از زمان های کوتاه و با فاصله برخلاف زمان های یادگیری طولانی مدت و یکپارچه، کسل کننده نیست، محتوای آموزشی با کمترین هزینه از منظر اقتصادی همیشه تازه و به روز نگه داشته می شود و همچنین می توان به عنوان مکمل روش های آموزشی دیگر، از این روش استفاده کرد تا در نهایت بتوان هر چه بهتر و بیشتر، پاسخگوی نیاز فراگیران مدرن امروزی بود. با آزمون اپلیکیشن فوق توسط تعدادی از دانشجویان و شاغلین مرتبط، بازخورد عالی آن ها از برنامه، نشان از موفقیت بالای این اپلیکیشن آموزش الکترونیک دارد که لینک مشاهده ویدیو رضایت کاربران به شرح ذیل است <https://www.aparat.com/v/gtCS3>

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به رشد فزاینده آموزش الکترونیکی باید از روش هایی استفاده شود که پاسخگوی نیاز امروزی فراگیران باشد، نوآورانه و در عین حال سرگرم کننده باشد. در این تحقیق نیاز های اشاره شده، جامع تر و کاربردی تر توسط اپلیکیشن اوشیلد بخش StoryChat برآورده شده است که نسخه آزمایشی برنامه از لینک زیر قابل دریافت می باشد <https://cafebazaar.ir/app/com.easyhseofficer.bodyposture>

کلمات کلیدی: یاددهی هوشمند، بازی وارسازی، یادگیری خرد، یادگیری الکترونیک، چت بات



طراحی، اجرا و ارزیابی آموزش مبتنی بر کیس در بهبود رضایت، نگرش و دانش دانشجویان پزشکی: اقدام پژوهی

امیر محمد صالحی^۱، مهدی رضانی^۱، محمد احمدیان^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

نویسنده مسئول: مهدی رضانی

مقدمه:

دانشجویان پزشکی که پزشکان آینده هستند، بزرگترین گروه ارائه دهندگان خدمات بهداشتی و درمانی هستند و نقش حیاتی در نظام سلامت خواهند داشت، بنابراین با توجه به اهمیت شغلی و موقعیت اجتماعی خود، باید مهارت های لازم را از دوره های پیش بالینی کسب کنند. آناتومی یک علم پایه مهم است که اساس دوره های بالینی در برنامه درسی پزشکی را تشکیل می دهد، برای جالب و مفید بودن آن از نظر بالینی، چندین روش نوآورانه یاددهی-یادگیری مانند یادگیری مبتنی بر مورد (CBL) و یادگیری پایه سخنرانی (LBL) ارائه شده است. معرفی کرد. این مطالعه به بررسی اثربخشی روش های آموزشی CBL و LBL در دوره آناتومی اندام تحتانی برای دانشجویان پزشکی پرداخت.

مواد و روش ها:

چهارصد و شصت و شش دانشجوی سال اول پزشکی در این مطالعه وارد شدند و به طور تصادفی به دو گروه تقسیم شدند و در معرض یادگیری مبتنی بر مورد و آموزش سنتی مبتنی بر سخنرانی قرار گرفتند، در روش آموزش مبتنی بر کیس ابتدا یک کیس بالینی را با توجه به هدف هر جلسه معرفی می کرد، سپس استاد در قالب یک سخنرانی کوتاه ۳۰ دقیقه ای، جنبه های آناتومی هر جلسه (منشا و انتهای عضلات، عملکرد، عصب دهی و مجاورت های بالینی مهم) بیان می کند. در مرحله بعد مربی مجدداً به کیس ارائه شده در ابتدای جلسه اشاره می کند و از گروه های دانشجویان می خواهد درگیری عصب و عضله کیس را بیان کنند در ادامه استاد سایر کیس بالینی مرتبط با موضوع هر جلسه را مطرح می کنند و مانند کیس اول، همراه با دانشجویان به بررسی کیس ها پرداختند. در پایان هر جلسه به عنوان تکلیف، دانشجویان باید سه مورد بالینی مربوط به هر جلسه را مطابق با ضوابط طراحی موارد بالینی طراحی و در سامانه مدیریت یادگیری (نوید®) به صورت فایل word بارگذاری کنند. در جلسات عملی علاوه بر آموزش با مولاژ و جسد، در هر جلسه تصاویر رادیولوژی مرتبط با موضوع در اختیار گروه ها قرار می گرفت و دانشجویان با توجه به مطالب آموخته شده در قالب کار گروهی، تصاویر را مورد بررسی قرار دادند. و در نهایت میزان رضایت، نگرش، سطح دانش و دانشجویان قرار گرفتند. مهارت ها مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفتند.

نتایج:

گروه CBL دوره را با سطح دانش ($15/05 \pm 3/12$) در مقابل ($13/32 \pm 3/77$) و مهارت ($15/54 \pm 3/95$) در مقابل ($12/75 \pm 5/09$) به طور معنی داری بالاتر از گروه LBL به پایان رساند. روش آموزشی CBL باعث افزایش رضایت دانشجویان شد. همچنین نگرش مثبت به این روش که برای گروه CBL ($42/8 \pm 78/01$) به طور معنی داری بیشتر از گروه LBL ($34/35 \pm 7/64$) بود ($P < 0/001$).

بحث و نتیجه گیری:

یافته های این مطالعه نشان داد که CBL یک روش آموزشی مؤثر در دوره های آناتومی برای تأثیرگذاری بر رضایت، نگرش، دانش و مهارت دانشجویان سال اول پزشکی است.

کلمات کلیدی: اقدام پژوهی، سناریو، آموزش، دانشجویان پزشکی

بررسی نظرات دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی نسبت به ابعاد مختلف سیستم آموزش مجازی

فاطمه کرمی^۱، بهار فارغ زاده^۱، مصطفی کرمی^۲، لیلا نظری منش^۱

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۲. دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: لیلا نظری منش

مقدمه:

در پاندمی کرونا سیستم‌های آموزش مجازی الکترونیکی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفتند و گسترش یافتند. سیستم آموزشی دان از جمله این سیستم‌های آموزش مجازی است که توسط دانشگاه آزاد اسلامی طراحی و در دسترس دانشجویان و استادان واحدهای مختلف این دانشگاه قرار گرفت. با توجه به اهمیت آموزش مجازی در تربیت دانشجویان علوم پزشکی، مطالعه حاضر جهت نظرسنجی و ارزیابی این دسته از دانشجویان نسبت به سیستم آموزش الکترونیکی دان انجام شد.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه توصیفی- تحلیلی مقطعی که در نیمسال دوم تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در دانشکده علوم و فناوریهای پزشکی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی انجام شد، تعداد ۲۴۰ نفر از بین دانشجویان گروه‌های مختلف علوم پزشکی در مقاطع مختلف تحصیلی وارد مطالعه شدند. برای هر نفر پرسشنامه‌ای شامل سؤالات دموگرافیک و ۲۹ سؤال مطابق مدل چارچوب یادگیری الکترونیکی خان برای بررسی ابعاد مختلف سیستم دان پر شد. روایی پرسشنامه از طریق روایی محتوا و پایایی آن از طریق توزیع اولیه پرسشنامه در بین ۵۰ نفر از دانشجویان و تعیین ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. در نهایت نتایج بدست آمده توسط نرم‌افزار SPSS و پایتون ۳ مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.

نتایج:

پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ ۸۱.۰ تأیید شد. میانگین ارزیابی تمام دانشجویان در ابعاد مختلف فنی، تربیتی، اخلاقی، ارزشیابی، طراحی و پشتیبانی منابع در حد متوسط و برای بعد مدیریتی در حد نامطلوبی بدست آمد. درمیانگین نظرسنجی دانشجویان در ابعاد مختلف سیستم دان، تفاوت معنی داری بین پاسخگویی گروه‌های مختلف سنی در هیچ کدام از ابعاد وجود نداشت ($P\text{-value} < 0.05$). همچنین پاسخگویی به تمام سؤالات نیز در میان دانشجویان زن و مرد نیز تفاوت معناداری نداشت ($P\text{-value} < 0.05$). اما در نظرسنجی دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد، ارزیابی سیستم دان در ابعاد طراحی ($P\text{-value} = 0.01$) و سازمانی ($P\text{-value} = 0.03$) تفاوت معنی داری نشان داد. در بررسی ابعاد ارزشیابی،

تربیتی و پشتیبانی منابع نیز تفاوت معناداری بین گروه‌های مختلف سنی و تحصیلی وجود نداشت (P-value<0.05).

بحث و نتیجه گیری:

در مجموع با توجه به نظر سنجی گروه‌های مختلف دانشجویان علوم پزشکی، سیستم آموزشی دان بدون در نظر گرفتن بعد مدیریتی در سطح قابل قبولی قرار دارد. در صورت تداوم استفاده از این سیستم آموزشی نیاز به بازنگری جنبه‌های مختلف بعد مدیریتی همچون نگهداری و پشتیبانی محیط یادگیری و توزیع اطلاعات می باشد. جهت ارزیابی دقیقتر این سیستم، لازم است نظرسنجی از اعضای هیات علمی مربوطه نیز انجام شود که در دست اقدام است.

کلمات کلیدی: مدل خان، یادگیری الکترونیکی، سیستم دان، دانشجویان علوم پزشکی



بررسی اثربخشی آموزش بالینی از دیدگاه اساتید و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

امید گرکز^۱، ربابه زروج حسینی^۱، سید شاهرخ آقایان^۱، ابراهیم سایری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، سمنان، ایران

نویسنده مسئول: ربابه زروج حسینی

مقدمه:

آموزش بالینی را می توان فعالیت تسهیل کننده یادگیری در محیط بالینی دانست که در آن مربی بالینی و دانشجو به یک اندازه مشارکت دارند و هدف آن ایجاد تغییرات قابل اندازه گیری در دانشجو برای انجام مراقبت های بالینی است. این مطالعه با هدف بررسی اثربخشی آموزش بالینی از دیدگاه اساتید و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود انجام می شود.

مواد و روش ها:

این مطالعه بصورت توصیفی- مقطعی انجام شد که پس از تصویب طرح تحقیقاتی در کمیته تحقیقات دانشکده پزشکی پرسشنامه ها که سوالات آنها به شکل منظم چیده شده بود توسط پرسشگر بین اعضای هیات علمی بالینی دانشگاه و کارورزان پزشکی توزیع گردید. نتایج بعد جمع آوری وارد SPSS26 شده و با کمک آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج:

۷۶ کارورز و ۳۵ نفر از اساتید هیات علمی دانشگاه وارد مطالعه شدند. نتایج نمرات وارد شده توسط دانشجویان و اساتید از نظر اهمیت موضوعات پرسیده شده گویای این مسئله بود که آموزش بالینی موضوع بسیار مهم و تاثیر گذاری از دیدگاه دانشجویان و اساتید هیات علمی می باشد. اختلاف معناداری بین دیدگاه آنان وجود داشت ($P > 0.001$) از عوامل مهم اثربخشی بالینی که بسیار مورد توجه است، می توان ارزیابی استاد، فضا و امکانات آموزشی، کمبودهای آموزشی مدیریتی، شیوه های ارتقا کیفی آموزش، نتایج بهبود فرآیندهای آموزشی نام برد. نتایج نشان داد که میانگین نمره سوالات ارزیابی استاد (شامل کیفیت مناسب آموزشی، استاد متناسب با رشته تخصصی، توانایی علمی استاد، تجربه لازم استاد، روحیه مشارکتی، انگیزه استاد و زمان مناسب) از دیدگاه کارورزان ۳۳/۶۲ و از دیدگاه اساتید ۳۱/۷۱ بود. که این مسائل از دیدگاه کارورزان مهم تر تلقی می شود. همچنین میانگین نمره اهمیت شیوه های ارتقا کیفی آموزش (شامل آموزش ضمن خدمت اساتید، استفاده از شیوه های جدید آموزشی جهت یادگیری بهتر فراگیران، استفاده از امکانات جدید آموزش بالینی جهت ارتقا سطح آموزش، استفاده از پرسنل با سابقه جهت افزایش مهارت بالینی دانشجو) از دیدگاه مدرسین بالینی ۲۵/۸۶ و از دیدگاه دانشجویان

۲۶/۹۵ بود. با در نظر گرفتن اهمیت حیطه ارزشیابی از جانب مدرسین بالینی، شیوه و چهارچوب درست ارزشیابی در کارآموزی های بالینی باید در نظر گرفته شود. از طرفی به منظور برطرف ساختن هرچه بیشتر شکاف بین یادگیری نظری و خدمات بالینی باید بر بالا بودن توان مهارتی مدرسین بالینی، استفاده از پرسنل با سابقه جهت افزایش مهارت بالینی دانشجو و داشتن تجربه و استفاده از شیوه های جدید آموزشی جهت یادگیری بهتر فراگیران تاکید گردد. برای بهبود کیفیت آموزشی بالینی باید به عامل های زیر توجه بیشتری شود چرا که نیاز به اساتید با تجربه و تعامل و مشارکت بیشتر با دانشجو و ایجاد انگیزه در اساتید و دانشجویان، توانایی علمی استاد، استفاده از شیوه های مشارکتی در آموزش دانشجویان، کیفیت مناسب آموزشی، داشتن تجربه لازم در استاد، داشتن زمان مناسب، وجود بخش و اتاق عمل کافی، وجود اتاق پراتیک مناسب و اتاق آموزش در بخش، بودجه کافی، برخورد مناسب مسئولین بیمارستان با دانشجویان، استفاده از امکانات جدید آموزش بالینی جهت ارتقای سطح آموزش و یادگیری بهتر، آموزش ضمن خدمت اساتید، اثر افزایش دانش بالینی دانشجویان در رسیدن به شاخص های مناسب درمانی، اثر بازخورد مناسب مسئولین دانشگاه و بیمارستان در آموزش بالینی دانشجویان، افزایش رضایت پرسنل در انجام کار با دانشجو، از عوامل اصلی در بهبود فرآیندهای آموزشی بوده اند و به عنوان مهم-ترین عوامل در این راستا می باشند که نمره ی اهمیت بالاتری کسب کردند. که همه این عوامل می تواند اثر بخشی آموزش بالینی را بهتر کند.

بحث و نتیجه گیری:

کیفیت اثربخشی آموزش بالینی از دیدگاه اساتید و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود در حد بالا است و نشان دهنده ی اهمیت و کیفیت خوب اثر بخشی آموزش بالینی می باشد.

کلمات کلیدی: آموزش بالینی، اساتید، کارورزان



تأثیر مدل نظارت بالینی بر عملکرد دانشجویان اینترنشیپ مبتنی بر فرایند پرستاری: یک مطالعه تجربی

امیر شاه زیدی^۱، صدیقه فرضی^۱، محمد جواد طراح^۱، فخری صبحی^۱، سیما بابایی^۱، احمدرضا یزدان نیک^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: صدیقه فرضی

مقدمه:

فرایند پرستاری یک روش سیستماتیک برای شناسایی مشکلات بیمار، برنامه‌ریزی برای حل آن‌ها و از ارکان مهم مراقبت پرستاری باکیفیت می‌باشد. دانشجویان اینترنشیپ پرستاری به علت افزایش استقلال و تجربه‌ی کم در اجرای فرایند پرستاری از کارایی لازم برخوردار نیستند. مدل نظارت بالینی یکی از روش‌های آموزشی بالینی می‌باشد که موجب کاهش گسست بین تئوری و عمل می‌گردد.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه به صورت تجربی، در سال ۱۴۰۱ و باهدف بررسی تأثیر مدل نظارت بالینی بر عملکرد دانشجویان اینترنشیپ مبتنی بر فرایند پرستاری انجام گردید. ابتدا ۷۰ نفر از دانشجویانی که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند انتخاب و سپس به روش تخصیص تصادفی به دو گروه کنترل و مداخله با تعداد برابر تقسیم شدند. در گام بعدی قبل از اجرای مدل نظارت بالینی، چک‌لیست "عملکرد مبتنی بر فرایند پرستاری" با مشاهده‌ی عملکرد دو گروه مداخله و کنترل توسط ناظرین که دو نفر از اساتید بالینی بودند تکمیل، بعدازآن در گروه مداخله مدل نظارت بالینی که در سه مرحله خلاصه می‌شود اجرا شد. در مرحله‌ی اول که مرحله‌ی قبل از اجرا می‌باشد یک جلسه خارج از برنامه‌های شیفتی دانشجویان قرار داده شد و در مورد اهداف، مدل نظارت بالینی و انتظارات صحبت گردید، سپس چک‌لیست "عملکرد مبتنی بر فرایند پرستاری" به آن‌ها داده شد، در مورد آیتم‌های آن بحث، سؤالات دانشجویان پاسخ و ابهامات آن‌ها رفع گردید و به آن‌ها گفته شد که انتظار می‌رود بر طبق آیتم‌های چک‌لیست و موارد توافق شده عمل نمایند. در مرحله‌ی دوم که مرحله‌ی حین اجرا نامیده می‌شود ناظرین در بخش حاضر شدند، عملکرد دانشجویان را مبنی بر اجرای فرایند پرستاری طی ۶ جلسه و به فاصله‌ی ۲ هفته یکبار طبق آیتم‌های چک‌لیست ارزیابی کرده، به سؤالات آن‌ها پاسخ، اشکالات کارشان را در هر جلسه به آن‌ها بازخورد دادند و نمره‌ی عملکرد مبتنی بر فرایند پرستاری را در هر جلسه ثبت نمودند. در مرحله‌ی سوم ناظرین مجدداً در بخش‌ها حاضر و نظرات دانشجویان را از طریق مصاحبه در مورد مدل نظارت بالینی جویا شدند. عملکرد گروه کنترل نیز طی ۶ جلسه و به فاصله‌ی ۲ هفته طی نظارت‌های عادی بررسی و

نمره‌ی هر جلسه محاسبه گردید. گردآوری داده‌ها با استفاده از چک‌لیست خود ساخته‌ی "عملکرد مبتنی بر فرایند پرستاری" انجام شد این چک‌لیست از ۵ قسمت بررسی و شناخت، تشخیص پرستاری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی تشکیل شده است و مجموعاً ۴۳ آیتم دارد. لازم به ذکر است که روایی و پایایی این ابزار به‌طور کامل مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج:

نتایج نشان داد تفاوت نمرات "عملکرد مبتنی بر فرایند پرستاری" قبل از مداخله بین گروه کنترل و مداخله معنادار نبود ($P > 0.05$). آزمون Repeated Measures Anova نمایانگر آن بود که معنی‌دار بودن تغییرات نمرات عملکرد مبتنی بر فرایند پرستاری با گذشت جلسات نظارت بالینی بستگی به نوع گروه (کنترل/ مداخله) دارد ($P \text{ Value} - \text{Interaction} < 0.001$) و تغییر نمرات در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل معنی‌دار بوده است ($P \text{ Value} - \text{Intervention} < 0.001$) به‌گونه‌ای که در گروه مداخله با گذشت زمان، نمرات به‌طور معناداری افزایش یافت ($P \text{ Value} - \text{Time} < 0.001$) در حالی که در گروه کنترل این‌گونه نبود ($P \text{ Value} - \text{Time} = 0.639$). در نهایت مقایسه‌ی دوبه‌دوی نمرات جلسات در گروه مداخله نشان داد که این افزایش نمرات در هر جلسه‌ی بازدید نسبت به جلسات دیگر معنی‌دار بوده است ($P < 0.001$).

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان داد استفاده از مدل نظارت بالینی منجر به بهبود اجرای فرایند پرستاری توسط دانشجویان اینترنشیپ پرستاری می‌گردد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که اساتید پرستاری از آن در نظارت و آموزش بالینی دانشجویان اینترنشیپ پرستاری با هدف ارتقاء کیفیت مراقبت استفاده نمایند.

کلمات کلیدی: مدل نظارت بالینی، دانشجویان، اینترنشیپ پرستاری، فرایند پرستاری

بررسی میزان اثربخشی روش کلاس درس وارونه در تدریس سرفصل مقطع استاژری چشم پزشکی

ابراهیم شیرزاده^۱، نعمت اله شموسی^۱، مهدی ربیعی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: ابراهیم شیرزاده

مقدمه:

در دهه های اخیر، لزوم تجدید نظر در روش های سنتی تدریس و استفاده از روش های نوین و فعال یادگیری و دانشجو محور احساس شده و کاربرد آنها در علوم مختلف از جمله علوم پزشکی متداول شده است. یکی از این روشها، آموزش به روش معکوس یا کلاس وارونه است که رویکرد نسبتاً جدید می باشد. کلاس وارونه در واقع جابجایی فعالیت های داخل و خارج از کلاس یادگیرندگان است. یعنی یادگیرندگان قبل از ورود به کلاس، محتوای اصلی آموزش را که معلم در قالب جزوه، اسلاید، کتاب یا فایل های ویدئویی آماده کرده است، مطالعه می نمایند و در داخل کلاس به بحث و بررسی در مورد آن می پردازند. در کلاس درس وارونه می توان زمان بیشتری را در کلاس برای مهارت های تفکر گذاشت، فراگیران به صورت فعال، در یادگیری و ایجاد دانش بیشتر درگیر هستند و همزمان دانش خود را آزمایش و ارزیابی می کنند. بر این اساس تحقیق حاضر به بررسی میزان اثربخشی روش کلاس وارونه در تدریس سرفصل مقطع استاژری چشم پزشکی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار پرداخت.

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر به صورت شبه آزمایشی انجام شد. جامعه آماری تحقیق، کارآموزان دوره چشم پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بودند. حجم نمونه شامل ۷۸ دانشجو بود. تدریس جلسات اولیه درس، بصورت سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ بود. سپس در مورد ارائه کلاس وارونه توضیحات لازم داده شده و مطالب مورد نیاز به دانشجویان معرفی گردید. بنابراین، سایر جلسات بصورت وارونه ارائه شد. در پایان دوره، دانشجویان پرسشنامه محقق ساخته ۱۵ سؤالی که نگرش آنها را در مورد روش کلاس وارونه مورد بررسی قرار می داد، تکمیل کردند. به منظور رعایت نکات اخلاقی، پرسشنامه ها بی نام تکمیل گردیده و به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات حاصل از آن محرمانه خواهد ماند. اعتبار پرسشنامه با نظر متخصصین و پایائی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ برآورد گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از روش های آماری توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (T) تک گروهی (و با کمک نرم افزار SPSS ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

شرکت کنندگان این مطالعه شامل ۴۰ مرد (۵۱/۲۸ درصد) و ۳۸ زن (۴۸/۷۲ درصد) بودند. از ۷۸ پرسشنامه توزیع شده، تمام پرسشنامه‌ها تکمیل و جمع‌آوری گردید (نرخ بازگشت برابر با ۱۰۰ درصد بود). نتایج حاکی از آن بود که میانگین به‌دست آمده تمام گویه‌های پرسشنامه از نقطه برش (عدد ۲) بالاتر بوده و اختلاف مشاهده شده بین آنها معنادار بود. این امر نشان‌دهنده مطلوب بودن وضعیت آنها بود. همچنین از آنجا که میانگین نمره کلی پرسشنامه، بالاتر از میانگین (۲/۶۴۱) بود می‌توان گفت دانشجویان نقش کلاس وارونه را در این عناصر مناسب تشخیص دادند.

بحث و نتیجه‌گیری:

نتایج تحقیق حاضر نشان داد روش کلاس وارونه در تدریس سرفصل مقطع استاژری چشم پزشکی می‌تواند پاسخی به نیازهای اطلاعاتی، کاربردی بودن دانش و مهارت، یادگیری سریعتر و بهتر، افزایش انگیزه یادگیری و شناخت بهتر بیماری‌ها را به همراه داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد استادان بیشتر این روش آموزشی را در تدریس دروس علوم پزشکی بکار گیرند.

کلمات کلیدی: اثربخشی، کلاس وارونه، چشم پزشکی



طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره آموزشی بخیه زدن به روش شبیه سازی در افزایش اعتماد به نفس دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی فسا

فاطمه زراعت پیشه^۱، شهناز کریمی^۱، اسماعیل کاوی^۲، نگار شاه کرمی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی فسا، فارس، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: نگار شاه کرمی

مقدمه:

یکی از اجزاء حیاتی برنامه درسی در آموزش پزشکی، آموزش مهارت های بالینی است که دارای نقش اساسی در شکل دهی مهارت های پایه ای و توانمندی های حرفه ای دانشجویان می باشد. روش شبیه سازی نوعی روش آموزشی است که در آن دانشجویان مهارت واقعی را در یک محیط شبیه سازی شده آموزش دیده و تمرین می کنند. این روش فرصتی فراهم می کند که دانشجویان بتوانند اطلاعات نظری را با واقعیت عملی پیوند بزنند. این مطالعه با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره آموزشی بخیه زدن به روش شبیه سازی و تاثیر آن در افزایش اعتماد به نفس دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه ی حاضر نوعی مطالعه ی دانش پژوهی آموزشی می باشد که در آن ۳۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی پیوسته رشته تکنولوژی اتاق عمل ترم ۶ شرکت داشتند. این مطالعه در سه مرحله طراحی، اجرا و ارزشیابی انجام شد. در مرحله طراحی، کمیته ای از اساتید گروه اتاق عمل تشکیل شد، چالش های مهارتهای بالینی دانشجویان اتاق عمل مورد بررسی قرار گرفت، با توجه به نیاز سنجی انجام شده مهارت بخیه زدن جهت برگزاری دوره آموزش بالینی انتخاب گردید. سپس اهداف، محتوا، روش آموزش (شبیه سازی) و ارزشیابی تعیین گردید. در مرحله اجرا، با هماهنگی مسئولین آموزشی گروه، کارگاه آموزشی بخیه به روش شبیه سازی به مدت ۴ ساعت اجرا شد. در مرحله ارزشیابی، جهت گردآوری داده ها از مقیاس دیداری (VAS) استفاده شد که دانشجویان به سطح اعتماد به نفس خود در انجام انواع بخیه از ۱ تا ۱۰ نمره می دادند. نمره ی اعتماد به نفس دانشجویان در سه مرحله قبل از آموزش، بعد از آموزش با نظارت مربی و بعد از آموزش بدون نظارت مربی مورد ارزیابی قرار گرفت. داده های جمع آوری شده در نرم افزار spss نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آزمون آنالیز واریانس با مقادیر تکراری استفاده شد. میانگین و انحراف معیار نمره ی اعتماد به نفس دانشجویان قبل از آموزش به روش شبیه سازی و بعد از آموزش با نظارت مربی و بدون نظارت مربی به ترتیب $6,80 \pm 0,28$ و $8,84 \pm 0,17$ و $8,42 \pm 0,19$ بود. نتایج تست های آماری بیانگر این بود که بین میانگین نمره ی اعتماد به نفس دانشجویان قبل از آموزش به روش شبیه سازی و بعد از آموزش (با نظارت مربی و بدون نظارت مربی) تفاوت آماری معنی داری وجود داشت. ($P=0/00$) همان طور که از نتایج بر می آید میانگین نمره ی اعتماد به نفس دانشجویان قبل از آموزش در پایین ترین سطح خود ($6,80$) و بعد از آموزش و تحت نظارت مربی در بالاترین سطح ($8,84$) قرار داشت.

بحث و نتیجه گیری:

محیط اتاق عمل محیط اصلی آموزشی برای دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل می باشد. علی رغم آن، اتاق عمل یک محیط چالش برانگیز است که استرس موجود در آن به طور قابل توجهی بر روی عملکرد حرفه ای دانشجویان تاثیر می گذارد. با توجه به یافته های حاصل از این مطالعه به نظر می رسد آموزش مهارت های عملی از جمله بخیه زدن با استفاده از روش شبیه سازی می تواند روش موثری جهت کسب مهارت، افزایش اعتماد به نفس و کاهش استرس در دانشجویان اتاق عمل شود. در این روش دانشجو در محیط یادگیری حمایت می شود و ایجاد محیطی برای یادگیری سبب ایجاد انگیزه بیشتر در دانشجویان می گردد.

کلمات کلیدی: شبیه سازی، آموزش، بخیه، اعتماد بنفس

تاثیر روش کلاس معکوس و ارزشیابی با روش ویژگی های کلیدی بر آموزش دستیاران پزشکی خانواده

زهرا عطایی^۱، نسرين ميلانی^۱، مجید خادم رضائیان^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: زهرا عطایی

مقدمه:

نیاز است که آموزش پزشکی به صورت مداوم تحت بازنگری قرار گرفته و در ارتقاء آن کوشش شود. بنابراین در دوره دستیاری پزشک خانواده، بر آن شدیم آموزش را به گونه ای کارآمد تر ارایه نماییم و از کلاس درسی معکوس استفاده کنیم و ارزیابی را به صورت کی فیچر برگزار کنیم.

مواد و روش ها:

جمعیت مورد مطالعه دستیاران تخصصی پزشک خانواده دانشگاه علوم پزشکی مشهد بودند. جهت ارزشیابی از مطالب آموزش داده شده به روش سنتی، روش ویژگی های کلیدی پره تست به عمل آمد. سپس آموزش معکوس را برای آنها برگزیدند. ارزیابی در حیطه دانش، بینش و نگرش بالینی با کی فیچر انجام شد. سوالات کی فیچر به صورت پست تست از فراگیران گرفته شد. برای ارزیابی برنامه آموزشی اجرا شده نظرسنجی کتبی از دستیاران در ابتدا و انتها دوره آموزشی انجام شد.

نتایج:

در نظر سنجی اول میانگین نمره پرسشنامه DELES در مجموع معادل $0/48 \pm 3/78$ بود (میانگین = $3/75$). در نظر سنجی دوم، میانگین کل نمره عبارت بود از $0/48 \pm 4/37$ (میانگین = $4/44$). در ۱۰ از ۱۱ آزمون برگزار شده نمرات پس از مداخله بالاتر از نمرات قبل از مداخله بود. با این حال تنها در مورد آزمون های اول، ششم و هشتم، تغییر نمره قبل از مداخله و بعد از آن از نظر آماری تفاوت معنی داری داشت.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به اهمیت آموزش این دستیاران و نتایجی که در مطالعه به دست آمد، نشان داده شد که روش آموزش معکوس باعث ارتقا کیفیت تصمیم گیری بالینی فراگیران گردید و در نظر سنجی از خود فراگیران نیز سوال " تا چه میزان کلاس های برگزار شده در تقویت تصمیم گیری "بهتر مبتنی بر استدلال بالینی" به شما کمک کرد؟"، بیشترین میانگین نمره را داشت. امید است که این روش آموزش در دوره های بعدی دستیاران پزشک خانواده نیز اعمال گردد.

کلمات کلیدی: آزمون ویژگی های کلیدی، آموزش معکوس، پزشک خانواده

بررسی تأثیر روش آموزشی تشویق به خطای دارویی بر دانش و صلاحیت ایمنی دارویی دانشجویان پرستاری: یک مطالعه نیمه تجربی

صدیقه فرضی^۱، امیر شاه زیدی^۱، میثم رضازاده^۱، محمدجواد طراح^۱، سیما بابایی^۱، سیدعباس حسینی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: امیر شاه زیدی

مقدمه:

دارودهی ایمن یکی از ارکان اصلی جلوگیری از خطای پزشکی و یک اولویت در حفظ ایمنی بیماران می‌باشد. خطای دارویی یکی از مهم‌ترین عواملی که منجر به تهدید ایمنی دارویی می‌گردد. میزان خطاهای دارویی در دانشجویان پرستاری بر اساس مطالعات به میزان بالایی گزارش شده است. از علل خطای دارویی در دانشجویان پرستاری می‌توان به کمبود دانش و نقصان روش‌های آموزشی اشاره کرد. روش آموزشی تشویق به خطای دارویی یکی از روش‌های نوین آموزشی است.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه به صورت نیمه تجربی تک گروهی، در سال ۱۴۰۱ و با هدف بررسی تأثیر روش آموزشی تشویق به خطای دارویی بر دانش و صلاحیت ایمنی دانشجویان پرستاری در آزمایشگاه مهارت‌های بالینی انجام گردید. نمونه‌گیری به صورت در دسترس و شامل ۳۲ نفر از دانشجویان ترم پنج کارشناسی پرستاری دارای معیار ورود به مطالعه، بود. معیارهای ورود به مطالعه شامل گذراندن واحد درسی داروشناسی پایه، حضور در سال سوم کارشناسی پرستاری و کارآموزی قلب و عروق بود. ابتدا نمره‌ی دانش ایمنی دارویی مشارکت‌کنندگان از طریق خود اظهاری و نمره‌ی صلاحیت دارویی آن‌ها از طریق مشاهده‌ی عملکردشان طی سناریو در پیش‌آزمون به دست آمد. سپس روش آموزشی تشویق به خطای دارویی برای آن‌ها اعمال شد. در این روش شرایطی فراهم می‌شود که دانشجویان را به انجام خطا ترغیب می‌نماید مثلاً از داروهایی بانام‌های مشابه استفاده می‌شود و یا در محیط سروصدا ایجاد می‌گردد و ... در این مطالعه سناریویی طراحی گردید که در آن در ۱۰ موقعیت متفاوت دانشجویان را تشویق به خطای دارویی می‌نمود، پس از انجام دارودهی، ممتحن این ۱۰ موقعیت را به همراه اقدامات لازم جهت پیشگیری از آن‌ها برای دانشجویان شرح می‌داد. سپس چهار هفته پس از آن دانشجویان برای پس‌آزمون در آزمایشگاه مهارت‌های بالینی حاضر شدند. ابتدا نمره‌ی دانش ایمنی دارویی از طریق خود اظهاری و سپس نمره‌ی صلاحیت ایمنی دارویی آن‌ها از طریق مشاهده‌ی عملکردشان طی سناریویی متفاوت با پیش‌آزمون به دست آمد. لازم به

ذکر است که محتوای سناریو مربوط به بیماری‌های قلبی عروقی بود که بر اساس آیتم‌های ابزارهای مورد استفاده در این مطالعه، طراحی گردید و اعتبار سناریوها توسط پنج استاد پرستاری با سابقه‌ی حداقل دو سال کارآموزی در بخش‌های قلبی عروقی مورد بررسی قرار گرفت. گردآوری داده‌ها با استفاده از ابزارهای استاندارد Medication Safety Critical Element Checklist و Medication Safety Knowledge Assessment انجام شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶، آمار توصیفی (توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار تحلیلی (Pair t-test) استفاده شد. سطح معنی‌داری، ۰/۰۵ در نظر گرفته گردید.

نتایج:

آزمون Pair t-test نمایان‌گر آن بود که نمرات دانش و صلاحیت ایمنی دارویی بعد از اجرای روش آموزشی تشویق به خطای دارویی نسبت به قبل از اجرای آن به‌طور معنی‌داری افزایش یافت ($t = 8.39, P < 0.001$) و ($t = 13.80, P < 0.001$).

بحث و نتیجه‌گیری:

بر اساس یافته‌های حاصل از این مطالعه استفاده از روش آموزشی تشویق به خطای دارویی در افزایش دانش و صلاحیت ایمنی دارویی دانشجویان پرستاری مؤثر می‌باشد، لذا توصیه می‌شود که اساتید پرستاری در آموزش بالینی در زمینه‌ی دارو از این روش نوین آموزشی استفاده نمایند تا با افزایش صلاحیت ایمنی دارویی دانشجویان گام مهمی جهت افزایش ایمنی بیمار بردارند.

کلمات کلیدی: خطای دارویی، دانشجو، ایمنی دارویی

مقایسه آموزش عفونت پس از زایمان به دو روش سخنرانی و نقشه مفهومی بر اساس دو سطح اول مدل کرک پاتریک در دانشجویان مامایی علوم پزشکی اردبیل

سمیرا شهباززادگان^۱، آریتا یارمحمدی^۱، فریده یارمحمدی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

نویسنده مسئول: سمیرا شهباززادگان

مقدمه:

آموزش سپسیس نفاسی (عفونت پس از زایمان) که سومین علت مرگ و میر مادر به ویژه در کشورهای در حال توسعه است، برای دانشجویان مامایی که در آینده مسئولیت پیشگیری و اداره آن را بر عهده دارند، امری ضروری است. روش تدریس یکی از چالش های نظام آموزشی در دانشگاه ها است. این مطالعه با هدف مقایسه آموزش عفونت پس از زایمان به دو روش سخنرانی و نقشه مفهومی بر اساس دو سطح اول مدل کرک پاتریک در دانشجویان مامایی علوم پزشکی اردبیل انجام گرفت.

مواد و روش ها:

این مطالعه نیمه تجربی در سال ۱۴۰۱ در دانشکده پرستاری و مامایی اردبیل بر روی ۵۰ نفر دانشجوی مامایی انجام شد. دانشجویان به طور تصادفی در گروه های سخنرانی و نقشه مفهومی قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها، از یک پرسشنامه رضایت مندی ۲۳ سؤالی و یک آزمون ۱۵ سؤالی برگرفته از کتاب های WHO در مورد مدیریت سپسیس نفاس برای بررسی دانش و یادگیری دانشجویان استفاده شد. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون تی مستقل و زوجی با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

میانگین نمره پس آزمون در گروه نقشه مفهومی $10/28 \pm 1/90$ و بیشتر از مقدار قبل از آموزش $5/24 \pm 2/18$ بود، میانگین نمره پس آزمون در گروه سخنرانی $9/20 \pm 1/70$ بیشتر از قبل از آموزش $6/00 \pm 1/97$ بود. تفاوت میانگین نمره یادگیری دانشجویان گروه آموزش روش نقشه مفهومی و گروه روش سخنرانی در پس آزمون از نظر آماری معنی دار بود. ($04/0=p$) میانگین نمره رضایت در گروه نقشه مفهومی $10/7/4 \pm 92/46$ و در گروه سخنرانی $10/5/68 \pm 6/84$ این تفاوت از نظر آماری معنی دار بود. ($03/0=p$)

بحث و نتیجه گیری:

آموزش سپسیس نفاسی با روش نقشه مفهومی تأثیر بیشتری بر رضایت و یادگیری دانشجویان مامایی داشت. بنابراین استفاده از این روش آموزشی توصیه می شود.

کلمات کلیدی: ارزیابی کرک پاتریک، آموزش مامایی

بررسی بکارگیری روش تدریس کلاس وارونه جهت ارتقا دانش و آمادگی دانشجویان پزشکی علوم پزشکی در برابر حوادث و بلایا

لیلا محمدی نیا^۱، میترا امینی^۲، مرضیه علم الهدی^۲، فائزه بشیری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: لیلا محمد نیا

مقدمه:

آموزش یکی از مباحث مهم و قابل توجه در فضای آکادمیک از جمله دانشگاه های علوم پزشکی است و تدریس موثر عملکرد بالینی موثری را به دنبال دارد. با توجه به اهمیت حوادث و بلایا در کشور ایران، این پژوهش به بررسی تکنیک آموزشی کلاس وارونه که همخوانی بیشتری به ماهیت حوادث و بلایا دارد در آموزش دانشجویان پزشکی بکار گرفته شد تا سطح آمادگی ایشان را در طول دوره آموزشی مورد ارزیابی قرار دهد.

مواد و روش ها:

این مطالعه نیمه تجربی تک گروهی پیش آزمون- پس آزمون می باشد. دانشجویان پزشکی علوم پزشکی شیراز که واحد درسی اختیاری سلامت در حوادث و بلایا را اخذ نموده اند در یک نیمسال تحصیلی ۱۳۹۷ مورد مطالعه قرار گرفتند. روش های مختلف تدریس وارونه جهت پوشش سرفصل براساس اسلاید، پاورپوینت، نمایش کلیپ، کار در گروه های کوچک، جلسات بحث و پرسش انجام شد.

نتایج:

بر اساس نتایج حاصله، از ۱۰۶ دانشجوی پزشکی شرکت کننده، که ۸۵ نفر تا انتهای دوره شرکت داشتند. از بین ایشان ۶۵ نفر (۶۱/۳ درصد) زن و ۴۱ نفر (۳۸/۷ درصد) مرد بودند. دانشجویان در گروه سنی ۱۹ تا ۳۹ سال بوده و میانگین سنی آنها $20/29 \pm 3/27$ بود. ارتباط معنا داری بین جنسیت و آمادگی اعم از نظر دانش و نگرش وجود نداشت. ($p \geq 0.05$) بین نگرش و سطح آمادگی در پیش و پس آزمون اختلاف معنا دار بود میزان میانگین دانش، نگرش و آمادگی آنها در پاسخ به مخاطرات در پس آزمون نسبت به پیش آزمون (پس از تدریس وارونه) به ترتیب به میزان ۱/۹۳ درصد، ۳/۸۲ درصد و ۳/۳۵ درصد افزایش داشت.

بحث و نتیجه گیری:

استفاده از کلاس وارونه برای آموزش سلامت در حوادث و بلایا بدلیل ماهیت پویایی که دارد می تواند عمق بیشتری به درک مطلب و انتقال آن شود. افزایش نگرش و آمادگی نسبت به بلایا در سایه تدریس کلاس وارونه بیانگر مثر بودن این روش برای دروس کاربردی است. با توجه به رده سنی جوان دانشجویان و عجز بودن ایشان با شبکه های مجازی و استفاده از تکنولوژی نوین یقینا بخش های ویدیویی و تصویری از جذابیت بیشتری برای دانشجویان برخوردار بود. در این مطالعه آموزش به شیوه کلاس وارونه منجر به افزایش میانگین نمرات دانش، نگرش و عملکرد در دو گروه دانشجویان قبل و بلافاصله و چهارماه بعد آموزش شده است. بکارگیری روش کلاس وارونه می تواند برای گروه های آموزشی و دروس دیگر نیز بکار گرفته شود.

کلمات کلیدی: تدریس وارونه، دانشجو، حوادث و بلایا، آمادگی، نگرش، دانش



ارزیابی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد نسبت به یادگیری آمار به کمک تکنولوژی

آزاده ساکی^۱، راضیه یوسفی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: آزاده ساکی

مقدمه:

استفاده از تکنولوژی می تواند به اساتید آمار زیستی در یاددهی و به دانشجویان علوم پزشکی در یادگیری بهتر و بیشتر دروس آمار زیستی یاری رساند بسیار ضروری است. هدف مطالعه حاضر ارزیابی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد نسبت به یادگیری آمار با استفاده از تکنولوژی می باشد.

مواد و روش ها:

در این مطالعه مقطعی- توصیفی نمونه تصادفی به حجم ۲۲۹ نفر از دانشجویان شامل ۱۳۰ زن و ۹۹ مرد شرکت کردند و پرسشنامه SASTS که به عنوان یک ابزار روا و پایا برای ارزیابی نگرش دانشجویان نسبت به یادگیری آمار به کمک تکنولوژی طراحی شده که شامل ۲۸ آیتم مربوط به ۵ بعد: نگرش نسبت به آمار، نگرش نسبت به تکنولوژی، نگرش نسبت به یادگیری آمار با کمک تکنولوژی، کاربرد آمار در زندگی شخصی، و کاربرد آمار در زندگی حرفه ای فراگیران می باشد، تکمیل شد. سپس با کمک نرم افزار SPSS تحلیل های آماری انجام شد.

نتایج:

میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان 23.7 ± 4.3 می باشد و میانگین و انحراف معیار نمره ابعاد نگرش نسبت به آمار، نگرش نسبت به تکنولوژی، نگرش نسبت به یادگیری آمار با کمک تکنولوژی، کاربرد آمار در زندگی شخصی، و کاربرد آمار در زندگی حرفه ای به ترتیب برابر: 2.8 ± 0.8 ، 2.5 ± 0.7 ، 2.6 ± 0.6 ، 2.7 ± 0.9 و 2.5 ± 0.9 بدست آمد. همچنین میانگین نمره نگرش نسبت به آمار و نگرش نسبت به تکنولوژی به طور معنی داری ($p=0.000$) بیشتر از نگرش نسبت به یادگیری آمار به کمک تکنولوژی شد. میانگین نمره کاربرد آمار در زندگی حرفه ای اختلاف معنی داری با میانگین نمره نگرش نسبت به آمار نداشت اما میانگین نمره کاربرد آمار در زندگی روزمره به زور معنی داری ($p=0.000$) کمتر از کاربرد آمار در زندگی حرفه ای شد.

بحث و نتیجه گیری:

پایین تر بودن میانگین نمره یادگیری آمار به کمک تکنولوژی نسبت به نگرش نسبت به آمار و تکنولوژی به طور مجزا، می تواند نشان دهنده یک پارادوکس باشد که شاید متغیرهای ایجادکننده آن، امکانات و تجهیزات سایت های رایانه، تسلط اساتید آمار بر نرم افزارهای آماری، علاقه و انگیزه دانشجویان نسبت به یادگیری و تجربیات قبلی دانشجویان باشد، که برای بررسی آن نیازمند مطالعات تحلیلی و گسترده تر می باشیم. همچنین پایین بودن نمره کاربرد آمار در زندگی روز مره می تواند به دلیل عدم تطابق دانسته های دانشجویان با شرایط اقتصادی و اجتماعی و کاربردی نبودن تکنیک های آماری در این شرایط باشد.

کلمات کلیدی: یادگیری، آمارزیستی، تکنولوژی، پارادوکس



کار گروهی و عملکرد گروه در آموزش مجازی دانشجویان پرستاری در دوران

کووید ۱۹

مرضیه عادل^۱، کامیار جدید السلام^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: مرضیه عادل

مقدمه:

شیوع بیماری کرونا-ویروس ۲۰۱۹ به عنوان یک وضعیت به سرعت در حال تحول، بر همه اعضای جامعه تاثیر گذاشته و باعث ایجاد اختلال عظیم در تمام جنبه های زندگی، از جمله در آموزش دانشجویان به ویژه دانشجویان علوم پزشکی شده است. از طرفی تکامل رشد فناوری و ماهیت جهانی شده دنیای امروز، کار گروهی مجازی را به عنوان یکی از عناصر سازنده یک سازمان موفق قرار داده است. در نتیجه، اهمیت توسعه کار تیمی مجازی در صحنه آموزش عالی منطقی است زیرا لازم است که فارغ التحصیلان آینده از طریق تحصیلات عالی خود برای زندگی حرفه ای آماده می شوند.

مواد و روش ها:

این پژوهش مقطعی و از نوع توصیفی-همبستگی بود که درک دانشجویان از فرایند کار گروهی و عملکرد گروه در آموزش مجازی دانشجویان پرستاری در دوران کووید ۱۹ را مورد بررسی قرار داد. برای انجام کار پس از اخذ مجوز لازم در کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی ایران (IR.IUMS.REC.1400.837) و ارائه آن به دانشکده پرستاری، ضمن توضیح اهداف مطالعه، و روش اجرا اجازه پژوهش داده شد. ۳۰۰ نفر از دانشجویان به روش تمام شماری انتخاب شد. پس از تأیید از فرم رضایت آگاهانه دانشجویانی که حداقل یک دوره فعالیت آموزشی گروهی گذرانده بودند وارد مطالعه شدند. پرسشنامه از طریق پیامرسان مجاز ارسال شد. اطلاعات مورد نیاز برای این تحقیق از طریق پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک، و پرسشنامه ی ارزیابی کار گروهی (۱۵ سوال) و درک دانشجویان از فرآیندهای گروهی (۱۳ سوال) و عملکرد گروه (۱۰ سوال) که توسط آکار (۲۰۰۴) تدوین شده است استفاده شد. روایی صوری این ابزار جهت ارزیابی در اختیار ۵ نفر از اساتید دانشگاه علوم پزشکی ایران قرار داده شد و تایید شد. پایایی این ابزار نیز با تکمیل پرسشنامه در مورد ۲۰ نفر از نمونه های پژوهش و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ محاسبه شد. پرسشنامه به صورت آنلاین توسط دانشجویان تکمیل و با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل قرار شد.

نتایج:

یافته‌های پژوهش نشان داد دانشجویان شرکت کننده اکثرا (۵۵٫۴٪) زن و بیش از نیمی (۵۱٪) از آنها بالای ۲۰ سال سن داشتند. دانشجویان همه در مقطع کارشناسی بوده و ۷۶٪ آنها دارای بیش از ۵ درس با کارگروهی را گذرانده بودند. ۷۵٫۷٪ تعداد افراد گروه ۵ نفر یا کمتر بود. بیشترین نوع کار گروهی در انجام دادن پروژه (۲۹٫۴٪) و کار عملی (۲۸٫۹٪) بود، در ارزیابی درک دانشجویان از ارزیابی کار گروهی در آموزش مجازی تنها موردی که نیمی از افراد با آن کاملا موافق بودند این بود که احساس میکردند مسائل مربوط به تیم تأثیر کافی داشتند (۴۹٫۰۱٪)، در سایر موارد در این زمینه اکثریت با گزینه‌ها موافق بودند پاسخ‌های دانشجویان به مواردی که ادراک آنها را در مورد فرآیندهای گروهی اندازه‌گیری می‌کند، نشان می‌دهد که اغلب میزان موافقم دانشجویان با گزینه‌ها بیش از سایر حیطه‌های مقیاس بوده اند به جز دو مورد که حدود یک سوم نظری نداشته‌اند شامل دیگران بیشتر از من کار کرده اند (۳۳٫۳۳٪) و عضو (های) غیر رسمی تیم تلاش بیشتری برای انجام کار می‌کنند (۳۷٫۷۴٪). پاسخهای دانشجویان در مورد عملکرد گروه نظرات مختلفی داشتند. در مورد توزیع وظایف بین اعضای گروه به خوبی انجام شد بیش از یک سوم نظری نداشته (۳۵٫۲۹٪) و یا موافق بودند (۳۵٫۲۹٪). همچنین تفاوت نظرات در کار تنهایی در گروه را ترجیح میدهم از مخالفم (۲۴٫۵٪) تا نظری ندارم (۳۲٫۳۵٪) و موافقم (۲۵٫۹۸٪) متغیر بود.

بحث و نتیجه‌گیری:

نتایج این پژوهش نشان داد که حداکثر نیمی از دانشجویان توانسته‌اند به اهداف کار گروهی دست یافته و نقشهای خود را به درستی ایفا کرده اند اما در نهایت حدود نیمی از آنها موافق و کاملا موافق هستند که به تنهایی تکالیف خود را انجام دهند. شواهد نیز نشان می‌دهد که در اغلب موارد تقسیم وظیفه درستی در فعالیتهای گروهی وجود ندارد. این امر در آموزش مجازی به این دلیل اهمیت می‌یابد که افراد از نزدیک با هم تعامل و ارتباط مناسبی نداشته‌اند و این امر باعث سردرگمی و بعضا انجام فعالیتهای تکراری شده و موجب نارضایتی می‌شود. لازم است در راستای تقسیم کار و ایفای نقش اساتید برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای حل این مشکل داشته باشند.

کلمات کلیدی: کارگروهی، آموزش مجازی، تیم

مقایسه تاثیر دو روش آموزشی بازخورد لحظه ای و گزارشگری ضبط ویدئویی بر مهارت احیای قلبی ریوی پایه در دانشجویان پرستاری

محمدسجاد قادری^۱، جواد ملک زاده^۲، سیدرضا مظلوم^۲، طیبه پورغزنین^۲

۱. دانشکده علوم پزشکی تربیت جام، خراسان رضوی، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: طیبه پورغزنین

مقدمه:

ایست قلبی ناگهانی یکی از مهمترین فوریت های پزشکی است که نیاز به اقدام فوری و سنجیده دارد. داشتن مهارت یکی از عوامل موثر در شروع احیای قلبی ریوی و موفقیت آن است که لازمه آن انتخاب روش آموزشی مناسب می باشد تا موجب عملکرد موثر شود. لذا این مطالعه با هدف تعیین تاثیر دو روش آموزشی بازخورد لحظه ای و گزارشگری ضبط ویدئویی بر مهارت احیای قلبی ریوی پایه در دانشجویان پرستاری انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه نیمه تجربی دو گروه مستقل بر روی ۶۷ دانشجوی سال اول پرستاری در سال تحصیلی ۱۳۹۹ انجام شد. پس از کسب رضایت آگاهانه از دانشجویان، ابتدا یک جلسه آموزش نظری احیاء پایه برای تمامی شرکت کنندگان در مطالعه برگزار شد و در انتهای جلسه پیش آزمون اخذ شد سپس دانشجویان بصورت تصادفی به دو گروه بازخورد لحظه ای و گزارشگری ضبط ویدئویی تخصیص یافتند. جلسه ۴ ساعته آموزش عملی احیاء پایه در گروه بازخورد لحظه ای با استفاده از دستگاه بازخورد دهنده و در گروه گزارشگری ضبط ویدئویی به شیوه جلسه گزارشگری همراه با ضبط ویدئویی اجرا شد. داده ها با استفاده از فرمهای مشخصات دموگرافیک، سبک های یادگیری کلب و چک لیست سنجش مهارت احیاء پایه جمع آوری شد. روایی چک لیست سنجش به صورت روایی محتوا بررسی شد، بدین شکل که در اختیار ۹ نفر از اعضای هیأت علمی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد قرار گرفت و با CVR: 0/99 و CVI: 1 تایید شد. پایایی ابزار سنجش مهارت از روش کودر ریچادسون استفاده شد که با ضریب ۸۰۴/۰ تایید شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 25 تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج:

اکثریت واحدهای مورد مطالعه (۱/۶۱٪) مونث و همگن بودند، میانگین سن دانشجویان در گروه بازخورد لحظه ای ۳۰/۲±۴۶/۲ سال و در گروه گزارشگری ضبط ویدئویی ۷۹/۱۹±۱۵/۲ سال بود که همگن بودند. در مرحله پیش آزمون دو گروه بازخورد لحظه ای و گزارشگری ضبط ویدئویی از نظر میانگین درصد صحت

عمق ماساژ ($0/384=P$)، درصد صحت سرعت ماساژ ($0/945=P$)، درصد صحت اجازه برگشت کامل قفسه سینه ($0/864=P$) و درصد صحت نسبت زمان ماساژ به کل زمان احیاء ($0/530=P$) همگن بودند. در مرحله پس آزمون میانگین درصد صحت عمق ماساژ ($0/003=P$) و درصد صحت نسبت زمان ماساژ به کل زمان احیاء ($0/006=P$) گروه بازخورد لحظه ای بصورت معناداری بیشتر از گروه گزارشگری ضبط ویدئویی بود. یافته ها نشان داد در دو گروه بازخورد لحظه ای و گزارشگری ضبط ویدئویی میانگین مهارت احیاء پایه ($000/1>P$)، درصد صحت عمق ماساژ ($000/1>P$) و درصد صحت سرعت ماساژ ($000/1>P$) بعد از مداخله بطور معناداری افزایش یافت.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به تاثیر تقریبا یکسان روش بازخورد لحظه ای و روش گزارشگری ضبط ویدئویی بر روی مهارت احیاء قلبی ریوی و روش اجرای هر کدام از روش های آموزشی به لحاظ زمان، استاندارد بودن و رسیدن به نتیجه، استفاده از روش آموزشی بازخورد لحظه ای در آموزش و پایش احیاءگران توصیه می شود.

کلمات کلیدی: بازخورد لحظه، گزارشگری ضبط ویدئویی، احیاء قلبی ریوی، دانشجویان

تأثیر روش بازخورد بر یادگیری دستیاران زنان و زایمان در مدیریت خونریزی زودرس پس از زایمان

سید رضا موسوی^۱، مهناز برومند رضازاده^۱، مجید خادم رضاییان^۱، نیره قمیان^۱، تینا زراعتی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: مهناز برومند رضا زاده

مقدمه:

آموزش شبیه سازی شده (Simulation-based learning, SBL) یک روش یادگیری جدید است که فرصت هایی را برای دانشجویان پزشکی فراهم می کند تا یاد بگیرند که چگونه موقعیت های استرس زا را مدیریت کنند، به گونه ای که گویی در حال تجربه موقعیت در واقعیت هستند. در سال های اخیر توجه زیادی به روش آموزشی مبتنی بر شبیه سازی شده است. از طرف دیگر بازخورد مناسب، فراگیران را از قضاوت نامناسب خود باز می دارد و از این طریق می تواند اهداف واقع بینانه ای برای ارتقای نقاط قوت و همچنین بهبود نقاط ضعف خود به دست آورند. رویکردهای بازخورد مختلفی در مقالات برای رسیدن به مؤثرترین استراتژی بازخورد. پرتعدادترین استراتژی های طبقه بندی بازخوردها شامل بازخورد همزمان (In-task feedback, IT) که در طول کار داده می شود، و بازخورد تاخیری (End-task feedback, ET) که در پایان عملکرد داده می شود. این مطالعه با هدف ارزیابی مؤثرترین روش بازخورد در طول یک برنامه شبیه سازی انجام شده است.

مواد و روش ها:

این مطالعه تجربی بر روی ۴۴ دستیار زنان و زایمان در بیمارستان های ام البنین، امام رضا (ع) و قائم (عج) دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد. فراگیران بر اساس سال دستیاری به ۳ گروه جداگانه طبقه بندی شدند. سال دوم (تعداد: ۱۵)، سال سوم (تعداد: ۱۴)، و سال چهارم (تعداد: ۱۵). در ابتدا از فراگیران یک پیش آزمون در مورد مدیریت خونریزی پس از زایمان (Post-partum hemorrhage, PPH) به عنوان یک اورژانس مهم زنان و زایمان گرفته شد. دانش فراگیران از طریق یک آزمون تشریحی و عملکرد آنها از طریق یک آزمون بالینی ساختار یافته عینی (Objective Structured Clinical Examination, OSCE) مورد ارزیابی قرار گرفت. حداکثر امتیاز آزمون OSCE پنجاه و حداکثر امتیاز در آزمون تشریحی ده در نظر گرفته شد. در ادامه یک فایل صوتی تصویری در مورد نکات ضروری در مورد مدیریت PPH در اختیار فراگیران قرار داده شد. در مرحله بعد از فراگیران خواسته شد که به یک برنامه مبتنی بر شبیه سازی بپیوندند، که در آن به نیمی از دستیاران بازخورد همزمان و به نیم دیگر بازخورد تاخیری داده شد. سرآخر از فراگیران

پس آزمون بصورت تشریحی و OSCE گرفته شد. در نهایت، نتایج پس آزمون بین دو گروه با هم مقایسه گردید.

نتایج:

نتایج نشان داد که بهبود عملکرد از طریق روش شبیه سازی شده در دستیاران سال سوم قابل توجه تر است. تمایز دانش از طریق ارائه بازخورد تاخیری در ارزیابی اولیه و ثانویه دستیاران سال های اول تا سوم معنادار نبود. هر چند تمایز دانش از طریق ارائه بازخورد همزمان در ارزیابی اولیه و ثانویه دستیاران سال اول معنادار بود، اما در دستیاران سال دوم و سوم معنادار نشد. تمایز عملکردی از طریق ارائه بازخورد همزمان و تاخیری در بین دستیاران سال های اول تا سوم بین ارزیابی اولیه و ثانویه تفاوتی ایجاد نکرد.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان داد که بهبود عملکرد از طریق روش شبیه سازی شده در دستیاران سال سوم قابل توجه تر است. محدودیت اصلی مطالعه ما شرایط مرتبط با همه گیری COVID19 بود که باعث ایجاد محدودیت هایی در برگزاری طرح با جمعیت فراگیران بیشتر گردید. علاوه بر آن تنها دستیاران خانم در مطالعه ما شرکت داشتند. شواهد نشان می دهد که یادگیری یک برنامه آموزشی با استفاده از روش شبیه سازی شده، بین فراگیرانی که بازخورد حین کار یا پایان کار دریافت کرده اند، تفاوت معناداری ندارد. علاوه بر این، به نظر می رسد که SBL یکی از ارجح ترین روش ها برای توسعه سطح عملکرد در بین دانشجویان پزشکی باشد. اگرچه دادن بازخورد به هر دو روش موجب ارتقا یادگیری فراگیران می گردد لیکن به یاد داشته باشیم دادن بازخورد نامناسب می تواند مخرب باشد، زیرا موجب افزایش سطح استرس فراگیران و نامطلوب شدن جو کلاس می گردد.

کلمات کلیدی: شبیه سازی، بازخورد، دستیار



بررسی ابعاد مدیریت منابع انسانی استراتژیک از دیدگاه کارکنان و اعضا هیات علمی در دانشکده پرستاری مامایی تهران

گلنار قانع^۱، حرمت اسادات امام زاده قاسمی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: گلنار قانع

مقدمه:

در سازمان ها آموزشی، منابع ارزشمندی وجود دارد که هر یک از آن ها، نقش مهمی در موفقیت و دستیابی به اهداف ایفا می کنند؛ اما نقش اعضا هیات علمی و کارکنان به عنوان مهمترین سرمایه هر سازمان، پررنگ تر از سایر منابع است به طوری که مدیریت کردن این سرمایه ارزشمند و استفاده بهینه از آن، یکی از مهم ترین کارهایی است که باید در هر سازمان انجام شود. امروزه بسیاری از سازمان ها به ویژه دانشگاه ها به دنبال بهبود عملکرد هستند. از این رو توجه به عوامل انسانی در راستای برآورده کردن اهداف و مأموریت های سازمانی اهمیت دارد. مطالعات اخیر، مدیریت استراتژیک منابع انسانی را به عنوان عاملی برای افزایش مزیت رقابتی مطرح می کنند و اعضا هیات علمی و کارکنان نیز به طور گسترده رویکرد، فرآیند و دیدگاه خودشان را با برنامه ریزی استراتژیک سازمان محک می زنند. مدیریت استراتژیک منابع انسانی، روشی است برای تصمیم گیری درباره مقاصد و طرح های سازمان که به مواردی چون روابط اشتغال، کارمندیابی، آموزش، پاداش ها و سیاست ها و روش های ارتباط با کارکنان مرتبط می باشد. مطالعات اخیر نشان داده اند که سازمان های آموزشی با کارآیی بالا، مدیریت منابع انسانی استراتژیک را به کار می گیرند اما شکاف بزرگی در مطالعات مفهومی و تجربی مربوط به مدیریت منابع انسانی استراتژیک در سطوح آموزش عالی وجود دارد. به گونه ای که می توان گفت پژوهش هایی که نشان دهنده وضعیت فعلی مدیریت منابع انسانی استراتژیک در دانشگاه های ایران به ویژه دانشگاه های علوم پزشکی باشند، بسیار محدود است. بنابراین این مطالعه با هدف تعیین مدیریت منابع انسانی استراتژیک از دیدگاه کلیه کارکنان و اعضا هیئت علمی دانشکده پرستاری مامایی تهران انجام شد.

مواد و روش ها:

این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی می باشد که جهت اجرا پژوهش، محقق پس از تصویب طرح و اخذ مجوز اجرا و کد اخلاقی از دانشگاه علوم پزشکی تهران، ابتدا به واحدها و گروه های کاری مختلف دانشکده پرستاری مامایی مراجعه نموده و با توضیح در مورد مطالعه و هدف از انجام آن به مسئولین، رؤسای واحدها و مدیران گروه ها، هماهنگی های لازم جهت یافتن مشارکت کنندگان انجام گرفت. سپس محقق با مراجعه به کارکنان و اعضا هیئت علمی هر گروه، اطلاعات مربوط به مطالعه را منتقل نموده و

پس از توضیح اهداف پژوهش، اختیاری بودن شرکت در پژوهش و محرمانه بودن تمام اطلاعات، نمونه گیری را با اخذ رضایت نامه آگاهانه از اعضاء هیئت علمی و کارکنان در خصوص شرکت در مطالعه آغاز نمود. روش نمونه گیری در این مطالعه به صورت کاملاً در دسترس بود. داده ها با پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه سیاست ها و اقدامات مدیریت منابع انسانی (HRMPPS) جمع آوری شد. قابل ذکر است که با توجه به شیوع ویروس کووید ۱۹ و محدودیت های ایجاد شده در حضور کارکنان و اعضاء هیئت علمی در دانشکده و جهت رعایت پروتکل های بهداشتی، پرسشنامه ها به صورت الکترونیک از طریق نرم افزار پرس لاین تکمیل گردید. بعد از جمع آوری داده ها و ورود آن ها به نرم افزار Spss نسخه ۲۶ با بکارگیری روش های آمار توصیفی مانند محاسبه درصد و فراوانی و میانگین و انحراف معیار استاندارد و آمار استنباطی نظیر آزمون T تک نمونه ای، آزمون فریدمن، آزمون تی مستقل، آزمون های آنالیز واریانس، آزمون ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که سیاست ها و اقدامات مدیریت منابع انسانی استراتژیک از دیدگاه کارکنان و اعضاء هیئت علمی وضعیت مطلوب و مناسبی داشته است و آزمون آماری معنی دار می باشد. به گونه ای که میانگین نمره کل نمونه های پژوهش ۱۵۳/۶۷۵ از سقف ۲۰۰ نمره ممکن را بدست آورده اند که برابر با حدود ۷۷ درصد نمره بوده است. حداقل نمره کسب شده در بعد کلی ۶۱ و حداکثر ۱۹۸ بود. همچنین نتایج مطالعه ما بیانگر این است که بین رتبه مولفه ها تفاوت معنی داری وجود دارد و در واقع میزان مطلوبیت و برتری ۶ مولفه ی کارمندیابی و استخدام، دلبستگی و تعلق، آموزش و توسعه، شرایط کاری، ارزیابی عملکرد مبتنی بر شایستگی و جبران خدمات و پاداش در یک سطح و اندازه نبود. با توجه به میانگین رتبه ها ۳ مولفه ی "دلبستگی و تعلق"، "آموزش و توسعه" و "شرایط کاری" در رتبه های اول تا سوم برتری و مطلوبیت در وضعیت سیاست ها و اعمال مدیریت منابع انسانی قرار داشتند.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نمره بالاتر دلبستگی و تعلق از سایر ابعاد می توان تحلیل کرد که دانشکده پرستاری مامایی تهران شرایط کاری، توسعه ای و آموزشی مناسبی دارد.

کلمات کلیدی: سازمان آموزشی، مدیریت، هیات علمی

تبیین شاخص های اخلاق حرفه ای اساتید علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی

میلاذ رضائیه^۱، علی رحمانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران

نویسنده مسئول: علی رحمانی

مقدمه:

اخلاق حرفه ای حوزه ای از اخلاق کاربردی است که به مسائل اخلاقی در حرفه ها و سازمان ها می پردازد و مسائل و معضلات اخلاقی را تحلیل می کند. در واقع اخلاق حرفه ای فرآیندی از تفکر منطقی است که هدف آن این است که متوجه شود چه ارزش هایی باید در سازمان حفظ و منتشر شود. لذا این مطالعه با هدف تبیین شاخص های اخلاق حرفه ای اساتید علوم پزشکی از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی انجام شد.

مواد و روش ها:

برای جمع آوری و تحلیل داده ها از طراحی کیفی با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای مرسوم استفاده شده است. چهارده مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی انجام شد. شرکت کنندگان با استفاده از نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. این مطالعه از تیرماه سال ۱۴۰۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ در دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) تهران انجام شد. فرآیند تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس روش لاندمن و گرنهیم با کمک نرم افزار MAXQDA (10) انجام شد. علاوه بر این، معیارهای لینکلن و گوبا برای اطمینان از صحت و استحکام یافته های مطالعه دنبال شد.

نتایج:

در جریان تجزیه و تحلیل داده ها، چهار مقوله اصلی از ۹ زیرطبقه و ۷۶۵ کد به عنوان شاخص های اخلاق حرفه ای اساتید علوم پزشکی پدیدار شد، که عبارتند از الف. "دانش حرفه ای"، ب. "تعاملات"، ج. "صلاحیت اخلاقی"، و د. "ویژگی های شخصیتی".

بحث و نتیجه گیری:

این مطالعه نشان می دهد که از دیدگاه اساتید و دانشجویان علوم پزشکی چهار شاخص کلی برای اخلاق حرفه ای اساتید دانشگاه های علوم پزشکی وجود دارد. بنابراین می توان اذعان داشت که دانشگاه ها و نهادهای بالادستی آن می توانند با اقدامات موثرتر در ارتقای اخلاق حرفه ای اساتید دانشگاه، نقش موثری در توسعه اخلاق حرفه ای ایفا کنند.

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای، اساتید، شاخص

طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه توانمندسازی اعضای هیات علمی دانشگاه‌های کلان منطقه ۵: همکاری های بین دانشگاهی از طریق مدل های نیاز سنجی

مهکامه عاشورپور^۱، لیلی مصلی نژاد^۲

۱. دانشکده علوم پزشکی لارستان، فارس، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی جهرم، فارس، ایران

نویسنده مسئول: مهکامه عاشورپور

مقدمه:

تغییرات متعدد آموزش علوم پزشکی متناسب با علوم روز و نیاز به روزآمدی آن، ضرورت برنامه های توانمندسازی را از راه های مختلف مورد تاکید قرار می دهد. به این منظور استفاده از دیدگاه ها و نظرات افراد شرکت کننده در این کارگاه ها، بررسی نیازهای ادراک شده آموزشی، توجه به نقایص عملکردی و بهره مندی از نظرات متخصصین آموزش پزشکی در جهت ارتقاء تدارک و طراحی برنامه های آموزشی مطابق با نیازهای آموزشی گروه هدف، نقش مهمی در جهت طراحی برنامه های مذکور دارد. هدف مطالعه حاضر شناسایی نیازها، اجرا و ارزشیابی این برنامه های آموزشی بر اساس مدل های نیاز سنجی در برخی دانشگاه های کلان منطقه ۵ بود.

مواد و روش ها:

فرآیند نیازسنجی این پژوهش در طی دو مرحله انجام شد: مرحله اول نیاز سنجی از اعضا در خصوص عناوین و پیشنهادات مورد نظر از کلیه گروه های آموزشی و دانشکده های مختلف بود. این مرحله با هدف جمع نیازهای اساتید بر اساس نیازهای درک شده انجام شد و در سه دانشگاه کلان منطقه لارستان، جهرم و گراش همزمان انجام و نتایج آن با استخراج عناوین مورد توافق و پیشنهادات ارائه شده تکمیل گردید. در این مرحله گروه های اسمی از رشته های مختلف نظرات خود را ارائه نمودند. مرحله بعد نیاز سنجی خبرگان با استفاده از تکنیک دلفی بود که هر دانشگاه نظرات را بررسی و در گروه خبرگان اولویت ها را حیطه بندی و استخراج نمود. گروه سوم از خبرگان در یک برنامه تلفیقی توافق محور مجازی به بررسی اولویتهای پرداخته و متناسب با اولویت های آموزشی برنامه های پیشنهاد وزارتتی جهت ارتقا، به استخراج عناوین نهایی اقدام و سپس با توافق جمع، سخنرانان پیشنهادی معرفی شدند. سخنرانان خبرگان هر حیطه در زمینه مورد نظر را به خود اختصاص داده و به اجرای کارگاه بر اساس برنامه پرداختند. این بخش یک فرآیند نیاز سنجی تا اجرای بین دانشگاهی در کلان منطقه بود. فاز آخر ارزشیابی برنامه ها بر اساس چک لیست ارزیابی کارگاه های آموزشی و شناسایی بالاترین میزان رضایت از عناوین و حیطه های کارگاهی بود که از طریق لینک آنلاین در گروه های مختلف دانشگاهها قرار داده شد. برگزاری کارگاه

ها به صورت مجازی و در پلتفرم ادوب کانکت انجام شد و گذراندن این دوره ها برای اعضای هیات علمی جدیدالورود الزامی بود. پس از برگزاری هر کارگاه، دیدگاه های اعضای هیات علمی براساس یک پرسشنامه استاندارد ارزشیابی مورد بررسی قرار گرفته و سپس داده ها با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج:

ارزیابی برنامه ها از طریق چک لیست نشان داد که «میزان شفافیت محتوای ارائه شده در کارگاه» ۸۲٪/۵، «کاربردی بودن محتوا و موضوع کارگاه» ۹۱٪/۷، «کیفیت برگزاری و فعالیتهای در نظر گرفته شده برای مشارکت افراد» ۸۸٪ و «اطلاع رسانی به موقع و قابلیت دسترسی به لینک ها» ۹۸٪ اهداف مورد انتظار شرکت کنندگان در کارگاهها را تامین کرد. بیشترین میزان رضایت اعضای هیات علمی در مورد کارگاههای «آموزش مبتنی بر شواهد»، «انواع آزمون و استانداردهای تدوین آن» و «رفتار حرفه ای-تعهد حرفه ای» به ترتیب با ۸۹٪/۶، ۸۵٪/۱ و ۷۸٪/۹۵ بود.

بحث و نتیجه گیری:

بررسی نیازهای ادراک شده در سیستم آموزشی و تطبیق آن با سیاست های وزارتی در برنامه های توانمندسازی می تواند موقعیتی مناسب را برای تامین و رفع این نیازها فراهم سازد. بکارگیری همکاری های تیمی، همکاری های بین دانشگاهی و استفاده از خبرگان نیز زمینه ای مهم را در برآورده سازی تنوع، کیفیت و ارتقاء برنامه های کارگاهی فراهم می سازد. این شکل از همکاری می تواند در سایر همکاری ها متناسب با مناطق آمایشی و رسالت آنها توسعه یافته و الگوی باارزشی در بررسی نیازهای آموزشی کلان مناطق باشد.

کلمات کلیدی: توانمندسازی، تکنیک دلفی، نیازسنجی

توانمند سازی پژوهشی اساتید، دانشجویان و محققین از طریق آموزش و مشاوره الکترونیکی در حیطه آنالیز آماری و مقاله نویسی و مقایسه آن با آموزش چهره به چهره در دوران کووید ۱۹ در مرکز توسعه پژوهش های بالینی بیمارستان نمازی شیراز

مریم غلامی^۱، معصومه قدوسی جوهری^۱، مرضیه فرهادی پور^۱، علی محمد کشت و رز حسام آبادی^۱، سمانه قنبری^۱، مرجان غلامی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

نویسنده مسئول: مریم غلامی

مقدمه:

واحد توسعه پژوهش های بالینی بیمارستان نمازی شیراز با توجه به رسالت خود در توانمند سازی پژوهشی، از طریق ارائه آموزش های مقدماتی آماری و مشاوره های طراحی پژوهش و آنالیز های آماری، همواره در تلاش است با افزایش سطح دانش محققین، اساتید و دانشجویان، به این رسالت مهم دست پیدا کند. پاندمی کووید-۱۹ چشم اندازهای آتی آموزشی را تحت تأثیر قرار داده است. در اکثر کشورها از جمله ایران نیز در پی همه گیری کووید-۱۹ و در راستای تصمیمات اتخاذ شده جهت رعایت فاصله گذاری ها و جلوگیری از تجمع، در دانشگاه های کشور به طور رسمی شیوه های آموزش مجازی جایگزین کلاسهای درس حضوری شدند و در این بازه زمانی روز به روز شاهد رونق گرفتن و پیشرفت در این زمینه بوده ایم. با شروع کرونا و نگرانی از انتقال این بیماری در مراجعین حضوری، این واحد بر آن شد تا از مزایای خدمات الکترونیکی برای ارائه مشاوره ها و دیگر خدمات متداول استفاده نماید. با بهبود شرایط و کاهش آمار ابتلا به کرونا آموزش های چهره به چهره از سر گرفته شد. برآن شدیم به جهت بهبود آرایه آموزش، مقایسه ای بین نحوه آموزش ها انجام گیرد.

مواد و روش ها:

انجام مشاوره های الکترونیکی از طریق نرم افزار های Skype، Any Desk، Team Viewer، در دوران بیماری واگیر دار کوید ۱۹ به منظور بالا بردن ضریب یاد گیری محققین در حیطه آموزش الکترونیکی، آموزش افراد و اجرای مشاوره های در قالب فایل های صوتی و تصویری به صورت زنده یا ذخیره شده در قالب مطالب آموزشی و فایل های الکترونیکی در اختیار محققین قرار گرفت. با بهبود شرایط تمام آموزش ها به صورت حضوری صورت گرفت. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران در جوامع با حجم مشخص در هر گروه ۲۸۶ نفر در نظر گرفته شد. سپس از طریق ایجاد پرسشنامه ای مناسب و ارسال از طریق ایمیل

مراجعه نظرسنجی صورت گرفت.

نتایج:

نتایج حاصل از نظرسنجی نشان داد در مشاوره های آماری به طور معناداری دیدگاه محققین و اساتید در مورد برتری مشاوره های الکترونیکی در مقایسه با چهره به چهره تغییر یافته است ($p\text{-value} < 0.04$) و می توان گفت دیدگاه ها نسبت به آموزش الکترونیکی بهبود یافته است. هم چنین محققین و اساتید مشاوره الکترونیکی طراحی پژوهش را ترجیح دادند ($p\text{-value} < 0.0001$).

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان دهنده نگرش مثبت اکثریت نمونه ها به ارائه خدمات به صورت مجازی می باشد طبق نتایج نظر سنجی این افراد به دلیل برخورداری از مزایایی همچون استفاده از مشاوره همزمان با حضور در محل کار یا استراحت برآورده شدن خواسته ها بدون تحمل سختی رفت و آمد های مکرر و هزینه های آن و استفاده از نرم افزارهای ساده آموزشی خواستار ادامه این روند بودند و دلیل نارضایتی اقلیت باقیمانده نشات گرفته از نداشتن علم و مهارت مورد نیاز برای استفاده از فضای مجازی یا نداشتن اعتماد به این فضا و یا خو گرفتن به ارتباط چهره به چهره و کلامی بود.

کلمات کلیدی: چهره به چهره، کووید ۱۹، الکترونیکی، آموزش

طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه ارتقای مهارت های آموزشی اساتید بالینی با استفاده از رویکرد همتای نزدیک در دانشگاه علوم پزشکی کرمان

مهلا سلاجقه^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: مهلا سلاجقه

مقدمه:

در دانشگاه های علوم پزشکی توانمندسازی اعضای هیات علمی بالینی، به لحاظ نقش مهمی که در سلامت جامعه در ابعاد متعدد دارند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. برنامه های توانمندسازی اعضای هیات علمی بالینی در بعد آموزشی نیازمند اتخاذ راهکارهای مشخص و منسجم می باشد که زمینه ساز نیل به اهداف توانمندسازی در این حوزه هستند. در این میان، برنامه های توانمندسازی اعضای هیات علمی بالینی در زمینه آموزش پزشکی، فرصت مناسبی برای آشناسازی، به روز نمودن و ارائه مشاوره به اعضای هیات علمی جهت اجرای هر چه بهتر فرآیندهای یاددهی و یادگیری بالینی فراهم می نمایند. علیرغم تلاش های بسیار در زمینه توانمندسازی آموزشی اعضای هیات علمی بالینی، در بسیاری از موارد به دلیل وجود برخی چالش ها و محدودیت ها مانند حجم کاری بالا، زمان محدود و مشغله های فراوان ایشان یا وجود برخی نقاط ضعف در این اقدامات مانند متکی نبودن برنامه توانمندسازی بر مدل ها و تئوری های زیربنایی، عدم بهره گیری از حضور اعضای هیات علمی بالینی به عنوان مدرس، عدم استفاده از آموزش های طولی، عدم حمایت، ارائه مشاوره و پیگیری فعالیت های آموزشی شرکت کنندگان بعد از پایان دوره و عدم ارزشیابی دوره توانمندسازی برگزار شده و بررسی تاثیرات آن، از اثربخشی کافی برخوردار نبوده اند و به نظر می رسد که برای بسیاری از اعضای هیات علمی بالینی، بخش عمده توانمندی های مورد نیاز برای یک مدرس بالینی غریب هستند. شواهد حکایت از آن دارد که داشتن انگیزه شخصی و داشتن زمینه و تجربه در امر آموزش و تخصص بالینی به تنهایی کافی نیست و حمایت سازمان برای ارائه هرچه بهتر فرآیند یاددهی و یادگیری بسیار ضروری است.

مواد و روش ها:

برنامه توانمندسازی ویژه ارتقای مهارت های آموزشی اساتید بالینی با کمک مدل طراحی برنامه آموزشی هاردن طراحی شد. جهت تعیین نیازهای آموزشی اساتید بالینی، مرور متون مرتبط انجام شد و همچنین یک پانل متخصصان با شیوه تکنیک گروه اسمی با حضور اساتید بالینی و متخصصان آموزش پزشکی برگزار شد. برای تعیین استراتژی ها و روش های آموزشی، بر مبنای نظریه سازنده گرایی اجتماعی ویگوتسکی که تاکید بر آموزش با تعامل با دیگران و انجام فعالیت های توأم با همکاری دارد، رویکردهای

غیررسمی، گروهی و بلندمدت برای ارائه این برنامه در نظر گرفته شد. از جمله مهمترین اقدامات در این دوره، تعلیم سه نفر از اعضای هیات علمی بالینی به عنوان مدرس در دوره های توانمندسازی آموزشی اعضای هیات علمی بود. با توجه به حجم کار بالای اساتید بالینی و محدودیت زمانی ایشان، برنامه با استفاده از روش کلاس وارونه ارائه شد. در مرحله اجرا، ۱۳ جلسه دو ساعته بر مبنای رویکرد آموزشی با کمک همتای نزدیک برگزار شد. در جلسه همزمان از روش های سخنرانی تعاملی، بازنمایشی بر تجارب توسط شرکت کنندگان به صورت نیمه ساختارمند، بحث گروهی و حل تمرین استفاده شد. برای ارزشیابی برنامه، از پرسشنامه محقق ساخته براساس الگوی سیپ استفاده شد.

نتایج:

در این دو دوره به ۸۰ نفر از اعضای هیات علمی بالینی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان و سایر دانشگاه های منطقه آمایشی هشت، آموزش ارائه شد. همچنین ۲۵۰ دقیقه محتوای آموزشی الکترونیک در قالب فیلم تولید شد. از جمله مهمترین دستاوردهای این دوره، تعلیم سه نفر از اعضای هیات علمی بالینی به عنوان مدرس در دوره های توانمندسازی آموزشی اعضای هیات علمی بود. کسب آگاهی بیشتر از نقاط قوت و ضعف، افزایش اعتماد به نفس، انگیزه و علاقه بیشتر برای تدریس گزارش شدند. همچنین افزایش دانش در مورد رویکردهای آموزش و یادگیری و کسب مهارت های طراحی آموزشی و بازخورد مؤثر بیان شدند. تغییرات رفتاری مشاهده شده در اعضای هیات علمی شامل بهبود مهارت های تدریس بود. یکی از مهم ترین یافته های این پژوهش، کسب توافق بالای افراد در مورد اهمیت مشارکت جمعی اعضای هیات علمی در توسعه و پیشرفت سازمان محل خدمت بود.

بحث و نتیجه گیری:

از عوامل کلیدی در موفقیت دوره های توانمندسازی آموزشی ویژه اعضای هیات علمی بالینی حاصل از این پژوهش می توان به محتوای مناسب و مرتبط دوره ها، یادگیری تجربی، ارائه بازخورد، برنامه های توانمندسازی بلندمدت، حمایت سازمانی و طراحی صحیح مداخلات آموزشی براساس اصول آموزش و یادگیری بزرگسالان اشاره نمود.

کلمات کلیدی: توانمندسازی، همتای نزدیک

بررسی نظرات اساتید مشاور شرکت کننده در کارگاه آموزشی آشنایی با آیین نامه های تسهیلات آموزشی، پژوهشی و رفاهی ویژه دانشجویان ممتاز استعداد درخشان - دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان

لیدا فتاحی زاده^۱، سید ابوالفضل تهی دست^۱، رزیتا هدایتی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

نویسنده مسئول: لیدا فتاحی زاده

مقدمه:

مهم ترین عامل موثر در تعلیم و تربیت دانشجویان و تحقق اهداف آموزشی، اساتید هستند. استاد مشاور به عنوان اولین سطح ارتباطی دانشجو با سیستم آموزشی می بایست ضمن داشتن تبحر لازم جهت برقراری ارتباط، آشنایی کافی با دستور العمل های آموزشی، رفاهی و فرهنگی را داشته باشد تا بتواند با شناخت استعدادها و توانایی های بالقوه دانشجویان و کمک به شکوفایی منطقی آنها نسبت به معرفی آنها به دفتر استعداد درخشان دانشگاه اقدام نمایند.

مواد و روش ها:

در راستای اهداف آیین نامه استاد مشاور دانشگاه ها در خصوص شناسایی، هدایت و حمایت دانشجویان ممتاز و استعدادهای درخشان و هدایت دانشجویان برتر کارگاه آشنایی با تسهیلات آموزشی، پژوهشی و رفاهی ویژه دانشجویان ممتاز و استعداد درخشان در دو نوبت در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ جهت اساتید مشاور دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سمنان بصورت حضوری و مجازی برگزار گردید. نظرات و پیشنهادات ۳۲ نفر (۸ مرد و ۲۴ نفر زن) از اساتید مشاور با استفاده از پرسشنامه الکترونیکی جمع آوری و سپس با استفاده از نرم افزار spss تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج:

بررسی ها نشان داد اساتید مشاور دانشگاه در این دوره آموزشی که از دیدگاه آنان به روش مناسب برگزار شده بود (۵۶/۲۵) با طبقه بندی منظم آیین نامه های تسهیلات آموزشی، پژوهشی و رفاهی ویژه دانشجویان ممتاز و استعداد درخشان (۷۵/۳۵) و به روز بودن محتوای آموزشی (۷۵ درصد) با بهبود آگاهی آنان نسبت به آیین نامه ها (۵۹/۳۷ درصد) و ارتباط با شغل و وظایف اصلی آنان (۳۰ درصد) ضمن برآورده شده اهداف مورد نظرشان (۶۵/۶۳ درصد) شرکت در این کارگاه را اثر بخش (۱۰۰ درصد) دانسته و ۷۸/۲۵ درصد اظهار داشتند. جهت توانمند سازی آنها و به منظور راهنمای به موقع دانشجویان جهت استفاده از تسهیلات آیین نامه های استعداد درخشان و دیگر آیین نامه ها کارگاه های آموزشی بصورت مستمر ادامه داشته باشد.

بحث و نتیجه گیری:

برگزاری کارگاه های توانمند سازی اساتید مشاور در حیطه های مختلف آموزشی و خصوصا اجرایی در زمینه های آیین نامه های آموزشی به منظور مشاوره دانشجویان می تواند ضمن هدایت و حمایت دانشجویان خصوصا دانشجویان ممتاز و استعداد درخشان جهت استفاده از تسهیلات به موقع دانشجویان واجد شرایط حین تحصیل و همچنین ادامه تحصیل موثر بوده و از طرفی طراحی روش هایی برای ارزیابی اثرات کوتاه مدت و بلند مدت دوره های مشابه در سطح دانشگاه می تواند موضوع پژوهش های آتی باشد.

کلمات کلیدی: استاد، مشاور، استعداد درخشان



تبیین نقش و ویژگی های ناظر بالینی در توانمندسازی دانشجویان پزشکی

سلیمه خلیلی ازاندهی^۱، علی اصغر قربانی^۲، محمد حسن کشاورزی^۳، حمیدرضا برادران^۴

۱. دانشگاه آزاد واحد ساری، ساری، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

۴. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: علی اصغر قربانی

مقدمه:

نظارت بالینی، چتر حمایتی فراگیران و زمینه ساز یادگیری موثر و اثربخش در محیط های درمانی می باشد. نظارت به عنوان ارائه راهنمایی و فیدبک روی مسائل شخصی، حرفه ای و آموزشی فراگیر برای فراهم کردن ایمنی و مراقبت مناسب از بیمار تعریف شده است. همچنین نظارت شامل اطمینان از امنیت فراگیر و بیمار در دوره مراقبت بالینی، دادن فیدبک هم غیررسمی و هم نقادانه به آموزش اولیه و برنامه آموزش مداوم، پایش پیشرفت و دادن اطمینان به مشاور شغلی است. بنابراین، نیاز است تا ناظران، خودشان توانمند باشند و مهارت هایی را در این زمینه کسب کنند. دستورالعمل رسمی برای ناظران موجود است اما با این حال روند نظارت بالینی متنوع و مبهم می باشد. شواهد تجربی نشان می دهد که برای موثر بودن، نیاز است تا ناظران مهارت های بین فردی خوب و مهارت های تدریس خوب داشته باشند و از نظر بالینی توانمند و با دانش باشند. یک نگرانی ویژه ای درباره فقدان نظارت، فقدان تعهد برای نظارت و فقدان زمان کافی برای نظارت در محیط های بالینی وجود دارد. لذا نیاز به استفاده از نظارت بالینی در سراسر آموزش علوم پزشکی ضروری می باشد. هدف از این مطالعه، توانمندی دانشجویان پزشکی با استفاده از نظارت بالینی می باشد.

مواد و روش ها:

این مطالعه، یک مطالعه کیفی با استفاده از تحلیل محتوای قراردادی بود. پس از هماهنگی لازم با مسئولین مربوطه و جلب رضایت و موافقت مشارکت کنندگان، از مصاحبه نیمه ساختاریافته جهت جمع آوری اطلاعات استفاده شد. معیار ورود شامل اعضای هیات علمی دارای سابقه فعالیت آموزشی در محیط بالین و تکمیل فرم رضایت آگاهانه کتبی بود. مصاحبه ها به صورت انفرادی بودند. در جریان مصاحبه، ابتدا یک سؤال کلی پرسیده می شد و در ادامه و با پیشرفت مصاحبه، سئوالات در مسیر هدف پژوهش هدایت می گردید. در این پژوهش، انتخاب شرکت کنندگان با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف از بین مطلعین کلیدی، انجام شد. در مجموع تعداد ۱۶ نفر به شرح ذیل در مصاحبه ها شرکت نمودند. به منظور سه سویه سازی علاوه بر حضور ۱۱ عضو هیات علمی از ۵ نفر از دانشجویان فارغ

التحصیل پزشکی در مصاحبه استفاده شد. تحلیل داده‌ها بر اساس روش گرانهایم و لاندمن ۲۰۰۴ و جهت استحکام داده‌ها از معیارهای لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) استفاده شد.

نتایج:

پس از انجام ۱۶ مصاحبه از مشارکت کنندگان، در نهایت کدها با هم مقایسه و بر اساس شباهت و تفاوت‌ها در قالب ۲ مضمون، ۹ طبقه و ۲۵ زیرطبقه دسته بندی شدند. پس از تحلیل کدها، درون مایه اول تحت عنوان "ویژگی فردی ناظر آموزشی" مشتمل بر ۳ طبقه اصلی "شایستگی حرفه‌ای و تخصصی"، "رهبری و هدایت گری" و "الگوی حرفه‌ای" و درون مایه دوم تحت عنوان "وظایف ناظر آموزشی" مشتمل بر ۶ طبقه اصلی "شناخت نیاز فراگیر"، "فراهم سازی استانداردهای آموزشی"، "ایجاد انگیزه در فراگیر"، "نظارت و ارزشیابی فراگیر"، "ایجاد استقلال در فعالیت های بالینی فراگیر" و "توجه به حقوق بیمار" استخراج گردید.

بحث و نتیجه گیری:

مولفه‌ها و مضامین استخراج شده (ویژگی فردی و وظایف ناظر بالینی و ویژگی‌ها و توانمندی‌های فراگیر و ویژگی و ایمنی بیمار) در این مطالعه، به خوبی اجزاء موثر در شکل گیری نظارت بالینی را ارائه می کنند. با توجه به نتایج این مطالعه به نظر می رسد که لازم است به منظور توانمندی دانشجویان پزشکی، به نقش و جایگاه ناظر در محیط بالینی توجه بیشتر نمود. بدیهی است که بهبود وضعیت آموزش فراگیران در محیط بالین موجب ارتقاء کیفیت خدمات ارائه شده، تربیت دانش آموخته های کارآمد و باسواد، ایجاد محیطی امن و آرامش بخش و حس خوب به بیماران و دریافت کننده خدمت در محیط بالین خواهد شد.

کلمات کلیدی: نظارت، ناظر بالینی، توانمندسازی



بررسی ارتباط اضطراب ناشی از بیماری کووید - ۱۹ با فرسودگی تحصیلی در

دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س) شیراز

در سال ۱۴۰۰

سمیه قیصری^۱، مهدی حسن شاهی^۱

۱. دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س)، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: مهدی حسن شاهی

مقدمه:

ظهور بیماری کووید - ۱۹ در سال ۲۰۱۹ در مدت کوتاهی، سبب شد تا افراد در سراسر جهان متحمل پیامدهای روانشناختی بسیاری از جمله اضطراب شوند. اضطراب ناشی از کووید - ۱۹، در واقع اضطراب ناشی از آلوده شدن به ویروس است که به دلیل نداشتن آگاهی و مبهم بودن ماهیت بیماری ایجاد می شود. اضطراب در رابطه با ابتلا به بیماری و ترس از مرگ در اثر کرونا می تواند سبب بروز خستگی، ناامیدی، فرسودگی و همچنین عدم تعادل سلامت روان در زمینه شغلی و تحصیلی فرد شود. به بیان دیک (۱۹۹۲) زمانی که یک فرد در یک موقعیت استرس زای محیطی طولانی مدت به همراه فشار روانی مداوم قرار گیرد و قدرت سازگاری با آن را نداشته باشد، متحمل فرسودگی می شود. فرسودگی به شکل یک نابسامانی ظاهر می شود که که فرد را در یک مسیر نزولی قرار می دهد و سبب بروز مشکلات دیگری، همچون بی خوابی، افسردگی، اضطراب و کمبود حافظه می گردد. دانشجویان با داشتن شرایط سنی و موقعیت اجتماعی خاص به طور معمول استرس های فراوانی را تجربه می کنند که می تواند سبب بروز مشکلات جسمی و روانی در آن ها گردد و با ایجاد خلل در روند آموزش و یادگیری، سبب بروز فرسودگی تحصیلی در آن ها شود. مطالعه حاضر با هدف بررسی اضطراب ناشی از بیماری کووید - ۱۹ با فرسودگی تحصیلی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س) شیراز در سال ۱۴۰۰ صورت گرفته است.

مواد و روش ها:

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی، بر روی ۳۴۳ نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س) شیراز در سال ۱۴۰۰ انجام گرفت. نمونه گیری به روش سرشماری انجام گرفت. داده ها با استفاده از فرم اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه فرسودگی تحصیلی برسو و همکاران (۲۰۰۷) و پرسشنامه مقیاس اضطراب کرونا به شیوه سرشماری جمع آوری و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۲۲) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. معیارهای ورود به مطالعه شامل عدم ابتلا به بیماری جسمی زمینه ای، نداشتن بیماری های اعصاب و روان، تحصیل در دانشکده

پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س) شیراز و تمایل به شرکت در پژوهش بود. عدم تکمیل حداقل یکی از دو پرسشنامه و وجود داده مفقوده زیاد معیارهای خروج از مطالعه محسوب شدند. این مطالعه توسط کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی شیراز با کد IR.SUMS.NUMIMG.REC.1400.057 به تصویب رسید. از روش های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار)، آزمون تی دونمونه ای مستقل، آنالیز واریانس یکطرفه (آنوا) و همبستگی پیرسون جهت تجزیه و تحلیل داده استفاده شد.

نتایج:

مقایسه میانگین و انحراف معیار نمره فرسودگی تحصیلی و زیر بعدهای آن، شامل خستگی تحصیلی، بی علاقهگی تحصیلی و ناکارآمدی تحصیلی، بیانگر این بود که خستگی تحصیلی بیشترین میانگین و اثر را در فرسودگی تحصیلی داشته است. براساس نتایج و اطلاعات آزمون همبستگی، بین متغیر سن با اضطراب ناشی از کرونا رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد ($0/0001 > r = 0/2, p$)، به عبارتی با افزایش سن، اضطراب افزایش می یابد. بر اساس نتایج بین میزان اضطراب ناشی از بیماری و وضعیت تاهل تفاوت معنی دار آماری وجود دارد ($0/001 > p$). نتایج به دست آمده و اطلاعات آزمون همبستگی، حاکی از آن است که بین نمره اضطراب با نمره فرسودگی تحصیلی رابطه معنا دار و مثبت وجود دارد ($0/0001 > r = 0/288, p$) و به عبارتی با افزایش اضطراب، فرسودگی تحصیلی نیز افزایش می یابد. نتایج کلی این پژوهش بیانگر آن بود که میانگین نمره کل اضطراب در دانشجویان ($24/12 \pm 19/10$) و میانگین نمره فرسودگی تحصیلی در محدوده متوسط ($54/40 \pm 9/10$) قرار دارد.

بحث و نتیجه گیری:

اضطراب یکی از شایع ترین تظاهرات اختلالات روانپزشکی می باشد و در صورتی که به صورت استرس روزانه بروز نماید، باعث کاهش قابل توجهی در سطح عملکرد افراد می شود. همچنین اضطراب سبب کاهش قدرت تطابق و سازگاری فرد می شود و می تواند منجر به عوارض وخیم و جبران ناپذیری در ابعاد سلامت می شود. با توجه به یافته های این پژوهش مبنی بر ارتباط اضطراب ناشی از کووید با فرسودگی تحصیلی، با طراحی برنامه های آموزشی، شناسایی چالش های ناشی از بروز بیماری های همه گیر و شناسایی عوامل موثر بر فرسودگی تحصیلی، می توان گام مثبتی در جهت بهبود سلامت روان دانشجویان و افزایش عملکرد تحصیلی آن ها برداشت.

کلمات کلیدی: اضطراب، فرسودگی تحصیلی، کووید- ۱۹

بررسی میزان تعامل دانشجویان و استادان مشاور تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی آبادان و عوامل موثر بر آن در دوران شیوع پاندمی کووید ۱۹

مریم بان^۱، ارغوان افرا^۱، باقر پهلوان زاده^۱، سعیده الهامی^۱، شیما سنپسل بچاری^۱، فاطمه دراری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران.

نویسنده مسئول: ارغوان افرا

مقدمه:

دانشجویان یکی از ارکان اصلی دانشگاه بوده و در مسیر تحقق سیاست های دانشگاه در جامعه نقشی بسیار تعیین کننده دارند و در طول سال های دانشگاه با مشکلات عادی دانشجویی تا مشکلات روانی شدیدتر مواجه هستند. لذا خدمات تخصصی مشاوره و راهنمایی دانشجویی می بایست توسط افراد متبحر و متخصص به آنها ارائه شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان ارتباط دانشجو با استاد مشاور تحصیلی و عوامل موثر بر آن در دوران شیوع پاندمی کووید ۱۹ از دیدگاه دانشجو و استاد مشاور تحصیلی در سال ۱۴۰۰ انجام شد.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر اپیدمیولوژیک مقطعی از نوع توصیفی-تحلیلی است که در سال ۱۴۰۰ با همکاری ۳۵ نفر از اساتید مشاور تحصیلی و ۳۲۹ نفر از دانشجویان اجرا شد. ابزار پژوهش مشتمل بر یک پرسشنامه دموگرافیک و یک چک لیست محقق ساخته می باشد که برگرفته از آیین نامه استاد مشاور مصوب ۱۲/۱۲/۹۷ وزارت بهداشت و درمان می باشد و بصورت جداگانه برای دانشجو و استاد استفاده شد. چک لیست شامل ۳۰ سوال در سه حیطه آموزشی-پژوهشی (۱۷ سوال)، فردی-عاطفی (۶ سوال)، اجتماعی-رفاهی (۷ سوال) و نحوه امتیازدهی به سوالات آن به صورت مقیاس لیکرت ۵ امتیازی بود. روایی چک لیست توسط ۱۲ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی آبادان مورد تایید قرار گرفت. پایایی چک لیست نیز بر اساس همگنی درونی و با آلفای کرونباخ برای چک لیست دانشجو و چک لیست استاد به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۲۷ گزارش شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ و در سطح معناداری ۰/۰۵ انجام شد.

نتایج:

در مقایسه مولفه های تعامل بین استاد و دانشجو از دیدگاه استاد نتایج نشان داد که در حیطه "آموزشی-پژوهشی" و حیطه "فردی-عاطفی" بیشترین میانگین (۷/۴) و ۷۱/۱۳ (۲/۶) و ۲۴/۷۵ (۲/۶) مربوط به گروه بهداشت حرفه ای و کمترین میانگین (۱۶/۳) و ۶۱/۵ (۵/۶۲) و ۱۹/۲۵ (۵/۶۲) مربوط به گروه پزشکی بود. در حیطه "اجتماعی-رفاهی" نیز بیشترین میانگین (۳/۳) و ۲۹/۸۹ (۳/۳) مربوط به گروه پیراپزشکی و کمترین میانگین (۲۸/۶۹) و ۱۰۳ (۲۸/۶۹)

مربوط به گروه پزشکی بود. از دیدگاه دانشجویان نیز بیشترین میانگین در حیطه "آموزش-پژوهش" (۱۷/۱۲) و ۵۳/۰۱ مربوط به دانشجویان رشته های اتاق عمل، هوشبری و علوم-آزمایشگاهی، در حیطه "فردی-عاطفی" (۱۴/۱۸) و ۶/۷۴ مربوط به دانشجویان پرستاری و فوریت های پزشکی و در حیطه اجتماعی-رفاهی (۱۷/۶۱) و ۸/۶۱ مربوط به دانشجویان رشته های پرستاری و فوریت های پزشکی بود و در هر سه حیطه کمترین میانگین (۱۷/۲۷) و ۳۳/۴۷ و (۴/۶۴) و ۸/۷۵ و (۷/۵۱) و ۱۰/۴۷ نیز برای دانشجویان پزشکی بود. بین سه گروه استادان از نظر سابقه مشاوره در هر سه حیطه "آموزشی-پژوهشی"، "فردی-عاطفی" و "اجتماعی-رفاهی"، گروه با "۲-۵ ترم سابقه" کمترین میانگین و گروه با "۱۰ یا بیشتر از ۱۰ ترم سابقه" بیشترین میانگین را داشتند و تفاوت ها در دو حیطه اول معنادار بود ($P=0.036$) و ($P=0.027$) نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که با افزایش میزان تحصیلات پدر، میانگین نمره دانشجو در هر سه حیطه کاهش یافته و تفاوت از نظر آماری معنادار بوده است. ($P=0.002$) دانشجویانی که سابقه استفاده از خدمات مشاوره داشتند، در هر دو حیطه "آموزشی-پژوهشی" و "فردی-عاطفی" به طور معناداری میانگین نمره بالاتری نسبت به دانشجویان بدون سابقه مشاوره داشتند ($P=0.008$) و ($P=0.022$) بین تعداد فرزندان استاد و حیطه "آموزشی-پژوهشی" تعامل دانشجو با استاد ارتباط خطی معکوس و معناداری مشاهده شد. ($P=0.048$) ارتباط مثبت ضعیف و معناداری بین سن دانشجو و نمره هر سه حیطه و نمره کل نشان داده شد. ($P=0.003$) مدرک تحصیلی استاد نیز یکی از عوامل موثر بر نمره دانشجو بوده است به طوری که میانگین نمره تعامل گزارش شده دانشجویان برای استادان با مدرک کارشناسی ارشد به طور معناداری بیشتر از استادان با مدرک دکتری بوده است. ($P=0.002$) تعداد فرزندان استاد و سن دانشجو نیز ارتباط معکوسی با نمره حیطه "آموزشی-پژوهشی" داشته است ($P=0.03$) و ($P=0.004$).

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نتایج بیشترین تعامل دانشجویان و اساتید مشاور تحصیلی در حیطه "آموزشی-پژوهشی" و کمترین تعامل نیز در حیطه "اجتماعی-رفاهی" بوده است. بهره گیری از اساتید باتجربه در امر مشاوره تحصیلی و نیز وجود همزمان مراکز ارائه خدمات مشاوره به دانشجو می تواند ارتباطات بیشتر و موثرتری را با دانشجویان به دنبال داشته باشد. ارتقاء فرایند مشاوره نه تنها موجب افزایش رضایت دانشجویان از تحصیل می شود بلکه مشوق آنها برای رسیدن به اهداف والای آموزشی بوده و موجب افزایش تلاش آنان شود.

کلمات کلیدی: استاد مشاور، دانشجو، تعامل

نقش پیش گویی کنندگی عزت نفس و رشته تحصیلی بر سلامت روان دانشجویان مقطع کارشناسی حرف بهداشتی حیطة: مشاوره و حمایت دانشجویی

نیلوفر پاسیار^۱، سکینه غلام زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: سکینه غلام زاده

مقدمه:

عزت نفس یک عامل مهم روان شناختی است که بر سلامتی و کیفیت زندگی دانشجویان تأثیر می گذارد. این مطالعه با هدف تعیین نقش پیش بینی گویی کنندگی عزت نفس و رشته تحصیلی بر وضعیت سلامت روان دانشجویان مقطع کارشناسی حرف مختلف بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ایران انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه مقطعی به صورت توصیفی تحلیلی انجام شد. دانشجویان سال اول تا چهارم مقطع کارشناسی حرف مختلف بهداشتی (پرستاری، مامایی، اتاق عمل، فوریت های پزشکی) به صورت سرشماری جهت شرکت در مطالعه دعوت شدند و نهایتاً ۱۸۴ نفر در مطالعه شرکت نمودند. سلامت روان شناختی با استفاده از ابزار استاندارد (GHQ 28) اندازه گیری شد و برای اندازه گیری عزت نفس دانشجویان از ابزار (CSEI) استفاده گردید.

نتایج:

حدود ۴۴٪ از دانشجویان نمره سلامت روان شناختی ۲۳ و کمتر را گزارش نمودند که می تواند نشان دهنده افزایش احتمال پریشانی روان شناختی (psychological distress) باشد. افسردگی دارای کمترین میانگین نمره (۳/۹۲±۴/۲) بود، در حالی که اختلال عملکرد اجتماعی بالاترین میانگین نمره (۸/۰۶±۳/۹۵) را در میان خرده مقیاس ها داشت. همچنین رابطه منفی بین نمره سلامت روان شناختی و عزت نفس دانشجویان مشاهده شد ($P=0.000$, $r=-0.556$)، به طوریکه دانشجویان با عزت نفس بالاتر، سطح پریشانی روان شناختی کمتری را تجربه می کردند. با توجه به تجزیه و تحلیل رگرسیون، ۳۰/۹ درصد از واریانس سلامت روان دانشجویان به وسیله عزت نفس پیش بینی می شود.

بحث و نتیجه گیری:

شیوع بالای اختلالات عاطفی در بین مراقبین ارائه دهنده خدمات سلامتی، می تواند مشکلات موجود در ارائه خدمات بهداشتی را پیچیده سازد. لذا مشاوره و دیگر خدمات حمایتی بایستی در دسترس ایشان قرار گیرد.

کلمات کلیدی: سلامت روان، دانشجویان، عزت نفس

بررسی اثر حمایت اجتماعی، خودکارآمدی تحصیلی و عزت نفس بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰

صدیقه خیراندیش^۱، مرضیه محمودی^۱، فروغ حاتمی فرد^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

مقدمه:

وضعیت تحصیلی دانشجویان یکی از دغدغه های مهم نظام آموزشی است. نتایج فعالیت های تحصیلی افراد پیش بینی کننده آینده آن هاست و بر جنبه های مهم زندگی آنها تاثیر گذار است. از این رو شناسایی عوامل تاثیرگذار بر عملکرد تحصیلی دانشجویان مهم است و زمینه ای برای برنامه ریزی و توسعه برنامه های آموزشی ایجاد می کند. هدف ما در این مطالعه بررسی اثر حمایت اجتماعی، خودکارآمدی تحصیلی، عزت نفس بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود.

مواد و روش ها:

این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی بود که در آن اثر حمایت اجتماعی، خودکارآمدی تحصیلی، عزت نفس بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر مورد بررسی قرار گرفت. جامع آماری پژوهش ۱۶۵ نفر از دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود که به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. برای بررسی اثر حمایت اجتماعی از پرسشنامه اجتماعی ادراک شده چند بعدی (MSPSS)، برای بررسی اثر خودکارآمدی تحصیلی از پرسشنامه خودکارآمدی مک ایلروی-بانتینگ، برای بررسی اثر عزت نفس پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ، برای بررسی عملکرد تحصیلی پرسشنامه عملکرد تحصیلی فام و تیلور ۱۹۹۹، استفاده شد.

نتایج:

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین حمایت اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد. ($P\text{-value} > 0/05$) خودکارآمدی تحصیلی ($P\text{-value} < /001$) و عزت نفس ($P\text{-value} = 0/002$) با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت معناداری دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که بین متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، وضعیت اقتصادی، سطح تحصیلات والدین) و عملکرد تحصیلی دانشجویان هیچ رابطه معناداری وجود ندارد. ($P\text{-value} < 05/0$)

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تاثیر عزت نفس و خودکارآمدی تحصیلی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر لازم است، برای ارتقای وضعیت عزت نفس و خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان دندانپزشکی در جهت بهبود و پیشرفت عملکرد تحصیلی دانشجویان، برنامه ریزی و شرایط آموزشی خاصی اتخاذ گردد.

کلمات کلیدی: حمایت اجتماعی، خودکارآمدی تحصیلی، عزت نفس، عملکرد تحصیلی



بررسی رابطه بین همدلی و فرسودگی شغلی در دستیاران پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

عبدالحسین شکورنیا^۱، مهرانوش ذاکرکیش^۱، علی حافظی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

نویسنده مسئول: عبدالحسین شکورنیا

مقدمه:

فرسودگی شغلی نوعی استرس روانی است که متأثر از عوامل شغلی مختلف بوده و موجب کاهش عملکرد فردی می گردد. فرسودگی شغلی یک مشکل رو به رشد در بین پزشکان در سراسر جهان است. همدلی یک عنصر ضروری در ارائه مراقبت های پزشکی خوب برای بیماران است. همدلی و فرسودگی شغلی عواملی هستند که در حرفه پزشکی و روابط فی مابین پزشک و بیمار اهمیت زیادی دارند و همدلی به عنوان یک شایستگی ضروری برای کاهش فرسودگی شغلی توصیف شده است. دستیاران پزشکی در طول تحصیل استرس زیادی را تجربه می کنند و این استرس به مرور باعث کاهش رضایت شغلی و افزایش فرسودگی شغلی شده و در نهایت می تواند تأثیر منفی گسترده ای بر سلامت روانی دستیاران و کیفیت مراقبت از بیماران بگذارد. این مطالعه با هدف بررسی رابطه همدلی و فرسودگی شغلی در دستیاران شاغل به تحصیل در بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال ۱۴۰۰ انجام شده است.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی روی ۲۹۱ دستیار پزشکی به روش سرشماری انجام شد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های استاندارد همدلی جفرسون ویژه پزشکان (Jefferson Scale of Physician Empathy) و فرسودگی شغلی مسلش (Maslach Burnout Inventory) که روایی و پایایی آنها قبلاً در ایران تایید شده بود، استفاده شد. پرسشنامه همدلی دارای ۲۰ آیتم با مقیاس لیکرت ۷ درجه ای است که حداقل و حداکثر نمره آن به ترتیب ۲۰ و ۱۴۰ است. پرسشنامه فرسودگی شغلی شامل ۲۲ عبارت است که بر اساس مقیاس ۷ درجه ای لیکرت از صفر تا ۶ امتیازدهی می شود. حداقل و حداکثر نمره آن به ترتیب ۰ و ۱۳۲ است این پرسشنامه دارای سه زیر مقیاس خستگی عاطفی (۹ سوال)، مسخ شخصیت (۵ سوال) و فقدان موفقیت فردی (۷ سوال) است. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-18 و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شد.

نتایج:

میانگین سن دستیاران مورد مطالعه $32/9 \pm 4/4$ بود که ۱۷۵ نفر (۶۰ درصد) زن و ۶۲ درصد مجرد بودند. تعداد ۶۷ نفر (۲۲/۶ درصد) از دستیاران مورد بررسی سال اول، ۳۱/۳ درصد سال دوم، ۲۲/۹ درصد سال سوم و ۲۳/۲ درصد نیز در سال چهارم مشغول به تحصیل بودند. میانگین نمره همدلی دستیاران $103/11 \pm 8/4$ و میانگین نمره فرسودگی شغلی آنان $77/1 \pm 12/6$ بود. میانگین زیر مقیاس های فرسودگی شغلی به ترتیب خستگی عاطفی $21/1 \pm 11/7$ ، مسخ شخصیت $7/05 \pm 4/7$ و فقدان موفقیت فردی $17/6 \pm 7/2$ بود. بین میانگین نمرات همدلی با فرسودگی شغلی و زیر مقیاس های آن همبستگی منفی وجود داشت. ضریب همبستگی پیرسون بین همدلی و فرسودگی شغلی ($r = -0/012$ ، $p = 0/837$) و زیر مقیاس خستگی عاطفی ($r = -0/055$ ، $p = 0/352$) معنی دار نبود. اما بین همدلی با زیر مقیاس های مسخ شخصیت ($r = -0/236$ ، $p = 0/001$) و فقدان موفقیت فردی ($r = -0/320$ ، $p = 0/0001$) این رابطه منفی و معنادار بود.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان داد که سطح همدلی دستیاران در حد متوسط و نسبتاً مطلوب؛ اما میزان فرسودگی شغلی در دستیاران بالا بود. نمرات همدلی دستیاران با فرسودگی شغلی مرتبط بود. دستیاران با نمرات همدلی کمتر نمرات فرسودگی شغلی بالاتری داشتند. با توجه به رابطه معنادار همدلی با فرسودگی شغلی، می توان با آموزش و تقویت همدلی تحت تاثیر فضای آموزش بالینی زمینه کاهش فرسودگی شغلی در دستیاران را فراهم نمود. اتخاذ راهکارهای مناسب در زمینه مقابله با استرس شغلی در دستیاران و کاهش عوامل ایجاد کننده آن ضرورت دارد. با توجه به رابطه منفی بین همدلی و فرسودگی شغلی در دستیاران؛ توصیه می شود برای کاهش فرسودگی شغلی دستیاران میزان همدلی آنان را از طریق کارگاههای آموزشی ارتقاء بخشید. بررسی و درک پیوندهای پیچیده بین همدلی و فرسودگی شغلی می تواند به پرشکان مراقبت های بهداشتی کمک کند تا خطر ابتلا به فرسودگی شغلی را کاهش دهند. با تحقیقات بیشتر و شناسایی عوامل موثر بر همدلی و فرسودگی شغلی در دستیاران می توان زمینه مداخلات مناسب برای کاهش فرسودگی شغلی در این افراد را فراهم کرد.

کلمات کلیدی: فرسودگی شغلی، همدلی، دستیاران پزشکی، فرسودگی شغلی ماسلش، مقیاس همدلی جفرسون

بررسی همبستگی بین هوش معنوی و فرسودگی شغلی بین دستیاران بالینی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در هنگامه همه گیری کووید-۱۹ در سال ۱۴۰۰

سیاوش مرادی^۱، منصور رنجبر^۱، حسین جلاهی^۱، محمدرضا اندرواژ^۱، پرستو جمال لیوانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: سیاوش مرادی

مقدمه:

با عنایت به اینکه دستیاران رشته های بالینی در هنگامه همه گیری کووید-۱۹ متحمل فشار کاری بالایی در درمان بیماران می شوند و طبعا فرسودگی شغلی می تواند بر سلامت جسمی و روانی آنان و به تبع آن بر نحوه ارائه خدمات درمانی توسط آنان اثر بگذارد، لذا بررسی وضعیت فرسودگی شغلی در بین دستیاران رشته های فوق امری ضروری است. از طرف دیگر محدودیت مطالعات انجام شده در زمینه فرسودگی شغلی و هوش معنوی در بین دستیاران بالینی ما را بر آن داشت که به بررسی همبستگی بین هوش معنوی و فرسودگی شغلی بین دستیاران رشته های طب اورژانس، داخلی و عفونی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در هنگامه همه گیری کووید-۱۹ بپردازیم.

مواد و روش ها:

در این پیمایش از دو پرسشنامه هوش معنوی کینگ و فرسودگی شغلی مسلش استفاده شد. پرسشنامه هوش معنوی دارای ۲۴ گویه و ۴ زیر مقیاس تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هشیاری می باشد. پرسشنامه فرسودگی شغلی نیز که برآوردی از پدیده تنیدگی به دست می دهد شامل ۲۲ گویه است و به سنجش خستگی عاطفی، پدیده شخصیت زدایی و فقدان موفقیت فردی در چار چوب فعالیت حرفه ای می پردازد. نکته اینکه هر چه فرد نمره بالاتری در دو پرسشنامه هوش معنوی و فرسودگی شغلی بگیرد دارای هوش بالاتر و فرسودگی کمتری می باشد. با توجه به اشتغال به تحصیل قریب به ۵۰ دستیار بالینی در سه رشته تخصصی فوق الذکر در دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۴۰۰ برآورد حداقل حجم نمونه ۴۴ نفر بوده است. پرسشنامه های مذکور پس از هماهنگی با مدیران گروه های مربوطه در اختیار دستیاران قرار گرفت. در نهایت محاسبه بارم و تحلیل همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه از دو پرسشنامه تکمیل شده توسط IBM SPSS 25 صورت گرفته است و در همه موارد مقادیر دو دامنه P-value کمتر از ۰/۰۵ ملاک قضاوت آماری قرار گرفته است. لازم به ذکر است این پروژه آموزش پژوهی از مجوز اخلاقی IR.MAZUMS.REC.1400.9008 برخوردار بوده است.

نتایج:

در نهایت پرسشنامه های تکمیل شده توسط ۳۶ دستیار مورد توصیف و تحلیل آماری قرار گرفت (میزان پاسخدهی: ۸۲٪). دو سوم دستیاران مونث و یک سوم آن ها مذکر بودند. همچنین ۶۴٪ دستیاران از بیماری های داخلی، ۲۲٪ از بیماری های عفونی و ۱۴٪ از طب اورژانس بودند. نیز ۵۳٪ دستیاران در سال اول تحصیل بودند. میانگین و انحراف معیار پرسشنامه فرسودگی شغلی ۸۴/۴۴ و ۲۱/۵۱ و نیز میانگین و انحراف معیار پرسشنامه هوش معنوی ۴۷/۶۹ و ۱۹/۶۴ محاسبه گردید. تحلیل همبستگی بین بارم دو پرسشنامه مبین نوعی همبستگی مستقیم (ضریب پیرسون = ۰/۲۸) بود که البته از منظر آماری برجسته نبود. (P = 0.09) همچنین تحلیل همبستگی بین بارم پرسشنامه فرسودگی شغلی و زیر مقیاس های هوش معنوی اگرچه بیانگر همبستگی مستقیم بود اما در هیچکدام از معناداری آماری برخوردار نبود. ادامه تحلیل بین بارم پرسشنامه هوش معنوی و زیر مقیاس های فرسودگی شغلی و نیز تحلیل زیر گروه ها (به تفکیک رشته های تحصیلی) به نتایج برجسته از منظر آماری دست نیافت.

بحث و نتیجه گیری:

یافته های این مطالعه نشان داد شواهدی دال بر وجود ارتباط بین رخداد فرسودگی شغلی در بین دستیاران بالینی رشته هایی که در جبهه مقابله با بیماری کووید-۱۹ بودند و هوش معنوی آنان وجود دارد، اگرچه این ارتباط از منظر آماری برجسته نمی باشد. نتایج این مطالعه با مطالعات مشابهی که در سایر کشورها در بین پرستاران و پزشکان در زمان پندمی کووید-۱۹ صورت گرفت تا حد زیادی مطابقت دارد. دستیابی به نتایج قوی تر طبعا در حجم نمونه بالاتر دور از انتظار نمی باشد.

کلمات کلیدی: هوش معنوی، فرسودگی شغلی، دستیاران

مقایسه میزان همدلی دانشجویان ایرانی سال اول و سال آخر پزشکی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی مشهد در سال های ۱۴۰۰-۱۴۰۱

بیبا فضایی^۱، آرزو فرج پور^۱، مهرانه ساقی^۱، شقایق رحمانی^۱

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: آرزو فرج پور

مقدمه:

مطالعات نشان داده اند که رویکرد همدلانه در محیط بالینی میتواند منجر به افزایش شایستگی بالینی، رضایت حرفه ای، افزایش دقت و احساس موفقیت در درمان، کاهش خطاهای عملکردی و عدول از حقوق حرفه ای و صلاحیت بالینی پزشکان گردد. همچنین روابط همدلانه همانند مانعی در برابر استرس های شغلی که پزشکان با آن رو به رو هستند، عمل میکند. پزشکان با همدلی بیشتر، شایستگی بیشتری در گرفتن شرح حال و نیازسنجی، انجام معاینات بالینی و ارائه دستورات درمانی و جلب همکاری بیماران خود پیدا میکنند. به دلیل بهبود کیفیت اطلاعات به دست آمده از بیمار، تشخیص آنان صحیح تر و دقیق تر است و کمتر دچار خطاهای عملکردی، عدول از حقوق حرفه ای و قصور پزشکی میشوند. انجمن آموزش در علوم پزشکی آمریکا توصیه نموده است که دانشکده های علوم پزشکی باید دانشجویان گروه پزشکی را به گونه ای آموزش دهند که سبب افزایش میزان همدلی با بیمار در آنان شود. همچنین دیدگاه بیمار و احساسات و ادراکات آنها را بشناسند و به زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و زبان آنها توجه جدی کنند. در دهه اخیر، پژوهشگران با توجه به پیشرفت پزشکی این سؤالات را مطرح کرده اند که آیا دانشجویان پزشکی در طی دوران تحصیل دچار بی دردی احساسی و عاطفی میشوند و آیا فارغ التحصیلان پزشکی سخت دل تر میشوند؟ با توجه به اینکه مطالعات انجام شده در سطح کشور ایران و سایر کشورها میزان همدلی دانشجویان را در سال های تحصیل مختلف و در رشته های مختلف متفاوت بیان کرده اند

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی- تحلیلی (مقطعی) بر روی دانشجویان شاغل به تحصیل در سال اول و آخر رشته پزشکی انجام شد. معیارهای ورود شامل شاغل به تحصیل در سال اول یا آخر رشته پزشکی و رضایت جهت شرکت در مطالعه و معیارهای حذف مشتمل بر سابقه تحصیل قبلی در یکی از رشته های علوم پزشکی، ملیت غیر ایرانی، تکمیل ناقص پرسشنامه بود. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه همدلی جفرسون بود که مخصوص پزشکان است و مشتمل بر ۲۰ پرسش بر مبنای لیکرت بوده و مجموع نمره افراد بین ۲۰-۱۰۰ است و هرچه مجموع نمرات بیشتر باشد، همدلی با بیمار در فرد بیشتر است. علاوه بر

آن اطلاعات دموگرافیک دانشجویان مورد مطالعه بوسیله چک لیست جمع آوری گردید. این پرسشنامه در اختیار دانشجویان قرار گرفت و از آن جایی که مطلوب بود دانشجویان به کلیه سوالات پرسشنامه ها به طور کامل پاسخ دهند تا در نتیجه گیری نهایی بتوان از پاسخهای آنها استفاده کرد؛ به همین جهت به دانشجویان یک روز مهلت داده شد تا وقت کافی جهت مطالعه دقیق سوالات و پاسخدهی کامل داشته باشند.

نتایج:

در این مطالعه ۱۸۰ نفر از دانشجویان سال اول و سال آخر پزشکی مورد بررسی قرار گرفتند. در این تعداد ۱۰۰ دانشجوی سال اول پزشکی با میانگین سنی $19/1 \pm 11/20$ که ۶۸ درصد مونث و ۳۲ درصد مذکر بودند و تعداد ۸۰ دانشجوی سال آخر با میانگین سنی $17/1 \pm 02/26$ که ۵/۹۲ درصد مونث و ۵/۷ درصد مذکر بودند مورد مطالعه قرار گرفتند. میانگین نمره همدلی در دانشجویان سال اول $1/8 \pm 71/75$ و در دانشجویان سال آخر $09/9 \pm 73/70$ به دست آمد که از نظر آماری این اختلاف معنی دار می باشد. ($u=275.5$, $P\text{-Value}<0/001$).

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به کاهش میزان همدلی دانشجویان پزشکی در انتهای دوره تحصیل، برنامه ریزان آموزش پزشکی باید در طراحی برنامه ها این مهم را در اولویت قرار داده و نیز از جهت سیستم های حمایت از دانشجو و بهداشت روانی زمینه مساعدی برای تقویت این مهارت فراهم سازند.

کلمات کلیدی: همدلی، دانشجوی پزشکی، سال اخر، پرسشنامه جفرسون

تجربیات موثر بر ارتقای خود تصنیفی کارورزان پزشکی: یک پیمایش کیفی

مهرناز زارعی^۱، شهرام یزدانی^۱، فخرالسادات حسینی^۱، جان سنדרز^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. Edge Hill University

نویسنده مسئول: فخرالسادات حسینی

مقدمه:

امروزه یکی از ارکان مهم آموزش پزشکی، حمایت از شکل‌گیری هویت حرفه‌ای همه دانشجویان است که در بستر توسعه هویت فردی آنان صورت می‌گیرد. نظریه خودتصنیفی ماگولدا به عنوان یک دیدگاه زیربنایی برای درک فرآیند توسعه فردی دانشجویان پزشکی توصیه شده است. خودتصنیفی که به تعریف درونی هویت، باورها، و روابط با دیگران گفته می‌شود، یک ظرفیت ضروری برای طبابت حرفه‌ای در شرایط فوق پیچیده سیستم‌های بهداشتی محسوب می‌شود. محیط یادگیری بر توسعه خودتصنیفی تأثیر می‌گذارد و تجارب توسعه‌ای موثر می‌توانند آن را ارتقا دهند. این مطالعه با هدف شناسایی تجربیات توسعه‌ای دانشجویان پزشکی در چرخش‌های کارورزی انجام شد تا به عنوان مبنای برنامه‌ریزی آموزشی، مورد استفاده اساتید پزشکی قرار گیرد تا بتوانند از توسعه فردی همه فراگیران حمایت کنند.

مواد و روش‌ها:

یک پیمایش کیفی مقطعی بر مجموعه چرخش‌های کارورزی مازور دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از ارائه حضوری پرسشنامه به کارورزان ترم سوم مقطع کارورزی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی صورت گرفت. پرسشنامه نیمه‌ساختارمند محقق ساخته با استفاده از سه سوال باز همراستا با ابعاد خودتصنیفی، از شرکت‌کنندگان درخواست می‌کرد تجربیات کارورزی که آنان را به تفکر درباره خودشان، روابطشان با دیگران و نحوه کسب دانش مورد نیازشان برانگیخته، توصیف کنند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش پیشنهادی براون و کلارک برای تحلیل تماتیک انجام شد.

نتایج:

۱۶۷ کارورز (درصد پاسخ ۸۳٪) به پرسشنامه پاسخ دادند. جوهره تجارب کارورزان در قالب شش تم شکل داده شد: کارورزان مورد احترام و تایید واقع شدن (تم اول) را به شکل‌های مختلف مانند برخورد‌های محترمانه، مهم و ارزشمند بودن، و توجه اساتید و دستیاران به یادگیری فراگیران تجربه می‌کردند. آنان درگیر شدن در مدیریت بیماران (تم دوم) را به درجات مختلف از مواجهه و شرح‌حال‌گیری اولیه تا مشارکت فعال در مدیریت بیمار و یا مدیریت بیماران به طور نسبتاً مستقل توصیف کردند. محیط یادگیری تعاملی (تم سوم) چرخش‌های کارورزی، تجربیات متنوع مثبت و منفی از تعامل و همکاری با افراد مختلف را برای

کارورزان فراهم کرده بود. کار کردن در محیط واقعی بالینی (تم چهارم) به آنان امکان درک موقعیت‌های حیاتی پزشکی، سبک زندگی، سختی‌ها و بار کاری رشته‌های تخصصی مختلف را داده بود. مشاهده رفتار حرفه‌ای (تم پنجم) اساتید و دستیاران در انجام وظایف شغلی و نحوه برخورد آنان با بیماران و همکارانشان به شناخت بهتر کارورزان از ارزش‌های خودشان کمک کرده بود. تعدادی از کارورزان نیز تجربیات منحصر به رشته‌های تخصصی (تم ششم) مانند مشارکت در پروسیجرهای جراحی و اتاق عمل در بخش‌های جراحی و زنان، و یا مواجهه با بیماران مختلف و متنوع بخش‌های داخلی و اطفال را توصیف کرده بودند.

بحث و نتیجه‌گیری:

در این مطالعه، طیف گسترده‌ای از تجربیات بالقوه موثر بر توسعه ابعاد مختلف خودتصنیفی کارورزان شناسایی شد که می‌تواند به اساتید علوم پزشکی کمک کند تا محیط غنی برای توسعه خودتصنیفی دانشجویان پزشکی فراهم کنند. تجارب مدیریت بیمار در شرایط واقعی بخش‌های بالینی دارای محیط‌های تعاملی، می‌تواند توسعه فردی کارورزان را برانگیزد. اساتید بالینی می‌توانند با احترام گذاشتن و تایید کردن ظرفیت‌های فراگیران، و نشان دادن رفتار و منش حرفه‌ای در طبابت، از رشد و توسعه فردی کارورزان حمایت کنند. انواع تجربیات شناسایی شده در این مطالعه با اصول و فرضیات الگوی شراکت یادگیری ماگولدا که یک مدل پداگوژی برای ارتقای خودتصنیفی دانشجویان می‌باشد، همخوانی دارد. به علاوه نتایج این پیمایش، مطرح کننده احتمال تفاوت در تاثیرات توسعه‌ای چرخش‌های کارورزی جراحی و داخلی بر کارورزان بود که می‌تواند به عنوان موضوعی برای مطالعات بعدی در نظر گرفته شود.

کلمات کلیدی: خودتصنیفی، توسعه فردی، کارورزی



اشتیاق و نگرش دانشجویان رشته های بهداشت نسبت به رشته تحصیلی در بدو ورود به دانشکده علوم پزشکی بهبهان (بررسی اولیه جهت انجام مداخله)

زینب بابلی^۱، الهام نژاد صادقی^۱، معصومه علیدوستی^۱

۱. دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

نویسنده مسئول: معصومه علیدوستی

مقدمه:

دانشگاه در تولید علم همواره جایگاه ویژه‌ای داشته است و دانشجویان از مهم‌ترین اقشار اجتماعی در روند نوسازی و توسعه کشوراند، از اینرو توجه به پرورش و تقویت احساس رضایت و افزایش نگرش مثبت آنها از شرایط تحصیلی و آینده شغلی در یک محیط آموزشی اهمیت زیادی دارد (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰). معمولاً موفقیت در هر امری و دستیابی به هدف، نیازمند شناخت کافی و دیدگاه مثبت می باشد. به نظر می رسد اکثر دانشجویان در بدو ورود به محیط دانشگاه، شناخت کافی از رشته تحصیلی نداشته و گاهی احساس نارضایتی از انتخاب خود دارند. از طرفی دیدگاه خانواده و نزدیکان، دوستان دانشگاهی نسبت به رشته تحصیلی نیز می تواند از موارد تاثیرگذار باشد. ایجاد سرخوردگی از رشته تحصیلی و بروز احساساتی مانند عدم امنیت شغلی در دانش آموختگان بهداشتی درمانی که در آنها به کارگیری وجود نیروهای متخصص از اهمیت ویژه ای برخوردار است، میتواند منجر به هدر رفتن سرمایه های مادی و معنوی کشور شود. در مطالعه ی مختاری کیا و همکاران نیز نتایج نشان داده است مهم ترین عوامل نگرش منفی نسبت به رشته تحصیلی، دیدگاه منفی جامعه و دانشجویان سایر رشته ها نسبت به رشته است. علی رغم اهمیت رشته های تحصیلی بهداشت در سطوح ملی و بین المللی اما کم ارزش جلوه داشتن نقش و جایگاه رشته های بهداشت نسبت به رشته های بالینی و درمانی از سوی جامعه، سبب تمایل کمتر افراد به این رشته های تحصیلی شده است. مسائلی از این دست بر روی رغبت و لذت یادگیری دانشجویان و در نتیجه بر کیفیت تدریس اساتید تاثیرمنفی دارد و انتقال این حس منفی از سوی دانشجویان به اساتید یکی از دلایلی بود که تیم تحقیق را به انجام این مطالعه تشویق کرد. برخی مطالعات به بررسی موارد مذکور پرداخته اند اما راهکار و مداخله ای جهت رفع مساله صورت نگرفته است، انجام این مورد لازم به نظر رسید و در همین راستا پیش آزمون در دانشجویان رشته های پیوسته بهداشت در دانشکده علوم پزشکی بهبهان انجام شد و مداخلاتی در قالب طرح دانش پژوهشی در حال انجام است و در این چکیده نتایج بررسی اولیه از شناخت و رضایت‌مندی تحصیلی ارائه می گردد.

مواد و روش‌ها:

تمامی دانشجویان کارشناسی پیوسته رشته های بهداشت (بهداشت محیط و بهداشت عمومی) دانشکده علوم پزشکی بهبهان در مطالعه شرکت کردند. خاطر نشان می گردد که در این دانشکده در رشته بهداشت حرفه ای دانشجوی کارشناسی پیوسته پذیرش نمی شود. معیار ورود رضایت به شرکت در مطالعه، ورودی مهرماه ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، معیار خروج نیز انتقالی به دانشگاه دیگر بود. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ی محقق ساخته براساس پرسشنامه مهراییان و همکاران (مهراییان و همکاران، ۱۳۹۰) که به صورت آنلاین و در بستر وب در دسترس شرکت کنندگان قرار گرفت. پرسشنامه شامل ۱۶ گویه بود که در سه بعد شناخت رشته تحصیلی و اهمیت آن (۸ گویه)، اشتیاق و رضایت نسبت به رشته تحصیلی (۴ گویه) و تاثیرپذیری از نظرات دیگران (۴ گویه) را مورد ارزیابی قرار داد. سوالات در طیف لیکرت ۵ گزینه ای از کاملا موافق تا کاملا مخالف بود داده ها در نرم افزار spss21 وارد و نمره دهی بین ۰ تا ۵ انجام شد و در نهایت نمرات بین ۰ تا ۱۰۰ محاسبه گردید. از میانگین و انحراف معیار برای توصیف داده ها استفاده شد.

نتایج:

در مجموع ۴۳ دانشجو وارد مطالعه شدند. ۲۷ دانشجو (۶۲٫۸٪) بهداشت محیط، ۱۶ دانشجو (۳۷٫۲٪) از گروه بهداشت عمومی بودند، میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان 20.42 ± 1.4 بود. ۱۱٫۶٪ (۵ نفر مذکر و ۸۸٫۴٪ (۳۸ نفر) مونث بودند. ۴۸٫۸٪ (۲۱ نفر) ورودی مهر ۱۴۰۰ و ۵۱٫۲٪ (۲۲ نفر) ورودی مهر ۱۴۰۱ بودند. میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی برای بعد شناخت رشته تحصیلی و اهمیت آن 49.42 ± 19.23 ، اشتیاق و رضایت نسبت به رشته تحصیلی 54.29 ± 17.16 و نظرات دیگران 24.18 ± 48.84 بود.

بحث و نتیجه گیری:

این پژوهش نشان داد که میزان شناخت و رضایت دانشجویان و تاثیرپذیری از نظرات دیگران نسبت به رشته تحصیلی بهداشت در بدو ورود به دانشگاه در حد متوسط بود. آنچه که برای اساتید این گروه ها باید مورد توجه باشد نحوه مدیریت این چالش و حمایت و هدایت دانشجویان به بهترین وجه می باشد و در این حیطه انجام مداخلات موثر در زمینه آشنایی دانشجویان با اهمیت این رشته ها و شرایط شغلی و همچنین انجام مداخلات روانشناسی در زمینه میزان تاثیر پذیری از نظرات دیگران می تواند مفید باشد که در نهایت منجر به افزایش رضایت و اشتیاق تحصیلی شود و در این مورد باید به نوآوری و واقع گرایی نیز توجه شود.

کلمات کلیدی: اشتیاق، نگرش، دانشجویان، رشته بهداشت

بررسی اثر بخشی آموزش مدیریت خشم بر بروز خشم و راهبردهای مقابله ای در دانشجویان کارشناسی پرستاری

سکینه میری^۱، جمیله فرخزادیان^۱، مژگان حیاتی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: سکینه میری

مقدمه:

خشم یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین هیجان در زندگی انسان می باشد، و نقشی بسیار اساسی در زندگی ایفا می کند، مدیریت یا کنترل خشم و استفاده مناسب از راهبردهای مقابله ای می تواند از بروز بسیاری از مشکلات پیشگیری نماید. دوران دانشجویی معمولا دانشجویان با موقعیت هایی روبرو می شوند که امکان برانگیخته شدن خشم و همچنین عدم استفاده از راهبردهای مقابله ای مناسب در آنها وجود دارد و مداخله در مدیریت خشم یکی از راه های کنترل آن می باشد. این مطالعه با هدف بررسی اثر بخشی آموزش مدیریت خشم بر بروز خشم و راهبردهای مقابله ای در دانشجویان کارشناسی رشته پرستاری انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه از نوع مداخله ای نیمه تجربی می باشد، که جامعه پژوهش از دانشجویان کارشناسی رشته پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی رازی کرمان تشکیل شد. نمونه پژوهش ۶۰ نفر از دانشجویان ترم اول ورودی سال ۱۳۹۹ بودند که به صورت تصادفی به دو گروه ۳۰ نفره کنترل و مداخله تقسیم شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه های خصوصیات جمعیت شناختی، خشم Spielberg و راهبردهای مقابله ای Lazarus & Folkman بود. محتوای آموزشی مهارتهای مدیریت خشم، طی چهار جلسه ۴۵ تا ۶۰ دقیقه ای در دو هفته متوالی و هر هفته دو جلسه اجرا شد. داده ها قبل و یک ماه بعد از مداخله آموزشی جمع آوری شد. داده ها با استفاده از شاخص های مرکزی و پراکنندگی، آزمون کای اسکویر، تی مستقل و تی زوجی صورت گرفت. سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ مد نظر قرار داده شد.

نتایج:

میانگین نمره خشم در مرحله پس آزمون در گروه مداخله ($27/84 \pm 114/60$) نسبت به پس-آزمون در گروه کنترل ($18/07 \pm 127/23$) کاهش معنی داری یافت. ($Pvalue=0/02$) میانگین نمره راهبردهای مقابله ای در مرحله پیش آزمون در گروه مداخله ($22/54 \pm 98/54$) نسبت به مرحله پیش-آزمون در گروه کنترل ($20/29 \pm 101/73$) کمتر بود، اما تفاوت معنی دار وجود نداشت. میانگین نمره راهبردهای مقابله ای در

مرحله پس آزمون در گروه مداخله ($109/06 \pm 24/53$) نسبت به کنترل ($103/16 \pm 19/86$) بیشتر بود اما از نظر آماری تفاوت معنی داری نداشت ($Pvalue = .0/3$)

بحث و نتیجه گیری:

یافته های مطالعه حاضر نشان داد، آموزش مهارت های مدیریت خشم بر خشم دانشجویان تاثیر مثبت و معنی داری داشته است، اما بر راهبردهای مقابله ای موثر نبوده است. بنابراین پیشنهاد می شود تحقیقی وسیع تر در گروه ها و مقاطع مختلف دانشجویان و دانشگاه های متعدد با ترکیب موضوعات آموزش مهارت های زندگی و حل مسئله و مدیریت خشم اجرا شود.

کلمات کلیدی: مدیریت خشم، دانشجویان پرستاری، راهبردهای مقابله ای

طراحی، اجرا و ارزیابی بازی آموزشی دیابت برای دانشجویان داروسازی

محمد رضا حیدری^۱، مهدی محمدی^۱، شعله ابراهیم پور^۱، عیسی رضایی^۲، سها نمازی^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی هوشمند، تهران، ایران
۳. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: شعله ابراهیم پور

مقدمه:

آموزش کلاسیک مبتنی بر سخنرانی پاسخگوی نیازهای فعلی نیست و یادگیری فعال برای آماده سازی دانشجویان داروسازی برای خدمات سطح بالاتر مورد نیاز است. چندین روش یادگیری برای درگیر کردن دانشجویان در فرآیند یادگیری فعال بررسی شده است. بازی‌های آموزشی یکی از تکنیک‌های امیدوارکننده یادگیری فعال است که در آن بازیکنان مهارت‌های جدید را یاد می‌گیرند، موقعیت‌های واقعی را شبیه‌سازی می‌کنند و توانایی‌های اجتماعی و عاطفی خود را توسعه می‌دهند. استفاده از بازی آموزشی ریسک آسیب به بیمار در شرایط واقعی را ندارد. این مطالعه به بررسی طراحی و ارزیابی یک بازی ابتکاری برای آموزش دیابت در دانشجویان داروسازی می‌پردازد.

مواد و روش‌ها:

محتوای آموزشی دیابت برای تهیه فایل چند رسانه ای آموزشی و بازی تهیه شد. اعتبارسنجی بازی انجام شد و شامل ۲۵ مرحله به صورت پازل، کشیدن و رها کردن، تطبیق و سوالات چند گزینه ای با موضوعات «تشخیص دیابت»، «مدیریت هیپوگلیسمی»، «داروهای خوراکی ضد دیابت» و «انسولین درمانی» بود. شرکت کنندگان دانشجویان ترم هشتم داروسازی بودند که به دو گروه تقسیم شدند. گروه «آ» و «ب» به ترتیب ۱۰ روز به فایل های چند رسانه ای و بازی دسترسی داشتند. پیش آزمون و پس آزمون (از ۱۵ نمره) برای ارزیابی میزان یادگیری دانشجویان برگزار شد و از امتحان نهایی (از ۱۰ نمره) برای سنجش میزان یادداری استفاده شد. هم چنین تجربه کاربر با استفاده از پرسشنامه MEEGA+ مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج:

در مجموع ۱۵۴ دانشجو در این مطالعه شرکت کردند. میانه نمرات پیش آزمون ۱۲/۰ و ۱۱/۰ (P=0.8)، میانه نمرات پس آزمون ۱۱/۰ و ۱۲/۰ (P=0.5) و میانه نمرات نهایی ۵/۰ و ۵/۰ (P=0.5) به ترتیب برای گروه های «آ» و «ب» بود. ۹۹ شرکت کننده پرسشنامه کیفیت مطالعه را تکمیل کردند. دانشجویان کیفیت بازی

را تقریباً در تمام ابعاد کیفی تأیید کردند. حدود ۸۰ درصد از کاربران بازی را به روش‌های آموزشی معمول ترجیح دادند.

بحث و نتیجه گیری:

در این مطالعه یک بازی آموزشی دیابت با کیفیت بالا طراحی و اجرا شد. استفاده از بازی با افزایش نمرات یادگیری دانشجویان همراه بود هرچند از نظر آماری معنی دار نبود. همچنین اگرچه استفاده از این بازی با افزایش نمرات یادداری همراه نبود، اما به روش‌های سنتی تدریس توسط دانشجویان داروسازی ترجیح داده شد. عدم تغییر قابل توجه در نمرات دانش شرکت کنندگان ممکن است به دلایل مختلفی توضیح داده شود. یکی از علل عدم تغییر نمره یادداری ممکن است فاصله کوتاه بین استفاده از بازی و آزمون نهایی باشد. عامل مهم دیگر این عدم تغییر نمرات این است که گروه موازی نیز از فایل چندرسانه‌ای استفاده کردند که تمام جنبه‌های تشخیص و مدیریت دیابت را به روش مبتنی بر کیس ارائه می‌کرد.

کلمات کلیدی: بازی آموزشی، یادداری، یادگیری، دیابت



بررسی دانش، نگرش و عملکرد پیشگیرانه تیم جراحی در مورد عوارض دود جراحی در بیمارستان های آموزشی یزد

احمد انتظاری^۱، ایمان کشت کار^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

نویسنده مسئول: احمد انتظاری

مقدمه:

پژوهش های متعددی نشان داده اند که درصد بالایی از کارکنان درمانی در معرض مخاطرات شغلی قرار دارند. در این میان پرمخاطره ترین آن ها مواجهه با عوامل بیولوژیکی بیماری زا و عفونت ناشی از آن است. یکی از این مواد دود جراحی است، که توسط ابزارهایی تولید می شود که بافت را طی عمل برش داده یا هموستاز می کنند. این ابزار جراحی شامل لیزرها، اسکالپل های اولتراسونیک، دریل های با سرعت بالا، اره ها و الکتروکوتری شامل الکتروکوتر تک قطبی و دو قطبی در دو حالت برش و انعقاد است. دود حاصل از این فعالیت ها شامل ۹۵ درصد آب و بخار و مابقی آن را باقی مانده های سلولی در شکل ذرات، متشکل از مواد شیمیایی، ذرات خون و بافت ها، ویروس ها و باکتری ها تشکیل می دهد. مطالعات مختلف در جهان با تجزیه این دود بعضی از مواد تشکیل دهنده آن نظیر هیدروکربن های آروماتیک، هیدروکربن های اشباع نشده، استالدهیدها، الکل ها، کتون ها و دی اکسیدها، مونوکسید کربن و دی اکسید کربن را شناسایی کردند. قرار گرفتن در معرض دود جراحی، همانند قرار گرفتن در معرض دود سیگار است و اثرات موتاژن و سرطان زای دود جراحی شبیه به دود تنباکو می باشد. تخریب حرارتی یک گرم از بافت با قطع کننده بافت معادل سه نخ سیگار و با الکتروکوتری معادل شش نخ سیگار می باشد. از عوارض ناشی از دود جراحی می توان به سردرد، تحریک چشم، تحریک پوست، بیماری های قلبی-عروقی و تنفسی، تحریک و التهاب حنجره و راه هوایی، سرفه، سرگیجه، تهوع، استفراغ، خارش و ورم ملتحمه اشاره کرد. در ضمن دود جراحی حاوی ترکیبات آلی سمی است و می تواند ویروس های زنده مانند ویروس پاپیلومای انسانی را منتقل کند. علاوه بر این موارد، نتایج تحقیقات علمی نشان می دهد وقتی افراد به صورت مزمن در معرض دود جراحی قرار دارند ممکن است در معرض خطر ابتلا به بیماری هایی مانند پارکینسون، آلزایمر، بیماری های قلبی و ریوی، پستان و سرطان پروستات باشند. سلامت جسمی کارکنان اتاق عمل شاغل در بیمارستان ها به عنوان عاملی که می تواند باعث افزایش کیفیت ارائه خدمات توسط کارکنان شده و از تحمیل هزینه های ناشی از ابتلا کارکنان به بیماری های ناشی از فعالیت در اتاق عمل پیشگیری کند، بسیار حائز اهمیت است و از طرفی با توجه به تاکید بسیار زیاد بر ایمنی بیمار و کارکنان، اهمیت موضوع دو چندان شده است. اطلاع از میزان آگاهی، نگرش و عملکرد

پیشگیرانه اعضای تیم جراحی می تواند وسیله ای برای نشان دادن وضعیت مراکز درمانی در برابر این پدیده بوده و چشم انداز روشنی را برای هر گونه اقدام در برابر آن ترسیم نماید، تا در نهایت بتوان از طریق برنامه ریزی مبتنی بر شواهد، تا حدودی خطرات ناشی از دود جراحی را کنترل کرده و کاهش داد.

مواد و روش ها:

برای انجام این مطالعه توصیفی- مقطعی، ۲۴۴ نفر از اعضای تیم جراحی بیمارستان های آموزشی یزد بصورت در دسترس وارد مطالعه شدند. میزان دانش، نگرش و عملکرد پیشگیرانه در مورد عوارض دود جراحی با پرسشنامه های پژوهشگر ساخته روا و پایا اندازه گیری شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های تی مستقل، آنالیز واریانس یک طرفه و پیرسون و نرم افزار SPSS ویراش ۲۲ تحلیل شد.

نتایج:

میانگین و انحراف معیار دانش $43/67 \pm 7/18$ ، نگرش $43/67 \pm 7/18$ و عملکرد $7/34 \pm 1/84$ بود. همبستگی مستقیم معنی داری بین نمره دانش اعضای تیم جراحی و نگرش وجود دارد $(001/0=p)$ و $0/258=r$. همچنین، بین دانش و عملکرد همبستگی مستقیم معنی داری وجود داشت $(001/0=p)$ و $0/275=r$.

بحث و نتیجه گیری:

اعضای تیم جراحی از دانش، نگرش و عملکرد ایده آلی در مورد عوارض دود جراحی برخوردار نمی باشند. بنابراین استفاده از مداخلات آموزشی مناسب به منظور ارتقاء این متغیرها در اعضای تیم جراحی توصیه می شود.

کلمات کلیدی: دود جراحی، دانش، نگرش، رفتار، اعضای تیم جراحی، ایران

موانع موفقیت احیای قلبی ریوی از دیدگاه ارائه دهندگان خدمات فوریت های پزشکی

ایوب اکبری^۱، محمد عظیم محمودی^۱، احمد نصیری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

نویسنده مسئول: محمد عظیم محمودی

مقدمه:

احیای قلبی ریوی (CPR) بخشی جدایی ناپذیر از مراقبت های اورژانس پیش بیمارستانی است. پرداختن به موانع موفقیت آمیز CPR ممکن است به بهبود کیفیت CPR در آینده کمک کند. مطالعه حاضر با هدف شناسایی موانع CPR موفق از دیدگاه ارائه دهندگان EMS انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه تحلیلی مقطعی از اردیبهشت ۱۳۹۴ تا دی ماه ۱۳۹۵ انجام شد. ۱۶۰ نفر از ارائه دهندگان EMS شاغل در EMS وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (ایران) به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای ارزیابی موانع موفقیت CPR، داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته (۶۰ سوال) که در ۶ خرده مقیاس طبقه بندی شده بود، جمع آوری شد. داده های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶، آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون t و ANOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در میان خرده مقیاس های موانع CPR موفق از دیدگاه ارائه دهندگان EMS، زیرمقیاس ساختار EMS مهم ترین (۳۸/۰ ± ۳/۰۶، از محدوده ۰-۴) بود. در این خرده مقیاس، دفیبریلاتور خارجی خودکار غیرقابل دسترس عمومی (AED) (49/0 ± 59/3) و عدم مشاوره تلفنی CPR-توسط دیسپچر (۵۵/۰ ± ۳/۵۸) به ترتیب مهمترین موانع بودند. تفاوت معنی داری بین میانگین موانع CPR موفقیت آمیز و وضعیت تحصیلی وجود داشت که در ارائه دهندگان EMS با مدرک BS افزایش یافت. (P = 003/0) تفاوت معنی داری بین میانگین امتیاز موانع CPR موفقیت آمیز در مقایسه با سایر ویژگی های جمعیت شناختی ارائه دهندگان EMS وجود نداشت. (P > 05/0)

بحث و نتیجه گیری: ارائه دهندگان EMS عدم دسترسی عمومی AED و فقدان آموزش CPR تلفنی را به عنوان مهمترین موانع موفقیت CPR در مراقبت های اورژانسی پیش بیمارستانی درک کردند. بنابراین، دسترسی عمومی به AED باید برای ترویج پاسخ فوری و بهبود نتیجه CPR در EMS مورد تاکید قرار گیرد. علاوه بر این، برای کمک به افزایش موفقیت CPR، باید آموزش CPR تلفنی توسط توزیع کنندگان توصیه شود.

کلمات کلیدی: احیای قلبی ریوی، ارائه دهندگان EMS، خدمات فوریت های

همبستگی بین بازخورد در آموزش بالینی و خود پنداره حرفه ای در دانشجویان پرستاری

شراره ضیغمی محمدی^۱

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، البرز، ایران

نویسنده مسئول: شراره ضیغمی محمدی

مقدمه:

جهت طراحی استراتژی های بهبود خود پنداره حرفه ای در دانشجویان پرستاری، اندازه گیری خود پنداره و شناسایی عوامل تاثیر گذار بر آن الزامی است. با توجه به اهمیت نقش تعاملات بین فردی محیط بالینی در شکل گیری خود پنداره حرفه ای، مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بازخورد در آموزش بالینی با خود پنداره حرفه ای در دانشجویان پرستاری انجام شد.

مواد و روش ها:

این یک مطالعه توصیفی همبستگی بود که بر روی ۱۶۷ دانشجوی پرستاری ترم ۷ و ۸ دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ انجام شد. نمونه گیری به شیوه غیر تصادفی انجام شد. داده ها توسط فرم اطلاعات جمعیت شناختی، پرسشنامه ۳۶ سئوالی خود پنداره حرفه ای پرستاری کوین و پرسشنامه بازخورد در آموزش بالینی بود که به روش خود گزارشی تکمیل شد. داده ها توسط نرم افزار آماری ویراست ۲۶ با استفاده از آزمونهای توصیفی میانگین، انحراف معیار و فراوانی و درصد، آزمونهای استنباطی مانند ضریب همبستگی اسپیرمن و کای اسکوتر تحلیل شد.

نتایج:

میانگین و انحراف معیار نمره کل خود پنداره حرفه ای پرستاری $23/53 \pm 176/65$ بود و ۸۲٪ خود پنداره حرفه ای بالا داشتند. میانگین نمره کل بازخورد در آموزش بالینی $10/15 \pm 82/76$ بود و ۷۷٪ بازخورد در حد متوسط دریافت نموده بودند. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن همبستگی مثبت ضعیف و معناداری بین نمره کل بازخورد در آموزش بالینی و نمره کل خود پنداره حرفه ای پرستاری نشان داد ($r=0/222$ $p=0/004$).

بحث و نتیجه گیری:

مطالعه حاضر نشان داد ارایه بیشتر بازخورد در آموزش بالینی با افزایش خود پنداره حرفه ای دانشجویان پرستاری همراه است. پیشنهاد می گردد به منظور ارتقاء خود پنداره حرفه ای در دانشجویان پرستاری به توانمند سازی اساتید در حیطه ارایه بازخورد موثر در آموزش بالینی توجه گردد.

کلمات کلیدی: دانشجویان پرستاری، آموزش بالینی، خود پنداره حرفه ای، بازخورد در آموزش بالینی

میزان استفاده اساتید دانشگاه علوم پزشکی ارومیه از ابزارهای تعاملی سیستم مدیریت یادگیری در دوران پاندمی کووید-۱۹

محمد جبرائیلی^۱، یوسف محمدپورا^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، آذربایجان غربی، ایران

نویسنده مسئول: محمد جبرائیلی

مقدمه:

با شروع پاندمی کووید-۱۹ در سراسر جهان، استفاده از آموزش مجازی در دانشگاه های علوم پزشکی رشد روزافزون پیدا کرد سیستم مدیریت یادگیری (Learning Management System) یکی از مهم ترین زیرساخت های لازم برای توسعه آموزش مجازی می باشد که دارای قابلیت های زیادی برای برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی فرآیندهای یاددهی-یادگیری در بستر وب می باشد وجود تعامل مناسب بین استاد-دانشجو و دانشجو-دانشجو در یادگیری فعال اثربخش می باشد و موجب ایجاد انگیزه در دانشجویان برای یادگیری الکترونیکی می شود. در این راستا ابزارهای تعاملی لازم در LMS ایجاد شد تا اساتید و دانشجویان در آموزش مجازی از این ابزارها استفاده کنند. هدف از انجام این پژوهش، تعیین میزان استفاده اساتید دانشگاه علوم پزشکی ارومیه از ابزارهای تعاملی سیستم مدیریت یادگیری در دوران پاندمی کووید-۱۹ می باشد.

مواد و روش ها:

این مطالعه از نوع توصیفی-مقطعی بود که در سال ۱۴۰۱ انجام شد. با توجه به مشخص بودن تعداد جامعه مورد مطالعه، نمونه مورد نیاز از طریق جدول مورگان تعیین شد. از مجموع ۳۹۳ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، مطابق جدول مورگان، حجم نمونه ۱۹۴ تعیین شد. روش نمونه گیری در این تحقیق، طبقه ای با تخصیص متناسب می باشد به طوری که تعداد نمونه در هر یک از دانشکده ها متناسب با تعداد اعضای هیات علمی آنها انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده پرسشنامه ای محقق ساخته بود که میزان استفاده اساتید از ابزارهای تعاملی که از طریق معیار لیکرت و از نوع ۵ انتخابی (۱=خیلی کم، ۲=کم، ۳=متوسط، ۴=زیاد و ۵=خیلی زیاد) مورد ارزیابی قرار گرفت. روایی پرسشنامه از دیدگاه خبرگان (آموزش پزشکی و یادگیری الکترونیکی) تایید شد. پایایی پرسشنامه نیز از طریق محاسبه آلفای کرونباخ بررسی شد. که مقدار آلفای کرونباخ برای آن ۰/۸۷ بدست آمد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد تحلیل قرار گرفتند.

نتایج:

از ۱۹۴ پرسشنامه توزیع شده ۱۲۳ هیات علمی (۶۳/۴٪) به پرسشنامه پاسخ کامل دادند که ۷۴ نفر (۶۰/۲٪) از شرکت کننده در مطالعه، زن و ۴۹ نفر (۳۹/۸٪) مرد بودند و بیشتر شرکت کنندگان در رده سنی ۳۰-۴۰ سال ۹۳ نفر (۷۵/۶٪) بودند. ۸۱ نفر (۶۵/۸٪) از اعضای هیات علمی در علوم پایه و ۴۲ نفر (۳۴/۲٪) در علوم بالینی بودند. میزان استفاده اساتید از ابزارهای مختلف LMS به ترتیب محتوا (۴/۶۶)، تکالیف (۴/۳۲)، گفتگو (۳/۸۵)، خودآزمون ها (۳/۳۳)، پیام ها (۳/۱۲) و کلاس (۲/۴۳) بود. همچنین اساتید بیان کردند که میزان بازخورد آنها به پاسخ تکالیف (۲/۹۱)، پیام دانشجویان (۳/۰۵) و مشارکت فعال در گفتگو (۳/۳۳) بود.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج این تحقیق نشان می دهد که میزان استفاده اساتید دانشگاه علوم پزشکی ارومیه از ابزارهای تعاملی LMS در سطح متوسط و پایین بودند. لذا ضروری به نظر می رسد که قابلیت های ابزارهای تعاملی برای اساتید دانشگاه معرفی شده و نحوه استفاده از آنها آموزش داده شود. از سوی با ایجاد زیرساخت های لازم، جلسات آنلاین بیشتر برگزار شود و با برقراری ارتباط چهره به چهره و استفاده از تالار گفتگوی سامانه مدیریت یادگیری، میزان تعامل بین استاد-دانشجو و دانشجو-دانشجو را افزایش دهند. همچنین در ارزشیابی آموزش مجازی اساتید بر ارائه بازخورد آنها به تکالیف و مشارکت در گفتگو تاکید شود.

کلمات کلیدی: سیستم مدیریت یادگیری، آموزش مجازی، پاندمی کووید-۱۹.

بررسی کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پرستاری طبس در دوران پاندمی COVID-19 در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹

مصطفی عبدالهی^۱، نجمه توکل^۲، ایوب ایار^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: ایوب ایار

مقدمه:

با شروع اپیدمی کووید-۱۹ در سراسر جهان، پروتکل‌های بهداشتی بر رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی تاکید کردند. در نتیجه یادگیری دانشجویان علوم پزشکی در محیط‌های بالینی تا حدود زیادی تحت تاثیر میزان اثربخشی محیط آموزشی قرار دارد. آموزش در محیط بالینی به عنوان اولین منبع یادگیری و شکل دهی هویت حرفه ای دانشجویان علوم پزشکی محسوب می شود و بسیار حایز اهمیت بوده به طوری که به عنوان قلب آموزش حرفه‌ای شناخته شده و اساس کسب مهارت‌های حرفه‌ای در آن‌ها است. ارتقای کیفیت آموزش بالینی مستلزم بررسی مستمر وضعیت موجود عرصه های آموزش بالینی، شناخت نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف است. با توجه به متاثر شدن آموزش بالینی کلیه دانشجویان پزشکی در پاندمی کرونا، حفظ یادگیری استاندارد در بیمارستان های آموزشی امری ضروری است. در این مقطع حساس این مطالعه به بررسی کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پرستاری طبس در دوران پاندمی COVID-19 در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ پرداخته است.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش یک مطالعه توصیفی مقطعی و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشکده پرستاری طبس در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به تعداد ۱۸۰ دانشجو بود. کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در بازه زمانی دی‌ماه ۱۳۹۹ لغایت فروردین ۱۴۰۰ به روش سرشماری وارد مطالعه و در نهایت تعداد ۱۰۸ دانشجو در مقاطع کارشناسی و کاردانی معیار ورود به مطالعه را داشتند. ابزار اندازه گیری داده ها پرسشنامه محقق ساخته شامل دو بخش: فرم مشخصات دموگرافیک (سن، جنس، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، میانگین معدل، وضعیت محل سکونت، مهارت کار با سامانه های مجازی، شیوه دسترسی به آموزش مجازی) و بخش دوم پرسشنامه کیفیت آموزشی بالینی در زمان شیوع کرونا بود. پرسشنامه کیفیت آموزش بالینی بر اساس ۱۱ گویه و در هر گویه با مقیاس ۶ درجه ای لیکرت شامل کاملاً مخالفم نمره ۱ تا کاملاً موافقم نمره ۶ در نظر گرفته شد. دامنه نمرات بین ۶۶-۱۱ بود. بالاترین نمره نشان‌دهنده کیفیت آموزشی بالینی بالاتر است. جهت بررسی روایی، پرسشنامه در اختیار

۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشکده پرستاری طبس قرار گرفت. در این مطالعه جهت بررسی ثبات درونی ابزار از آلفای کرونباخ استفاده شد، بدین صورت که پرسشنامه به ۳۰ نفر از دانشجویان واجد شرایط داده شد و آلفای کرونباخ برای کل ابزار برابر با ۰/۷۹۸ بدست آمد. نحوه گردآوری داده‌ها در این مطالعه خود گزارش دهی و به صورت آنلاین بود. رضایت آگاهانه از دانشجویان قبل از مطالعه اخذ گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ صورت گرفت. به این منظور از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون‌های آنالیز واریانس و تی مستقل) استفاده گردید. در تحلیل داده‌ها، سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ از نظر آماري معنادار لحاظ شد. این مطالعه توسط کمیته اخلاق معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند با کد اخلاق IR.BUMS.REC.1399.407 مورد تأیید قرار گرفت.

نتایج:

میانگین کیفیت آموزش بالینی در دوران پاندمی کووید ۱۹ در افراد مورد پژوهش برابر با ۳۶/۹۹ و انحراف معیار ۹/۱۴ با دامنه برابر با بود. بیشترین میانگین کیفیت آموزش مجازی بالینی در گویه " از روی میل و داوطلبانه برای انجام پروسیجرهای آموزشی به بالین حاضر می‌شوم " با میانگین $۴/۳۸ \pm ۱/۴۰$ و کمترین در گویه " به طور کلی به علت محدودیت‌های موجود در شرایط بیماری کرونا، احساس می‌کنم کیفیت آموزش‌های بالینی کاهش یافته است." با میانگین $۲/۱۵ \pm ۱/۱۸$ بود. کیفیت آموزش بالینی در دوران پاندمی کووید ۱۹ با مقطع تحصیلی ارتباط معنی داری وجود داشت ($047/0=P$)، به صورتیکه کیفیت آموزش مجازی بالینی در دوران پاندمی کووید ۱۹ از دیدگاه دانشجویان کاردانی به صورت معنی داری از دانشجویان کارشناسی بیشتر بود. همچنین یافته‌ها نشان داد کیفیت آموزش بالینی افراد مورد پژوهش با رشته تحصیلی دانشجویان نیز ارتباط معنی داری داشت. ($021/0=P$) نتایج آزمون دو به دو شفه نشان داد کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان فوریت‌های پزشکی از دانشجویان اتاق عمل به صورت معنی داری بیشتر بود. ($027/0=P$) بین کیفیت آموزش بالینی دانشجویان رشته‌های فوریت پزشکی و پرستاری بیشتر بود ($260/0=P$) و رشته‌های اتاق عمل و پرستاری ($154/0=P$) اختلاف معنی داری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری:

اگرچه استفاده از یادگیری الکترونیک در آموزش پزشکی با چالش‌های فراوان روبرو است، اما با آماده کردن بستر مناسب می‌توان از آموزش مجازی در جهت ارتقای کیفیت در آموزش پزشکی و حفظ یادگیری استاندارد، استفاده کرد. با بکارگیری فناوری‌های جدید جهت آموزش بالینی به صورت الکترونیک در شرایط پس از کرونا می‌توان به عنوان شیوه کمک کننده قبل از حضور بر بالین بیمار در محیط واقعی در بیمارستان‌های آموزشی در جهت افزایش کیفیت آموزش بالینی برای دانشجویان رشته‌های پزشکی استفاده کرد.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، آموزش بالینی، پرستاری، کووید-۱۹، کیفیت

بررسی ارتباط میان سواد دیجیتال با میزان یادگیری الکترونیک در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی آجا در طی پاندمی کووید ۱۹

سعید باباجانی^۱، علیرضا شهریاری^۱، امیر کاظمی^۱، محمود مخبری^۱، رضا روحی^۱، مریم بهشتی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

نویسنده مسئول: سعید باباجانی

مقدمه:

از ماموریت های دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد می باشد و قطعا آموزش موثر در رشد و توسعه دانشجویان کار آمد و اثر بخش در راس همه امور قرار می گیرد. با شیوع ویروس کوید ۱۹ و به دنبال آن چالش های پیشرو اعم از تعطیلی موسسات آموزشی، دست اندرکاران نظام آموزشی از نرم افزار ها و ابزار های مختلف آموزشی بهره جسته و از طریق فضای مجازی آموزش های خود را به فراگیران ارائه می دهند. در این فضای آموزش الکترونیکی یکی از مهم ترین مهارت هایی که فراگیران برای یادگیری به منظور مشارکت کامل و یا خیال راحت در یک دنیای دیجیتال نیاز دارند داشتن سواد دیجیتال که ترکیبی از مهارت های فناوری عملکردی، تفکر انتقادی، مهارت مشارکتی و آگاهی اجتماعی می باشد است. داشتن این سواد دیجیتال در فراگیران می تواند یادگیری و عملکرد موثر آنها را افزایش داده و از طرفی برای داشتن آموزش مفید و موثر در دنیای الکترونیکی داشتن اطلاعات و آگاهی از مهارت های یادگیری الکترونیکی نیز الزامی می باشد آگاهی دانشجویان از داشتن سواد دیجیتال و یادگیری الکترونیکی نقش عمده ای در بهبود کیفیت آموزش و نحوه آموزش تجهیزات الکترونیکی داشته و مطابق با آن باعث ارتقا سطح دانش القا شده به فراگیران می گردد. با توجه به اهمیت این موضوع و محدود بودن مطالعات و پژوهش های داخلی و خارجی در این زمینه بررسی رابطه سواد دیجیتال و میزان یادگیری الکترونیکی در دانشگاه ها ضروری به نظر می رسد بنابراین هدف اصلی در این پژوهش تعیین ارتباط میان سواد دیجیتال با میزان یادگیری الکترونیکی در دانشجویان علوم پزشکی آجا در طی پاندمی کوید ۱۹ می باشد.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی به لحاظ هدف کاربردی است. جامعه آماری را دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی آجا تشکیل داده اند که بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه در نظر گرفته شده ۲۳۰ دانشجو می باشد. روش نمونه گیری غیر احتمالی (سهمیه ای) در نظر گرفته شد. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد شده سواد دیجیتال مارتین (۲۰۰۹) و نیز از پرسشنامه استاندارد شده

آمادگی یادگیری الکترونیکی واتگینر (۲۰۰۴) استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار Spss نسخه ۱۶ استفاده شد. جهت بررسی همبستگی متغیرها از آزمون پیرسون، آزمون تی تست و انووا استفاده شد.

نتایج:

یافته های مطالعه نشان داد که ۷۷/۸ درصد از دانشجویان در دوران پاندمی کرونا از رسانه های اجتماعی (شبکه های اجتماعی)، ۱۰ درصد از رسانه های اجتماعی (وبلاگ ها) و ۱۲/۲ درصد دانشجویان از رسانه اجتماعی (ویکی - دانشنامه های آزاد) استفاده می کردند. از ۶ متغیر مرتبط با حیطه های میزان آمادگی یادگیری الکترونیکی، بیشترین نمره مربوط به حیطه گفتگوهای اینترنتی (۳/۲±۶۷/۲) بود و نیز از ۳ حیطه سواد دیجیتال بیشترین نمره مربوط به حیطه کاربری دیجیتال (۳/۵±۵۷/۷) اختصاص پیدا کرده است و نیز بین ۲ متغیر سواد دیجیتال و میزان آمادگی یادگیری الکترونیکی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۲۱) رابطه مستقیم و با (0/0001>Pvalue) که معنی دار می باشد را نشان داد.

بحث و نتیجه گیری:

از این مطالعه چنین استنباط میشود که داشتن مهارت های خاص سواد دیجیتال باعث افزایش میزان آمادگی یادگیری الکترونیکی فراگیران می گردد که این امر خود موید آموزش مفید و موثر در فراگیران می گردد.

کلمات کلیدی: سواد دیجیتال، میزان یادگیری الکترونیکی



تجربه یادگیری مبتنی بر تیم دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

علی فتاحی بافقی^۱، فرزانه میرزائی^۱، گیلدا اسلامی^۱، مصطفی غلامرضائی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

نویسنده مسئول: علی فتاحی بافقی

مقدمه:

آموزش هدفمند، پاسخگو و مؤثر به منظور افزایش یادگیری در حیطه های دانش، مهارت و نگرش در رشته های حرفه ای، چون پزشکی ضرورتی انکار ناپذیر است. شیوه غالب آموزشها در مراکز آموزشی سخنرانی است که آموزش گیرنده غیرفعال و صرفاً شنونده است، گرچه استاد حجم فراوانی از اطلاعات را به مخاطب می رساند ولی یادگیری عمیق، اثرگذار و نیاز محور نیست و به اهداف آموزشی از پیش تعیین شده نمی رسد. در این بین روش های یادگیری فعال، راهکار بسیاری از دانشگاه های جهان جهت بالا بردن تفکر نقادانه و قدرت حل مسأله در دانشجویان هست، یادگیری مبتنی بر تیم (Team Base Learning) یکی از این روش هاست. دانشجویان از پیش می باید موضوع مورد بحث در جلسه را مطالعه کنند تا در آغاز جلسه، آزمون تضمین آمادگی فردی (Individual Readiness Assurance Test) از او بعمل آید. سپس همان سؤالات را به صورت گروهی و در تیم خود پاسخ دهد. در نهایت، مشکلات توسط استاد حل شده، به دانشجویان بازخورد داده شود.

مواد و روش ها:

در این بررسی تجربه یادگیری مبتنی بر تیم (Team Base Learning) با دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی انجام شد. این مطالعه بصورت اقدام پژوهی و نمونه گیری به شیوه سرشماری و با همکاری ۸۰ نفر از دانشجویان داروسازی ورودی مهر ۱۳۹۸ پزشکی پردیس و بین الملل دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود که ۵۰ درصد (۴۰ نفر) آنها تصادفی انتخاب شدند انجام شد. پس از توجیه دانشجویان و تقسیم آن ها به ۸ گروه ۵ نفره، مراحل یادگیری مبتنی بر تیم شامل: آزمون های آمادگی، استیناف، تکلیف گروهی و ارزیابی همتایان اجرا شد. ابزار جمع آوری داده ها در این مطالعه فرم ثبت مشاهدات و پرسشنامه محقق ساخته بود. تحلیل نتایج پرسشنامه با استفاده از آمار توصیفی انجام شد.

نتایج:

از کل ۸۰ نفر، ۶۱ نفر (۷۶٫۲۵ درصد) از دانشجویان یادگیری مبتنی بر تیم را شیوه مناسبی برای برای یادگیری عمیق در هر سه حیطه دانش، مهارت و نگرش عنوان کردند. ۴۲ نفر (۵۲٫۵ درصد) کار گروهی

و تیمی را سبب تسهیل یادگیری دانشجویان دانستند. ۴۹ نفر (۶۱٫۲۵ درصد) از شیوه اداره کلاس رضایت داشتند. یافته های حاصل از مشاهده نشان داد که دانشجویان برای شرکت در بحث گروهی بی توجه به مقررات معمول کلاس جای خود را گاه گاهی تغییر می دهند، حتی سرپا می ایستادند تا بهتر به بحث ها گوش دهند و پرسش های خود را بپرسند و جالب که برای پاسخ های خودشان مرجع معرفی می کردند، هرچند که ۱۱ نفر (۲۶٫۲۵ درصد) دانشجویان به سبب افزایش تکلیف و بار مطالعه با این روش مخالف بودند و در مجموع بالای ۵۶ نفر (۷۰ درصد) از اداره کلاس با این شیوه رضایت نشان دادند.

بحث و نتیجه گیری:

در مشاهدات این برنامه آموزشی مشخص گردید که دانشجویان در بحث های گروهی به صورت فعال مشارکت می کنند. طبق نظرات روانشناسان پرورشی، یادگیری زمانی بهتر می شود و تأثیر آن ماندگارتر است که با فعال سازی و مشارکت هرچه بیشتر دانشجو در امر یادگیری همراه باشد. استفاده از روش TBL راهکاری برای کاربرد بالینی مباحث علوم پایه و ایجاد یادگیری عمیق و پایدار در دانشجویان پزشکی است. یادگیری مبتنی بر تیم سبب تسهیل یادگیری، مشارکت و عمق بیشتری یادگیری دانشجویان شده است بنابراین، بتدریج بیشتر مباحث درس رشته هایی مانند داروسازی که حرفه ای هستند می باید به شیوه آموزش مبتنی بر تیم برگزار شود.

کلمات کلیدی: آموزش پزشکی، یادگیری مبتنی بر تیم، دانشجو، آموزش مشارکتی.

ارزیابی محیط آموزشی بالینی بر اساس مدل DREEM از دیدگاه دانشجویان اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی لرستان در سال ۲۰۲۱

بهزاد مرادی^۱، نسرین گله دار^۲، مریم حبیبی^۳، فرزاد ابراهیم زاده^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران
۳. دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

نویسنده مسئول: بهزاد مرادی

مقدمه:

مهمترین بخش یادگیری در بالین اتفاق می افتد. یکی از مهم ترین عوامل موثر بر یادگیری، محیط است. از این رو، تمرکز آموزش باید بر نیازهای یادگیری دانشجویان و فراهم کردن بستر مناسب برای ارتقای مهارت های بالینی آنان باشد. برای تعیین تفاوت بین محیط آموزشی واقعی و محیط مطلوب از مدل DREEM استفاده شده است. مطالعه حاضر به منظور ارزیابی محیط آموزشی بالینی بر اساس مدل DREEM از دیدگاه دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی لرستان انجام گردید.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی - تحلیلی با استفاده از پرسشنامه DREEM در بیمارستان های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی لرستان در سال ۱۳۹۹ دیدگاه ۱۱۸ دانشجوی تکنولوژی اتاق عمل را مورد ارزیابی قرار داد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شد و سطح معنی داری ۰/۰۵ تعیین شد.

نتایج:

ادراک کل دانشجویان از محیط آموزشی بالینی در ۷۳/۸ درصد موارد خوب و عالی و از خرده مقیاس ها نیز خوب (۵۰/۸-۶۳/۲ درصد) بود. بین نمره کل ادراک دانشجویان از محیط آموزشی بالینی و سن ($p < 0/001$)، ترم تحصیلی ($p < 0/001$) و بیمارستان کارورزی ($p = 0/007$) رابطه معناداری وجود داشت. هم چنین با افزایش معدل و علاقه به رشته، میانگین نمره ادراک کل و خرده مقیاس های آن نیز به جز ادراک مربیان افزایش یافت ($p < 0/05$).

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی لرستان نسبت به محیط آموزشی بالینی خود دیدگاه مثبتی داشتند. همچنین نتایج حاکی از لزوم توانمندسازی اساتید و بهینه سازی محیط های آموزشی بالینی برای دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل بود. بنابراین با استفاده از این نتایج برای توانمندسازی پایه علمی اساتید و تجهیز اورژانس و ارتقای امکانات فیزیکی آن برای ارائه خدمات آموزشی بهتر و در نتیجه خدمات مراقبتی و پزشکی بهتر فراهم آورد.

کلمات کلیدی: محیط آموزشی بالینی، یادگیری، DREEM، اتاق عمل



طراحی، اجرا و ارزشیابی رویکرد آموزشی کلاس درس وارونه مجازی در بهبود محیط آموزشی و عملکرد تحصیلی دانشجویان فیزیوتراپی

آیلین طلیم خانی^۱، امیرمحمد صالحی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

نویسنده مسئول: آیلین طلیم خانی

مقدمه:

کلاس درس وارونه مجازی (VFC) یک روش نوین آموزشی است که هر دو مؤلفه آموزش مجازی همزمان و ناهمزمان را در برداشته و استراتژی یادگیری فعال را در فراگیران ارتقا می بخشد. در این مطالعه اثرات رویکرد آموزشی VFC در دوره آموزشی تمرین درمانی برای دانشجویان فیزیوتراپی بررسی گردید.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر، شبه تجربی و یک گروهه بوده که با دو شیوه مداخله در تدریس درس تمرین درمانی ۲، با طرح پیش آزمون- پس آزمون در دانشجویان ترم ۵ رشته فیزیوتراپی دانشگاه علوم پزشکی همدان در نیم سال اول ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام شد. مباحث درس تمرین درمانی، به طور تصادفی، به دو بخش تقسیم شد که بخش اول مطالب، با روش سخنرانی مجازی یادگیری اولیه (VLBL) و بخش دوم مطالب، با روش VFC تدریس شد. هر جلسه تدریس، با یک پیش آزمون و پس آزمون همراه بود. همچنین، رضایت، نگرش و سطح دانش فراگیران در هر دو روش آموزشی بررسی شد.

نتایج:

در این پژوهش، ۵۵ نفر (۲۵ دختر و ۳۰ پسر) دانشجوی فیزیوتراپی ترم ۵ با میانگین سنی ۲۲ سال تحت دو روش آموزشی (VLBL, VFC) در نیمسال اول ۱۴۰۰-۱۴۰۱ قرار گرفتند. نتایج مطالعه نشان داد که در پایان دوره آموزشی، دانش فراگیران با روش VFC به طور معنی داری بیشتر از دانش فراگیران با روش VLBL بود ($P=0/001$). همچنین، میانگین های نمره نگرش و رضایت کلی بین دو روش آموزشی، معنی دار بود ($P=0/000$) که بیانگر رضایت بیشتر و نگرش مثبت دانشجویان در روش آموزش VFC در مقایسه با روش آموزش VLBL بود.

بحث و نتیجه گیری:

VFC روش آموزش موثری در دانشجویان فیزیوتراپی می باشد و دانشجویان را به سمتی سوق می دهند که با انگیزه و رضایت بالا، حضور فعال در آموزش داشته باشند.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، کلاس وارونه، فیزیوتراپی

طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزش درمان تکاملی- عصبی در کودکان مبتلا به فلج مغزی برای دانشجویان توانبخشی: یک برنامه مبتنی بر گوشی‌های

هوشمند براساس مدل ADDIE

حمید دالوند^۱، سینا مستوفی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: حمید دالوند

مقدمه:

امروزه گوشی‌های هوشمند به عنوان یکی از ابزارهای یادگیری در فرایند آموزش دانشجویان مورد استفاده قرار می‌گیرند. از جمله مزایای این ابزارها می‌توان به دسترسی آسان به اطلاعات، امکان ذخیره سازی اطلاعات، قابلیت جا به جایی، استفاده از رسانه‌های اجتماعی و مقرون به صرفه بودن اشاره نمود. با توجه به کاربرد گسترده رویکرد تکاملی-عصبی (بوبت) و ضرورت آموزش جامع این رویکرد به دانشجویان توانبخشی، هدف این مطالعه طراحی و ارزیابی برنامه آموزش درمان تکاملی-عصبی در کودکان مبتلا به فلج مغزی براساس یک برنامه مبتنی بر گوشی‌های هوشمند بود.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه از مدل ADDIE استفاده شد. ADDIE کوتاه شده پنج مرحله؛ آنالیز یا نیازسنجی، طراحی، تولید و توسعه، اجرا و ارزشیابی است. در این مطالعه پس از نیازسنجی و برگزاری پانل متخصصان متشکل از پنج تن از اساتید توانبخشی، محتوای آموزشی و چگونگی ارائه آنها در نرم افزار مشخص شد. سپس با توجه به داده‌های استخراج شده از پانل متخصصان محتوای آموزشی رویکرد تکاملی-عصبی به شکل فیلم ساخته و جمع‌آوری گردید. محتوای آموزشی به انضمام داده‌های استخراج شده از پانل متخصصان در اختیار گروه برنامه‌نویسی قرار گرفته و با نظارت محقق بر تک تک مراحل، نرم افزار آموزشی طی دو مرحله طراحی و ساخت، و مرحله ارزیابی ثانویه در محیط برنامه‌نویسی اندروید تدوین گردید. محتوای آموزشی در نرم افزار در دو دسته کلی آموزش رویکرد تکاملی-عصبی و مهارت‌های روزمره زندگی به دانشجویان ارائه گردید. در بخش آموزش رویکرد تکاملی-عصبی، جز به جز در قالب فیلم، تکنیک‌های رویکرد تکاملی-عصبی و در بخش مهارت‌های روزمره زندگی، نحوه خواب، غذا دادن، جابجایی، حمام کردن و دستشویی کردن قرار داده شد. به علت حجم بالای فیلم‌ها، نرم افزار به شکل آفلاین نصب شده و محتوای آموزشی به شکل آنلاین در اختیار کاربران قرار گرفت. سپس دو گروه ۱۵ نفره (آموزش ندیده = ۱۵ و آموزش دیده = ۱۵) از دانشجویان کاردرمانی قبل از گذراندن واحد درسی آموزش رویکرد تکاملی-عصبی وارد مطالعه شدند. گروه آموزش دیده علاوه بر حضور در کلاس آموزشی دانشگاهی، نرم افزار

آموزش رویکرد تکاملی- عصبی را به مدت دو هفته استفاده نمودند. برای سنجش میزان رضایت و کاربرد پذیری نرم افزار و کارآمدی آن از پرسشنامه QUIS و برای سنجش آگاهی شرکت کنندگان پرسشنامه سنجش آگاهی دانشجویان استفاده گردید. برای بررسی داده ها از آمار توصیفی برای گزارش میزان رضایتمندی، آزمون ویلکاکسون جهت مقایسه میانگین نمرات میزان آگاهی به صورت درون گروهی و آزمون من ویتنی جهت مقایسه نمرات میزان آگاهی بین گروه های آموزش دیده و آموزش ندیده استفاده شد.

نتایج:

میزان رضایتمندی در مورد خرده مقیاس های کارکرد کلی نرم افزار ۷۶/۴۴ درصد، صفحه نمایش ۸۶/۱۱ درصد، مجموعه اصطلاحات و اطلاعات نرم افزار ۷۸/۸۸ درصد، قابلیت یادگیری نرم افزار ۸۳/۷۷ و قابلیت های کلی نرم افزار ۸۳/۳۳ گزارش شد. به طور کلی میانگین سطح رضایتمندی کاربران از نرم افزار ۸۱ درصد برآورد شد که نشان از سطح بالای از کاربردپذیری و رضایت گروه هدف بود. نتایج این مطالعه نشان داد که پس از استفاده از یک دوره ی دو هفته از نرم افزار آموزشی نمرات میزان آگاهی در گروه آموزش دیده در حوزه های لباس پوشیدن و درآوردن، غذا دادن به کودک، دستشویی رفتن، حمام کردن، و آزمون ۱۰ سوالی به طور معناداری بالاتر از گروه آموزش ندیده بود ($P > 0.05$). با این حال تفاوت معناداری در حوزه های خوابیدن (و همچنین تحرک و جابه جایی بین دو گروه مشاهده نشد ($P > 0.05$). نتایج مقایسه درون گروهی نشان داد که نمرات میزان آگاهی در گروه آموزش دیده در تمامی حوزه ها به طور معناداری افزایش یافت و گروه آموزش ندیده بجز حوزه های لباس پوشیدن و حمام کردن در همه حوزه ها افزایش معنادار مشاهده گردید ($P < 0.05$).

بحث و نتیجه گیری:

یافته ها نشان داد که نرم افزار تولید شده برای دانشجویان کاردرمانی رضایت بخش و کاربردی بوده و همچنین موجب افزایش آگاهی دانشجویان در خصوص بگاریگری رویکرد تکاملی- عصبی برای کودکان مبتلا به فلج مغزی می گردد. این نرم افزار می تواند به عنوان یک مکمل آموزشی در کنار دروس دانشگاهی در اختیار دانشجویان جهت تسهیل یادگیری مفاهیم و پوشش تمامی محتوای آموزشی رویکرد تکاملی- عصبی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: آموزش دانشجویان، رویکرد تکاملی- عصبی، نرم افزار، مدل ADDIE

ارزیابی نظام آموزش مجازی دانشکده علوم پزشکی شوشتر در دوران پاندمی کرونا ویروس

مریم اسدی^۱، مجتبی کلانتر^۱، اعظم هنرمندپور^۱، اعظم جهانگیری مهر^۱، الهام پیرعباسی^۱، فائزه سیف^۱

۱. دانشکده علوم پزشکی شوشتر، خوزستان، ایران

نویسنده مسئول: مریم اسدی

مقدمه:

آموزش مجازی مجموعه وسیعی از نرم افزارهای کاربردی و روش های آموزشی شامل آموزش مبتنی بر رایانه، مبتنی بر وب، کلاس های درس مجازی می باشد. آموزش الکترونیکی به کمک رایانه ها از طریق رسانه های الکترونیکی، اینترنت، وب، شبکه های سازمان یافته مثل اکسترانت و اینترانت و پخش ماهواره ای، دیسک و نوارهای صوتی صورت می گیرد. همه گیری بیماری کووید-۱۹ منجر به تحت تاثیر قرار گرفتن سیستم آموزشی کشور بدلیل غیرحضوری شدن مدارس، دانشگاه ها و دانشکده ها شد. بدین ترتیب اهمیت آموزش مجازی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و به عنوان اصلی ترین راه حل برای ممانعت از وقفه آموزشی در دانشگاه های کشور من جمله دانشکده علوم پزشکی شوشتر در نظر گرفته شد. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی نظام آموزش مجازی دانشکده علوم پزشکی شوشتر از دیدگاه اعضای هیئت علمی و دانشجویان انجام گرفت.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی تحلیلی با مشارکت ۳۲ عضو هیئت علمی و ۲۱۲ دانشجوی گروه های مختلف آموزشی دانشکده علوم پزشکی شوشتر به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای (۵ طبقه شامل گروه پرستاری، گروه مامایی، گروه فوریت و اتاق عمل، گروه بهداشت و گروه تغذیه) انجام شد. پرسشنامه معتبر مورد استفاده جهت ارزیابی آموزش مجازی متشکل از ۸ مولفه شامل فعالیت های یاددهی-یادگیری، انعطاف پذیری، محتوای آموزشی و سازمانی، تعامل و بازخورد، پشتیبانی کاربران، حجم کار و سامانه آموزش مجازی بودند. برای تعیین میزان مطلوب بودن وضعیت آموزش مجازی با هر یک از گویه های مطرح شده از مقیاس لیکرت پنج تایی (بسیارمطلوب = ۵، مطلوب = ۴، نیمه مطلوب = ۳، نامطلوب = ۲ و بسیار نامطلوب = ۱، استفاده گردید. متغیرهای کمی به صورت میانگین انحراف معیار، و متغیرهای کیفی نیز به صورت تعداد (درصد) گزارش شد. برای تعیین ارتباط بین متغیرهای کیفی از آزمون کای اسکوئر و برای مقایسه میانگین ها از آزمون تی تست مستقل استفاده شد. سطح معناداری نیز ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج:

طبق نتایج، میانگین سنی برای اعضای هیئت علمی ۵۶ ± ۵ و $۳۷/۱۵ \pm ۵$ برای دانشجویان $۲۳/۷۵ \pm ۶/۴۲$ بود. مطالعه حاضر نشان داد که نظام آموزش مجازی دانشکده علوم پزشکی شوشتر از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی در سطح متوسط و بالاتر از متوسط قرار دارد. اگر چه تنها مولفه یاددهی یادگیری از دیدگاه دانشجویان ($۱/۱۵ \pm ۲/۸۰$) و اعضای هیئت علمی ($۰/۷۰ \pm ۲/۹۵$) در سطح پایین تر از متوسط (نامطلوب) قرار داشت و تفاوت معنی داری را بین دو گروه نشان نداد ($P \text{ value} = ۰/۴۶$). در بین مولفه های بررسی شده، میانگین نمره مربوط به سامانه آموزش مجازی از نظر اعضای هیئت علمی ($۶۴ \pm ۰/۳/۷۶$) و دانشجویان ($۱/۰۹ \pm ۳/۳۰$) بیشترین نمره کسب شده بود ($P \text{ value} > ۰/۰۵$).

بحث و نتیجه گیری:

پیشنهاد می گردد جهت ارتقای کیفیت نظام آموزش مجازی توجه بیشتر و رفع موانع بهبود آموزش مجازی از نظر فعالیت های یاددهی یادگیری (شامل گویه های انگیزه یادگیری، یادگیری خلاق، یادگیری خودراهبر، دانشجو محور بودن، میزان ماندگاری اطلاعات، دستیابی به سطوح بالاتر یادگیری و تنوع در شیوه های یاددهی) و همچنین از نظر تعامل و بازخورد (شامل گویه های تقویت مهارت ارتباط با دیگران، فرصت تعامل بیشتر دانشجویان با یکدیگر، تعامل موثر استاد و دانشجو از طریق بازخورد تکالیف، بازخورد مناسب و به موقع پس از ارزشیابی دانشجویان، بررسی به موقع تکالیف توسط اعضای هیات علمی و ارائه بازخورد مناسب به دانشجویان) ضرورت دارد.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، کرونا، دانشکده شوشتر

بازسازی بازخورد در آموزش عالی پزشکی: طراحی ابزار REFLECT جهت سنجش وضعیت ارائه بازخورد در آموزش دستیاری

مهران ایلاقی^۱، سارا شفیعیان^۱، عادل سلطانی زاده^۱، علی کارآموزیان^۱، مریم اخوتی^۱، سارا افلاطونیان^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: مهران ایلاقی

مقدمه:

در آموزش دستیاری، فراگیری طیف گسترده ای از صلاحیت های عملی و حرفه ای از دستیاران مورد انتظار است. بازخورد در این فرآیند یاددهی-یادگیری نقش کلیدی را ایفا می کند. ارزیابی وضعیت ارائه بازخورد، یک گام مقدماتی برای اساتید و طراحان آموزشی است که بتوانند کیفیت بازخورد ارائه شده در طول دوره آموزشی را ارتقا بخشند. از این رو، مطالعه حاضر با هدف طراحی یک ابزار اختصاصی پایا و روا جهت سنجش ابعاد مختلف ارائه بازخورد در آموزش دستیاری انجام گردید.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر یک مطالعه با هدف طراحی ابزار بود که طی آن پس از بررسی ابزارهای موجود در حوزه سنجش بازخورد، نیازسنجی و بررسی نظر خبرگان، گویه های اولیه مقیاس REFLECT (Residency Education Feedback Level Evaluation in Clinical Training) طراحی گردید. روایی محتوا با بهره گیری از نظر پنلی شامل ۱۴ عضو (هفت نفر از اساتید بالینی و هفت نفر از اساتید حوزه آموزش پزشکی) با مقیاس های نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) سنجیده شد. پس از بررسی پایایی آزمون-باز آزمون، پرسشنامه بین ۱۵۴ نفر از دستیاران بالینی از ۱۷ رشته تخصصی توزیع گردید و همسانی درونی پرسشنامه (با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ) و فاکتور آنالیز (با استفاده از فاکتور آنالیز تجسسی) مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج:

پانزده گویه پرسشنامه دارای CVR و CVI مطلوب بودند. پایایی آزمون باز آزمون نشانگر ضریب ICC برابر با ۰٫۹۴۹ بود که بیانگر پایایی عالی بود. همچنین ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ۱۵ گویه ای برابر با ۰٫۸۵ بود که بیانگر همسانی درونی خوب بود. فاکتور آنالیز نشان داد که ساختار پرسشنامه دارای چهار فاکتور شامل "نگرش نسبت به بازخورد"، "کیفیت بازخورد"، "اهمیت درک شده بازخورد" و "واکنش به بازخورد" بود.

بحث و نتیجه گیری:

پژوهش حاضر نشان داد که REFLECT یک مقیاس با روایی و پایایی مطلوب است که با توجه به مختصر بودن تعداد گویه ها، این امکان را فراهم می کند که به عنوان یک ابزار با سهولت استفاده بالا، در سنجش وضعیت ارائه بازخورد در آموزش دوره دستیاری بالینی مورد استفاده قرار گیرد. این ابزار زیربنایی را فراهم می سازد تا مدیران آموزشی و طراحان برنامه درسی بتوانند با شناسایی وضعیت موجود و شکاف آن نسبت به وضعیت مطلوب، مداخلات لازم را جهت ارتقای کمیت و کیفیت بازخورد ارائه شده در آموزش تخصصی بالینی طراحی و پیاده سازی کنند.

کلمات کلیدی: بازخورد، آموزش دستیاری، طراحی ابزار



پیش بینی سرزندگی تحصیلی دانشجویان رشته های علوم بهداشتی مبتنی بر مولفه های حمایت تحصیلی

طالب عسکری پور^۱، آیت رحمانی^۱، حامد آقائی^۲، وحیده ابوالحسن نژاد^۳، مسعود شفیعی مطلق^۴، علی

محمد عباسی^۵

۱. دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

۴. دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۵. دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

نویسنده مسئول: طالب عسکری پور

مقدمه:

یکی از شاخص های مهم بهزیستی ذهنی و موثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان، سرزندگی تحصیلی می باشد. سرزندگی تحصیلی به واکنش سازنده و تطابق فراگیران با انواع چالش ها و موانع، در طول مدت تحصیل اطلاق می گردد. در مطالعات مختلف به مولفه های موثر بر سرزندگی تحصیلی چون نقش خانواده و همسالان، محیط آموزشی، مشارکت و فاکتورهای روحی و روانی اشاره شده است. از جمله متغیرهایی که می تواند نقش محیط خانواده و همسالان را منعکس کند، متغیر حمایت تحصیلی می باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش حمایت تحصیلی در پیش بینی سرزندگی تحصیلی دانشجویان علوم بهداشتی انجام گردید.

مواد و روش ها:

در این پژوهش توصیفی - همبستگی، کلیه دانشجویان رشته های علوم بهداشتی شاغل به تحصیل در دانشگاه های علوم پزشکی ایلام، اراک، بیرجند، سمنان و همدان مورد بررسی قرار گرفتند. با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی چند مرحله ای، ۴۰۰ دانشجوی انتخاب و داده های آنها مورد آنالیز قرار گرفت. جهت گردآوری داده ها، از پرسشنامه حمایت تحصیلی ساندز و پلانکت و پرسشنامه سرزندگی تحصیلی استفاده شد. برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آزمون های ارگرسیون های ساده و چندگانه مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج:

میانگین نمره کلی حمایت تحصیلی $61/94 \pm 11/5$ (حداکثر ۹۶) بدست آمد. همچنین میانگین نمره مولفه های حمایت تحصیلی شامل حمایت پدر ($17/99 \pm 4/01$)، حمایت مادر ($18/73 \pm 3/7$)، حمایت معلم-استاد ($16/4 \pm 32/38$)، حمایت همسال - همکلاسی ($15/89 \pm 3/66$) بدست آمد. بر اساس یافته های مطالعه،

۷/۶ درصد (F=59/33) ، $R=0/۲۷۹$ ، $2R=0/۰۷۸$ ، $R^2=0/۰۷۶$ =تعدیل شده، $p < 0/۰۰۱$ واریانس سرزندگی تحصیلی از طریق متغیر حمایت تحصیلی، قابل پیش‌بینی می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطالعه نشان داد که حمایت تحصیلی دانشجویان مورد مطالعه در سطح متوسط قرار دارد. همچنین بر اساس یافته های مطالعه، بین متغیر حمایت تحصیلی و سرزندگی تحصیلی ارتباط مستقیم وجود داشت. لذا با هدف افزایش سرزندگی تحصیلی و به تبع آن بهبود عملکرد تحصیلی و تربیت دانش آموختگان کارآمد، برنامه ریزی جهت انجام مداخلات موثر چون برنامه ریزی و اجرای برنامه های آموزشی جهت خانواده و همسالان پیشنهاد می گردد.

کلمات کلیدی: سرزندگی تحصیلی، بهداشت، عملکرد

روانسنجی ابزار اندازه‌گیری استراتژی‌های فرا انگیزشی در دانشجویان هوشبری

محمدحسین شاکری گوکی^۱، علی نوروزی^۲، فخرالسادات میرحسینی^۱، فاطمه عطفی^۱، نذدار عزالدین الخطیب^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی هاولر، عراق

نویسنده مسئول: فخرالسادات میرحسینی

مقدمه:

استراتژی‌های خود تنظیمی انگیزشی، استراتژی‌هایی هستند که فرد آگاهانه آنها را به کار می‌گیرد تا انگیزش خود را حفظ کند یا کیفیت آن را تغییر دهد، استراتژی‌های تنظیم انگیزش موجب حفظ و ارتقای انگیزش فراگیران در طی دوران تحصیل می‌شوند، این استراتژی‌ها با متغیرهای زیادی مانند پیشرفت تحصیلی، شناخت و فراشناخت، باورهای سازگارانه انگیزشی و عملکرد تحصیلی ارتباط دارند، مطالعه کیریشو و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که خود تنظیمی انگیزش با پیشرفت تحصیلی ارتباط مثبت دارد، میل و شولر (۲۰۱۶) اصطلاح فرا انگیزش را به جای خود تنظیمی انگیزش به کار بردند، بافتارمندی یکی از مهمترین ویژگی‌های استراتژی‌های فرا انگیزش محسوب می‌شود، یکی از بافتارهای مهم، عرصه آموزش پزشکی است که اهمیت رشته‌های این حیطه بر کسی پوشیده نیست، ویژگی‌های بافتار آموزش پزشکی مانند مرحله آموزش بالینی، حرفه و محیط آموزشی بسیار مشخص، در آموزش علوم دیگر مانند حیطه‌های فناوری، مهندسی، ریاضیات وجود ندارد، بر اساس جستجوهای ما در حال حاضر پرسشنامه (MSMQ) (Meta- motivational Strategies in Medical Students Questionnaire) ابزاری است که توسط نوروزی و همکاران (۲۰۲۱) جهت اندازه‌گیری استراتژی‌های فرا انگیزشی متناسب با بافتار رشته‌ی پزشکی در ایران و به زبان فارسی تدوین و ساخته شده است. نوروزی و همکاران در مطالعه خود تاکید داشتند که جهت استفاده از این ابزار در مطالعات آتی، می‌توان با انجام تحلیل عاملی تاییدی، آن را در سایر بافتارهای آموزش پزشکی مورد استفاده قرار داد. استراتژی‌های شناسایی شده در مطالعه نوروزی و همکاران (۲۰۲۱) عبارت بودند از: تنظیم ارزش (۵ گویه)، تنظیم علاقه موقعیتی (۴ گویه)، تنظیم رابطه‌مندی (۴ گویه)، خود وعده‌دهی (۳ گویه)، ساماندهی محیطی (۵ گویه)، آگاهی موقعیتی پیشروانه (۴ گویه) و آگاهی موقعیتی پیشگیرانه (۳ گویه)، آلفای کرونباخ پرسشنامه MSMQ در مطالعه نوروزی و همکاران ۰/۸۹، ICC = 0.76_0.87 و $CVI > 0.79$ بود و نیز در تحلیل عاملی اکتشافی با هفت زیرمقیاس ۵ / ۶۷ درصد از واریانس تبیین شد، دانشجویان هوشبری به دلیل مواجه شدن با چالش‌های خاص

تحصیلی مثل محیط بالینی پرتنش و اضطراب از این استراتژی‌ها استفاده می‌کنند تا انگیزش خود را حفظ و آن را ارتقا دهند، مطالعه حاضر با هدف روانسنجی پرسشنامه MSMQ برای سنجش استراتژی‌های فرا انگیزشی در دانشجویان هوشبری انجام شد.

مواد و روش‌ها:

در یک مطالعه مقطعی ۳۵۸ نفر از دانشجویان رشته هوشبری به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، جامعه پژوهشی شامل دانشجویان هوشبری کشور ایران بود، این دانشجویان در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ یکی از دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور ایران مشغول به تحصیل بودند و حداقل یک ترم را گذرانده و فاز بالین (دانشجویان هوشبری معمولاً از ترم دوم وارد فاز بالینی می‌شوند) را تجربه کرده بودند. و پرسشنامه MSMQ جهت تکمیل در اختیار آنها قرار گرفت، این پرسشنامه شامل هفت خرده مقیاس و ۲۸ گویه بود، برای بررسی شواهد روایی آن به روش‌های روایی صوری و محتوایی و پایایی آن به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) تعیین شد، جهت بررسی روایی ساختاری از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

یافته‌ها:

در بررسی تحلیل عاملی تأییدی، بار عاملی تمام گویه‌ها بیشتر از ۰/۴ گزارش شد و ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۹۲ بود.

بحث و نتیجه‌گیری:

شواهد معتبری از روایی و پایایی ابزار تنظیم انگیزش در بافتار هوشبری یافت شد، ابزار حاصل همانند ابزار MSMQ دارای هفت خرده مقیاس تنظیم رابطه مندی، تنظیم ارزش، سازماندهی محیطی، آگاهی موقعیتی پیشروانه، خود وعده دهی، آگاهی موقعیتی پیشگیرانه، تنظیم علاقه موقعیتی می‌باشد و این مطالعه نشان داد که دانشجویان هوشبری و پزشکی از استراتژی‌های مشابهی برای تنظیم انگیزش خویش استفاده می‌کنند، و می‌توان این ابزار را در جامعه دانشجویان هوشبری ایران استفاده کرد و با استفاده از آن استراتژی‌های ضعیف خودتنظیمی انگیزش را در دانشجویان هوشبری شناسایی کرد و با توجه به اهمیت استراتژی‌های تنظیم انگیزشی و ارتباط مثبت این استراتژی‌ها با متغیرهای شناختی، فراشناختی و پیشرفت تحصیلی، این استراتژی‌ها را در دانشجویان هوشبری تقویت کرد.

کلمات کلیدی: استراتژی‌های فرا انگیزشی، تنظیم انگیزش، دانشجویان هوشبری

کاربرد گروه‌های بالینت در بهبود روابط پزشک و بیمار در میان دستیاران

روان‌پزشکی در سال ۱۴۰۱

نجمه شاهینی^۱، منصوره کیانی دهکردی^۲، فاطمه سادات باطنی^۲، فاطمه بابایی^۲، شکیب‌ا غلامزاد^۳، نگار

یوسف زاده^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گلستان، ایران

۲. دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: نجمه شاهینی

مقدمه:

شرایط دشوار و فشارهای هیجانی که وابسته به ماهیت شغلی دستیاران پزشکی است، منجر به فرسودگی شغلی، خستگی و گاهی پشیمانی از پزشک شدن، ناتوانی در ایجاد ارتباطی همدلانه با بیمار می‌شود. یکی از مداخلات موثر در کاهش استرس و علائم فرسودگی شغلی و افزایش رضایت شغلی پزشکان، مشارکت در گروه بالینت است. محور اصلی گروه بالینت، گفتگو در مورد تجربی است که پزشکان در رابطه با بیمارانی که در ذهنشان مانده است، داشته‌اند. گروه‌های بالینت به‌طور کلی می‌توانند نقش ویژه‌ای در آموزش پزشکی و به‌طور اختصاصی در آموزش دستیاران روان‌پزشکی داشته باشند. در مطالعه‌ای که توسط پارکر و لگت در سال ۲۰۱۲ تحت عنوان "آموزش مواجهه بالینی در روان‌پزشکی: آزمایش گروه‌های بالینت برای دستیاران پزشکی" انجام شد، نتایج نشان دادند که گروه‌های بالینت درک جنبه‌های ارتباطی دستیاران با بیماران روان‌پزشکی را تسهیل می‌کنند. با توجه به اثربخشی گروه‌های بالینت در مرور مطالعات، ضرورت دارد که اثربخشی گروه‌های بالینت بر روابط پزشک-بیمار مورد بررسی بیشتری قرار بگیرد. هدف این طرح توسعه‌ای، طراحی، اجرا و ارزشیابی کاربرد گروه‌های بالینت در بهبود روابط پزشک و بیمار در میان دستیاران سال یک روان‌پزشکی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی است.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه یک مطالعه پره تست - پست تست بود که در سال ۱۴۰۱ اجرا شد. فراخوان اجرای کارگروهی بالینت از طریق گروه آموزش روان‌پزشکی به دستیاران سال یک دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی اطلاع رسانی شد و از آن‌ها دعوت شد که در یک جلسه مصاحبه حضور پیدا کنند. در جلسه‌ی مصاحبه، معیارهای ورود و خروج به مطالعه بررسی شد. ملزومات شرکت در گروه‌های بالینت به‌صورت آنلاین از جمله داشتن اینترنت قوی و توانایی کار با برنامه‌های ارتباطی گروهی همچنین ملاحظات اخلاقی

از جمله توانایی رازداری و حفظ اطلاعات داخل گروه و عدم تعریف آن برای افراد خارج از گروه، بررسی شد. ۱۲ جلسه کارگروهی به مدت ۶ ماه برای گروه رزیدنت‌های روان‌پزشکی سال یک برگزار شد. رهبر گروه پیش از این، بارها گروه‌های بالینت را در گروه‌های مختلف کادر درمان رهبری کردند. به دلیل شرایط بحران کووید-۱۹ به طور مجازی در برنامه اسکایپ تشکیل شد. قبل و بعد از جلسات کار گروهی بالینت، اعضا پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه‌ی همدلی پزشک جفرسون و پرسشنامه ارتباط با بیمار را تکمیل کردند. در ادامه، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ استفاده شد.

نتایج:

میانگین (انحراف معیار) سن شرکت‌کنندگان در پژوهش ۳۰/۷۰ (۴/۵۴) سال بود. هشت نفر از شرکت‌کنندگان زن، ۸ نفر از آنان متأهل و همه آنان دستیار تخصصی سال اول رشته روانپزشکی بودند. محل کار همه آنان دانشگاه بوده و ۷۰ درصد علاقه زیاد به رشته خود و ۳۰ درصد علاقه متوسط به رشته خود داشتند. مقایسه‌های درون گروهی با استفاده از آزمون تی زوجی نشان داد که نمرات شرکت‌کنندگان بعد از مداخله در مقایسه با قبل، از لحاظ مهارت‌های ارتباط کلامی ($t = -۶/۲۶$ ، $P < 0.001$)، مهارت‌های ارتباط غیرکلامی ($t = -۹/۷۶$ ، $P < 0.001$) و مهارت‌های ارتباطی کل ($t = -۵/۷۲$ ، $P < 0.001$) به صورت معنی‌داری افزایش یافته است و همچنین نتایج نشان داد که نمرات شرکت‌کنندگان در مقیاس همدلی بعد از مداخله در مقایسه با قبل از مداخله، به صورت معنی‌داری افزایش یافته است ($t = -۱۰/۶۷$ ، $P < 0.001$).

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطالعه حاضر نشان داد مشارکت در کارگروهی بالینت می‌تواند تاثیر معناداری بر مهارت‌های ارتباطی و میزان همدلی دستیاران روانپزشکی داشته است که نتایج مطالعه حاضر با مطالعه پارکر و لگت در سال ۲۰۱۲ تحت عنوان "آموزش مواجهه بالینی در روان‌پزشکی: آزمایش گروه‌های بالینت برای دستیاران پزشکی" همسو بوده و اثربخشی گروه کارگروهی بالینت بر این گروه را تایید می‌نماید. همچنین نتایج این مطالعه با مطالعه ایراگنس و همکاران با عنوان: "آموزش‌های مناسب بر اساس گروه‌های بالینت می‌تواند توانایی‌های همدلانه دانشجویان پزشکی را بهبود بخشد: یک مطالعه مقدماتی" و پژوهش جاجرا با عنوان "آیا گروه‌های بالینت می‌توانند شکاف در برنامه‌های درسی پزشکی را پر کنند؟" همسو بوده و نشان می‌دهد گنجانیدن گروه بالینت در برنامه آموزشی و برنامه درسی دستیاران روان‌پزشکی در ایران می‌تواند مفید باشد.

کلمات کلیدی: بالینت، همدلی، ارتباط پزشک و بیمار، کارگروهی

اندازه گیری استراتژی‌های خودتنظیمی انگیزه تحصیلی در فراگیران دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان

حسن رحمانی^۱، فخرالسادات میرحسینی^۱، علی نوروزی^۱، اکرم یزدانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

نویسنده مسئول: فخرالسادات میرحسینی

مقدمه:

انگیزه برای یادگیری ضروری است. فراگیر نه تنها باید انگیزه کافی برای شروع یادگیری داشته باشند، بلکه باید بتوانند انگیزه خود را در طولانی مدت حفظ کنند. به دلیل ماهیت انعطاف‌پذیر و پویای انگیزه در طول زمان، مشکل حفظ انگیزه در واقع یک وظیفه خودتنظیمی حیاتی است. این پژوهش با هدف روانسنجی ابزار و اندازه گیری استراتژی‌های خود تنظیمی انگیزه تحصیلی در فراگیران دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام گرفت.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش، یک مطالعه از نوع روانسنجی ابزار است. نسخه تغییر یافته پرسشنامه در تحقیق نوروزی و همکاران (۲۰۱۱) در رشته پزشکی استفاده گردید. نسبت روایی محتوا بر اساس روش لاوشه و شاخص روایی محتوایی بر اساس روش والتز و باسل بررسی شد. پرسشنامه در بین ۱۷۴ نفر از دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان توزیع گردید. برای پی بردن به پایایی پرسشنامه و سازگاری درونی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای تعیین روایی ساختاری ابزار اندازه گیری نیز روش تحلیل عاملی تأییدی به کار گرفته شد.

نتایج:

تمام پرسش‌های پرسشنامه دارای نمره نسبت روایی محتوایی بالاتر از حد پذیرش بودند و به طور کامل پذیرفته شدند. شاخص روایی محتوایی برای تمامی پرسش‌ها بالاتر از نمره مورد قبول ۰/۷۹ و متوسط شاخص روایی محتوایی برابر با ۰/۹۳ بود. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه معادل ۰/۹۵۶ و شاخص همبستگی درون خوشه‌ای برابر ۰/۹۹۳ به دست آمد. تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که ابزارهای مذکور از شاخص‌های نیکویی برازش مناسبی برخوردار هستند. نتایج اندازه گیری استراتژی‌های تنظیم انگیزه دانشجویان بهداشت نشان داد که اغلب دانشجویان از استراتژی‌های پیش‌بینی شده استفاده می‌کنند.

بحث و نتیجه گیری:

ابزار ۳۳ سؤالی استراتژی های تنظیم انگیزه روانسنجی شده در حوزه آموزش بهداشت، واجد شواهد پایایی و روایی مناسبی است و می توان از این نسخه در پژوهش های آتی در حوزه آموزش بهداشت استفاده نمود.

کلمات کلیدی: استراتژی خود تنظیمی انگیزه، روایی، پایایی، روانسنجی



بررسی تاثیر آموزش راند مجازی موارد بالینی کووید-۱۹ بر دیدگاه دانشجویان پزشکی مقطع کارآموزی داخلی نسبت به استفاده از استدلال بالینی در مواجهه با بیماران کووید-۱۹ در بیمارستان شریعتی

آناهیتا صادقی مرشت^۱، علی علی عسگری^۱، فرزاد فاتحی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: آناهیتا صادقی مرشت

مقدمه:

آموزش استدلال بالینی عمدتاً بر بالین بیمار و بصورت حضوری انجام شده و شواهد آموزش مجازی استدلال بالینی محدود هستند. با توجه به بروز پاندمی کووید-۱۹ و فقدان مطالعات و شواهد علمی کافی در این حوزه بر آن شدیم تا تأثیر آموزش راند مجازی موارد بالینی کووید-۱۹ بر تفکر تشخیصی و حالات فرا شناخت دانشجویان پزشکی مقطع کارآموزی ارزیابی شود.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه مداخله ای از نوع شبه تجربی تک گروهی با پیش و پس آزمون انجام شد. در این مطالعه اثرات مداخله آموزشی استدلال بالینی با روش برگزاری راندهای بالینی مجازی توسط پرسشنامه تفکر تشخیصی در دو زیرگروه انعطاف پذیری تفکر و ساختار حافظه و پرسش نامه حالات فراشناخت در کارآموزان چرخش داخلی بیمارستان شریعتی در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ ارزیابی شد. همچنین به منظور بررسی رضایتمندی دانشجویان شرکت کننده در دوره، پرسشنامه نظر سنجی از فراگیران پس از انجام مداخله توزیع و جمع آوری شد.

نتایج:

از ۳۱ کارآموز شرکت کننده در این مطالعه، ۱۷ نفر زن (۵۴/۸ درصد) بودند. متوسط امتیاز DTI در زیرگروه ساختار حافظه پیش از مداخله ۶۵/۵ (انحراف معیار ۹/۲) بود که پس از مداخله به ۵۷/۶ (انحراف معیار ۱۰/۵) رسید. تفاوت میانگین این امتیاز پیش و پس از مداخله بر اساس آزمون paired t-test معنی دار بود و متوسط امتیاز DTI در زیرگروه انعطاف پذیری تفکر پیش از مداخله ۶۷/۸ (انحراف معیار ۹/۴) بود که پس از مداخله به ۶۷/۲ (انحراف معیار ۷/۹) رسید که تفاوت معنی داری را نشان نداد. مقایسه امتیاز پیش و پس از مداخله در هر چهار محور پرسشنامه حالات فراشناخت (آگاهی، برنامه ریزی، نظارت و بازیابی خویشتن، راهبرد شناختی) معنی دار بود. اندازه اثر تفاوت بین نمرات قبل و بعد پرسشنامه حالات فراشناخت با Cohen's d محاسبه شد و برابر با ۰/۸ بود که به عنوان با اندازه اثر بزرگ در نظر گرفته می شود.

بحث و نتیجه گیری:

این مطالعه نشان داد که مداخله آموزش استدلال بالینی از طریق برگزاری راندهای مجازی کووید ۱۹ به دانشجویان پزشکی مقطع کارآموزی می تواند تاثیر بسزایی در بهبود حالات فراشناخت در محورهای مختلف آگاهی، برنامه ریزی، نظارت و بازیابی خویشتن و راهبرد شناختی دانشجویان در مواجهه با موارد بالینی کووید-۱۹ ایجاد کند. این نتایج می تواند به برنامه ریزان آموزشی برای طراحی و پیاده سازی برنامه های مرتبط با تقویت مهارت تفکر و فراشناخت دانشجویان پزشکی در آموزش های بالینی کمک کننده باشد. با توجه به نتایج حاصل در بخش ارزیابی تفکر تشخیصی دانشجویان شرکت کننده در این مطالعه و با در نظر گرفتن این موضوع که طول دوره آموزشی در این مطالعه کوتاه بوده و فرایند کسب و سنجش توانمندی استدلال بالینی و تفکر تشخیصی دانشجویان پزشکی نیازمند تقویت در طی دوره تحصیل و به صورت مستمر است، پیشنهاد می شود در مطالعات آتی، تاثیر آموزش مهارت های استدلال بالینی و تفکر تشخیصی در مطالعات طولی آموزش و ارزیابی گردد.

کلمات کلیدی: کووید، راند بالینی، مجازی، دانشجویان پزشکی



بررسی تاثیر بازاندیشی بر روی بازخوردهای دریافتی حین آموزش بخیه، بر یادگیری کارآموزان در گروه جراحی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

سید علیرضا سجادی فرا^۱، مرضیه نقوی راوندی^۱، فخرالسادات میرحسینی^۱، مریم علیزاده^۲، سید غلامعباس موسوی^۱، جان ساندرز^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳. Edge Hill University

نویسنده مسئول: مرضیه نقوی راوندی

مقدمه:

بازاندیشی از شیوه های اساسی آموزش است که در افزایش سطح آگاهی و مهارت در موقعیت های بالینی موثر شناخته شده است. نقش استاد در این راستا راهنمایی و ارائه بازخورد مناسب است. بازخورد یکی از اجزا اصلی فرایند بازاندیشی است. هدف از بازاندیشی، گسترش دانش و تقویت مهارت های بالینی، در رویارویی با موقعیت های بالینی مشابه در آینده می باشد. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر بازاندیشی بر روی بازخوردهای دریافتی حین آموزش بخیه بر یادگیری کارآموزان جراحی انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر از نوع شبه تجربی و دو گروهی (مورد و شاهد) با پس آزمون بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام شد. جامعه مورد مطالعه طبق روال معمول توسط دفتر آموزش بیمارستان به دو گروه جراحی عمومی (۳۷ نفر) و اختصاصی (۳۸ نفر) تقسیم شده و وارد بخش های مربوطه می شوند. گروه جراحی عمومی منتخب تصادفی به عنوان گروه مورد، در یک روز معین تحت آموزش ترکیبی بازاندیشی قرار گرفتند؛ سپس در کارگاه بخیه، تحت نظر یک استاد و ۶ اینترن و دستیار جراحی آموزش دیده که از نمونه مورد مطالعه اطلاع نداشتند، شرکت نموده و بازخورد دریافت کردند. اما گروه تخصصی به عنوان گروه شاهد، بدون شرکت در کارگاه آموزش بازاندیشی، فقط در کارگاه بخیه با همان شرایط و امکانات گروه مورد در همان هفته حاضر شده آموزش دیده و همچنین بازخورد دریافت کردند. در کارگاه بخیه واقع در مرکز مهارت های بالینی دانشکده پزشکی هر گروه به منظور آموزش بهتر به گروه های کوچکتر تقسیم شدند. استاد با جابجایی بین گروه ها علاوه بر نظارت کلی بر سیر آموزش هر فرد، بازخوردهای شفاهی و عملی را در حضور همه افراد پیرامون نکات فنی (درست یا غلط) مورد مشاهده در حین بخیه زدن ارائه کردند. گروه مورد موظف بر بازاندیشی بر بازخوردهای دریافتی شده در کارگاه بخیه بودند. آنها نتیجه بازاندیشی را طبق راهنمای ارائه شده در کارگاه بازاندیشی و فورمت در اختیار، یادداشت نموده و بلافاصله پس از کارگاه عملی و حداکثر تا صبح روز بعد تحویل دادند. گزارش مهارت بازاندیشی توسط

ابزار مبتنی بر قضاوت RAR و توسط دو خبره به صورت جداگانه نمره دهی و ضریب همبستگی بین دو داور محاسبه شد و به خاطر همبستگی بالا و معنادار نبودن تفاوت نمره دهی دو داور بر گزارش های بازانديشي ($p>0.05$)، نمره ی مهارت بازانديشي با میانگین نمره دهی دو داور نهایی شد. در پایان توسط دستیار مدرس ها که از گروه مورد مطالعه اطلاع نداشتند و با استفاده از چک لیست تایید شده، آزمون عملی بخیه از هر دو گروه به عمل آمد. آزمون آماری تی برای مقایسه نمرات مهارت عملی گروه مورد و شاهد استفاده شد. **نتایج:**

تعداد گروه مورد که در بخش آموزش و ارزیابی شرکت داشتند ۳۰ نفر و از گروه شاهد ۳۸ نفر در مطالعه شرکت داشتند. تفاوت سن، جنس و معدل پایه در دو گروه معنادار نبود. نمرات بازانديشي بر بازخورد گروه مورد ۴/۴۶ از ۶ بود و میانگین نمره بخیه به ترتیب در گروه مورد و شاهد، ۱۸/۳۲ و ۱۵/۰۳ بود که با $P<0.001$ تفاوت معنادار بود.

بحث و نتیجه گیری:

بازانديشي بر بازخورد توانسته است موجب ارتقاء یادگیری عملی دانشجویان کارآموز پزشکی در خصوص مهارت عملی بخیه شود.

کلمات کلیدی: بازانديشي، بازخورد، آموزش بالینی



بهبود کیفیت یاددهی و یادگیری در دوره دستیاری جراحی با طراحی، اجرا و ارزیابی بازخورد ساختاریافته

سارا شفیعیان^۱، مریم کوهستانی^۱، محمد شفیعی^۱، افسانه امامی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: مریم کوهستانی

مقدمه:

تربیت و آموزش جراحانی حاذق و توانمند از دیر ایام جزء چالش‌های حرفه‌ی جراحی بوده است. در آموزش دستیاران جراحی اگرچه اهمیت دادن بازخورد مدت‌هاست که توسط اساتید گروه جراحی به رسمیت شناخته شده است اما به دلیل ماهیت رشته جراحی ارائه فیدبک آن طور که باید صورت بگیرد عملاً اتفاق نمی‌افتد. هدف از این مطالعه بهبود کیفیت یاددهی و یادگیری در دوره دستیاری جراحی با طراحی، اجرا و ارزیابی بازخورد ساختاریافته می‌باشد.

مواد و روش‌ها:

این طرح در گروه جراحی مرکز آموزشی درمانی افضل‌ی پور (بیمارستان) وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کرمان انجام شد. در این برنامه مهمترین حیطه‌های مربوط به عملکرد آموزشی دستیاران جراحی توسط اساتید گروه جراحی و صاحب‌نظران آموزش پزشکی در قالب یک پروفایل بازخورد ساختار یافته شامل نمرات درون بخشی، گزارش صبحگاهی، برگزاری کنفرانس، بررسی پرونده‌های بخش، اجرای برنامه آموزشی جهت کارورزان و کارآموزان پزشکی؛ ارزیابی دستیاران شامل logbook، DOPS، ارزشیابی انضباطی دستیار تدوین گردید. اجرای آن در قالب ارائه فیدبک‌های لازم برای تقویت نقاط و اصلاح نقاط ضعف دستیاران بر اساس عملکرد آنان در فاصله‌های زمانی سه ماه توسط دو نفر از اساتید گروه و با توافق نظر انجام گردید. برای ارزشیابی از هرم کرک پاتریک استفاده شد. در سطح اول نظرات فراگیران با استفاده از فرم نظرسنجی با ۲۵ سوال بسته و ۲ سوال باز جمع‌آوری شد. و دوم هرم کرک پاتریک استفاده گردید.

نتایج:

در مجموع ۱۸ نفر از دستیاران جراحی دانشگاه علوم پزشکی بازخورد ساختاریافته در چهار مقطع زمانی به فاصله سه ماه دریافت کردند. از این میان تعداد ۱۲ نفر پرسشنامه رضایت‌سنجی مربوطه را تکمیل نمودند و نتایج نشان داد رضایتمندی دانشجویانی از دریافت بازخورد موثر از اساتید گروه جراحی با میانگین ۸۰ درصد در سطح بسیار خوبی بود به طوری‌که به نظر دستیاران بازخورد ساختاریافته در اصلاح عملکرد آن‌ها در ارائه کنفرانس‌ها، تکمیل پرونده‌های دورن بخشی، ارائه گزارش صبحگاهی و عملکرد

انضباطی آنها موثرتر بوده است که نتایج بسیار قابل توجهی بود. از طرفی نیز نتایج آزمون های ارتقاء سالیانه گروهی که برای آنها اجرا شده بود به طور میانگین حداقل ۴ از دانشجویان قبل و دانشجویانی که برای آنها اجرا نشده بود بیشتر شده بود. همچنین یکی از فارغ التحصیلان دستیار جراحی که بازخورد ساختار یافته برای آنها در سال اول اجرا شده بود در آزمون دانشنامه دوره شصت نهم جزء ده درصد برتر این آزمون معرفی شد.

بحث و نتیجه گیری:

ارائه بازخورد علاوه بر شکل روتین آن که در لحظه اتفاق می افتد؛ اگر به شکل مستند، در قالب چارچوب و در قالب نقاط قوت و مواردی که نیاز به اصلاح دارد نیز ارائه گردد در ارتقاء فرایندهای یادگیری دوره دستپاری می تواند موثر باشد. البته نمی توان موانع ارائه بازخورد شامل واکنش به بازخورد، خصوصاً بازخوردهای منفی، عدم داشتن فرصت کافی را نادیده گرفت، در واقع با ارائه بازخوردهای به موقع و کافی هم در نوع اصلاحی و تقویتی در راستای برنامه جامع بازخورد ساختاریافته قابل اجرا خواهد بود. با اجرای این فرایند به دنبال تربیت جراحان پنجه طلا بودیم که با صلاحیت های تکنیکی و غیر تکنیکی لازم و کافی فارغ التحصیل شوند.

کلمات کلیدی: بازخورد، دستیاران، جراحی، یاددهی و یادگیری



چگونه مهارت های ارتباط پزشکی و بیمار را با روش های یادگیری فعال در فضای مجازی آموزش دهیم؟

نرگس صالح^۱، علی لباف^۱، فرزانه شیرانی^۱، نسیم خواجهی راد^۱، نیلوفر رادفر^۱، کمال بصیری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: نرگس صالح

مقدمه:

امروزه شکایات بیماران از خطاهای پزشکی در حال افزایش است و پزشکیانی که با برقراری ارتباط مناسب با بیمار، اطلاعات کافی در اختیار بیمار قرار می دهند و زمان بیشتری برای شنیدن نظرات و عقاید بیماران صرف می کنند، نه تنها رضایت بیمار از ارائه خدمات درمانی را بالا می برند بلکه دعاوی حقوقی کمتری از سوء عملکرد خود در پزشکی قانونی خواهند داشت. امروزه آموزش مهارت های ارتباطی در بسیاری از مراکز آموزشی و دانشگاه ها، در کوریکولوم فراگیران پزشکی گنجانده شده است. هدف از آموزش مهارت های برقراری ارتباط، تربیت پزشکان شایسته ای است که با برقراری ارتباط مناسب با بیمار، گام موثری در کسب اعتماد و رضایت بیماران و در نهایت دستیابی به نتایج مطلوب درمانی بردارند و بدین ترتیب باعث ارتقای سطح سلامت جامعه خود باشند. آموزش مهارت های ارتباطی در سال های پیش بصورت حضوری و کار در گروه کوچک برگزار می گردید. با شروع بحران کووید-۱۹، برنامه ریزان آموزشی بر آن شدند تا از حداکثر توان دانشگاه و دانشکده برای برگزاری این دوره به صورت مجازی بهره گیرند. برنامه مذکور در مردادماه ۱۳۹۹ برای ۱۰۰ نفر از دانشجویان پزشکی فاز مبنای طب بالینی (مقطع فیزیوپاتولوژی) اجرا گردید.

مواد و روش ها:

برای این دوره اهداف دانشی، نگرشی و مهارتی در نظر گرفته شد. به منظور پوشش اهداف دانشی دوره، محتوای کلاس ها در قالب ۱۲ جلسه بصورت مولتی مدیا توسط اساتید ضبط (با ضبط صدای استاد بر روی پاورپوینت) و در سامانه نوید بارگذاری گردید. برای دستیابی به اهداف انگیزشی و بحث پیرامون ضرورت یادگیری این مهارت ها و آیتم های راهنمای کالگری کمبریج، دانشجویان به گروه های ۱۰ الی ۱۲ نفره تقسیم شدند و برای هر گروه محیط بیگ بلو باتن (3B) و اسکای روم در نظر گرفته شد تا دانشجویان طبق برنامه ریزی انجام شده با همراهی استاد مربوطه، به بحث و گفتگو بپردازند. لذا هریک از دانشجویان در ۴ جلسه کلاس بحث گروهی و نمایش فیلم و نقد ارتباط پزشکی و بیمار شرکت کردند. به منظور پوشش اهداف مهارتی جلسات مصاحبه با بیمار استاندارد شده، در فضای اسکایپ برگزار شد. به دلیل شرایط کرونا و عدم دسترسی به بیماران استاندارد شده، این بخش با همکاری کارورزان فعال و علاقمند

دفتر منتورینگ دانشکده، که در دوره های پیشین مهارت های ارتباطی شرکت کرده بودند و تجربه ارتباط با بیمار در محیط بالینی را داشتند، انجام شد. سناریوها و چک لیست های ارزیابی فورماتیو در اختیار ایشان قرار گرفت.

نتایج:

طبق برنامه زمانبندی مشخص دانشجویان در قالب گروه های سه نفره در فضای اسکایپ با یک کارورز آنلاین شدند و در نقش پزشک با بیمار استاندارد شده (کارورز) مصاحبه کردند. در پایان مصاحبه عملکرد آنها توسط کارورز و طبق چک لیست مشخص مورد ارزیابی قرار گرفت و هریک از دانشجویان بازخورد لازم را در خصوص نحوه عملکرد خود دریافت کردند. ارزیابی دانشجو: برای آزمون پایانی، از دانشجویان خواسته شد تا یک فایل ویدیویی از ارتباط با یک بیمارنا با حجم مشخص ضبط و در سامانه نوید بارگذاری نمایند. پس از آن فیلم ها توسط کارشناسان مربوطه آپلود شد و برای ارزیابی و نمره گذاری طبق چک لیست مشخص بین اساتید توزیع گردید ارزشیابی برنامه: به منظور بررسی نقاط قوت و ضعف برنامه، فایل ارزشیابی دوره، طراحی و لینک آن بصورت گوگل فرم در اختیار دانشجویان و اساتید قرار گرفت. همچنین پس از اجرای دوره اساتید در جلسه مجازی نقطه نظرات خود را مطرح کردند.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج ارزشیابی دوره آموزشی نشان داد که در مجموع بیش از ۸۵٪ دانشجویان و اساتید از برگزاری با کیفیت دوره رضایت کامل داشتند و نارضایتی ها عمدتاً در مورد سرعت پایین اینترنت بود. دانشجویان اذعان داشتند که از محتواهای مولتی مدیا تهیه شده بسیار بهره برده اند و در مقاطع بالاتر نیز می توانند از این محتواها استفاده کنند. نتایج آزمون نشان داد که اکثریت دانشجویان مهارت های ارتباط با بیمار را یاد گرفته و در عمل اجرا کرده اند. با توجه به اهمیت آموزش این مهارت ها در رشته های پزشکی و حرف و ابسته، تعطیلی دانشگاه ها و مراکز وابسته ناشی از شیوع کووید-۱۹ و ... همچنین کمبود فضاهای فیزیکی برای برگزاری بحث گروهی و مصاحبه با بیمار استاندارد شده، با استفاده از این تجربه می توان مهارت های را از طریق آنلاین آموزش داد و با ارائه آموزش های فعال، از یادگیری مهارت های ارتباطی اطمینان حاصل کرد.

کلمات کلیدی: مهارت ارتباطی، یادگیری فعال

فرایند تامل بر تجارب بالینی دانشجویان پرستاری در محیط یادگیری بالینی

شهناز کریمی^۱، فریبا حقانی^۲، نیکو یمانی^۲، مجید نجفی کلیانی^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی فسا، فارس، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۳. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

نویسنده مسئول: شهناز کریمی

مقدمه:

تامل بر تجارب بالینی یکی از مؤلفه‌های اصلی فعالیت‌های پرستاری است که می‌تواند سبب رشد فردی حرفه‌ای و ارائه مراقبت پرستاری ایمن‌تر شود. علیرغم پژوهش‌های انجام‌شده، تاکنون فرایند تامل بر تجارب بالینی در دانشجویان پرستاری در محیط بالینی تبیین نشده است. لذا این مطالعه، با هدف تبیین چگونگی فرایند تامل بر تجارب بالینی دانشجویان پرستاری در محیط یادگیری بالینی انجام گرفت.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش یک مطالعه کیفی است که با رویکرد نظریه زمینه‌ای در طی سال ۱۳۹۴-۱۳۹۶ در دانشگاه علوم پزشکی فسا و شیراز به انجام رسید. در ابتدا مشارکت‌کنندگان بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و سپس با توجه به داده‌های به دست آمده و نظریه در حال ظهور، روند نمونه‌گیری به نمونه‌گیری نظری تبدیل شد. در این مطالعه ۲۲ دانشجو و ۳ مربی پرستاری و ۳ مسئول پرستاری مورد مصاحبه قرار گرفتند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد استراوس و کوربین (۱۹۹۸) انجام شد.

نتایج:

یافته‌های این مطالعه در قالب پنج طبقه اصلی شامل «بستر بالینی چالش برانگیز»، «دوگانگی جو سازمانی»، «محرک‌های انگیزشی»، «خودمدیریتی تأمل محور» و «رشد فردی حرفه‌ای» پدیدار شد. طبقه مرکزی این مطالعه «توجه متمرکز و تحلیل‌گر نسبت به مسائل بالینی» در مقابل دغدغه اصلی آن‌ها یعنی بستر بالینی چالش برانگیز بود که همه طبقات دیگر به آن مربوط بودند و در تمامی مراحل فرایند تامل بر تجارب بالینی این مفهوم مکرراً ظاهر می‌شد.

بحث و نتیجه‌گیری:

فرایند تامل بر تجارب بالینی دانشجویان پرستاری فرایندی تعاملی و پویا بود. نتایج این مطالعه نشان داد که دانشجویان پرستاری از توانایی توجه متمرکز و تحلیل‌گر برخوردار بودند که به آنان در شناخت موقعیت‌های چالش برانگیز محیط بالینی و ارتقاء مراقبت دانش‌محور کمک می‌کرد. جو سازمانی پویا از قبیل بستر

آموزشی مؤثر، تعاملات اثربخش و شرایط زمینه ای بیمار در افزایش توجه متمرکز و تحلیل گر در مواجهه با مسائل بالینی نقش مهمی داشتند. علاوه بر این، محرک های انگیزشی از قبیل قابلیت های فردی و منابع انگیزشی درونی بر معطوف سازی توجه دانشجویان به مسائل بالینی و ارائه مراقبت مؤثر تأثیرگذار بود. دانشجویان از راهبرد خودمدیریتی تأمل محور که شامل مدیریت ذهنی و مدیریت عملی بود به منظور رفع مشغولیت های ذهنی ناشی از مواجهه با چالش های بالینی استفاده می کردند. پیامد فرایند تأمل بر تجارب بالینی پویایی رشد فردی و حرفه ای بود که در سایه آن با ارائه مراقبت دانش محور، دانشجو به رضایت درونی دست می یافت. تأمل بر تجارب بالینی فرآیندی است که بر اساس جو سازمانی دوگانه و محرک های انگیزشی، دانشجو را در مسیر رشد فردی حرفه ای قرار می دهد؛ بنابراین درک فرایند بازاندیشی دانشجویان در محیط بالینی به مدیران، سیاست گذاران و اساتید پرستاری کمک می کند تا بتوانند با اجرای مداخلات مناسب از قبیل به کارگیری روش های آموزشی فعال و مبتنی بر بازاندیشی، نظارت و ارزشیابی مناسب و تعاملات سازنده به بیدار سازی «توجه متمرکز و تحلیل گر در محیط یادگیری بالینی اقدام نموده، محرک های انگیزشی برانگیزاننده را به رسمیت شناخته و تجارب آنها را در فرایند تأمل بر تجارب بالینی درک نمایند. همچنین در پرورش جو تأمل بر تجارب بالینی به منظور بهبود مراقبت های پرستاری گام بردارند.

کلمات کلیدی: تأمل، تجارب بالینی، پرستاری



استفاده از طرح تدریس اعضای تیم (TMTD) مجازی، برای یادگیری مشارکتی در مقطع علوم پایه پزشکی در دوران همه گیری کرونا: یک مطالعه اقدام پژوهی

مریم عرب فیروزجائی^۱، فرحناز کمالی^۱، الیاس کارگر ابرقوئی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، هرمزگان، ایران

نویسنده مسئول: مریم عرب فیروزجائی

مقدمه:

در دوران پاندمی کرونا، آموزش دوره علوم پایه پزشکی معمولاً از طریق آموزش مجازی به همراه ارائه تکالیف از طریق سامانه‌های الکترونیکی انجام می‌شود. یادگیری از طریق مشارکتی، یکی از روش‌های مناسب آموزشی است. این مطالعه با هدف بهبود تدریس در دوران مجازی با استفاده از روش مشارکتی طرح تدریس اعضای تیم مجازی (V-TMTD: virtual Team Member Teaching Design)، انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش یک مطالعه اقدام پژوهی بود. جامعه‌ی آماری دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان بودند. مشارکت کنندگان این مطالعه، کلیه دانشجویان کلاس درس فیزیولوژی اعصاب و حواس ویژه در دوران همه‌گیری کرونا، در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بودند. در نیمسال اول، تدریس درس فیزیولوژی اعصاب و حواس ویژه از طریق آموزش مجازی به همراه ارائه تکالیف فردی انجام شده بود و در نیمسال دیگر در کنار آموزش مجازی از روش V-TMTD استفاده شد. پیشرفت تحصیلی دانشجویان از طریق مقایسه نمرات پایان ترم این دانشجویان با دانشجویان ترم قبل ارزیابی گردید. میانگین و انحراف معیار نمرات مربوط به هر دو روش آموزش با آزمون t مستقل مقایسه شد.

نتایج:

در گروه‌های مورد مقایسه، اثر روش تدریس V-TMTD بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان نشان داده شد. میانگین و انحراف معیار نمرات دانشجویان روش V-TMTD، $64/15 \pm 2/21$ و در گروه آموزش مجازی به همراه تکالیف $13/90 \pm 0/24$ از نمره ۲۰ بود.

بحث و نتیجه‌گیری:

روش آموزش مجازی به همراه V-TMTD نسبت به روش آموزش مجازی به همراه ارائه تکالیف بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان برتری داشت. با استفاده از روش‌های مشارکت محور در آموزش مجازی می‌توان نقطه‌ی ضعف این نوع آموزش را پوشش داد.

کلمات کلیدی: روش تدریس مجازی، روش تدریس اعضای تیم، یادگیری مشارکتی، دانشجویان پزشکی

ارزیابی نظرات اینترن ها در مورد آموزش تجویز منطقی آنتی بیوتیک به روش آموزش مبتنی بر سناریو از طریق سیستم تصمیم یار همتا

سیده راضیه فرهی^۱، فاطمه رنگرز جدی^۲، منصوره مومن هروی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: منصوره مومن هروی

مقدمه:

آموزش تجویز منطقی آنتی بیوتیک به کارورزان یکی از وظایف اصلی گروه آموزشی عفونی برای تربیت پزشکان عمومی کارآمد به منظور کاهش تجویز بی رویه آنتی بیوتیک و به تبع آن کاهش مقاومت آنتی بیوتیکی به عنوان یکی از مشکلات اصلی بهداشت عمومی جهان است. در این مطالعه نظرات کارورزان پزشکی در مورد آموزش تجویز منطقی آنتی بیوتیک به روش مبتنی بر سناریو از طریق سیستم تصمیم یار همتا مورد بررسی قرار گرفته است.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی- مقطعی در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ با استفاده از نظرات ۲۱۳ اینترن دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام شده است. درس تجویز منطقی آنتی بیوتیک و نسخه نویسی در بیماری های شایع عفونی با روش مبتنی بر سناریو طراحی و با کمک سیستم تصمیم یار همتا برای اینترن های بخش عفونی در ابتدا برای عفونت های تنفسی اجرا گردید. پرسشنامه محقق ساخته پس از بررسی متون با ۱۰ گویه در خصوص سناریوها و محتواهای آموزشی سیستم تهیه شد. چهار نفر از اساتید روایی محتوی پرسشنامه را بررسی و پس از انجام اصلاحات، تایید نمودند. پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ با امتیاز ۰/۸ تایید شد. پرسشنامه تایید شده در سیستم تصمیم یار همتا قرار گرفت و اینترن ها پس از ثبت نام و مطالعه سناریوها فرم نظر سنجی را تکمیل نمودند. گزارش گیری به منظور استخراج نظرات از سیستم همتا انجام شد و داده ها توسط پارامترهای آمار توصیفی و با بکارگیری نرم افزار آماری اکسل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

۲۱۳ اینترن شامل ۱۰۸ زن (۵۱ درصد) و ۱۰۵ مرد (۴۹ درصد) پرسشنامه را تکمیل کردند. نتایج نظرسنجی نشان داد ۹۶ درصد موافق بودند سناریوها واقع بینانه نوشته شده است. ۹۸ درصد سناریو ها را آموزنده دانستند. ۹۶ درصد محتوای آموزشی در خصوص تشخیص بیماری را مفید دانستند. ۹۴ درصد محتوای آموزشی علایم بالینی بیماری و تجویز اقدامات پاراکلینیک را مفید دانستند. ۸۷ درصد محتوای آموزشی

سیستم برای تجویز آنتی بیوتیک را مفید دانستند. ۹۴ درصد سیستم را ابزاری مهم در آموزش حل مسائل بالینی دانسته و ۹۵ درصد موافق بودند که سیستم به عنوان شبیه ساز نقش مهمی در مطالعه و یادگیری گایدلاین های بالینی دارند. همچنین ۹۷ درصد موافق بودند سناریو های آموزشی برای کلیه بیماری های عفونی طراحی و در سیستم قرار داده شود.

بحث و نتیجه گیری:

تقریباً تمام دانشجویان آموزش تجویز آنتی بیوتیک برای بیماری های عفونی از طریق شبیه ساز را به عنوان ابزار نوین یادگیری الکترونیک، خوب ارزیابی نمودند. نتایج مطالعه Willis و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد اکثر دانشجویان پزشکی 70/4 درصد از محتوای آموزشی ارائه شده در شبیه ساز آموزشی رادیولوژی ابراز رضایت کردند. در مطالعه Mousseau و همکاران (۲۰۲۱) حدود ۶۰ درصد از دانشجویان پزشکی ترجیح دادند از ماژول یادگیری الکترونیک برای یادگیری التهاب حاد گوش میانی استفاده کنند. با توجه به نظر موافق اکثر کارورزان، بهتر است برای ادامه این شیوه آموزش و توسعه آن برای کلیه بیماریهای شایع عفونی تلاش گردد.

کلمات کلیدی: تجویز منطقی، آنتی بیوتیک، سیستم تصمیم یار، کارورزان پزشکی، آموزش مبتنی بر سناریو

بررسی تاثیر استفاده از نرم افزار چیدن میزجراحی بر دانش و مهارت بالینی دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل

لیلا ساداتی^۱، صدیقه حنانی^۲، آذر عرب خزاعی^۳، آذین عرب خزاعی^۴، نازنین صراف^۵،
افسانه عسکرخواه^۵

۱. دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۳. دانشگاه علوم پزشکی گناباد، خراسان رضوی، ایران
۴. دانشگاه علوم پزشکی تربت جام، خراسان رضوی، ایران
۵. دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نویسنده مسئول: نازنین صراف

مقدمه:

تحولات و پیشرفت مداوم تکنولوژی و علوم ارتباطات در قرن جدید، منجر به از دست دادن اثربخشی شیوه‌های آموزش و یادگیری سنتی شده است. در این مسیر، توسعه نرم افزارهای آموزشی یکی از راه‌های موثر در آموزش پزشکی نوین و بهبود یادگیری دانشجویان گروه های پزشکی و پیراپزشکی محسوب می-گردد. مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر استفاده از نرم افزار اصول چیدن میز جراحی بر میزان یادگیری و مهارت عملی دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل انجام شده است.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش از نوع نیمه تجربی می باشد که به روش سرشماری بر روی ۵۷ نفر از دانشجویان اتاق عمل با داشتن ویژگی های ورود به مطالعه، انجام شد. دانشجویان به دو گروه مداخله و شاهد تقسیم شدند. قبل از اجرای مداخله، جهت ارزیابی میزان دانش و مهارت عملی دانشجویان از دو گروه دانشجویان پیش آزمون (Pre-test) گرفته شد. سپس، در فرایند مداخله آموزشی، گروه کنترل تحت آموزش رایج قرار گرفت و به دانشجویان گروه مداخله، علاوه بر آموزش روتین نرم افزار آموزشی نیز داده شد. در پایان نیمسال تحصیلی از هر دو گروه پس آزمون (Post-test) گرفته شد. داده های حاصل با استفاده از شاخص های آمار توصیفی و استنباطی آزمون تی زوج، آزمون من ویتنی، در نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که گروه مداخله و شاهد اختلاف معنی داری در هیچ یک از پارامترهای دموگرافیک ندارند ($P > 0/05$). با توجه به نرمال بودن داده ها، مقایسه میزان دانش و مهارت عملی دانشجویان تکنولوژیست اتاق عمل قبل و بعد از مداخله در گروه مداخله و شاهد با استفاده از

آزمون تی زوج نشان داد که میزان دانش و مهارت عملی در گروه مداخله به طور معنی داری افزایش یافته است ($P < 0/001$).

بحث و نتیجه گیری:

نتایج پژوهش حاضر موید آن است که استفاده از شیوه آموزشی با استفاده از نرم افزار کمک آموزشی به عنوان یک روش کمک آموزشی موثر سبب افزایش میزان آگاهی، بهبود مهارت عملی دانشجویان تکنولوژیست اتاق عمل می شود؛ لذا، استفاده از نرم افزار کمک آموزشی به عنوان یک شیوه کمک آموزشی موثر، جهت آموزش دانشجویان واحدهای کارآموزی دانشجویان اتاق عمل توصیه می گردد.

کلمات کلیدی: تکنولوژی، میز جراحی، نرم افزار، اتاق عمل



تأثیر یک برنامه آموزشی بر مهارت های ارتباطی دانشجویان پرستاری بر اساس یک مدل ارتباطی: یک مطالعه نیمه تجربی

مریم صداقتی کسبخی^۱

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

نویسنده مسئول: مریم صداقتی کسبخی

مقدمه:

یادگیری ارتباط درمانی با بیماران از ضروری ترین شایستگی های دانشجویان پرستاری محسوب می شود. بنابراین، این مطالعه با هدف بررسی اثربخشی یک برنامه آموزشی بر مهارت های ارتباطی دانشجویان پرستاری با الهام از مدل کامسکیل انجام شد.

مواد و روش ها:

این پژوهش از نوع نیمه تجربی با طرح پیش آزمون- پس آزمون تک گروهی است. مدل کامسکیل به عنوان یک ماژول آموزش مهارت های ارتباطی معرفی شده، لذا ما آن را به عنوان یک مدل مفهومی در مطالعه خود استفاده کردیم. این مدل مبنایی را برای برنامه های درسی فراهم می کند که در آن آموزش و ارزیابی مهارت های خاص مد نظر هستند. در این مدل از دو نظریه برای تبیین راه هایی که افراد ارتباطات خود را فرموله می کنند، استفاده می شود: نظریه های اهداف، برنامه ها و اقدام و نظریه اجتماعی-زبانی. اهداف به عنوان "موقعیت های آینده چیزهایی که مردم می خواهند به آنها دست یابند یا حفظ کنند" تعریف می شود. برنامه ها ملموس تر از اهداف هستند، آن ها بازنمایی ذهنی از اقدامات مورد نیاز برای رسیدن به هدف هستند. اقدامات حتی ملموس تر هستند زیرا نشان دهنده رفتاری هستند که برنامه ریزی شده است. نظریه اجتماعی-زبانی توضیحی از سبک های ارتباطی ارائه می دهد. بر اساس این نظریه، دو جهت گیری ارتباطی اساسی وجود دارد: رویکرد مبتنی بر موقعیت و رویکرد شخص محور. رویکرد مبتنی بر موقعیت بر یک کد ارتباطی محدود متکی است که از قوانین و هنجارهای یک موقعیت ارتباطی پیروی می کند. در رویکرد شخص محور، فرد، ارتباط خود را در پاسخ به دیدگاه ها، احساسات و مقاصد دیگران تطبیق می دهد. اجزای اصلی مدل کامسکیل عبارتند از: اهداف ارتباطی، استراتژی های ارتباطی، مهارت های ارتباطی، وظایف فرآیندی و ارزیابی های شناختی. برنامه آموزشی اختصاصی برای دانشجویان مقطع کارشناسی در ترم های تحصیلی چهارم تا هشتم توسط کارگاه مجازی ۶ روزه ۱۲ ساعته، دو روز در هفته در ۳ هفته ی متوالی از طریق بستر آنلاین دانشگاه ارائه شد. در جلسات آموزشی در مورد مهارت های ارتباطی مانند مهارت های چک کردن، مهارت های تصمیم گیری مشترک، ایجاد مهارت های چارچوب مشاوره، مهارت های پرسشگری، مهارت های ارتباطی همدلانه و مهارت های

سازماندهی اطلاعات توسط فیلم آموزشی، اسلایدها و تعامل چندوجهی آموزش داده شد. در پایان جلسه سوم، دانشجویان بر اساس ترم تحصیلی به سه گروه تقسیم شدند. هر گروه چهار سناریو در مورد بیماران و ارتباط درمانی دریافت کردند. از دانشجویان خواسته شد تا در طول یک هفته در گروه های مجازی بر اساس آموخته های خود از جلسات کارگاه آموزشی در مورد راه های ارتباط موثر با همکلاسی های خود بحث کنند و نتایج را در جلسه پایانی ارائه کنند. داده ها در سه مقطع زمانی جمع آوری شد. قبل (T1)، بلافاصله (T2) و دو ماه پس از برنامه آموزش (T3). داده ها با دو ابزار برگه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه مهارت های ارتباطی کوئیندام جمع آوری شد. تجزیه و تحلیل های آماری از طریق آنالیز واریانس اندازه-گیری های مکرر یک طرفه انجام شد.

نتایج:

نتایج نشان داد که میانگین کل نمره مهارت های ارتباطی دانشجویان به طور معنی داری از T1 (107/915±7/537) به T3 (121/760±4/914) افزایش یافت (p<0/001). همچنین میانگین کل نمره همه ی ابعاد مربوط به مهارت های ارتباطی (مهارت گوش دادن، توانایی دریافت و ارسال پیام، درک و بینش نسبت به ارتباط، کنترل هیجانی و ابراز وجود در ارتباط) پس از مداخله نسبت به قبل از مداخله به طور معنی داری افزایش یافت (P<0/0001) اما نتایج تفسیر کوهن نشان داد که آموزش مهارت های ارتباطی تأثیر متوسطی بر افزایش کل مهارت ارتباطی و توانایی دریافت و ارسال پیام دارد.

بحث و نتیجه گیری:

طبق نتایج مشخص شد که برنامه آموزش با الهام از مدل کامسکیل در بهبود مهارت های ارتباطی دانشجویان پرستاری موثر است. لذا پیشنهاد می شود این کارگاه در برنامه ریزی درسی دانشجویان پرستاری گنجانده و حداقل دو بار در طول تحصیل برگزار شود.

کلمات کلیدی: آموزش، ارتباطات، دانشجویان پرستاری، مدل کامسکیل

افزایش دانش و عملکرد کارورزان پزشکی از طریق ادغام میکرولرنینگ و آموزش مبتنی بر وظیفه در روتیشن گوش، گلو و بینی

فرزانه صداقت کارا^۱، آیین محمدی^۱، ریتا مجتهدزاده^۱، رقیه گندم کارا^۱، مهتاب ربانی اناری^۱، ساسان دبیری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: آیین محمدی

مقدمه:

ادغام آموزش سنتی و نوین در برنامه‌های جاری آموزشی و اجرای طرح‌های منعطف در آموزش پزشکی، و تداوم آن در دانشگاه‌ها، امری اجتناب ناپذیر است. میکرولرنینگ به عنوان یکی از فرصت‌های تکامل یادگیری توصیف شده است. برای تسهیل میکرو یادگیری لازم است وظایف فراگیران مشخص شود. آموزش مبتنی بر وظیفه، یک استراتژی آموزشی است که بر یادگیری از طریق انجام وظایف تاکید دارد و در محیط آموزش بالینی استفاده می‌شود. هدف این مطالعه بررسی تأثیر ادغام میکرولرنینگ و استراتژی یادگیری مبتنی بر وظیفه، بر دانش و عملکرد کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، در روتیشن گوش، گلو و بینی بود.

مواد و روش‌ها:

۵۹ کارورز پزشکی شامل دو گروه کنترل (تدریس روتین بخش و استراتژی یادگیری مبتنی بر وظیفه) و یک گروه مداخله (میکرولرنینگ ادغام شده با استراتژی یادگیری مبتنی بر وظیفه) در این مطالعه نیمه تجربی شرکت کردند. دانش و عملکرد کارورزان به ترتیب از طریق آزمون پرسش‌های چند گزینه‌ای و آزمون مشاهده مستقیم مهارت‌های عملی (DOPS) مورد سنجش قرار گرفت.

نتایج:

انجام تحلیل کوواریانس نمرات پس‌آزمون دانش در بین سه گروه مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری نشان داد $F=3/423$, $p\text{-value}=0/040$ و گروه مداخله بالاترین امتیاز را کسب کرد. هم چنین تجزیه و تحلیل نتایج DOPS نشان داد که گروه مداخله به طور قابل توجهی نمرات بالاتری را در مقایسه با گروه کنترل برای تمام وظایف مورد انتظار کسب کرده است ($p\text{-values}=0/001$).

بحث و نتیجه‌گیری:

میکرولرنینگ ادغام شده با استراتژی آموزش مبتنی بر وظیفه یک روش آموزش بالینی مؤثر برای افزایش دانش و عملکرد کارورزان پزشکی در محیط کار واقعی است.

کلمات کلیدی: میکرولرنینگ، آموزش وظیفه مدار

شناسایی علل و مداخلات موثر در افت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان

مشروطی در دانشگاه علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی

مریم افشاری^۱، سمیه هاشمی^۱، علیرضا افشاریان^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

۲. مؤسسه آپادانا، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: مریم افشاری

مقدمه:

افت تحصیلی یکی از مشکلات عمده در کیفیت مراکز آموزش عالی کشور محسوب می شود که به دلیل اتلاف وقت و هزینه های جاری و ایجاد مشکلات روانی و اجتماعی برای دانشجویان از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. با توجه به نبود اطلاعات در مورد علل عدم موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه و همچنین عدم آگاهی از مداخلات موثر برای پیشگیری و کاهش این مشکل، لذا این مطالعه کیفی با هدف شناسایی علل و مداخلات موثر در افت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان مشروطی در دانشگاه علوم پزشکی همدان انجام شد.

مواد و روش ها:

این پژوهش یک مطالعه کیفی و با استفاده از رویکرد فنومنولوژی توصیفی بود. جمعیت مطالعه دانشجویان مشروطی دانشگاه علوم پزشکی همدان بودند که از طریق نمونه گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند. مصاحبه با افراد با تمایل آن ها حضورا و به صورت بصورت عمیق صورت گرفت. معیارهای ورود به مطالعه شامل دانشجویان مشروطی دانشگاه علوم پزشکی همدان در نیمسال اول و دوم سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ و تکمیل فرم رضایت نامه کتبی آگاهانه به منظور شرکت در مطالعه بود. زمان انجام هر مصاحبه، حدودا بین ۶۰ تا ۴۵ دقیقه بود. سپس اطلاعات کسب شده از مصاحبه به روش ۷ مرحله ای کلایزری مورد آنالیز قرار گرفت. برای افزایش اعتماد و اعتبار علمی نتایج از روش های لینکلون و گوبا استفاده شد. این مطالعه از کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی همدان با کد اخلاق به شماره UMSHA.REC.1401.077 تصویب شد.

نتایج:

۲۵ دانشجو در این مطالعه شرکت کردند که ۱۴ نفر زن و ۱۱ نفر مرد بودند. تحلیل داده های علل موثر بر افت تحصیلی دانشجویان شامل شش تم اصلی (۱) مشکلات تحصیلی و درسی (با درون مایه های فرعی؛ عدم تمرکز و توجه به درس، بی علاقگی به درس و رشته تحصیلی، عدم ارتباط مناسب بین دانشجو و استاد، تلاش ناکافی)، (۲) مشکلات جسمی و روانی (با درون مایه های فرعی؛ مشکلات عاطفی،

بیماری و کسالت، اخبارهای منفی و توجه به حاشیه ها، درگیری های ذهنی بیهوده و پوچ، افسردگی، عدم انگیزه، سردرگمی، (۳) نگاه به آینده (با درون مایه های فرعی؛ آینده شغلی و درآمد نامناسب، ناامیدی از آینده، واضح نبودن مسیر و هدف زندگی)، (۴) مشکلات مالی (با درون مایه های فرعی؛ عدم ثبات وضعیت اقتصادی، نداشتن پول و کار)، (۵) استفاده از تکنولوژی (با درون مایه های فرعی؛ استفاده و سردرگمی در فضای مجازی، استفاده از بازی های کامپیوتری، تماشای فیلم به صورت افراطی) و (۶) مشکلات خانوادگی و اجتماعی (با درون مایه های فرعی؛ دوستان ناباب، درگیری عاطفی، عدم حمایت خانواده از ادامه تحصیل، شرایط خانوادگی نامطلوب) می باشد. مداخلات موثر بر افت تحصیلی از دید دانشجویان شامل چهار تم اصلی (۱) مداخله تحصیلی و درسی (با درون مایه های فرعی؛ مشوق بودن اساتید، چند مرحله ای بودن ارزشیابی دانشجویان، تلاش کافی و متمرکز، سوق دادن تدریس بر پایه مهارت و نه تئوری، حذف دروس نامرتب از رشته تحصیلی، توجه به امر یاددهی- یادگیری)، (۲) کاهش مشکلات جسمی و روانی (با درون مایه های فرعی؛ گرفتن مشاوره از افراد مجرب و حاذق، انجام ورزش و تغذیه مناسب، داشتن برنامه ریزی و هدف برای آینده، ایجاد انگیزه، شنیدن موثر نیازها و حرف های دانشجو، اطمینان از آینده شغلی)، (۳) کاهش مشکلات خانوادگی و اجتماعی (با درون مایه های فرعی؛ عدم وابستگی سطحی به جنس مخالف، عدم وابستگی سطحی به جنس مخالف، حمایت خانواده و اطرافیان)، (۴) سایر مداخلات (با درون مایه های فرعی؛ کاهش استفاده از گوشی و فضای مجازی، ثبات در شرایط اقتصادی) می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج استفاده از مداخلاتی مناسب در روند کاهش افت تحصیلی در دانشجویان مفید است. مداخلاتی مانند تغذیه مناسب، کاهش استفاده از فضای مجازی و بازی های کامپیوتری، حضور مشاور در دانشگاه و کمک به دانشجویان در مدیریت زمان و برنامه ریزی، ارزشیابی چند مرحله ای متناسب با محتوای دروس برای تعیین سطح علمی دانشجویان می تواند موثر واقع شود.

کلمات کلیدی: افت تحصیلی، دانشجویان مشروطی، دانشگاه

طراحی، اجرا و ارزشیابی فرایند منتورینگ پیش عرصه، گامی بسوی ارتقای یادگیری دانشجویان در حیطة شناختی پیش از ورود به عرصه کارآموزی.

فهیمة عطاریان^۱، هادی علیزاده سیوکی^۱، هاشم حشمتی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: هادی علیزاده سیوکی

مقدمه:

امروزه مراقبت بهداشتی به معنای مواجهه روزانه با چالش های جدید سلامتی است و اگر قرار باشد مراقبین سلامت آینده در محیط های فرارشته ای نوظهور اثربخش باشند؛ نیاز است دانشجویان امروز در سطوح بالایی از یادگیری حیطة شناختی قرار گیرند تا توانمندی لازم را در جهت تحلیل و کاربرد دانش، برای شناسایی نیازهای سلامت در حال تغییر جمعیت و پاسخگویی از طریق برنامه های جاری بهداشتی داشته باشند. بلوم حرکت در سطوح یادگیری حیطة شناختی به سمت کاربرد و تجزیه و تحلیل دانش را، لازمه دستیابی به تغییر نگرش و کسب مهارت می داند. از طرفی سرفصل های دروس تئوری بهداشت عمومی سالیان درازست تغییر نکرده و ممکن است اطلاعات دانشجویان پاسخگوی نیازهای دانشی فعلی سلامت جامعه نباشد و ضروریست پیش از ورود به عرصه کارآموزی و فراگیری مهارت های عملی، دانشجویان تسلط کافی بر برنامه های جاری بهداشتی داشته باشند، از اینرو بکارگیری روش های نوین آموزشی در جهت ارتقای یادگیری در حیطة شناختی و تجزیه و تحلیل و کاربردی شدن دانش، در دانشجویان پیش از ورود به عرصه ضروری بنظر می رسد. بدین منظور "فرایند منتورینگ پیش عرصه" با هدف ارتقای سطح یادگیری دانشجویان در حیطة شناختی پیش از ورود به عرصه کارآموزی طراحی و اجرا گردید.

مواد و روش ها:

در این مطالعه نیمه تجربی، ۴۴ دانشجوی بهداشت عمومی ترم ۶ به روش سرشماری انتخاب و در دو گروه، کنترل (گذشته نگر) و مداخله وارد شدند. گروه مداخله شامل ۲۸ دانشجو بود که در یک دوره ۱۲ هفته ای تحت مداخله بودند. در این دوره، ابتدای هر هفته منتور، دستورالعمل های جاری بهداشتی منطبق بر واحدهای کارآموزی را در گروه مجازی که به همین منظور تشکیل شده بود، بارگزاری و شرکت کنندگان موظف به مطالعه محتوی فوق ظرف مدت ۵ روز و طراحی پنج سؤال از آن بودند. سئوالات طراحی شده در پایان هر هفته برای منتور ارسال و در اتاق مجازی بین دانشجویان به اشتراک گذاشته می شد. در این مداخله، نقش منتور تنها برنامه ریزی و هدایت دانشجویان به مراحل متوالی هفته های مطالعه همزمان بود. درگروه کنترل مطابق روال معمول، دستورالعمل های بهداشتی از طریق وب سایت

دانشگاه در دسترس دانشجویان قرار گرفت و اطلاع رسانی لازم به آنان انجام شد. در پایان همه مشارکت کنندگان در آزمون حضوری کتبی ورود به عرصه کارآموزی شرکت نمودند. سه هفته پس از پایان مداخله منتورینگ، مطالعه کیفی از طریق مصاحبه با هدف ارزیابی کیفیت مداخله از نظر دانشجویان انجام شد. در این مطالعه از روش تحلیل محتوی گرانهایم و لاندمن استفاده شد.

نتایج:

مقایسه کمی، میانگین نمرات آزمون دو گروه مورد مطالعه نشان داد؛ میانگین نمرات گروه مداخله CI 19.20 (18.80, 19.44) 95% و گروه کنترل ۱۶٫۸۶ (15.92, 17.79) CI95% بود و اختلاف معنی داری میان میانگین نمرات دو گروه دیده شد، همچنین بیش از ۹۵٪ دانشجویان گروه مداخله مشارکت فعال در مطالعه همزمان و طراحی سؤال داشتند، بطوری که در پایان دوره، به ازای هر دانشجو ۶۰ سؤال در بانک سئوالات کلاسی توسط منتور گردآوری گردید. در مطالعه کیفی روی ۸ دانشجویی تحت مداخله نیز ۴ درون مایه اصلی شامل: برنامه ریزی منسجم، همراهی و هماهنگی در مطالعه و یادگیری عمیق تر، یادگیری مشارکتی شناسایی شد. بطور مثال دانشجوی شماره ۳ بیان نمود "منتورینگ روش مناسبی برای مطالعه در تابستان بود و موجب آشنایی ما با بوکلت ها و دستورالعمل های بهداشتی شد" وی افزود "همزمانی مطالعه ما را مجبور به خواندن دستورالعمل ها کرد" و "برنامه ریزی مناسبی برای مطالعه همه دانشجویان بود". دانشجوی شماره ۶ اذعان داشت "همزمانی مطالعه ی منابع یکسان با برنامه منسجم باعث ایجاد پرسش و پاسخ در گروه هایمان شد" و " طرح سؤال از منابع مطالعاتی برای یادگیری عمیق تر مناسب بود".

بحث و نتیجه گیری:

منتورینگ پیش عرصه فرایند مناسبی در جهت برنامه ریزی منسجم و هدفمند بود که موجب ارتقای یادگیری در سطوح شناختی در دانشجویان پیش از ورود به عرصه کارآموزی شد. لذا پیشنهاد می شود برنامه ریزان آموزش علوم پزشکی از این روش موثر آموزشی در جهت برنامه ریزی و تقویت دانش کاربردی دانشجویان استفاده نمایند.

کلمات کلیدی: منتورینگ، حیطة شناختی، پیش عرصه.

بررسی عوامل استرس زا و سبک های مقابله با آن در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی البرز

مریم آقا براری^۱، مهسا خدمتی زارع^۲، نسرين مشايخي^۱، شیرین ریاحی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: مریم آقا براری

مقدمه:

استرس، بخش جدایی ناپذیری از زندگی روزانه بشر محسوب می شود. استرس در فرآیند آموزش پرستاری نیز یک موضوع قدیمی و مهم است. شناسایی عوامل استرس زا به همراه تعیین و بکارگیری سبک های مقابله با آن در دانشجویان، نقش مهمی در کنترل استرس و پیامدهای منفی حاصل از آن دارد و می تواند در تربیت پرستارانی شایسته و کارآمد مفید باشد. مطالعه حاضر با هدف شناسایی عوامل استرس زا و سبک های مقابله با آن در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی البرز انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر از نوع توصیفی مقطعی است که در طی نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ در دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی البرز انجام شد. گروه هدف، کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی پرستاری ترم ۳-۸ بودند (۲۰۰ نفر) که به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. معیارهای ورود به مطالعه، شامل گذراندن حداقل یک واحد کارآموزی حضوری و داشتن تجربه حضور در محیط بالین و تمایل به شرکت در مطالعه بود. دانشجویان ترم ۱ و ۲ به دلیل عدم گذراندن دوره حضوری کارآموزی از لیست پژوهش حذف شدند. برای جمع آوری داده ها، متناسب با اهداف مطالعه، از دو پرسشنامه (پرسشنامه بررسی عوامل استرس زا دارای ۳ حیطه: تحصیل در دانشگاه (۱۷ گویه)، محیط های بالینی (۳۳ گویه)، و شخصی-اجتماعی (۱۵ گویه)؛ و پرسشنامه راهبردهای مقابله ای لازاروس و فولکمن دارای دو محور اصلی: راهبرد مقابله ای مساله مدار با چهار زیرمقیاس جستجوی حمایت اجتماعی (۶ گویه)، حل مساله (۶ گویه)، مسئولیت پذیری (۴ گویه)، و ارزیابی مجدد مثبت (۷ گویه)، و راهبرد مقابله ای هیجان مدار با چهار زیرمقیاس رویارویی (۶ گویه)، خویشتن داری (۷ گویه)، گریز و اجتناب (۸ گویه)، و دوری گزینی (۶ گویه))، به همراه اطلاعات دموگرافیک استفاده شد. با توجه به پاندمی کرونا و عدم دسترسی حضوری به واحدهای پژوهش، از نسخه الکترونیکی پرسشنامه استفاده شد. پس از کسب مجوزهای لازم برای انجام پژوهش، در بازه زمانی (تیر تا آبان ماه سال ۱۳۹۹) جمع آوری داده ها از طریق ارسال لینک پرسشنامه الکترونیکی در فضاهای مجازی (شبکه های اجتماعی تلگرام و واتس اپ) مربوط به گروه های دانشجویی

هر دوره، انجام شد. اطلاعات جمع آوری شده توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و آزمون های آماری توصیفی تحلیلی مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

میانگین و انحراف معیار استرس درک شده توسط دانشجویان در حیطه محیط های بالینی ($0.61 \pm$) (۲/۹۱)، حیطه شخصی-اجتماعی (0.73 ± 2.89)، حیطه تحصیل در دانشگاه (0.63 ± 2.75)، و در کل پرسشنامه عوامل استرس زا (0.58 ± 2.85) بود. در محور سبک های مقابله ای مساله مدار، سبک مقابله ای ارزیابی مجدد مثبت (3.43 ± 12.22)، بیشترین میانگین را داشت و بعد از آن به ترتیب سبک های حل مساله (2.7 ± 9.76)، جستجوی حمایت اجتماعی (3.21 ± 9.43)، و مسئولیت پذیری (1.92 ± 6.97)، قرار گرفت. در محور سبک های مقابله ای هیجان مدار، سبک مقابله ای خویشتن داری (2.92 ± 10.83) بیشترین میانگین را داشت، و بعد از آن به ترتیب سبک های گریز و اجتناب (3.67 ± 9.07)، رویارویی (2.98 ± 7.25)، و دوری گزینی (3.00 ± 6.61) گزارش شد. طبق آزمون همبستگی پیرسون، بین نمره کل سبک های مقابله ای و حیطه شخصی-اجتماعی عوامل استرس زا، بین سبک مقابله ای رویارویی و نمره کل عوامل استرس زا، بین سبک مقابله ای رویارویی و حیطه شخصی-اجتماعی عوامل استرس زا و بین سبک مقابله ای گریز و اجتناب و حیطه شخصی-اجتماعی عوامل استرس زا و بین سبک مقابله ای گریز و اجتناب و حیطه شخصی-اجتماعی عوامل استرس زا رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد. ($0.05 > P$) همچنین بین سبک مقابله ای جستجوی حمایت اجتماعی و حیطه محیط های بالینی عوامل استرس زا نیز رابطه مثبت و معناداری بدست آمد. ($0.01 > P$)

بحث و نتیجه گیری:

در مطالعه حاضر بیشترین استرس درک شده توسط دانشجویان به ترتیب مربوط به حیطه محیط های بالینی، شخصی-اجتماعی، و تحصیل در دانشگاه بود. سبک مقابله ای ارزیابی مجدد مثبت به عنوان یکی از راهبردهای مقابله ای مسئله مدار، بیشترین استفاده را در میان دانشجویان داشت. استفاده موثر دانشجویان از استراتژی های کاهش استرس و راهبردهای مقابله ای صحیح، می تواند توانایی حرفه ای آنها را در محیط های آموزشی و بالینی افزایش دهد. از این رو، لازم است مدیران و برنامه ریزان آموزشی، مهارت های مقابله ای موثر از جمله راهبردهای مساله مدار را مورد توجه قرار داده و با برگزاری کارگاه ها و برنامه ریزی جهت مشاوره های دانشجویی در جهت ارتقای سلامت روانی دانشجویان اقدام نمایند، با این امید که دانشجویان بتوانند نقش های حرفه ای خود را در آینده به خوبی ایفا کنند.

کلمات کلیدی: استرس، سبک های مقابله، دانشجویان، پرستاری.

ارزیابی فرسودگی تحصیلی و تعیین گره‌های آن از دیدگاه دستیاران، کارآموزان و کارورزان رشته پزشکی مرکز آموزشی درمانی امام خمینی (ره) ساری

پژمان محمدعلیزاده^۱، مهران رضوی پور^۱، فتانه عمویی^۱، سیاوش مرادی^۱، رقیه ولی پور خواجه غیائی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: مهران رضوی پور

مقدمه:

هم اکنون فرسودگی تحصیلی در دانشگاه‌های علوم پزشکی به عنوان یک معضل اساسی مطرح است، با توجه به نقش پزشکان در تأمین و ارتقای سلامت افراد و تأثیر تربیت پزشکان با انگیزه تر و در نتیجه کارآمدتر در ارتقای سلامت جامعه مطالعه حاضر به ارزیابی فرسودگی تحصیلی و تعیین گره‌های آن در بین دستیاران، کارآموزان و کارورزان رشته پزشکی می پردازد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش به روش ترکیبی با دو گام کمی و کیفی انجام شد. برای این منظور ابتدا شدت و اثر فرسودگی تحصیلی بررسی شد. روش مطالعه در این مرحله توصیفی تحلیلی بود. جامعه آماری شامل تمامی دستیاران، کارورزان و کارآموزان رشته پزشکی در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به تعداد ۲۲۳ نفر بود که بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۱۱۰ نفر در این مطالعه مشارکت داشتند. جهت اندازه‌گیری فرسودگی تحصیلی دانشجویان از پرسشنامه استاندارد برسو و همکاران استفاده شد. این پرسشنامه ۱۵ گویه که در مقیاس پنج درجه ای لیکرت درجه بندی شده است. خستگی تحصیلی ۵ گویه، بی‌علاقگی تحصیلی ۴ گویه و ناکارآمدی تحصیلی ۶ گویه دارد. پایایی پرسشنامه را برسو و همکاران بر اساس خرده مقیاس‌ها، ۰/۷۰ برای خستگی تحصیلی، ۰/۸۲ برای بی‌علاقگی تحصیلی و ۰/۷۵ برای ناکارآمدی تحصیلی گزارش کرده‌اند. برای تحلیل داده‌های این پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس استفاده شد. سپس مطالعه وارد فاز دوم و کیفی شده و ضمن انجام مصاحبه با صاحب‌نظران، به شناسایی تعیین‌گره‌های فرسودگی تحصیلی پرداخت. جامعه آماری این مطالعه دستیاران، کارورزان رشته پزشکی بود. در این مطالعه، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد، نمونه‌گیری پژوهش حاضر با دستیاران و کاروران تا اشباع نظری ادامه یافت. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده گردید. جهت تحلیل داده‌های کیفی، از روش تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها استفاده شد. در این مطالعه برای صحت و استحکام داده‌های کیفی از چهار معیار پیشنهادی گوبا و لینکلن؛ اعتبار، قابلیت اطمینان، قابلیت تأیید، قابلیت انتقال استفاده شد.

نتایج:

در این مطالعه ۱۱۰ فراگیر شرکت کردند که ۳۶/۴ درصد مذکر و ۶۳/۶ درصد مونث بودند. از لحاظ مقطع تحصیلی ۵۸/۳ درصد کارآموز، ۲۸/۷ درصد کارورز و ۱۳ درصد دستیار بودند. نتایج نشان داد که فرسودگی متوسط به بالا به گونه‌ای معنی‌دار از مقطع کارآموزی به کارورزی افزایش می‌یابد و این موضوع در دوره دستیاری هم مصداق دارد. بین جنسیت فراگیران و سطح فرسودگی ارتباط معنی‌دار آماری وجود ندارد. مولفه‌های فرسودگی تحصیلی یعنی خستگی هیجانی، بی‌علاقگی و ناکارآمدی درسی به ترتیب از میانگین (انحراف معیار) ۱۵/۳۷ (۹/۳۷)، ۱۱/۲۱ (۴/۴۷) و ۱۴/۸۹ (۳/۸۴) برخوردار بودند و شواهدی دال بر بالاتر بودن خستگی هیجانی و بی‌علاقگی در دوره کارورزی نسبت به کارآموزی وجود دارد اگرچه تفاوت محسوسی با دوره دستیاری در این دو مولفه دیده نمی‌شود. نتایج بخش کیفی نشان داد مهمترین تعیین‌گرهای فرسودگی تحصیلی در ۴ مقوله موقعیتی، شخصی، حرفه‌ای و رفتار اساتید بالینی تقسیم‌بندی می‌شود. نتایج مطالعه نشان داد که استرس شغلی، ساعت کار طولانی، حجم کاری بالا، فشار زمانی، وظایف شغلی متعدد، سرعت کار، انباشته شدن کارها، مسئولیت اداری بیش از حد، بیماران دشوار، اختیار تصمیم‌گیری پایین و کنترل کم بر کار مهمترین عوامل در مقوله موقعیتی فرسودگی تحصیلی می‌باشند. در مقوله شخصی فرسودگی تحصیلی؛ عدم تعادل بین کار و خانواده، پاداش کم، مسائل مالی، کمبود خواب، تعهدات خانوادگی و انزوا قرار دارند. در مقوله حرفه‌ای فرسودگی تحصیلی؛ مهمترین عوامل؛ استرس بیمار، تصمیم‌گیری سریع در تشخیص، موقعیت مکرر مواجهه با مرگ، افزایش سال‌های تحصیل، حجم زیاد اطلاعات حرفه‌ای، موقعیت‌های اورژانسی طاقت فرسا، نظارت بر کارورزان و دستیاران سال پایین بوده است. در مقوله رفتار اساتید بالینی فرسودگی تحصیلی؛ رفتار تند اساتید بالینی، حضور کم اساتید بالینی، نظارت کم اساتید بالینی، حمایت ناکافی اساتید و بازخورد ناکافی به دانشجویان قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری:

فرسودگی تحصیلی از مقطع کارآموزی به کارورزی و دستیاری رو به افزایش است، بین جنسیت و فرسودگی تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد و فرسودگی تحصیلی مقطع کارورزی نسبت به کارآموزی و دستیاری بیشتر گزارش شده است. عوامل موقعیتی، شخصی، حرفه‌ای و رفتار اساتید بالینی از مهمترین تعیین‌گرهای فرسودگی تحصیلی بود. شناسایی انگیزه تحصیلی، عوامل موثر در آن و تاثیر آن در فرایند یاددهی یادگیری دانشجویان به اساتید کمک خواهد کرد تا در برنامه ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی خود روش‌های بهتری را بکار گیرند.

کلمات کلیدی: فرسودگی تحصیلی، کارآموزان، کارورزان، دستیاران

بررسی تاثیر آموزش استراتژی‌های تنظیم انگیزش تحصیلی بر مؤلفه‌های انگیزشی دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی زنجان

علی صادقیان^۱، علی نوروزی^۱، مهران محسنی^۱، الهام فقیه زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

نویسنده مسئول: علی صادقیان

مقدمه:

طبق تحقیقات انجام شده اغلب دانشجویان با موانع انگیزشی روبرو هستند و با توجه به تأثیر آشکاری که این موانع می‌تواند بر یادگیری و موفقیت آنها داشته باشد، لازم است که ما درک بهتری از فرایندهایی که دانشجویان برای تنظیم انگیزش خود در هنگام پیگیری اهداف تحصیلی به کار می‌گیرند داشته باشیم. از این رو هدف از مطالعه حاضر بررسی تاثیر آموزش استراتژی‌های تنظیم انگیزش تحصیلی بر مؤلفه‌های انگیزشی دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی زنجان بود.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه که یک مطالعه کارآزمایی نیمه تجربی بود دانشجویان ورودی ۹۸ و ۹۶ به صورت تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند و در هر دو گروه مؤلفه‌های انگیزشی به صورت پیش‌آزمون اندازه‌گیری شد. در مرحله بعد مداخلات آموزشی و برگزاری جلسات آموزشی استراتژی‌های تنظیم انگیزشی برای گروه مداخله انجام شد. مداخله آموزشی به مدت ۳۰ روز ادامه داشت ۴ ماه بعد از اتمام مداخله مجدداً مؤلفه‌های انگیزشی در هر دو گروه مورد اندازه‌گیری واقع شدند. داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS ویرایش ۲۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

میان سن دانشجویان در گروه کنترل و مداخله به ترتیب برابر ۲۴ سال و ۲۴ سال در هر گروه بود که از نظر آماری با هم تفاوت معناداری نداشتند ($P=0/609$). در گروه کنترل و گروه مداخله به ترتیب ۲/۲۹٪ و ۸٪/۲۰٪ از دانشجویان زن بودند ($P=0/505$). میانگین و انحراف معیار نمره استراتژی‌های تنظیم انگیزشی - کل در گروه کنترل در قبل و بعد از مطالعه به ترتیب برابر $0.4/112 \pm 67/18$ و $0.4/109 \pm 0.7/16$ ($P=0/639$) و در گروه مداخله در قبل و بعد از مداخله به ترتیب برابر $0.42/117 \pm 96/18$ و $0.20/137 \pm 54/00$ بود، تفاوت این تغییرات در طول زمان در گروه مداخله به صورت معناداری بالاتر از گروه کنترل بود ($p=0/0001$) میانگین و انحراف معیار نمره مؤلفه‌های انگیزشی - کل در گروه کنترل در قبل و بعد از مطالعه به ترتیب برابر $0.42/83 \pm 60/16$ و $0.54/81 \pm 70/16$ ($P=0/698$) و در گروه مداخله در قبل و بعد از مداخله به ترتیب برابر $0.4/85 \pm 93/11$ و $0.33/104 \pm 57/11$ بود، تفاوت این تغییرات در طول زمان در گروه مداخله به صورت

معناداری بالاتر از گروه کنترل بود ($p=0/0001$) در گروه کنترل مؤلفه های انگیزشی قبل و بعد از انجام مطالعه با هم تفاوت معناداری نداشتند.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطالعه ما نشان دهنده تاثیر مثبت و معنادار آموزش استراتژی های تنظیم انگیزشی بر مؤلفه های انگیزشی دانشجویان داروسازی بود. بنابراین می توان گفت که آموزش استراتژی های خودتنظیمی انگیزشی به دانشجویان می تواند تاثیر مثبتی بر انگیزه آکادمیک آنها بگذارد. لذا پیشنهاد می شود آموزش استراتژی های خودتنظیمی انگیزشی در کوریکولوم دانشجویان رشته داروسازی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: انگیزش تحصیلی، فرا انگیزه، خود تنظیمی، مؤلفه های انگیزشی



بررسی وضعیت مشاوره تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران

سمانه دهقان^۱، سید حسن نیکوکار^۱، علی اصغر نادى قرا^۱، اسرافیل عسگری^۲، راضیه شبانی کردشولی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲. دانشکده علوم پزشکی خوی، آذربایجان غربی، ایران

نویسنده مسئول: سید حسن نیکوکار

مقدمه:

مشاوره صحیح برای ارتقاء کیفیت زندگی و پیشرفت در جامعه به‌ویژه در مراکز آموزشی اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف از این مطالعه، بررسی نظرات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در ارتباط با مشاوره تحصیلی بوده است.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه توصیفی-پیمایشی، نظرات ۲۴۸ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۴۰۰، از طریق پرسشنامه‌ای که روایی و پایایی آن تأیید شده بود، بررسی گردید. داده‌ها از طریق تکمیل پرسشنامه ای مشتمل بر سه بخش ویژگی‌های فردی دانشجویان، نظرات دانشجویان درباره وضعیت موجود مشاوره تحصیلی و وضعیت مطلوب جمع‌آوری شد. آنالیز آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری t و ANOVA، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ انجام شد.

نتایج:

از بین ۲۴۸ نفر شرکت‌کننده، ۱۴۹ نفر زن و ۹۹ نفر مرد بودند. تعداد ۱۵۳ نفر (۶۱/۷ درصد) از دانشجویان اعلام نمودند که از استاد مشاور خود و مشاوره‌های ارائه شده راضی هستند. بیشترین تعداد دانشجویان در رده سنی ۱۸-۲۳ سال (۷۳/۸ درصد) بودند. مقایسه میانگین و انحراف معیار نمره نظرات دانشجویان از وضعیت موجود و مطلوب، برای متغیرهای جنس، سن و مقطع تحصیلی معنادار بود. ($P \leq 0.05$) نتایج تست تعقیبی برای رده سنی در وضعیت موجود و مطلوب به ترتیب نشان داد که رده سنی ۱۸-۲۳ سال در مقایسه با رده سنی بالای ۳۵ سال از نظر آماری با $P = 0.007$ و $P = 0.036$ معنادار بودند. میانگین نمره نظرات دانشجویان در وضعیت موجود و مطلوب به ترتیب $2/76 \pm 0/97$ و $3/80 \pm 0/63$ بود.

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نتایج بدست آمده دانشجویان از وضعیت موجود مشاوره تحصیلی در دانشگاه رضایت چندانی نداشته و در مقابل در ارتباط با وضعیت مطلوب آن که مربوط به اهمیت و نقش سازنده مشاوره و راهنمایی بوده نگرش مثبتی داشته اند. بنظر می‌رسد برای بهبود وضعیت موجود مشاوره باید این مسئله به عنوان موضوعی تخصصی در نظر گرفته شود و ضمن حمایت از اساتید و در عین حال آموزش آنها، ارتباط بین واحد مشاوره دانشگاه و اساتید مشاور تسهیل گردد.

کلمات کلیدی: مشاوره تحصیلی، دانشجویان، استاد مشاور



پدیده قلدری در محیط کار در بین دانشجویان علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی

محمدرضا دین محمدی^۱، مهران تهرخانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

نویسنده مسئول: محمدرضا دین محمدی

مقدمه:

قلدری یکی از معضلات مهم در صنعت مراقبت های بهداشتی به ویژه در بین دانشجویان علوم پزشکی است که با چالش ها و موانع متعددی در کار بالینی خود مواجه هستند. قرارگیری بالینی به دانشجویان این فرصت را می دهد تا مهارت های خود را تحت هدایت اساتید در یک محیط بالینی بیاموزند و توسعه دهند. با این حال، رفتارهای قلدری می تواند بر رشد و یادگیری آنها تأثیر بگذارد و ممکن است باعث تنش و اضطراب قابل توجهی شود. دانشجویان علوم پزشکی در طول کار بالینی خود در برابر رفتارهای قلدری آسیب پذیر هستند. این مطالعه با هدف بررسی پدیده قلدری در بین دانشجویان علوم پزشکی در محیط های بالینی انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، انجام ۱۶ مصاحبه فردی نیمه ساختاریافته و ۶ بحث گروهی متمرکز (FGD) با دانشجویان علوم پزشکی از چهار رشته علوم پزشکی انجام شد. داده ها به مدت ۳ ماه از آبان تا بهمن ۱۳۹۹ جمع آوری شد. مطالعه با تاییدیه کمیته اخلاق پژوهش دانشگاه علوم پزشکی زنجان انجام شد.

نتایج:

در این مطالعه، داده ها از طریق مصاحبه انفرادی با ۱۶ نفر از دانشجویان رشته های مختلف پزشکی (شامل پنج نفر دکتری پزشکی، دو نفر کارشناسی تکنولوژی هوشبری، چهار نفر پرستاری، سه نفر کارشناسی تکنولوژی اتاق عمل و دو نفر مامایی) و شش FGD شامل دو گروه دانشجوی کارشناسی تکنولوژی بیهوشی، سه گروه دانشجوی پرستاری و یک گروه از دانشجویان مامایی جمع آوری شد. تحلیل محتوای کیفی ۱۳۸ کد اولیه را ایجاد کرد. در نهایت، سه طبقه اصلی و ۱۰ زیر طبقه از تجربیات و نظرات شرکت کنندگان شناسایی شد. یافته ها نشان داد که دانشجویان علوم پزشکی در طول دوره آموزش بالینی با چالش های مختلفی از جمله عدم برآورده شدن انتظارات آموزشی بالینی، تجربه خشونت در محیط بالینی و محیط نا ایمن بالینی مواجه بودند.

بحث و نتیجه گیری:

قلدری در محیط های بالینی می تواند تجارب ناخوشایندی برای دانشجویان به همراه داشته باشد. این مطالعه بینش ارزشمندی را در مورد پدیده قلدری در محیط کار در بین دانشجویان علوم پزشکی ارائه می کند و بر اهمیت ارتقای یک جو یادگیری مثبت و حمایتی در محیط های بالینی تاکید می کند. برای پیشگیری از پدیده قلدری، سیاست ها باید دستورالعمل هایی را برای رفتار ارائه کنند و اساتید بالینی برای تشخیص و مدیریت موارد قلدری آموزش ببینند. ایجاد یک محیط آموزشی حمایتی برای دانشجویان علوم پزشکی برای جلوگیری از قلدری و ارتقای موفقیت تحصیلی و توسعه شخصی آنها ضروری است.

کلمات کلیدی: دانشجویان علوم پزشکی، قلدری، محیط کار، تحلیل محتوا، خشونت



شناسایی و اولویت بندی عوامل استرس زای دستیاران رشته زنان و زایمان

علیرضا میرزایی^۱، سپیده جمشیدیان^۱، مینو موحدی^۱، فریبا حقانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: فریبا حقانی

مقدمه:

نظر به تاکید مطالعات بر استرس بالای رزیدنت‌های زنان و زایمان و تاثیرات نامطلوب آن بر عملکرد و کیفیت مراقبت از بیماران، این مطالعه در پی شناسایی و اولویت بندی استرسورهای رزیدنت‌های این رشته در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان است.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه توصیفی-تحلیلی مقطعی، که بر روی ۶۲ دستیار و استاد گروه زنان و زایمان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد؛ با استفاده از یک پرسشنامه ۳۷ آیتمی محقق ساخته خود ایفا به بررسی استرسورهای رزیدنت‌های زنان و زایمان پرداختیم، پرسشنامه، بر اساس مرور متون و نظرات شرکت کنندگان، تهیه شده و روایی و پایایی آن تایید شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری Spss 22 و روش‌های آماری توصیفی و آزمون ناپارامتریک فریدمن، انجام شد.

نتایج:

در این مطالعه ۴۶ نفر (۷۴٪) از افراد مورد مطالعه (۱۶ عضو هیات علمی و ۳۰ رزیدنت) شرکت کرده و میزان استرس‌زا بودن هر یک از استرسورهای مطرح شده در پرسشنامه را برای دستیاران زنان و زایمان تعیین کردند. نتایج نشان داد "بارکاری زیاد"، "ماهیت پر استرس رشته زنان"، "نداشتن فرصت کافی برای کارهای شخصی"، "طولانی بودن مدت هر کشیک"، "نداشتن فرصت برای خواب کافی"، "بار عاطفی ناشی از درد و رنج یا مرگ بیمار" و "مشکلات مالی" را جزء ده اولویت اول عوامل استرس‌زا قرار داده‌اند و علاوه بر اینها، اساتید عوامل "نگرانی از ایجاد آسیب‌های ناخواسته به بیمار در اعمال جراحی"، "انتظارات نامناسب از دستیاران" و "مسئولیت‌های متعدد" و دستیاران عوامل "نبودن فرصت کافی برای درس خواندن"، "حجم زیاد مطالب درسی" و "نامناسب بودن سیستم ارزیابی دستیاران" را در ده اولویت اول عوامل استرس‌زا قرار داده‌اند. بر اساس آزمون فریدمن، تفاوت بین رتبه‌های به دست آمده برای عوامل استرس‌زا بر اساس نظرات شرکت کنندگان در هر دو گروه اساتید و دستیاران معنی‌دار بود (P < 0.001).

بحث و نتیجه گیری:

دستیاری در اکثر رشته های تخصصی پزشکی، دوره ای طاقت فرساست و دستیاران با عوامل تنش زای متعددی روبرو می شوند. از بین استرسور های متعدد در دستیاران رشته زنان و زایمان، استرسورهای مرتبط با ماهیت رشته، استرسورهای مرتبط با کار مراقبت و درمان و استرسورهای مرتبط با آموزش و ارزیابی دستیاران از اولویت بالاتری برخوردار هستند. استرسورهای شناسایی و اولویت بندی شده در این مطالعه می تواند مبنایی برای اقدامات اصلاحی برنامه ریزان و دست اندرکاران دوره های آموزش دستیاری باشد.

کلمات کلیدی: عوامل استرس زا، دستیاران، آموزش دستیاری، اولویت بندی



مقایسه عوامل تنش‌زا در دانشجویان پرستاری و پزشکی در پاندمی کووید ۱۹

فاطمه مقصود^۱، زهرا زنجانی^۱، زهرا هیزمی فیینی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

نویسنده مسئول: زهرا زنجانی

مقدمه:

یکی از احساسات درک شده توسط دانشجویان که نقش مهمی در عملکرد آنها دارد، تنش است. مطالعات نشان می‌دهد ۸۰ تا ۹۰ درصد دانشجویان علوم پزشکی، تنش آموزشی را تجربه نموده‌اند. این دانشجویان علاوه بر استرس‌های محیط آموزشی، در معرض عوامل تنش‌زای محیط بالین نیز قرار دارند. مراقبت از بیماران بدحال و در حال مرگ، مشاهده درد و رنج مردم، ترس از اشتباه در بالین بیمار، برخورد با انواع بیماری‌های خطرناک و واگیر مثل بیماری کووید ۱۹ می‌تواند بر دانشجویان تاثیر گذاشته و باعث استرس شود. تنش زیاد می‌تواند بر یادگیری، موفقیت تحصیلی و عملکرد دانشجویان اثرگذار باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف شناسایی و مقایسه عوامل تنش‌زا در دانشجویان پرستاری و پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در پاندمی کووید ۱۹ انجام شد.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه توصیفی-مقطعی، ۲۸۳ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان (۱۶۸ دانشجوی پرستاری و ۱۱۵ دانشجوی پزشکی) با روش نمونه‌گیری در دسترس مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های اطلاعات دموگرافیک و عوامل تنش‌زای دانشجویان علوم پزشکی (شامل ۲۰ سوال در قالب ۶ بعد عوامل تنش‌زای مرتبط با آکادمیک، فعالیت‌های گروهی، روابط اجتماعی، درون فردی و بین فردی، محرک و میل تحصیلی، آموزش و یادگیری) استفاده شد. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمون‌های آماری تی مستقل، آنالیز واریانس و ضریب همبستگی پیرسون (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵) تجزیه و تحلیل شد.

نتایج:

۵۹/۴٪ افراد شرکت کننده در مطالعه دانشجوی پرستاری و ۴۰/۶٪ دانشجوی پزشکی بودند. یافته‌ها نشان داد دانشجویان پزشکی به صورت معناداری تنش بیشتری تجربه می‌کنند ($t=-2/49, P=0/01$). از میان ابعاد پرسشنامه، دو بعد "عوامل تنش‌زای مرتبط با فعالیت‌های گروهی" و "عوامل تنش‌زای مرتبط با درون و بین فردی" به صورت معناداری میان دو گروه دانشجویان پرستاری و پزشکی متفاوت بود ($t=-2/83, P=0/005$) ($t=-2/06, P=0/04$). بیشترین تنش تجربه شده هم در دانشجویان پرستاری و هم در دانشجویان پزشکی به بعد "عوامل تنش‌زای مرتبط با آکادمیک" تعلق داشت که بالاترین نمره را در هر دو گروه کسب نمود. از میان اطلاعات دموگرافیک مورد بررسی، متغیرهای سن، جنس و ترم تحصیلی

به صورت معناداری بر میزان تنش در دانشجویان پرستاری تاثیرگذار بود. بدین صورت که با افزایش سن و ترم تحصیلی شاهد کاهش عوامل تنش زا بودیم ($P=0.01, r=-0.18$) ($P=0.02, r=-0.17$). همچنین دانشجویان پرستاری دختر به صورت معناداری عوامل تنش زای بیشتری در مقایسه با دانشجویان پرستاری پسر تجربه نمودند. ($P=0.007, t=2.72$)

بحث و نتیجه گیری:

پژوهش حاضر نشان داد دانشجویان پزشکی در زمینه فعالیت های گروهی و ارتباطات فردی با عوامل تنش زای بیشتری در مقایسه با دانشجویان پرستاری مواجه هستند. کشیک های متعدد و پیوسته دانشجویان پزشکی در بیمارستان و برنامه های درسی و کلاسی سنگین می تواند از عوامل تاثیرگذار در این زمینه باشد. به نظر می رسد برگزاری دوره های آموزشی در زمینه فعالیت های گروهی و برقراری ارتباط در محیط کاری و دانشگاهی می تواند در این زمینه موثر باشد. بر اساس یافته ها هر دو گروه دانشجویان پرستاری و پزشکی استرس زیادی در زمینه عوامل مرتبط با آکادمیک (شامل آزمون ها، عقب افتادن از برنامه مطالعه، حجم بالای مطالب و کمبود زمان برای مرور مطالب) تجربه نمودند. شاید آموزش مجازی در دوران همه گیری کرونا و عدم حضور در دانشگاه، مهمترین عامل بروز این مشکل می باشد. لذا لازم است جلسات آموزشی در مورد شیوه مطالعه، مدیریت زمان و برنامه ریزی برای دانشجویان در نظر گرفته شود.

کلمات کلیدی: عوامل تنش زا، دانشجویان، پاندمی کووید ۱۹



وضعیت تندرستی روان و عوامل مرتبط با آن در آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

فاطمه مهرآور^۱، سحر اردلان^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گلستان، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه مهر آور

مقدمه:

با توجه به اینکه دانشجویان، سازندگان فردای کشورمان هستند و دانشگاه نیز به عنوان یکی از محیط های بحرانی جهت یادگیری و افزایش آگاهی علمی آنان از اهمیت والایی برخوردار است، دانشجویان رشته های علوم پزشکی برای اینکه بتوانند نقش خود را به عنوان یک نیروی متخصص به خوبی ایفا کنند و عهده دار تامین، حفظ و ارتقاء سطح سلامت جامعه باشند باید خود از سلامت کاملی برخوردار باشند هدف از این مطالعه تعیین وضعیت تندرستی روان و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان می باشد.

مواد و روش ها:

در این مطالعه مقطعی (توصیفی-تحلیلی)، جامعه مورد مطالعه شامل همه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه شامل پرسشنامه حاوی اطلاعات دموگرافیک (نظیر سن، جنس و...) و پرسشنامه استاندارد ۵ سوالی تندرستی روانی (Five Well-Being Index) سازمان بهداشت جهانی (WHO) می باشد. داده ها در نرم افزار spss نسخه ۲۲ وارد، و تجزیه و تحلیل انجام شد. پس از بررسی نرمال بودن داده ها، جهت بررسی رابطه نمره تندرستی با متغیرهای مستقل کیفی از آزمون تی تست و جهت بررسی رابطه نمره تندرستی دانشجویان با متغیرهای مستقلی که کمی هستند از همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج:

به طور کلی در این مطالعه ۷۰۰ دانشجوی مشغول به تحصیل در دانشکده های پزشکی، پرستاری مامایی، بهداشت، پیراپزشکی و فناوری های نوین شرکت کردند. ۷۹/۶ درصد از شرکت کنندگان زن و بقیه مرد بودند. میانگین سنی در این مطالعه ۲۱/۴ سال با انحراف معیار ۳/۵ بوده است. ۸۹/۳ درصد از شرکت کنندگان مجرد و بقیه متاهل بودند. میانگین نمره تندرستی روانی در بین دانشجویان ۱۸/۵۸ با انحراف معیار ۵/۳۷ بوده است. کمترین نمره ۵ و بیشترین نمره ۳۰ بوده است. بین نمره تندرستی روانی دانشجویان و مقطع تحصیلی دانشجویان ($p=0.04$) و سطح تحصیلات مادران دانشجویان ($p=0.03$) ارتباط آماری معنی داری دیده شد اما سایر عوامل بررسی معنی دار نبودند.

بحث و نتیجه گیری:

یافته های اصلی این مطالعه نشان می دهد که میانگین نمره تندرستی روانی دانشجویان با نمره مطلوب فاصله قابل توجهی دارد بنابراین نیاز است که به مسئله تندرستی روان دانشجویان علوم پزشکی اهمیت ویژه ای داده شود. ما به دانشگاه های علوم پزشکی توصیه می کنیم که سلامت روان یادگیرنده را جزء کلیدی آموزش پزشکی در نظر بگیرند تا یادگیرندگان را به عنوان یک جمع شایسته از متخصصان علمی و متکی به خود پرورش دهند. بنابراین ارزیابی دانشجویان از نظر سلامت جسمی و روانی از اهمیت بالایی برخوردار است تا در صورت وجود اختلالات مرتبط به سلامتی، مداخلات مورد نیاز جهت بهبود سلامتی فراگیران علوم پزشکی انجام گردد.

کلمات کلیدی: تندرستی روان، پزشکی، آموزش



تأثیر آموزش همتایان بر عملکرد دارودرمانی دانشجویان پرستاری در بخش‌های کودکان

مهسا کرمی^۱، یاسمن یعقوبی^۱، فریبا عسگری^۱، سامان معروفی زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نویسنده مسئول: فریبا عسگری

مقدمه:

روش تدریس نقش بسزایی در کارآیی نظام آموزشی دارد. در رشته مبتنی بر عملکرد پرستاری، آموزش بالینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و توسط آن دانشجویان توانایی کسب صلاحیت بالینی را به دست می‌آورند. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش همتایان بر عملکرد دارو درمانی دانشجویان پرستاری در بخش‌های کودکان اجرا شد.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه نیمه تجربی که به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون در نیمسال اول ۱۴۰۱-۱۴۰۲ انجام شد، ۵۶ دانشجوی کارشناسی پرستاری که در واحد درسی کارآموزی پرستاری کودکان ترم هشتم تحصیل می‌نمودند، به شیوه سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. گروه‌های کارآموزی به شیوه تصادفی ساده به دو گروه ۲۸ نفره مداخله و کنترل تقسیم شدند. سپس گروه مداخله توسط همتا که دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری کودکان بود و گروه کنترل توسط مدرس بالینی که عضو هیئت علمی گروه آموزشی پرستاری کودکان بودند، آموزش داده شدند. در دو مرحله قبل از مداخله و بعد از پایان یک واحد کارآموزی، دانشجویان هر دو گروه به‌وسیله پرسشنامه سنجش عملکرد دارودرمانی محقق ساخته و پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک موردبررسی قرار گرفته و نمرات با یکدیگر مقایسه شدند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمون‌های آماری توصیفی، تی مستقل، تی زوجی و کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج:

میانگین نمره کل دارو درمانی قبل از مداخله در گروه همتایان برابر با $5/43 \pm 67/97$ و بعد از مداخله $4/83 \pm 79/28$ و همچنین در گروه کنترل قبل از مداخله $1/89 \pm 66/29$ و بعد از مداخله برابر با $5/43 \pm 75/51$ بوده است. نتایج بیانگر آن است میانگین نمره کل عملکرد دارودرمانی دانشجویان در هر دو گروه در مرحله بعد از مداخله به صورتی معنی‌دار افزایش یافته است ($P > 0.001$). اما تفاوت آماری معنی‌داری بین نمره کل عملکرد دارودرمانی دانشجویان در دو گروه در مرحله بعد از مداخله وجود ندارد. میانگین نمرات حیطه‌های عملکرد دارودرمانی دانشجویان بعد از مداخله بین گروه‌های کنترل و مداخله

نشان داد فقط میانگین نمرات حیطة آماده کردن وسایل بعد از مداخله در گروه آموزش همتایان به صورتی معنی دار (۳/۵۷ واحد) و حیطة همکاری بیمار/همراه بیمار به صورتی معنی دار (۳/۷۴ واحد) بالاتر از گروه کنترل بود.

بحث و نتیجه گیری:

از آموزش توسط همتایان در کنار آموزش رایج، می توان از آن به عنوان یک روش تکمیلی تدریس جهت ارتقای آموزش بالینی پرستاری در واحدهای درسی استفاده نمود.

کلمات کلیدی: آموزش، همتایان، دارودرمانی، پرستاری



آموزش بین حرفه ای ضرورتی برای ارتباط موثر بین حرفه ای

مریم محمدی^۱، اعظم خوشبین^۲، فاطمه کشمیری^۲، عطیه جواهری^۲، راضیه السادات طباطبایی^۲، لیلا اسدی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
 ۲. دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

نویسنده مسئول: مریم محمدی

مقدمه:

آموزش بین حرفه ای نوعی آموزش است که افراد از هم، با هم و درباره همدیگر برای افزایش همکاری و بهبود مراقبت از بیمار یاد می گیرند. بنابراین مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر آموزش بین حرفه ای بر ارتباط موثر در بین دانشجویان مامایی و دستیاران زنان انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه ای حاضر یک مطالعه ی مداخله ای است که در سال ۱۴۰۱ بر روی ۲۶ نفر از دانشجویان ترم ۵ مامایی و رزیدنت زنان سال ۱ و ۲ در بیمارستان شهید صدوقی دانشگاه علوم پزشکی یزد انجام شد. پرسش نامه آمادگی همکاری بین حرفه ای (حیطه ارتباط موثر) بلافاصله و یک ماه پس از مداخله توسط دانشجویان ترم ۵ مامایی و رزیدنت زنان سال ۱ و ۲ تکمیل شد. نهایتاً داده ها کدگذاری و وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ شد و پس از بررسی نرمالیتی داده ها با آزمونهای تی زوجی و چند متغیره مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج:

نتایج حاصل از بررسی داده ها با آزمون تی زوجی نشان داد ارتباط موثر بین حرفه ای قبل از مداخله با بعد از مداخله تفاوت آماری معناداری داشت. ($p=0/001$)

بحث و نتیجه گیری:

نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد آموزش بین حرفه ای بر ارتباط موثر بین حرفه ای فراگیران تاثیر دارد. در نتیجه اثر مثبت آموزش بین حرفه ای در ارتباط موثر، بیانگر فراهم بودن بستر انگیزشی و نگرشی مناسب برای تلفیق آموزش بین حرفه ای در علوم سلامت است. مدیران بایستی جهت تربیت نیروهایی توانمند برای پاسخگویی به نیاز سلامت نسل کنونی و آینده از هم اکنون به فکر طراحی و اجرای آموزش بین حرفه ای در نظام آموزشی در عرصه سلامت باشند.

کلمات کلیدی: آموزش بین حرفه، دانشجویان مامایی، دستیاران زنان

تأثیر آموزش اخلاق پرستاری با نمایش فیلم بر استدلال اخلاقی دانشجویان

پرستاری: یک مطالعه نیمه تجربی

پگاه حسوندا^۱، محسن شهریاری^۱، مریم باقری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: مریم باقری

مقدمه:

دانشجویان پرستاری با ورود به عرصه بالینی با مسائل و موضوعات اخلاقی مواجه می شوند که برای رویارویی با این موقعیت ها، نیازمند توسعه استدلال اخلاقی می باشند. استدلال اخلاقی، توانایی فرد در انتخاب یک راه حل از بین چندین راه حل در برابر یک معضل اخلاقی و ارائه دلایل مناسب است که به عنوان راهنمایی جهت انتخاب بهترین گزینه های ممکن در تأمین نیازهای بیمار است. آموزش اصول اخلاق پرستاری، یکی از مهم ترین عواملی است که منجر به ارتقای عملکرد اخلاقی دانشجویان در عرصه بالینی می گردد. در این راستا، راهبردهای آموزشی ارجح در آموزش اصول اخلاق که زمینه ساز ارتقای استدلال اخلاقی دانشجویان شود، مورد بحث است. مطالعات محدودی به بررسی اثربخشی نمایش فیلم بر پارامترهای اخلاقی دانشجویان و یا مقایسه آن با سایر روش های یادگیری فعال پرداخته است. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش اصول اخلاق پرستاری با نمایش فیلم بر استدلال اخلاقی دانشجویان پرستاری انجام گرفت.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی همراه با پیش آزمون و پس آزمون است که در سال ۱۴۰۱ انجام شد. پس از تأیید کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و کسب اجازه از معاونت پژوهشی و آموزشی دانشکده پرستاری، دانشجویان با هماهنگی معاونت آموزشی دانشکده بر اساس زوج و یا فرد بودن شماره دانشجویی به دو گروه ۴۴ نفره تقسیم شدند. معیار ورود به مطالعه، اخذ واحد درسی «اخلاق پرستاری و ارتباط حرفه ای» توسط دانشجو در نیمسال دوم تحصیلی ۱۴۰۰ و تمایل به شرکت در مطالعه بود. معیارهای خروج شامل عدم تمایل افراد به ادامه شرکت در پژوهش، عدم تکمیل یا تکمیل ناقص پرسشنامه ها و غیبت بیشتر از یک جلسه بود. محتوای آموزشی مبتنی بر چهار اصل "احترام به استقلال، سودرسانی، عدم آسیب رسانی و عدالت" به صورت یادگیری مبتنی بر مورد با نمایش فیلم در گروه آزمون و یادگیری مبتنی بر مورد به صورت متداول در گروه کنترل ارائه گردید. برای سنجش میزان استدلال اخلاقی دانشجویان پرستاری از نسخه فارسی آزمون معضلات اخلاقی پرستاری چریشام (۱۹۸۱) که روایی و پایایی (۰/۸۲) آن در ایران مورد تأیید است، استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ تحلیل شدند.

نتایج:

دانشجویان دو گروه از نظر جنس، میانگین سنی و معدل تفاوت معنادار نداشتند ($p > 0.05$) با حذف اثر نتایج پیش آزمون، تحلیل مقادیر بعد از مداخله با تحلیل واریانس یک متغیره صورت گرفت. پس از اجرای مداخله میانگین نمره کل استدلال اخلاقی گروه نمایش فیلم نسبت به گروه کنترل بیشتر بود، اما این تفاوت معنادار نبود ($p > 0.05$).

بحث و نتیجه گیری:

مطالعات نشان می دهد که نمایش فیلم در آموزش اخلاق منجر به ارتقا مهارتهایی چون حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی می شود و می تواند واکنش های عاطفی، رشد شناختی و تخیل اخلاقی را به همراه داشته باشد اما در مطالعه حاضر اگرچه نمره استدلال اخلاقی در گروه نمایش فیلم نسبت به گروه کنترل بیشتر بود اما این تفاوت معنادار نبود. نظر می رسد که اثرات مثبت بکارگیری نمایش فیلم بر ویژگی مهمی چون استدلال اخلاقی نیازمند بکارگیری آن در دوره های آموزشی با مدت زمان بیشتر باشد.

کلمات کلیدی: آموزش اخلاق، دانشجوی پرستاری، فیلم

طراحی، اجرا و ارزشیابی موشن گرافیک آموزشی آلودگی هوا جهت درس آلاینده‌ها و سلامت دانشجویان پزشکی

نسرین روزبهانی^۱، علی کولیوند^۱، راحله سلطانی^۱، نوشین سجادی^۱، مریم باعزم^۱، محبوبه خورسندی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

نویسنده مسئول: نسرین روزبهانی

مقدمه:

موشن گرافیک یک رسانه ترکیبی است که از محتوای طراحی آموزشی و محتوای رسمی برای ارتباط دادن تصاویر گرافیکی و متحرک استفاده می کند و در جهت برآوردن بهتر اهداف آموزشی استفاده می شود. زمانی یک موشن گرافیک از نظر آموزشی می تواند اثرگذار باشد که قواعد و اصول آموزشی و فنی در تهیه آن رعایت شده باشد. برای یادگیری بهتر از طریق این نوع از محتوا لازم است اصولی برای هدایت توجه، به حرکت درآوردن دانش پیشین، به حداقل رساندن انباشته ذهنی زائد، تقویت انتقال دانش، سازگاری با انگیزش و یادگیری و فعال کردن تفاوت‌های فردی را بکار بست. در آموزش علوم پزشکی این نوع از محتوا می تواند بعنوان مکمل آموزشی و یادآوری نکات مهم، به تصویر درآوردن آنچه که در واقعیت و به صورت فیلم نمایش آن مشکل است و البته دلایل زیاد دیگری استفاده شود. این مطالعه با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی موشن گرافیک آموزشی آلودگی هوا جهت درس آلاینده‌ها و سلامت دانشجویان پزشکی اجرا شد.

مواد و روش‌ها:

این نوآوری آموزشی در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰، در دانشگاه علوم پزشکی اراک، برای دانشجویان پزشکی عمومی (در دوره فیزیوپاتولوژی) در درس آلاینده‌ها و سلامت انجام شد. در ابتدا با استفاده از مدل کرن برنامه آموزشی برای درس آلاینده‌ها و سلامت انجام شد. سپس قسمتی از اهداف آموزشی که بر اساس نظر خبرگان نیاز به محتوای آموزشی موشن گرافیک داشت (آلودگی هوا و تاثیر آن بر سلامت و راه‌های کاهش آن) انتخاب شد. برای موشن گرافیک سناریو نوشته شد و بر اساس اصول فنی تولید موشن گرافیک و اصول تولید محتوای آموزشی، یک موشن گرافیک ۳/۵ دقیقه‌ای همراه شناسنامه آن تهیه شد. سپس بر اساس اهداف و محتوای آموزشی پیش‌آزمون و آزمون نهایی طراحی شد. در یکی از جلسات درس آلاینده‌ها و سلامت، ابتدا از دانشجویان پیش‌آزمون گرفته شد و موشن گرافیک در کلاس نمایش داده شده و در سامانه نوید نیز بارگزاری شد. در پایان دوره این قسمت از آموزش به صورت جداگانه ارزیابی شد و با نمره پیش‌آزمون مقایسه شد. واکنش دانشجویان به این شیوه آموزشی و محتوای آن از طریق پرسشنامه‌ای حاوی ۱۰ سوال با طیف پاسخ کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم بررسی شد و نمره آن در

قالب ۲۰ نمره گزارش شد. همچنین موشن گرافیک تولید شده بر اساس چک لیست نامور و همکاران (۴۷ گویه شامل سه بعد طراحی آموزشی، طراحی گرافیکی و طراحی فنی) توسط ۵ نفر از خبرگان و متخصصین مرتبط ارزیابی (بر اساس طیف خوب، متوسط و ضعیف) شد.

نتایج:

مدت زمان موشن گرافیک طراحی شده، $3/5$ دقیقه بود که برای ۵۰ دانشجوی پزشکی دوره فیزیوپاتولوژی ارائه شد. میانگین نمرات پیش آزمون دانشجویان $14/25 \pm 2/5$ ، پس آزمون $18/5 \pm 0/80$ و واکنش دانشجویان $18 \pm 1/5$ بدست آمد. بر اساس نظر خبرگان و متخصصان طراحی آموزشی موشن گرافیک خوب، و طراحی گرافیک و طراحی فنی متوسط بود.

بحث و نتیجه گیری:

موشن گرافیک طراحی شده بر یادگیری دانشجویان پزشکی موثر بوده و واکنش خوبی ایجاد کرد و همچنین از نظر طراحی آموزشی، گرافیکی و فنی قابل قبول ارزیابی شد.

کلمات کلیدی: موشن گرافیک، طراحی آموزشی، طراحی گرافیک، طراحی فنی، آلودگی هوا

بررسی تاثیر تدریس گروهی در آموزش تریسینگ سفالومتری برای دانشجویان

دانشکده دندانپزشکی زنجان

مصطفی شیخی^۱، مهدیس مستجابی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

نویسنده مسئول: مصطفی شیخی

مقدمه:

آنالیز سفالومتری در ارتودنسی با tracing و تعیین لوکیشن دقیق لندمارک های آناتومیک روی سفالوگرام آغاز می گردد. بنابراین یادآوری مطالب آناتومی سر و صورت در کلاس آموزش تریسینگ ضروری به نظر می رسد. برای یک استاد، خبره بودن در دو رشته و آموزش آن مشکل است. راه حل در این مورد یک کار گروهی توسط اساتید رشته های مختلف مانند مدل team teaching است که در آن دو استاد با تخصص مکمل و با مسوولیت برابر، به فرمت سخنرانی و به نوبت، آموزش به دانشجویان را در یک کلاس مشترک انجام می دهند. تاکنون در ایران در زمینه آموزش در دندانپزشکی از روش team teaching استفاده نشده است. بنابراین هدف ما بررسی تاثیر team teaching در تدریس تریسینگ سفالومتری برای دانشجویان دانشکده دندانپزشکی زنجان در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود.

مواد و روش ها:

این مطالعه با استفاده از مدل آموزشی ADDIE انجام شد. تحلیل: برای بررسی نیازمندی های آموزشی مبحث تریسینگ، نظرات دانشجویان و تجربه آموزشی مجری مد نظر قرار گرفت که بر اساس آن مرور مجدد، سریع و قابل فهم آناتومی جمجمه ضروری به نظر می رسید. شیوه های مختلف تدریس بررسی شد و مدل Team-teaching انتخاب شد. طراحی: امکانات سمعی و بصری، تجهیزات و محیط فیزیکی مناسب و لازم برای اجرای طرح بررسی شد. یک طرح درس را طراحی و زمانبندی سخنرانی ها، وظایف و مسوولیتها مشخص شد. توسعه: برای آموزش آناتومی از نرم افزار 4 Ess. Skleton که در میان سایر نرم افزارها سهولت استفاده بیشتری دارد و نمای مناسبتری از اسکلت بدن را ارائه می کند استفاده شد. اجرا: تدریس با سخنرانی متخصص ارتودنسی شروع شد و تریسینگ (رسم خطوط) قاعده جمجمه روی تصویر سفالوگرامی که توسط ویدئو پرژکتور روی وایت بورد کلاس نمایش داده می شد انجام شد و بلافاصله متخصص رادیولوژی به تشریح استخوان های این ناحیه توسط نرم افزار 4 Ess. Skleton پرداخت. اساتید به نوبت و بصورت تعاملی با یکدیگر سخنرانی کردند. تعامل با دانشجویان نیز حین تدریس برقرار بود. این طرح در دو ترم متوالی انجام شد و از بازخورد دانشجویان در ترم اول جهت ارتقا طرح در ترم بعدی استفاده شد. ارزشیابی: یک پرسشنامه خود ساخته شامل ۵ سوال چهارگزینه ای بین دانشجویان

توزیع و جمع آوری شد. پس از دو هفته پرسشنامه به عنوان پس آزمون مجدداً بین دانشجویان توزیع و جمع آوری شد.

نتایج:

رضایتمندی کلی دانشجویان از این روش تدریس ۷۹٫۷۵ درصد بود. بیشترین در صد رضایتمندی در بین گویه ها متعلق به گویه " بطور کلی از این روش راضی هستم" و بیشترین در صد نارضایتی مربوط به گویه " یادگیری با این روش در زمان کوتاه تری اتفاق افتاد" بود. تفاوت معناداری در یادگیری حاصل نشد ($P\text{-valu}=0.96$). هرچند میانگین نمره پس آزمون اندکی بیشتر از میانگین نمره پیش آزمون بود. نظرات کتبی دانشجویان ثبت و آنالیز کمی محتوا انجام شد و ۷۰ کد استخراج شد که در دو مقوله اصلی "رضایت" و "یادگیری" قرار گرفتند. مقوله رضایت دارای چهار زیر مقوله "جذابیت"، "ترغیب"، "درخواست تکرار" و "زمانبر بودن" بود. بیشترین کدها در زیر مقوله جذابیت بود. مقوله یادگیری دارای سه زیر مقوله "مفید بودن"، "قابل فهم تر بودن" و "عدم تمرکز" بود. از طرفی تعدادی از دانشجویان به عدم تمرکز لازم در کلاس بدلیل حضور دو استاد در کلاس اشاره داشتند.

بحث و نتیجه گیری:

اگرچه در ابتدا، تدریس تیمی ذاتاً به زمان بیشتری نیاز دارد و مستلزم سازش‌های بیشتری نسبت به سایر روش‌های آموزشی است، اما به نظر می‌رسد که مزایای آن هم برای مربیان و هم برای دانش‌آموزان، تدریس تیمی را بسیار ارزشمند می‌کند. برای بعضی دانش‌آموزان، قرار گرفتن در معرض بیش از یک دیدگاه معلم ممکن است باعث سردرگمی شود. از سوی دیگر، شنیدن دو یا چند دیدگاه در کلاس احتمالاً تحریک فکری، تقویت مفاهیم جدید و گشایش به دیدگاه‌ها و تفاسیر مختلف را تشویق می‌کند، بنابراین، برای ترویج فرهنگ تحقیق و پژوهش فکری، ناراحتی عده کمی ممکن است به نفع افراد بسیاری باشد.

کلمات کلیدی: استاد، ارتودنسی، مدل‌های آموزشی، تدریس گروهی، مراقبت‌های دندان

بررسی تاثیر یادگیری مبتنی بر مورد بر مهارت های تفکر انتقادی و هوش هیجانی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس

راضیه بیگی بروجنی^۱، زکیه احمدی^۱، زهرا خادمی^۱، نینا حاجی زاده^۱، مرضیه برزگر^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس، هرمزگان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

نویسنده مسئول: زکیه احمدی

مقدمه:

در حال حاضر روش یادگیری مبتنی بر مورد (CBL= case based learning) در سراسر جهان مورد استفاده قرار گرفته است و تاثیرات متعددی از این روش دانشجویان را در مهارت های ارتباطی، حل مسئله، انگیزش و مشارکت گروهی گزارش شده است. با توجه به این که این روش در تحلیل مطالب برای شناسایی مشکلات بیمار، مقایسه و ارزیابی راه حل های مطلوب به فراگیران کمک می کند به نظر می رسد می تواند در ارتقا مهارت تفکر انتقادی که در آن فرد به طور به کاربرد، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی اطلاعات جمع آوری شده می پردازد و همچنین هوش هیجانی که یک توانایی ناظر بر ظرفیت ادراک، شناخت، کاربرد و کنترل هیجان است نیز موثر باشد. لذا این مطالعه با هدف تعیین اثربخشی آموزش مبتنی بر مورد بر تفکر انتقادی و هوش هیجانی در دانشجویان پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس انجام گرفت.

مواد و روش ها:

در این مطالعه نیمه تجربی، جامعه پژوهش دانشجویان کارشناسی پرستاری حاضر در کارآموزی پرستاری مراقبت های ویژه و کارآموزی بزرگسال سالمند ۲ بودند. برای اجرای یادگیری مبتنی بر مورد، موضوع سناریو ها بر اساس سرفصل کارآموزی، در راستای پوشش اهداف کلی و رفتاری و موثر بر تفکر انتقادی، هوش هیجانی و بازانديشي و تعداد آن ها بر اساس تعداد واحد و جلسات هر کارآموزی، ۳ کیس به ازای هر واحد تعیین شد. روایی صوری کیس ها با نظر اساتید گروه پرستاری و پایایی آن ها با اجرای پایلوت تعیین شد. در هر جلسه کارآموزی سناریو ها به صورت کتبی در اختیار دانشجویان قرار می گرفت و بعد از دریافت پاسخ های کتبی دانشجویان در بازه زمانی مقرر، پاسخ ها به صورت شفاهی و گروهی در کارآموزی مورد بحث و تبادل نظر دانشجویان و مربی قرار می گرفت. مدیریت زمان در بحث های گروهی در هر روز از کارآموزی کاملاً در اختیار مربی بود. از زمان ارائه کیس به دانشجویان تا ارائه بازخورد به دانشجویان ۴-۱۲ هفته زمان در نظر گرفته شد. در ابتدای ترم، قبل از شروع مداخله، پیش آزمون شامل آزمون مهارت تفکر انتقادی کالیفرنیا فرم ب- آزمون مهارت های هوش هیجانی بار-ان و آزمون پرسش

نامه بازانديشی كمبر و همكاران توسط دانشجويان تكميل و در انتهای ترم و بعد از برگزاري جلسات كارآموزی مبتنی بر سناریو، مجددا پرسش نامه های فوق توسط دانشجويان تكميل شد. از دانشجويان خواسته شد در انتهای جلسات تدریس مبتنی بر سناریو، نظرات خود مبنی بر رضایتمندی از این شیوه تدریس را به صورت مکتوب و شفاهی (به دلخواه دانشجويان) ارائه دهند. این روش از سال ۱۳۹۸ شروع و در هر ترم تحصیلی در كارآموزی ذكر شده اجرا گردید. داده ها از طریق آمار توصیفی و آزمون های تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

در مجموع ۵۴۱ دانشجو در این مطالعه طی سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ شرکت کردند که ۵۴٫۷٪ آن ها دختر و بقیه پسر بودند. بر اساس نتایج نمره تفکر انتقادی اکثر دانشجويان در مرحله قبل از مداخله در محدوده ضعیف قرار داشت (۱۰٫۵۴±۰٫۶۹) که بعد از مداخله هر چند افزایش نمره ی تفکر انتقادی در دانشجويان تمامی نیمسال ها مشاهده شد (۱۱٫۵۳±۰٫۸۴) اما این افزایش معنا دار نبود. (P-value=0.059) لازم به ذکر است که میانگین تفکر انتقادی در نیم سال دوم ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ افزایش معناداری داشت (P-value≤0.001). نمره هوش هیجانی دانشجويان قبل (۱۰۱٫۵۸±۲٫۸۵) و بعد از مداخله (۱۰۳٫۹۶±۱۰۳٫۶۱) بر اساس دستور العمل تفسیری پرسش نامه هوش هیجانی بارون در محدوده متوسط یعنی دارای هوش هیجانی عادی قرار داشت که بعد از مداخله علیرغم افزایش نمره ی هوش هیجانی در دانشجويان تمامی نیمسال ها، به جز نیمسال دوم ۱۴۰۰ که این افزایش معنادار بود (P-value≤0.001)، در مجموع افزایش معنادار نبود. (P-value=0.3) ارتباط معناداری بین جنسیت و متغیرهای مطالعه وجود نداشت.

بحث و نتیجه گیری:

در این پژوهش سطح مهارت تفکر انتقادی و هوش هیجانی در طول یک دوره كارآموزی با میانگین ۳ کیس در هر نیمسال سنجیده شد و شاید برای تاثیر CBL بر تفکر انتقادی و هوش هیجانی لازم باشد کیس های بیشتر و در مدت زمان بیشتری مورد استفاده قرار گیرند.

کلمات کلیدی: یادگیری مبتنی بر مورد، تفکر انتقادی، هوش هیجانی

بررسی شیوع و پذیرش استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی به‌عنوان ابزار تدریس در بین اساتید دانشگاه علوم پزشکی همدان ۱۴۰۱

معصومه صیدی^۱، فرناز شوندی^۱، حسین عماد ممتاز^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

نویسنده مسئول: فرناز شوندی

مقدمه:

هدف فناوری‌های آموزشی تسهیل یادگیری یا بهبود عملکرد است. فعال کردن یادگیرنده، افزایش انگیزه یادگیری، توسعه و ارتقای سطح آموزش و دستیابی به جدیدترین اطلاعات در مطالعات به‌عنوان کاربرد فناوری‌ها در آموزش تأیید شده است. دیجیتالی شدن در آموزش یک مدل آموزشی است که از رسانه‌های الکترونیکی مانند رایانه، دستگاه‌های تلفن همراه، اینترنت، برنامه‌های کاربردی نرم‌افزاری و سایر انواع فناوری دیجیتال استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از پیچیده‌ترین موانع پیش روی استفاده از این فناوری در برنامه‌های درسی علوم پزشکی، پذیرش آن در فرایندهای یاددهی-یادگیری است. از آنجایی که در نظر نگرفتن عوامل مؤثر پذیرش این فناوری در نظام‌های آموزشی می‌تواند باعث اتلاف هزینه و ناکارآمدی سیاست‌های آموزشی شود. این مطالعه باهدف تعیین شیوع و پذیرش استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی به‌عنوان ابزار تدریس در بین اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان ۱۴۰۱ انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه به روش مقطعی در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ انجام شد. جامعه پژوهش تمامی اعضا هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان بود که به‌صورت نمونه‌برداری تصادفی طبقه‌ای و از هر دانشکده به‌صورت در دسترس انتخاب گردید. حجم نمونه ۱۱۰ نفر بود. پرسشنامه ۴ بخشی برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. سؤالاتی پیرامون اطلاعات دموگرافیک-اجتماعی شرکت‌کنندگان، سؤالاتی در رابطه با سابقه آن‌ها در استفاده از فناوری‌های نوین متداول در تدریس و اینکه از فناوری‌ها در کدام حیطه از دروس (نظری/عملی/آزمایشگاهی/بالینی) استفاده کرده‌اند، در بخش سوم با جستجو در منابع و نظر صاحب‌نظران فهرستی ۱۵ تایی از فناوری‌های نوین آموزشی متداول (اپلیکیشن‌های موبایل، شبیه‌سازها، بازی وارسازی، پویانمایی، هوش مصنوعی، واقعیت مجازی و واقعیت افزوده، یادگیری خرد، تدوین صوتی، کلان داده، بلاکچین، رسانه اجتماعی، اینترنت اشیا، فناوری‌های پوشیدنی و ماک) جهت تعیین میزان شیوع طراحی شد. شرکت‌کنندگان هرکدام از این فناوری‌ها را در سه مقیاس پاسخ دادند. بخش چهارم؛ پرسشنامه پذیرش استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی بود که از مطالعه‌ای که توسط marva mohamad

zalat و همکارانش در سال ۲۰۲۰ در مصر انجام شده بود، با کسب اجازه از نویسنده مسئول، استفاده شد. سؤالات این پرسشنامه شامل سه حیطه سودمندی، سهولت استفاده و پذیرش استفاده بود. شیوه جمع‌آوری داده‌ها از سه طریق انجام شد: چارگون اداری، پرسشنامه الکترونیکی بر روی فرم پرس لاین و سیستم پیامک دانشگاه و پرسشنامه کاغذی نیز در بین اساتید در محل اتاق کارشان توزیع گردید تا در صورت عدم دسترسی مناسب به اینترنت بتوانند به سؤالات پاسخ دهند. در صفحه اول پرسشنامه، نامه اداری تأیید و هدف از انجام مطالعه ضمیمه شده بود. حریم خصوصی و محرمانه بودن نظرات اعضا هیئت علمی تضمین شده است. جهت کسب اطمینان از سهولت درک و شفاف بودن سؤالات قبل از توزیع پرسشنامه‌ها، سؤالات به ۸ نفر از اساتید داده شد و با کمک نظرات آنان، اصلاحات و تغییرات لازم جهت پاسخ‌گویی بهتر شرکت‌کنندگان انجام گرفت. داده‌ها جمع‌آوری شده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴/۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

طبق نتایج ۸۹ درصد اعضای هیات علمی از فناوری‌های نوین در تدریس خود استفاده کرده‌اند که شایع‌ترین آن استفاده از رسانه اجتماعی (Social media) با ۶۳ درصد مانند تلگرام، واتساپ، فیس بوک، توئیتر و سایر پیام‌رسان‌ها و استفاده از اپلیکیشن‌های موبایل ۶۷ درصد بود که از هر دو در ارائه دروس نظری استفاده شده است. شایع‌ترین فناوری استفاده شده جهت تولید محصول مربوط به تدوین صوتی و رسانه اجتماعی ۲۵ درصد به دست آمد. با توجه به عدم پاسخ اعضا هیئت علمی به دو فناوری بلاکچین و فناوری‌های پوشیدنی این‌گونه برداشت می‌شود که اعضا هیچ‌گونه آشنایی با این دو فناوری ندارند. در استفاده اساتید از فناوری‌ها آموزشی ۹۳ درصد کاملاً موافق و موافق بودند که کمک‌کننده در امر تدریس است و ۶۰ درصد اساتید کاملاً موافق و موافق بودند که تسریع در امر تدریس و ۷۱ درصد باعث بهبود در عملکرد می‌شود. ۸۲ درصد اعلام کردند که در آینده از فناوری‌ها در تدریس استفاده خواهند کرد.

بحث و نتیجه‌گیری:

باید مدیران آموزشی برنامه منسجمی برای توانمندسازی و به‌کارگیری این فناوری‌های نوین آموزشی برای اعضای هیات علمی طراحی نمایند. از محدودیت‌های پژوهش، به دلیل طولانی بودن پرسشنامه (۴۴ آیتم) و آشنا نبودن با عناوین فناوری‌ها برخی از اساتید در تکمیل پرسشنامه همکاری نکردند که لازم است با برگزاری دوره‌ها و پنل‌های آموزشی با این نوع فناوری‌ها آشنا و سپس درخواست تکمیل پرسشنامه نمود.

کلمات کلیدی: شیوع، پذیرش فناوری، اعضای هیات علمی، توانمندسازی

تبیین نقش الگویی اعضای هیئت علمی در شکل‌گیری هویت حرفه ای دستیاران تخصصی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

فاطمه احمدی نیا^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه احمدی نیا

مقدمه:

شکل‌گیری هویت حرفه ای (PIF) فرایندی است که از طریق آن "دانشجویان و دستیاران در فکر و رفتار و احساس مانند یک پزشک هستند". الگوسازی نقش (رل مدل‌ها) به عنوان یک پدیده مهم برجسته در آموزش پزشکی است. اهمیت آن در توسعه حرفه ای فراگیران نزد اساتید پزشکی در سراسر جهان شناخته شده است. هدف این پژوهش تبیین نقش الگویی اساتید در شکل‌گیری هویت حرفه ای دستیاران تخصصی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران بود.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه با مشارکت ۱۸ نفر از دستیاران (مرد و زن) ۲۶ تا ۴۰ ساله و به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. نمونه‌گیری هدفمند در ۴ بیمارستان تخصصی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران: بیمارستان امام خمینی، بیمارستان سینا، بیمارستان شریعتی، بیمارستان محب یاس، مرکز طبی کودکان که مسولیت مهمی در تربیت دستیار دارند، انجام شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها با تعداد ۱۴ دستیار به اشباع رسید و سه مصاحبه دیگر نیز برای بدست آوردن اطلاعات و جزئیات بیشتر و رفع پاره‌ای ابهامات تا ۱۷ مصاحبه ادامه یافت و سپس با استفاده از تحلیل محتوای متعارف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور اعتبار و روایی مطالعه از اطمینان از اعتبار یافته‌ها از طریق برقراری ارتباط مطلوب با مشارکت‌کنندگان، توافق اعضای تیم تحقیق در ارتباط با شیوه انجام مصاحبه و کدهای متون، توصیف عمیق یافته‌ها و استفاده از نظرات ناظرین خارجی در ارتباط با فرایند مطالعه و یافته‌ها حاصل گردید.

نتایج:

در این مطالعه بر اساس تحلیل داده‌ها دسترسی به نقش الگوها در دوران دستیار در دانشگاه علوم پزشکی تهران در ۵ طبقه اصلی: الگوی اخلاقی استاد و منتور، الگوی حرفه ای تخصصی، الگویی منش و شخصیتی استاد و منتور، دغدغه‌مندی استاد به آموزش، الگوی تعاملات اجتماعی استاد استخراج شد. تعهد مندی در اخلاق حرفه ای، الگوی ارزشگذاری به بیمار، الگوبرداری عملکرد حرفه ای، ابعاد رفتاری فردی، الگوی توأم تئوری و عمل، جذابیت شخصیت استاد، انسجام شخصیتی استاد، صفات و

رفتار شخصی استاد، توجه به یادگیری، تعداد اساتید دغدغه مند آموزش، ارزشگذاری استاد به فراگیر، الگوی عملی و تئوری از زیر طبقات نمایان شده این طبقات اصلی است.

بحث و نتیجه گیری:

باتوجه به یافته‌ها نقش الگوها (رل مدل‌ها) با قابلیت‌های شخصی، حرفه‌ای و علاقمندی خود موجب تقویت مسولیت پذیری شخصی و پرورش آن در مباحث اخلاقی، حرفه‌ای‌گری، ارتقای سطح عملکرد، رفتار حرفه‌ای و نیز عنصر انگیزاننده و تسهیلگر شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دستیاران خود می‌باشند و پیشنهاد می‌شود با توانمند سازی آنان در ان حیطه‌ها این فرایند را تسریع بخشید.

کلمات کلیدی: نقش الگو، شکل‌گیری هویت حرفه‌ای، دستیاران تخصصی پزشکی



بررسی اثربخشی آستی بر اساس نظریه‌ی بازاندیشی دونالدشون بر عملکرد اساتید در آموزش مهارت ارتباطی

هدی احمري طهران^۱، زهره خلجی نیا^۱، زهرا تابش نیا^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

نویسنده مسئول: هدی احمري طهران

مقدمه:

برقراری ارتباط موثر بین پزشک و بیمار، زیربنای مراقبت‌های خوب پزشکی است، چرا که بیشتر تشخیص‌های پزشکی و تصمیمات درمانی، بر اساس اطلاعات به دست آمده از شرح حال بیمار صورت می‌گیرد که آن نیز طی مصاحبه با بیمار به دست می‌آید و اساس این مصاحبه، برقراری ارتباط مناسب می‌باشد. مطالعات نشان دادند که پزشکان علیرغم آموزش‌های دریافتی هنوز مهارت ارتباط پزشک-بیمارضعیفی را از خود نشان می‌دهند به گونه‌ای که هنوز یکی از شایع‌ترین شکایات بیماران وجود ضعف در این ارتباطات است. کمبود دانش اطلاعاتی و نگرش نادرست به عنوان یکی از دلایل ضعف برقراری ارتباط موثر پزشک-بیمار بر شمرده شده است. تحقیق حاضر با هدف ارتقای مهارت ارتباطی اساتید بالینی و همچنین آموزش آن به شیوه آستی بر اساس بازاندیشی هدایت شده مبتنی بر نظریه‌ی بازاندیشی دونالدشون طراحی گردید.

مواد و روش‌ها:

پژوهش حاضر از نوع توسعه ای بود که به شیوه ترکیبی (کمی-کیفی) در سه فاز طراحی، اجرا و ارزشیابی انجام گردید. ۲۷ استاد بالینی از تمام رشته‌های موجود در دانشگاه علوم پزشکی قم (جراحی، زنان، داخلی، اطفال، بیهوشی، طب اورژانس، نورولوژی قلب، عفونی، ارتوپدی، گوش و حلق و بینی) به عنوان نمونه پژوهش وارد مطالعه شدند. اطلاعات با استفاده از ابزار استاندارد مهارت‌های ارتباطی Kalamazoo جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون آماری تی مستقل و تی زوج در سطح معنی داری $P=0/05$ انجام گردید.

نتایج:

نمرات مهارت ارتباطی ۲۸ عضو هیأت علمی در سه نوبت قبل، بلافاصله و سه ماه پس از مداخله مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. میانگین و انحراف معیار ارزیابی "مهارت ارتباطی" اساتید در هر ایستگاه آستی توسط سه ارزیاب هم‌تا، دانشجوی استاندارد شده و بیمار استاندارد شده قبل از مداخله $(0/46 \pm 2/47)$ ، بلافاصله پس از مداخله $(0/26 \pm 2/56)$ و سه ماه بعد $(0/18 \pm 2/68)$ بود که به لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. $(P=001/0)$ نمره بازاندیشی نمونه‌های پژوهش قبل و پس از مداخله تفاوت

معنی داری را نشان داد. (001/P>) از تحلیل داده‌های بخش کیفی یک درون‌مایه اصلی "سودمندی آموزشی" و پنج طبقه اصلی "آموزش اثربخش"، "فراهم‌سازی شرایط مطلوب یادگیری"، "پرورش مهارت ارتباطی با بازخورد موثر"، "پرورش مهارت ارتباطی با بازاندیشی و جمع بندی" و "اعتبار ارزیابی" استخراج شد.

بحث و نتیجه گیری:

یافته‌های مطالعه حاضر از اثربخشی آستی بر اساس نظریه بازاندیشی شوون بر بهبود و حفظ مهارت ارتباطی و بازاندیشی اساتید بالینی پشتیبانی کرد. این مطالعه شامل ارزیابی‌های فوری و بلندمدت نیز شد. لذا طراحی و ارزیابی برنامه‌های توانمندسازی اساتید به شیوه آستی بر اساس بازاندیشی هدایت شده برای کمک به ارتقای نقش آموزشی مدرسان بالینی توصیه می‌شود.

کلمات کلیدی: آستی، مهارت ارتباطی، بازاندیشی، اساتید بالینی، نظریه دونالدسون



تبیین تجربیات زیسته دانشجویان پزشکی عمومی در خصوص کوریکولوم پنهان آموزش بالینی در پاندمی کووید ۱۹

لطف اله داودی^۱، عاطفه ذبیحی ززولی^۱، پرستو کریمی علی آبادی^۱، معصومه عبدی^۱، هاجر کاکویی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: عاطفه ذبیحی ززولی

مقدمه:

از نقش برنامه درسی پنهان در پاسخگویی به نیازهای آموزشی فراگیران نباید غافل بود. مطابق مطالعات کوریکولوم پنهان آثار مثبت و منفی فراوانی بر یادگیرندگان دارد. برنامه درسی پنهان تاثیر بسیار نیرومندی بر شکل گیری و توسعه حرفه‌ای دانشجویان دارد. با این حال قرار گرفتن در معرض کوریکولوم پنهان از محیط‌های یادگیری قبل از بالینی شروع می‌شود و بیشترین تاثیر کوریکولوم پنهان به طور عمومی در محیط‌های یادگیری بالینی اتفاق می‌افتد. با توجه به اینکه کوریکولوم پنهان تحت تاثیر محیط آموزشی است، لذا این سوال مطرح می‌شود "در شرایطی مشابه زمانی که با بیماری‌های نوپدید نظیر کووید ۱۹ روبرو هستیم، کوریکولوم پنهان آموزش بالینی ما به چه صورت بوده است؟". مطابق مطالعه زیدی و گرگ، آموزش پزشکی در طول همه گیری COVID-19 به طور اساسی تغییر کرده است. با این حال بررسی مطالعات منتشر شده توسط محققین نشان داد تا کنون مطالعه ای که به بررسی کوریکولوم پنهان آموزش بالینی در زمان کووید ۱۹ پرداخته باشد در ایران یافت نشد. لذا هدف از مطالعه کنونی تبیین تجربیات دانشجویان پزشکی عمومی در خصوص کوریکولوم پنهان آموزش بالینی در زمان کووید ۱۹ بود.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه از روش کیفی پدیدارشناسی استفاده شد. جامعه مطالعه پزشکی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران بود و نمونه به صورت هدفمند و سپس با روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع از کارورزان پزشکی عمومی دانشکده پزشکی انتخاب شد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت مصاحبه نیمه ساختاردار بود و تا رسیدن به اشباع ادامه داشت. سوالات مصاحبه به صورت باز پاسخ و با مرور متون و طی مشورت با مشاور آگاه به موضوع طراحی شد. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های از روش کلایزی استفاده شد.

نتایج:

در مجموع با ۲۱ مصاحبه اشباع داده حاصل شد. ۱۱ شرکت کننده خانم و ۱۰ نفر آقا بودند. با تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه مولفه‌های کوریکولوم پنهان آموزش بالینی در زمان کووید ۱۹ در ۵ طبقه و ۸ زیر طبقه قرار داده شد که عبارتند از: عوامل هیجانی و احساسی (مواجهه با استرس و سختی‌ها)، باورها

و ارزش‌ها (نگرش حرفه‌ای)، حرفه‌ای‌گرایی پزشکی (همدلی و مهارت ارتباطی، مسولیت‌پذیری و کار تیمی، عملکرد حرفه‌ای، پیشرفت مداوم)، عوامل اجتماعی و بهداشتی (ایمنی و بهداشت فردی) و عوامل ساختاری (آمادگی و ساختار سازمانی)

بحث و نتیجه‌گیری:

مطالعه نشان داد که پیام پنهان کووید ۱۹ برای اکثر دانشجویان در محیط بالینی ضعیف بودن آموزش مجازی و آماده نبودن بستر برای شرایطی مشابه می‌باشد. مطابق تجربیات فراگیران مولفه‌های کوریکولوم پنهان آموزش بالینی در زمان کووید ۱۹ در ۵ طبقه قرار داده شد. بررسی مطالعات منتشر شده نشان داد که این عوامل در سایر مطالعات نیز مورد تاکید قرار گرفته است. مطابق مطالعات برنامه درسی پنهان عوامل بسیاری از جمله رفتار، نگرش‌ها و باورها و دانش، یادگیری حرفه‌ای، شکل‌گیری هویت حرفه‌ای، اجتماعی شدن، رشد اخلاقی، قضاوت‌های ارزشی، جو دانشکده، الگوهای تعاملی را پوشش می‌دهد و نقش اصلی را در یادگیری آنها ایفا می‌کند. با این حال طبقات شناسایی شده در این مطالعه شکل خاص‌تر و متناسب با شرایط کووید به خود گرفته است. ضمن آنکه یکی از طبقات قابل توجه در این مطالعه، طبقه عوامل اجتماعی و بهداشتی است که کمتر در سایر مطالعات یافت می‌شود. لذا لازم است در برنامه‌ریزی‌های آموزشی این موارد شناسایی و لحاظ شود و بستر مناسبی برای بهره‌گیری مثبت از این فضا فراهم شود.

کلمات کلیدی: کوریکولوم، کووید ۱۹، کوریکولوم پنهان



اندازه‌گیری رفتار بازخورد جویی دستیاران: روان‌سنجی سه ابزار

امین حسینی شاوون^۱، رقیه گندمکار^۱، عظیم میرزازاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: رقیه گندمکار

مقدمه:

در دو دهه گذشته، تحقیقات آموزش پزشکی به طور فزاینده‌ای بر دانشجویان به عنوان جویندگان فعال بازخورد و نه دریافت کنندگان منفعل، متمرکز شده است. رفتار بازخوردجویی وسیله‌ای قدرتمند برای کسب دانش و بینش جدید در مورد پیشرفت و عملکرد دانشجوی پزشکی است. رفتار بازخوردجویی در زمینه آموزش پزشکی می‌تواند به نتایج مختلفی مانند بهبود ایمنی بیمار، کارایی و اثربخشی، تضمین مراقبت با کیفیت بالا و توسعه مهارت‌های حرفه‌ای منجر شود. هدف این مطالعه انطباق فرهنگی و روان‌سنجی سه ابزار مربوط به سنجش رفتار بازخوردجویی (۱. فراوانی بازخورد جویی، ۲. انگیزه‌های بازخوردجویی ۳. ارتقای رفتار بازخوردجویی) در دستیاران پزشکی بود.

مواد و روش‌ها:

مطالعه‌ی حاضر از نوع روان‌سنجی ابزار است. پس از ترجمه و بازترجمه، پرسش‌نامه‌ها در اختیار ۱۸ نفر از متخصصان قرار گرفت و روایی محتوایی با استفاده از ضرایب نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) و روایی صوری به صورت کیفی بررسی شد. سپس، پرسش‌نامه‌های اصلاح شده بین ۲۰ نفر از دستیاران توزیع شد و روایی صوری به روش کیفی و مصاحبه شناختی برای بررسی آیتم‌های پرسش‌نامه‌ها از نظر سطح دشواری، میزان تناسب و ابهام ارزیابی شد. جهت تعیین روایی سازه، پرسش‌نامه‌های اصلاح شده در بین دستیاران پزشکی از ۲۴ رشته تخصصی توزیع شد. انتخاب نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی تحلیل گردید. همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد.

نتایج:

از میان ۵۳۸ نفر دستیار (۳۴۵ زن و ۱۹۳ مرد) بودند. ضریب آلفای کرونباخ برای همه ابزارها بیش از ۰/۷۰ به دست آمد. در تحلیل عاملی اکتشافی به روش مولفه‌های اصلی (PCA)، مقدار کایزر-مایر-الکین برای همه ابزارها بیش از ۰/۶ بود. آزمون کرویت بارتلت از نظر آماری معنی دار بود ($P < ۰/۰۰۱$)، که عاملی شدن ماتریس همبستگی را تایید می‌کند. تحلیل عاملی تأییدی ابزارهای فراوانی بازخوردجویی، انگیزه‌های بازخوردجویی و ارتقای رفتار بازخورد جویی برازش مدل خوبی را نشان داد.

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نتایج مطالعه حاضر، نسخه فارسی ابزارهای مربوط به سنجش رفتار بازخورد جویی دستیاران از پایایی و روایی (صوری، محتوا و سازه) خوبی برخوردار بودند. بنابراین این ابزارها برای سنجش فراوانی رفتار بازخوردجویی، انگیزه های بازخوردجویی و ارتقای رفتار بازخوردجویی مناسب و معتبر هستند.

کلمات کلیدی: بازخوردجویی، انگیزه، روان سنجی، روایی، پایایی و انطباق فرهنگی



تحلیل همگرایی حوزه های پژوهشی آموزش پزشکی با هوش مصنوعی

الهام شریف پور^۱، مریم اخوتی^۱، پیام خزائلی^۱، سارا شفیعیان^۱، زهره عقابیان^۱، مهران حمزه زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: مریم اخوتی

مقدمه:

با توجه به این که در طی سال های اخیر پیشرفت های قابل توجهی در حیطه استفاده از هوش مصنوعی در آموزش رخ داده است، در حیطه استفاده از هوش مصنوعی در آموزش پزشکی نیز تحولات شگرفی روی داده است. به طوری که نتایج مطالعات صورت گرفته در این حیطه نشان می دهد که میزان انتشارات و استنادات در این حیطه نیز چندین برابر گردیده است. از سوی دیگر با توجه اهمیت ارتباط بین رشته ای و لزوم همکاری متخصصان رشته های مختلف برای توسعه علمی کشورها این مطالعه با هدف بررسی همگرایی حوزه های پژوهشی آموزش پزشکی با هوش مصنوعی انجام گرفت.

مواد و روش ها:

این پژوهش به لحاظ رویکرد از نوع تحقیقات علم سنجی است که جامعه آماری آن شامل تمام مقاله های منتشر شده توسط پژوهشگران دنیا است که در حوزه آموزش پزشکی و هوش مصنوعی در پایگاه وب آو ساینس نمایه شده اند. ابتدا با تدوین یک استراتژی جستجوی دقیق براساس واژگان استخراج شده از MESH و نیز نظر متخصصان موضوعی، تمام مدارک منتشر شده در حوزه آموزش پزشکی و هوش مصنوعی در بخش جست و جی پیشرفته پایگاه WOS بازیابی شدند سپس با استفاده از عملگر AND دو استراتژی با هم ترکیب و در نهایت ۵۳۵۴ مقاله بازیابی شد. برای تحلیل داده ها بر اساس همگرایی بین دو رشته و نیز ترسیم نقشه های هم وقوعی واژگانی، هم تالیفی کشورها و مشخص کردن موضوعات نوظهور و داغ مورد توجه متخصصان این حوزه و نیز شبکه های مرتبط با محاسبه مرکزیت ها از سه نرم افزار Collector، VOSviewer و pajek استفاده گردید.

نتایج:

براساس هم وقوعی واژگان ۶ طبقه یا کلاس تشکیل گردید که بیشترین همکاری مربوط به کلاس ۱ و در حیطه های graduate medical education و emergency medicine و simulation base medical education می باشد. کشوری که بیشترین سهم در تولیدات علمی این حیطه را دارد کشور آمریکا می باشد. بر اساس نقشه کشورهای نوظهور، ایران از سال ۲۰۱۹ وارد این حیطه شده است medical education training و virtual reality موضوعات داغی هستند که بیشتر از سایر حیطه مورد توجه پژوهشگران دنیا در حیطه کاربرد هوش مصنوعی در آموزش پزشکی بوده اند. از طرف دیگر نقشه ها نشان می دهد که patient

simulation training، computer simulation و simulation training موضوعاتی هستند که اخیرا به کانون توجه محققین دنیا در حیطه کاربرد هوش مصنوعی در آموزش پزشکی مورد توجه قرار گرفته و در حال پر رنگ تر شدن هستند. که مبحث simulation training بعد از حوزه medical education بیشترین میزان مرکزیت بینابینی (۰٫۰۳) به لحاظ لینک ورودی و خروجی را داراست. بر اساس نقشه های ترسیم شده از مدارک بازیابی شده حیطه های همچون robotic surgery، team training، active learning، inter professional education و deep learning حیطه های بسیار پراهمیتی هستند که کم تر توسط متخصصان مورد توجه قرار گرفته و انتشارات مدارک علمی در این حیطه ها نسبت به سایر حیطه های یاد شده از میزان کم تری برخوردار است.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج این پژوهش که simulation training، medical education، patients safety و virtual reality حوزه های پژوهشی مهم هستند که به عنوان نودهای مرکزی متصل کننده بخش های مختلف شبکه همگرایی حیطه آموزش پزشکی با هوش مصنوعی را بهم وصل میکنند اشاره به این مطلب دارد که در پژوهش های منتشر شده در دنیا هم اکنون حوزه های یاد شده نقش بسیار موثری در همگرایی حیطه آموزش پزشکی با هوش مصنوعی داشته اند. بنابراین پیشنهاد می گردد که این حیطه ها توسط محققین و پژوهشگران داخلی نیز بیشتر مورد توجه قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می گردد که متخصصین آموزش پزشکی در داخل کشور همگام با تحقیقات روز دنیا به موضوعات نوینی همچون robotic surgery، team training، active learning، inter professional education و deep learning بیشتر توجه کنند و تحقیقات خود را در جهت استفاده از هوش مصنوعی در حیطه آموزش پزشکی بیشتر معطوف حیطه های یاد شده نمایند.

کلمات کلیدی: آموزش پزشکی، هوش مصنوعی، همگرایی

بررسی میزان آمادگی یادگیری الکترونیکی و رابطه آن با عوامل دموگرافیک دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در دوران همه گیری کرونا

محمدرضا اندرواژ^۱، سیاوش مرادی^۱، حسین جلاهی^۱، مجتبی سرگلزائی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: محمدرضا اندرواژ

مقدمه:

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای عصر فناوری اطلاعات، آموزش الکترونیکی می‌باشد و با توجه به حجم گسترده تقاضا برای آموزش از یک سو و ناتوانی نظام کنونی در پاسخگویی به آن و همچنین قابلیت‌های فراوان روش‌های نوین آموزش الکترونیکی از سوی دیگر، ایجاد و توسعه سیستم‌های آموزش الکترونیکی به امری ضروری تبدیل گردید. با توجه به قابلیت‌های آموزش الکترونیکی و فراهم بودن بستر آن، استفاده از آن برای آموزش دانشجویان علوم پزشکی در دوران همه گیری کرونا مورد تاکید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفت. مطالعه حاضر به بررسی میزان آمادگی یادگیری الکترونیکی و رابطه آن با عوامل دموگرافیک دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در دوران همه گیری کرونا پرداخته است.

مواد و روش‌ها:

مطالعه توصیفی - مقطعی حاضر با هدف بررسی میزان آمادگی الکترونیکی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را ۸۳۵ نفر (علوم پایه ۲۵۱ نفر، مقدمات بالینی ۱۳۴ نفر، کارآموز ۳۰۲ نفر، تعداد کارورز ۱۴۸ نفر) از دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران تشکیل می‌دادند که با استفاده از جدول مورگان، ۲۶۳ نفر با بهره‌گیری از نمونه‌گیری سهمیه‌ای (علوم پایه ۷۹ نفر، مقدمات بالینی ۴۲ نفر، کارآموز ۹۵ نفر، کارورز ۴۷ نفر) به عنوان نمونه انتخاب شدند. لازم به توضیح است که تحصیل در رشته پزشکی (Medicine) در ایران با مقطع دکتری عمومی (Doctor of Medicine) شروع می‌شود که دارای ۴ مرحله علوم پایه، مقدمات بالینی، کارآموزی و کارورزی می‌باشد. ابزار مورد استفاده، پرسش‌نامه استاندارد ارزیابی آمادگی یادگیری الکترونیکی واتکینز بود. در ایران موسوی صاحب‌الزمانی و همکاران پایایی آن را ۰/۹۱ گزارش کردند (۳). در مطالعه حاضر، پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه گردید پرسشنامه دارای ۲۶ گویه است و از دو قسمت تشکیل می‌شود. بخش اول مربوط به اطلاعات فردی شامل سن، جنسیت و مقطع (دوره تحصیلی) است. بخش دوم پرسش‌های مربوط به میزان آمادگی یادگیری الکترونیکی است که در ۶ بعد (دسترسی به فناوری، مهارت‌ها و ارتباطات پیوسته برخط، انگیزش، توانایی یادگیری از طریق

رسانه‌ها، گفتگوهای گروهی اینترنتی، مسائل مهم جهت موفقیت در یادگیری الکترونیکی)، دسته‌بندی و در مقیاس ۵ گزینه ای لیکرت (از کاملا مخالفم تا کاملا موافقم) تنظیم شدند. در نهایت امتیاز هر يك از ابعاد محاسبه، و جمع آنها به عنوان امتیاز کلی آمادگی یادگیری الکترونیکی محاسبه گردید جهت تجزیه و تحلیل آماری از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و آزمون‌های همبستگی پیرسون، مستقل و ANOVA استفاده شد.

نتایج:

جهت توصیف داده‌ها با توجه به اینکه متغیرهای کمی از توزیع نرمال برخوردار بودند ($P\text{-value} > 0/05$) از شاخص‌های مرکزی میانگین و انحراف معیار و آزمون‌های پارامتریک استفاده شد. بنابر نتایج بدست آمده، میانگین سنی شرکت‌کنندگان برابر $00/2 \pm 00/23$ سال بود. بین سن با آمادگی یادگیری الکترونیکی ارتباط معناداری وجود نداشت ($P\text{-value} > 0/05$). ۱۱۵ نفر (۴۴٪) از شرکت‌کنندگان در مطالعه مرد و ۱۴۸ نفر زن (۵۶٪) بودند، میانگین و انحراف معیار آمادگی یادگیری الکترونیکی در مردان $8/103 \pm 36/17$ و در زنان $8/102 \pm 64/12$ بود. بین آمادگی یادگیری الکترونیکی با جنسیت ارتباط معناداری مشاهده نشد ($P\text{-value} > 0/05$). میانگین و انحراف معیار میزان آمادگی در مقطع (دوره) علوم پایه $1/102102/1 \pm 22/5$ (متوسط)، در مقطع (دوره) مقدمات بالینی $9/101 \pm 50/4$ (متوسط)، در مقطع (دوره) کارآموزی $1/45 \pm 10/8$ (متوسط) و در مقطع (دوره) کارورزی $1/110 \pm 26/10$ (بالا) بود. طبق آنالیز ANOVA بین امتیاز آمادگی الکترونیکی با مقطع (دوره) ارتباط معنادار مشاهده شد ($P\text{-value} > 0/05$). میانگین نمره کل میزان آمادگی $3/103 \pm 15$ (متوسط) بود. میانگین و انحراف معیار دسترسی به تکنولوژی $76/12 \pm 1/2$ مهارت‌ها و ارتباطات پیوسته $67/38 \pm 50/4$ ، انگیزش $14/8 \pm 00/3$ ، توانایی یادگیری از طریق رسانه‌ها $54/40 \pm 11/2$ گفتگوهای گروهی اینترنتی $13/12 \pm 10/2$ ، و مسائل مهم جهت آمادگی یادگیری الکترونیکی $48/00 \pm 20/3$ محاسبه شد.

بحث و نتیجه‌گیری:

نتایج نشان داد که آمادگی دانشجویان این دانشگاه جهت یادگیری الکترونیکی، در مقطع (دوره) کارورزی، بالاتر از سایر مقاطع (دوره‌ها) می‌باشد. با توجه اینکه دانشجویان دارای انگیزه پائین در یادگیری الکترونیکی بودند پیشنهاد می‌شود اساتید حضور خودشان را با هر سه روش حضور اجتماعی، حضور تدریس و حضور شناختی پررنگ کنند همچنین تسهیلات خاصی در جهت اصلاح زیرساخت‌های شبکه‌ای اتخاذ شود تا اختلال شبکه در حین استفاده به حداقل برسد و به دانشجویان نیز پیشنهاد می‌شود زمان روزانه خود را مدیریت کنند تا بتوانند در بهترین ساعات شبانه‌روز از یادگیری الکترونیکی بهره ببرند.

کلمات کلیدی: آمادگی یادگیری الکترونیکی، دانشجویان پزشکی

چالش ها و فرصت های آموزش بالینی در پاندمی کوید ۱۹ از دیدگاه دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی

مریم تولیت^۱، مریم نخعی^۱، سید ابوالفضل وقارسیدین^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

نویسنده مسئول: مریم تولیت

مقدمه:

همه گیری کووید- ۱۹ بزرگ ترین چالشی است که سیستم های آموزشی در جهان تاکنون با آن روبرو بوده اند. آموزش پرستاری نیز از این قاعده مستثنی نبود و با تغییرات زیادی روبرو شد. از آنجایی که بخش زیادی از آموزش پرستاری، در بالین صورت می گیرد لذا این مطالعه با هدف کسب تجارب مدرسین و دانشجویان پرستاری از چالش ها و فرصت ها در آموزش بالینی در پاندمیک کوید ۱۹ انجام شد.

مواد و روش ها:

در این مطالعه کیفی ۱۴ نفر دانشجوی پرستاری به صورت نمونه گیری مبتنی بر هدف از دانشکده های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انتخاب شدند. از مصاحبه نیمه ساختار یافته و رو در رو برای جمع آوری اطلاعات استفاده شد. روش آنالیز محتوای مرسوم برای تجزیه و تحلیل داده ها مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج:

از تحلیل مصاحبه ها از تجارب دانشجویان پرستاری ۲ طبقه اصلی شامل: چالش های آموزش بالینی و فرصت ها در شرایط کرونا استخراج شد. چالش های آموزش بالینی در شرایط کرونا شامل: غیرقابل پیش بینی بودن شرایط آموزش، تاکید بیش از حد بر محافظت شخصی در آموزش بالینی، پایین آوردن استانداردهای شخصی برای آموزش توسط مدرس و تردید در کسب صلاحیت بالینی توسط مدرسین پرستاری بیان شد. فرصت های ایجاد شده در این شرایط شامل توانمندی در استفاده از آموزش مجازی همراه با آموزش بالینی توسط اساتید، دیده شدن نقش پرستار در تیم درمان، دسترسی راحت تر به امکانات آموزشی و حساسیت بیشتر نسبت به رعایت پروتکل های بهداشتی مطرح شد.

بحث و نتیجه گیری:

شیوع بیماری کرونا تغییرات بی سابقه زیادی را در آموزش بالینی در پرستاری ایجاد کرد. این تغییرات فرصت ها و چالش هایی را در آموزش پرستاری به همراه داشت. لذا برنامه ریزان آموزش پرستاری بایستی چالش ها و فرصت های پیش آمده در این دوره را مد نظر قرار داده و در جهت ارتقاء آموزش پرستاری گام بردارند.

کلمات کلیدی: آموزش بالینی، پرستاری، کرونا و ویروس

ارزیابی میزان انطباق فرایندهای آموزش با استانداردهای آموزش بالینی در بیمارستان های تحت قرارداد با دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود در سال ۱۴۰۱

صدیقه بهروزی فر^۱، بهروز یحیایی^۱

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران

نویسنده مسئول: صدیقه بهروزی فر

مقدمه:

راند، گراند راند و گزارش صبحگاهی (مورنینگ) از روش های آموزش بالینی متداول هستند که در بیشتر بخش های بیمارستان های آموزشی در حال اجرا است و از طریق این روش ها تعامل آموزشی استاد و دانشجو در بالین بیمار با هدف اداره صحیح بیماران بستری صورت می گیرد. کلینیک سرپایی نیز محیط بالینی غیربستری است که دانشجویان زیر نظر اساتید باتجربه به کسب مهارت های عملی می پردازند. هدف این مطالعه ارزیابی مقایسه ای سطح کیفیت آموزش در بیمارستان خاتم الانبیاء (ص) شاهرود و بیمارستان ولایت دامغان بر اساس استانداردهای آموزش بالینی دوره پزشکی عمومی در سال ۱۴۰۱ بود تا با بررسی نقاط قوت و ضعف به تقویت توانایی ها و برطرف سازی ضعف ها بپردازیم.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-مقطعی در بیمارستان های خاتم الانبیاء (ص) شاهرود و ولایت دامغان در سال ۱۴۰۱ است و نظرات ۲۳ کارورز و ۳۱ کارآموز که بخش داخلی را گذرانده بودند با استفاده از پرسشنامه های پژوهشگر ساخته در دو بخش بایدها و ترجیح ها بر اساس استانداردهای آموزش بالینی تدوین شده توسط معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مورد ارزیابی قرار گرفت. اطلاعات پس از جمع آوری با نرم افزار SPSS v.22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کولموگرو-اسمیرنو استفاده شد. برای مقایسه کیفیت آموزش بین مراکز در صورت نرمال بودن داده های کمی از تی استیودنت و برای داده های غیرنرمال از من ویتنی استفاده شد.

نتایج:

از نظر میزان رعایت استانداردهای آموزش بالینی در هر چهار مولفه (بایدها) بین نظرات کارآموزان و کارورزان در بیمارستان خاتم الانبیاء شاهرود اختلاف آماری معنی داری وجود نداشت. ($p > 0.05$) اما در مورد بیمارستان ولایت دامغان، کارورزان نسبت به کارآموزان به مولفه کلینیک سرپایی نمره بالاتری را اختصاص دادند که از لحاظ آماری معنی دار بود.

کلمات کلیدی: راند، گراند راند، کلینیک سرپایی، مورنینگ

ادراك دانشجويان پيراپزشكي از محيط آموزشي دانشگاه علوم پزشكي ارتش

مژگان محمدی مهر^۱، مهدی قربانی^۱، علیرضا داداشی^۱، علی زارعی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

نویسنده مسئول: مژگان محمدی مهر

مقدمه:

محیط یادگیری شامل کلیه شرایط و امکانات فیزیکی، روانی، عاطفی، عوامل فرهنگی و اجتماعی است که بر رشد و توسعه یادگیرنده در یک موسسه آموزشی تاثیر می‌گذارد. بین محیط یادگیری و موفقیت دانشجویان رابطه آشکار وجود دارد. یک محیط یادگیری خوب برای ارایه آموزش با کیفیت حیاتی است. بین محیط یادگیری و پیامدهای ارزشمند از قبیل رضایت، موفقیت دانشجویان رابطه آشکاری وجود دارد. برای ارتقای کیفیت یادگیری لازم است تا نقاط ضعف محیط یادگیری شناسایی و تقویت شوند. لذا باید به ادراك دانشجویان در جهت بهبود محیط یادگیری اهمیت بیشتری داده شود. محیط آموزشی بر رفتار دانشجو تاثیر بسزایی دارد و با موفقیت، رضایت و تحقق اهداف دانشجو، ارتباط دارد. درک و شناخت مسائل محیط آموزش و عوامل مرتبط با آن برای دگرگونی، تعدیل و مدیریت برنامه‌های آموزشی اساسی است. لذا این مطالعه با هدف ارزیابی محیط آموزشی دانشکده پیراپزشکی در دانشگاه علوم پزشکی ارتش از دیدگاه دانشجویان صورت گرفته است.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش توصیفی-مقطعی در نیمسال دوم تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش انجام گرفت. جامعه آماری دانشجویان سال آخر مقطع کارشناسی بودند. حجم نمونه به روش کوکران ۷۹ نفر به دست آمد. نمونه گیری به روش تصادفی انجام شد. نرخ بازگشت پرسشنامه ۸۶٫۰۷ درصد بود. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه ارزیابی محیط آموزشی داندی Dundee Ready Education Environment (DREEM) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۵۰ سؤال به صورت پنج گزینه‌ای بود. سوالات پرسشنامه در پنج حیطه شامل ادراك دانشجو از یادگیری (۱۲ سوال)، ادراك دانشجو از اساتید (۱۱ سوال)، ادراك دانشجو از توانایی علمی خود (۸ سوال)، ادراك دانشجو از جو آموزشی (۱۲ سوال) و ادراك دانشجو از شرایط اجتماعی خود (۷ سوال) می‌باشد. امتیاز هر سوال ۱ تا ۵ به ترتیب افزایش مطلوبیت بود. در پژوهش حاضر میانگین نمرات بین ۱ تا ۲٫۳۳، وضعیت نامطلوب، میانگین بین ۲٫۳۴ تا ۳٫۶۶، وضعیت نسبتاً مطلوب و میانگین بین ۳٫۷۶ تا ۵ به وضعیت مطلوب ارزیابی شد. پایایی کل پرسشنامه در مطالعه حاضر با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰٫۸۱۳ به دست آمد. تجزیه و تحلیل

داده‌ها با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی (تی تست، همبستگی پیرسون) با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ انجام شد.

نتایج:

میانگین معدل دانشجویان $17/58 \pm 1/24$ و میانگین سنی دانشجویان $21/71 \pm 1/41$ بود. بر اساس یافته های مطالعه حاضر ادراک و دیدگاه دانشجویان از جو آموزشی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش در حیطه های مورد بررسی نسبتا مطلوب به دست آمد. به طور کلی میانگین و انحراف هر حیطه شامل: دیدگاه دانشجویان نسبت به یادگیری ($3/18 \pm 0/569$)، دیدگاه دانشجویان نسبت به اساتید ($3/35 \pm 0/573$)، دیدگاه دانشجویان نسبت به توانایی علمی خود ($3/56 \pm 0/629$)، دیدگاه دانشجویان نسبت به جو آموزشی ($3/35 \pm 0/587$)، دیدگاه دانشجویان نسبت به شرایط اجتماعی آموزش ($0/527 \pm 3/35$) و مجموع کل ($3/34 \pm 0/500$) بود. بر اساس نتایج بین معدل دانشجویان و ادراک آنها از محیط آموزشی همبستگی مستقیم و معناداری وجود داشت. بین سن و میانگین نمرات دانشجویان تفاوت معناداری وجود داشت. (P-Value=0.000)

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطالعه حاضر نشان داد دیدگاه دانشجویان از محیط یادگیری دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش از حیطه های مختلف جو آموزشی در حد نسبتا مطلوبی بود. همسو با نتایج این مطالعه اعرابی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه ای، دیدگاه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگا البرز را بررسی نمودند، نشان دادند محیط آموزش از دیدگاه دانشجویان دارای وضعیت نیمه مطلوب می باشد. برخلاف یافته های پژوهش حاضر، دریا زاده و همکاران (۱۳۹۷) طی پژوهشی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان دریافتند که ادراک دانشجویان از تمامی حیطه های آموزشی نامطلوب است. مناقب و جهرمی (۱۳۹۴) دیدگاه دانشجویان پرستاری علوم پزشکی جهرم را مورد محیط آموزشی بررسی کردند و دریافتند که ادراک دانشجویان از حیطه های توانایی علمی و جو آموزشی نامطلوب می باشد. یکی از عوامل تاثیرگذار در فرآیند یاددهی و یادگیری، محیط یادگیری است که عامل تعیین کننده در انگیزه دانشجویان در یادگیری است و رفتارهای منتج به یادگیری بهتر را تقویت می کند. مسئولین دانشگاه ها می توانند با فراهم کردن بستر مناسب و فضای محیط مثبت یادگیری، منجر به یادگیری بهتر دانشجویان شوند. توصیه می شود مسئولین آموزشی برای ارتقای کیفیت یادگیری دانشجویان و تحقق اهداف آموزشی، به اصلاح نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت فضای آموزشی اهتمام ورزند.

کلمات کلیدی: محیط آموزشی، دانشجو، پرسشنامه DREEM

رویکردی نوین در ارزشیابی بالینی دانشجویان پرستاری در کارآموزی و کارورزی‌ها: کاربرد نرم افزار ارزیاب

بگاه مطوری^۱، معصومه ایمانی پور^۱، رویا مطوری^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: معصومه ایمانی پور

مقدمه:

امروزه مفهوم یادگیری همراه و ارزشیابی همراه توسعه چشمگیری در آموزش پیدا کرده و مورد تاکید است. بر این اساس، مناسب است دانشگاهها بویژه رشته های بالینی همچون پرستاری از روشهای الکترونیک بویژه مبتنی بر تلفن همراه در راستای اهداف و سیاستهای خود بهره برداری لازم را انجام دهند. این در حالیست که در حال حاضر در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، اگر چه از سیستم های مبتنی بر وب و الکترونیک مختلف در جهت فرایندهای آموزشی استفاده می شود، اما در حیطه ارزشیابی بالینی دانشجویان کارشناسی هنوز به صورت سنتی و مبتنی بر کاغذ انجام می شود. این پژوهش با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی سیستم جامع ارزشیابی بالینی همراه برای دانشجویان کارشناسی پرستاری در کارورزی انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش در قالب ۴ مرحله، آماده سازی، طراحی، پیاده سازی و ارزشیابی سیستم جامع ارزشیابی بالینی انجام گرفت. در این مرحله، طی یک یا چند جلسه پانل متخصصان با ترکیبی از اساتید پرستاری مسئول آموزش دانشجویان و نیز اساتید متخصص آموزش پزشکی، مورد بازبینی قرار گرفت. در مرحله طراحی، بعد از آماده سازی اجزا و قالب سیستم جامع ارزشیابی بالینی، این سیستم مبتنی بر وب و به صورت نرم افزار تلفن همراه و لپ تاپ طراحی و تهیه شد. بخش های مختلف نرم افزار شامل حضور و غیاب، رفتار حرفه ای، مهارت پروسیجرال، لاگ بوک، پورتفولیو، آزمون آسکی و نمره نهایی می باشد. پیاده سازی برنامه، از طریق توضیح عملی نرم افزار برای اعضا تیم تدریس و دانشجویان توسط مسئول لاین، نظرسنجی کتبی از نمایندگان گروه ها و اساتید بالینی (CTA, TA) و بازدید میدانی از حسن اجرای نرم افزار انجام گرفت. نرم افزار در طول یک نیمسال تحصیلی در دو لاین پرستاری انکولوژی و اتاق عمل به شکل پیلوت اجرا شد.

نتایج:

بازدیدهای میدانی و نتایج نظرسنجی نشان داد همکاری ناکافی از سوی مربیان CTA بخصوص در قسمت تکمیل مهارت پروسیجرال و پورتفولیو و لاگ بوک و لزوم تعریف کردن ایمیل و رمز ورود برای ۲۰ گروه کارورزی که بسیار زمان بر است، از مشکلات اجرایی طرح بود. برخی مشکلات فنی نیز از نظر دانشجو و استاد گزارش شده بود مانند جذابیت محیط کاربری، ارسال فیدبک از جهت اطمینان از ارسال تکلیف، افزایش زمان ماندگاری کاربر در محیط نرم افزار. تغییر قالب برنامه در نیمسال بعدی، افزایش مدت زمان ماندگاری دانشجو در محیط کاربری از اقدامات اصلاحی انجام شده در این راستا بود. امکان بازخورد به دانشجو در هر حیطه و آگاهی آنان از اجزا مختلف نمره کارورزی خود (نه تنها نمره کل) از نکات مثبت برنامه برشمرده شده بود.

بحث و نتیجه گیری:

در روش سنتی نمره دهی، دانشجویان از بی اطلاعی از نحوه ارزشیابی ابراز نارضایتی کرده و بزرگترین مشکل را عدم آگاهی از میزان نمره هر ایتِم می دانستند. از طرفی عدم پاسخ گویی برخی اساتید در این رابطه از دیگر مشکلات ارزشیابی سنتی محسوب می شود. طراحی این نرم افزار به عنوان ایده ای نو در سطح دانشکده و دانشگاه علوم پزشکی تهران، سبب درک چگونگی ارزشیابی کارورزی ها بشکل عینی و عدالت محور شد و تلاش برای بهتر شدن را تسهیل کرد. پاسخ گویی اساتید، تقسیم بندی دقیق و شفاف سازی و دسترسی آسان در هر زمان و مکان به نرم افزار، همگام بودن تکنولوژی روز دنیا، صرفه جویی در هزینه ها و آگاه تر ساختن دانشجویان از دیگر نقاط مثبت این نرم افزار شده و همچنین باعث کاهش اعتراض نمره دانشجویان خواهد شد.

کلمات کلیدی: نرم افزار، ارزشیابی، کارورزی، پرستاری

بررسی مقایسه‌ای تأثیر آموزش به روش سخنرانی و ایفای نقش بر مهارت‌های ارتباط با بیمار در دانشجویان پرستاری

شیمادمان^۱، محسن فاصله جهرمی^۱، علی دهقانی^۱، راحیل مصلی نژاد^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی جهرم، فارس، ایران

نویسنده مسئول: شیمادمان

مقدمه:

مهارت‌های ارتباط با بیمار به‌عنوان یکی از استانداردهای کیفیت مراقبت پرستاری به‌شمار می‌آید. روش‌های آموزشی نقش مهمی در افزایش مهارت‌های ارتباطی دانشجویان پرستاری دارند؛ لذا این مطالعه باهدف تعیین و مقایسه‌ی تأثیر آموزش به روش سخنرانی و ایفای نقش بر مهارت‌های ارتباط با بیمار در دانشجویان پرستاری انجام شد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش، یک مطالعه نیمه تجربی می‌باشد، جامعه پژوهش را ۴۲ نفر از دانشجویان سال سوم رشته پرستاری دانشکده پرستاری و پیراپزشکی جهرم در سال ۱۳۹۹ تشکیل می‌دادند؛ که به روش سرشماری انتخاب شدند و به‌صورت تخصیص تصادفی، به گروه‌های آموزش به روش ایفای نقش و سخنرانی تقسیم شدند؛ آموزش مهارت‌های ارتباطی، طی ۳ جلسه دو ساعته در طول سه هفته برای هر دو گروه برگزار شد. داده‌ها با استفاده از چک‌لیست مهارت‌های ارتباطی، قبل و یک ماه بعد از مداخله جمع‌آوری و با استفاده از آزمون‌های تی مستقل، تی زوجی، من ویتنی، ویلکاکسون و مجذور کای و در نرم‌افزار spss نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

تفاوت میانگین نمره مهارت‌های ارتباط با بیمار در گروه‌های آموزش به روش ایفای نقش ($34/05 \pm 8/56$) و سخنرانی ($33/67 \pm 7/9$) قبل از مداخله، از لحاظ آماری معنی‌دار نبود؛ اما بعد از مداخله، میانگین نمره مهارت‌های ارتباط با بیمار در دانشجویان گروه‌های آموزش به روش ایفای نقش ($67/38 \pm 8/71$) نسبت به دانشجویان گروه آموزش به روش سخنرانی ($47/00 \pm 12/82$) بالاتر بود و این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار بود ($p=0/001$).

بحث و نتیجه‌گیری:

هر دو روش آموزشی بر افزایش مهارت‌های ارتباطی با بیمار در دانشجویان پرستاری تأثیر دارد؛ اما آموزش به روش ایفای نقش، تأثیرگذارتر از آموزش به روش سخنرانی بود.

کلمات کلیدی: سخنرانی، ایفای نقش، آموزش، مهارت‌های ارتباط با بیمار، دانشجویان پرستاری

بررسی ارتباط درمانی پرستار با بیمار-دانشگاه علوم پزشکی کاشان-۱۴۰۱

محمد شبانی^۱، مهرداد مهدیان^۱، عاطفه حیدری^۱، فاطمه سادات عسگریان^۱، عرفان جودکی^۱، وحید سلمانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: مهرداد مهدیان

مقدمه:

ارتباط به عنوان نمودی از حرفه‌گری و جزء جدایی‌ناپذیر در ارائه خدمات بهداشتی درمانی مطرح می‌باشد. ارتباط موثر از سوی پرستار با بیمار خود، می‌تواند از بسیاری از خطاهای احتمالی بکاهد. همچنین به ارتباط مناسب می‌تواند رضایت بیشتر بیمار را از خدمات دریافت شده به همراه داشته باشد، در مواردی نیز می‌تواند تاثیر بی‌بدیل ارتباط بر بهبود بیمار نیز اشاره کرد. با توجه به اهمیت ارتباط پرستار با بیمار در این مطالعه بدنبال میزان ارتباط‌گیری پرستاران با بیماران می‌باشیم.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش مقطعی- توصیفی است که بر روی جامعه پرستاران تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام شد. حجم نمونه ۳۴۷ نفر بود. معیار ورود به مطالعه داشتن حداقل دو سال سابقه کار، تمایل به شرکت در مطالعه و سن بین ۲۰ تا ۶۵ سال بود. ابزار مورد استفاده پرسشنامه ارتباط درمانی پرستار با بیمار بود که ۴۹ گویه داشت. پرسشنامه در قالب الکترونیک در اختیار جامعه‌ی هدف قرار گرفت و پس از تکمیل پرسشنامه دیتا وارد نرم‌افزار SPSS و آنالیز شد.

نتایج:

از میان ۳۴۷ نفر شرکت‌کننده، ۱۲۳ نفر (۳۵/۴۷ درصد) مرد و ۲۲۴ نفر (۶۴/۵۳ درصد) زن پرسشنامه را تکمیل نمودند، میانگین سن و میانگین سابقه کاری شرکت‌کنندگان به ترتیب 37.10 ± 3.55 سال و 97.3 ± 27.07 سال بود. نمرات کسب شده از حیطه‌های مختلف تفاوت معنی‌داری (کمتر از ۰/۰۰۱) دارد.

بحث و نتیجه‌گیری:

به طور کلی ارتباط درمانی پرستار با بیمار براساس این پرسشنامه مذکور، در سطح مناسبی قرار دارد. البته لازم است برای تقویت نقاط قوت و بهبود ارائه خدمات مراقبت سلامت همچنین ارتقاء کارآیی سیستم درمانی برنامه‌ریزی‌هایی مبتنی بر گویه‌های موجود در پرسشنامه صورت پذیرد. البته باید در نظر داشت پایش مستمر پرسنل جزء بسیار مهم در روند ارتقاء برنامه آموزشی ارتباط حرفه‌ای می‌باشد.

کلمات کلیدی: ارتباط، پرستار، بیماران

بررسی رابطه محیط آموزشی با یادگیری خودراهبر در دانشجویان کارشناسی پرستاری در دوران پاندمی COVID-19

مهناز بهرامی^۱، حسین کریمی مونقی^۲، حکیمه سابقی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: مهناز بهرامی

مقدمه:

همه گیری COVID-19 محیطی نامطمئن و استرس زا برای اساتید و دانشجویان برای آموزش و یادگیری ایجاد کرده است به نحوی که آن را از حالت پویا و فعال خود خارج و بیشتر بار یادگیری را برعهده دانشجو قرار داده است. در این برهه از زمان توانایی یادگیری خودراهبر یک امتیاز ویژه خصوصاً برای دانشجویان محسوب می شود. این مطالعه با هدف بررسی رابطه محیط آموزشی با یادگیری خودراهبر در دانشجویان کارشناسی پرستاری انجام شده است.

مواد و روش ها:

در این مطالعه توصیفی مقطعی ۲۰۰ دانشجوی کارشناسی پرستاری از ترم های تحصیلی مختلف به روش نمونه گیری در دسترس در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مورد مطالعه قرار گرفتند. برای بررسی محیط آموزشی و یادگیری خودراهبر به ترتیب از پرسشنامه های روا و پایا شده DREEM و CHENG استفاده شد که به صورت آنلاین در اختیار دانشجویان قرار گرفت. پس از تکمیل، پرسشنامه ها وارد spss20 شده و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، تی مستقل و من ویتنی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

میانگین نمره محیط آموزشی $(120/20 \pm 27/20)$ و یادگیری خودراهبر $(75/85 \pm 11/73)$ بدست آمد. نتایج این مطالعه نشان داد بین محیط آموزشی و تمامی ابعاد آن با یادگیری خودراهبر و تمامی ابعاد آن رابطه خطی مستقیم و معنادار وجود دارد $(p < 0/05)$. هم چنین محیط آموزشی با جنس و علاقه به رشته و یادگیری خودراهبر نیز با علاقه به رشته ارتباط معنادار داشت $(p < 0/05)$. بین محیط آموزشی و یادگیری خودراهبر با سایر متغیرهای مربوط به مشخصات فردی ارتباط معناداری یافت نشد $(p > 0/05)$.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج مطالعه و حساسیت‌های حرفه پرستاری، مدنظر قرار دادن برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزش خودراهبری و ایجاد یک محیط آموزشی که محرک این مهارت باشد توصیه می‌شود. علاوه بر این، محیط آموزشی خلاقانه و روش‌های آموزشی نوآورانه مانند حل مسئله و یادگیری مبتنی بر مسئله باید برای آماده‌سازی دانشجویان پرستاری برای مدیریت مؤثر پیچیدگی‌های محیط کاری همیشه در حال تغییرشان به کار گرفته شوند.

کلمات کلیدی: پاندمی، پرستاری، دانشجو، محیط آموزشی، یادگیری خودراهبر



بررسی اثر آموزش "در گروه کوچک، نقشه ذهن و مفهومی در آموزش مجازی" بر یادگیری درس گیاهان دارویی دانشجویان رشته داروسازی

سیده فاطمه عسکری^۱، یحیی محمدی^۱، یاسر سموئی^۱، مجید زارع بیدکی^۱، سیده بنت الهدی موسوی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران
۲. دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: سیده فاطمه عسکری

مقدمه:

در دو سال اخیر با بروز و گسترش ویروس COVID-19 و همه گیری بیماری کرونا، تأثیر آن بر جامعه فراگیرتر شده و حتی آموزش پزشکی را نیز تهدید کرده و می کند. از همین رو، در سراسر جهان و به تبع کشورمان ایران، آموزش مجازی به عنوان یک بازوی قدرتمند جهت امر یادگیری در نظر گرفته شده و پلتفرم های خاص برای آن تعیین شده است. با وجودی که آموزش مجازی در ایران و حتی جهان، مغفول مانده بود اما در عرض دو سال اخیر و با شیوع بیشتر پاندمی کووید-۱۹، به مزر شکوفایی خود رسیده و در حال حاضر با وجود نواقصی که دارد، از الزامات آموزشی می باشد. از کمبود های کلاس های درسی مجازی، که در کلاس های حضوری با روش تدریس سخنرانی نیز مشاهده می شود، عدم تعامل مناسب و بازخورد گرفتن از دانشجو است. در بستر سامانه های آموزش مجازی از قبیل نوید، تعامل با دانشجویان همانند کلاس های حضوری می تواند از طریق تکالیف و آزمون ها انجام شود اما در قالب این تعاملات به اهداف کار گروهی در سامانه های مجازی نمی توان دست یافت. برای افزایش کیفیت تدریس و اجرای اصول حاکم بر انتخاب تجارب و فعالیت های یادگیری یادگیرندگان (انتخاب تجارب یادگیری به گونه ای که دانشجو فرصت لازم برای تمرین رفتار متناسب با هدف را داشته باشد، انتخاب تجارب یادگیری به گونه ای که دانشجو احساس رضایت کند، تجارب یادگیری با آمادگی یادگیرنده هماهنگ باشد، امکان بهره گیری از تجارب گوناگون فراهم باشد، تجارب یادگیری منجر به نتایج نامطلوب نشود، تجربیات یادگیری ایده ها و مهارت های تفکر را که برای یادگیرنده و جامعه ارزش تربیتی دارد، پرورش دهد) از دو روش تلفیقی آموزش در گروه کوچک و نقشه ذهن و مفهومی در بستر سامانه آموزش مجازی استفاده شد تا ارتقای ارتباط صحیح بین دانشجویان (که در آموزش مجازی بسیار کم رنگ بوده و جنبه کپی و تقلب این ارتباط پررنگ تر می باشد) و ارتباط دانشجویان با اساتید بررسی شود.

مواد و روش ها:

این مطالعه بر روی دانشجویان در طی دو نیمسال (نیم سال اول و دوم سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱) انجام شد. دسته اول (دانشجویان نیم سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱) فقط در معرض روند عادی تدریس

قرار گرفتند. دانشجویان نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در طی یک محتوای آماده شده، با توضیحات مربوط به نقشه ذهن و مفهومی، نحوه رسم آن به کمک نرم افزار و به کارگیری آن، از طریق سامانه نوید آشنا شدند. سپس دسته دوم به گروه های ۳ الی ۵ نفره تقسیم شدند. گروه بندی تصادفی بود اما معیار دوستی رعایت شد. در پایان ترم، تفاوت نمرات دانشجویان هر دسته، انگیزش و رضایت آنها از نحوه اجرای کلاس ارزیابی شد. پس از پایان جمع آوری اطلاعات نتایج آزمون های Pre test و Post test با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شد. برای تحلیل از آمار استنباطی آزمون های T مستقل و T زوجی استفاده شد.

نتایج:

بین میانگین نمره دانشجویان در گروه های کنترل و مداخله بعد از مداخله تفاوت معنی داری وجود داشت. ($P=0.001$) یعنی میانگین نمره دانشجویانی که به شیوه نقشه ذهن آموزش دیده اند بیشتر از دانشجویانی که به شیوه سخنرانی آموزش دیده اند، بود. بین میانگین نمره انگیزش تحصیلی و میانگین نمره رضایت تحصیلی در گروه های کنترل و آزمون قبل و بعد از مداخله تفاوت معنی داری وجود داشت و میانگین نمره در گروه کنترل بالاتر بود.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج به دست آمده، دانشجویان در گروه نقشه ذهن، نمره آزمون بیشتری را نسبت به گروه سخنرانی کسب کردند اما احتمالاً به سبب زمان بر بودن و نیاز به تمرکز جهت تهیه نقشه ذهن، نمره انگیزش و رضایت در گروه سخنرانی بیشتر می باشد.

کلمات کلیدی: نقشه ذهن، گروه کوچک، داروسازی

تبیین درک و تجارب دانشجویان پزشکی و اعضای هیئت علمی از آموزش بالینی در زمان بحران کووید-۱۹

مریم پاکدل^۱، معصومه کلانتریون^۱، سلیمان احمدی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: معصومه کلانتریون

مقدمه:

آموزش بالینی به عنوان یک بخش حیاتی در آموزش پزشکی محسوب میشود که عمدتاً بر بالین بیمار صورت می پذیرد. در شرایط پاندمی بیماری کووید ۱۹، تمامی فعالیت های اجتماعی به دلیل قابلیت انتشار سریع بیماری و ضرورت پیشگیری از آن، تغییر ماهیت داشته و پروتکل های بهداشتی بر شرایط زندگی، کسب و کار و به خصوص آموزش تأثیر گذار بوده است. شیوع کووید ۱۹ همچنین دانشگاه ها و موسسات دانشگاهی را مختل کرده است. در حوزه سلامت، دانشکده های پزشکی با چالش های منحصر به فرد در رابطه با نقش شان در کمک به توسعه نسل بعدی ارائه دهندگان مراقبت مواجه هستند. این تنش ها به خصوص در پزشکی قابل لمس و بی سابقه است. این تأثیرات در آموزش بالینی پزشکی کاملاً مشهود بوده است. در این شرایط یکی از چالش های پیش روی سیستم آموزشی، آموزش دانشجویان پزشکی و انتقال تجربه های بالینی متناسب به آنان در برخورد با بیماران و در محیط بیمارستان ها بوده که همانند دروس تئوری از طریق آموزش های مجازی محقق نمی شود. لذا این مطالعه با هدف تبیین تأثیرات پاندمی کووید ۱۹ بر آموزش بالینی براساس تجارب و دیدگاه های اساتید و دانشجویان پزشکی صورت گرفته است.

مواد و روش ها:

در این مطالعه کیفی، ۳۲ مشارکت کننده شامل ۱۲ نفر از اعضای هیئت علمی و ۲۰ نفر از دانشجویان رشته پزشکی دوره کارآموزی و کارورزی در دو دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و لرستان به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. داده ها با استفاده از مصاحبه های نیمه ساختارمند براساس راهنمای مصاحبه و همچنین مشاهده آموزش بالینی در بیمارستان و تکمیل فرم مشاهده آموزش، جمع آوری و به روش تحلیل محتوای مرسوم گرینهم و لاودمن آنالیز و تحلیل گردید.

نتایج:

نتایج حاصل از تحلیل داده ها منجر به ظهور ۳ درونمایه اصلی؛ تأثیر پاندمی کرونا در آموزش بالینی، چالش های آموزش بالینی در دوران پاندمی کرونا، راهکارهای ارتقاء آموزش بالینی در دوران پاندمی کرونا و ۶ طبقه اصلی و ۱۶ زیر طبقه گردید.

بحث و نتیجه گیری:

تعدادی از دانشجویان واساتید تمایل به شرکت در پژوهش نداشتند، پژوهشگر با تشریح اهداف مطالعه و کاربردهای آن برای آینده، ایشان را متقاعد نمود. نظر به نبودن موضوع پژوهش، دسترسی به پژوهشهای همانند کمی سخت بود و همین مساله امکان بحث و مقایسه ی یافته های پژوهش کنونی را با دیگر پژوهشها دشوار می کرد. نمونه گیری این پژوهش در زمان بحران کرونا در تهران و خرم آباد انجام شد، دسترسی به دانشکده های پزشکی برای مدتی امکان پذیر نبود و استادان و دانشجویان در دسترس نبودند. همچنین به علت وجود شرایط بحران، وضعیت روحی دانشجویان تحت تاثیر قرار گرفته بود و با نمونه گیری در شرایط عادی متفاوت بود. پژوهشگر در شرایط بحران در بیمارستان حاضر شده و فرم مشاهده آموزش را تکمیل نمود. با توجه به درونمایه ها و طبقات اصلی، اساتید و دانشجویان تاثیرات مثبت کم و تاثیرات منفی زیادی را برای آموزش بالینی در دوران پاندمی کرونا تجربه نموده، همچنین با چالش های بسیاری که علاوه بر مشکلات فردی در بحرانها، عمدتاً مربوط به مشکلات زیر ساختی آموزش بالینی مجازی و نبود شیوه نامه مدون در این خصوص می باشد، روبرو بوده اند. لذا پیشنهاد می گردد؛ به منظور آمادگی برای بحران های مشابه و ارتقای آموزش بالینی در اینگونه موارد، نسبت به تکمیل و توسعه زیرساخت های آموزش بالینی آنلاین و مجازی، بکارگیری رویکردهای آموزشی نوین و تدوین شیوه نامه های آموزش بالینی در بحران برای گروه هدف دانشکده ها، اساتید و دانشجویان اقدام گردد. در این راستا می بایست به وضعیت روحی دانشجویان در شرایط بحران توجه و برای ارتقای کیفیت زندگی ایشان برنامه ریزی نمود، همچنین از بهره گیری از نظرات و دانش کاربردی اهل فن و افراد درگیر، غافل نماند.

کلمات کلیدی: آموزش بالینی، دانشجویان پزشکی، کووید ۱۹



بررسی مقایسه نمرات ابعاد خودکارآمدی (تحصیلی- بالینی) و میزان تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه علوم پزشکی زاهدان (ایران)

مرجان مولائی^۱، بهزاد ریگی کوهته^۲، لیلا صفابخش^۲

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران

نویسنده مسئول: بهزاد ریگی کوهته

مقدمه:

خودکارآمدی از مولفه های اساسی و مهم در تعیین پیشرفت تحصیلی در دانشجویان به حساب می آید. این پژوهش با هدف بررسی مقایسه نمرات ابعاد خودکارآمدی (تحصیلی- بالینی) و میزان تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه علوم پزشکی زاهدان (ایران) در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام گردید.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی می باشد که در یک مقطع زمانی مشخصی انجام گرفت. مطالعه حاضر با کد اخلاق تصویب شده IR.IAU.ZAH.REC می باشد. پژوهش کلیه دانشجویان رشته پزشکی که در دوره کارآموزی، کارورزی و محیط کلینیکال بودند که تعداد ۱۵۰ نفر دانشجوی در مطالعه حاضر شرکت داشتند. تعداد ۷۵ نفر از جمعیت شرکت کننده را دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان و تعداد ۷۵ نفر از جمعیت شرکت کننده در پژوهش را دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان تشکیل دادند. روش نمونه گیری به صورت در دسترس بود. ابزار پژوهش پرسشنامه های خودکارآمدی عمومی شرر (۱۹۸۲)، خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان اون و فرامن (۱۹۸۸) و پرسشنامه انگیزه پیشرفت تحصیلی حسینی و همکاران (۱۳۸۷) بود. داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار spss-22 انجام گرفت.

نتایج:

میانگین سنی دانشجویان شرکت کننده در پژوهش حاضر ۲۵/۶۱ سال با انحراف معیار ۳/۳۸ است. میانگین خودکارآمدی عمومی دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان برابر $M=60/98$ با انحراف معیار ۶/۹۴ می باشد. میانگین خودکارآمدی عمومی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان برابر با $M=61/22$ می باشد. لذا میانگین خودکارآمدی عمومی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان نسبت به دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان بالاتر می باشد.

نمره میانگین دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در خودکارآمدی اندکی بالاتر است. میانگین خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان $M=121/106$ با انحراف معیار $21/22$ می باشد. میانگین خودکارآمدی عمومی در دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان برابر با $M=105/61$ با انحراف معیار $19/00$ می باشد. بر این اساس، میانگین خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان نسبت به دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان بالاتر است. بین خودکارآمدی عمومی و انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پزشکی رابطه معناداری وجود ندارد. بین خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پزشکی رابطه معناداری وجود دارد. نتیجه به دست آمده در سطح $0/01$ معنادار است.

بحث و نتیجه گیری:

خودکارآمدی تحصیلی تاثیر به سزایی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان دارد. با توجه به اینکه میزان خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی نسبت به دانشجویان پزشکی زاهدان کمتر بود، باید برنامه ریزان آموزشی و معاونین دانشگاه نسبت به اهمیت این موضوع توجه بیشتری داشته باشند.

کلمات کلیدی: خودکارآمدی، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان

رضایت تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری: تحلیل مفهوم هیبرید

پردیس رحمت پور^۱، حمید پیروی^۲، حمید شریف نیا^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۳. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: حمید شریف نیا

مقدمه:

دانشجویان و فارغ التحصیلان مشتریان و خروجی های اصلی دانشگاه ها هستند و باید مشخص شود چه چیزی برای آنها اهمیت دارد. در این راستا جهت ارتقای کیفیت خدمات دانشگاهی و اتخاذ سیاست های آموزشی مناسب، نظارت مستمر بر میزان رضایتمندی دانشجویان امری ضروری است. رضایت تحصیلی دانشجو شاخصی برای سنجش کیفیت تدریس، خدمات دریافتی و بقای مؤسسات آموزش عالی در شرایط رقابتی است. با این حال، در مورد تعاریف این مفهوم در دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری اتفاق نظری وجود ندارد. این مطالعه با هدف تحلیل مفهوم رضایت تحصیلی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری با استفاده از مدل هیبرید انجام شد.

مواد و روش ها:

تحلیل مفهوم هیبرید دارای سه مرحله نظری، میدانی و تحلیل نهایی است. در مرحله نظری، پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Scopus، ISI web of Science، ERIC و پایگاه فارسی از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۹ جستجو شدند. در مرحله میدانی مصاحبه با ۱۰ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد (۴ نفر) و دکتری پرستاری (۶ نفر) که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده بودند، انجام شد. داده های مصاحبه با استفاده از نرم افزار MAXQDA نسخه ۱۰ مدیریت و سازمان دهی شدند و با روش های تحلیل محتوا جهت دار تحلیل شدند. در مرحله تحلیل نهایی کدها و مقوله های به دست آمده از مرحله کار میدانی با داده های جمع آوری شده از مرور متون در مرحله نظری مقایسه شد. سپس ویژگی ها و جنبه های مشترک مفهوم رضایت تحصیلی شناسایی و تعریف نهایی این مفهوم ارائه شد.

نتایج:

ویژگی های این مفهوم چند بعدی بودن، ماهیت برآیندی داشتن، منحصر به فرد بودن، وابسته بودن به دانشجو و حس خوشایند است. پیشایندهای این مفهوم آموزش دانشگاهی هدفمند (برنامه آموزشی یکپارچه-آموزش-یادگیری موثر-جو آموزشی پویا)، ویژگی های دانشجو (فردی-اجتماعی-انگیزه دانشجو-مهارت دانشجو-حمایت اجتماعی دانشجو)، ویژگی های اساتید (تخصص اساتید-وظیفه شناسی اساتید-

پاسخگویی اساتید-ویژگی های استاد راهنما)، چشم انداز رشته پرستاری، تعاملات دانشگاهی مثبت (دانشجو-استاد-پرسنل-مدیریت)، خدمات تحصیلی با کیفیت (آموزشی-اداری-فیزیکی-حمایتی) و ارزش درک شده بود. پیامدهای مفهوم نیز از قبیل عملکرد تحصیلی دانشجو، اعتبار دانشگاه و رضایت کلی دانشجو بود.

بحث و نتیجه گیری:

باتوجه به مقوله های این مطالعه، تعریف مفهوم این گونه بود که "مفهوم رضایت تحصیلی در دانشجویان پرستاری مقطع تحصیلات تکمیلی، چند بعدی بوده، ماهیت برآیندی دارد، منحصر به فرد است و نشات گرفته از ارزیابی، ادراکات و تجارب تحصیلی دانشجو است و نوعی احساس خوشایند رضایت از دوره تحصیل برای وی به همراه دارد. رضایت تحصیلی متأثر از آموزش دانشگاهی هدفمند، ویژگی های فردی دانشجو و استاد، تعاملات دانشگاهی مثبت و دریافت خدمات با کیفیت و همچنین چشم انداز رشته پرستاری است و به دنبال ارزش درک شده دانشجو شکل می گیرد. رضایت تحصیلی منجر به پیامدهایی از قبیل ارتقای عملکرد تحصیلی و رضایت کلی در دانشجو و اعتبار دانشگاه می شود". نتایج این مطالعه سوابق، ویژگی ها و پیامدهای رضایت تحصیلی را شناسایی کرد. می تواند به توسعه ابزارها، مدل ها و نظریه هایی برای توصیف و تبیین رضایت تحصیلی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری منجر شود.

کلمات کلیدی: رضایت تحصیلی، ارزشیابی آموزشی



تبیین چالش ها و موانع تاثیر گذار بر کاربرد و توسعه محتوای آموزشی الکترونیک از دیدگاه اساتید علوم پزشکی: مطالعه کیفی تحلیل محتوا

مصطفی بیژنی^۱، مریم زحمتکشان^۱، نجمه صادقی رونیزی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی فسا، فارس، ایران

نویسنده مسئول: مصطفی بیژنی

مقدمه:

محتوای الکترونیکی جدیدترین رسانه جهت یادگیری و جلب توجه فراگیران است. توسعه محتوای الکترونیکی قلب فرآیند یادگیری آموزشی است. اگرچه توسعه محتوا نقش کلیدی در یادگیری الکترونیکی دارد؛ بدون شک، فرآیند آسانی نیست. در این میان، اساتید نقش مهمی در پیاده سازی ابزارهای سیستم های آموزش الکترونیکی و تغییرات فناوری در آموزش عالی دارند؛ اما مشارکت آنها در استفاده از ابزارهای سیستم های آموزش الکترونیکی تحت تاثیر چالش ها و موانع متعدد است. لذا مطالعه حاضر با هدف تبیین چالش ها و موانع تاثیر گذار بر کاربرد و توسعه محتوای آموزشی الکترونیک از دیدگاه اساتید علوم پزشکی انجام شده است

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی توصیفی می باشد. برای جمع اوری اطلاعات کیفی از مصاحبه استفاده شد. بدین منظور ۲۵ مصاحبه فردی نیمه ساختار یافته با ۲۵ نفر از اساتید علوم پزشکی استفاده شد. برای تحلیل داده های کیفی از روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه گرانهمیم و لاندمن استفاده شد.

نتایج:

بر طبق یافته های این مطالعه بطور کلی اساتید با سه چالش اصلی برای تولید و توسعه محتوای الکترونیک شامل چالش های فردی، چالش های مربوط به مدیریت سازمانی و چالش های طراحی دوره مواجه بودند. بر طبق نتایج این مطالعه، یکی از ابعاد مهم چالش های تولید محتوای الکترونیکی تبیین شده بوسیله اعضای هیأت علمی چالش های فردی با سه ساب تم فقدان دانش و مهارت فنی در تولید محتوای الکترونیکی، عدم آشنایی با استانداردهای تولید محتوای الکترونیکی و نگرش منفی نسبت به آموزش الکترونیک است. بر طبق یافته های مطالعه ی حاضر، یکی دیگر از چالش های اصلی تبیین شده توسط اساتید برای تولید و توسعه محتوا؛ چالش های مربوط به مدیریت سازمانی مانند فقدان تجهیزات و فضای استاندارد جهت تولید محتوای الکترونیکی، فقدان پشتیبانی فنی و تکنولوژیکال، ضعف مقررات و فقدان گایدلاین های توسعه محتوای الکترونیک، فقدان مشوق های لازم جهت ترغیب اساتید به تولید محتوای الکترونیکی و فقدان فرصت های توسعه ی مستمر حرفه ای بود. بر طبق یافته های مطالعه حاضر یکی

دیگر از چالش‌های اصلی تبیین شده توسط اساتید؛ چالش‌های مربوط به طراحی دوره شامل طراحی محتوای با کیفیت و متناسب، چالش‌های مربوط به ماهیت درس (تئوری- عملی) و زمانبر بودن فرآیند تولید محتوای الکترونیک است.

بحث و نتیجه‌گیری:

بر طبق نتایج، مهمترین چالش‌های تبیین شده توسط مشارکت‌کنندگان این مطالعه برای تولید و توسعه محتوای الکترونیک شامل چالش‌های فردی با زیر ابعاد فقدان دانش و مهارت فنی در تولید محتوای الکترونیکی، عدم آشنایی با استانداردهای تولید محتوای الکترونیکی و نگرش منفی نسبت به آموزش الکترونیک؛ چالش‌های مربوط به مدیریت سازمانی با زیر ابعاد فقدان تجهیزات و فضای استاندارد جهت تولید محتوای الکترونیکی، فقدان پشتیبانی فنی و تکنولوژیکال، ضعف مقررات و فقدان گایدلاین‌های توسعه محتوای الکترونیک، فقدان مشوق‌های لازم جهت ترغیب اساتید به تولید محتوای الکترونیکی و فقدان فرصت‌های توسعه مستمر حرفه‌ای اساتید؛ و چالش‌های مربوط به طراحی دوره با زیر ابعاد طراحی محتوای با کیفیت و متناسب، ماهیت درس (تئوری- عملی) و زمانبر بودن فرآیند تولید محتوای الکترونیک بودند. با توجه به نتایج این مطالعه، بایستی این نکته را مد نظر داشته باشیم که روش‌های تدریس الکترونیک و تهیه محتوای آموزشی الکترونیک توسط اساتید با روش‌های آموزشی مرسوم و سنتی متفاوت است. بنابراین حمایت روانی، حمایت متدلوژیکال، پشتیبانی فناوری و تکنیکی و انواع حمایت‌های سازمانی و ایجاد فرصت‌های توسعه مستمر حرفه‌ای برای اساتید در جهت به حداقل رساندن تأثیرات منفی ناشی از تغییرات سریع عصر الکترونیک و محیط‌های آموزشی الکترونیک بر اساتید و به تبع آن بر کیفیت محتواها و فرآیندهای آموزشی بسیار ضروری است.

کلمات کلیدی: محتوای الکترونیک، آموزش مجازی، چالش‌ها، اساتید

بررسی رابطه درگیری فکری با حافظه کاری و آموزش در دانشجویان علوم پایه پزشکی مشهد

آرزو رجبیان^۱، سارا صبوری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: آرزو رجبیان

مقدمه:

یکی از انواع حافظه‌ها که پژوهش‌های جدید برآن متمرکز شده و در تکالیف یادگیری و شناختی نقش دارد، حافظه کاری است. حافظه کاری را به عنوان سیستمی برای ذخیره همزمان و دستکاری اطلاعات ضروری که موقتاً اطلاعات را به عنوان بخشی از عملکرد وظایف شناختی پیچیده ذخیره می‌کند، تعریف می‌کنند که با عملکرد در مهارت‌های شناختی دیگر از جمله خواندن، درک زبان و استدلال مرتبط است. یکی از عوامل تاثیرگذار بر حافظه کاری، درگیری فکری است. درگیری فکری به عنوان درگیری فکر مربوط به موضوعی به غیر از تکلیف فعلی در حال انجام تعریف می‌شود. ظرفیت حافظه کاری پیشگویی برای درگیری فکری در طول وظایف شناختی و فعالیت‌های زندگی روزمره است. با توجه به اینکه آشفتگی ذهنی و کیفیت خواب نقش مهمی در حافظه کاری فرد دارد، این پژوهش با هدف توجه به اهمیت درگیری فکری در عملکردهای زندگی روزانه من جمله حافظه کاری و کیفیت آموزش دانشجویان پزشکی انجام شد.

مواد و روش‌ها:

در این پژوهش به منظور جمع آوری داده‌ها و اندازه‌گیری متغیرها از پرسشنامه درگیری فکری و آزمون بلوک‌های کرسی از نرم افزار پیل برای سنجیدن حافظه کاری استفاده خواهد شد.

نتایج:

در مطالعه حاضر ۲۴۱ نفر که در سال تحصیلی ۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند وارد مطالعه شدند. نتایج با استفاده از آزمون همبستگی نشان داد که رابطه معنی داری قوی میان حافظه کاری و شاخص درگیری فکری وجود دارد. ($P=0.01$) همچنین در گروهی از دانشجویان پزشکی که معدل بالا (بالای ۱۷) داشتند میزان درگیری فکری به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از بقیه گروه‌ها بود. ($P=0.002$)

بحث و نتیجه‌گیری:

نتایج مطالعه حاضر، تاثیر میزان درگیری فکری بر عملکردهای روزانه دانشجوی پزشکی از جمله حافظه کاری و کیفیت دوره آموزشی را نشان می‌دهد. بنابراین، بهبود توجه به این امر و سیاست‌گذاری امری ضروری بنظر می‌رسد.

کلمات کلیدی: درگیری فکری، آموزشی، حافظه فکری، دانشجوی پزشکی

بررسی رابطه سبک های حل مسئله و مدیریت کلاس درس آنلاین در اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی مشهد

حسین کریمی مونقی^۱، زهرا صفایی^۱، لیدا جراحی^۱، نازنین شماعیان رضوی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: حسین کریمی مونقی

مقدمه:

یکی از مهمترین ویژگی های موثر در فرایند آموزش آنلاین در آموزش عالی، نحوه مدیریت کلاس از سوی اساتید در فضای نوین آموزشی مبتنی بر آموزش مجازی و آنلاین است. عموماً استفاده موثر از چارچوب های آموزشی یادگیری مجازی منجر به توسعه یادگیری مرتبه بالاتر و تفکر انتقادی در بین دانشجویان می شود. مدیریت موثر از طریق فعالیت و ارزیابی مشارکتی و تعاملی با استفاده از ابزارهای آنلاین مانند گروه های مجازی، ارتباطات همزمان و ناهمزمان، و اتاق های کنفرانس قابل دستیابی است. ظهور کلاس مجازی این امکان را فراهم کرده است که بتوان از امکانات اینترنت برای ایجاد محیط های یادگیری معنی دار و سازنده استفاده کرد. در نتیجه ویژگی های فیزیکی کلاس حضوری در کلاس های مجازی به ویژگی های پیشرفته تبدیل شده است. لزوم شناخت و تسلط به مدیریت کلاس مجازی از ضروریات آموزشی عالی است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه سبک های حل مسئله و مدیریت کلاس درس آنلاین در اعضای هیات علمی علوم پایه دانشکده پزشکی مشهد انجام شد.

مواد و روش ها:

پس از تصویب پیش نویس طرح پژوهشی و دریافت مجوز های لازم از معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد و شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده پزشکی و دریافت مجوز کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی مشهد (IR.MUMS.MEDICAL.REC.1400.669)، نمونه گیری مطالعه آغاز شد. در شروع فرایند نمونه گیری، ابتدا لیست اساتید علوم پایه دانشکده پزشکی تهیه و تعداد اعضای هر یک از گروه ها تعیین گردید، بطوری که در ۱۵ گروه علوم پایه ۱۱۹ هیات علمی به شرح زیر عضویت داشتند؛ گروه علوم تشریح ۱۳ عضو، تغذیه ۱۲ عضو، فیزیولوژی ۱۰ عضو، فیزیک پزشکی، فیزیولوژی و معارف هر یک ۹ عضو، زیست فناوری نانو، ژنتیک پزشکی، ایمونولوژی و انگل و قارچ شناسی هر یک ۸ عضو، آموزش پزشکی، انفورماتیک پزشکی، بیوشیمی و فارماکولوژی هر یک ۷ عضو و گروه علوم اعصاب، زبان انگلیسی و اخلاق مجموعاً ۶ عضو. مجموعاً ۶۵ نمونه بصورت نسبت از کل در هر یک از گروه ها انتخاب شد، بطوری که با استفاده از عدد K تعیین شده، در هر گروه و چارچوب نمونه گیری، تعداد نمونه مورد نظر در هر گروه بصورت تصادفی سیستماتیک انتخاب شد. پس از انتخاب نمونه ها ایمیلی مبنی بر بیان عنوان و اهداف

مطالعه و درخواست شرکت در مطالعه برای افراد انتخاب شده ارسال گردید. پس از کسب رضایت آگاهانه و پذیرش شرکت در مطالعه مشارکت کنندگان پرسشنامه تکمیل شده را ظرف مدت یک هفته برای محقق ارسال نمودند. در این مطالعه پرسشنامه ها به صورت خودگزارشی توسط شرکت کنندگان تکمیل گردید. تعداد ۶۵ پرسشنامه کامل به صورت کدگذاری شده وارد SPSS 22 شد.

نتایج:

میانگین سنی مشارکت کنندگان در مطالعه $49/6 \pm 6/7$ (۳۴ تا ۶۹) سال و میانه سابقه تدریس $12/7$ (۲ تا ۳۴) سال بود. $72/3\%$ مرد و مرتبه علمی $50/7\%$ آنان دانشیار و یا استاد تمام بود. سبک های اعتماد و گرایش به حل مسئله و حل مسئله خلاقانه سبک حل مسئله غالب در میان مشارکت کنندگان بود. همچنین سبک مدیریت کلاس درس آنلاین در $73/8\%$ آنان تعامل گرایانه بود. رابطه معنی داری میان سبک حل مسئله و مدیریت کلاس درس آنلاین وجود دارد ($p=0/004$)، اگرچه سبک مدیریت کلاس درس آنلاین تنها با مرتبه علمی اعضای هیات علمی قابل پیش گویی بود. بطوری که شانس پیروی از سبک تعامل گرایانه در مدیریت کلاس درس آنلاین در اعضای هیات علمی با مرتبه دانشیار و استاد $4/2$ برابر بیشتر از مربی و استادیار بود ($p \leq 0.04$).

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج این مطالعه میان سبک حل مسئله و مدیریت کلاس درس آنلاین رابطه وجود دارد، بنابراین ضرورت دارد که در خصوص ارتقا مهارت های مدیریت کلاس و سبک های حل مسئله اساتید برنامه ریزی انجام شود.

کلمات کلیدی: سبک های حل مسئله، سبک مدیریت، کلاس درس آنلاین، اعضای هیات علمی

عوامل موثر بر مدیریت زمان دانشجویان کارشناسی و پزشکی عمومی دانشگاه های علوم پزشکی کشور ایران در دوران همه گیری کووید-۱۹

محمد رضا دین محمدی^۱، محمد عبدی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: محمد رضا دین محمدی

مقدمه:

اهمیت مدیریت زمان توسط دانشجویان به ویژه با پر رنگ شدن آموزش مجازی بیش از پیش احساس می شود. این مطالعه با هدف تعیین عوامل موثر بر وضعیت مدیریت زمان بین دانشجویان علوم پزشکی ایران در دوره همه گیری کووید-۱۹ انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه مقطعی مبتنی بر وب با استفاده از نمونه گیری در دسترس از تمام دانشجویان دوره کارشناسی و پزشکی عمومی دانشگاه های علوم پزشکی سراسر ایران از طریق شبکه های اجتماعی واتس آپ و تلگرام انجام شد. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه آنلاین اطلاعات فردی و پرسشنامه مدیریت Trueman and Hartley بود. داده ها در نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با آمار های توصیفی و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج:

۱۱۸۳ نفر دانشجوی علوم پزشکی کشور در این مطالعه شرکت کردند. میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان ۲۲/۰۸(۳/۱۵) سال و اکثریت آنها زن ۷۳۴(۶۲) بودند. میانگین و انحراف معیار نمره مدیریت زمان کل دانشجویان ۴۵/۱۹(۸/۳) (۷۰-۱۷) بود. تحلیل رگرسیون خطی چندگانه از بین ۱۲ متغیر فردی و تحصیلی دانشجویان، شش متغیر (جنس، معدل کل، مدت مطالعه در شبانه روز، مدت حضور در فضای مجازی، اشتغال داشتن و نوع دانشگاه) را در پیش بینی مدیریت زمان آنها موثر تشخیص داد.

بحث و نتیجه گیری:

سطح مهارت مدیریت زمان دانشجویان علوم پزشکی ایران در وضعیت نسبتاً مطلوب قرار دارد. جنسیت زن، معدل بالاتر، مدت مطالعه بیشتر، حضور کمتر در فضای مجازی، اشتغال و عضویت در دانشگاه آزاد سبب مدیریت زمان بهتر خواهد شد. شیوع همه گیری کووید-۱۹ و پر رنگ شدن آموزش های مجازی، سیاست گزاران آموزشی را بر شناسایی و مدیریت کارآمد عوامل موثر بر مدیریت زمان دانشجویان وا می

دارد. همچنین بر لزوم توانمندسازی دانشجویان بر مهارت های فردی لازم بر مدیریت زمان را نیز تاکید می نماید.

کلمات کلیدی: مدیریت زمان، دانشجوی علوم پزشکی، آموزش مجازی، پیشرفت تحصیلی، شبکه های اجتماعی، همه گیری کووید-۱۹



تبیین الزامات کارآفرینی در دانشگاه های علوم پزشکی و موسسات آموزش عالی سلامت

مرضیه دشتی رحمت آبادی^۱، امیر مازیار نیایی^۲، ساره خاتون شاکری^۲

۱. مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی، تهران، ایران.

۲. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: مرضیه دشتی رحمت آبادی

مقدمه:

امروزه که فعالیت‌ها شکل تازه‌ای گرفته و به‌سوی خودکارفرمایی و خوداشتغالی در حرکت است، کارآفرینی و کارآفرینان جایگاهی کلیدی در پیشرفت اقتصادی یافته‌اند. نیروی انسانی، منبعی نامحدود و محور هر توسعه‌ای است و کارآفرینان، نقشی موثرتر در توسعه اقتصادی دارند. هدف این طرح آشنایی با دیدگاه اساتید/کارآفرینانی است که تلاش می‌کنند فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه و موسسات آموزش عالی جریان یابد، و اینکه ایشان برای تربیت دانشجویان کارآفرین در دانشگاه‌ها چه الزاماتی را مورد تاکید قرار می‌دهند.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه کیفی با روش تحلیل محتوا هدایت گردید. پس از انتخاب مطلعین کلیدی، هماهنگی برای مصاحبه نیمه‌ساختارمند انجام شد. با نه نفر از صاحب‌نظرانی که در زمینه کارآفرینی/نوآوری سابقه داشته و در مورد چالش‌های مسیر کارآفرینی در دانشگاه‌های هر دو وزارتین صاحب‌نظر بودند با میانگین سنی 30 سال، مصاحبه شد. مدت هر مصاحبه ۹۰-۳۰ دقیقه بود. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Maxqda استفاده شد. نقطه اتکاء تحقیقات کیفی، مصاحبه با سوالات باز می‌باشد. این نوع مصاحبه رسمی یک مکالمه ساختاریافته محسوب می‌شود و با رو نویسی کلمه به کلمه و یا ضبط صدا همراه است و بیشتر حالت خود هدایتی دارد. در این مطالعه که در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ انجام شد، مصاحبه‌ها عمدتاً بر تجربه اساتید در مورد روند کارآفرینی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی استوار بود و سوالات راهنمای مصاحبه به دنبال نظر اساتید درباره چالش‌های این مسیر، اولویت‌هایی که باید در این مسیر مورد توجه مدیران ارشد قرار بگیرد، و راه حل‌هایی که مدنظر داشتند استوار بود. برخی از ایشان که مشاوران جوان کارآفرینی بوده و در راه اندازی استارت‌آپ‌های مختلف فعال بودند، به غنی‌شدن داده‌ها کمک نمودند. چهار

معیار مقبولیت^۱ قابلیت انتقال^۲ قابلیت اطمینان^۳ و قابلیت تایید^۴ که برای صحت و استحکام^۵ داده های کیفی مطرح است نیز مرتباً^۵ مورد توجه بوده است.

نتایج:

با دسته بندی و تحلیل داده ها، نهایتاً^۱ چهار تم اصلی استخراج گردید: اول: لزوم مدیریت خردمندان و چابک برای استقرار کارآفرینی در دانشگاه ها: اکثر مصاحبه شوندگان قوانین موجود برای کارآفرینان را کافی می دانستند ولی گفتند: این قوانین نمی تواند در بازه زمانی معمول برای کارآفرینان اجرایی شده و مفید باشد. مثلاً^۲ از کند بودن اخذ مجوزها شاکی بودند. تبیین و تفهیم قوانین تصویب شده به مسئولان اجرایی و اینکه قوانین بتوانند در نظام دانشگاهی پیاده شود نیز مورد تاکید بود؛ لذا پیشنهادهای برای تدوین یا اصلاح قوانین موثر برای استقرار و استحکام کارآفرینی داشتند. ایشان معتقد بودند که در زمینه اصلاح فرآیندهای درون دانشگاهی به راحتی می توان خدماتی را یافت که قابل واگذاری به استارت آپ های حوزه سلامت هستند. این امر مستلزم تغییر نگاه سیاست گذاران و مدیران سلامت کشور است. در واقع ماهیت درآمدی استارت آپ ها باید به گونه ای تسهیل شود که بتوانند ارائه خدمت را به جای مشتری در حوزه سلامت، به سازمان ها و نهادهای سلامت دولتی، ارائه دهند. این امر با نظارت دقیق و مستمر دولت بر سلامت جامعه منافات نداشته، بلکه با برون سپاری خدمات، می تواند زمینه اشتغال بسیاری از فارغ التحصیلان سلامت کشور را فراهم کند. فعال سازی موثر تبلیغات، جشنواره ها و نقش روابط عمومی های دانشگاه ها برای گسترش فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه ها نیز بسیار مهم است. دوم: نقش تاثیرگذار سرمایه در کارآفرینی دانشگاهی: جذب سرمایه های جدید به دانشگاه منجر به افزایش گردش مالی می شود؛ لذا نوآوری های آموزشی و ایجاد/اصلاح فرآیندهای دانشگاهی که مشوق سرمایه گذاری خارج از دانشگاه می باشد، می تواند منابع مالی بخش خصوصی را در اختیار مدیران دانشگاه ها قرار دهد. جذب سرمایه گذاران و برقراری ارتباط با صنعت (سلامت) و آگاهی کامل شرکت های خصوصی از مسائل حل نشده بخش سلامت برای تسهیل و ترغیب ایشان به سرمایه گذاری نیز بسیار مهم است. سوم: تقویت عوامل زیرساخت در دانشگاه ها برای کارآفرینی: دانش افزایی نیروی انسانی با قرارگیری افراد در محیطی که پذیرای ایده های نوآورانه و خلاقانه است، بسیار مهم می باشد. در همین راستا توانمندسازی کارکنان/دانشجویان در فعالیتهای کارآفرینانه بسیار موثر است. تقویت و بسیج امکانات دانشگاهی دو وزارتخانه علوم و بهداشت، با همراهی سایر نهادهای علمی و معاونت های مختلف دانشگاه و وزارتین، آینده خوبی را رقم خواهد زد. چهارم: رخنه کارآفرینی در فرآیندهای آموزشی: با طراحی های نوین آموزشی، بایستی آموزش کارآفرینی را رسماً^۳ وارد کوریکولوم رشته های تحصیلی مختلف

¹ Credibility

² Transferability

³ Dependability

⁴ Conformability

⁵ Trustworthiness and Rigors

نماییم، حتی از مدارس این‌گونه طراحی‌ها آغاز شود. اما؛ آموزش و یادگیری کارآفرینی که در روند ارزشیابی اساتید انعکاس یابد، به نوعی اجباری نمودن مباحث کارآفرینی است، که با روح کارآفرینی و ایده‌پردازی، که از نهاد هر فرد باید برخیزد مغایرت داشته و زمینه‌های فساد را برمی‌انگیزاند. در کنار توسعه دانشگاه و در زمینه آموزش‌های مکمل نیز تدوین نقشه‌راه توسعه‌فردی ابرای هر دانشجو از زمان ورود به دانشگاه، خیلی مهم است. همچنین با استفاده از شیوه‌های متعدد آموزشی و برگزاری دوره‌های مهارتی متفاوت و همراستا با علایق و نیازهای دانشجویان نیز می‌توان بهره‌جست.

بحث و نتیجه‌گیری:

کارآفرینان تحصیل کرده، می‌توانند در بازگشت سرمایه فردی و اجتماعی موثر باشند. این افراد با تولید و به‌حرکت در آوردن چرخ اقتصاد، در تولید ناخالص ملی نقش موثری داشته و ثبات اقتصادی و امنیت ملی به‌ارمغان می‌آورند. مدیریت صحیح و تغییر برخی اصلاحات ساختاری در دانشگاه‌ها برای بسترسازی برای فعالیت کارآفرینان، می‌تواند هم دولت و هم آحاد جامعه را برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و برقراری گردش مالی در جهت کارآفرینی و رفع نیازهای جامعه ترغیب نماید.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، کارآفرین، آموزش عالی.

تبیین مدل سرآمدی مرجعیت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم از طریق مدل تحلیل سلسله مراتبی تصمیم گیری گروهی

عاطفه کرم زاده جهرمی^۱، لیلی مصلی نژاد^۱، اسماعیل رعیت دوست^۱، صدیقه نجفی پور^۱، جمیله صارمی نوری^۱، اباذر روستازاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی جهرم، فارس، ایران

نویسنده مسئول: لیلی مصلی نژاد

مقدمه:

در طی دو دهه اخیر اغلب اسناد سیاستی بالا دستی کشور به لزوم ماموریت محوری و تمرکز و تمایز نهادهای علمی به منظور نیل به مرجعیت علمی تاکید داشته اند. دانشگاه های علوم پزشکی با داشتن مزیت های رقابتی فراوان از امکانات بالقوه متنوعی برای تبدیل شدن به قطب های علمی در سطح کلان منطقه ای و ملی برخوردار می باشند. این دانشگاه ها با برنامه ریزی متمرکز و حمایت های ستادی می توانند در برخی از حوزه های علمی رهبری خود را حتی در سطح بین المللی تثبیت نمایند. کسب مرجعیت علمی، از جمله تأکیدات مقام معظم رهبری در سیاست های ابلاغی نظام سلامت می باشد. شناسایی بهره‌مندی از توانمندی دانشگاه ها فرصتی برای توسعه‌ی کشور محسوب می گردد. بنابراین ضرورت دارد برجسته ترین توانمندی هر دانشگاه به مجامع علمی معرفی گردد. مدل سلسله مراتبی یک تکنیک وزن دهی به معیارها از طریق مقایسه عناصر هر خوشه در تصمیم گیری گروهی است. دانشگاه علوم پزشکی جهرم به عنوان یکی از واحدهای آموزش عالی سلامت، در راستای برنامه تحول و نوآوری در آموزش پزشکی، اقدام به شناسایی توانمندی های برجسته خود در سطح کلان منطقه پنج آمایشی نموده است. هدف از این مطالعه، احصاء مرجعیت شاخص های بهترین شواهد سرآمدی و مدل مطلوب در دانشگاه علوم پزشکی جهرم است.

مواد و روش‌ها:

در این پژوهش که از طریق تصمیم گیری خبرگان و مدل گروهی سلسله مراتبی انجام گردید، در ابتدا گروه های اسمی از معاونت‌های مختلف نسبت به ارائه توانمندی ها و شاخص های سرآمدی و بررسی وضعیت موجود خود در زمینه نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت ها اقدام و به معاونت آموزشی ارسال گردید. در مرحله بعد پنل خبرگان باحضور معاونین و رابطین هر معاونت و جمعی از اعضای هیات علمی صاحب نظر در زمینه آینده پژوهش و گروه های مختلف علوم پایه با نقش ارزنده بهترین شواهد علمی در دانشگاه بودند. در پنل های متعدد خبرگان با ۵ جلسه تخصصی، وضعیت موجود با تلفیق بخش های

۴ گانه برنامه استراتژیک، شاخص های سرآمدی احصاء گردید و سپس با وزن دهی به شاخص ها، اولویت های اصلی به ترتیب اولویت تبیین شد.

نتایج:

نتایج تبیین شاخص های سرآمدی دانشگاه از طریق مدل سلسله مراتبی تصمیم گیری گروهی نشان داد که حیطه های سرآمدی در ۴ حیطه آموزش، پژوهش، منابع زیرساختی / انسانی و حیطه خدمات درمانی قابل تبیین است. از مصادیق حیطه آموزش می توان به توسعه آموزش های فعال و نوآورانه در آموزش تئوری و بالینی/ توسعه طراحی فرایند های آموزش پاسخگو و مبتنی بر جامعه / توسعه مهارت ها و شایستگی های دانشجویان کلیه رشته ها و تحصیلات تکمیلی، در حیطه پژوهش می توان به شاخص های ارتقای روحیه خودباوری نوآوری، نظام مند و مبتنی بر تیم در دانشگاه / افزایش بودجه تحقیق، پژوهش و دانش پژوهی/ توسعه حمایت و ارتقای کمیته های پژوهشی و مراکز تحقیقاتی/ تقویت ارتباط تحقیقات با مراکز صنعتی و بازارکار و تبدیل ایده به محصول/ توسعه و حمایت شرکت های دانش بنیان، در حیطه منابع زیرساختی و انسانی حمایت از نخبگان و ارتقای میزان ماندگاری آنها/ ایجاد زمینه همکاری نخبگان با سطوح مختلف علمی در سطح بین المللی - ملی و منطقه ای / توسعه و بهینه سازی منابع زیرساختی و فضاهای فیزیکی و در حیطه خدمات درمانی می توان به بهینه سازی، توسعه و ارتقای خدمات درمانی مرکز سرطان سینه/ بخش شیمی درمانی، رادیوتراپی، یورولوژی، مرکز ناباروری با حضور پیشکسوتان/ ارتقای حضور متخصصین و فوق تخصص رشته های تخصصی درمانی/ ارتقای مراکز رجیستری داده های پزشکی در جهت هوشمندسازی اطلاعات و استفاده آن در برنامه های آموزشی و پژوهشی و هوش مصنوعی اشاره نمود.

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس یافته های پژوهش، ضمن تبیین حیطه هایی که در آن قابلیت مرجعیت علمی وجود دارد، وضعیت هر دانشگاه هویت آن دانشگاه جهت حرکت در مسیر پیشرفت علمی بوده و لازم است با مدل های به روز تبیین گردیده و شاخص های عملیاتی اجرا گردد.

کلمات کلیدی: مرجعیت علمی، مدل، سلسله مراتبی

بررسی رابطه توانایی حل مسئله و تنظیم هیجان در دانشجویان دندان پزشکی

قزوین

مهدیس بهمن پورا^۱، مهرک امجدی^۲، فاطمه سفیدی^۲، زهرا امینی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

نویسنده مسئول: مهرک امجدی

مقدمه:

نتایج مطالعات حاکی از آن است که مجموعه ای از عناصر هیجانی، شناختی، رفتاری، و اجتماعی در تحول هیجانی - اجتماعی نقش ایفا می کنند. بدین ترتیب هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه توانایی حل مسئله و تنظیم هیجان در دانشجویان دندان پزشکی قزوین است.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی- تحلیلی و از نوع همبستگی است که بر روی کلیه دانشجویان دندانپزشکی که در سال ۱۴۰۰ در دانشکده مشغول به تحصیل می باشند، انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل سه ابزار پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی که شامل؛ سن، جنس، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات دانشجویان بود، پرسشنامه حل مسئله پارکر و پرسشنامه دشواری تنظیم هیجان (DERS) گرتز و روئمر (۲۰۰۴) بود. جهت جمع آوری داده ها پرسشنامه ها به وسیله پست الکترونیک ارسال یا توسط پرسشنامه الکترونیکی در گروه های دانشجویی در اختیار آنان قرار گرفت و یا به صورت چهره به چهره در جلسات و یا بخش های آموزشی به دانشجویان ارائه شد. اطلاعات گردآوری شده وارد نرم افزار Spss نسخه ۲۴ شد، سپس با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد...) و آمار تحلیلی شامل t مستقل، تحلیل واریانس مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که میانگین حل مسئله در دانشجویان مورد مطالعه ($5/28 \pm 66/43$) بود. بیش ترین میانگین مربوط به مولفه شهود $1/47 \pm 16/67$ و کم ترین میانگین مولفه تفکر ($1/64 \pm 16/53$) بود. میانگین کل پرسشنامه دشواری در تنظیم هیجان در دانشجویان مورد مطالعه ($5/37 \pm 91/69$) بود که بیش ترین میانگین مولفه دستیابی محدود به راهبردهای اثربخش تنظیم هیجان $2/37 \pm 24/76$ و کم ترین میانگین مولفه عدم پذیرش هیجان منفی ($11/19 \pm 2/04$) بود. بین هیچکدام از این متغیر های حل مسئله و تنظیم هیجان با مقطع تحلیلی کلینیک و پره کلینیک رابطه معناداری وجود نداشت. همچنین بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان با حل مسئله و ابعاد آن و تنظیم هیجان و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری یافت نشد.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج مطالعه حاضر توانایی حل مسئله و تصمیم گیری صحیح و به موقع، استفاده از تفکر و استدلال در تشخیص و درمان بیماران و در کنار آن داشتن مهارت تنظیم هیجان و مواجهه منطقی با چالش ها با آگاهی از هیجانات منفی خود و دیگران، به دانشجویان کمک می کند تا بتوانند درمان صحیح و بدون مشکلی را برای بیماران داشته باشند.

کلمات کلیدی: اساتید، آموزش مجازی، دانشجویان، دندانپزشکی، کیفیت تدریس



شناسایی ابعاد تاثیرگذار آموزش پاسخگو در دانشگاه علوم پزشکی مازندران

علی گل افشانی^۱، تقی باهو طرودی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: تقی باهو طرودی

مقدمه:

آموزش پاسخگو را می توان به عنوان آموزش پزشکی مناسبی تعریف کرد که در تمام حیطه های عملیاتی خود اولویت مشکلات بهداشتی کشورش را در نظر می گیرد و هدف آن تربیت پزشکانی است که می خواهند و می توانند به جامعه خود خدمت نمایند و به نحو مؤثری با مشکلات بهداشتی مواجه شوند. روش اجرا این پژوهش از نظر هدف، کاربردی که با رویکرد آمیخته با طرح اکتشافی انجام شد. در رویکرد کیفی از روش دلفی و در رویکرد کمی از روش توصیفی از نوع پیمایشی استفاده شد.

مواد و روش ها:

جامعه آماری آن را در بخش کیفی اساتید دانشگاه علوم پزشکی استان مازندران به تعداد ۲۰ نفر و در بخش کمی مدیران و اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران به تعداد ۴۶۵ نفر تشکیل دادند که در بخش کیفی از روش نمونه گیری هدفمند و با در نظر گرفتن قانون اشباع تعداد ۱۰ نفر و در بخش کمی بر اساس فرمول کوکران تعداد ۲۱۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای براساس مرتبه علمی به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده ها در بخش کیفی از فیش برداری و مصاحبه نیمه ساختار یافته و بخش کمی از پرسش نامه محقق ساخته آموزش پاسخگو با ۳۵ سوال با ۱۰۸ سوال استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی و معادلات ساختاری استفاده شد.

نتایج:

نتایج نشان داد که؛ آموزش پاسخگو دارای سه بعد (آموزشی، پژوهشی و قانونی) است که بعد شناختی دارای تأثیر بیش تر و بعد فردی (شخصیتی) دارای تأثیر کم تر است. متغیر آموزش پاسخگو دارای میانگین $3/759$ و انحراف معیار $0/759$ و بیش ترین مقدار $4/96$ و کم ترین مقدار $1/60$ می باشد. در بین ابعاد آموزش پاسخگو، بیش ترین میانگین ($3/880$) مربوط به بعد قانونی با انحراف معیار $0/999$ و کم ترین میانگین ($3/596$) مربوط به بعد آموزش با انحراف معیار $0/764$ می-باشد. نتیجه آزمون Bartlett نشان داده که سطح معناداری $0/05 > Sig$ محاسبه شده است، لذا شواهد کافی برای تأیید فرض صفر مشاهده نشده و فرض تحقیق تأیید می گردد و داده ها همبسته می باشند. لذا داده ها کفایت و همبستگی لازم جهت اجرای تحلیل عاملی اکتشافی را دارند. درصد واریانس تبیین شده در ستون آخر نشان می دهد که

۷۷/۳۲۸٪ از تغییرات سؤالات توسط ابعاد استخراج شده قابل تبیین هستند. نتایج تحلیل عاملی تاییدی مندرج در جدول ۴-۲۶ نشان می دهند که؛ در سطح اطمینان ۹۹٪ مقادیر t-value برای هر سه بعد آموزش پاسخگو، در خارج بازه ی (۲/۵۸ ، -۲/۵۸) قرار دارند. همچنین مقدار R2 برای هر سه بعد در سطح بالاتر از قوی بوده است. بالاترین ضریب استاندارد (۰/۸۹۲) مربوط به بعد آموزش و پایین ترین ضریب استاندارد (۰/۸۵۴) مربوط به بعد قانونی است.

بحث و نتیجه گیری:

بین متغیر آموزش پاسخگو با ابعاد آن رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. براساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تاییدی متغیر آموزش پاسخگو دارای سه بعد (آموزشی، پژوهشی و قانونی) است. در تبیین این یافته می توان گفت که؛ مناسب بودن فضای آموزشی برای تدریس، علاقمندی اساتید دانشگاه به حرفه خود، تناسب محتوی دروس دانشگاه بر اساس اولویت های سلامت جامعه، برگزاری کارگاه های آموزشی آموزش پزشکی پاسخگو و جامعه نگر برای گروه های آموزشی، تاکید آموزش دانشگاه بر ارتقای سلامت و پیشگیری از بیماری ها، در نظر گرفتن روش ها، فنون و مفاهیم اپیدمیولوژی اجتماعی برای دوره های کارورزی، تناسب برنامه های آموزشی با نیازهای جامعه، توانمندسازی نیروی انسانی موجود در جهت تامین سلامت جامعه، تناسب اولویت های پژوهشی دانشگاه با نیازهای نظام سلامت، استفاده از اساتید متخصص برای انجام طرح های پژوهشی، وجود ارتباط نزدیک بین طرح های پژوهشی و نظام سلامت، وجود فضای آموزشی (کتابخانه، کارگاه آموزشی و پژوهشی) مناسب در دانشگاه جهت انجام امور پژوهشی، اجرای صحیح قوانین و مقررات در دانشگاه، و اطلاع رسانی به موقع قوانین در دانشگاه، بهنگام از عوامل آموزشی، پژوهشی و قانونی هستند که در آموزش پاسخگو نقش دارند.

کلمات کلیدی: آموزش پاسخگو، آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

شناسایی وضعیت آموزش علوم پزشکی پاسخگو و ارائه راهکارهای اجرایی از دیدگاه خبرگان حوزه آموزش

سمیرا علیرضائی^۱، پریسا حسینی کوکمری^۱، گلی ارجی^۱

۱. دانشکده علوم پزشکی ساوه، مرکزی، ایران

نویسنده مسئول: سمیرا علیرضائی

مقدمه:

سرعت تغییر در نظام سلامت و نیازهای جامعه، بازنگری در آموزش پزشکی، به نحوی که پزشکانی متناسب و آماده رویارویی با مشکلات تربیت کند، ضروری می‌نماید. اهمیت آموزش پاسخگو و ضرورت وجود آن در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور آنچنان حائز اهمیت است که یکی از سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کلان تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی، نهادینه‌سازی رویکرد آموزش پاسخگو در نظام سلامت می‌باشد. مهمترین چالشی که امروز آموزش عالی ایران با آن روبرو است، پاسخگویی به شرایط محیطی است. در این راستا پاسخگویی دانشگاه‌ها به محیط می‌تواند زمینه توسعه و موفقیت دانشگاه‌ها و جامعه را فراهم کند. اهمیت آموزش پاسخگو و تغییر و تحولات آموزش در این حوزه نیاز به بررسی چالش‌ها در این زمینه دارد تا بتوان از طریق آن فرصت‌هایی جهت بهبود و ارتقای حوزه آموزش پزشکی فراهم نمود. بر این اساس هدف پژوهش حاضر، شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های حوزه آموزش علوم پزشکی و ارائه راهکارهای اجرایی در دانشگاه علوم پزشکی زنجان بود.

مواد و روش‌ها:

پژوهش حاضر به روش کیفی و در ۲ مرحله در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه علوم پزشکی زنجان انجام شد. در مرحله اول به مرور متون و بررسی مقالات مرتبط علمی پژوهشی در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی و انگلیسی پرداخته شد و در مرحله دوم ۲۱ نفر از مدیران حوزه آموزش دانشگاه بصورت هدفمند جهت شرکت در جلسات نشست خبرگان انتخاب شدند و جلسات تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کروگر انجام شد.

نتایج:

در نهایت ۱۵ چالش و ۹ فرصت در دانشگاه علوم پزشکی زنجان در حوزه آموزش علوم پزشکی پاسخگو شناسایی شد و پس از آن، راهکارهایی توسط خبرگان، در راستای رفع چالش‌ها با استفاده از فرصت‌های موجود ارائه شد. برای چالش‌های «عدم درک و برداشت یکسان از مفهوم آموزش پاسخگو و عدالت محور میان اساتید، مدیران و دانشجویان» و «انگیزه ناکافی اساتید برای ورود به حوزه آموزش پاسخگو و حضور در عرصه بدلیل عدم آشنایی با مفاهیم این حوزه»، دو راهکار «آشناسازی اساتید با مفاهیم

آموزش پزشکی پاسخگو» و «برگزاری جلسات پاسخگویی اجتماعی برای اساتید و دانشجویان از طریق دفاتر توسعه آموزش» ارائه گردید. از دیگر چالش های شناسایی شده، ناهماهنگی میان بخش آموزش و اجرا در دانشگاه در توسعه برنامه های آموزش پاسخگو، ارتباط ضعیف و ناهماهنگی میان بخش بهداشت و درمان با آموزش و فاصله گرفتن آموزش پزشکی از برآورده کردن نیاز های جامعه بود که پیشنهادات اجرایی شامل انعقاد تفاهم نامه میان معاونت های دانشگاه درخصوص پیگیری و اجرای برنامه های مربوط به پاسخگویی، در گیر نمودن مدیران گروه های آموزشی در برنامه های مربوطه، استفاده از ظرفیت مراکز تحقیقاتی در دانشگاه همچون مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت و استفاده از نتایج طرح های پژوهشی شناسایی بار بیماری ها و ریسک فاکتورها در سطح استان زنجان و همکاری با سازمان ها و نهادهای اجتماعی در سطح استان در زمینه ایجاد همکاری های بیشتر در حوزه آموزش پاسخگو بود.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان داد هماهنگی و تقویت نگرش مشترک میان معاونت های مختلف دانشگاه و مدیران ستادی، بازنگری برنامه های درسی و آموزشی، پیدایش درک مشترک از مفاهیم پاسخگویی در آموزش علوم پزشکی میان ذینفعان مختلف اعم از دانشجویان، اعضای هیات علمی، مدیران، معاونین و روسای دانشکده ها و مراکز آموزشی درمانی و لحاظ نمودن انگیزش های کافی در دانشگاه می تواند زمینه ارتقای پاسخگویی اجتماعی در آموزش علوم پزشکی را مهیا نماید.

کلمات کلیدی: آموزش پاسخگو، پاسخگویی اجتماعی



بررسی تاثیر اتاق عمل شبیه سازی شده در مرکز مهارت‌های بالینی بر افزایش سطح مهارت‌های فردی و رضایتمندی دانشجویان اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی جیرفت و بم

عصمت نوحی^۱، محمد امیرافضلی نسب^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: عصمت نوحی

مقدمه:

اتاق عمل سیستم پیچیده ای است که شخص، تکنولوژی و بیماران را در یک محیط فیزیکی برای رسیدن به پیامدهای مطلوب در بیماران هماهنگ می‌سازد. هدف اصلی این پژوهش تعیین تاثیر اتاق عمل شبیه سازی شده در مرکز مهارت‌های بالینی بر سطح مهارت و رضایتمندی دانشجویان اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی جیرفت و بم بود.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر، مطالعه ای توصیفی از نوع آزمایشی بود و جامعه آماری آن را کلیه دانشجویان اتاق عمل مقطع کارشناسی ترم چهارم تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی جیرفت و بم تشکیل می‌دادند که تعداد ۴۰ با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل به عنوان نمونه انتخاب شده بودند. در این پژوهش برای جمع آوری داده‌ها، پرسشنامه مهارت‌های بالینی مهدوی و پرسشنامه رضایتمندی از روش تدریس بریم نژاد و آزمون تحلیل کوواریانس با استفاده از نرم افزار ۲۳ spss به کار گرفته شد.

نتایج:

یافته‌ها نشان داد که نشان دهنده تفاوت معنی دار بین میانگین نمرات پیش آزمون و پس آزمون در متغیر سطح مهارت و رضایتمندی بود. میانگین نمرات پس آزمون گروه مداخله به طور معنی داری در متغیر سطح مهارت و رضایتمندی بیشتر از گروه کنترل است. با در نظر گرفتن مجذور اتا در مرحله پس آزمون میتوان گفت به ترتیب ۰/۲۵ و ۰/۱۹ از این تغییرات ناشی از اثر متغیر مستقل (آموزش اتاق عمل شبیه سازی شده) است.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج تحقیق نشان داد که اتاق عمل شبیه سازی شده در مرکز مهارت‌های بالینی بر سطح مهارت و رضایتمندی دانشجویان اتاق عمل تاثیر دارد.

کلمات کلیدی: اتاق عمل شبیه سازی شده، مرکز مهارت‌های بالینی، مهارت‌های فردی، رضایتمندی

دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در خصوص مفاهیم و ضرورت برنامه آموزشی پزشکی پاسخگو

طیبه شگری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: طیبه شگری

مقدمه:

آموزش های مبتنی بر جامعه موجب آگاهی از نیازهای بیماران و ارتقاء عملکرد حرفه پزشکی بوده و تمرکز آموزش پزشکی باید از رویکرد بیمارمحور به سمت رویکرد جامعه محور تغییر یابد. این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در خصوص مفاهیم و ضرورت برنامه آموزشی پزشکی پاسخگو انجام گردید.

مواد و روش ها:

در این مطالعه مقطعی دیدگاه ۵۳ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع کارآموزی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در خصوص مفاهیم و ضرورت برگزاری برنامه پزشکی پاسخگو با استفاده از یک پرسشنامه خودساخته مورد بررسی قرار گرفت. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات چهار نفر از کارشناسان آموزش پزشکی و پایایی آن با روش آزمون باز آزمون (آلفای کرونباخ ۰/۷۶) تعیین شد.

نتایج:

از کل دانشجویان شرکت کننده در پژوهش، ۳۹/۵٪ با مفهوم آموزش پزشکی پاسخگو آشنا بودند و ۵۳٪ آنها ارائه آن را ضروری می دانستند. از دیدگاه ۳۵٪ دانشجویان آموزش ها تاحد زیادی تخصصی و فوق تخصصی بودند. ۵۲/۵٪ دانشجویان اعتقاد داشتند آموزش پزشکی پاسخگو تا حد زیادی موجب تربیت نیروی انسانی متناسب با نیاز جامعه می شود و ۵۹٪ آموزش فعلی را تاحدزیادی جامعه محور می دانستند. از دیدگاه اکثر دانشجویان، آموزش پزشکی پاسخگو مهارت آنها را در امر غربالگری بیماری ها در حد متوسط افزایش داده بود. ۴۸٪ دانشجویان تأثیر اجرای برنامه در ارتقاء کیفیت خدمات سرپایی به بیماران را زیاد می دانستند.

بحث و نتیجه گیری:

از آنجا که نظام سلامت باید در مقابل ارائه کیفیت خدمات سلامت پاسخگو باشد و دانشکده های پزشکی باید در مقابل دانش، نگرش و مهارتهای فارغ التحصیلان خود پاسخگو باشند. اجرای برنامه پزشکی پاسخگو می تواند منجر به تربیت پزشکان کارآمد با توانایی کسب دانش و رویارویی با مشکلات پیچیده نظام سلامت شده و در نهایت زمینه را برای بررسی ارتقاء سطح سلامت جامعه فراهم آورد.

کلمات کلیدی: آموزش، پزشکی پاسخگو، آموزش جامعه محور، دانشجویان پزشکی

نیازهای آموزشی درک نشده پزشکان خانواده شاغل در مراکز خدمات جامع سلامت در حیطه بیماری های قلبی عروقی

مریم جامعی^۱، سمیه اکبری فارمد^۲، فریبرز اکبرزاده^۳، رامین عسگریان^۱

۱. مرکز بهداشت شمال غرب تهران، تهران، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، آذربایجان غربی، ایران

نویسنده مسئول: سمیه اکبری فارمد

نویسنده مسئول: سمیه اکبری فارمد

مقدمه:

شناخت نیازهای آموزشی پزشکان خانواده پیرامون بیماری های قلبی عروقی موجب ارتقای تشخیص و درمان این اختلالات می شود. این مطالعه با هدف بررسی نیازهای آموزشی درک نشده پزشکان خانواده شاغل در مراکز خدمات جامع سلامت استان تهران در حیطه بیماری های قلبی عروقی اجرا گردید.

مواد و روش ها:

در پژوهشی تحلیلی مقطعی، ۴۰ پزشک شاغل در ۸ مرکز جامع سلامت استان تهران پس از تکمیل پرسشنامه فراوانی مراجعات قلبی عروقی، پرسشنامه خوداظهاری را با هدف برآورد سطح مهارت و میزان نیاز به آموزش در حیطه قلبی عروقی تکمیل کردند. سپس آزمون سناریوی بالینی برای تعیین سطح آگاهی پزشکان در حیطه های قلبی عروقی برگزار گردید. در نهایت کلیه داده ها جمع اوری و تحلیل گردید.

نتایج:

از ۴۰۱۷ مورد مراجعه بیماران قلبی عروقی طی ۴ ماه، فشارخون (۶۰٪) و دیابت (۳۶٪) فراوان ترین علل مراجعه بودند. در خوداظهاری پزشکان، سطح مهارت در موضوعات قلبی عروقی ۵۹٪ و میزان نیاز به آموزش ۹۰٪ بود. "معلومات پزشکان خانواده در سنکوپ و ایست قلبی" با (۴۹/۴٪) کمترین سطح مهارت ابراز شده و با (۹۶/۶۷٪) بیشترین میزان نیاز به آموزش ابراز شده را بدست آورد، فراوانی نمرات کل پزشکان در آزمون سناریوی بالینی ۴۱/۵٪ بود، "سنکوپ و ایست قلبی" (۶۰/۱٪) بیشترین و "تاکیکاردهیهای دهلیزی و بطنی" (۲۰/۸۳٪) و "اختلالات هدایتی قلب" (۲۵/۶۷٪) کمترین نمره سناریو را بدست آورد. فراوانی نمرات سناریو بین مراکز شهری و روستایی تفاوت معناداری نداشت. فراوانی نمرات سناریو در همه حیطه های قلبی عروقی بجز "سنکوپ و ایست قلبی" از نمرات مهارت خوداظهاری شده کمتر بود.

بحث و نتیجه گیری:

با وجود شیوع بالای بیماریهای قلبی عروقی و علل خطرناک، پزشکان خانواده شاغل در مراکز جامع سلامت شهری و روستایی دارای نیازهای آموزشی درک نشده در حیطه های قلبی عروقی می باشند و لازم است تا برنامه های آموزشی پزشکان خانواده بر اساس نیازهای آموزشی درک نشده طراحی و اجرا شوند.

کلمات کلیدی: پزشک خانواده، مرکز خدمات جامع سلامت، نیاز آموزشی، بیماری قلبی عروقی



امکان‌سنجی استفاده از برنامه‌ی آموزش بدون سخنرانی در آموزش هوشبری در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران

محسن حبیبی^۱، فخرالسادات میرحسینی^۱، مریم علیزاده^۲، سمیه نادى^۱، دین پارملی^۱، منوچهر آزادچهر^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: فخرالسادات میرحسینی

مقدمه:

تحقیقات آموزشی مزایای استراتژی‌های یادگیری فعال را در کلاس‌های درس بزرگ نشان داده است، یافته‌های مطالعات، ترغیب‌کننده حرکت به سوی یک برنامه درسی بدون سخنرانی می‌باشد. برنامه درسی بدون سخنرانی فرصت‌هایی را برای ایجاد تجربیات آموزشی معنادارتر در مرحله پیش‌بالینی می‌دهد. مطالعه حاضر به بررسی امکان استفاده از این نوع برنامه برای دروسی از کوریکولوم رشته هوشبری پرداخته است.

مواد و روش‌ها:

مطالعه در سه فاز مرور و تحلیل متون، و توصیفی انجام شد. در فاز اول گویه‌های پرسشنامه امکان‌سنجی با تحلیل ۲۵ مورد از ۹۶ شواهد بازیابی شده، استخراج گردید. کلیدواژه‌ی (lecture-free[Title/Abstract] OR "lecture free"[Title/Abstract]) تا ۱۴۰۱ از ۴ پایگاه داده انجام شد و در نرم‌افزار اندنوت ذخیره گردید. سپس با تحلیل محتوای جهت‌دار و مبتنی بر اهداف پژوهش، گویه‌های اولیه پرسشنامه در سه حیطه‌ی بستر فرهنگی، بستر و امکانات آموزشی، و بستر فناوری اطلاعات و امکانات تکنولوژیک دسته‌بندی شد. پرسشنامه از لحاظ روایی محتوا و صوری در پنل خبرگان متشکل از ۱۵ نفر افراد مسلط به مباحث بیهوشی و آموزش پزشکی مورد تایید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه با روش آزمون-بازآزمون انجام شد. در مرحله سوم پرسشنامه لیکرت ۵ تایی (از ۱ کمترین تا ۵ بیشترین امکان) با ۳۰ گویه توسط ۵۲ نفر شرکت‌کننده که رضایت از مشارکت در مطالعه داشتند تکمیل گردید که متشکل از اعضای هیات علمی مسلط به مفاهیم بیهوشی و آموزش پزشکی به اضافه دانشجویان هوشبری مقطع ارشد آموزش که سابقه دستکاری در تدریس دروس را داشته و دانشجویان مقطع کارشناسی در مرحله کارآموزی عرصه پایانی بودند. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار SPSS 26 و با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

میانگین نظرات هر سه گروه مدرسین غیربالینی ($n=11$) از گروه هوشبری ($3/58 \pm 0/50$)، دانشجویان (۳۱ نفر) ($3/76 \pm 0/74$) و متخصصین بیهوشی (۱۰ نفر) ($3/37 \pm 0/50$) در ارتباط با حیطه بستر فرهنگی به طور معناداری بالاتر از حد متوسط (۳) بود ($p < 0/05$). در ارتباط با حیطه امکانات ساختاری، تنها میانگین نظرات دانشجویان ($3/45 \pm 0/98$) بالاتر از حد متوسط بوده است ($p = 0/016$). همچنین از لحاظ امکانات تکنولوژیک، میانگین نظرات دو گروه مدرسین غیربالینی گروه هوشبری ($3/93 \pm 0/91$) و دانشجویان ($3/0 \pm 0/73/82$) بالاتر از حد متوسط بوده ($p < 0/05$).

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج بدست آمده، اجرای برنامه‌ی آموزش بدون سخنرانی در حیطه‌ی فرهنگی از نظر تمام شرکت کنندگان (مدرسین غیربالینی گروه هوشبری، مدرسین متخصصین بیهوشی و دانشجویان) امکان پذیر است و در حیطه‌ی امکانات ساختاری تنها از نظر دانشجویان و در حیطه‌ی امکانات تکنولوژیک از نظر اساتید و دانشجویان، اجرای برنامه آموزشی بدون سخنرانی یا به عبارتی با استفاده از روش‌های یادگیری فعال امکان پذیر است.

کلمات کلیدی: برنامه درسی، بدون سخنرانی، آموزش، روش های فعال

بررسی میزان دستیابی به اهداف آموزشی تماس زودرس با بیمار (ECE) از دیدگاه دانشجویان پزشکی در دوره علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

سمانه طهماسبی قرابی^۱، آرین کریمی روزبهانی^۲، نوید مختاری^۳، زهره خوش گفتار^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: زهره خوش گفتار

مقدمه:

تحصیل در دوره پزشکی معمولاً با چالش‌های متعددی همراه می‌باشد که از جمله آن‌ها برخورد با محیط آموزشی ناآشنای بالینی است. در سال‌های اخیر در نظام‌های آموزش پزشکی، تماس زودرس بالینی سهم به‌سزایی در انگیزه بیشتر تحصیلی و نگرش مثبت به حرفه پزشکی در دانشجویان داشته است. در این مطالعه، میزان دستیابی به اهداف آموزشی تماس زودرس با بیمار (ECE) از دیدگاه دانشجویان پزشکی در دوره علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بررسی شده است.

مواد و روش‌ها:

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی می‌باشد که به بررسی میزان دستیابی به اهداف آموزشی تماس زودرس با بیمار (ECE) از دیدگاه دانشجویان پزشکی در دوره علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی می‌پردازد. از بین تمام دانشجویانی که این واحد درسی را گذرانده‌اند، میزان دستیابی به اهداف برنامه در قالب پرسشنامه در مقیاس لیکرت ارزیابی گردید. اطلاعات بر اساس نرم افزار آماري spss مورد تجزیه و تحلیل آماري قرار گرفتند.

نتایج:

میانگین سنی دانشجویان در مطالعه 21.5 ± 2.6 بود. اکثریت دانشجویان (۸۹٪ / ۳) اظهار داشتند که برنامه ECE می‌تواند آن‌ها را با محیط‌های بالینی آشنا کند. ۷۹/۸٪ از آن‌ها معتقد بودند که با استفاده از نقش دروس علوم پایه در پزشکی و به کارگیری آن در محیط‌های بالینی، تجربه بالینی آن‌ها افزایش یافته است. ۷۷ درصد دانشجویان معتقد بودند، در این دوره موفق شده‌اند اصول مهارت‌های ارتباطی را یاد بگیرند. ۸۹/۶ درصد دانشجویان ذکر کردند علاقه‌شان به رشته پزشکی افزایش پیدا کرده است. عمده دانشجویان (۶۰/۵ درصد) ارائه این برنامه را در ایجاد حس مسوولیت پذیری موثر دانستند. ۸۶/۸ درصد از دانشجویان اجرای برنامه ECE را در درک اخلاق پزشکی تاثیرگذار بیان کردند. همچنین آن‌ها عنوان کردند انگیزه و علاقه‌شان به پزشکی و خواندن دروس بیشتر شده است. ۸۴/۸ درصد از

دانشجویان عنوان کردند اجرای این دوره حس درس خواندن بیشتری در آن ها ایجاد کرده است. ۷۰/۸ درصد دانشجویان ذکر کردند برنامه ECE توانسته است در نمرات پایان ترم آن ها تاثیر مثبت داشته است. به طور کلی، اکثر دانشجویان (۸۹٪) شرکت در ECE را لازم و ضروری عنوان کردند.

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس نتایج به دست آمده، به نظر می رسد اجرای این دوره به عنوان عامل انگیزشی جهت فراگیری دانشجویان و افزایش عملکرد آن ها در طول دوره تحصیل موثر بوده است. همچنین این دوره باعث آگاهی از فرایند حرفه پزشکی، ایجاد حس مسوولیت پذیری و درک اخلاق پزشکی از سوی دانشجویان شده است. لذا پیشنهاد می گردد که برنامه تماس زودرس به عنوان بخشی از آموزش های دانشجویان پزشکی مورد توجه ویژه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: تماس زودرس بالینی، آموزش بالینی، برنامه درسی، علوم پایه



بررسی وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه اساتید رشته های پرستاری و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۴۰۰

علی دهقانی^۱، فریبا فخراوری^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی جهرم، فارس، ایران

نویسنده مسئول: فریبا فخراوری

مقدمه:

آموزش بالینی به معنای راهنمایی و بازخورد مؤثر در مباحث اساسی به شکل حضوری و حرفه ای با هدف توسعه آموزش در چارچوب تجارب دانشجویان برای ارائه مراقبت سالم و مناسب به بیمار است. نظارت و بررسی وضعیت آموزش بالینی می تواند منجر به بهبود کیفیت آموزشی دانشجویان گردد. لذا این مطالعه با هدف تعیین وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۴۰۰ طراحی و اجرا گردید.

مواد و روش ها:

در این مطالعه توصیفی مقطعی ۲۵ نفر از اساتید رشته های پرستاری و پیراپزشکی به روش سرشماری شرکت نمودند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه استاندارد CCTEI با ۱۵ سوال و مقیاس لیکرت ۵ درجه ای بود. جهت تجزیه و تحلیل آماری داده ها، از آزمون های آماری توصیفی شامل میانگین و آزمون های تی مستقل، کروسکال والیس و آنووا با بهره گیری از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد.

نتایج:

یافته ها نشان داد وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه اساتید در سطح بالا با میانگین کل ۶۶/۱۶ از نمره کل ۷۵ بود. همچنین یافته ها در این خصوص نشان داد که وضعیت آموزش بالینی بر حسب در بین گروه های آموزشی، مرتبه علمی استاد و سابقه تدریس اختلاف معنی داری ندارد. ($P = 0/09$)

بحث و نتیجه گیری:

یافته های این مطالعه نشان وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه اساتید در سطح بالایی می باشد این در حالی است که به نظر می رسد دیدگاه دانشجویان متفاوت از دیدگاه اساتید باشد لذا بررسی وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان و سپس مقایسه وضعیت آموزش بالینی به منظور تقویت آموزش بالینی ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: آموزش بالینی، پرستاری، هوشبری، اتاق عمل، اساتید

تبیین چالش‌ها و راهکارهای توسعه دانش پژوهی آموزشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران: مطالعه کیفی

فتانه عمویی^۱، رقیه ولی پور خواجه غیائی^۱، سیاوش مرادی^۱، رویا ملک زاده^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: فتانه عمویی

مقدمه:

دانشگاه‌ها از رویکردهای مختلف برای مقابله با چالش عدم استقبال اعضای هیأت علمی از اقدامات دانش‌پژوهانه استفاده نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به برگزاری دوره‌های توجیهی برای اساتید به خصوص اساتید تازه کار و برگزاری دوره‌های آموزشی برای به‌روز نمودن اساتید جهت تهیه مواد آموزشی و کمک آموزشی نوین و ساده سازی فرآیند ثبت اجرای دانش‌پژوهی اشاره کرد که البته به نظر می‌رسد از اثرگذاری چندان مطلوبی برخوردار نبوده‌اند. با توجه به مسائل پیشگفت و نیز از آنجائیکه شناسایی راهکارهای توسعه دانش‌پژوهی آموزشی در اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها می‌تواند فراهم کننده زمینه مناسب جهت تعالی و بالندگی دانشکده‌های وابسته به علوم پزشکی باشد و همچنین با عنایت به اینکه در جستجوی صورت گرفته در منابع، شواهدی دال بر ارائه راهکارها و چالش‌های توسعه دانش پژوهی آموزشی نیافتیم، لذا این مطالعه با هدف واکاوی چالش‌ها و راهکارهای توسعه دانش‌پژوهی آموزشی از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام گردید.

مواد و روش‌ها:

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی و از نوع تحلیل محتوایی بود. نمونه‌های این مطالعه به صورت هدفمند انتخاب شدند. نمونه‌ها، اعضای هیأت علمی صاحبان فرایندهای نوآورانه آموزشی و اعضای هیات علمی که در کارگاه‌های آموزشی دانش پژوهی و تدوین فرایندهای نوآورانه آموزشی شرکت ولی فرایندی تدوین نکردند را شامل می‌شد. جمع آوری اطلاعات تا زمانی که داده‌های جمع‌آوری شده، تکرار داده‌های قبلی باشد و اطلاعات جدیدی یافت نشود و اشباع داده‌ها صورت گیرد، ادامه یافت. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های گروهی نیمه ساختار یافته با شیوه بحث گروهی متمرکز (Focus Group Discussion)، استفاده شد. مدت زمان اجرای هر جلسه ۲ ساعت بوده که از آن مدت، نود دقیقه به بحث و تعامل اعضای گروه درباره موضوع پژوهش اختصاص یافته و در سی دقیقه باقیمانده، مصاحبه‌گر به مرور و جمع‌بندی نقطه نظرات شرکت‌کنندگان پرداخته است. برای ثبت داده‌ها هم از ضبط صوت و هم یادداشت‌برداری استفاده شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا قراردادی استفاده گردید. بدین منظور چندگام شامل آماده‌سازی داده‌ها، تعیین واحد معنا، توسعه طبقات و نقشه‌کدگذاری،

آزمون نقشه کدگذاری در یک نمونه از متن، کدگذاری تمام متن، ارزیابی همسانی کدگذاری خود، ترسیم نتیجه‌گیری خود از داده‌های کدگذاری شده و در نهایت گزارش روش‌ها و یافته‌ها برداشته شد. در این مطالعه، برای صحت و استحکام مطالعه از راهبرد هایی چون درگیری مداوم با محتوای داده‌ها و بازنگری پی در پی داده‌ها، اختصاص زمان کافی و شرکت طولانی مدت در روند تحقیق، حسن ارتباط با مشارکت کنندگان و تاکید بر محرمانه بودن اطلاعات، جمع آوری داده‌ها از دو گروه‌های مختلف اساتید بالینی و پایه، تائید اطلاعات توسط مشارکت‌کنندگان و ارائه توصیف کامل از گزارش تحقیق برای خوانندگان استفاده گردید. لازم بذکر است پروپوزال مطالعه حاضر در معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی مازندران تایید و کد اخلاق گرفت.

نتایج:

پس از ادغام کدهای مستخرج از دو جلسه بحث گروهی متمرکز و بازبینی‌های مکرر در نهایت ۷۵ کد شناسایی شد. سپس این کدها در ۱۴ مقوله طبقه‌بندی شدند که شامل رهبری و مدیریت آموزشی، سیاستگذاری نامناسب، توانمندسازی، منابع مالی، حمایت مادی و معنوی، منابع اطلاعاتی، محیط آموزشی حامی، کارگروهی و تیمی، انتشار نتایج، ایجاد فرهنگ نوآوری، شناسایی نیازهای آموزشی، مدیریت تغییر، منتورینگ و همگرایی بین رشته‌ای می باشد. در نهایت ۶ مقوله اول ذیل درون‌مایه چالش‌ها و ۸ مقوله دیگر ذیل درون‌مایه راهکارها قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری:

نتایج این مطالعه نشان داد که از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه، مهمترین چالش‌های توسعه دانش پژوهی آموزشی، عدم وجود مجله دانش پژوهی آموزشی برای تسهیل نشر فرایندهای آموزش، نداشتن پایگاه اطلاعاتی برای فرایندهای آموزشی، دشواری تدوین فرایندهای آموزشی، بالا بودن امتیاز فعالیت‌های پژوهشی نسبت به فعالیت‌های دانش پژوهی، بیگانه بودن اعضای هیات علمی نسبت به دانش پژوهی و فرایندهای آموزشی، عدم آشنایی اساتید جهت تبدیل فعالیت‌های آموزشی به فرایندهای نوآورانه آموزشی و ارزشگذاری نامناسب به فعالیت‌های دانش پژوهی در ارتقای هیات علمی بوده است و مهمترین راهکارهای توسعه دانش پژوهی؛ ارتقاء همکاری‌های بین حرفه‌ای برای تدوین فرایندهای آموزشی، استفاده از مدیریت تغییر برای توسعه فعالیت‌های دانش پژوهی، توسعه فعالیت‌های گروهی جهت فعالیت‌های دانش پژوهی، نشر فرایندهای آموزشی در دانشگاه جهت انتقال تجربه، توسعه فضای تعاملی برای فعالیت‌های دانش پژوهی در دانشکده‌ها و مرکز توسعه آموزش، شناسایی نیازهای آموزشی (دانشجو، جامعه، هیئت علمی) جهت تدوین فعالیت‌های دانش پژوهی و ایجاد منتورینگ در گروه‌های آموزشی بوده است.

کلمات کلیدی: دانش پژوهی آموزشی، چالش‌ها، راهکارها

بررسی تاثیر آموزش کنترل استرس از طریق پادکست بر تعارض کار و زندگی در دستیاران خانم دانشگاه علوم پزشکی ایران سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰

اعظم نوروزی^۱، زهره سهرابی^۱، داود رسولی^۱، زهرا مقیمی^۱، قباد رضانی^۲، قدیر پوربایرامیان^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

نویسنده مسئول: زهره سهرابی

مقدمه:

با توجه به افزایش روزافزون اطلاعات در عصر حاضر و رشد و تکوین الگوهای آموزشی و تحولي که در مفهوم یادگیری رخ داده است، تغییر رویکرد آموزش از شیوه‌های سنتی به آموزش الکترونیکی و آموزش مجازی اهمیت یافته است. این مطالعه با هدف بررسی تاثیر آموزش کنترل استرس از طریق پادکست بر تعارض کار و زندگی در دستیاران خانم دانشگاه علوم پزشکی ایران سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ انجام شده است.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه از نوع شبه تجربی دو گروهی (از طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل) بود. نمونه پژوهش را کلیه دانشجویان دستیار خانم دانشگاه علوم پزشکی ایران سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ تشکیل می‌داد. ۷۰ نفر از دستیارهای خانم به روش سهمیه‌ای و سپس تصادفی ساده از بین دستیاران سال یک تا سال آخر انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه مشخصات فردی و دموگرافیک و پرسشنامه تعارض کار- زندگی کارلسون استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های استنباطی در نرم‌افزار SPSS v.23 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سطح معناداری $p < 0.05$ در نظر گرفته شد.

نتایج:

دو گروه به لحاظ متغیرهای زمینه‌ای همسان بودند ($p=0.001$). دو گروه از نظر میانگین نمرات تعارض کار- زندگی قبل از مداخله تفاوت آماری معنادار نداشتند ($p=0.931$). دو ماه بعد از مداخله تفاوت آماری معنادار در میانگین نمرات تعارض کار- زندگی بین دو گروه مشاهده شد ($p=0.000$).

بحث و نتیجه‌گیری:

با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر، به نظر می‌رسد آموزش کنترل استرس از طریق پادکست باعث کاهش تعارض کار و زندگی شده است. آموزش مدیریت استرس می‌تواند استرس کاری و تعارض کار-

زندگی دستیاران را کاهش دهد. لذا آموزش مهارت‌های مدیریت استرس در حیطه‌های مدیریتی، بالینی و آموزشی دستیاران ضروری به نظر می‌رسد.

کلمات کلیدی: کنترل استرس، پادکست، تعارض کاری، دستکاری، دانشگاه علوم پزشکی ایران.



ارتباط بین گرایش به تفکر انتقادی با خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان پزشکی

عادلہ عیسیٰ نظر^۱، علیرضا حمدی^۱، مریم خوشبخت پیشخانی^۱، نسترن میرفرهادی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

نویسنده مسئول: نسترن میرفرهادی

مقدمه:

در دنیای امروزی تفکر انتقادی لازمه سازگاری، توانایی حل مسئله و تصمیم گیری است. از سوی دیگر احساس خودکارآمدی با افزایش تلاش و اشتیاق فرد برای حل مسائل، احتمال موفقیت فرد را افزایش می دهد. مطالعه حاضر باهدف تعیین ارتباط بین گرایش به تفکر انتقادی با خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان پزشکی انجام گرفت.

مواد و روش ها:

این مطالعه تحلیلی- مقطعی روی ۱۴۵ نفر از دانشجویان رشته پزشکی در مقطع کارآموزی و کارورزی در سال ۱۴۰۰ انجام شد. سه پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی ریکتس (Ricketts 2003) و پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان اون و فرامن (Owen & Froman) در اختیار دانشجویان قرار گرفت. داده ها وارد نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ گردید و با آزمون های آمارتوصیفی و استنباطی آزمون (کای اسکوئر، آزمون تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون) مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

بر اساس نتایج این مطالعه، ۵۵/۲٪ شرکت کنندگان مرد و میانگین سنی دانشجویان $25/17 \pm 1/96$ سال بود. ۶۲/۸٪ افراد دارای خودکارآمدی تحصیلی بالا و ۸۵/۵٪ آن ها دارای تفکر انتقادی قوی بودند و تنها ۱/۴٪ افراد، گرایش به تفکر انتقادی ضعیف داشتند، بین خودکارآمدی تحصیلی با معدل تحصیلی دانشجویان ارتباط معنی داری وجود دارد ($p < 0/001$ و $x^2 = 38/14$). بین گرایش به تفکر انتقادی با جنسیت ($t = 2/10, P = 0/038$)، رده سنی ($t = 2/45, P = 0/016$) و معدل تحصیلی ($f = 11/78, P < 0/001$) ارتباط آماری معنی دار مشاهده گردید. نتایج نشان داد که بین گرایش به تفکر انتقادی با خودکارآمدی تحصیلی همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد ($r = 0/244, P < 0/001$).

بحث و نتیجه گیری:

گرایش به تفکر انتقادی با خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان پزشکی ارتباط داشت. آموزش و تقویت تفکر نقادانه در دوره دانشجویی به دانشجویان پزشکی می تواند موجب تقویت خودکارآمدی حرفه ای در ایشان گردد.

کلمات کلیدی: تفکر انتقادی، خودکارآمدی، دانشجویان

مولاژ الکترونیکی نمایش ارتباط شبکه بازویی و عضلات اندام فوقانی

محسن اکبری بزم^۱، الناز خرداد^۱، محمد قربانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: الناز خرداد

مقدمه:

علم آناتومی و چگونگی انتقال مفاهیم آن یکی از مهم ترین محورهای آموزش در رشته های مختلف علوم پزشکی در سراسر جهان می باشد. با توجه به کاهش واحدها و ساعات آموزش آناتومی، محدودیت زمان و هزینه، کمبود جسد در سالن های تشریح به علت اعتقادات مذهبی، فرهنگ سازی ضعیف در زمینه اهدای جسد و هزینه های تهیه، فیکس و نگهداری آن اهمیت رسیدگی به این چالش را دو چندان می کند. به علاوه مطالعات مختلف نشان می دهد که یکی از دلایل مهم مرگ های پس/حین جراحی، عدم آشنایی کافی جراحان نسبت به آناتومی ساختارها و مجاورات آن ها می باشد. شبکه های عصبی از جمله شبکه عصبی بازویی (Brachialis plexus) نمونه ای از چالش های یادگیری و تدریس آناتومی می باشد. به همین منظور در مطالعه حاضر سعی شد تا نمونه اولیه مولاژ الکترونیکی جهت نمایش ارتباط این شبکه و عضلات اندام فوقانی طراحی گردد.

مواد و روش ها:

در مطالعه حاضر مولاژ الکترونیکی شامل دو بخش شامل شبکه عصبی بازویی و اندام فوقانی با تکیه بر کمپارتمان بازویی طراحی شد. این دو بخش با تکیه بر سیستم صوتی و نوری، عملکردهای مختلفی جهت آموزش شبکه بازویی و عضلات بازویی ارائه می دهد. در شبکه بازویی چهار عصب موسکلوکوتانئوس (Musculocutaneous)، رادیال (Radial)، مدین (Median) و اولنار (Ulnar) از جنس خمیر مجسمه سازی در کنار عضلات این کمپارتمان شامل عضله تراپسپس (Triceps)، عضله بایسپس (Biceps)، عضله براکیالیس (Brachialis) و عضله کوراکوبراکیالیس (Coracobrachialis) از جنس اپوکسی رزین طراحی شده و با کمک سیستم الکترونیکی در تعامل با یکدیگر قابلیت عکس العمل های صوتی و نوری دارند. پس از طراحی مولاژ الکترونیک جهت ارزیابی عملکرد و اهمیت آن، در دو ورودی ۱۱ نفره از رشته پرتوشناسی پزشکی (ورودی های مهر ۱۳۹۸ و مهر ۱۳۹۹) بخش مربوطه با کمک مولاژ الکترونیک تدریس شد. قبل از شروع تدریس ارزشیابی با ۶ سوال تحت عنوان پیش آزمون (Pre-test) و پس از تدریس همان مبحث نیز با همان سوالات تحت عنوان پس آزمون (Post-test) از دانشجویان بعمل آمد. نتایج حاصل از ارزشیابی پیش/پس آزمون در گروه ها با یکدیگر مقایسه شد. همچنین عملکرد مولاژ الکترونیکی توسط متخصصین حوزه علوم تشریح و دانشجویان رشته های مختلف علوم پزشکی بررسی و از لحاظ شاخص

هایی همچون کاربردی بودن طرح در تدریس شبکه بازویی، توانایی ارتقاء (توسعه به سایر کمپارتمان های آناتومی)، توانایی ایجاد انگیزه، کمک به تسهیل یادگیری شبکه بازویی و عضلات مربوط به آن، انطباق آن با منابع معتبر علمی آناتومی، قابلیت تجاری سازی و در نهایت سطح نوآوری بر اساس نمونه های خارجی و داخلی ارزیابی شد.

نتایج:

این مولاژ سه عملکرد مشخص در زمینه آموزش آناتومی شبکه بازویی و عضلات کمپارتمان بازو شامل نشان دادن و معرفی مستقیم عضلات، اعصاب و ارتباط بین عضلات و اعصاب آن ها از طریق سیستم های نوری و صوتی می باشد. پس از ارزیابی نتایج مرتبط با پارامترهای نظر سنجی از متخصصین علوم تشریح مشخص شد که به طور میانگین نمره ۳/۸ از ۴ به عملکرد و اهمیت این مولاژ داده که در بین شاخص های تعریف شده، شاخص قابلیت تجاری سازی با کم ترین امتیاز (۳/۲) حضور داشت. پس از آنالیز نتایج مربوط به پیش آزمون و پس آزمون ارزیابی دانشجویان رشته پرتوشناسی ورودی ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ مشخص شد که به طور میانگین دانشجویان ورودی ۱۳۹۸ در پیش آزمون نمره ۲/۵۵ را کسب کردند این در حالی بود که میانگین نمره پس آزمون آن ها ۵/۳۶ ثبت شد که این افزایش از نظر آماری معنادار ($P=0.009$) بود. میانگین نمره کسب شده دانشجویان ورودی ۱۳۹۹ در پیش آزمون نمره ۳/۰۰ بود در حالی که میانگین نمره پس آزمون آن ها ۵/۲۷ ثبت شد که این افزایش نیز از نظر آماری معنادار ($P=0.014$) بود. همچنین نمرات پیش آزمون دو ورودی و پس آزمون آن ها با یکدیگر نیز مقایسه شد که اختلاف معناداری بین دو گروه در این آزمون ها مشاهده نشد. ($P = 0.34$)

بحث و نتیجه گیری:

این مولاژ نقایص موجود در سایر شیوه های آموزش آناتومی از جمله آموزش از روی جسد، پلاستینیشن، مولاژهای سنتی مومی و رزینی، آموزش زنده آناتومی، آموزش از تکنیک تصویر برداری (CT)، MRI و ... و آموزش بر مبنای سخنرانی را بر طرف کرده و می تواند به تنهایی یا به صورت مکمل در کنار سایر روش ها به آموزش و درک صحیح تر ساختارهای آناتومیک مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: مولاژ، شبکه بازویی، آناتومی

بررسی نقش میانجی اضطراب آزمون در رابطه بین اهمال کاری و خود ناتوان سازی دانشجویان

هاجر کیانی^۱، محمد حسن کشاورزی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فارس، ایران

نویسنده مسئول: محمد حسن کشاورزی

مقدمه:

اهمالکاری پدیده ای شایع خصوصاً در بین دانشجویان است که بر جنبه های بسیاری از زندگی شخصی و تحصیلی آن ها تاثیرگذار است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین اهمال کاری با اضطراب آزمون و خود ناتوان سازی در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی استهبان می باشد.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی و از نوع توصیفی - همبستگی می باشد در سال ۱۴۰۱ بر روی ۲۰۰ نفر از دانشجویان انجام گرفت. به منظور گردآوری داده ها از سه پرسشنامه استاندارد اهمالکاری تحصیلی راث بلوم، پرسشنامه اضطراب ساراسون و پرسشنامه خودناتوان سازی جونز و رودولت استفاده گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS 22 انجام شد.

نتایج:

یافته های حاصل از تحلیل داده ها نشان داد که اهمال کاری اثر مثبت و معناداری بر اضطراب آزمون (۰/۴۶) و خود ناتوان سازی (۰/۳۲) دارد. همچنین اثر اضطراب آزمون بر خود ناتوان سازی (۰/۴۹) مثبت و معنی دار می باشد. علاوه بر این اثر غیرمستقیم اهمال کاری بر خود ناتوان سازی دانشجویان از طریق اضطراب آزمون (۰/۲۲) بود که در سطح ۰/۰۱ با استفاده از روش بوت استرپ مثبت و معنی دار بدست آمد.

بحث و نتیجه گیری:

اهمال کاری باعث افزایش خودناتوان سازی در دانشجویان می شود و همچنین باعث افزایش اضطراب آزمون شده و این به نوبه خود نیز باعث خودناتوان سازی بیشتر دانشجویان می شود.

کلمات کلیدی: اهمالکاری، اضطراب آزمون، خودناتوان سازی، نقش میانجی

با گذشت قریب بیست سال چالش های آموزش بالینی در حیطه های مختلف چه تغییری کرده است؟ مقایسه دیدگاه دانشجویان درمورد مشکلات آموزش بالینی امروز و دیروز

فریده نیکنام^۱، رباب محمدیان^۱، نوید تبار^۲، شیوا خیاطی^۱

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، آذربایجان شرقی، ایران

۲. کلینیک ارتش مراغه، آذربایجان شرقی، ایران

نویسنده مسئول: فریده نیکنام

مقدمه:

آموزش بالینی اولین منبع یادگیری و شکل دهی هویت حرفه ای دانشجویان علوم پزشکی بوده و مهمترین بخش در آموزش پرستاری و از اجزای تفکیک ناپذیر آن محسوب می شود. با توجه به نقش پرستار در ارتقا سلامت جامعه و از طرفی جایگاه آموزش بالینی در شکل دهی مهارت های اساسی و توانمندی های حرفه ای دانشجویان پرستاری، بررسی چالش های موجود در آموزشی بالینی ضروری می باشد، شناسایی چالش های آموزش بالینی، به رفع یا اصلاح نقاط ضعف کمک نموده و می تواند موجب بهبود دستیابی به اهداف آموزشی، تربیت افراد ماهر و ارائه خدمات مراقبتی با کیفیت بالاتر شود.

مواد و روش ها:

مطالعه حاضر به صورت مقطعی روی ۱۲۰ نفر از دانشجویان پرستاری عرصه (ترم ۷ و ۸) دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه در طی سال های ۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به صورت مبتنی بر هدف انجام شد. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه ای شامل دو بخش بود که دارای پایایی و همسانی داخلی معتبر است (ضریب همبستگی اسپیرمن (۰/۹۱) و ضریب آلفا کرونباخ (۰/۹۵) در مورد کلیه اهداف، بیشترین نمره درصدی نشان دهنده بیشترین مشکل می باشد. بخش اول آن مربوط به مشخصات فردی و بخش دوم، با مقیاس ۶ درجه ی لیکرت از شماره ۱ تا ۶ دارای ۶ حیطه مشتمل بر ۹۶ بیانیه: مشکلات مربوط به مربی، محیط آموزش بالینی، دانشجو، برنامه ریزی آموزشی، امکانات رفاهی و حرفه ای از دیدگاه دانشجویان پرستاری بود که بین دانشجویان توزیع گردید. سپس داده ها با استفاده از آمار تحلیلی و توصیفی و از طریق نرم افزار آماری spss26 تجزیه و تحلیل گردید. سپس با نتایج پژوهشی با عنوان بررسی مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری در سال ۸۳ در حیطه های مشترک مقایسه گردید.

نتایج:

نتایج حاصل از تحقیق سال ۸۳ و پژوهش جدید به ترتیب از دیدگاه دانشجویان بر اساس میانگین درصدی نمرات مربوط به امکانات رفاهی (۷۱/۵۵٪) و (۶۷/۵٪)، محیط آموزش بالینی (۶۷/۹۷٪) و (۴۲٪/۷۶)، مربی (۶۱/۴۶٪) و (۴۲/۸۳٪)، دانشجو (۵۳/۴۸٪) و (۴۰/۱۵٪)، برنامه ریزی آموزشی (۷۱٪/۱۱) و (۴۳/۳۸٪) و حرفه (۸۲/۹۴٪) و (۴۸/۶٪) می باشد. میانگین کل نمرات مربوط به مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان به ترتیب (۶۶/۹۴٪) و (۴۷/۵٪) می باشد. در پژوهش حاضر بیشترین مشکلات مربوط به امکانات رفاهی، نامناسب بودن اتاق رختکن با نمره درصدی ۴۵۱/۶ و در پژوهش سال ۸۳ بیشترین مشکلات نبودن تغذیه در محیط بالینی با نمره درصدی ۵۱۶/۹ بود. در پژوهش حاضر بیشترین مشکلات مربوط به مربی بالینی عدم افزایش اعتماد به نفس دانشجویان با نمره درصدی ۳۳۱/۶ و در پژوهش سال ۸۳ بیشترین مشکلات عدم افزایش انگیزه دانشجویان با نمره درصدی ۴۷۷/۶ می باشد در پژوهش حاضر و سال ۸۳ بیشترین مشکلات مربوط به دانشجو خستگی ناشی از فشرده بودن برنامه کاری به ترتیب با نمره درصدی ۳۲۸/۵ و ۴۵۹/۱ بود در پژوهش حاضر و سال ۸۳ بیشترین مشکلات مربوط به برنامه ریزی آموزشی، عدم بکارگیری مربیان با توجه به تخصص و توانایی آنها در بالین به ترتیب با نمره درصدی ۳۳۳ و ۵۱۶/۷ بود. در پژوهش حاضر بیشترین مشکلات مربوط به حرفه، عدم حمایت حرفه ای از پرستار با نمره درصدی ۴۰۳/۳ و در پژوهش سال ۸۳ بیشترین مشکلات مکفی نبودن حقوق و مزایا با نمره درصدی ۵۸۰/۴ بوده است در پژوهش حاضر و سال ۸۳ بیشترین مشکلات مربوط به محیط آموزش بالینی مشترکا، تبعیض بین دانشجویان پرستاری و سایر دانشجویان علوم پزشکی به ترتیب با نمره درصدی ۳۹۰ و ۵۴۰/۶ بوده است.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به اینکه در مورد کلیه اهداف، بیشترین نمره درصدی نشان دهنده بیشترین مشکل می باشد و کاهش فاحش میانگین درصدی حیطه های مختلف آموزش بالینی در نمونه های مورد پژوهش و پژوهش سال ۸۳ مشهود و معنی دار است. به نظر می رسد که از شدت مشکلات بالینی در حیطه های مورد پژوهش با گذر زمان کاسته شده است. در پژوهش حاضر بیشترین نمره درصدی مربوط به حیطه مشکلات امکانات رفاهی محیط بالین و کمترین آن مربوط به حیطه مشکلات دانشجو می باشد، در حالیکه در پژوهش سال ۸۳ بیشترین نمره درصدی مربوط به حیطه مشکلات حرفه و کمترین آن مانند پژوهش حاضر مربوط به حیطه مشکلات دانشجو می باشد. از آنجاییکه جذب فارغ التحصیلان پرستاری به نحو مطلوب می باشد و دغدغه های آنان کمتر شده لذا مشکلات مربوط به حرفه سیر نزولی داشته است. خستگی ناشی از فشرده بودن برنامه کاری، عدم بکارگیری مربیان با توجه به تخصص و توانایی آنها در بالین، عدم حمایت حرفه ای از پرستار و تبعیض بین دانشجویان پرستاری و سایر دانشجویان علوم پزشکی از چالش های عمده آموزش بالینی هستند که در طی قریب بیست سال، هرچند از شدت آن کاسته شده ولی همچنان بیشترین چالش از دیدگاه دانشجویان می باشند هدف مطالعه حاضر، پی

بردن به تغییرات چالش های آموزش بالینی دانشجویان کارشناسی پرستاری با گذر زمان می باشد، تا نقاط قوت و ضعف مشخص گردیده و اقدامات مقتضی صورت گیرد چراکه برای داشتن پرستاران حرفه ای و توانمند نیاز به آموزش بالینی قوی و رفع چالش ها انکارناپذیر است.

کلمات کلیدی: مشکلات آموزش بالینی، حیطه های آموزش بالینی، دانشجویان پرستاری، تغییرات چالش های آموزش بالینی دیروز و امروز



ارزیابی عملکرد مربیان بالین هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دیدگاه دانشجویان

فاطمه حسن شیرینی^۱، علی صادقی^۱، زهرا رحیمی مقدم^۱، سمیرا محمودی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کاشان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه حسن شیرینی

مقدمه:

یکی از ملزومات اساسی افزایش میزان یادگیری در بالین دانشجویان، حضور پویا و فعال مربیان در محل کارآموزی می باشد. تحقیقات اثبات کرده اند که مربیانی در امر یاددهی بالینی موفق تر بوده اند که در محل کارآموزی پویاتر، پرنشاط تر و دارای رویکردی جامع تر حول ابعاد مختلف مهارتی، عاطفی و نگرشی بوده اند. این مطالعه به ارزیابی مربیان بالین دانشجویان هوشبری در عرصه های مختلف اتاق عمل می پردازد.

مواد و روش ها:

این مطالعه توصیفی مقطعی در انتهای نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام پذیرفت. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته ای شامل ۱۱ آیتم بود که به صورت لیکرت چهار گزینه ای خیلی خوب تا ضعیف نمره دهی شده بود. پس از جمع آوری نظرسنجی ها، داده های حاصل در نرم افزار SPSS 16 وارد و با استفاده از آمار توصیفی مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

در این مطالعه ۶۰ درصد مربیان مورد ارزیابی دانشجوی کارشناسی ارشد با سابقه کار بالین بین ۲ تا ۱۲ سال و ۴۰ درصد کارشناسان مشغول به کار در اتاق عمل های عرصه کارآموزی دانشجویان با متوسط سابقه کاری ۱۳ سال بودند. نتایج نشان داد در ۷۰ درصد موارد دانشجویان مربیان خود را در حضور به موقع و رعایت زمان کارآموزی خیلی خوب ارزیابی نموده اند. در حیطه هایی مانند ارائه توضیحات به دانشجو، تسلط در مهارت های عملی، رعایت موازین اخلاقی، توضیح شرح وظایف قبل از شروع دوره، برخورد مناسب و محترمانه در صورت بروز خطا یا مشکل از سوی دانشجو؛ مربیان بیش از ۷۰ درصد موارد امتیاز خیلی خوب از دانشجو دریافت کرده بودند. سایر حیطه ها مانند پاسخ به سوالات دانشجویان به نحو رضایتبخش، نظارت مداوم بر یادگیری مهارتهای عملی کارآموزی دانشجویان و دقت در انجام وظایف کارآموز در بیمارستان و نیز پیگیری مشکلات کارورز در بیمارستان مربوطه در بیش از ۶۰ درصد موارد امتیاز خیلی خوب کسب نموده بودند. در این حیطه ها که درصد کمی در حدود ۲ الی ۴ درصد

دانشجویان به مربی نمره ضعیف داده بودند نیاز به بررسی وضعیت دارد تا مشکلات این محدود دانشجویان به صورت موردی مورد بررسی و دقت قرار گیرد.

بحث و نتیجه گیری:

دانشجویان نیاز دارند در عرصه های بالینی خود در کنار مربیان با اعتماد به نفس بیشتر و هدایتی ساختارمند آموزش های لازم را دریافت نمایند تا مراقبت‌هایی با کیفیت و کمیت بهتر ارائه و برای ایفای نقش حرفه ای خود آماده گردند. حضور مربیان متعهد و دلسوز و متصف به صفات یک مربی شایسته کمک موثری در هدایت دانشجویان ایفا می نماید.

کلمات کلیدی: مربی، ارزیابی، هوشبری.



آسیب شناسی فرآیند تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی مشهد از دیدگاه دانشجویان در حال تحصیل در سنوات خارج از بازه مجاز

محیا دادگر آزاد^۱، علی عظیمی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: علی عظیمی

مقدمه:

توجه به وضعیت تحصیلی دانشجویان گامی به سوی توسعه پایدار است که در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف مورد توجه روزافزون قرار گرفته است. تبیین عملکرد تحصیلی برای برنامه‌ریزان دانشگاه این امکان را فراهم می‌کند تا بتوانند برای بهبود کارکرد دانشگاه راهبردهایی را پیش‌بینی کنند. از طرفی، طبق مطالعات پیشین علل افزایش طول دوره دانشجویان را می‌توان بر مبنای چارچوب نظری، تحقیقات پیشین، تجربه افراد درگیر با مسئله، تحلیل موانع و مشکلات ساختاری و نهادی در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، روان‌شناختی، فرهنگی، اقتصادی و سازمانی دسته‌بندی کرد. لذا با عنایت به نقش ویژه دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (Ph.D) در توسعه آموزش دانشگاه و با توجه به اینکه مبتنی بر آسیب شناسی دلایل افزایش طول دوره تحصیلی می‌توان منجر به شناسایی مشکلات موجود و در نتیجه مداخله برای بهبود روند آموزشی شد، این مطالعه به آسیب شناسی فرآیند تحصیل در مقاطع مذکور دانشگاه علوم پزشکی مشهد از دیدگاه دانشجویان در حال تحصیل در سنوات خارج از بازه مجاز پرداخته است.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی بوده که در سال ۱۴۰۰ در مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی مشهد اجرا شده است. جامعه پژوهش کلیه دانشجویان در حال تحصیل در رشته مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (Ph.D) دانشگاه که در حال تحصیل در نیمسال‌های خارج از بازه سنوات مجاز طبق آیین نامه دوره (نیمسال ۷ و بعد از آن برای مقطع کارشناسی ارشد و نیمسال ۱۰ و بعد از آن برای مقطع دکتری تخصصی (Ph.D) بوده‌اند، می‌باشند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته شامل سه محور اطلاعات دموگرافیک، اطلاعات مرتبط با وضعیت پژوهشی دانشجویان و سوالات مربوط به آسیب شناسی دلایل افزایش طول دوره تحصیلی از چهار منظر مشکلات آموزشی، مشکلات پژوهشی، مسائل فردی و شیوع پاندمی کرونا بوده است. روایی پرسشنامه به روش تأیید خبرگان و صاحب

نظران حوزه تحصیلات تکمیلی و پایایی آن نیز به روش آزمون- بازآزمون انجام شده و در نهایت تجزیه و تحلیل داده ها به وسیله آزمون های آماری انجام شده است.

نتایج:

پرسشنامه توسط ۹۳ دانشجو (۵۱٪ کارشناسی ارشد (۴۵٪ نیمسال ۷ و ۵۵٪ بعد از آن) و ۴۹٪ دکتری تخصصی (۹۵٪ نیمسال ۱۰ تا ۱۲ و ۵٪ بعد از آن) تکمیل شده است. با توجه به تحلیل نتایج و جدول توزیع فراوانی در دانشجویان کارشناسی ارشد: ۱-پاندمی کرونا، ۲-مشکلات فردی، ۳-مشارکت ضعیف دانشجو با اساتید راهنما به دلیل تعدد دانشجویان و ۴-عدم امکان تامین به موقع هزینه پایان نامه به دلیل نوسانات ارزی و در گروه دانشجویان دکتری تخصصی (Ph.D): ۱-پاندمی کرونا، ۲-مشکلات فردی، ۳-عدم تامین به موقع هزینه پایان نامه ها به دلیل نوسانات ارزی، ۴-مشکلات مربوط به چاپ مقاله شرط دفاع از پایان نامه و ۵-مشکلات مربوط به تامین داده و جمع آوری اطلاعات و امکانات دانشگاه در این خصوص، به عنوان اصلی ترین موانع و مشکلات دانشجویان در طول دوره تحصیلی و در نتیجه آن افزایش مدت زمان تحصیلی دانشجو در مقطع مذکور گزارش شده اند.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج به دست آمده، مهم ترین دلیل افزایش دوره تحصیلی دانشجویان گروه هدف، شیوع پاندمی کرونا و مشکلات فردی بوده که عمدتاً مرتبط با ابتلا شخص و یا بستگان به بیماری کووید ۱۹ و عوارض آن بوده است که با عنایت به بهبود شرایط شیوع این بیماری و وجود امکان حذف نیمسال بدون احتساب در سنوات تحصیلی در زمان مذکور، نیاز به مداخله وجود ندارد. همچنین نظارت بیشتر بر توزیع عادلانه پایان نامه بین اساتید راهنما مبتنی بر قوانین دانشگاه، می تواند منجر به ارتقا تعاملات بین دانشجو و اساتید راهنما و تخصیص وقت مناسب تری جهت هدایت پایان نامه ها توسط اساتید شود. در پایان، با عنایت به اینکه در سال های اخیر که نوسانات ارزی، افزایش قیمت ها و البته تشدید تحریم ها موجب بروز مشکلات متعدد در تامین به موقع هزینه پایان نامه توسط دانشگاه ها و چاپ مقالات مستخرج از پایان نامه ها شده است، اصلاح نظام سیاست گذاری و برنامه ریزی دانشگاه در راستای تسهیل اجرای مراحل پژوهشی دانشجویان و البته حرکت به سمت دانشگاه های نسل سوم و تاکید بر اجرای پایان نامه های کاربردی و جذب گرنت از خارج دانشگاه ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: دانشجو، تحصیلات تکمیلی، طول دوره

بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دکتری تخصصی (Ph.D) سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ دانشگاه علوم پزشکی مشهد

علی عظیمی^۱، زهرا کریمی^۱، سمیه فضائلی^۱، ابوالفضل خواجهی راد^۱، محیا دادگر آزاد^۱، علی درودی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، ایران

نویسنده مسئول: زهرا کریمی

مقدمه:

یکی از هدف‌ها و جهت‌گیری‌های توسعه در اصل ۲۸ و بند دوم اصل ۴۳ قانون اساسی، ایجاد اشتغال کامل بیان شده است. اصول مزبور تا حدودی سیاست اصلی اشتغال کشور را تدوین کرده و تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران کشور را ملزم ساخته که به شناسایی عوامل موثر در عرضه و تقاضای نیروی کار به منظور ایجاد توازن کمی و کیفی در مسأله اشتغال بپردازند، زیرا ایجاد اشتغال کامل خود یکی از عوامل زمینه‌ساز تحقق هدف‌های دیگر نظیر رفح فقر، تامین بهداشت، آموزش و مسکن می‌باشد. در ایران نیز روند بین کسب اشتغال و آموزش دروس نامتناسب است، در نتیجه بسیاری از دانش‌آموختگان در نهایت بیکار می‌شوند و دانشگاه‌ها و محصلین به سمت رشته‌ای سوق پیدا می‌کنند که اشتغال بیشتری داشته باشند. از طرفی، یکی از معیارهای ظرفیت‌سنجی برای پذیرش دانشجو، آمار دقیق و به‌روز در خصوص نیاز جامعه به خدمات فارغ‌التحصیلان رشته/مقاطع مختلف، تعداد دانشجویان جاری و وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان موجود می‌باشد تا بدین صورت فرآیند ظرفیت‌سنجی زمینه‌ساز مشکلات اجتماعی و بروز برخی ناهنجاری‌ها در جامعه نشود. از این رو مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی مشهد به طراحی پژوهش حاضر برای پاسخ به نیاز موجود اقدام نموده است.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش از نظر نوع، توصیفی-مقطعی و از نظر روش از نوع همبستگی است که به دنبال شناسایی همبستگی بین رشته تحصیلی و اشتغال دانش‌آموختگان مقاطع تحصیلات تکمیلی است و از نظر هدف و ماهیت تحقیق در رده تحقیقات کاربردی به حساب می‌آید، چرا که به توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص دلالت دارد. محیط انجام پژوهش مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بوده و جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش‌آموختگان مقطع دکتری تخصصی (Ph.D) در رشته‌های مختلف در دانشکده‌های وابسته به این دانشگاه (فارغ‌التحصیلان سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸) تشکیل می‌دهند. به منظور گردآوری داده‌ها از اسناد رسمی مربوط به دانشجویان موجود در سامانه آموزشی دانشگاه و پرسشنامه محقق ساخته که با بررسی متون قبلی تدوین شده است، استفاده شده و تکمیل پرسشنامه از طریق مصاحبه تلفنی انجام گرفته است. روایی محتوایی پرسشنامه با سنجش شاخص‌های CVI و CVR و

نظرسنجی از ۸ نفر از کارشناسان امور آموزشی دارای سوابق پژوهشی مرتبط و روایی صوری نیز با نظرسنجی از ۱۰ نفر از دانش‌آموختگان مقاطع تحصیلات تکمیلی و سنجش پایایی آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ سنجیده شد. در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله آزمون‌های آماری انجام شده است.

نتایج:

از مجموع ۳۴۹ فارغ‌التحصیل سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸، ۷۲ نفر طی مصاحبه تلفنی در طرح مشارکت داشته‌اند که از این میان ۶۴ نفر شاغل و بقیه در جستجوی شغل بوده‌اند. ۵۹/۴٪ از شاغلین اذعان داشته که عنوان رشته تحصیلی با شغل فعلی آنان تطابق زیادی داشته. همچنین، ۸۱/۳٪ از گروه شاغلین، کمتر از یک سال، ۱۵/۶٪ بین ۱ تا ۳ سال و بقیه بیشتر از سه سال در جستجوی یافتن شغل بوده‌اند. در گروه شاغلین، ۸۲/۸٪ در سازمان‌های دولتی، ۷/۸٪ در سازمان‌های خصوصی و ۴/۷٪ به صورت خوداشتغالی و ۶/۱٪ در سایر مشاغل فعالیت داشته‌اند که در این میان نوع استخدامی ۳۲/۸٪ رسمی-پیمانی و ۵۳/۱٪ طرح و لایحه بوده است. از طرف دیگر، ۳۷٪ از جویندگان کار اذعان داشته‌اند که علی‌رغم جستجوی کار، موقعیت شغلی متناسب با رشته تحصیلی خود را پیدا نکرده‌اند و ۲۵٪ از آن‌ها ادامه تحصیل و باقی افراد، سایر موارد را برای عدم اشتغال به کار خود ذکر نموده‌اند. از نظر ۵۰٪ از افراد جویای کار، کسب توانایی بیشتر در مهارت‌های عملی و کاربردی و از منظر ۲۵٪ افراد کسب مهارت‌های ارتباطی و حل مساله در طول تحصیل لازم بوده و باقی افراد سایر موارد را ذکر کرده‌اند. به طور کلی، ۴۷٪ از مشارکت‌کنندگان از امکانات و رویه‌های موجود دانشگاه علوم پزشکی مشهد رضایت زیاد داشته و ۶۸٪ از این افراد انتخاب رشته تحصیلی خود در دانشگاه علوم پزشکی مشهد را به دیگران توصیه کرده‌اند. علاوه بر این، از نظر ۳۶٪ از پاسخ‌دهندگان، سرفصل دروس ارائه شده در دوران تحصیل به صورت متوسط با نیازهای شغلی‌شان مطابقت داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری:

با تحلیل نتایج و با توجه به رضایت از دانشگاه، به نظر می‌رسد لازم است دانشگاه برای توانمندسازی فارغ‌التحصیلان خود برای به عهده گرفتن نقش در جامعه در طول تحصیل، نسبت به برگزاری کارگاه، استارت‌آپ و ارتباط و عقد قرارداد کاری با صنعت در راستای شناساندن صنعت به دانشجویان و حل مسائل صنعت با استفاده از دانش و تحکیم جایگاه دانش‌آموختگان اقدام نماید. البته به نظر می‌رسد نیاز است در کوریکولوم‌های تخصصی هر رشته، آمادگی ورود به بازار کار نیز لحاظ گردد. همچنین با توجه به محدودیت دسترسی به کلیه فارغ‌التحصیلان لازم است این محدودیت در مطالعات بعدی مورد بررسی قرارگیرد.

کلمات کلیدی: دانش‌آموختگان، دکتری تخصصی، اشتغال

تبیین و ارزیابی نقش فرهنگ سازمانی مبتنی بر تعامل و یادگیری در اثربخشی عملکرد پرستاران

ماندانا آرشی^۱، عسگر حنیفه نژاد^۲

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی آزاد تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: ماندانا آرشی

مقدمه:

منابع انسانی به عنوان مهمترین و با ارزشترین دارایی در موفقیت سازمان نقش بسزایی دارند به طوری که نیروی انسانی کارا می تواند با انجام صحیح وظایف، اهداف سازمان را تحقق بخشیده و سازمان را به کمال برساند و از آنجایی که اثربخش کردن نظام مدیریت منابع انسانی از طریق ایجاد و توسعه فرهنگ سازمانی مطلوب فراهم می شود، بنابراین جهت رسیدن به آن نیاز به استراتژی هایی می باشد که پلی بین فرهنگ سازمانی و کارکردهای منابع انسانی گردد. فرهنگ یک سازمان، باورها و انتظارات مشترکی را در بر می گیرد که در نبود یک قانون یا دستور العمل صریح رفتارها را هدایت می کند و منبع نیرومندی از هویت و هدف مشترک است. پرستاران بخش قابل توجهی از کارکنان سیستم های بهداشتی را تشکیل می دهند و خدمات استاندارد پرستاری نقش مهمی در سلامت جامعه و اثربخشی سیستم درمانی دارند و افزایش فرهنگ تعامل در بین پرستاران منجر به افزایش یادگیری در بین صاحبان حرفه و ارتقای کیفیت عملکرد و بهره وری سازمان می گردد. همکاری بین پرستاران جزء مهمی از ارائه مراقبتهای با کیفیت و ایمن و راه حل مناسبی برای حل بسیاری از مشکلات موجود در نظام سلامت و یکی از موثرترین عوامل پیشرفت و توسعه می باشد. بنابراین ترویج فرهنگ تعامل و همکاری در سازمان نقش به سزایی در تسهیل، خلق و انتقال دانش در سازمان دارد، به طوری که اگر در سازمان فرهنگ مشارکت وجود داشته باشد افراد به طور طبیعی و داوطلبانه ایده ها و نظرات خود را در اختیار دیگران می گذارند که این امر منجر به کشف و بهره برداری از دانش و ارتقا سطح عملکرد و توانمندی می شود. لذا با توجه به موارد ذکر شده پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش فرهنگ سازمانی مبتنی بر تعامل و یادگیری بر اثربخشی عملکرد پرستاران انجام گرفته است.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، از نظر نوع داده ها کمی و از نظر نحوه اجرا توصیفی از نوع پیمایشی - مقطعی می باشد. داده ها توسط دو پرسشنامه فرهنگ سازمانی دنیسون (چهار بعد مشارکت، سازگاری، انطباق پذیری و رسالت) و پرسشنامه اثربخشی سازمانی (چهار بعد دستیابی به هدف، انطباق،

انسجام و تداوم) از ۱۵۸ پرستار شاغل در بیمارستان البرز کرج و فیاض بخش تهران به روش تصادفی ساده نسبتی در طی سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ جمع آوری گردید. پایایی مربوط به ابزار سنجش با آلفای کرونباخ محاسبه شد و روایی صوری و محتوایی در این پرسشنامه از طریق نظرات متخصصان مورد بررسی قرار گرفت و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss نسخه ۲۶ انجام شد.

نتایج:

با تجزیه و تحلیل داده‌ها فرهنگ کلی سازمان در حد متوسط به بالا ارزیابی شد. در بین ابعاد فرهنگ سازمانی بعد انطباق پذیری (۵۸/۲۸) بیشترین امتیاز و بعد سازگاری (۵۲/۳۴) کمترین امتیاز را بدست آورد و در بررسی شاخص‌ها، شاخص‌های تغییر پذیری در جهت ارتقا حرفه، یادگیری سازمانی و جهت گیری استراتژیک دارای بیشترین امتیاز و توجه به اهداف و مقاصد، هماهنگی و پیوستگی و توافق دارای کمترین امتیاز بودند و سازمان در طیف منعطف تمرکز به خارج قرار داشت. در بررسی تاثیر مشارکت و یادگیری سازمانی بر ابعاد اثر بخشی سازمانی تعامل و یادگیری با دستیابی به اهداف ($p < 0/0001$) و انطباق ($p < 0/0001$) ارتباط معنی دار داشت ولی ارتباطی بین تعامل و یادگیری با انسجام ($p = 0/321$) و تداوم ($p = 0/251$) به دست نیامد.

بحث و نتیجه گیری:

سازمان‌ها همانند افراد دارای شخصیت می‌باشند و به قالب شخصیتی سازمان فرهنگ می‌گویند، فرهنگ تعیین کننده مرز سازمانی است که نوعی احساس هویت در بین اعضای خود ایجاد می‌کند و در افراد نوعی تعهد نسبت به چیزی به وجود می‌آورد که بسی بیش از منافع شخصی فرد است. از آنجایی که پرستاران با توجه به ذات ارزشمند حرفه متعهد به ارائه مراقبت‌ها ایمن و با کیفیت هستند و این امر با تعامل و یادگیری ناشی از آن محقق گشته و اثرات پایداری بر امر سلامت جامعه دارد، بنابراین مدیران آموزشی و بالینی جهت تغییر در عملکرد و افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت مراقبت‌ها باید به عوامل متشکله فرهنگ سازمانی توجه نموده و بر اساس آن اهداف و رسالت سازمان را سیاست‌گذاری نمایند.

کلمات کلیدی: فرهنگ سازمانی، پرستاران، تعامل، یادگیری، اثربخشی

سناریوی مطلوب رشته تخصصی کودکان

رویا کلیشادی^۱، مهدی سالک اردستانی^۱، حبیب اله رضایی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، کهگیلویه و بویر احمد، ایران

نویسنده مسئول: حبیب اله رضایی

مقدمه:

رشته تخصصی کودکان شاخه ای از علوم پزشکی است که دانش آموخته آن، یعنی پزشک متخصص کودکان، کودک را در سلامت (جسمی، روانی و اجتماعی) و بیماری مورد توجه قرار می دهد. در خصوص مطالعات آینده پژوهی در رشته تخصصی کودکان مطالعات مختلفی انجام شده است اما در ایران مطالعه ای در این خصوص انجام نشده است. با توجه به اینکه مطالعه آینده پژوهانه در زمینه رشته تخصصی کودکان در کشور انجام نشده است و با توجه به فواید انجام مطالعات آینده پژوهی، هدف از انجام این پژوهش تعیین سناریوی مطلوب رشته تخصصی کودکان بود.

مواد و روش ها:

در این مطالعه آینده پژوهی جمعیت مورد مطالعه اعضای بورد رشته کودکان، اعضای هیات علمی گروه کودکان و متخصصین کودکان عضو انجمن کودکان بودند که به صورت هدفمند انتخاب شدند. تحلیل روند رشته تخصصی کودکان در ایران و جهان از دیدگاه ذی نفعان و از طریق مطالعات کتابخانه ای انجام گرفت. سپس رویدادها و روندهای تأثیرگذار بر رشته تخصصی کودکان از دیدگاه ذی نفعان و مطالعات کتابخانه ای تعیین و پیشران های کلیدی رشته تخصصی کودکان از دیدگاه ذی نفعان مشخص شد و پس از تدوین سناریوهای قوی، متوسط و ضعیف رشته تخصصی کودکان، با برنامه ریزی جهت جلسه گروه متمرکز، سناریو مطلوب رشته تخصصی کودکان مشخص گردید. در این مطالعه از فنون تحلیل روند، تحلیل تأثیر متقابل، مصاحبه، پرسشنامه و گروه متمرکز استفاده شد و داده ها توسط نرم افزارهای مکس کیو دا ورژن ۱۰، میک مک و سناریو ویزارد تحلیل گردید.

نتایج:

تعداد ۶ سناریو قوی مشخص گردید که از بین سناریوهای قوی، سناریو پنجم با ارزش سازگاری ۱، و نمره اثر کل ۷۸ به عنوان سناریوی مطلوب انتخاب شد. این سناریو در برگیرنده تعیین حق ویزیت و تعرفه گذاری عادلانه بین رشته های مختلف تخصصی پزشکی، عادلانه کردن درآمد پزشکان عمومی، متخصصین و فوق تخصص های پزشکی، فعال نمودن بخش کودکان در همه بیمارستان ها، کاهش مرگ و میر کودکان، قرارداد عادلانه مراکز بهداشتی با متخصصین کودکان، افزایش انگیزه اعضای هیات علمی

بیماریهای کودکان، کاهش فقر جامعه، افزایش درآمد مردم و کاهش تورم افزایش تعداد متخصصین کودکان به نسبت جمعیت کودکان، افزایش تعداد بخش خصوصی مانند مطب متخصصین کودکان با کاهش هزینه های اداره، نظرخواهی از دانشگاه ها جهت تعیین ظرفیت ورودی رشته ها می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

ارائه سناریوهای قوی در این مطالعه، نمای کلی از آینده های درحال ظهور رشته تخصصی کودکان را نمایان می کند. با توجه به انتخاب سناریو مطلوب از بین سناریوهای قوی، می بایست نقشه راه رسیدن به این سناریو تدوین گردد.

کلمات کلیدی: آینده پژوهی، بیماری های کودکان، ایران



بررسی علل و تمایل به مهاجرت پزشکان از دیدگاه دستیاران تخصصی دانشگاه های علوم پزشکی منتخب در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱

عادل سلطانی زاده^۱، مریم اخوتی^۱، مهران ایلاقی^۱، سارا شفیعیان^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: عادل سلطانی زاده

مقدمه:

در سراسر جهان مهاجرت در بین متخصصان و نخبگان علوم پزشکی به کشورهای ثروتمند در حال افزایش است. بر اساس ارزیابی سازمان نظام پزشکی ایران، مهاجرت پزشکان در هر سال در حوزه عمومی حدود ۴۰۰ نفر و در حوزه پزشکان متخصص هم بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ نفر بوده است. اما طی ۹ ماه ابتدایی شروع کرونا حدود ۳۰۰۰ پزشک برای مهاجرت اقدام کرده‌اند. عزیمت متخصصان با مهارت و نخبگان سیستم بهداشتی مانند پزشکان در هنگام کمبود عرضه و تقاضای زیاد بخصوص در شرایطی که کشور با کمبود پزشک مواجه است، بر ظرفیت خدمات پزشکی و اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای اساسی بهداشتی و اجتماعی تأثیر منفی میگذارد. بنظر می رسد یکی دالیل تمایل به مهاجرت پزشکان شرایط دستگیری تخصصی می باشد. از طرفی شواهد در این مورد کم است. مطالعه حاضر با هدف بررسی علل و تمایل پزشکان از دیدگاه دستیاران بالینی صورت گرفته است تا بتوان با اتکا به نتایج آن و بهبود مشکلات پزشکان و بهبود شرایط دوره دستگیری تخصصی در جهت کاهش مهاجرت پزشکان اقدام کرد.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر بررسی مقطعی توصیفی و تحلیلی با جامعه دستیاران پزشکی دانشگاه های علوم پزشکی کرمان، تهران، شهید بهشتی و ایران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. بر پایه مطالعات مشابه، ابزار بررسی تمایل و علل مهاجرت پزشکان و تاثیر شرایط دستگیری بر آن تدوین شد و روایی محتوی و پایایی آن مورد بررسی قرار گرفت. پس از تایید خصوصیات روانسنجی ابزار، پرسشنامه بین ۲۵۴ دستیار پزشکی از ۲۱ رشته تخصصی به شیوه نمونه گیری سهمیه ای توزیع شد. داده ها با استفاده از شاخص های آمار توصیفی و آزمون های t-test و ANOVA مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج:

یافته ها نشان داد که ۸۱٫۵ درصد از دستیاران پزشکی تمایل به مهاجرت داشتند، در حالی که ۷۹٫۵ درصد اظهار داشتند که اگر در زمان ورود به دوره دستگیری بینش کنونی را نسبت شرایط کاری، تحصیلی و درآمدی آن داشتند مهاجرت را به عنوان مسیر حرفه ای خود به دوره دستگیری ترجیح می دادند. این نشان می دهد که شرایط برنامه های دستگیری پزشکی به طور قابل توجهی بر تمایل به مهاجرت در

دستیاران پزشکی در ایران تأثیر می گذارد. با این حال، اکثر شرکت کنندگان در پژوهش برنامه ای برای مهاجرت نداشتند. همچنین اکثر شرکت کنندگان معتقد بودند که زمان پس از اخذ مدرک پزشکی عمومی و قبل از ورود به دوره تخصص مناسب ترین زمان برای مهاجرت است. شایع ترین دلایل تمایل به مهاجرت درآمد نامتناسب نسبت به حجم کار و هزینه های زندگی روزانه، رفاه بهتر در کشورهای مقصد و قوانین ناعادلانه اشتغال و درآمد در نظام سلامت ایران بود.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج این پژوهش خاطر نشان میسازد که استراتژی های نگهداری نیروی متخصص بهداشتی درمانی باید به مسائل مهمی مانند عوامل اقتصادی بیشترین توجه را داشته باشند. همچنین حدود ۸۰ درصد دستیاران بالینی در صورت داشتن بینش کنونی مسیر مهاجرت را به جای دستیاری برای آینده خود انتخاب میکردند. بنظر می رسد میتوان با بهبود شرایط دستیاری تخصصی و استراتژی هایی با تمرکز بر راهکارهای نگهدارنده نیروی انسانی مانند گسترش فرصت های آموزشی و شغلی، گامی مهم در جهت کاهش مهاجرت پزشکان برداشت.

کلمات کلیدی: مهاجرت، پزشکان، دستیاران بالینی



اعتبارسنجی و هنجاریابی ابزار رهبری چند عاملی در مدیران دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۴۰۰

سیده مهیندخت مقدمی^۱، معصومه کلانتریون^۱، سلیمان احمدی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: معصومه کلانتریون

مقدمه:

با توجه به اهمیت صلاحیت رهبری چند عاملی به عنوان یکی از صلاحیت های ضروری مدیران بخصوص حوزه علوم پزشکی، این مطالعه با هدف تعیین اعتبارسنجی و هنجاریابی ابزار اندازه گیری رهبری چند عاملی توسط پرسشنامه MLQ (Multifactor Leadership Questionnaire) در مدیران دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد.

مواد و روش ها:

این مطالعه به روش توصیفی و تحلیلی انجام شد. از پرسشنامه سبک های رهبری که توسط بس و اولیو در سال (۱۹۹۵) طراحی شده است جهت ارزیابی عوامل و شاخص های رهبری چند عاملی، تبادلی و عدم مداخله استفاده شد. از آزمون های آماری ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی درونی، آزمون KMO برای تعیین کفایت نمونه گیری و از تحلیل عاملی تاییدی برای تعیین روایی سازه استفاده گردید.

نتایج:

این مطالعه با مشارکت ۱۸۰ نفر از مدیران دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد. ۳۵ نفر از شرکت کنندگان مرد و ۱۴۵ نفر زن بودند. بیشترین گروه سنی افراد شرکت کننده در مطالعه گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال بودند. سوالات پرسشنامه از ثبات درونی بالایی با توجه به ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۷۱۲ و ضریب همبستگی درون خوشه ای ۰٫۹ ICC < برخوردار بود. یافته ها نشان داد که مقادیر (۰٫۷۷۰ KMO و بارتلت (۲۷۴۲/۱۳) معنادار بوده که کفایت نمونه را برای آزمون تحلیل عاملی تایید کرد. همچنین نتایج تحلیل عاملی تاییدی سوالات این پرسشنامه، برازندگی مطلوب پرسشنامه را نشان داد.

بحث و نتیجه گیری:

در نهایت باتوجه به نتایج بدست آمده پایایی و روایی پرسنامه رهبری چند عاملی مورد تایید قرار گرفته است و هیچ یک از سوالات حذف نگردید. پژوهش حاضر می تواند مقدمه ای بر کاربرد پژوهشهای دیگر در زمینه اندازه گیری صلاحیت رهبری چند عاملی در مدیران شود.

کلمات کلیدی: هنجاریابی، اعتبارسنجی، رهبری چند عاملی، مدیران دانشگاه

واکاوی چالش های موجود در زمینه پایان نامه های دانشجویی از دیدگاه اعضای هیئت علمی در راستای ایجاد سیستم هدفمندی پایان نامه های دانشجویی

فرشته عثمانی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

نویسنده مسئول: مصطفی شیخی

مقدمه:

پایان نامه ها از منابع اطلاعاتی با ارزش هستند که به دلیل ماهیت و ویژگی خاصی که دارند، نقش مهمی در پیکره دانش ایفا می کنند و همه ساله مقدار زیادی از امکانات مالی دولت و بخش قابل توجهی از نیرو و وقت اعضای هیأت علمی دانشگاه ها صرف آن می شود. از این منظر پایان نامه های ارائه شده می تواند به عنوان منبعی اساسی در بهبود وضعیت سلامت جامعه نیز در نظر گرفته شوند. سالانه تعداد زیادی تحقیقات در قالب های مختلف انجام می شود، که نتایج اکثر آنها بایگانی می شود. فرآیند کنونی اغلب دانشگاه ها بدین صورت است که دانشجو در دوره آخر تحصیلی خود فردی از اساتید گروه آموزشی رشته مربوطه را به عنوان استاد راهنما انتخاب و عنوانی را پس از گذشت فرآیندی در اغلب اوقات طولانی مدت، مصوب کرده و سپس وارد مرحله نگارش پروپوزال شده، بطوریکه اغلب دانشجویان باگذشت چند ماه پس از انتخاب موضوع، سرانجام موفق به تصویب پروپوزال مربوطه در دانشگاه می شوند. بطور کلی میتوان گفت چالش های گوناگونی در مسیر انتخاب موضوع برای پایان نامه های دانشجویی تا مرحله تصویب آن وجود دارد. لذا، جهت مقابله با این مشکل، هدف این پژوهش، تبیین چالش های موجود در زمینه پایان نامه های دانشجویی از جوانب مختلف از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی بیرجند می باشد.

مواد و روش ها:

این مطالعه کیفی از نوع مقطعی پس از دریافت کد اخلاق در سال ۱۴۰۱ اجرا شد. جامعه هدف، اساتید مجرب و با سابقه کار بالا و دارای سابقه فعالیت درسیستم پژوهشی دانشگاه بودند که به صورت سرشماری تمامی این اساتید با رضایت آگاهانه در مطالعه شرکت نمودند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این مطالعه بصورت ترکیبی (مصاحبه-پرسشنامه) بود. بدین صورت که اساتید قبل از جلسه مصاحبه به چک لیستی شامل مجموعه ای از چالش های پیش بینی شده در حوزه پایان نامه های دانشجویی از طریق فرمی که بصورت آنلاین طراحی و در اختیار آنها قرار گرفته بود پاسخ داده و سپس تجربیات و چالش های موجود و راهکارهایی در جهت مرتفع شدن این چالش ها طی یک جلسه مصاحبه حضوری حدود ۳۰ دقیقه ای توسط فردی آموزش دیده و خبره انجام شد. کار جمع آوری داده ها تا رسیدن به

اشباع نظری دنبال شد. سپس کار کدگذاری داده ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد.

نتایج:

پس از انجام تجزیه و تحلیل و طبقه بندی داده ها و پایان مرحله کد گذاری، یافته های حاصل از این پژوهش حول داده های حاصل از مصاحبه های انجام شده با ۱۳ نفر از اساتید مجرب، ۹ آقا و ۴ خانم، طی سه مرحله کدگذاری باز (اولیه)، محوری و گزینشی (انتخابی) شد. کدهای باز شامل ۱۵ مفهوم و کدهای محوری شامل چهار مقوله عمده مشتمل بر فرآیند تصویب پایان نامه ها، ضعف دانشجویان در انجام پایان نامه ها، عدم نظارت دقیق بر نحوه اجرای پایان نامه ها، عدم انجام پایان نامه های میان رشته ای در دانشگاه، بودجه و امکانات دانشگاه تعیین شد. هم چنین، عدم هم راستایی و مساله محوری موضوعات پایان نامه به عنوان کد گزینشی پژوهش حاضر، شناسایی گردید.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج بدست آمده از این مطالعه، میتوان اینگونه استنباط کرد که انجام پژوهش هایی هدفمند، ایجاد بستری جهت ارتباط اساتید حوزه های مختلف با یکدیگر، گام برداشتن در یک راستا، هم چنین ارتباط معاونت های پژوهشی دانشگاه های مختلف با یکدیگر و بهبود بخشی ارتباط صنعت و دانشگاه، با راه اندازی سیستم هدفمند نمودن پایان نامه های دانشجویی امکان پذیر خواهد بود. هم چنین برگزاری نشست هایی در زمان های مقرر بصورت سالانه با صنعت گران و اساتید جهت بهتر شدن فعالیت های سیستم مورد نظر بایستی مورد توجه قرارگیرد. با ایجاد این سیستم و ارائه عناوین نیازمند پژوهش، دانشجویان به هنگام انتخاب عنوان پایان نامه، راهنمایی شده و برحسب علاقه در زمینه کاری خود یک عنوان را انتخاب می کنند.

کلمات کلیدی: پایان نامه های دانشجویی، هدفمندی، سیستم، پژوهش



بررسی میزان اثربخشی برنامه آموزشی مهارت‌های ارتباطات میان فردی بر همدلی بالینی دانشجویان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در سال ۱۴۰۰

ناهید احمدیان یزدی^۱، سهیلا دریسای جرفیان^۱، امیر دانش پایه^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

نویسنده مسئول: سهیلا دریسای جرفیان

مقدمه:

همدلی دندانپزشک و بیماران سبب افزایش رضایت بیماران و اثربخشی درمان‌های دندانپزشکی می‌گردد. دندان پزشکان با همدلی بیشتر، شایستگی بیشتری در گرفتن شرح حال، انجام معاینات بالینی و نیازسنجی و طرح درمان و ارائه‌ی دستورات بعد از درمان و جلب همکاری بیماران خود پیدا می‌کنند که این مسئله علاوه بر افزایش رضایت بیماران، سبب کاهش خطاهای عملکردی و عدول از حقوق حرفه‌ای و کاهش شکایات و نارضایتی‌های بیماران و نیز ایجاد انگیزه در بیماران برای پیگیری دقیق دستورات و افزایش موفقیت پیامدهای درمان ارایه شده توسط دندانپزشک می‌شود. لذا ارتباط صحیح و همدلی بین دندانپزشک و گیرندگان خدمات دندانپزشکی یکی از دغدغه‌های اساتید و مدیران و برنامه‌ریزان آموزش و گیرندگان خدمات دندانپزشکی می‌باشد. اما تحقیقات نشان داده است در طول تحصیل میزان همدلی دانشجویان کاهش می‌یابد و تمرکز بر مراقبت‌های فنی و محدوده‌ی وسیع آن سبب شده است که دندانپزشکان به‌طور سنتی از روش‌های ارتباطی غیرمؤثر استفاده نموده و در نتیجه مشکلات کلیدی و عمده‌ی بیماران به روشنی مشخص نگردد. در این مطالعه اثربخشی برنامه آموزشی مهارت‌های ارتباطات میان فردی بر روی همدلی بالینی دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در سال ۱۴۰۰ انجام شد.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه‌ی نیمه تجربی ابتدا فراخوان برگزاری کارگاه مهارت‌های ارتباطات میان فردی برای دانشجویان مقطع بالینی در دانشکده اعلام گردید. بعد از ثبت نام ۶۰ نفر از دانشجویان، پرسشنامه‌ی سنجش همدلی بالینی جفرسون و پرسشنامه‌ی اطلاعات دموگرافیکی توسط کلیه دانشجویان دندانپزشکی ثبت نام کننده کارگاه تکمیل گردید. دانشجویان به دو گروه مداخله و شاهد ۳۰ نفره تخصیص تصادفی پیدا کردند. برای برگزاری کارگاه گروه مورد، برنامه ریزی آموزشی صورت گرفت و کارگاه آموزشی ۸ ساعته با استفاده از روش‌های فعال تدریس مانند ایفای نقش، بحث در گروه کوچک، بحث در گروه بزرگ، تمرین عملی و سخنرانی تعاملی با مشارکت و همکاری ۳ تن از اساتید دندانپزشکی برای دانشجویان گروه مداخله

برگزار گردید. بعد از يك ماه مجدد پرسشنامه‌ی همدلی بالینی توسط هر دو گروه تکمیل شد. اطلاعات پرسشنامه هر دو گروه قبل و بعد کارگاه وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد بر اساس تخصیص تصادفی بین دو گروه مداخله و شاهد از نظر متغیرهای دموگرافیک و تحصیلی مانند سن ($P=0.27$)، جنس ($P=0.19$)، وضعیت تاهل ($P=0.08$)، سال ورود ($P=0.06$)، محل سکونت ($P=0.76$)، قومیت ($P=0.41$)، علاقه مندی به تحصیل در دندانپزشکی ($P=0.69$) و علاقه به ارتباط با دیگران ($P=0.69$) اختلاف آماری معنی داری وجود نداشت. همچنین میانگین نمره همدلی جفرسون در دو گروه قبل از مداخله از نظر آماری معنی دار نبود ($P=0.76$) اما پس از برگزاری برنامه آموزشی برای گروه مورد، اختلاف آماری معنی داری در میزان نمره همدلی بالینی گروه مورد با گروه شاهد ($P=0.03$) بدست آمد. همچنین اختلاف میانگین نمره همدلی گروه مورد قبل و بعد از مداخله معنی دار بود ($P=0.05$) به غیر از متغیر قومیت ($P=0.03$)، هیچکدام از متغیرهای دموگرافیک ارتباط معنی داری با نمره همدلی بعد از مداخله نداشتند.

نتایج:

انجام این مطالعه نشان داد که با آموزش مهارت‌های ارتباطی می توان میزان همدلی بالینی دانشجویان دندانپزشکی را ارتقاء بخشید لذا توصیه می شود برنامه‌های آموزش مهارت‌های ارتباط میان فردی جهت بهبود عملکرد دانشجویان در بالین وارد کوریکولوم اصلی رشته‌ی دندانپزشکی شود و دانشجویان قبل از ورود به بخش‌های کارآموزی و کارورزی در این خصوص آموزش دریافت کنند و یا برنامه های کوتاه مدت با روش های تدریس نوین و جذاب برای آموزش همدلی به دانشجویان برنامه ریزی و اجرا گردد.

کلمات کلیدی: آموزش، همدلی بالینی، دانشجویان دندانپزشکی، اثربخشی

تجربه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده پرستاری و مامایی ساری در اجرای پایان نامه هایشان در طی همه گیری کووید-۱۹: یک مطالعه کیفی

فرشته عراقیان مجرد^۱، علی حسام زاده^۱، عاطفه کاظم زاده^۱، طاهره یعقوبی^۱

۱. علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: طاهره یعقوبی

مقدمه:

هسته ای اصلی آموزش دانشجویان تحصیلات تکمیلی مبتنی بر پژوهش بوده و نقش تاثیرگذارتری در تولید دانش برعهده دارند. در هنگام شیوع ویروس کرونا فرایند آموزش و ارتباط با اساتید در بستر اینترنت و در فضای مجازی ارائه شد. ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و انجام نمونه گیری برای تحقیقات دانشجویی تحت تاثیر این همه گیری قرار گرفت. لذا هدف این مطالعه تبیین دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی در اجرای پایان نامه در پاندمی کووید-۱۹ می باشد.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی و از نوع تحلیل محتوا قراردادی می باشد. جامعه پژوهش، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده پرستاری مامایی نسیبه ساری در سال ۱۳۹۹ می باشند. نمونه ها به روش نمونه گیری هدفمند و با حداکثر تنوع وارد مطالعه شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل: تحصیل حداقل ۲ ترم دانشگاه در مقطع تحصیلات تکمیلی در رشته های پرستاری و مامایی ۲- گذراندن واحد روش تحقیق ۳- تمایل به شرکت در مطالعه می باشد. معیار خروج شامل: ۱- مشروط بودن ۲- تحصیل به عنوان دانشجوی مهمان است. معیار خروج شامل عدم تمایل به مشارکت در مطالعه بود. ابزار جمع آوری داده ها، مصاحبه عمیق با سوالات نیمه ساختاریافته بود. جهت تحلیل داده ها از رویکرد کیفی گرانهم و لوندمن استفاده شد. جهت صحت و استحکام مطالعه از معیارهای پیشنهادی گوبا و لینکلن استفاده شد.

نتایج:

مشارکت کنندگان در این تحقیق، ۱۴ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد ترم ۳-۶ تحصیلی دانشکده پرستاری مامایی نسیبه ساری داشتند. ۷۱/۴۲٪ مونث بودند. محدوده سنی شرکت کنندگان بین ۴۰ - ۲۷ سال بود. یافته های مطالعه شامل چهار طبقه اصلی و یازده زیر طبقه شامل چالش های فردی (سردرگمی نقش ها، بی انگیزگی محقق)، کمبود دانش تحقیق (ضعف در روش تحقیق و اصول آماری، تسلط ناکافی به زبان انگلیسی)، دسترسی محدود به منابع (دسترسی غیر حضوری اساتید، دسترسی

محدود به کتابخانه، کمبود نمونه های تحقیق (و چالش های سازمانی (تخصیص ناکافی بودجه، مقررات اداری سختگیرانه، الویت های پژوهشی نامشخص، دسترسی ناکافی به پرسنل و عدم همکاری آنان) بود.

بحث و نتیجه گیری:

یافته های این مطالعه می تواند به مسئولین و اساتید دانشگاه برای تصمیم گیری جهت رفع موانع تحقیق کمک کند. به نظر می رسد که آموزش های روش تحقیق به صورت کاربردی، به صورتی که دانشجو به طور واقعی درگیر فرآیند تحقیق شود موثر باشد.

کلمات کلیدی: دانشجویان، تحصیلات تکمیلی، کووید-۱۹، تحقیقات کیفی



تدوین سند دیده بانی آموزش پزشکی مجازی در شرایط مشابه با قرنطینه جهانی کووید ۱۹

علی اصغر صفائی^۱، الهام مسرت^۱، رضا ربیعی^۲، صدیقه سادات هاشمی کمانگر^۳

۱. دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: الهام مسرت

مقدمه:

نظام دیده بانی سلامت، رصد و تجزیه و تحلیل منظم و مستمر مسائل حوزه سلامت و اطمینان از کاربست اطلاعات بروز و جامع در ارزیابی و نظارت بر تاثیر برنامه ها و سیاست های سلامت است. دیده بانی سلامت امکان شناسایی مشکلات و مسایل بهداشتی و پیشنهاد مداخلات مبتنی بر شواهد را بر اساس اطلاعات متنوع از منابع مختلف را فراهم می نماید. با توجه به رخداد پاندمی کووید ۱۹ و تحولات قابل توجه در آموزش پزشکی و جایگزین شدن فناوری های نوین به جای آموزش های سنتی شده و نظر به اینکه سیستم یادگیری-یاددهی فعلی در کنار تمام مزایا با چالش هایی نیز روبرو شده است، رصد و تجزیه و تحلیل منظم و مستمر مسائل این حوزه از طریق فرایند دیده بانی از ضروریات می باشد. هدف از این پژوهش ارایه سندی برای دیده بانی آموزش پزشکی مجازی فراگیر و موثر در شرایط مشابه با قرنطینه جهانی کووید ۱۹ است.

مواد و روش ها:

در ابتدا با مروری جامع با جستجوی کلید واژه های دیده بانی، کووید ۱۹، آموزش پزشکی، آموزش مجازی، قرنطینه انجام گرفت. جستجو در پایگاه های گوگل اسکولار، پاب مد، پروکوئست، ساینس دایرکت، وب آو ساینس، کوکران، امبیس و SID و همچنین وب سایت های سازمان های متولی دیده بانی آموزش مجازی در دوران بیماری کووید ۱۹، شبکه های مراقبت بهداشتی و پایگاه داده های ملی مرتبط انجام شد. علاوه بر این تمامی اسناد، گزارشات و دستورالعمل های سازمان های معتبر نظیر سازمان بهداشت جهانی و سایر ارگان های بین المللی و همچنین کتاب ها و پایان نامه های مرتبط در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت. این مرور با هدف استخراج ملزومات، سیاست ها، برنامه ها، روش ها، تکنیک ها و ابزارهای آموزش پزشکی، مداخلات، فرصت ها و چالش های آموزش پزشکی مجازی در دوران کووید ۱۹ بود. در مرحله بعد در راستای آسیب شناسی آموزش پزشکی و مجازی اجرا شده در ایام قرنطینه کووید در کشور پرسشنامه خودساخته با ۴۷ گویه تدوین و پایایی و روایی آن مورد سنجش قرار گرفت. در مرحله بعدی بر اساس

نتایج مرحله اول و دوم تدوین سند انجام گرفت. در ادامه ۱۵ نفر از صاحب نظران حوزه آموزش مجازی پزشکی به عنوان جامعه آماری بر اساس نمونه گیری غیر تصادفی و با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. صاحب نظران طی دلفی دو مرحله ای سند دیده بانی آموزش مجازی پزشکی را مورد ارزیابی قرار دادند.

نتایج:

سند تدوین شده ۱۴ راهبرد کلان، ۶۴ مداخله در ۷ محور (بعد فناوری (ابعاد سخت افزاری، نرم افزاری و فنی)/ بعد یاددهی- یادگیری/ بعد انسانی (مدیران، مدرسین، کارکنان و فراگیران)/ بعد محیطی و زمینه‌ای (عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سازمانی، اخلاقی، حقوقی)/ بعد مدیریت و رهبری/ رویکرد تضمین کیفیت/مدیریت خطر و تغییر) ارایه نمود.

بحث و نتیجه گیری:

دیده بانی شرایط آینده نگاری و تجزیه-تحلیل اطلاعات برای تصمیم گیری مبتنی بر شواهد را فراهم می سازد. با توجه به احتمال رخداد مجدد همه گیری ها در آینده و اهمیت مهندسی مجدد سیستم‌های یاددهی-یادگیری سنتی فعلی؛ تدوین سند بومی حاضر می‌تواند تسهیلگر برنامه ریزی سیاست گذاران حوزه آموزش پزشکی باشد.

کلمات کلیدی: دیده بانی، آموزش پزشکی، آموزش مجازی، قرنطینه، کووید ۱۹



تحلیل کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین بر اساس مدل SERVQUAL در سال ۱۴۰۱

معصومه ضیائیها^۱، زهرا حسین خانی^۱، محسن جلیلود^۱، سمانه کرمی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

نویسنده مسئول: معصومه ضیائیها

مقدمه:

به منظور توسعه یک سیستم آموزشی، ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی از طرف متقاضیان آن دارای اهمیت بسزایی است. از آنجایی که دانشجویان مشتریان اصلی دانشگاه‌ها هستند ادراکات و انتظارات آنها از کیفیت آموزش در برنامه ریزی برای بهبود کیفیت بسیار مهم است. امروزه دیدگاه دانشجویان در مورد جنبه های آموزشی ارائه شده در مؤسسات آموزشی بررسی میشود و به عنوان عامل ضروری پایش کیفیت در دانشگاه‌ها مد نظر است. از آنجا که مسؤولان سلامت جامعه در دانشگاه‌های علوم پزشکی پرورش می یابند، ارائه خدمات آموزشی با کیفیت به منظور تربیت نیروهایی متخصص و متعهد از اهمیت بالایی برخوردار میباشد. لذا ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی از ضروریات پژوهش در امر آموزش تلقی میشود. مدل Servqual یکی از مدل‌هایی است که با تحلیل شکاف بین انتظار و ادراک مشتری سعی در سنجش کیفیت خدمات دارند. این مدل همچنین به مدل تحلیل شکاف نیز معروف است و توسط پاراسورامان و زینت هامل ابداع گردید. این مطالعه با هدف بررسی شکاف ادراکات و انتظارات دانشجویان از کیفیت خدمات آموزشی در ۵ بعد همدلی، قابلیت اطمینان، تضمین، پاسخگویی و ملموس بودن در دانشکده بهداشت و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین با استفاده از مدل Servqual در سال ۱۴۰۱ انجام گرفته است.

مواد و روش‌ها:

این مطالعه از نوع مقطعی (توصیفی-تحلیلی) در سال ۱۴۰۱ بود. جامعه مورد مطالعه دانشجویان دانشکده بهداشت و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین بودند که در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند. ابزار گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر پرسش نامه استاندارد ۲۷ سؤالی Servqual است. که شکاف انتظارات و ادراکات دانشجویان را در پنج بعد ملموس بودن (۴ سؤال)، قابلیت اطمینان (۷ سؤال)، پاسخگویی (۵ سؤال)، تضمین (۵ سؤال) و همدلی (۶ سؤال) می‌سنجد و بر اساس مقیاس ۵ امتیازی لیکرت تنظیم گردیده است. روایی و پایایی این پرسش نامه توسط کبریایی در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. ضریب آلفا کرونباخ کل سؤالات پرسشنامه ۰٫۸۵ به دست آمده است که نشان میدهد پرسش نامه از ثبات درونی خوبی برخوردار است. تعداد ۱۵۴

نفر از دانشجویان به روش نمونه گیری چند مرحله ای تصادفی جهت اجرای مطالعه انتخاب شدند. داده ها در نرم افزار SPSS ویرایش ۲۳ با استفاده از آمار توصیفی و آزمونهای ANOVA و t-test در سطح معنی داری ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج:

از ۱۵۴ دانشجوی شرکت کننده در مطالعه ۳۱/۲% آقا و ۶۸/۸% خانم بودند، میانگین سنی شرکت کنندگان (۱/۷۳) ۲۱/۳۵ بود. مقطع تحصیلی تمامی شرکت کننده ها کارشناسی بود. نتایج این مطالعه نشان داد، بین انتظارات کیفیت خدمات آموزشی و ادراکات دانشجویان اختلاف معنی دار وجود دارد ($p < 0.001$). شکاف بین انتظارات و ادراکات بعد ملموس بودن (۳/۶۴/۴-، بعد پاسخگویی (۴/۷۱/۵-، بعد همدلی (۵/۱۳/۶-، بین بعد تضمین (۳/۹۹/۵- و بعد قابلیت اطمینان (۵/۱۵/۷- بود. در بین متغیرهای دموگرافیک و تحصیلی دانشجویان فقط برحسب معدل دانشجویان بین ادراکات و انتظارات ایشان اختلاف معنی داری مشاهده شد ($p = 0.001$).

بحث و نتیجه گیری:

نتایج پژوهش حاضر نشان داد بیشترین شکاف در بعد اطمینان و کمترین شکاف در بعد ملموس وجود دارد. کمترین شکاف در عبارت "ظاهر آراسته و حرفه ای استادان و کارکنان آموزش دانشکده" مربوط به بعد ملموس و بیشترین شکاف در عبارت "مناسب بودن زمان برگزاری کلاس ها" مربوط به بعد همدلی مشاهده گردید. شکاف منفی کیفیت در هر ۵ بعد خدمات آموزشی و تمام عبارات مربوط به هر بعد نشان داد که در هیچ کدام از ابعاد خدمت، انتظارات دانشجویان برآورده نشده است. لذا در برنامه ریزی جهت ارتقای کیفیت خدمات آموزشی باید در راستای برآورده نمودن انتظارات دانشجویان تلاش نمود و ابعدی که بیشترین شکاف را دارند در اولویت قرار گیرند. به منظور بهبود و توسعه سیستم آموزشی پیشنهاد میشود همه دست اندرکاران امر آموزش به ویژه مسؤولان، برنامه ریزی در جهت کاهش و یا حذف کاستیهای موجود، بازبینی فرآیندها، در ارائه خدمات آموزشی و توجه بیشتری به انتظارات دانشجویان داشته باشند و خدمات دانشگاه را با توجه به نیازهای دانشجویان و رضایتمندی آنها بهبود بخشند.

کلمات کلیدی: شکاف کیفیت، خدمات آموزشی، سروکوال، ادراک، انتظار

تأثیر سامانه مدیریت تحصیلی دانشجویان بر فرآیندهای آموزشی و پژوهشی دانشجویان دکترای تخصصی

فرامرزی پوراصغر^۱، سید محمد حسین پورهاشمی اردکانی^۱، سالار محمددخت چرندابی نژاد^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تبریز، آذربایجان شرقی، ایران

نویسنده مسئول: فرامرزی پور اصغر

مقدمه:

خدمات آموزشی در زمره خدماتی هستند که در توسعه جامعه نقش بسزایی ایفا می‌کنند. رسالت نهادهای آموزشی، رشد انسان، تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی و تأمین ابزار برای نسل‌های آتی است. این مأموریت زمانی به درستی محقق می‌شود که فرآیندهای آموزشی به طور مستمر ارزیابی شده و از لحاظ کیفی بهبود یابند. سامانه مدیریت تحصیلی دانشجویان (سمت) در سال ۱۳۹۸ با هدف بهبود بخشی از فرآیندهای آموزشی و پژوهشی دانشجویان دوره دکتری شامل تسهیل شناخت دانشجویان از اعضای هیئت علمی، انتخاب استاد راهنما و ارزیابی دوره ای عملکرد دانشجویان در گروه آموزشی مدیریت و سیاست‌گذاری سلامت دانشگاه علوم پزشکی تبریز راه اندازی شد. این مطالعه قصد دارد تأثیرات سامانه سمت را بر پارامترهای مربوط به فرآیندهای آموزشی و پژوهشی دوره دکتری ارزیابی نماید.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر از نوع مداخله‌ای و به روش قبل و بعد انجام شد. داده‌های مربوط به قبل مداخله به صورت گذشته‌نگر از افرادی که وضعیت قبل از راه‌اندازی سامانه را تجربه کرده بودند، همزمان با داده‌های بعد از مداخله جمع‌آوری شد. راه‌اندازی سامانه مدیریت تحصیلی دانشجویان به عنوان مداخله‌ای در فرآیندهای آموزشی و پژوهشی دانشجویان دکتری در نظر گرفته شد. گروه هدف این مطالعه دانشجویان دکتری تخصصی، اعضای هیئت علمی و کارشناسان گروه مدیریت و سیاست‌گذاری تبریز بودند. دو پرسشنامه جهت بررسی شرایط قبل و بعد از راه‌اندازی سامانه سمت توسط اعضای تیم تحقیق طراحی گردید. در گام بعدی جهت سنجش روایی سوالات، از نظرات ۱۰ نفر از متخصصان در قالب فرم‌های روایی صوری و محتوایی استفاده شد. بر اساس نمرات شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) یکی از سوالات که حد نصاب لازم را کسب نکرده بود از هردو پرسشنامه، حذف گردید. پرسشنامه ارزیابی مرحله قبل از راه‌اندازی سامانه شامل ۸ سؤال با مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت بود. پرسشنامه بعد از راه‌اندازی سامانه نیز با ۹ سؤال (۸ سؤال مشترک با پرسشنامه قبل و ۱ سؤال اختصاصی سامانه) به تأیید متخصصین رسید. در این مطالعه جهت انتخاب نمونه‌ها از روش تمام‌شماری استفاده شد. پرسشنامه‌های طراحی شده به صورت کاغذی و الکترونیک برای تمامی افراد حائز معیارهای ورود ارسال شدند. تحلیل داده‌های جمع

آوری شده با استفاده از روش های آماری توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) انجام گرفت و میانگین نمرات در مقیاس صدتایی با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶، گزارش و تحلیل شد.

نتایج:

تعداد ۲۵ نفر پرسشنامه وضعیت قبل از راه اندازی سامانه سمت و ۲۶ نفر پرسشنامه وضعیت بعد از راه اندازی سامانه سمت را تکمیل نمودند. در بین این دو گروه ۲۱ نفر مشترک وجود داشتند، همچنین از هر گروه افرادی بودند که به دلیل فارغ التحصیلی قبل از راه اندازی سامانه و یا عدم تجربه وضعیت قبل از سامانه به ترتیب تنها پرسشنامه قبل و بعد از راه اندازی سامانه را تکمیل نمودند. از بین شرکت کنندگان در این مطالعه در فاز قبل از راه اندازی سامانه، ۱۴ نفر دانشجوی دکتری تخصصی، ۸ نفر عضو هیأت علمی و ۳ نفر از کارشناسان گروه آموزشی و در فاز بعد از راه اندازی سامانه به ترتیب ۱۶، ۷ و ۳ نفر بودند. در حیطه های مختلف پرسشنامه در بخش "شفافیت ظرفیت پذیرش پایان نامه توسط اعضای هیأت علمی" نمره از ۴۲/۴ به ۷۶/۱۵؛ در بخش "سهولت ارتباط برای اطلاع از سوابق و علاقه مندی های پژوهشی اعضای هیأت علمی" نمره از ۵۲/۸ به ۷۸/۴۵؛ در بخش "محرمانگی فرآیند ارزیابی عملکرد" نمره از ۴۱/۶ به ۸۳/۸۴؛ در بخش "مقبولیت فرآیند ارزیابی عملکرد" نمره از ۴۴ به ۸۰/۶۵؛ در بخش "اعتبار اطلاعات فرم ارزیابی عملکرد" نمره از ۵۷/۶ به ۸۰ و در نهایت در بخش "پاسخگویی و پشتیبانی" نمره از ۵۲ به ۷۶/۱۵ ارتقا یافته بود. بیشترین ارتقا در بخش محرمانگی فرآیند ارزیابی عملکرد به میزان ۴۲/۲۴ مشاهده شد.

بحث و نتیجه گیری:

ارتقای قابل توجه پارامترهای مختلف از فرآیندهای انتخاب استاد راهنما و ارزیابی عملکرد دانشجویان دکتری نشان دهنده ظرفیت فراوان فناوری اطلاعات در بهبود فرآیندهای سنتی نظام آموزش عالی است. استفاده صحیح از ظرفیت فناوری اطلاعات در ارتقای فرآیندهای یکی از گزینه هایی است که در حوزه های مختلف امکان بهره برداری از آن وجود دارد. در نظام آموزش عالی نیز به دلیل حساسیت تربیت نیروی انسانی و نقش پررنگ آن در توسعه جامعه این ظرفیت نباید مغفول بماند. پیشنهاد می شود به صورت مستمر این سامانه از دید ذینفعان مورد ارزیابی قرار بگیرد و حتی فرآیندهای دیگری را نیز به خدماتش اضافه نماید.

کلمات کلیدی: مدیریت آموزشی، بهبود کیفیت

خشونت کلامی و واکنش حرفه ای به آن در محل کار ماماهاى شاغل در بیمارستانهای دولتی شهر تهران

مریم مدرس^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: مریم مدرس

مقدمه:

شناخت خشونت در محل کار به خصوص در مراکز مامایی یکی از مشکلات جدی در سطح جهان است. خشونت علیه کادر درمان در قسمت های مختلف نظام سلامت صورت می گیرد که در این میان میزان خشونت اعمال شده علیه کادر درمان در بیمارستان ها به مراتب و به طور معنی داری بیشتر از دیگر قسمت ها می باشد. از طرفی رعایت شاخص های اخلاق حرفه ای توسط پرسنل شاغل در محیط بالین بسیار اهمیت دارد. شاغلین در محیط بالین به عنوان الگوهای عملی، نقش به سزایی در آموزش رفتار حرفه ای به صورت بخشی از برنامه درسی پنهان برای دانشجویان گروه پزشکی دارند. بنابراین فراهم نمودن اطلاعات زمینه ای در این شرایط برای برنامه ریزی و سیاست گذاری مناسب و آموزش برای مدیران لازم است. این پژوهش با هدف تعیین میزان خشونت کلامی و واکنش حرفه ای به آن در محل کار ماماهاى شاغل در بیمارستان های دولتی شهر تهران در سال ۱۴۰۰ انجام شد.

مواد و روش ها:

مطالعه مقطعی حاضر بر روی ۳۷۰ مامای شاغل در بیمارستان های دولتی از اسفند ۱۳۹۹ تا مرداد سال ۱۴۰۰ در شهر تهران انجام گرفت. پس از نمونه گیری ۲ مرحله ای خوشه ای در انتخاب بیمارستان ها در نهایت ۱۰ بیمارستان دولتی دارای بخش زنان و زایمان به طور تصادفی وارد مطالعه شدند و ماماهاى شاغل در بخش های زنان و زایمان به صورت مستمر و بر اساس معیارهای ورود وارد مطالعه شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه خشونت در محل کار رحمانی و همکاران که پایایی آن در این مطالعه نیز بررسی و تایید شد، جمع آوری گردید. این پرسشنامه تجربه خشونت محل کار طی ۱۲ ماه گذشته، نوع خشونت، فرد مهاجم، محل اعمال خشونت و عکس العمل نسبت به خشونت را مورد بررسی قرار می دهد. جهت تعیین روایی از روش تعیین اعتبار محتوای کیفی استفاده شد. برای بررسی پایایی از روش باز آزمون استفاده شده بود و ضریب همبستگی ۰/۸۱ محاسبه شد. تجزیه و تحلیل آماری داده ها با استفاده از نسخه ۲۲ نرم افزار SPSS انجام شد. میانگین، میانه، انحراف معیار، دامنه تغییرات و حداقل و حداکثر آن محاسبه گردید، به صورت گروه بندی شده (پایین، متوسط و بالا) نیز توصیف گردیدند. سطح معنی داری آزمون فرضیه ها، $P < 0/05$ در نظر گرفته شد.

نتایج:

۴۱/۴ درصد از ماماها خشونت کلامی را طی ۱۲ ماه گذشته در محل کار خود گزارش کردند. خشونت اعمال شده، بیشتر از سوی بیماران و بعد همراهان آن‌ها به ترتیب (۷۰/۴ درصد) و (۵۲/۹ درصد)، واکنش حرفه ای بیشتر ماماها، به صورت دعوت به خودداری از خشونت (۳۰/۱ درصد) و وانمود کردن به اتفاق نیفتادن (۲۶/۱ درصد) بوده است. ۴۹ درصد اعلام کرده بودند که به علت ترس از عواقب ناشی از گزارش خشونت، اقدام به گزارش آن نکرده اند و ۳۵/۴ درصد نیز علت عدم گزارش خود را بی فایده بودن گزارش خشونت عنوان کرده بودند. هم چنین در ۸۳/۷ درصد از خشونت های کلامی اتفاق افتاده علت یابی خشونت انجام نشده است.

بحث و نتیجه گیری:

خشونت کلامی از طرف بیماران و همراهان آن‌ها در محیط های کاری مامایی اعمال شده است. آموزش مهارت های حرفه ای برخورد مناسب با خشونت محل کار و سیستم رسمی گزارش دهی خشونت و آموزش راهکارهای آن از سوی مدیران ضروری است. پیشنهاد می شود، مدیران بیمارستان ها و مراکز بهداشتی، همچنین مدیران مامایی و سیاست گذاران نظام سلامت، خشونت محل کار را جدی تر در نظر بگیرند. همچنین با استفاده از نتایج این تحقیق، اقدامات مداخله ای جهت کاهش خشونت محیط بالین اعم از افزایش تعداد پرسنل، آموزش های عمومی در خصوص مدیریت خشم و آموزش تعهد حرفه ای و مهارت های مقابله با خشونت اجرا نمایند.

کلمات کلیدی: خشونت کلامی، خشونت محل کار، حرفه ای گری، ماما

بازنگری شرح وظایف: ارتقا عملکرد مراکز و دفاتر توسعه آموزش

ماریا شاطر جلالی^۱، نیکو یمانی^۲، آیین محمدی^۳، فرنگیس شوقی^۴

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۳. دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۴. وزارت بهداشت درمان و آموزش علوم پزشکی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: ماریا شاطر جلالی

مقدمه:

در سال‌های اخیر مراکز توسعه از نقش حاشیه‌ای به یک موقعیت استراتژیک در دانشگاه‌ها تغییر وضعیت داده‌اند. این تغییر وضعیت، مأموریت آنها را از نقش حمایتی اولیه برای یاددهی، فراتر برده است. وجود چالش‌هایی در مراکز مانند ادغام آموزش و بخش سلامت، محدودیت اختیار مراکز، عدم وجود ساختار و نیروی انسانی مجرب، تعاملات نامناسب در حوزه آموزش و ترجمان ضعیف دانش موجود به همراه نیازهای در حال تغییر دانشگاه‌ها، ضرورت بازنگری وظایف مراکز به عنوان متولی ارتقا آموزش را آشکار می‌سازد.

مواد و روش‌ها:

پژوهش حاضر به روش ترکیبی و به شیوه سه‌سوسازی همزمان انجام شد. ابتدا برای دستیابی به وضعیت موجود از مستندات و پرسشنامه‌ای ۱۰ بخشی با سوالات بسته و باز پاسخ با ارسال الکترونیکی به مراکز توسعه آموزش سراسر کشور استفاده نمودیم. همزمان برای استخراج وظایف مطلوب مراکز و دفاتر از روش توافقی دلفی تعدیل شده با ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه از منابع متفاوت (روسا و معاونین آموزشی دانشکده‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی، مدیران مراکز و خبرگان حوزه) استفاده کردیم. برای تعیین پیش‌نویس شرح وظایف مطلوب، راند اول دلفی به روش تحلیل محتوای استقرایی انجام شد. در راند دوم، از پرسشنامه مستخرج از مصاحبه‌ها شامل پیش‌نویس شرح وظایف، با درجه‌بندی بلی/خیر، با معیار کسب توافق ۷۰٪ استفاده شد، با استفاده از مقایسه نتایج دو روش قبلی، مرور متون و تکنیک RAND، ابتدا پرسشنامه‌ای ۹ درجه‌ای شامل ۸۷ سوال در ۲ بخش، شامل سوالات کلی مرتبط با ساختار و سوالات مربوط به شرح وظایف تنظیم، و نظرات خبرگان کسب شد. گویه‌های با کسب توافق ۷۰٪ و بالاتر به عنوان وظیفه پایه، توافق بین ۶۹/۹۹٪-۴۵٪ به عنوان وظیفه ترجیحی در نظر گرفته شد. سپس در جلسه‌ای با حضور خبرگان، پس از بحث و تبادل نظر، مفاد راهنما و آیین‌نامه نهایی و سپس تنظیم شد. روایی پرسشنامه‌ها با CVR و CVI و پایایی با آلفای کرونباخ تعیین شد.

نتایج:

شرکت‌کنندگان در پانل نهایی ۱۴ نفر با سابقه بیش از ۱۶ سال برای ۵۴٪ بودند. راهنما در دو سطح پایه و ترجیحی در ۳ بخش تدوین شد. در بخش اول، وظیفه سیاست‌گذاری مراکز و حضور در شورای آموزشی دانشگاه/دانشکده، بیشترین توافق (۹۱٪) را کسب کرد. در بخش دوم برای راه‌اندازی واحدهای عملیاتی و حضور اعضای هیات علمی و کارشناسان تمام وقت در مراکز/دفاتر بیشترین توافق (۸۱٪) حاصل شد. در بخش سوم، زیربخش اول برنامه‌ریزی آموزشی و شامل چهار زیربخش است. وظیفه مشارکت در تدوین و بازنگری برنامه درسی توسط مرکز/دفتر بیشترین توافق (۹۱٪) را کسب و وظایف مدیریت و تدوین شیوه‌نامه برنامه‌های بالینی و مبتنی بر جامعه از زیربخش توسعه کیفی برنامه و مبتنی بر جامعه در اولویت بعدی بودند. در زیربخش توانمندسازی آموزشی وظیفه ارائه فیدبک از تدوین نظام جامع و طراحی دوره توسط مرکز/دفتر بیشترین توافق (۹۱٪) را داشت، زیربخش سوم، ارزشیابی، در ارزیابی فراگیر وظیفه طراحی نظام جامع و طراحی ابزارهای ارزشیابی مانند پورتفولیو توسط مرکز/دفتر دارای بیشترین توافق (۸۲٪) بود، در ارزشیابی استاد وظیفه طراحی نظام ارزشیابی و استفاده از نتایج ارزشیابی در ترفیح و ارتقای اعضای هیات علمی توسط مرکز/دفتر بیشترین توافق را داشت. در ارزشیابی برنامه در وظیفه همکاری و مشاوره در فرایند اعتباربخشی توسط مرکز/دفتر بیشترین توافق (۹۱٪) حاصل شد، در زیربخش چهارم، پژوهش، وظیفه تدوین اولویت‌های طرح‌ها و تدوین شیوه‌نامه توسط مرکز، بیشترین توافق را کسب کرد. در وظیفه همکاری مرکز در برگزاری جشنواره شهید مطهری توافق ۸۲٪ حاصل شد. در بخش دانشجویان، وظیفه حمایت و نظارت بر کمیته دانشجویی توسعه آموزش توسط مرکز/دفتر بیشترین توافق (۹۱٪) را داشت

بحث و نتیجه‌گیری:

راهنما در دو سطح پایه و ترجیحی دارای سه بخش اصلی شامل ارتباطات سازمانی مرکز/دفتر توسعه در تدوین سیاست‌ها با ۸ وظیفه، ساختار سازمانی چارت تشکیلاتی و بودجه مرکز/دفتر توسعه با ۱۱ وظیفه و نقش‌های توسعه‌ای مرکز شامل ۵ زیربخش و ۵۳ وظیفه است. فراگیر بودن راهنما و آیین‌نامه ابلاغی، به همراه وضوح و بیان جزییات و تعیین سطح وظایف، سهولت در اجرا را به همراه خواهد داشت.

کلمات کلیدی: مراکز توسعه، توسعه آموزش

ارزیابی وضعیت مدیریت تغییر در آموزش علوم پزشکی: مورد مطالعه دانشکده فناوری های نوین

قباد رضانی^۱، زهره سهرابی^۲، بیتا مهروی^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: زهره سهرابی

مقدمه:

آموزش پزشکی در مقاطع آموزش عالی و آموزش مداوم همیشه با فقدان زمان و شناخت مناسب همراه بوده است. حتی هم اکنون، منابع مالی محدودی برای ایجاد تغییر در آموزش پزشکی در نظر گرفته شده است. آموزش پزشکی به مواردی چون اشتیاق، حرفه ای گری و وقف زمان مدرسین و فراگیران در راستای بقاء آن در قالب فعلی وابسته است. سیستم های فشارآورنده برای ارائه خدمات بهتر روز به روز بیشتر و زمان تغییرات به نحو قابل توجهی کمتر می شود. به همین علت است که استفاده بهینه از زمان و منابع در راستای رسیدن به نتیجه اثربخش از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. انگیزه ما برای مدیریت تغییر در آموزش پزشکی افزایش یافته است چرا که منابع بسیار مناسبی در پزشکی و آموزش پزشکی وجود دارد که به طور مناسبی در شرایط فعلی مشاهده نشده اند، بسیاری از ایده ها بدلیل اشکال در نحوه ارائه نادیده گرفته شده اند و تعداد بسیاری از تغییرات بعلت دشواری در ایجاد شرایط بکارگیری عملیاتی نشده اند. لذا محققین بر آن شدند مطالعه ای با عنوان ارزیابی وضعیت مدیریت تغییر در آموزش علوم پزشکی در دانشکده فناوری های نوین انجام دهند.

مواد و روش ها:

روش انجام مطالعه حاضر کمی (توصیفی- پیمایشی) بود. جامعه آماری این مطالعه شامل مدیران و اعضای هیأت علمی، و کارشناسان دانشگاه بود. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه محقق ساخته حاضر بود که لینک آن در نرم افزار پرس لاین طراحی شد و در اختیار افراد نمونه قرار گرفت. براساس حجم جامعه آماری و براساس فرمول تعیین نمونه کوکران حجم نمونه برابر با ۳۷۴ تعیین شد که از این تعداد تنها ۱۵۱ نفر به ابزار مطالعه پاسخ دادند و بعبارتی کار تحلیل روی همان ۱۵۱ نفر صورت گرفت. با توجه به اینکه جهت ارزیابی میزان وضعیت مولفه های مدیریت تغییر در دانشگاه های علوم پزشکی یک سطح استاندارد و از پیش تعیین شده ای وجود ندارد و از طرفی ابزار طراحی شده در این مطالعه با طیف ۵ گزینه ای لیکرت اندازه گیری شد لذا دامنه نمرات حداقل نمره ۱ و حداکثر نمره ۵، برای هر سوال (و مجموع سوالات هر گویه نمره آن گویه را محاسبه نمود) با میانگین اصلی ۲/۵ می باشد. ذکر این نکته

ضروری است که در مطالعه اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۵)؛ عباسپور و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان (شناسایی مولفه های رهبری اصیل در آموزش و پرورش و ارزیابی وضعیت موجود) و مطالعه مجدزاده و همکاران (۱۳۹۸) نیز که در پی ارزیابی وضعیت رهبری اخلاقی در مدیران دانشگاهی بودند میانگین فرضی ۳ اعمال شده بود. جهت تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و استنباطی، و آزمون تی تک نمونه ای با نرم افزار SPSS 24 استفاده شد. جهت تعیین میزان مطلوبیت وضعیت این گویه ها با نظرات تیم پژوهش، میانگین فرضی برابر با نمره ۳ لحاظ شد و همچنین دامنه نمرات را براساس وضعیت کیفی به صورت زیر سطح بندی شد. (عملکرد مطلوب ۴-۵؛ عملکرد نسبتاً مطلوب، عملکرد نسبتاً مطلوب ۳-۴؛ عملکرد نسبتاً نامطلوب ۲-۳، عملکرد نامطلوب ۱-۲).

نتایج:

نتایج آزمون تی در این قسمت بیان نمود که هر ۷ مولفه مورد ارزیابی دارای میانگین زیر ۳ هستند و وضعیت مطلوبی ندارند. (محتوای کوریکولوم؛ ۲/۱۸؛ استراتژی آموزشی ۲/۲۴؛ روش های نوین تدریس ۲/۱۶؛ روش های نوین ارزشیابی ۲/۰۴؛ طراحی آموزشی ۱/۲۱؛ تغییر کوریکولوم ۱/۱۴، مدیریت تغییر ۲/۳۶).

بحث و نتیجه گیری:

بکارگیری مولفه های شناسایی شده مدیریت تغییر در محیط دانشگاه (دانشکده فناوری های نوین)، در برنامه درسی پنهان، الگوی نقش اساتید برجسته، می تواند فرایند گذار به دانشگاه نسل سوم را تسهیل نماید. تاکید بر آموزش پاسخگو و جامعه نگر، استفاده از رویکردهای یادگیری نوین، بکارگیری روشهای نوین تدریس مثل بازی، مبتنی بر تیم، مبتنی بر مساله، وارسازی، شبیه سازی، VR, XR, AR روشهای نوین ارزشیابی می تواند فرایند مدیریت و گذار به دانشگاه های کارآفرین و هزاره را تسهیل نماید.

کلمات کلیدی: مدیریت تغییر، کوریکولوم

Effect of Gamification of Anatomy Teaching on Long-Term Retention of Students

Areej Azhar¹, Syeda Kauser Ali², Surriyya Sarwat², Afifa Tabassum³

1. Aga Khan University, Pakistan
2. Jinnah Sindh Medical University, Pakistan
3. Liaquat National Hospital Medical College, Pakistan

Corresponding Author: Areej Azhar

Introduction:

Anatomy is considered an essential subject for medical students; however, students find it difficult due to its complex nature and its interdisciplinary dimensions. With the ongoing changes in curricular integration in medical education, anatomists face the pressures such as fewer formal teaching hours and limited resources to teach. This highlights the need for developing new, engaging, and creative teaching methods that enable deeper learning and long-term retention in students in a shorter time period. Gamification is a technique that combines game design features with traditional teaching strategies to boost learners' motivation and engagement in educational environments and has been shown to greatly enhance motivation, engagement, and short-term retention. However, evidence of its impact on long-term retention is limited, with a few studies supporting long-term retention whereas others rejecting the idea. The purpose of this study was to gather information on the effectiveness of gamification techniques in anatomy tutorial sessions and observe its effect on long-term memory retention.

Methods and Materials:

A quasi-experimental cross-over study design was used in this study, with a sample size of 100 students divided into 2 groups (A & B) from 1st-year MBBS. Two modules of equal duration (1 month each) were chosen and Group A experienced gamification in the first module while the other group did not. The groups were switched for the second module with Group B experiencing gamification this time. Module test was administered at the end of each module and the scores of the two groups were compared. A test was taken after 2 months, containing questions from both modules to assess long-term retention. An Independent sample t-test was applied to compare the means of scores of both groups for all three tests separately. A p-value of < 0.05 was taken to be significant. Gamification intervention: The objectives of each session were provided to students before the sessions and were covered in the tutorials in a buzzer round quiz form with scores displayed using a leaderboard. There were 3 levels in total. The first two levels included tasks such as cross-matching, label the diagram, explaining the diagram or word written, fill in the box, explaining the task on the given model, drawing the task, etc. The third level comprised a clinical scenario with tasks of diagnosing the case and highlighting the justifications on the board which lead to the diagnosis. Each task was time bound. The scores of the students were displayed using a leaderboard and were added up to the scores in the next session.

Results:

No significant difference was observed in the scores of the two groups for the end-of-module tests (Test #1 p-value =0.3) (Test #2 P value =0.5) or the delayed test held 2 months later (P value = 0.7).

Conclusion:

Our study found no evidence that gamification affected knowledge retention, be it immediately after intervention or after 2 months. Further research based on longitudinal studies needs to be conducted to confirm whether gamification has the potential to improve retention or not in the longer term.



Simulation Based Training Improves Laparoscopic Surgical Skills in Trainee Surgeons

Abdul Razaque Shaikh¹

1. College of Physicians and Surgeons, Pakistan

Corresponding Author: Abdul Razaque Shaikh

Introduction:

The aim of this study was To assess the impact of laparoscopic simulation training on surgical skills of trainee surgeons.

Methods and Materials:

This is a Comparative prospective study. Place and Duration of Study was Jinnah Sindh Medical University Karachi, for one month October 2019. Total thirty surgical trainees of FCPS year four (R4) were studied. The cases group (fifteen trainees) were given one month laparoscopy training on a LAP Simulator (LAPSim), surgical science Sweden) and the control group (fifteen trainees) were not trained. Their laparoscopic skills were then compared. Objective Structured Assessment of Technical Skills (OSATS) specific and general was used to assess their performance. Data was entered and analyzed using SPSS-23.

Results:

On LAP Sim Scoring, post-test scores were significantly better than pre-test for all skills in the trained residents ($p < 0.01$ for all subscales) and total post-test score was also significantly better for trained surgeons as compared to untrained (77.45 ± 7.78 vs. 31.70 ± 2.48 ; $p < 0.01$). On Objective Structured Assessment of Technical Skills for specific tasks, post-test scores were significantly better than pre-test for all tasks in the cases ($p < 0.01$ for all subscales) and for none in the controls. On Objective Structured Assessment of Technical Skills general, posttest scores were significantly better than pre-test for all tasks in the cases ($p < 0.01$ for all subscales) and for clip application ($p < 0.01$) and suturing with intracorporeal knot tying ($p < 0.01$) in the controls.

Conclusion:

This study demonstrated significantly improved levels of performance for all skill sets for novice surgical residents trained on LAP Sim for minimally invasive surgical procedures.

Planning, implementation and evaluation of the new Internal Medicine internship rotation curriculum in the School of Medicine of Tehran University of Medical Sciences (SoM-TUMS)

Mahbube Ebrahimpur¹, Tahereh Yavari¹, Samaneh Parsa¹, Alireza Sharifi¹, Rezvan Abdolazimi¹, Ali Hasanzadeh¹

1. Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Corresponding Author: Mahbube Ebrahimpur

Introduction:

The goal of the internship course is developing required competencies of medical students in their last formal training as a Medical Doctor who has licensure to independently practice as a General Practitioner. During the last decades, with sub-specialization of the disciplines of internal medicine, in-service training of interns in clinical rotations has severely affected and shifted mainly to inappropriate clinical or even non-clinical aspects of patient management. The department of Internal Medicine of SoM-TUMS decided to implement a new internship curriculum based on a previously developed document.

Methods and Materials:

We used ADDIE as the framework for this project.

Assessment: The necessity of major revision in DIM internship curriculum was been declared in the long term plan of the DIM and endorsed by the Department Council. The major aspects of the revision has been defined as:

- a) Defining the intern as the legitimate member of the Health care team who is responsible for patient care under appropriate supervision
- b) More emphasis on ambulatory vs inpatient care
- c) Moving toward interns training in secondary care rather than tertiary care hospitals

Design: In design phase, DIM Internship Training Committee prepared the common requirements for all three DIM internship programs based on SoM-TUMS internship curriculum with required modifications which has been adapted by DIM Education Council.

Development: In this phase, every internship programs developed their own detailed curriculum based on the common requirements and tailored to their own setting. One of the most important aspects of development phase was clarification and documentation of the roles and responsibilities of residents and interns.

Implementation: The implementation of the revised program began in 3 independent DIM internship programs at the six tertiary and secondary TUMS teaching hospitals. Despite all

communications during meetings and social media, there were a lot of confusion and misunderstanding on both sides of interns and residents which reached a peak just before the implementation. It has been managed by several meetings with interns and residents. There were also meetings in each internship program to explain the rationale and also different aspects of the new curriculum, its benefits and challenges.

Evaluation: Besides the above-mentioned continuous monitoring during the implementation phase and fixing the problems, there were an end of rotation survey of interns and also residents about their experiences of the new curriculum. The survey questionnaire developed based on the major aspects of the new curriculum, revised and administered anonymously by an electronic survey platform.

Results:

The overall response rate was %68.3 (%57 to %75). More than %67 of the respondents was agree or totally agree that the communication of the new program at the begging of their course was appropriate. Nearly %74 of the respondents were agree of totally agree that the overall model of their training was delegation of clinical responsibility in different settings. Nearly %85 were agree or totally agree that they were responsible for management of their patients as a member of the team. More than %80 of respondents were agree or totally agree that the new program should continue. The evaluation will be continued by comparison of the interns and residents survey results and also comparison of the new curriculum interns' performance with previous cohorts.

Discussion:

The results of the evaluation shows that despite increase burden of clinical care on the side of interns, they were in favor of such a change. The results of this project are aligned with current models of clinical training including SPaRC model (Support, Participation, Real patient learning and Capabilities) in which, promoting the participation of the clinical learners from observation toward real involvement with appropriate level of support is crucial for developing technical and psychologic outcomes in clinical learners. The major challenges for the new curriculum are its full implementation despite some resistant in few divisions and also its maintenance during the coming years.

Conclusion:

Despite all difficulties of internship education, it is possible and worthwhile to revise our traditional curricula based on appropriate model of clinical education and with sound plan for its implementation especially change management.



Introduction of Near-Peer Mentorship Program in an Undergraduate Medical College in Pakistan A Pilot Study

Narmeen Ahmed¹, Shaur Sarfaraz², Iram Khursheed¹, Zohaib Khurshid¹

1. Ziauddin University, Pakistan
2. Jinnah Sindh Medical University, Pakistan
3. King Faisal University, Saudi Arabia

Corresponding Author: Narmeen Ahmed

Introduction:

Transitioning from college to university life is a whole new exciting experience for the students but it brings along some new and unique challenges as well. Students develop feelings of diffidence, stress, and unfamiliarity while trying to acclimatize to the new, quite alien environment. They look for support from their peers and faculty members to help them acculturate as they start their professional lives. Freshly inducted students are in search of opportunities that can help them feel connected to their environment and one such group of people who can direct them during this phase is their near-peers. The literature states that near-peer mentoring is a new paradigm that can provide multiple opportunities for the professional growth and psychological well-being of not only the mentees but also the NPMs. Formal or informal near-peer mentoring practices are observed in some medical institutes but there are very few published studies explaining the need for near-peer mentoring to support students. There is also a dearth of evidence showing the implementation of such programs in medical institutes of Pakistan, indicating a dire need of providing a starting point and baseline studies to assist the long-term development of medical students. This study intends to introduce a formal near-peer mentoring program (NPMP) at ZMC and to identify the effects of near-peer mentoring on the students participating as mentors and mentees.

Methods and Materials:

A quasi-experimental study design was used for a duration of 5 months. In total, 73 students participated in the program, 21 from the 3rd year as near-peer mentors and 52 from the 1st year as mentees.

Inclusion Criteria: MBBS third-year students were taken as mentors, on the basis of results of Continuous Assessment Tests (CAT) of the 5th Semester which were extracted from the Examination Department with the permission of the Principal.

Exclusion Criteria: 1) Students who secured less than a B+ grade in the CAT were not invited. 2) All mentees were randomly distributed amongst the mentors, broadly in a ratio of 1:2. 3) The NPMs were provided with a proposed schedule which was as followed. 4) Online meetings to be held every week on Tuesdays, Thursdays & Saturdays for 1 hour. This was just a proposal and the mentors were given the leniency to schedule these meetings according to their needs and the time

available and feasible for them to manage. After the implementation of the program for 5 months, the Aston Peer mentoring Evaluation toolkit (quantitative portion) was distributed^{17,18}, which consisted of a questionnaire based on a Likert scale, and was sent to all the participants (via Google forms). The questionnaire had three sections. Section 1 was for both mentors and mentees to identify the effects of NPMP on their academic and professional lives. Section 2 was for the mentees only to recognize the 'before and after' effects of participating in NPMP and section 3 was for the mentors only about the implementation, support, and training they received regarding this program. The data was entered and descriptive statistics (percentages and frequencies) of responses for every item were calculated using SPSS version 24. Responses from mentors and mentees, in percentage, about the effects after participating in this program and about the implementation process and the training provided for this program are shown in the tables below.

Results:

The results showed that after participating in this program, 69% of the mentees felt acclimatized into the university environment and 66% of the mentors also developed a sense of belonging. 90% of the mentors agreed that their soft skills improved after mentoring their juniors. Overall, around 70% of the mentors & mentees agreed that participation in this program had positive effects on their learning.

Conclusion:

The results of this study showed that the intervention of the near-peer program was accepted and received positive responses from both the mentors and the mentees. Thus, the formal introduction of such programs will be beneficial for medical institutes. It is suggested that researchers should further study and continue its implementation in the future to study its long-term implications on the performance of the mentors and mentees academically as well as personally to improve the quality of the student support process.



Duration of Daily in-Patient Contact; a Determinant of Empathy Level Among Healthcare Professionals

Hudebia Allah buksh¹

1. Liaquat University of Medical and Health Sciences, Pakistan

Corresponding Author: Hudebia Allah buksh

Introduction:

Empathy is a core attribute in medical professionals, an essential part of effective understanding and communication among the patient and healthcare professional, and a guarantor of better patient outcomes. Developing a sense of empathy development among healthcare professionals may be fundamental to developing ways to promote this crucial trait. It is aimed to study the association of duration of daily in-patient contact with empathy levels among healthcare professionals.

Methods and Materials:

This cross-sectional analysis was conducted upon a sample of 114 healthcare professionals (chosen via non-probability - consecutive sampling) at two public sector –tertiary care teaching hospitals in Hyderabad and Jamshoro. After taking written informed consent, data were collected using an anonymous, self-administered questionnaire comprising of questions pertaining to basic biodata, sociodemographic details, professional credentials (i.e., field, designation, work experience, etc.), and particulars of the daily work routine and duration of daily in-patient contact. Empathy was assessed using the "Jefferson Scale of Empathy - Health Professions Version" (Urdu translation). The data obtained was analyzed using SPSS v. 21.0 & Microsoft Excel 360.

Results:

The mean age of the sample stood at 34 years ($SD \pm 07$). 56.1% of the sample comprised males, while 43.9% were females. The types and tiers of professional designations of the respondents included nursing staff (18.42%), trainee doctors (77.1%), and senior consultants (4.48%). The cumulative mean duration of daily in-patient contact stood at 2.5 hours ($SD \pm 1.5$). The mean duration of in-patient contact notably decreased with increasing seniority and climbing up tiers of professional designation. Synonymously, empathy levels too mirrored a similar trend.

Conclusion:

Empathy, a component of interpersonal relationships, seems to thrive when a more prolonged, more sustained contact between the patient and the healthcare professional. Based on our results, it is evident that greater daily patient contact is strongly associated with higher empathy levels. It is thus recommended that more communication be encouraged to foster empathy, which may likely yield many benefits.

Switching Trends in Medical Education: Faculty Perception

Tazeen Shah¹, Talat Zehra¹

1. Jinnah Sindh Medical University, Pakistan

Corresponding Author: Tazeen Shah

Introduction:

The switching trend around the world in medical education at an undergraduate level is towards integrated module systems (IMS) as a curriculum, with a holistic approach to teaching basic and clinical sciences jointly based on different organ systems and process. It is a transition from memorizing and reciting facts and figures to more meaningful conceptual connections. IMS combines knowledge, skills, attitudes, and values in subject areas of the curriculum, in a relevant manner and is connected well by both students and teachers. IMS exists in two forms; Horizontal and Vertical. Horizontal integration is integration among the basic disciplines. Vertical integration refers to the correlation between basic and clinical subjects and provides a better understanding of applied principles than conventional curriculum right from the beginning of medical education. This is possible only when the components or the building blocks are ready. As a result of this association, learners in different disciplines are able to relate to real-life situations and perceive patients holistically. The traditional approach on the other side offers a high degree of separation between basic and clinical subjects which puts a burden and incoherent information leading to rote memorization rather than deep understanding. WHO also supports and recommends a student-centered approach. It has been observed that this system has certain demographic limitations or flaws that if not identified and addressed properly may result in its failure. IMS requires comprehensive planning for each module, coordination between departments, a large number of committed faculty members, and communication skills, which consumes more time.

Methods and Materials:

The perception of 32 faculty members who are working at Jinnah Sindh medical university Pakistan regarding the integrated modular system (IMS) was explored through interviews. (Interviews were not recorded). Participants were asked open-ended questions, which were transcribed later on.

Results:

Based on the participants' views, an integrated modular curriculum offers a more comprehensive approach to teaching. The majority of faculty believed that if the only horizontal mode of IMS is implemented, it will be more effective and helpful for the students to acquire in-depth knowledge of the subject.



Discussion:

Shoemaker defines an integrated curriculum as “education that is organized in such a way that it cuts across subject-matter lines, bringing together various aspects of the curriculum into the meaningful association to focus upon broad areas of study”. Currently, there is a debate over whether the medical curriculum should be discipline-based or integrated. As a part of the ongoing discussion integration in medical education contributes to dynamic development in the field of teaching and learning process for students. In this study, the majority of the faculty members of Sindh Medical College appreciated the integrated approach of learning at an undergraduate level. They highlighted the disadvantages and pitfalls of this system particularly vertical IMS which to some extent is not compatible with the system of intermediate education, to which most of the students belong. Vertical IMS is a good system of medical education for students who are already aware of an integrated approach to learning and can be implemented with sound basic knowledge of the subject. The faculty members agree that horizontal IMS is much better than the traditional approach in which at least students study in an integrated approach rather than the traditional approach in which there was compartmentalization of subjects. Faculty members also emphasized that accurate planning within the existing resources, faculty training, and coordination among the faculty members and policymakers are challenges that need to be addressed.

Conclusion:

The findings of the study suggest that an integrated modular system is a better option for medical education It can be successful if implemented with its true spirit, with dedicated and trained faculty, and with effective communication among faculty members and policymakers. The majority of faculty favors horizontal IMS as most of the students who come to our medical college are from the higher secondary school system in which their basic knowledge of biomedical science is not sound enough to adopt the vertical mode of IMS.



Workbook-Based Ethics Learning: A Novel Approach for Overcoming the Barriers and Enhancement of Cognitive Skills in Ethics Education

Muhammad Shahid Shamim¹, Lubna Baig², Nadeem Zubairi³

1. Aga Khan University, Pakistan
2. APPNA Institute, Pakistan
3. King Abdulaziz University, Saudi Arabia

Corresponding Author: Muhammad Shahid Shamim, Nadeem Zubairi

Introduction:

Ethics is considered one of the essential attributes of graduating medical professionals. The social nature of the discipline with an intricate relationship between the cultural context and demands of professional conduct renders its implementation in the medical curriculum an uphill task for educators all over the world. The distinctive sociocultural context of non-western countries adds to the complexities in these regions. Ethics education is, therefore, complex due to factors, including the context-dependent nature of the content, socio-cultural variabilities among populations and politico-legal influences on educational processes. We used a consultative approach for developing and refining a novel educational strategy to overcome the barriers in delivery and enhance the effectiveness of contextually relevant ethics education in the context of developing countries. The aim of this study was to systematically develop and refine the workbook-based ethics learning (WBEL) strategy through feedback from multiple sources.

Methods and Materials:

The study was conducted at King Abdulaziz University, Jeddah, Saudi Arabia, and employed an exploratory design using qualitative consultative feedback methodology for developing and refining the medical ethics education strategy. The design employed interviews with faculty and focus group discussions with students. These study participants had used the preliminary version of the strategy in the form of a Workbook for the delivery of ethics education in the undergraduate medical program. The workbook was also shared via emails with external experts in the field of ethics education for their critical review, as a part of the research design. They were asked to objectively critique the workbook and provide their distinct perspectives to enhance the educational quality of the process. Thematic content analysis of the qualitative data was performed to draw inferences and recommendations to enhance the educational quality of the strategy.

Results:

The participants in this study included 13 early clinical years medical students who volunteered for the focus group discussions; four faculty members who had used the workbook and consented to

the key informant interviews; and 11 external experts in the field of ethics education who fulfilled the inclusion criteria and responded. The analysis of qualitative data from all three groups of participants provided insight into the newly developed educational strategy in medical ethics education. The analysis generated twenty-one sub-themes within the four main themes; design features, content, teaching tools and assessment exercises in the workbook. The themes were used to develop the coding framework agreed upon after the consensus of the two reviewers. The framework was used for driving inferences from the data that enhanced the clarity and alignment of the workbook, and improved content on history, philosophy, and differing perspectives from religious and cultural aspects. The data helped in enriching the design of the workbook with interactive, authentic learning activities. The findings also supported the development of a guide for facilitators of the ethics course in this strategy.

Conclusion:

The study enabled the exploration of participants' views on features that can enhance approaches to ethics education. The study identified the strengths and weaknesses of the strategy and made suggestions for improving the effectiveness of the workbook in the delivery of ethics education in the given context. The findings were used to review and revise the workbook and develop WBEL as an enhanced approach to ethics education. The modifications suggested by study participants in also became the catalyst for the evolution of the ethics workbook from a teaching and learning instrument to an educational strategy. This WBEL strategy was based on the Contextually Relevant Ethics Education Model (CREEM) and incorporated the whole spectrum of delivery of medical ethics education in the given context.

Self-Assessment of Active Learning and Critical Thinking during Problem-Based Learning: An Exploratory Study

Kiran Fatima Mehboob Ali BANA¹

1. Bahawalpur Medical College, Pakistan

Corresponding Author: Kiran Fatima Mehboob Ali BANA

Introduction:

Acquisition of knowledge and skills are the important domains for the students to direct their learning process. Self-assessment of students' knowledge and skills is one way to assess students' overall learning in any educational intervention. Self-assessment helps learners to investigate their strengths and weaknesses in learning. Problem based Learning (PBL) is known to enhance learners' active learning and critical thinking, along with sharpening other skills like professionalism, communication, and time management. These skills help the students in their professional endeavors during the training period and their practical work. Self-assessment is a vital part of the PBL process for effective monitoring of students' learning, thus enabling them to monitor their knowledge and skills acquired during the process. Therefore, to maximize the benefits from PBL, students need to develop self-assessment competencies for continuously monitoring their progress. The competencies can be monitored in students by using self-assessment tools or exercises which enable students to evaluate their progress and assess their weaknesses and strengths during the learning process. The self-assessment scale on active learning and critical thinking (SSACT) is a tool used for monitoring the process of self-assessment. It is explicitly designed to assess the student's progress during PBL. Self-regulatory processes like goal-setting by inquiry-based learning, rating of learning strategies, evaluation of learning through feedback and using self-assessment scales have been suggested to minimise the negative impact on PBL. Feasibility of PBL may also get jeopardised if the primary aims of enhancing students' active learning and critical thinking skills are not achieved during this resource-intensive process. SSACT is a validated tool focused on monitoring the progressive enhancement of students' active learning and critical thinking skills during the PBL process. The aim of this study was to assess whether PBL enhances student's perception of their active learning (AL) and critical thinking skills with time and to validate the SSACT questionnaire in our context.

Methods and Materials:

An exploratory study using SSACT questionnaire was conducted at Bahria Dental College in Feb-2020 and Sep-2020. This study was approved by ethical review committee BUMDC ref# 11/2020. Participants were assured about the confidentiality of data as their information was kept de-identified and were encouraged to give completely honest responses. Students were also assured that participation and non-participation would not influence their academic results and relationship with the faculty. The permission to use the SSACT tool in this study was obtained from the developer Umatul- Khoriyah¹ in December 2018. The questionnaire was used twice after PBL

tutorials of first and second year BDS students. The data was analysed on SPSS version 23, and P-value <0.05 was considered as statistically significant.

Results:

Out of a total of 100 students, 86% (41 first-year and 45 second-year) attended all four sessions of PBL and were included in the final analysis. The mean age of students was $21 + 1.56$ years. There was a statistically significant difference found in the mean SAACT scores of MOD-1 & 3 of first-year and MOD-4 & 6 of the second year BDS students at a p-value of 0.000. SAACT score was increased in the third and sixth modules (87.53 and 83.04), respectively compared to the first and fourth modules (62.26 and 61.15). The reported Cronbach's Alpha was 0.735 in the first year and 0.802 in the second year cohort.

Conclusion:

This study provides evidence from our local context that dental students' perception of AL and CT increases with time using PBL as a teaching and learning tool. The study also confirms the validity of SAACT as a self-assessment tool with the PBL strategy in our context.

Keywords:

Active learning, Critical Thinking, Dental Undergraduates, Problem Based Learning (PBL), Self-Assessment.



Assessment of professionalism attitudes in students of government and private medical college using learner's attitudes to medical professionalism scores (LAMPS)

Saima Batool¹, Saima Rafique¹

1. University college of medicine and dentistry, The university of Lahore, Pakistan

Corresponding Author: Saima Batool

Introduction:

Medical professionalism rests on a contractual relationship with a series of obligations and expectations based on mutual trust between the society and medicine. Amongst the significant factors identified for expression of professionalism, respect of local customs, beliefs, and cultures is thought to be worth mentioning, hence it is named as a 'culture-sensitive paradigm. The objective of this study was to assess and compare the student's attitude to professionalism among government and private medical colleges. Research question was: are there any differences in Professionalism attitudes of students studying in government and Private medical colleges of Pakistan? Research Hypothesis was professionalism attitudes of Medical students studying in government and Private medical colleges do not differ from each other.

Methods and Materials:

A government medical college of Sargodha and a Private medical college of Lahore were chosen for the study. Study was conducted from May to June 2019. 200 Final year MBBS students were given a questionnaire named Pakistani LAMPS validated through a pilot study. A Purposive non probability sampling technique was employed. We applied Chi square test for statistical analysis using the SPSS 21 software.

Results:

Out of the study participants, 76(38%) were male and 124(62%) were female students. The Pakistani LAMPS had an acceptable reliability index with a Cronbach's alpha of 0.71. The mean scores of items vary between 1.93(SD 1.03, scale 1–5) and 3.00 (SD 3.78, scale 1–5). The score was significantly higher in students of Private medical college (107/140) than the Public medical college (95/140) with a p value of 0.001.

Conclusion:

Professionalism score was higher in students of private medical college than those of government medical college, thus the null hypothesis was rejected.

Key Words: Professionalism, LAMPS, Attitudes, Government, Private, medical education

Formative assessment how we should give feedback?

Nazdar Ezzaddin Alkhateeb¹, Ali Al-Dabbagh¹, Mohammed Ibrahim², Namir Ghanim Al-Tawil¹

1. Hawler Medical University, Iraq
2. Queensland Health Service, Australia

Corresponding Author: Nazdar Ezzaddin Alkhateeb

Introduction:

The cornerstone of any educational project is assessment, it gives evidence about the success in the achievement of specific learning outcomes. As the assessment role shifts from a pure assessment of learning to assessment for learning, there is an incentive to determine how and when assessment of different forms have educational value. There are several medical schools where formative assessments are established and carried out on regular bases, unfortunately, it is not very frequent in the Mediterranean countries. Meanwhile, undergraduate medical education in Iraq as an example is going through a transitional period and has started the process of changing its curriculum to competency-based medical education, formative assessment of students' performance is a requirement in this process. On the other hand, in spite of the findings in many studies that formative-OSCE contributes positively to final summative examination performance, most of them are based on the students' perception. Therefore, this study aims to look for evidence to prove if a single formative-OSCE has an impact on student's clinical performance in summative competency-based assessment.

Methods and Materials:

In a randomized single-blind trial, 130 fifth year medical students at Raparin hospital, Erbil were assigned to intervention (n=61) and control group (n=69). Formative-OSCE was performed for the intervention group in pediatric module with feedback on their performance versus standard pediatric module for the control group. Students' clinical performance was assessed by a summative-OSCE. Multiple regression was used to predict the summative-OSCE score depending on the participation in formative- OSCE along with the other factors

Results:

Of 161 students who attended seven weeks pediatric module and screened, 130 were eligible for enrollment. We excluded 11 students of the intervention group from the initial analysis as they did not sit the formative-OSCE due to their absence on the day of formative-OSCE. There was no significant difference in baseline characteristics of both groups except for the place of residence. The intervention group's summative-OSCE mean score 64.6(10.9) was significantly higher than their formative-OSCE mean score 53.46 (8.3) ($p < 0.001$). A comparison of both intervention and control group showed non-statistically significant difference in pass rate of summative-OSCE, 48/50(96%) and 67/69 (97%) respectively. Interestingly, the mean summative-OSCE score of the control group 69.21(10.45) was higher than that of the intervention group 64.61(10.91) ($p = 0.022$). Multiple regression analysis revealed that the summative-OSCE scores were positively correlated

with the previous year GPA and negatively correlated with participation in the formative-OSCE ($p < 0.001$).

Discussion:

One criticism of much of the literature on formative assessment effectiveness is that it does not depend merely on its availability, it rather relies upon the quality and communication tools of the assessment feedback. In this study feedback on students' performance in formative-OSCE was provided by the authors in form of comments and numerical scores. Even though it is difficult to disagree with the efficiency of numerical scores for summative purposes, its use for formative purposes that guide progress in learning has long been argued. Numerical scores and letter grades would tend to direct students' concentration to the self and away from the task, thus leading to a negative impact on performance. According to cognitive evaluation theory, even positive feedback that is useful for students can be weakened by negative motivational effects as a result of giving grades or comparing the students to a norm. Hence, it could be hypothesized that this was the case in this study. Feedback could be immediate or delayed according to its timing. When it is planned to facilitate lower-order learning outcomes, for example, the recall of facts, prompt feedback works best. However, when higher-order learning outcomes (OSCE) are at concern and necessitate the transfer of what has been learned to a new situation, delayed feedback probably works better [20].

Conclusion:

Single formative-OSCE does not necessarily lead to better performance in subsequent summative-OSCE

Keywords: Assessment, Clinical competence, Educational measurement, Medical Education.



Relationship of Depression, Anxiety, and Stress with Academic Performance among University Students during COVID-19 Pandemic

Muhammad Shahzad Anwar¹, Mulazim Hussain Bukhari², Asad Ali shah¹

1. SIMS/Services Hospital Lahore, Pakistan

2. Azad Kashmir Medical College, Pakistan

Corresponding Author: Mulazim Hussain Bukhari

Introduction:

The study aimed to determine; gender differences of the symptoms of depression, anxiety and stress among students; correlation of symptoms of depression, anxiety and stress with the academic results during COVID-19 pandemic among university students; correlation of academic results before pandemic and during COVID-19 pandemic.

Methods and Materials:

The online survey consisting of DASS-2, was dispersed among 300 students from University of Central Punjab from Faculty of Arts and Social Sciences Undergraduates, out of which only 250 participants responded. The data was entered in SPSS version 25 and Pearson Correlation analysis and Independent sample t-test was run to find the results.

Results:

In this study, there were N = 250 participants, out of which male and female students are n = 125 each. There was no significant relationship between the GPA of the students with the symptoms of depression, anxiety and stress during COVID-19 pandemic. Students had reported moderate symptoms to extremely severe but these symptoms have not affected their academic results. Depression, anxiety and stress also had a significant correlation, the students who report depressive symptoms also have anxiety and stress.

Conclusion:

This research highlighted the correlation of the mental health issues (symptoms of depression, anxiety and stress) and their academic performance of the university students during COVID-19 pandemic. The improved results during COVID-19 pandemic suggested to improve the online examination protocols for students to assure elimination of cheating.

Keywords: symptoms of Depression, symptoms of Anxiety, symptoms of Stress, academic performance, university students, COVID-19 pandemic

Design, implementation and evaluation of a virtual escape room for learning interprofessional management of diabetic patients

Farima Raeesi¹, Fakhrosadat Mirhosseini¹, Najmeh Ghasemi²

1. Kashan University of Medical Sciences, Iran
2. Shahrekord University of Medical Sciences, Iran

Corresponding Author: Farima Raeesi

Introduction:

Creating effective learning experiences requires paying attention to students' characteristics. The new generation students are classified as generation Z, who prefer to active educational methods, fun and game-based processes because of the possibility of trial and error, immediate feedback and interaction. One of the best gamification in education is the escape room. Attention to Interprofessional education (IPE) has grown over the past decade. Interprofessional teamwork is effective in reducing errors and improving patient outcomes and it is important to teach it during the education period. The reviews of the studies on the escape room as an educational environment showed that learning through the escape room is an enjoyable experience that immerses the learners in the topics and creates an opportunity for the learners to practice interprofessional teamwork, creativity and communication. Therefore, this study was done to "Design, implementation and evaluation of a virtual escape room for learning interprofessional management of diabetic patients".

Methods and Materials:

Summary of work Expert team consisting of medical education specialists, internal medicine, clinical pharmacists, nutrition and nursing experts and students of 4 fields was formed. Diabetes disease management content was created by a team of experts and uploaded offline to the site for the participants before the escape room. After viewing the content, the participants were ready to participate in the escape room. The challenges of the escape room, consisting of connecting questions, tests, puzzles, short answers and open answers, were designed by a team of experts, and the validity and reliability of the questions were measured. The escape room consists of three rooms where the challenges were placed in the order of easy to hard and each room has a time limit. The virtual escape room was created by experts considering visual effects and game elements in Storyline software. Escape room gaming environment was established through the use of a locked room and game elements. 11 teams consisting of a medical, nursing, nutrition and clinical pharmacist student based on the demographic information, the basic level and effective criteria in establishing interprofessional interactions were formed. Teams entered the site along with the facilitator and entered the rooms after watching the visual clip and answered the challenges of each room together. Escape room was evaluated in multiple ways: Open-ended questions that designed by the expert team were asked by the facilitators from the participant and responses were recorded; observation of interprofessional collaboration of participants during the room and measuring the knowledge through the score of each team compare to maximum score of each

room. Also, before and after participating in the escape room, the RIPLS questionnaire was filled by the participants.

Results:

The escape room that consisted of three rooms was created. The whole escape room had a special story and theme that helped immerse the participants with visual atmosphere and sounds. Each room had about 5 scientific questions and two enigmatic and entertaining questions, and a time limit was applied according to the level of the questions (About 40 minutes in total), which were organized from simple to complex. The minimum score required to pass each room was considered. The scientific questions consisted of 2 matching, 9 short answer questions, 2 test and 2 open-ended questions. There were 55 stakeholders included: participants (44), facilitators (11). The mean score of knowledge of diabetic mellitus disease management was 24 out of 33. Analysis of open-ended questions was done by a team of experts and 4 themes were identified. The students were satisfied with the interactive and interprofessional escape room, some of them requested to continue the escape room with other diseases. IPE attitude increased from 81.64 ± 7.20 to 85.73 ± 5.033 in all professions before and after the course.

Conclusion:

Participating in an interprofessional diabetic escape room with challenges improved students' knowledge of diabetic mellitus disease management and it is an attractive environment for practicing interprofessional skills and improving teamwork. Escape rooms can be an innovative educational method that can positively affect interprofessional collaborative skills and clinical knowledge. Take home message well designed escape rooms can upgrade active learning and positively effect on diabetic knowledge and interprofessional teamwork of students.



Professionalism among academic educational leaders: A concept analysis

Hengameh Habibi¹, Shoaleh Bigdeli², Zohre Sohrabi², Abbas Ebadi³

1. Artesh University Of Medical Sciences, Iran
2. Iran University Of Medical Sciences, Iran
3. Baghiatallah University Of Medical Sciences, Iran

Corresponding Author: Shoaleh Bigdeli

Introduction:

The concept of professional ethics of academic educational leaders is an abstract concept for which several highly context-dependent definitions have been provided in the literature. The analysis of this concept is critical to reaching a shared understanding, developing behavioral standards, and designing evaluation measures at universities of medical sciences. This study aims to provide a comprehensive definition of professional ethics among educational leaders of universities of medical sciences.

Methods and Materials:

To explain the concept of professionalism among academic educational leaders, Walker and Avant eight-stage concept analysis method was adopted. After an extensive review of resources, 37 articles were included and the antecedents, attributes, and consequences of the concept were extracted.

Results:

An examination of the resources and concept analysis revealed that professionalism in academic educational leaders has three main attributes of care ethics, justice-oriented ethics, and ethics of criticism, and its formation depends on personal characteristics, professional capabilities, and having a systemic view.

Conclusion:

The identification of components and professional characteristics of professionalism among academic educational leaders provides a shared understanding of professionalism and is a basic step towards designing measures to evaluate this concept.

Keywords: Leadership ,Ethics, Professionalism

Design, Implementation and Evaluation of Gamified Pharmacotherapy Course Based on Interprofessional Teamwork (VAR-PHARIN)

Najmeh Ghasemi¹, Fakhrosadat Mirhosseini², Farima Raeesi², Zahra Rezaie³, Atiye Faghihi²,
Maryam Alla³

1. Shahrekord University of Medical Sciences, Iran
2. Kashan University of Medical Sciences, Iran
3. Tehran University of Medical Sciences, Iran

Corresponding Author: Najmeh Ghasemi

Introduction:

Attention to Interprofessional education (IPE) has grown over the past decade. Interprofessional teamwork is effective in reducing errors and improving patient outcomes and it is important to teach it during education period. Therefore, this study was designed and conducted to prepare students for interprofessional teamwork, and also to improve the knowledge of pharmacotherapy.

Methods and Materials:

The ASSURE and Competency-based Interprofessional models were combined. A 4-week voluntary VAR-PHARIN (acronym) as a gamified course was organized in an E-learning platform in 2022 for Iranian nursing, medical and pharmacy students from a quarter of the country's universities. 23 interprofessional teams of 3 professions with a facilitator were formed. They challenged to manage "Outpatient diabetic patients" scenarios. Stakeholders were surveyed before and after the course by RIPLS and T-TAQ. Also, a researcher-made quantitative questionnaire with one open ended question were reviewed with stakeholders as a periodical critique.

Results:

46 attractive micro learning contents were created. 120 stakeholders included: participants (92), facilitators (23) and supervisors (5). As part of the results the satisfaction score of the entire course was 120.9 out of 145(83.37%). IPE attitude increased from 81.64 ± 7.20 to 85.73 ± 5.033 and teamwork attitude increased from 127.10 ± 11.56 to 130.92 ± 10.18 in all professions before and after the course. Kruskal-Wallis test was used, According to the participant's level of activity in solving cases and in the escape room, the mean score of knowledge of pharmacotherapy in the excellent group was 13.63 of 16.3.

Opportunities and Challenges of Hospital Institutional Accreditation from the Stakeholders' Viewpoints

Rasool Nasiri Kalmarzi¹, Roghayeh Gandomkar², Nasrin Abdi¹, Amjad Mohamadi Bolbanabad¹

1. Kurdistan University of Medical Sciences, Iran
2. Tehran University of Medical Sciences, Iran

Corresponding Author: Roghayeh Gandomkar

Introduction:

Although accreditation of educational programs is an established way of quality assurance in healthcare professions education (HPE), there are few reports on institutional accreditation. The major part of HPE training occurs in hospital settings. Throughout the last decade, an accreditation system for hospitals affiliated with universities of medical sciences was established in Iran to ensure that the hospitals fulfill the requirements as the training settings for HPE trainees. This study aims to identify the opportunities and challenges of hospital institutional accreditation from the stakeholders' viewpoints.

Methods and Materials:

A qualitative content analysis study was conducted. Participants were administrators, faculty, and staff of hospitals affiliated with the Kurdistan University of Medical Sciences who were involved in the self-study process and in coordination for site-visiting. Four focus group discussions and 10 semi-structured interviews were performed between June 2019 and October 2019. An inductive analysis was considered to extract opportunities and challenges.

Results:

Opportunities were categorized as "highlighting the educational duties of hospitals", "providing feedback", "stakeholders' familiarity with accreditation", "promoting stakeholders' involvement" and "structured evaluation". Accreditation challenges were "subjectivity of standards", "expertise of external evaluators", "preparing large numbers of documents" and "accreditation workload". Discussion Accreditation of training hospitals was the first experience of institutional accreditation in Iran.

Conclusion:

This study showed that accreditation had several advantages such as underscoring the training responsibilities of hospitals which are often neglected due to the dominance of service delivery. Opportunities and challenges explored in this study have the potential to be used for consideration during accreditation establishment.

Determinant factors in adopting E-learning in healthcare based on extended model of UTAUT and TTF

Mohammadhiwa Abdekhoda¹, Afsaneh Dehnad², Javad Zarei³

1. Tabriz University of Medical Sciences, Iran
2. Iran University of Medical Sciences, Iran
3. Ahwaz University of Medical Sciences, Iran

Corresponding Author: Afsaneh Dehnad

Introduction:

The importance of successful implementation of e-learning, especially since the emergence of the Covid-19 pandemic, has become increasingly apparent to universities. Thus, identifying the effective factors in adopting e-learning in the Covid-19 pandemic is crucial.

Methods and Materials:

This study was conducted to identify determining factors in adopting E-learning in healthcare. Method: This was a descriptive-analytical study in which 143 faculty members from Iran were randomly selected. The faculty members' intentions, concerning the adoption of e-learning, were assessed by the conceptual path model of integration of unified theory of acceptance and use of technology (UTAUT) and The Task-Technology Fit (TTF).

Results:

The results showed that the combination of the two classical theories, UTAUT and TTF, was an appropriate model to explain faculty members' intention in adopting e-learning. Moreover, the findings showed that technology and task characteristics, task- technology fit, social influences, effort expectancy, performance expectancy and facilitating conditions had direct and significant effect on e-learning adoption.

Conclusion:

By presenting a conceptual path model to elucidate users' behavior in adopting e-learning, this study investigated and identified the key determining factors in adopting e-learning. The findings of the present study can contribute to the design and implementation of e-learning by practitioners, policy makers, and curriculum designers.

Keywords: E-learning, adoption, implementation, faculty member, tutors, covid-19

دانشگاه علوم پزشکی تهران،
مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی



بیست و چهارمین

همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

شانزدهمین جشنواره آموزشی شهید مطهری و
پنجمین جشنواره دانشجویی ایده‌های نوآورانه آموزشی

آموزش پاسخگو، دانشگاه متعالی
پیامد انعام

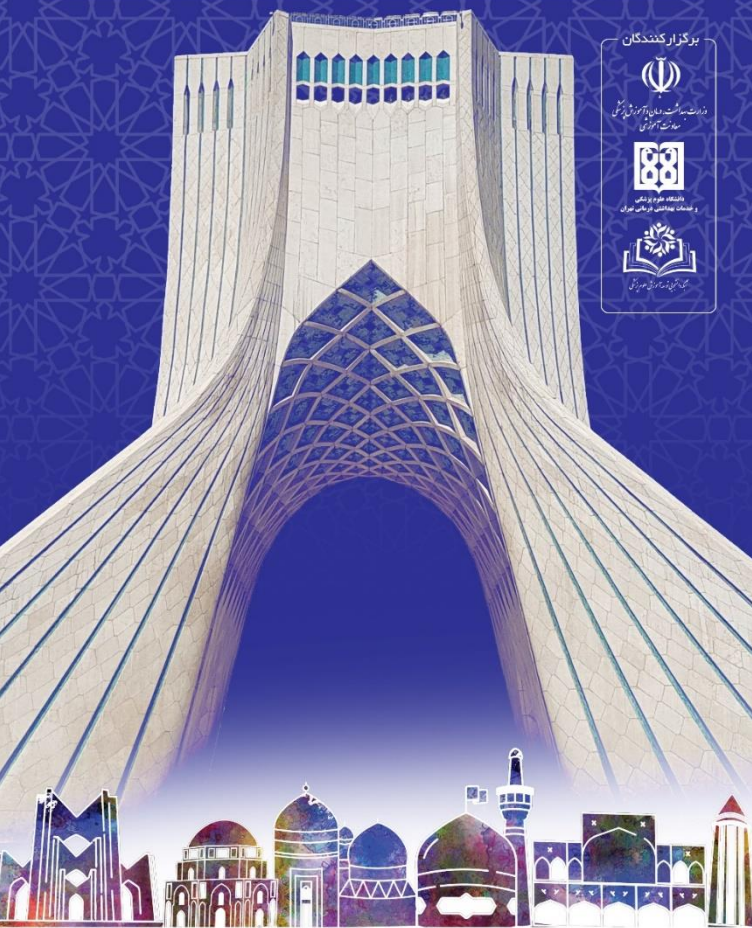


دانشگاه علوم پزشکی تهران
مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی
www.ichpe.org

۱۳-۱۵
اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

راه‌های ارتباطی: ICHPE | info@ichpe.org

تلفن دبیرخانه همایش: ۰۲۱-۸۸۹۵۵۰۱۶



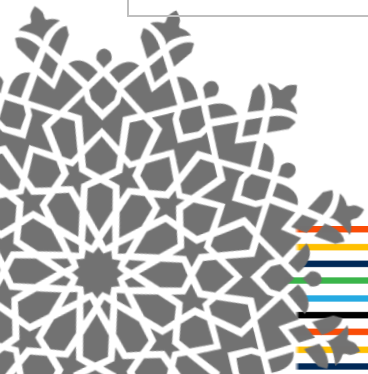
دبیرخانه همایش

دبیرخانه همایش

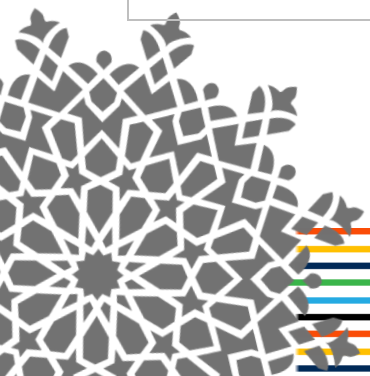
۱۳ الی ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

جشنواره شهید مطهری: روز اول چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ (May 3, 2023)

<p>افتتاحیه پانزدهمین جشنواره کشوری شهید مطهری محل: سالن اصلی مرکز همایش های رازی</p>	<p>۸:۰۰-۸:۳۰</p>
<p>جشنواره شهید مطهری ۱ ارزشیابی آموزشی محل: سالن اصلی مرکز همایش های رازی هیأت رییس: دکتر محمد جلیلی (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر جواد کجوری (دانشگاه ع.پ. شیراز)، دکتر رضا اخوان (دانشگاه ع.پ. مشهد) رتبه دوم طراحی و پیاده سازی نظام پایش درمانگاه های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (دکتر اطهر امید، دانشگاه ع.پ. اصفهان) رتبه سوم طراحی، اجرا و ارزشیابی آزمون مبتنی بر اتاق فرار برای ارزیابی مهارت های بالینی دانشجویان پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان (دکتر نجمه قیامی کشتگر، دانشگاه ع.پ. زاهدان)</p>	<p>۸:۳۰-۹:۳۰</p>
<p>جشنواره شهید مطهری ۲ تدوین و بازنگری برنامه های آموزشی محل: سالن اصلی مرکز همایش های رازی هیأت رییس: دکتر حسین کریمی موقی (دانشگاه ع.پ. مشهد)، دکتر محمدرضا منصوریان (دانشگاه ع.پ. گناباد)، دکتر عبدالله رفیعی (دانشگاه ع.پ. جندی شاپور اهواز) رتبه دوم طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره آموزشی ارزیابی، تشخیص، درمان و پیگیری بیماران مبتلا به اختلالات کف لگن برای دستیاران دوره پزشکی تخصصی در گروه آموزشی جراحی زنان و زایمان دانشکده پزشکی دانشگاه های علوم پزشکی کشور (دکتر زینت قبری، دانشگاه ع.پ. تهران) رتبه سوم طرح آموزش هدفمند اساتید (طاها)، به کارگیری مدل کرن در برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی دوره توانمند سازی آموزشی بین دانشگاهی برای اعضای هیات علمی دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه شش آمایشی کشور (دکتر علی نوروزی، دانشگاه ع.پ. زنجان)</p>	<p>۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰</p>
<p>استراحت و پذیرایی</p>	<p>۱۰:۳۰-۱۰:۴۵</p>



<p>۱۰:۴۵-۱۲:۰۰</p> <p>جشنواره شهید مطهری ۳ محصولات آموزشی</p> <p>محل: سالن اصلی مرکز همایش های رازی</p> <p>هیأت رئیسه: دکتر رضا غفاری (دانشگاه ع.پ. تبریز)، دکتر آرش نجیمی (دانشگاه ع.پ. اصفهان)، دکتر محمدرضا یزدانخواه فرد (دانشگاه ع.پ. بوشهر)</p> <p>رتبه اول طراحی، ساخت و استفاده از مولاژ پیشرفته آموزش سمع صداها قلب و ریه مبتنی بر هوش مصنوعی با رویکرد ارزیابی و آنالیز عملکردی دانشجویان (دکتر زهرا تیموری، دانشگاه ع.پ. اصفهان)</p> <p>رتبه دوم وب اپلیکیشن آموزش چشم پزشکی Ophthalmobile مبتنی بر مدل بومی KASK3 طراحی، اجرا و ارزشیابی (دکتر معصومه کلانتریون، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)</p> <p>رتبه سوم طراحی و تدوین نرم افزار الکترونیکی NANDA Nurse Assistant مبتنی بر تشخیص های استاندارد پرستاری به عنوان دستیار پشتیبان جهت ارتقای قضاوت و استدلال بالینی در بین دانشجویان پرستاری و پرستاران بیمارستان های آموزشی (دکتر سمیرا مهاجر، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p>	<p>۱۲:۰۰-۱۳:۰۰</p> <p>جشنواره شهید مطهری ۴ مدیریت و رهبری آموزشی</p> <p>محل: سالن اصلی مرکز همایش های رازی</p> <p>هیأت رئیسه: دکتر رضا دهنویه (دانشگاه ع.پ. کرمان)، دکتر فرشید عابدی (دانشگاه ع.پ. بیرجند)</p> <p>رتبه اول منتورشیپ بهزیستی دستیاران دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: طراحی، اجرا و ارزشیابی (دکتر جمال شمس، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)</p> <p>رتبه اول (ستادی) استقرار اعتباربخشی دوره پزشکی عمومی به عنوان اولین سیستم اعتباربخشی دوره های آموزشی در کشور (دکتر رقیه گندمکار، معاونت آموزشی وزارت بهداشت)</p> <p>رتبه دوم طراحی نقشه استراتژی و کارت امتیازی متوازن حیطه های تمایز رسالت آکادمیک (مرجعیت علمی) دانشگاه بر اساس مدل کاپلان (دکتر ایده دادگران، دانشگاه ع.پ. گیلان)</p> <p>رتبه دوم (ستادی) مدیریت و بازنگری شاخص های ارتقای اعضای هیات علمی دانشگاه های علوم پزشکی کشور (دکتر فرشید عابدی، معاونت آموزشی وزارت بهداشت)</p> <p>رتبه سوم ارتقای مدیریت فرآیندهای آموزشی و تحصیلی از طریق طراحی و به کارگیری سامانه مدیریت تحصیلی (سمت) (دکتر فرامرز پوراصغر، دانشگاه ع.پ. تبریز)</p>
<p>۱۵:۱۵-۱۵:۳۰</p> <p>استراحت و پذیرایی</p>	



<p>جشنواره شهید مطهری ۵ یادگیری الکترونیکی محل: سالن اصلی مرکز همایش های رازی هیأت رئیسه: دکتر ریسا مجتهدزاده (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر مجید زارع بیدکی (دانشگاه ع.پ. بیرجند) رتبه اول کاربرد واقعیت افزوده در کلاس معکوس یادگیری درک انگلیسی با اهداف پزشکی برای دانشجویان علوم پزشکی آسیایی (دکتر سعید خزائی، دانشگاه ع.پ. اصفهان) رتبه دوم طراحی، اجرا و ارزیابی دوره آموزشی مجازی مبتنی بر روش بازی وارسازی و بازی جدی آموزشی برای توانمندسازی دانشجویان علوم پزشکی و کارکنان نظام سلامت در شناسایی و مدیریت خشونت های مبتنی بر جنسیت (دکتر عباس استاد تقی زاده، دانشگاه ع.پ. تهران) رتبه سوم ارتقای صلاحیت دارویی عملی دانشجویان پرستاری با طراحی، اجرا و ارزشیابی کارآموزی فارماکولوژی بالینی دانشجویان پرستاری به صورت ادغام یافته با اپلیکیشن تحت وب دارولوژی مبتنی بر چارچوب TPACK (دکتر سمانه کاخکی مهنه، دانشگاه ع.پ. تربت حیدریه)</p>	<p>۱۵:۳۰-۱۶:۴۵</p>
<p>جشنواره شهید مطهری ۶ یاددهی و یادگیری محل: سالن اصلی مرکز همایش های رازی هیأت رئیسه: دکتر الهام بوشهری (دانشگاه ع.پ. هرمزگان)، دکتر علی عماد زاده (دانشگاه ع.پ. مشهد) رتبه اول یادگیری تعاملی از طریق آموزش درس دارو درمانی بیماری های اعصاب و روان با کمک بازی جدی درمان تعاملی Pharm PSY و ارزشیابی پیامدهای آن (دکتر مروارید ظریفیگانه، دانشگاه ع.پ. تهران) رتبه دوم به کارگیری تکنیک نقشه ذهنی در ارتقای یادگیری، یادداری، خلاقیت و حافظه تصویری دانشجویان کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت های ویژه نوزادان و پرستاری کودکان در دروس اخلاق و قانون در پرستاری و مدیریت پرستاری (دکتر فروزان آتش زاده، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی) رتبه سوم طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزش آناتومی بر اساس الگوی آهنگر به عنوان استراتژی موفق در یاددهی و یادگیری (دکتر لیلا بذرافکن، دانشگاه ع.پ. شیراز)</p>	<p>۱۶:۴۵-۱۸:۰۰</p>
<p>استراحت و پذیرایی</p>	<p>۱۸:۰۰-۱۸:۳۰</p>
<p>اختتامیه جشنواره شهید مطهری و اهدای جوایز تداوم، دانشجویان برتر در حیطه پژوهش در آموزش، افتتاحیه بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش پزشکی محل: سالن اصلی مرکز همایش های رازی</p>	<p>۱۸:۳۰-۲۰:۰۰</p>



کارگاه‌های پیش از همایش: روز اول چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ (May 3, 2023)

<p>دوره توانمندسازی مهارت‌های حیاتی یادگیری در آموزش (محیا)</p> <p>مهارت‌های عمومی تفکر و کاربرد آن در آموزش</p> <p>دکتر فریبا حقانی، وجیهه وفامهر، دکتر سپیده جمشیدیان</p>	<p>کارگاه ۸</p> <p>دانشجویی</p> <p>آشنایی با تعاملات بین حرفه‌ای با طعم بازی!</p>	<p>کارگاه ۷</p> <p>آشنایی با اصول طراحی اپلیکیشن‌های آموزشی و سلامت و تولید یک اپلیکیشن</p>	<p>کارگاه ۶</p> <p>آسکی مجازی (Virtual OSCE): طراحی، اجرا و چشم انداز آینده</p>	<p>کارگاه ۵</p> <p>طراحی و مدیریت محیط‌های یادگیری بالینی برای اجرای آموزش بالینی موثر</p>	<p>کارگاه ۴</p> <p>چگونه یک برنامه درسی مبتنی بر ترجیحات یادگیری دانشجویان نسل Z تدوین کنیم؟</p>	<p>کارگاه ۳</p> <p>منتورشیپ بهزیستی فراگیران</p>	<p>کارگاه ۲</p> <p>نحوه طراحی آزمون ویژگی‌های کلیدی برای گروه‌های بالینی</p>	<p>Workshop 1</p> <p>Best practices in distance education after the pandemic</p>	<p>۸:۳۰-۱۲:۳۰</p> <p><i>Dr. Süleyman Yildiz & Dr. Olga Maria Rostkowska</i></p>
	<p>نجمه قاسمی، شایان فتاحیان، فریما رئیسی</p>	<p>دکتر زهرا کریمیان، داریوش رضایی</p>	<p>دکتر نازنین شماعیان، رضوی، دکتر هانیه مستور، دکتر سید رضا حبیب زاده، دکتر سمیه اکبری فارمد</p>	<p>دکتر عبدالله خرمی، مارکانی، دکتر وحید صبری</p>	<p>دکتر جمال شمس، محمد نوری، دکتر امیر مازیار نیایی، دکتر حسام سیف زرگر</p>	<p>دکتر سید رضا موسوی، دکتر مهناز برومند رضازاده</p>	<p>Workshop 9</p> <p>Interactive content design for microlearning</p>	<p>۱۴:۰۰-۱۸:۰۰</p> <p><i>Dr. Hasnain Zafar Baloch</i></p>	
	<p>کارگاه ۱۶</p> <p>دانشجویی</p> <p>پژوهش در آموزش علوم پزشکی: چرا و چگونه؟</p>	<p>کارگاه ۱۵</p> <p>تحلیل شبکه‌های اجتماعی در محیط‌های یادگیری الکترونیکی</p>	<p>کارگاه ۱۴</p> <p>آشنایی با نحوه اجرای روش مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) و کاربرد آن در آموزش علوم پزشکی</p>	<p>کارگاه ۱۳</p> <p>آموزش و ارزیابی پروفشنالیزم در محیط بالینی</p>	<p>کارگاه ۱۲</p> <p>چگونه با نظارت بالینی آموزش بالینی مؤثرتری برای کارورزان و کارآموزان داشته باشیم؟</p>	<p>کارگاه ۱۱</p> <p>نقش دانشگاه نسل سوم، آموزش پزشکی و جامعه محوری فناوری‌ها</p>	<p>کارگاه ۱۰</p> <p>مراحل عملیاتی سازی آموزش مبتنی بر جامعه و پاسخگو در دانشگاه‌ها</p>	<p>دکتر ناصر محمدی، زهرا طیبی میانه</p>	<p>دکتر مهستی علیزاده</p>
<p>رادمان امیری، امیرعلی مودی</p>	<p>دکتر احسان طوفانی نژاد</p>	<p>دکتر شهرام توفیقی، دکتر اکرم صادقیان</p>	<p>دکتر سید کامران سلطانی عربشاهی، دکتر هلن درگاهی، سهراب نصرتی</p>	<p>دکتر نیکو یمانی، دکتر اطهر امید نجف‌آبادی، مرضیه مینویی</p>	<p>دکتر ناصر محمدی، زهرا طیبی میانه</p>	<p>دکتر مهستی علیزاده</p>	<p><i>Dr. Hasnain Zafar Baloch</i></p>		





رویدادهای همایش: روز دوم پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ (May 4, 2023)

عنوان برنامه					زمان
<p>صبحانه کاری ۵</p> <p>رشد و توسعه فردی دانشجویان پزشکی و ارتباط آن با حرفه‌ای‌گری پزشکی: مفاهیم و پژوهش‌های آینده</p> <p>دکتر فخرالسادات حسینی، دکتر مهرناز زارعی</p> <p>محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۵</p>	<p>صبحانه کاری ۴</p> <p>معلم بالینی پنج ستاره: فعالیت‌های حرفه‌ای قابل اعتماد (EPAS) معلمان پزشکی</p> <p>دکتر سارا شفیعیان، دکتر پیام خزائلی، دکتر محمد رضا لشکری زاده، دکتر مریم اخوتی</p> <p>محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۴</p>	<p>صبحانه کاری ۳</p> <p>مواجهات غنی از ارزش دانشجویان در محیط‌های آموزشی بالینی</p> <p>دکتر حکیمه سابقی، دکتر لیلا افشار</p> <p>محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۳</p>	<p>صبحانه کاری ۲</p> <p>یادگیری و حافظه از دیدگاه علوم اعصاب شناختی</p> <p>دکتر مهدی شفیعی ثابت، دکتر علی نوروزی</p> <p>محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۲</p>	<p>صبحانه کاری ۱</p> <p>چهارچوب طراحی آموزشی بازی سازی‌های آموزشی در علوم پزشکی</p> <p>دکتر لیلی مصلی نژاد</p> <p>محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۱</p>	۷:۰۰ تا ۷:۴۵
تلاوت آیاتی از کلام خدا و پخش سرود جمهوری اسلامی					۷:۴۵ تا ۸:۰۰
بخش اول سخنرانی‌های کلیدی محل: سالن اصلی مرکز همایش‌های رازی					۸:۰۰ تا ۱۰:۰۰
Chairpersons: Dr. Süleyman Yildiz, Dr. Olga Maria Rostkowska, Dr. Kamran Soltani Arabshahi					
Curricular metacognition in undergraduate medical education: time to ponder, Dr. Shahid Hassan					سخنرانی کلیدی ۱ ۸:۰۰ تا ۸:۳۰
Leading in the present and future complex ecosystem of health professions education, Dr. Hossam M. Hamdy					سخنرانی کلیدی ۲ ۸:۳۰ تا ۹:۰۰
Seeding change: Growing and sustaining a school's culture of innovativeness in health professions education, Dr. Shuh Shing Lee					سخنرانی کلیدی ۳ ۹:۰۰ تا ۹:۳۰
How to encourage deeper understanding, Dr. David Taylor					سخنرانی کلیدی ۴ ۹:۳۰ تا ۱۰:۰۰
					استراحت و پذیرایی ۱۰:۰۰ تا ۱۰:۳۰



پوستر ۳	خلاصه مقالات حیطه برنامه‌ریزی آموزشی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی
پوستر ۲	خلاصه مقالات حیطه ارزشیابی آموزشی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی
پوستر ۱	خلاصه مقالات حیطه ارزشیابی آموزشی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی
سمپوزیوم ۳ (دانشجویی)	تقلب در آزمون: پدیده‌ها و ناپدیده‌ها	ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۳
پایان نامه ۲	پایان نامه کارشناسی ارشد آموزش پزشکی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۷
پایان نامه ۱	پایان نامه دکتری تخصصی آموزش پزشکی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۳
مناظره	کوریکولوم: ملی یا دانشگاهی؟	ساختمان همایش رازی، طبقه زیر زمین، سالن شماره ۳
ارائه تجربیات ۱	گزارش تجربیات کلان مناطق ۱ و ۷	ساختمان همایش رازی، طبقه زیر زمین، سالن شماره ۲
سخنرانی کوتاه ۳	خلاصه مقالات حیطه برنامه‌ریزی آموزشی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۵
سخنرانی کوتاه ۲	خلاصه مقالات حیطه یادگیری - یادگیری	ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۸
Short communications 1	English Abstracts Presentation	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۶
سمپوزیوم ۲	فرسودگی شغلی اعضای هیات علمی: سازوکارهای تقویت تاب‌آوری و نیک زیستی	ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن اصلی
سمپوزیوم ۱	Changing roles of HPE in the digital era: competencies, expectations and impact	ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی
۱۲:۳۰ تا ۱۰:۳۰		

اقامه نماز و صرف ناهار

پوستر ۶	خلاصه مقالات حیطه یاددهی-یادگیری	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی
پوستر ۵	خلاصه مقالات حیطه یاددهی-یادگیری	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی
پوستر ۴	خلاصه مقالات حیطه یاددهی-یادگیری	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی
کلینیک مشاوره ۲	مشارکت در اعتباربخشی های بین المللی؛ فرایندها و کارکردها	ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۴
کلینیک مشاوره ۱	چگونه شبیه سازی را در برنامه های آموزشی وارد و گسترش دهیم؟	ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۸
ایده های نوآورانه	ارائه ایده های نوآورانه دانشجویی برگزیده	ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۳
پایان نامه ۳	پایان نامه کارشناسی ارشد آموزش پزشکی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۷
ارائه تجربیات ۳	گزارش تجربیات کلان مناطق ۳ و ۸	ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۲
ارائه تجربیات ۲	گزارش تجربیات کلان مناطق ۲ و ۱۰	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۴
سمپوزیوم ۵	تحلیل سیاست ادغام آموزش علوم پزشکی و نظام سلامت و پیشنهاد برای آینده بهتر	ساختمان همایش رازی، طبقه زیر زمین، سالن شماره ۳
سمپوزیوم ۴	کاربرد هوش مصنوعی در آموزش پزشکی	ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن اصلی
سخنرانی کوتاه ۵	خلاصه مقالات حیطه مدیریت و رهبری آموزشی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۵
Meeting with expert	The ethical teacher, ethical issues and moral matters in HPE	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۶
Short communications 4	English Abstracts Presentation	ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی
۱۵:۴۵ تا ۱۳:۴۵		
		۱۲:۳۰ تا ۱۳:۴۵



Thursday, May 4, 2023

۶۲۹

استراحت و پذیرایی	۱۶:۱۵ تا ۱۵:۴۵
بخش دوم سخنرانی های کلیدی محل: سالن اصلی مرکز همایش های رازی	۱۸:۱۵ تا ۱۶:۱۵
Chairpersons: <i>Dr. Tabassum Zehra, Dr. Saeideh Ghaffarifar, Dr. Nikoo Yamani</i>	
Professional formation: re-thinking about the 'heart and soul' of the practice of medicine, Dr. Dean Parmelee	سخنرانی کلیدی ۵
Entrustable Professional Activities and entrustment decisions in medical education: principles and practices, Dr. Olle ten Cate	سخنرانی کلیدی ۶
Stepping out of the box! teachers' creativity, why and how. Dr. Elizabeth Krajic Kachur	سخنرانی کلیدی ۷
Research and quality improvement, Dr. Janet Grant	سخنرانی کلیدی ۸
نشست معاون آموزشی وزارت بهداشت با دانشجویان عضو شبکه کشوری توسعه آموزش محل: سالن یاسینی، طبقه همکف مرکز همایش های رازی	۱۸:۱۵ تا ۱۶:۱۵
بازدید از پل طبیعت	۲۱:۳۰ تا ۱۹:۰۰



رویدادهای همایش: روز سوم جمعه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ (May 5, 2023)

عنوان برنامه					زمان
صبحانه کاری ۱۰ شکل گیری هویت حرفه‌ای در دانشجویان پزشکی: از بیان مفهوم، اصول و کارکردها تا ترسیم سفر	صبحانه کاری ۹ توسعه بکارگیری شبیه‌سازهای دیجیتال و متاورس در آموزش پزشکی؛ کاربردها و محدودیت‌ها	صبحانه کاری ۸ تعلل‌ورزی تحصیلی در دانشجویان پزشکی عمومی	صبحانه کاری ۷ ضرورت، چالش‌ها و راهکارهای آموزش بین‌حرفه‌ای: اشتراک‌گذاری درس‌آموخته‌ها	صبحانه کاری ۶ چگونه رفتارهای نامحترمانه دانشجویان را پیشگیری و مدیریت کنیم؟	۷:۴۵ تا ۷:۰۰
دکتر همایون امینی، زهرا سادات طباطبائی	دکتر مجید زارع بیدکی، نواز عمادی	دکتر قدیر پوربایرامیان، دکتر عزیز کامران، دکتر عسگر آرمون، دکتر ناهید احمدیان یزدی	دکتر فخرالسادات میرحسینی، نجمه قاسمی، فریما رئیسی، دکتر مریم اعلا، دکتر زهرا رضایی، دکتر عطیه فقیهی	دکتر حسین کریمی موقی، دکتر مصطفی راد، نسیم مهری	
محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۵	محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۴	محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۳	محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۲	محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۱	
تلاوت آیاتی از کلام خدا و پخش سرود جمهوری اسلامی					۸:۰۰ تا ۷:۴۵
بخش سوم سخنرانی‌های کلیدی محل: سالن اصلی مرکز همایش‌های رازی					۸:۰۰ تا ۱۰:۰۰
Chairpersons: Dr. Muhammad Shahid Shamim, Dr. Mohammad Jalili, Dr. Mitra Amini					
Stress, burnout and wellbeing in medical education' (focusing on residency programs), Dr. Muhamad Saiful Bahri Yusoff				سخنرانی کلیدی ۹	۸:۳۰ تا ۸:۰۰
The value of subjectivity in assessment, Dr. Kevin Eva				سخنرانی کلیدی ۱۰	۹:۰۰ تا ۸:۳۰
Assessment and quality assurance cycles, Dr. Naveed Yousuf				سخنرانی کلیدی ۱۱	۹:۳۰ تا ۹:۰۰
Student engagement in Health Professions Education, Dr. Salah Kassab				سخنرانی کلیدی ۱۲	۱۰:۰۰ تا ۹:۳۰
استراحت و پذیرایی					۱۰:۳۰ تا ۱۰:۰۰



پوستر ۹	خلاصه مقالات حیطه یاددهی-یادگیری	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی
پوستر ۸	خلاصه مقالات حیطه پژوهش در آموزش علوم پزشکی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی
پوستر ۷	خلاصه مقالات حیطه مشاوره و حمایت دانشجویی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی
کلینیک مشاوره ۳	فوت و فن جمع آوری داده‌های کیفی با تاکید بر انجام مصاحبه	ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۸
سمپوزیوم ۸ (دانشجویی)	بکارگیری بازی‌وارسازی در آموزش پزشکی: گامی در جهت تحول آموزش پزشکی	ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۲
ارائه تجربیات ۴	گزارش تجربیات کلان مناطق ۴ و ۹	ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۳
پایان نامه ۴	پایان نامه کارشناسی ارشد آموزش پزشکی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۷
سخنرانی کوتاه ۹	خلاصه مقالات حیطه پژوهش در آموزش علوم پزشکی	ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۳
سخنرانی کوتاه ۸	خلاصه مقالات حیطه ارزشیابی آموزشی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۶
سخنرانی کوتاه ۷	خلاصه مقالات حیطه یاددهی-یادگیری	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۵
سخنرانی کوتاه ۶	خلاصه مقالات حیطه پژوهش در آموزش علوم پزشکی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۴
سمپوزیوم ۷	راهکارها و چالش‌های ادغام علوم انسانی در برنامه‌های درسی علوم پزشکی	ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی
سمپوزیوم ۶	Fostering adaptive expertise in tomorrow's medical education curricula	ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن اصلی
۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰		



		اقامه نماز و صرف ناهار		۱۲:۳۰ تا ۱۳:۴۵
Workshop 17	Immersive learning content design	۱۵:۴۵ تا ۱۳:۴۵		
Networking	International participants, representatives of departments of Medical Education and e-learning,			
سمپوزیوم ۹	همگرایی علوم و آموزش بین رشته‌ای			
سمپوزیوم ۱۰	طرح عدالت، تعالی و بهره‌وری آموزشی: گامی در جهت توسعه ادغام			
سخنرانی کوتاه ۱۰	خلاصه مقالات حیطة یاددهی-یادگیری			
سخنرانی کوتاه ۱۱	خلاصه مقالات حیطة مشاوره و حمایت دانشجویی			
سخنرانی کوتاه ۱۲	خلاصه مقالات حیطة یاددهی-یادگیری			
ارائه تجربیات ۵	گزارش تجربیات کلان مناطق ۵ و ۶			
کلینیک مشاوره ۴	دانش‌پژوهی آموزشی از تئوری تا عمل: بررسی و حل اشتباهات رایج			
کلینیک مشاوره ۵	مطالعات مروری و کاربرد آن در آموزش پزشکی			
پوستر ۱۰	خلاصه مقالات حیطة پژوهش در آموزش			
پوستر ۱۱	خلاصه مقالات حیطة مدیریت و رهبری			
پوستر ۱۲	خلاصه مقالات حیطة مدیریت و رهبری			
ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی			
ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی			
ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۴	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۴			
ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۳	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، سالن شماره ۸			
ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۵	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۵			
ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۷	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۷			
ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۶	ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۶			
ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۲	ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۲			
ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن اصلی	ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن اصلی			
ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی	ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی			
ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۳	ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۳			



استراحت و پذیرایی	۱۶:۰۰ تا ۱۵:۴۵
بخش چهارم سخنرانی های کلیدی محل: مرکز همایش های رازی، سالن اصلی	۱۶:۰۰ تا ۱۷:۰۰
Chairpersons: <i>Dr. Naveed Yousuf, Dr. Mahdi Aghabagheri</i>	
How joy, happiness, humor, curiosity help in face of burnout in medical education, Dr. Lawrence Sherman	سخنرانی کلیدی ۱۳
Multiple intelligences and good work, Dr. Howard Gardner	سخنرانی کلیدی ۱۴
اختتامیه و اهدای جوایز برگزیدگان فرایندهای جشنواره مطهری، ایده های نوآورانه دانشجویی، همایش کشوری آموزش علوم پزشکی محل: مرکز همایش های رازی، سالن اصلی	۱۷:۳۰ تا ۱۹:۰۰
مهمانی شام در موزه ملی تاریخ علوم پزشکی "ویژه مدعوین بین الملل سایر کشورها"	۲۰:۰۰ تا ۲۲:۰۰





برنامه تفصیلی روز اول، چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ (May 3, 2023)

کارگاه‌های پیش از همایش و کارگاه‌های دانشجویی		
<p>کارگاه ۱ (زبان انگلیسی)</p> <p>عنوان: مهارت‌های عمومی تفکر و کاربرد آن در آموزش</p> <p>مدربان: دکتر فریبا حقانی (دانشگاه ع.پ. اصفهان)، وجیهه وفامهر (دانشگاه ع.پ. اصفهان)، دکتر سپیده جمشیدیان (دانشگاه ع.پ. اصفهان)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۵</p>	۱۸:۰۰ تا ۸:۳۰	چهارشنبه
<p>کارگاه ۲</p> <p>عنوان: Best practices in distance education after the pandemic</p> <p>مدربان: <i>Dr. Olga Maria Rostkowska & Dr. süleyman yildiz</i></p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی</p>	۱۲:۳۰ تا ۸:۳۰	چهارشنبه
<p>کارگاه ۳</p> <p>عنوان: نحوه طراحی آزمون ویژگی‌های کلیدی برای گروه‌های بالینی</p> <p>مدربان: دکتر سید رضا موسوی (دانشگاه ع.پ. مشهد)، دکتر مهناز برومند رضازاده (دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۶</p>	۱۲:۳۰ تا ۸:۳۰	چهارشنبه
<p>کارگاه ۴</p> <p>عنوان: منتورشیپ بهزیستی فراگیران</p> <p>مدربان: دکتر جمال شمس (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)، محمد نوری (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)، دکتر امیر مازیار نیایی (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)، دکتر حسام سیف زرگر (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۷</p>	۱۲:۳۰ تا ۸:۳۰	چهارشنبه



<p>کارگاه ۴</p> <p>عنوان: چگونه یک برنامه درسی مبتنی بر ترجیحات یادگیری دانشجویان نسل Z تدوین کنیم؟</p> <p>مدرس: دکتر عبدالله خرمی مارکانی (دانشکده ع.پ. خوی)، دکتر وحید صبری (دانشکده ع.پ. خوی)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۴</p>	۱۲:۳۰ تا ۸:۳۰	چهارشنبه
<p>کارگاه ۵</p> <p>عنوان: طراحی و مدیریت محیط‌های یادگیری بالینی برای اجرای آموزش بالینی موثر</p> <p>مدرس: دکتر معصومه رحیمی (دانشگاه ع.پ. شهرکرد)</p> <p>محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۸</p>	۱۲:۳۰ تا ۸:۳۰	چهارشنبه
<p>کارگاه ۶</p> <p>عنوان: آسکی مجازی (Virtual OSCE): طراحی، اجرا و چشم انداز آینده</p> <p>مدرس: دکتر نازنین شماعیان رضوی (دانشگاه ع.پ. مشهد)، دکتر هانیه مستور (دانشگاه ع.پ. مشهد)، دکتر سید رضا حبیب زاده (دانشگاه ع.پ. مشهد)، دکتر سمیه اکبری فارمد (دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۳</p>	۱۲:۳۰ تا ۸:۳۰	چهارشنبه
<p>کارگاه ۷</p> <p>عنوان: آشنایی با اصول طراحی اپلیکیشن‌های آموزشی و سلامت و تولید یک اپلیکیشن</p> <p>مدرس: دکتر زهرا کریمیان (دانشگاه ع.پ. شیراز)، داریوش رضایی (دانشگاه ع.پ. شیراز)</p> <p>محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۴</p>	۱۲:۳۰ تا ۸:۳۰	چهارشنبه
<p>کارگاه ۸ (دانشجویی)</p> <p>عنوان: آشنایی با تعاملات بین حرفه‌ای با طعم بازی!</p> <p>مدرس: نجمه قاسمی (دانشگاه ع.پ. شهرکرد)، شایان فتاحیان (دانشگاه ع.پ. کاشان)، فریما رئیسی (دانشگاه ع.پ. کاشان)</p> <p>محل: ساختمان ستاد دانشگاه، سالن طبقه ۷</p>	۱۲:۳۰ تا ۸:۳۰	چهارشنبه

چهارشنبه	۱۲:۳۰ تا ۱۴:۰۰	اقامه نماز و صرف ناهار
چهارشنبه	۱۴:۰۰ تا ۱۸:۰۰	کارگاه ۹ (زبان انگلیسی) عنوان: Interactive content design for microlearning مدرس: Dr. Hasnain Zafar Baloch محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۳
چهارشنبه	۱۴:۰۰ تا ۱۸:۰۰	کارگاه ۱۰ عنوان: مراحل عملیاتی سازی آموزش مبتنی بر جامعه و پاسخگو در دانشگاهها مدرس: دکتر مهستی علیزاده (دانشگاه ع.پ. تبریز) محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۶
چهارشنبه	۱۴:۰۰ تا ۱۸:۰۰	کارگاه ۱۱ عنوان: نقش دانشگاه نسل سوم، آموزش پزشکی و جامعه محوری فناوریها مدرس: دکتر ناصر محمدی (دانشگاه ع.پ. البرز)، زهرا طیبی میانه (دانشگاه ع.پ. البرز) محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۷
چهارشنبه	۱۴:۰۰ تا ۱۸:۰۰	کارگاه ۱۲ عنوان: چگونه با نظارت بالینی آموزش بالینی مؤثرتری برای کارورزان و کارآموزان داشته باشیم؟ مدرس: دکتر نیکو یمانی (دانشگاه ع.پ. اصفهان)، دکتر اطهر امید نجفآبادی (دانشگاه ع.پ. اصفهان)، مرضیه مینویی (دانشگاه ع.پ. اصفهان) محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۴
چهارشنبه	۱۴:۰۰ تا ۱۸:۰۰	کارگاه ۱۳ عنوان: آموزش و ارزیابی پروفشنالیزم در محیط بالین مدرس: دکتر سید کامران سلطانی عربشاهی (دانشگاه ع.پ. ایران)، دکتر هلن درگاهی (دانشگاه ع.پ. ایران)، سهراب نصرتی (دانشگاه ع.پ. ایران) محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۸



<p>کارگاه ۱۴</p> <p>عنوان: آشنایی با نحوه اجرای روش مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) و کاربرد آن در آموزش علوم پزشکی</p> <p>مدرس: دکتر شهرام توفیقی (دانشگاه ع.پ. بقیه ا...), دکتر اکرم صادقیان (دانشگاه ع.پ. بقیه ا...)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی</p>	۱۴:۰۰ تا ۱۸:۰۰	چهارشنبه
<p>کارگاه ۱۵</p> <p>عنوان: تحلیل شبکه‌های اجتماعی در محیط‌های یادگیری الکترونیکی</p> <p>مدرس: دکتر احسان طوفانی نژاد (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)</p> <p>محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۴</p>	۱۴:۰۰ تا ۱۸:۰۰	چهارشنبه
<p>کارگاه ۱۶ (دانشجویی)</p> <p>عنوان: پژوهش در آموزش علوم پزشکی: چرا و چگونه؟</p> <p>مدرس: رادمان امیری (دانشگاه ع.پ. دزفول), امیرعلی مودی (دانشگاه ع.پ. بیرجند)</p> <p>محل: ساختمان ستاد دانشگاه، سالن طبقه ۷</p>	۱۴:۰۰ تا ۱۸:۰۰	چهارشنبه
<p>سخنرانی وزیر و معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی</p> <p>اختتامیه جشنواره شهید مطهری، اهدای جوایز تداوم و دانشجویان برتر در حیطه پژوهش در آموزش</p> <p>افتتاحیه بیست و چهارمین همایش کشوری آموزش پزشکی</p> <p>مکان: ساختمان همایش رازی، سالن اصلی</p>	۱۸:۱۵ تا ۲۰:۰۰	چهارشنبه



برنامه تفصیلی روز دوم، پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ (May 4, 2023)

صبحانه‌های کاری		
<p>صبحانه کاری ۱</p> <p>عنوان: چهارچوب طراحی آموزشی بازی سازی‌های آموزشی در علوم پزشکی برگزارکننده: دکتر لیلی مصلی نژاد (دانشگاه ع.پ. جهرم) محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۱</p>	۷:۴۵ تا ۷:۰۰	پنجشنبه
<p>صبحانه کاری ۲</p> <p>عنوان: یادگیری و حافظه از دیدگاه علوم اعصاب شناختی برگزارکنندگان: دکتر مهدی شفیعی ثابت (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر علی نوروزی (دانشگاه ع.پ. زنجان) محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۲</p>	۷:۴۵ تا ۷:۰۰	پنجشنبه
<p>صبحانه کاری ۳</p> <p>عنوان: مواجهات غنی از ارزش دانشجویان در محیط‌های آموزشی بالینی برگزارکنندگان: دکتر حکمیه سابقی (دانشگاه ع.پ. بیرجند)، دکتر لیلا افشار (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی) محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۳</p>	۷:۴۵ تا ۷:۰۰	پنجشنبه
<p>صبحانه کاری ۴</p> <p>عنوان: معلم بالینی پنج ستاره: فعالیت‌های حرفه‌ای قابل اعتماد (EPAS) معلمان پزشکی برگزارکنندگان: دکتر سارا شفیعیان (دانشگاه ع.پ. کرمان)، دکتر پیام خزائی (دانشگاه ع.پ. کرمان)، دکتر محمد رضا لشکری زاده (دانشگاه ع.پ. کرمان)، دکتر مریم اخوتی (دانشگاه ع.پ. کرمان) محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۴</p>	۷:۴۵ تا ۷:۰۰	پنجشنبه
<p>صبحانه کاری ۵</p> <p>عنوان: رشد و توسعه فردی دانشجویان پزشکی و ارتباط آن با حرفه‌ای‌گری پزشکی: مفاهیم و پژوهش‌های آینده برگزارکنندگان: دکتر فخرالسادات حسینی (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)، دکتر مهرناز زارعی (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی) محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۵</p>	۷:۴۵ تا ۷:۰۰	پنجشنبه



تلاوت آیاتی از کلام خدا و پخش سرود جمهوری اسلامی	۷:۴۵ تا ۸:۰۰	پنجشنبه
سخنرانی های کلیدی		
هیات رئیسه: Dr. Olga Maria Rostkowska, Dr. Kamran Soltani Arabshahi, Dr. Süleyman Yildiz. محل: ساختمان همایش رازی، سالن اصلی	۸:۰۰ تا ۱۰:۰۰	پنجشنبه
سخنرانی کلیدی ۱ Curricular metacognition in undergraduate medical education: time to ponder, Dr. Shahid Hassan	۸:۲۰ تا ۸:۳۰	پنجشنبه
پرسش و پاسخ	۸:۳۰ تا ۸:۴۰	پنجشنبه
سخنرانی کلیدی ۲ Leading in the present and future complex ecosystem of health professions education, Dr. Hossam M. Hamdy	۸:۳۰ تا ۸:۵۰	پنجشنبه
پرسش و پاسخ	۸:۵۰ تا ۹:۰۰	پنجشنبه
سخنرانی کلیدی ۳ Seeding change: Growing and sustaining a school's culture of innovativeness in health professions education, Dr. Shuh Shing Lee	۹:۰۰ تا ۹:۲۰	پنجشنبه
پرسش و پاسخ	۹:۲۰ تا ۹:۳۰	پنجشنبه
سخنرانی کلیدی ۴ How to encourage deeper understanding, Dr. David Taylor	۹:۳۰ تا ۹:۵۰	پنجشنبه
پرسش و پاسخ	۹:۵۰ تا ۱۰:۰۰	پنجشنبه
استراحت و پذیرایی	۱۰:۰۰ تا ۱۰:۳۰	پنجشنبه
سمپوزیوم ها		
سمپوزیوم ۱ عنوان: Changing roles of HPE in the digital era: competencies, expectations and impact برگزار کننده: Dr. Tabassum Zehra ,Dr. Naveed Yousuf ,Dr. Muhammad Shahid Shamim ,Dr. Shoaleh Bigdeli محل: ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی	۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰	پنجشنبه



<p>سمپوزیوم ۲ عنوان: فرسودگی شغلی اعضای هیات علمی: سازوکارهای تقویت تاب‌آوری و نیک زیستی برگزار کننده: دکتر آذرخش مکرری (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر نغمه تقوی (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر فرهاد طارمیان (دانشگاه ع. توانبخشی و سلامت اجتماعی) محل: ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن اصلی</p>	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	<p>پنجشنبه</p>
<p>سمپوزیوم ۳ (دانشجویی) عنوان: تقلب در آزمون: بایدها و نبایدها برگزار کننده: علی محمد حسنی (دانشگاه ع.پ. شیراز)، کیوان لشکری (دانشگاه ع.پ. اردبیل)، امیرحسین کریمی (دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)، علی اکبر خسروی لاریجانی (دانشگاه ع.پ. بابل) محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۳</p>	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	<p>پنجشنبه</p>
<p>جلسات ارائه سخنرانی‌های کوتاه</p>		
<p>سخنرانی کوتاه ۱ (زبان انگلیسی) هیات رئیسه: Dr. Hasnain Zafar Baloch, Dr. Seyed Ahmad Ahmadi محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۶</p> <ol style="list-style-type: none"> Design, implementation and evaluation of a virtual escape room for learning interprofessional management of diabetic patients (<i>Dr. Farima Reisis, In-Person, Iran</i>) Assessment of professionalism attitudes in students of government and private medical college using learner's attitudes to medical professionalism scores (LAMPS) (<i>Dr. Saima Batool, In-Person, Pakistan</i>) Professionalism among academic educational leaders: A concept analysis (<i>Dr. Hengameh Habibi, In-Person, Iran</i>) Design, Implementation and Evaluation of Gamified Pharmacotherapy Course Based on Interprofessional Teamwork (VAR-PHARIN) (<i>Dr. Najmeh Ghasemi, In-Person, Iran</i>) Opportunities and Challenges of Hospital Institutional Accreditation from the Stakeholders' Viewpoints (<i>Dr. Roghayeh Gandomkar, In-Person, Iran</i>) 	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	<p>پنجشنبه</p>



<p>6. Determinant factors in adopting E-learning in healthcare based on extended model of UTAUT and TTF (<i>Dr. Mohammad Hiva Abdekhoda, In-Person, Iran</i>)</p> <p>7. Relationship of Depression, Anxiety, and Stress with Academic Performance among University Students during COVID-19 Pandemic (<i>Muhammad Shahzad Anwar, Mulazim Hussain Bukhari, Asad Ali Shah, In-Person, Pakistan</i>)</p> <p>8. Planning, implementation and evaluation of the new Internal Medicine internship rotation curriculum in the School of Medicine of Tehran University of Medical Sciences (SoM-TUMS) (<i>Dr. Mahbube Ebrahimpur, Online-Iran</i>)</p>		
<p style="text-align: center;">سخنرانی کوتاه ۲</p> <p>هیات رئیسه: دکتر سلیمان احمدی (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)، دکتر لیلا مهستی جویباری (دانشگاه ع.پ. گلستان)، دکتر محمدرضا اندرواژ (دانشگاه ع.پ. مازندران)، دکتر مهلا سلاجقه (دانشگاه ع.پ. کرمان)</p> <p style="text-align: center;">محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۸</p> <p style="text-align: center;">حیطه یاددهی-یادگیری</p> <p>۱. بررسی تاثیر محرک‌های بصری در یادگیری دانشجویان دندانپزشکی البرز (آقا کوچک زاده آرزو، دانشگاه ع.پ. البرز)</p> <p>۲. مقایسه اثربخشی آموزش سنتی، کلاس درس معکوس و بازی‌وارسازی در آموزش مجازی دانشجویان هوشبری دانشگاه علوم پزشکی تبریز (صادقی و رزقان علی، دانشگاه ع.پ. کاشان)</p> <p>۳. مقایسه تاثیر آموزش احیای قلبی ریوی پایه به روش چند حسی و منتورشیپ به دانشجویان پرستاری (یوسفی محمد رضا، موسسه درمانی آستان قدس رضوی)</p> <p>۴. طراحی و توسعه سامانه شبیه‌ساز آموزش سیستم‌های اطلاعات بیمارستانی (عباسی رضا، دانشگاه ع.پ. کاشان)</p> <p>۵. طراحی و تولید بسته آموزشی الکترونیکی جراح یار لاپاراسکوپی و ارزیابی میزان رضایتمندی دانشجویان کارشناسی تکنولوژی اتاق عمل در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد (اکبری فاطمه، دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)</p> <p>۶. مقایسه تاثیر تدریس مبتنی بر ترسیم نقشه مفهومی با تدریس سنتی (سخنرانی) بر یادگیری و میزان رضایتمندی از درس باکتری‌شناسی پزشکی (زارع بیدکی مجید، دانشگاه ع.پ. بیرجند)</p> <p>۷. بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر سناریو بر صلاحیت‌های اساسی دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی رازی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۴۰۰ (خشنود زهره، دانشگاه ع.پ. کرمان)</p> <p>۸. تاثیر آموزش بالینی مهارت‌های خرد و حل مساله بر تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری (مرادی طیبه، دانشگاه آزاد اسلامی کاشان)</p> <p>۹. ادغام استراتژی‌های آموزش بین حرفه‌ای و یادگیری مبتنی بر وظیفه: فرصت یادگیری ساختارمند مبتنی بر محل کار در تیم بین حرفه‌ای (کشمیری فاطمه، دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)</p>	<p style="text-align: center;">۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	<p style="text-align: center;">پنجشنبه</p>

<p>۱۰. بررسی میزان کاربست اخلاق حرفه‌ای تدریس اعضای هیات علمی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین (بخش فروش‌ها افسانه، دانشگاه ع.پ. قزوین)</p>		
<p>سخنرانی کوتاه ۳ هیات رئیسه: دکتر بابک ثابت (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)، دکتر هدی احمري طهران (دانشگاه ع.پ. قم)، دکتر بهنام ثبوتی (دانشگاه ع.پ. ایران)، دکتر آفاق زارعی (دانشگاه ع.پ. بیرجند) محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۵ حیطه برنامه‌ریزی آموزشی ۱. تدوین برنامه آموزشی رشته کارشناسی ارشد سلامت باروری مردان: یک مطالعه ترکیبی (جوادنوری مؤگان، دانشگاه ع.پ. جندی شاپور اهواز) ۲. بررسی ارزشیابی برنامه درسی اجرا شده پزشکی عمومی بر اساس معیارهای برنامه درسی مبتنی بر تربیت هنری از دیدگاه دانشجویان پزشکی (فرخ فال خدیجه، دانشگاه ع.پ. بیرجند) ۳. بررسی انطباق تعداد واحدهای درسی دندانپزشکی عمومی با نیازهای شغلی از دیدگاه دانش‌آموختگان (کاتبی کتایون، دانشگاه ع.پ. تبریز) ۴. پودمان مجازی بیماری‌های گوارش و کبد جهت دانشجویان پزشکی، دستیاران تخصصی، متخصصین داخلی و پزشکان عمومی: طراحی، اجرا و ارزشیابی (طباطبایی چهر محبوبه، دانشگاه ع.پ. شهیدبهشتی) ۵. بررسی نحوه اجرای کوریکولوم آموزشی رشته تخصصی طب اورژانس در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور (حبیب زاده سید رضا، دانشگاه ع.پ. مشهد) ۶. دیدگاه دانشجویان در خصوص ادغام برنامه پزشکی خانواده در دوره کارورزی پزشکی اجتماعی در دانشجویان پزشکی بیرجند (احراری فروغ، دانشگاه ع.پ. بیرجند) ۷. ارزیابی درک اساتید و دانشجویان از کفایت برنامه‌درسی پزشکی عمومی در کسب توانمندی‌های مدیریت تغذیه‌ای بیماران (رودی فاطمه، دانشگاه ع.پ. مشهد) ۸. تدوین کوریکولوم آموزشی مبتنی بر پیامد کارشناسی ارشد رشته سلامت باروری (جوادی فر ناهید، دانشگاه ع.پ. جندی شاپور اهواز) ۹. بررسی کیفیت اجرای برنامه درسی فیزیولوژی رشته پزشکی عمومی از دیدگاه دانشجویان (هرمزی علی، دانشگاه ع.پ. بیرجند) ۱۰. تبیین چهارچوب برنامه درسی خرد گرا با تمرکز بر توانمندی‌های شناختی مورد نیاز دانشجویان رشته پزشکی (درگاهی پرهام، دانشگاه ع.پ. کرمان)</p>	<p>۱۲:۳۰ تا ۱۰:۳۰</p> <p>پنجشنبه</p>	
جلسات ارائه پوسترهای الکترونیک		
<p>پوستر ۱ هیات رئیسه: دکتر قدیر پوربایرامیان (دانشگاه ع.پ. اردبیل)، دکتر فروزان شکوه (دانشگاه ع.پ. توانبخشی)، دکتر نسرين خواجه علی (دانشگاه ع.پ. اهواز)</p>	<p>۱۲:۳۰ تا ۱۰:۳۰</p> <p>پنجشنبه</p>	



محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی

حیطه ارزشیابی آموزشی

۱. بررسی اثربخشی آموزش مجازی مراقبت فرهنگی بر صلاحیت فرهنگی اساتید پرستاری دانشکده-های پرستاری و مامایی وابسته به دانشگاه های علوم پزشکی استان کرمان (فرخ زادیان جمیله، دانشگاه ع.پ. کرمان)
۲. ارزیابی نگرش اساتید بالینی دانشگاه های علوم پزشکی ایران نسبت به پروفیشنالیزم (شکور مهسا، دانشگاه ع.پ. اراک)
۳. شناسایی چالش های اجرای استانداردهای آموزش بالینی از دیدگاه اساتید بخش های بالینی (آرمون عسگر، دانشگاه ع.پ. اردبیل)
۴. بررسی اخلاق حرفه ای اساتید دانشگاه علوم پزشکی مازندران از دیدگاه دانشجویان این دانشگاه (حیدری گرجی علی مراد، دانشگاه ع.پ. مازندران)
۵. ارزیابی کورس جدید مقدمات بالینی بیماری های عفونی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان (مومن هروی منصوره، دانشگاه ع.پ. کاشان)
۶. بررسی رعایت استانداردهای آموزش بالینی در درمانگاه سرپایی طب پیشگیری دانشگاه علوم پزشکی تبریز از دیدگاه کارورزان (برادران بی نظیر مریم، دانشگاه ع.پ. تبریز)
۷. بررسی وضعیت فرسودگی شغلی در اعضاء هیئت علمی علوم پزشکی کرمانشاه (زنگنه فروغ، دانشگاه ع.پ. کرمانشاه)
۸. ارزشیابی کیفیت اجرای دوره کارورزی بالینی طب سرپایی بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد در همه گیری کووید-۱۹ (ایوبی سمانه سادات، دانشگاه ع.پ. مشهد)
۹. استاد بالینی متمایز از نقطه نظر دانشجویان (مؤذن نسرين، دانشگاه ع.پ. مشهد)
۱۰. ارزیابی چالش های آزمون های الکترونیکی دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در دوران کووید ۱۹ و ارایه راهکار از دیدگاه دانشجویان (قلی زاده معصومه، دانشگاه ع.پ. تبریز)
۱۱. رضایتمندی دانشجویان پرستاری از آزمون جامع عملی پایان دوره کارشناسی: یک مطالعه مقطعی (یعقوبی طاهره، دانشگاه ع.پ. مازندران)
۱۲. بررسی دیدگاه اعضای هیات علمی در مورد توانمندی تجویز دارو در کارورزان پزشکی قبل و بعد از همه گیری کووید-۱۹ در دانشگاه علوم پزشکی مشهد (موقفی زهرا، دانشگاه ع.پ. مشهد)
۱۳. بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه عمل بازاندیشی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز (زارع سولماز، دانشگاه ع.پ. شیراز)
۱۴. بررسی نحوه دسترسی به سامانه آموزش مجازی، مشکلات آموزشی و کیفیت آزمون های مجازی در ایام کرونا از دیدگاه دانشجویان دانشکده علوم پزشکی خلخال (موسی زاده یلدا، دانشکده ع.پ. خلخال)
۱۵. بررسی تاثیر مشارکت دانشجویان در طراحی سوالات آزمون پایان ترم (عمرانی رضا، دانشگاه ع.پ. قزوین)
۱۶. طراحی، اجرا و ارزشیابی ارزیابی تکوینی مبتنی بر فعالیت کلاسی در طول ترم تحصیلی بر میزان رضایت دانشجویان (سلطانی راحله، دانشگاه ع.پ. تبریز)
۱۷. طراحی و روانسنجی ابزار ارزیابی توانمندی رهبری تیمی در دستیاران تخصصی پزشکی با رویکرد قضاوت موقعیتی (شماعیان رضوی نازنین، دانشگاه ع.پ. مشهد)

<p>۱۸. بررسی عوامل موثر بر نتایج آزمون علوم پایه و پیش کارورزی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان (۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸) (سلجوقی نژاد ریحانه، دانشگاه ع.پ. کرمان)</p>		
<p>پوستر ۲ هیات رئیسه: دکتر فرحناز کمالی (دانشگاه ع.پ. هرمزگان)، دکتر سید جمال میرموسوی (دانشگاه ع.پ. سبزوار) محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی حیطه ارزشیابی آموزشی</p> <p>۱. بررسی ارتباط نگرش به آموزش مجازی بر اضطراب یادگیری و فرسودگی تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۴۰۱ (خالقی محمد مهدی، دانشگاه ع.پ. بوشهر)</p> <p>۲. بررسی و مقایسه آگاهی دانشجویان سال اول و آخر مقطع کارشناسی پیوسته دانشکده پرستاری و مامایی مشهد نسبت به ابعاد قانونی و حقوقی سقط جنین (کریمی فاطمه زهرا، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>۳. ارزشیابی برنامه آموزشی دانشکده پزشکی کرمان بر اساس الگوی CIPP (خداینده شهرکی صدیقه، دانشگاه ع.پ. کرمان)</p> <p>۴. ادراکات دانشجویان پزشکی از تأثیر پوشیدن روپوش سفید بر هویت حرفه‌ای آن‌ها طی گذراندن واحد عملی سمبولوژی (نظری خبجی مرتضی، دانشگاه ع.پ. سبزوار)</p> <p>۵. سردرگمی میان دوگان‌های رقیب: تجربه کاوی مدرسان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان از آزمون الکترونیک در بحران کووید-۱۹ (ایرانمنش فواد، دانشگاه ع.پ. رفسنجان)</p> <p>۶. میزان آمادگی گذر از دانشگاه به کار در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی یزد (حسن زاده محمد، دانشگاه ع.پ. شیراز)</p> <p>۷. بررسی میزان اهمال کاری تحصیلی و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی در میان دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در دوران پاندمی کووید ۱۹ (گربوانی آتنا، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>۸. نیازسنجی، اجرا و ارزشیابی لاگ بوک برای ارزیابی مهارت‌های بالینی دانشجویان کارشناسی هوشبری براساس آخرین بازنگری کوریکولوم آموزشی (فتوحی پرویز، دانشگاه ع.پ. کردستان)</p> <p>۹. بررسی اثربخشی برنامه آموزش دستگاه بای پس قلبی ریوی بر رضایت و یادگیری دانشجویان با استفاده از نقاشی و بحث گروهی (بروسان بهاره، دانشگاه ع.پ. کرمان)</p> <p>۱۰. بررسی میزان رضایتمندی از اجرای فرایند ارزشیابی همتا به صورت تکوینی در ارتقا مهارت های بالینی پایه بیهوشی دانشجویان هوشبری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی مشهد (رضایی نژاد زهره، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد)</p>	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	<p>پنجشنبه</p>



<p>۱۱. طراحی، اجرا و ارزشیابی لاگ‌بوک کارورزی ۱ و ۲ دانشجویان دکترای تخصصی طب ایرانی (قراقرتی مرضیه، دانشگاه ع.پ. گلستان)</p> <p>۱۲. ارزیابی پروفشنالیسم و مهارت‌های ارتباطی دستیاران تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد (رنجبر اسماعیل، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>۱۳. دیدگاه دانشجویان درباره آزمون صلاحیت بالینی دانشگاه علوم پزشکی سمنان (صفائی زهرا، دانشگاه ع.پ. سمنان)</p> <p>۱۴. عوامل موثر بر تاثیر آموزشی ارزیابی بر یادگیری دانشجویان پزشکی: مطالعه کیفی (کردستانی مقدم آزاده، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی)</p> <p>۱۵. خود ارزیابی صلاحیت‌های بالینی دانش آموزان رشته هوشبری دانشکده پیراپزشکی کاشان ۱۴۰۰-۱۴۰۱ (کوچکی نصرآبادی معصومه، دانشگاه ع.پ. کاشان)</p> <p>۱۶. بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان دانشکده های علوم پزشکی شهرستان قاین از آموزش مجازی و عوامل موثر بر آن (علی نژاد مقدم محمد، دانشگاه ع.پ. بیرجند)</p> <p>۱۷. دیدگاه دانشجویان در خصوص روند ارزشیابی استاد در دانشگاه علوم پزشکی اهواز (جعفرزاده حمزه، دانشگاه ع.پ. جندی شاپور اهواز)</p>		
<p>پوستر ۳</p> <p>هیات رئیسه: دکتر سپیده جمشیدیان (دانشگاه ع.پ. اصفهان)، دکتر بتول اقبالی (دانشگاه ع.پ. بیرجند)، دکتر امین بیگ زاده (دانشگاه ع.پ. سیرجان)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی</p> <p>حیطه برنامه ریزی آموزشی</p> <p>۱. تبیین انتظارات دست اندرکاران نظام سلامت از دانش آموخته کارشناسی بهداشت عمومی و انطباق آن با برنامه درسی رشته بهداشت عمومی (هاشمی پرست مینا سادات، دانشگاه ع.پ. زنجان)</p> <p>۲. بررسی برنامه درسی فیزیولوژی دوره علوم پایه از حیث تطابق با نیازهای آموزشی دوره بالینی رشته پزشکی عمومی (عطایی زمره، دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان)</p> <p>۳. دیدگاه اعضای هیات علمی پرستاری در خصوص به کارگیری مهارت های تفکر انتقادی در برنامه درسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی: یک مطالعه کیفی (رستمی مازیار، دانشگاه ع.پ. گلستان)</p> <p>۴. بررسی مقایسه‌ای پایبندی به اصول اخلاق حرفه ای در میان دانشجویان عرصه و پرسنل اتاق عمل بیمارستان های آموزشی درمانی منتخب دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ (نوری خانقاه زهرا، دانشگاه ع.پ. ایران)</p> <p>۵. صلاحیت فرهنگی در علوم پزشکی و جنبه‌های مختلف آن از منظر اساتید، دانشجویان و درمانگران (سرگزی سمانه، دانشگاه ع.پ. اصفهان)</p> <p>۶. تدوین، اجرا و ارزشیابی دوره کوتاه مدت توانمند سازی دانشجویان رشته فناوری اطلاعات سلامت با محوریت کدگذاری مبتنی بر یازدهمین ویرایش طبقه بندی بین المللی بیماری‌ها: فعالیتی بین دانشگاهی (پایدار سمیه، دانشگاه ع.پ. کرمانشاه)</p> <p>۷. بررسی دیدگاه کارورزان دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در نحوه انتقال اخبار ناگوار به بیماران بر اساس مدل SPIKES در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ (محمدیان روشن مائده، دانشگاه ع.پ. گیلان)</p>	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	<p>پنجشنبه</p>



۸. تبیین تجربیات دانشجویان تحصیلات تکمیلی از اجرای برنامه آموزشی "پژوهش تقاضا محور" براساس رویکرد یادگیری مادام‌العمر و مدل طراحی آموزشی ADDIE (عاطفه ززولی ذبیحی، دانشگاه ع.پ. مازندران)
۹. ارزیابی کیفیت درونی برنامه درسی دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (محمدی یحیی، دانشگاه ع.پ. بیرجند)
۱۰. نظرات اعضای هیئت علمی دانشکده های دندانپزشکی سراسر کشور در خصوص چگونگی ادغام افقی رشته دندانپزشکی با توجه به اصول هاردن (زاهدی فر فریبا، دانشگاه ع.پ. قزوین)
۱۱. محتوای برنامه درسی مبتنی بر پاسخ گویی اجتماعی در دوره پزشکی عمومی: پژوهش کیفی (دهقانی غلامعلی، دانشگاه ع.پ. تبریز)
۱۲. بررسی میزان انطباق کوریکولوم آموزشی بخش بیماری های دهان و ... با کسب مهارت های عملی مورد نیاز در بالین (سفیدی فاطمه، دانشگاه ع.پ. قزوین)
۱۳. بررسی تاثیر آموزش به روش شبیه سازی بر مهارت های خودکارآمدی و عملکرد بالینی در دانشجویان پرستاری (صفاری زهرا، دانشگاه ع.پ. شیراز)

جلسات ارائه تجربیات کلان مناطق

جلسات ارائه تجربیات کلان مناطق		
<p style="text-align: center;">ارائه تجربیات ۱</p> <p style="text-align: center;">سخنرانان: نمایندگان کلان منطقه ۱ و ۷</p> <p style="text-align: center;">محل: ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۲</p> <p style="text-align: center;">کلان منطقه ۱</p> <p style="text-align: center;">رئیس پانل: دکتر سید خسرو قاسم پوری</p> <p style="text-align: center;">اعضای پانل: دکتر سید بابک مجاور عقیلی، دکتر رزیتا هدایتی، دکتر منصور بابایی، دکتر حمید واحدی، دکتر افشین شفقی</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. راه اندازی سامانه دیجیتالی پاد (پرونده الکترونیکی بیماران دیالیزی) (دکتر پوریا گیل، دانشگاه ع.پ. مازندران) ۲. ارائه تجربه طراحی شبکه همکاری آکادمیک استاد و دانشجو (NASAAMED)، جهت تقویت مهارت استدلال بالینی فراگیران پزشکی (دکتر مریم قائمی امیری، دانشگاه ع.پ. بابل) ۳. خریداری و راه اندازی میز تشریح و استفاده از اساتید در آموزش واحد آناتومی رشته های مختلف به ویژه رشته پزشکی قبل از ورود به سالن تشریح جسد (دکتر نغمه احمدیان، دانشگاه ع.پ. شاهرود) <p style="text-align: center;">کلان منطقه ۷</p> <p style="text-align: center;">رئیس پانل: دکتر نیکو یمانی</p> <p style="text-align: center;">اعضای پانل: دکتر امیر هوشنگ مهرپرور، دکتر الهام موسوی نسب، دکتر زیبا فرج زادگان، دکتر فرشته راستی</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. بازی وارسازی در آموزش پرستاری (دکتر امیر هوشنگ مهرپرور، دانشگاه ع.پ. یزد) ۲. شبیه سازی سامانه سیب در آزمایشگاه HIT (دکتر الهام موسوی نسب، دانشگاه ع.پ. کاشان) 	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	<p>پنجشنبه</p>

<p>۳. کلینیک سبک زندگی (دکتر زیبا فرج زادگان، دانشگاه ع.پ. اصفهان) ۴. کلینیک سلامت جنسی و باروری (دکتر فرشته راستی، دانشگاه ع.پ. شهرکرد) مدت زمان برای هر کلان منطقه ۴۵ دقیقه</p>		
جلسات ارائه پایان نامه ها		
پایان نامه ۱ (دکتری)		
<p>هیات رئیسه: دکتر یدالله زارع زاده (دانشگاه ع.پ. کردستان)، دکتر فضل اله احمدی (دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر علی حاتمی (دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر مصطفی قادری (دانشگاه علامه طباطبایی)</p>		
محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۴		
<p>۱. ترسیم آینده رشته آموزش پزشکی در ایران ۱۴۰۴ (فقیهی عطیه، دانشگاه ع.پ. اصفهان) ۲. طراحی و روان سنجی ابزار سنجش حرفه ای گری در رهبران آموزشی: مطالعه‌ی ترکیبی اکتشافی متوالی (حبیبی هنگامه، دانشگاه ع.پ. ایران) ۳. طراحی و روانسنجی ابزار ارزیابی توانمندی رهبری تیمی در دستیاران تخصصی با رویکرد قضاوت موقعیتی (شماعیان رضوی نازنین، دانشگاه ع.پ. تهران) ۴. طراحی نظام جامع آموزش مهارتی و حرفه‌ای در علوم پزشکی (شهبازی سارا، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)</p>	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	<p>پنجشنبه</p>
پایان نامه ۲ (کارشناسی ارشد)		
<p>هیات رئیسه: دکتر الهام بوشهری (دانشگاه ع.پ. هرمزگان)، دکتر حمیدرضا کوهستانی (دانشگاه ع.پ. ساوه)، دکتر رضا لاری پور (دانشگاه ع.پ. ارتش)، دکتر محسن کشاورز (دانشکده ع.پ. تربت حیدریه)</p>		
محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۷		
<p>۱. بررسی تأثیر دوره آموزشی مدیریت و رهبری بر آگاهی دستیاران از شایستگی‌های رهبری بالینی در گروه داخلی و جراحی عمومی مجتمع آموزشی پژوهشی درمانی حضرت رسول اکرم (ص) در سال ۱۳۹۸ (کدخدایی منیره السادات، دانشگاه ع.پ. ایران) ۲. بررسی وضعیت ارائه بازخورد در آموزش بالینی تخصصی از دیدگاه دستیاران دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ (ایلاقی حسینی مهران، دانشگاه ع.پ. کرمان) ۳. پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانشجویان مجازی بر اساس پایش مؤلفه‌های اشتیاق فراگیر در سیستم مدیریت یادگیری الکترونیکی با استفاده از روش‌های واکاوی یادگیری (احمدی گلچهره، دانشگاه ع.پ. تهران)</p>	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	<p>پنجشنبه</p>
جلسه مناظره		
	مناظره	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>



<p>عنوان: کوریکولوم: ملی یا دانشگاهی؟ هیات رئیسه: دکتر سید منصور رضوی (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر عظیم میرزازاده (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر طاهره چنگیز (دانشگاه ع.پ. اصفهان)، دکتر آبتین حیدرزاده (دانشگاه ع.پ. گیلان)، دکتر مرضیه نجومی (دانشگاه ع.پ. ایران) محل: ساختمان همایش رازی، طبقه زیر زمین، سالن شماره ۳</p>		
<p>اقامه نماز و صرف ناهار</p>	<p>۱۲:۳۰ تا ۱۳:۴۵</p>	<p>پنجشنبه</p>
<p>جلسات ارائه سخنرانی های کوتاه</p>		
<p>سخنرانی کوتاه ۴ (زبان انگلیسی) هیات رئیسه: Dr. Rita Rezaei, Dr. Mahasti Alizadeh محل: ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی</p> <ol style="list-style-type: none"> 1. Workbook-Based Ethics Learning: A Novel Approach for Overcoming the Barriers and Enhancement of Cognitive Skills in Ethics Education (<i>Dr. Muhammad Shahid Shamim, Pakistan, In-Person, Pakistan</i>) 2. Effect of Gamification of Anatomy Teaching on Long-Term Retention of Students (<i>Dr. Azhar Areej, Online, Pakistan</i>) 3. Simulation based training improves laparoscopic surgical skills in trainee surgeons (<i>Dr. Shaikh Abdul Razaque, Online, Pakistan</i>) 4. Formative assessment how we should give feedback? (<i>Dr. Nazdar Ezzaddin Alkhateeb, Online, Iraq</i>) 5. Self-Assessment of Active Learning and Critical Thinking during Problem-Based Learning: An Exploratory Study (<i>Dr. Kiran Fatima Mehboob Ali BANA, Online, Pakistan</i>) 6. Introduction of near-peer mentorship program in an undergraduate medical college in pakistan- a pilot study (<i>Dr. Ahmed Narmeen, Online, Pakistan</i>) 7. Switching Trends in Medical Education: Faculty Perception (<i>Dr. Shah Tazeen, Online, Pakistan</i>) 8. Duration of daily In-Patient contact; A determinant of Empathy level among Healthcare Professionals (<i>Dr. Allah buksh Hudebia, In-Person, Pakistan</i>) 	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>پنجشنبه</p>
<p>سخنرانی کوتاه ۵ هیات رئیسه: دکتر سعید چنگیزی آشتیانی (دانشگاه ع.پ. اراک)، دکتر شهنام عسکریپور (دانشگاه ع.پ. جندی شاپور اهواز)، دکتر فاطمه کشمیری (دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)، دکتر علی نوروزی (دانشگاه ع.پ. زنجان)</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>پنجشنبه</p>



محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۵

حیطه مدیریت و رهبری آموزشی

۱. شناسایی مولفه‌های موثر بر مشارکت اعضای هیات علمی در توسعه ماک؛ تحلیلی کیفی بر نظرات خبرگان آموزش مجازی در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران (کریمیان زهرا، دانشگاه ع.پ. شیراز)
۲. تدوین برنامه جامع توسعه آموزش مجازی در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی کشور (مجتهدزاده ریثا، دانشگاه ع.پ. تهران)
۳. تبیین توانمندی‌های روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در راستای پاسخگویی اجتماعی در نظام آموزش عالی سلامت ایران (دشمنگیر لیلا، دانشگاه ع.پ. تبریز)
۴. بررسی تاثیر آموزش آگاهی تیم از موقعیت بر عملکرد تیمی دستیاران تیم درمانی تروما در دانشگاه علوم پزشکی تهران (روح الامینی آزاده، دانشگاه ع.پ. کرمان)
۵. طراحی و اجرای فناوری مرکز ارزیابی (Assessment Center) در راستای توانمندسازی شایستگی‌های مدیران آموزشی (علیزاده سمیه، دانشگاه ع.پ. خراسان شمالی)
۶. تبیین ماندگاری اعضای هیات علمی: تحلیل محتوا (عابدینی سمیره، دانشگاه ع.پ. هرمزگان)
۷. تدوین استانداردهای دوره‌های آموزش مهارتی و حرفه‌ای علوم پزشکی و دستیابی به اجماع نظرات متخصصین از طریق برگزاری راند دلفی: گامی موثر در راستای ارتقای کیفیت دوره‌های مهارتی و حرفه‌ای (محمدی الهه، دانشگاه ع.پ. تهران)
۸. طراحی الگوی استانداردهای اعتباربخشی موسسه‌ای دانشکده‌های پرستاری ایران: یک مطالعه ترکیبی (دشتی کلانتر رجب، دانشگاه ع.پ. اردبیل)
۹. عوامل برنامه درسی پنهان در آموزش ارزش‌ها و اخلاق پزشکی (محمدحسین زاده معصومه، دانشگاه ع.پ. مشهد)
۱۰. ارزیابی اولیه وضعیت دوره کارآموزی در دانشجویان بهداشت عمومی به منظور برنامه‌ریزی جهت ارتقا کیفیت کارآموزی در دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ۱۴۰۱ (علیدوستی شهرکی معصومه، دانشگاه ع.پ. بهبهان)

جلسات ارائه پوسترهای الکترونیک

پوستر ۴

هیات رئیسه: دکتر عیسی رضایی (دانشگاه ع.پ. هوشمند)، دکتر ماهدخت طاهری (دانشگاه ع.پ. گیلان)، دکتر مریم شهابی (دانشگاه ع.پ. ایران)

محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی

حیطه یاددهی-یادگیری

۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵

پنجشنبه

۱. مقایسه اثربخشی محتوای متنی-تصویری و محتوای صوتی-تصویری در آموزش الکترونیکی مدیریت انسداد راه هوایی دانشجویان پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان (حسامی دریا، دانشگاه ع.پ. کردستان)

<p>۲. تاثیر استفاده از بازی وارسازی بر یادگیری و نگرش نسبت به درس آمار در دانشجویان دانشکده بهداشت (عشوری آسیه، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)</p> <p>۳. سنجش میزان هوش عاطفی دانشجویان رشته پزشکی و پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر (ابن رومی سمیه، دانشگاه ع.پ. بوشهر)</p> <p>۴. بررسی موانع و عوامل تسهیل کننده یادگیری مهارت بالینی از دیدگاه دانشجویان بالینی دندانپزشکی در پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر (عازمیان آزاده، دانشگاه ع.پ. بوشهر)</p> <p>۵. بازی وارسازی درس فارماکولوژی تخصصی دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان (جودکی راد عرفان، دانشگاه ع.پ. کاشان)</p> <p>۶. بررسی ارتباط تفکر تأملی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان مقطع اینترنتی دانشگاه علوم پزشکی شیراز (مختارپور صدیقه، دانشگاه ع.پ. شیراز)</p> <p>۷. طراحی و تولید انیمیشن‌های سه بعدی ویدئویی تعاملی وایر بندینگ ارتودنسی (نوریان آذین، دانشگاه ع.پ. زنجان)</p> <p>۸. نگرش دانشجویان به روش تدریس سخنرانی با نمایش کتاب مرجع در مقایسه با روش تدریس با پاورپوینت (خضزلو داود، دانشگاه ع.پ. تبریز)</p> <p>۹. تبیین نیازهای آموزشی پرستاران شاغل در بخش اورژانس، چالش‌ها و ارائه راهکار: یک مطالعه کیفی (عزیزی فرنوش، دانشگاه ع.پ. شیراز)</p> <p>۱۰. آموزش الکترونیکی و چالش‌های همراه در همه گیری ویروس کرونا: تحلیل کیفی از تجارب اساتید علوم پزشکی (گائینی مینا، دانشگاه ع.پ. قم)</p> <p>۱۱. مقایسه تأثیر کلاس وارونه و جیگساو بر دانش احیاء قلبی ریوی مبتلایان به کووید ۱۹ در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر (یزدانخواه فرد محمدرضا، دانشگاه ع.پ. بوشهر)</p> <p>۱۲. مقایسه آموزش به دو روش نمایش عملی و آموزش مجازی بر میزان دانش و عملکرد دانشجویان پرستاری در آموزش احیای قلبی ریوی (بنی یعقوبی فائزه، دانشگاه ع.پ. ارتش)</p> <p>۱۳. بازاندیشی دانشجویان پرستاری بر اولین تجربه ارزیابی مراحل رشد و تکامل کودک (ابراهیم پور فاطمه، دانشگاه ع.پ. شهیدبهشتی)</p> <p>۱۴. بررسی تأثیر مشارکت در طرح فرارشته ای سلامت محور بر خودکارآمدی دانشجویان پزشکی و غیرپزشکی (حیدری سارا، دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)</p> <p>۱۵. طراحی و تعیین روایی و پایایی پرسشنامه های دانش، عملکرد و رضایت دانشجویان بهداشت عمومی در درس تکنولوژی آموزشی (دارابی فاطمه، دانشکده ع.پ. اسدآباد)</p> <p>۱۶. نگرش دانشجویان پزشکی و پرستاری نسبت به آموزش بین حرفه ای (دریازاده سعیده، دانشگاه ع.پ. اصفهان)</p>		
<p>پوستر ۵</p> <p>هیات رئیسه: دکتر آرمان لطیفی (دانشکده ع.پ. مراغه)، دکتر مینو یغمایی (دانشکده ع.پ. شهیدبهشتی)، دکتر ناهید احمدیان یزدی (دانشگاه ع.پ. اردبیل)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی</p> <p>حیطه یاددهی-یادگیری</p> <p>۱. بررسی رابطه بین کیفیت تجارب یادگیری و کیفیت تجارب آموزشی دانشجویان پزشکی (وفادار مرادی الناز، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>پنجشنبه</p>



۲. بررسی تاثیر تکلیف در سی تر سیم ECG روی کاغذ شطرنجی بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری و دیدگاه دانشجویان نسبت به آن، مطالعه پایلوت (آخوندزاده کبری، دانشگاه ع.پ. قم)
۳. طراحی و اجرای طرح همیار دانشجو در دانشکده علوم پزشکی ساوه (حسینی کوکمری پرپسا، دانشکده ع.پ. ساوه)
۴. رضایت سنجی و مقایسه توانمندی‌های پزشکی و آموزشی دانشجویان در جلسات گزارش صبحگاهی گروه داخلی (با یا بدون حضور دستیاران) در بیمارستان آموزشی امام رضا (ع) و قائم (عج) دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ از دیدگاه اعضای هیئت علمی، دستیاران و کارورزان (اکبری راد مینا، دانشگاه ع.پ. مشهد)
۵. تجارب دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی از ارتباط منتور-متنی: یک مطالعه کیفی (امروزی ربابه، دانشگاه ع.پ. تبریز)
۶. بررسی آموزش مبتنی بر شبکه‌های مجازی بر دانش و رویکرد یادگیری دانشجویان پرستاری (ایمانی پور معصومه، دانشگاه ع.پ. تهران)
۷. مقایسه اثربخشی منتورینگ الکترونیکی بازخورد محور آنلاین و آنلاین در تجارب یاددهی-یادگیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی (میرمقتدایی زهره سادات، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)
۸. طراحی، اجرا و ارزشیابی روش آموزش همتایان در دانشجویان پزشکی-کارآموزی جراحی- دانشگاه علوم پزشکی کردستان (زارعی فرزانه، دانشگاه ع.پ. کردستان)
۹. بررسی سواداطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری و نقش کتابداران بالینی در پیشبرد پروژه‌های تحقیقاتی (سپهری گهر مینو، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)
۱۰. مقایسه تأثیر یادگیری مبتنی بر شبکه و مبتنی بر حل مسأله بر تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی (۱۴۰۱) (حکمتی پور نفیسه، دانشگاه ع.پ. دانشگاه آزاد اسلامی علی آباد کتول)
۱۱. تبیین تجارب دانشجویان پرستاری از نقش انگیزشی مربیان در آموزش بالینی: یک مطالعه کیفی (سیده فاطمه غیاثی، دانشگاه ع.پ. زنجان)
۱۲. طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه تدریس وارونه در بالین دانشجویان پرستاری (خوش تراش مهرنوش، دانشگاه ع.پ. گیلان)
۱۳. طراحی، اجرا و ارزشیابی کارگاه آموزش بالینی مهارت زایمان ویژه دانشجویان فوریت های پزشکی پیش بیمارستانی با رویکرد مبتنی بر پاسخگویی اجتماعی (ثابت سروستانی پرپسا، دانشگاه ع.پ. فسا)
۱۴. رابطه نقش مدرس و محتوای آموزشی دوره با پذیرش یادگیری الکترونیکی: نقش میانجی مهارت کامپیوتری دانشجویان (خوشنوا فومنی فاطمه، دانشگاه ع.پ. مازندران)
۱۵. تأثیر روش تدریس سنتی و کلاس وارونه بر دانش، عملکرد تیمی و مشارکت گروهی پرستاران در انجام احیا قلبی ریوی: یک مطالعه نیمه تجربی (سبزواری سکینه، دانشگاه ع.پ. کرمان)
۱۶. بررسی مقایسه‌ای تأثیر دو روش آموزش آنلاین مبتنی بر نظریه بار شناختی سوئلر و آموزش آنلاین به شیوه متداول بر درگیری تحصیلی دانشجویان پزشکی در درس آناتومی (نصرتی سهراب، دانشگاه ع.پ. ایران)

پوستر ۶

هیات رئیسه: دکتر مریم قائمی امیری (دانشگاه ع.پ. بابل)، دکتر شیرین حسونند (دانشگاه ع.پ. لرستان)، دکتر محمد حسن کشاورزی (دانشگاه ع.پ. شیراز)

محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی

حیطه یاددهی-یادگیری

۱. بررسی نقش یادگیری غیر رسمی بر فراشایستگی‌های شغلی دانش آموختگان رادیولوژی در بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران (محمودی سحر، دانشگاه ع.پ. کرمان)
۲. مقایسه تاثیر روش یادگیری کوانتومی با روش متداول بر میزان یادگیری، انگیزش یادگیری و یادسپاری دانشجویان کارشناس پرستاری در آموزش مراقبت‌های ویژه (ولی زاده زارع نجمه، دانشگاه ع.پ. مشهد)
۳. موانع اجرای مراقبت پرستاری مبتنی بر شواهد از دیدگاه استادان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی رفسنجان و کرمان (مظهری فریبا، دانشگاه ع.پ. رفسنجان)
۴. شکاف بین آموزش نظری و بالینی در دوره پزشکی عمومی (آویژگان مریم، دانشگاه ع.پ. اصفهان)
۵. مقایسه یادگیری مبتنی بر مورد ویروس شناسی و تدریس به روش سخنرانی در دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی بابل (صادقی فرزین، دانشگاه ع.پ. بابل)
۶. بازاندیشی گروهی: نیاز دانشجویان مامایی (فکوری الهام، دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)
۷. تجربه اجرای دوره فلوشیپ انفورماتیک بالینی ویژه پزشکان متخصص؛ یک ضرورت برای آینده پزشکی (کرباسی زهرا، دانشگاه ع.پ. کرمان)
۸. تدریس درس باکتری شناسی از طریق تکمیل کتاب کار (آموزش مشارکتی فعال) (عبداللهی عباس، دانشگاه ع.پ. فسا)
۹. بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر یادگیری تاملی بر مهارت اصول اسکراب و سیرکولر در دانشجویان اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی ایران (رمضانپور الهام، دانشگاه ع.پ. ایران)
۱۰. رابطه یادگیری خود راهبر با راهبردهای فراشناختی و شادکامی دانشجویان پزشکی (نعمتی مریم، دانشگاه ع.پ. مازندران)
۱۱. طراحی اجرا و ارزشیابی برنامه آموزش بالینی مبتنی بر گراند راندهای پرستاری شبیه سازی شده در دانشجویان ارشد پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گیلان (خوشبخت پیشخانی مریم، دانشگاه ع.پ. گیلان)
۱۲. تاثیر برنامه کاربردی موبایل بر به یادسپاری و استدلال بالینی دانشجویان کارشناسی پرستاری (بهرام نژاد فاطمه، دانشگاه ع.پ. تهران)
۱۳. تاثیر رایجه درمانی استنشاقی با اسانس اسطوخودوس بر میزان اضطراب آزمون آسکی در دانشجویان دانشکده علوم پزشکی لارستان (بذرافشان محمدرفیعی، دانشگاه ع.پ. لارستان)

۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵

پنجشنبه



<p>۱۴. یادگیری حمایت طلبی در جهت ترفیع نیازهای جامعه: بیان یک تجربه (براتی مهشید، دانشگاه ع.پ. کاشان)</p> <p>۱۵. بررسی اثربخشی کیفیت دوره تحصیلی و آموزش مجازی طی بحران پاندمی کووید-۱۹ از دیدگاه دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی سبزوار (عباسی فاطمه، دانشگاه ع.پ. ایرانشهر)</p> <p>۱۶. تاثیر آموزش از طریق تلفن همراه بر یادگیری و رضایتمندی دستیاران بالینی دانشگاه علوم پزشکی شیراز (نبیئی پریسا، دانشگاه ع.پ. شیراز)</p>		
جلسه نشست با متخصص		
<p>Meeting with expert</p> <p>عنوان: The ethical teacher, ethical issues and moral matters in HPE</p> <p>متخصص: Dr. Shabih H Zaidi</p> <p>هماهنگ کننده: Dr. Mohammad Hosseinzadeh</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۶</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>پنجشنبه</p>
سمپوزیوم‌ها		
<p>سمپوزیوم ۴</p> <p>عنوان: کاربرد هوش مصنوعی در آموزش پزشکی</p> <p>برگزار کننده: دکتر آبتین حیدرزاده (دانشگاه ع.پ. گیلان)، دکتر حمیدرضا دهقان (دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)، دکتر سعید اسلامی (دانشگاه ع.پ. مشهد)، دکتر هانیه زهتاب هاشمی (دانشگاه ع.پ. هوشمند)، دکتر علی حمیدی مدنی (دانشگاه ع.پ. گیلان)، دکتر احسان ابوطالب (دانشگاه ع.پ. گیلان)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن اصلی</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>پنجشنبه</p>
<p>سمپوزیوم ۵</p> <p>عنوان: تحلیل سیاست ادغام آموزش علوم پزشکی و نظام سلامت و پیشنهاد برای آینده بهتر</p> <p>برگزار کننده: دکتر علی اکبر حق دوست (دانشگاه ع.پ. کرمان)، دکتر طاهره چنگیز (دانشگاه ع.پ. اصفهان)، دکتر سمیه نوری حکمت (دانشگاه ع.پ. کرمان)، دکتر سید حسن امامی رضوی (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر نادر ممتازمنش (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه زیر زمین، سالن شماره ۳</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>پنجشنبه</p>

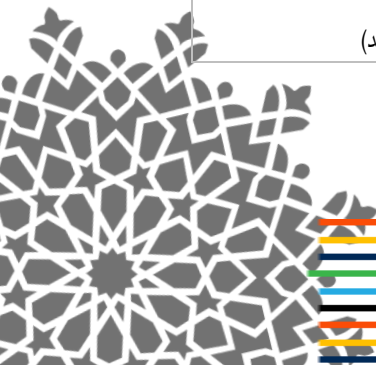


جلسات ارائه تجربیات کلان مناطق

<p>ارائه تجربیات ۲ سخنرانان: نمایندگان کلان منطقه ۲ و ۱۰ محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۴ کلان منطقه ۲ رئیس پانل: دکتر شیوا قلیزاده اعضای پانل: دکتر آرمان لطیفی، دکتر شهاب بهلولی، دکتر کبری قربانزاده</p> <ol style="list-style-type: none"> تجربه آموزشی موفق آموزش در عرصه "مواجهه زود هنگام" دانشجویان علوم پزشکی (دکتر شیوا قلیزاده، دانشگاه ع.پ. ارومیه) مشارکت بین بخشی در کارآموزی در عرصه بهداشت عمومی، گامی به سوی پاسخگویی اجتماعی (دکتر آرمان لطیفی، دانشگاه ع.پ. مراغه) اپلیکیشن شبیه ساز خصوصیات فارماکوکینتیکس و رفتار داروها در بدن (دکتر شهاب بهلولی، دانشگاه ع.پ. اردبیل) طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش بالینی فعال از طریق یکپارچه سازی فرد، فرایند و زمینه (دکتر کبری قربانزاده، دانشگاه ع.پ. خلخال) <p>کلان منطقه ۱۰ رئیس پانل: دکتر سید فرشاد علامه اعضای پانل: دکتر حشمت الله اسدی، دکتر فروزان شکوه، دکتر مریم بهشتی فر، دکتر محمدعلی ادیبی</p> <ol style="list-style-type: none"> افتتاح و بهره برداری simulated hospital (دکتر حوریه محمدی کناری، دانشگاه ع.پ. ایران) کاربرد شبیه سازیها در آموزش مداخلات جراحی مبتنی بر لا پاراسکوپیی (دکتر حسین عاشق، دانشگاه ع.پ. تهران) آموزش و ارزشیابی AHS از طریق سامانه MR (دکتر حمیدرضا جواد زاده، دانشگاه ع.پ. بقیه الله) اجرای cyber patient در آموزش دانشجویان (دکتر سلیمان احمدی، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی) <p>مدت زمان برای هر کلان منطقه ۴۵ دقیقه</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p> <p>پنجشنبه</p>
<p>ارائه تجربیات ۳ سخنرانان: نمایندگان کلان منطقه ۳ و ۸ محل: ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۲ کلان منطقه ۳ رئیس پانل: دکتر میثم سیاه منصوری</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p> <p>پنجشنبه</p>



<p>اعضای پانل: دکتر معصومه شوهانی، دکتر سودابه معتمد، دکتر مهدی بیگلرخانی، فرزانه زارعی</p> <ol style="list-style-type: none"> طراحی، اجرا و ارزشیابی فناوری واقعیت مجازی جهت کاربرد آموزشی طراحی منطقه خنثی و چیدن دندان‌های مصنوعی برای بیماران پروتز کامل (دکتر میثم سیاه منصوری، دانشگاه ع.پ. کرمانشاه) استفاده از ظرفیت مرکز مشارکت‌های اجتماعی دانشگاه در تقویت آموزش و پاسخگویی اجتماعی (دکتر معصومه شوهانی، دانشگاه ع.پ. ایلام) مدیریت هوشمند فضای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی (دکتر مهدی بیگلرخانی، دانشگاه ع.پ. همدان) طراحی، اجرای و ارزشیابی توانمندسازی اساتید جدیدالورود با استفاده از آموزش ترکیبی در بستر سامانه مدیریت یادگیری نوید در دانشگاه علوم پزشکی سال ۱۴۰۱ (فرزانه زارعی، دانشگاه ع.پ. کردستان) <p>کلان منطقه ۸</p> <p>رئیس پانل: دکتر سمیه نوری حکمت</p> <p>اعضای پانل: دکتر پروین رضایی، دکتر علی راوری، دکتر فواد ایرانمنش، دکتر کاوه تبریزیان</p> <ol style="list-style-type: none"> انجام مطالعه ملی تحلیل الگوی بومی آموزش علوم پزشکی ایران در راستای تحقق سیادت علمی (دکتر سمیه نوری حکمت، دانشگاه ع.پ. کرمان) تشکیل کارگروه تدوین و بازنگری آیین‌نامه‌های مرکز مطالعات و توسعه آموزش (دکتر فواد ایرانمنش، دانشگاه ع.پ. رفسنجان) انجام اقدامات لازم برای تبدیل بیمارستان مرزی شهرستان زهک به بیمارستان آموزشی درمانی (دکتر کاوه تبریزیان، دانشگاه ع.پ. زابل) تاسیس استودیوی ضبط صوت و تصویر جهت تولید محتوای آموزشی، تجهیز مرکز آزمون الکترونیک (دکتر علیرضا یوسفی، دانشگاه ع.پ. جیرفت) <p>مدت زمان برای هر کلان منطقه ۴۵ دقیقه</p>	
<p>جلسات ارائه پایان نامه‌ها</p>	
<p>پایان نامه ۳ (کارشناسی ارشد)</p> <p>هیات رئیسه: دکتر الهام بوشهری (دانشگاه ع.پ. هرمزگان)، دکتر حمیدرضا کوهستانی (دانشگاه ع.پ. ساوه)، دکتر رضا لاری پور (دانشگاه ع.پ. ارتش)، دکتر محسن کشاورز (دانشکده ع.پ. تربت حیدریه)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۷</p> <ol style="list-style-type: none"> تعیین ارتباط متغیرهای تلاش شناختی، حس لذت و مفیدبودن با یادگیری واقعی و احساس یادگیری دانشجویان پزشکی در آموزش آناتومی اعصاب مبتنی بر بازی رمان تعاملی در دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۴۰۰ (کیانی محمد، دانشگاه ع.پ. تهران) طراحی، اجراء و ارزیابی دوره آموزش الکترونیکی تشکیل خانواده سالم ویژه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (مه بادی زهرا، دانشگاه ع.پ. شهیدبهشتی) واکاوی روش‌های سنجش دانشجویان رشته پزشکی عمومی به منظور ارایه مدلی برای سنجش (نگهبان جوزان ندا، دانشگاه ع.پ. مشهد) 	<p>پنجشنبه</p> <p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>



ایده‌های نوآورانه دانشجویی

<p>ایده‌های نوآورانه آموزشی</p> <p>هیات رئیسه: دکتر علی اصغر حیات (دانشگاه ع.پ. شیراز)، دکتر ایده دادگران (دانشگاه ع.پ. گیلان)، دکتر بهروز پورآقا (دانشگاه ع.پ. البرز)</p> <p>محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۳</p> <p>حیطه یادگیری الکترونیکی:</p> <p>رتبه اول: سه کاپ: سامانه هوشمند کارآفرینی پزشکی: در جهت آموزش تم‌طولی کارآفرینی به دانشجویان پزشکی (ارائه دهنده: مرضیه رضائی، دانشگاه ع.پ. تهران)</p> <p>رتبه دوم: مدل‌سازی سه بعدی ناقلین بیولوژیکی بیماری‌های زئونوز برای آموزش بهتر دانشجویان (ارائه دهنده: محمد ابراهیم نژاد، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل)</p> <p>رتبه سوم: طراحی پلتفرم شبیه‌ساز لام‌های آزمایشگاهی (بانک لام) ویژه دانشجویان علوم پزشکی کشور (ارائه دهنده: بهشته شیرالی، دانشگاه علوم پزشکی اهواز)</p> <p>حیطه برنامه ریزی درسی:</p> <p>رتبه اول: طراحی تم‌طولی کارآفرینی، توانمندی‌محور و ارزش‌مدار (تکتا) برای برنامه‌ی درسی رشته‌ی پزشکی در زمینه‌ی توانمندی‌های لازم در دانشگاه‌های نسل سوم (ارائه دهنده: آبتین قاسم پور، دانشگاه ع.پ. تهران)</p> <p>حیطه یاددهی و یادگیری:</p> <p>رتبه اول: طراحی، اجرا و ارزشیابی اپلیکیشن رقابتی (Co-MedSciences) برای بهبود همکاری بین رشته‌ای و استدلال بالینی در دانشجویان علوم پزشکی (ارائه دهنده: محمدمهدی شریفی تشنیزی، دانشگاه ع.پ. شهرکرد)</p> <p>رتبه دوم: طراحی، اجرا و ارزیابی بازی آموزشی هم‌تا محور استدلال بالینی با استفاده از بورد گیم (با هم) برای کاراموزان و کارورزان پزشکی (ارائه دهنده: زهرا کریمی مبارکه، دانشگاه ع.پ. کرمان)</p>		
<p>جلسات کلینیک مشاوره</p>		
<p>کلینیک مشاوره ۱</p> <p>عنوان: چگونه شبیه سازی را در برنامه‌های آموزشی وارد و گسترش دهیم؟</p> <p>برگزار کننده: دکتر محمدتقی جغتائی (دانشگاه ع.پ. ایران)، دکتر کامبیز نوین (دانشگاه ع.پ. ایران)</p> <p>محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۸</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>پنجشنبه</p>
<p>کلینیک مشاوره ۲</p> <p>عنوان: مشارکت در اعتباربخشی‌های بین‌المللی: فرایندها و کارکردها،</p> <p>برگزار کننده: دکتر میترا امینی (دانشگاه ع.پ. شیراز)</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>پنجشنبه</p>



محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۴		
استراحت و پذیرایی	۱۶:۱۵ تا ۱۵:۴۵	پنجشنبه
سخنرانی های کلیدی		
هیات رئیسه: Dr. Tabassum Zehra, Dr. Saeideh Ghaffarifar, Dr. Nikoo Yamani محل: ساختمان همایش رازی، سالن اصلی	۱۸:۱۵ تا ۱۶:۱۵	پنجشنبه
سخنرانی کلیدی ۵ Professional formation: re-thinking about the 'heart and soul' of the practice of medicine, Dr. Dean Parmelee	۱۶:۳۵ تا ۱۶:۱۵	پنجشنبه
پرسش و پاسخ	۱۶:۴۵ تا ۱۶:۳۵	پنجشنبه
سخنرانی کلیدی ۶ Entrustable Professional Activities and entrustment decisions in medical education: principles and practice, Dr. Olle ten Cate	۱۷:۰۵ تا ۱۶:۴۵	پنجشنبه
پرسش و پاسخ	۱۷:۱۵ تا ۱۷:۰۵	پنجشنبه
سخنرانی کلیدی ۷ Stepping out of the box! teachers' creativity, why and how. Dr. Elizabeth Krajic Kachur	۱۷:۳۵ تا ۱۷:۱۵	پنجشنبه
پرسش و پاسخ	۱۷:۴۵ تا ۱۷:۳۵	پنجشنبه
سخنرانی کلیدی ۸ Research and quality improvement, Dr. Janet Grant	۱۸:۰۵ تا ۱۷:۴۵	پنجشنبه
پرسش و پاسخ	۱۸:۱۵ تا ۱۸:۰۵	پنجشنبه
نشست معاون آموزشی وزیر با دانشجویان عضو شبکه کشوری توسعه آموزش		
محل: ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی	۱۸:۱۵ تا ۱۶:۱۵	پنجشنبه
بازدید از پل طبیعت		



برنامه تفصیلی روز سوم، جمعه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ (May 5, 2023)

صبحانه‌های کاری		
<p>صبحانه کاری ۶</p> <p>عنوان: چگونه رفتارهای نامحترمانه دانشجویان را پیشگیری و مدیریت کنیم؟</p> <p>برگزارکننده: دکتر حسین کریمی موقفی (دانشگاه ع.پ. مشهد)، دکتر مصطفی راد (دانشگاه ع.پ. سبزوار)، نسیم مهتری (دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۱</p>	۷:۰۰ تا ۷:۴۵	جمعه
<p>صبحانه کاری ۷</p> <p>عنوان: ضرورت، چالش‌ها و راهکارهای آموزش بین حرفه‌ای: اشتراک‌گذاری درس آموخته‌ها</p> <p>برگزارکنندگان: دکتر فخرالسادات میرحسینی (دانشگاه ع.پ. کاشان)، نجمه قاسمی (دانشگاه ع.پ. شهرکرد)، فریما رئیسی (دانشگاه ع.پ. کاشان)، دکتر مریم اعلا (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر زهرا رضایی (دانشگاه ع.پ. کاشان)، دکتر عطیه فقیهی (دانشگاه ع.پ. کاشان)</p> <p>محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۲</p>	۷:۰۰ تا ۷:۴۵	جمعه
<p>صبحانه کاری ۸</p> <p>عنوان: تغذیه و ورزشی تحصیلی در دانشجویان پزشکی عمومی</p> <p>برگزارکنندگان: دکتر قدیر پوربایرامیان (دانشگاه ع.پ. اردبیل)، دکتر عزیز کامران (دانشگاه ع.پ. اردبیل)، دکتر عسگر آرمون (دانشگاه ع.پ. اردبیل)، دکتر ناهید احمدیان یزدی (دانشگاه ع.پ. اردبیل)</p> <p>محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۳</p>	۷:۰۰ تا ۷:۴۵	جمعه
<p>صبحانه کاری ۹</p> <p>عنوان: توسعه بکارگیری شبیه‌سازهای دیجیتال و متاورس در آموزش پزشکی؛ کاربردها و محدودیت‌ها</p> <p>برگزارکنندگان: دکتر مجید زارع بیدکی (دانشگاه ع.پ. بیرجند)، نواز عمادی (دانشگاه ع.پ. تهران)</p> <p>محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۴</p>	۷:۰۰ تا ۷:۴۵	جمعه
<p>صبحانه کاری ۱۰</p> <p>عنوان: شکل‌گیری هویت حرفه‌ای در دانشجویان پزشکی: از بیان مفهوم، اصول و کارکردها تا ترسیم سفر</p> <p>برگزارکنندگان: دکتر همایون امینی (دانشگاه ع.پ. تهران)، زهرا سادات طباطبائی (دانشگاه ع.پ. مشهد)</p>	۷:۰۰ تا ۷:۴۵	جمعه



محل: سالن پذیرایی صبحانه، میز شماره ۵		
سخنرانی های کلیدی		
هیات رئیسه: Dr. Muhammad Shahid Shamim, Dr. Mohammad Jalili, Dr. Mitra Amini محل: ساختمان همایش رازی، سالن اصلی	۸:۰۰ تا ۱۰:۰۰	جمعه
سخنرانی کلیدی ۹ Stress, burnout and wellbeing in medical education' (focusing on residency programs), Dr. Muhamad Saiful Bahri Yusoff	۸:۲۰ تا ۸:۰۰	جمعه
پرسش و پاسخ	۸:۳۰ تا ۸:۲۰	جمعه
سخنرانی کلیدی ۱۰ The value of subjectivity in assessment, Dr. Kevin Eva	۸:۵۰ تا ۸:۳۰	جمعه
پرسش و پاسخ	۹:۰۰ تا ۸:۵۰	جمعه
سخنرانی کلیدی ۱۱ Assessment and quality assurance cycles, Dr. Naveed Yousuf	۹:۲۰ تا ۹:۰۰	جمعه
پرسش و پاسخ	۹:۳۰ تا ۹:۲۰	جمعه
سخنرانی کلیدی ۱۲ Student engagement in Health Professions Education, Dr. Salah Kassab	۹:۵۰ تا ۹:۳۰	جمعه
پرسش و پاسخ	۱۰:۰۰ تا ۹:۵۰	جمعه
استراحت و پذیرایی	۱۰:۳۰ تا ۱۰:۰۰	جمعه
سمپوزیوم ها		
سمپوزیوم ۶ عنوان: Fostering adaptive expertise in tomorrow's medical education curricula اداره کننده جلسه: Dr. Mohsen Reza Heydari برگزار کننده: Dr. Azim Mirzazadeh ,Dr. Olga Maria Rostkowska ,Dr. Süleyman Yildiz محل: ساختمان همایش رازی، سالن اصلی	۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰	جمعه



<p>سمپوزیوم ۷</p> <p>عنوان: راهکارها و چالش‌های ادغام علوم انسانی در برنامه‌های درسی علوم پزشکی</p> <p>برگزار کننده: دکتر شهرام یزدانی (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)، دکتر بهنام هنرور (دانشگاه ع.پ. شیراز)، دکتر حمیدرضا نمازی (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر مهدی آقاباقری (دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی</p>	<p>۱۲:۳۰ تا ۱۰:۳۰</p> <p>جمعه</p>	
<p>سمپوزیوم ۸ (دانشجویی)</p> <p>عنوان: بکارگیری بازی‌وار سازی در آموزش پزشکی: گامی در جهت تحول آموزش پزشکی</p> <p>برگزار کننده: دکتر علی ریحانیان (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر علی نقی (دانشگاه ع.پ. کرمان)، فاطمه مومبنی کاظمی (دانشگاه ع.پ. جندی شاپور اهواز)، امیرحسین اقبال (دانشگاه ع.پ. تهران)، علیرضا صدرنشین (دانشگاه ع.پ. جهرم)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۲</p>	<p>۱۲:۳۰ تا ۱۰:۳۰</p> <p>جمعه</p>	
<p>جلسات ارائه سخنرانی‌های کوتاه</p>		
<p>سخنرانی کوتاه ۶</p> <p>هیات رئیسه: دکتر فؤاد ایرانمنش (دانشگاه ع.پ. رفسنجان)، دکتر معصومه خیرخواه (دانشگاه ع.پ. ایران)، دکتر سعیده دریازاده (دانشگاه ع.پ. اصفهان)، دکتر سکینه حیدری (دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۴</p> <p>حیطه پژوهش در آموزش علوم پزشکی</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. صلاحیت خود ادراک شده در بین فارغ التحصیلان دوره دکتری تخصصی سلامت دهان و دندانپزشکی اجتماعی در ایران (ملک محمدی مهسا، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی) ۲. الگوهای درک اثربخشی آموزش مجازی دوران پاندمی کووید ۱۹ در دانشجویان پزشکی: یک مطالعه مقطعی در مراکز آموزشی درمانی رازی قائم شهر- استان مازندران (رضاپور میثم، دانشگاه ع.پ. مازندران) ۳. تلاش جهت کسب هویت حرفه‌ای، استراتژی سازگاری با کارآموزی در عرصه در دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی (بابامحمدی حسن، دانشگاه ع.پ. سمنان) ۴. شیوع سبک‌های مختلف یادگیری در دستیاران چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (میرمحمدصادقی آرش، دانشگاه ع.پ. تهران) ۵. بررسی ارتباط اعتیاد به اینترنت با خودکارآمدی و تعلق پذیری اجتماعی در دوران پاندمی کووید- ۱۹ در دانشجویان اتاق عمل دانشکده علوم پزشکی بهبهان سال تحصیلی ۱۴۰۱- ۱۴۰۰ (عرب زاده طیبه، دانشکده ع.پ. بهبهان) 	<p>۱۲:۳۰ تا ۱۰:۳۰</p> <p>جمعه</p>	



<p>۶. شناسایی مولفه‌های اخلاق بالینی از منظر اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران (ملک زاده رویا، دانشگاه ع.پ. مازندران)</p> <p>۷. آیا اعتیاد به بازی‌های اینترنتی بر عملکرد تحصیلی تاثیر دارد؟ (خادم رضاییان مجید، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>۸. تبیین نگرش دانشجویان پزشکی عمومی مقطع کاروزی بر مراقبت‌های سالمندی - مطالعه کیفی (گوهری نژاد سلیمه، دانشگاه ع.پ. ایران)</p> <p>۹. حضور اجتماعی برخط در دانشجویان پزشکی در آموزش‌های مجازی دوران کووید ۱۹: یک مطالعه روانسنجی (احمدی پور حبیبه، دانشگاه ع.پ. کرمان)</p> <p>۱۰. بررسی سبک‌های یادگیری ترجیحی در دانشجویان علوم پزشکی بر اساس مدل کلب (بی پروای حقیقی سمیه، دانشگاه ع.پ. جندی شاپور اهواز)</p>		
<p>سخنرانی کوتاه ۷</p> <p>هیات رئیسه: دکتر نیکو یمانی (دانشگاه ع.پ. اصفهان)، دکتر رینا رضایی (دانشگاه ع.پ. شیراز)، دکتر نازنین شماعیان رضوی (دانشگاه ع.پ. مشهد)، دکتر اطهر امید (دانشگاه ع.پ. اصفهان)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۵</p> <p>حیطه یاددهی-یادگیری</p> <p>۱. بررسی رضایتمندی و ماندگاری دانش از طریق روش یادگیری مبتنی بر تیم آنلاین در درس تروماتولوژی دانشجویان ترم ۱۰ دندانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۴۰۱ (سیفی نسیم، دانشگاه ع.پ. گلستان)</p> <p>۲. طراحی، اجرا و ارزشیابی برگزاری کلاس مجدد از طریق بازیابی فیلم تهیه شده حین تدریس درس جنین‌شناسی: راهکاری جهت ارتقاء یادگیری، یادداری و یادآوری درس جنین‌شناسی دانشجویان رشته پزشکی دانشکده پرديس پزشکی آمل (نصیری داود، دانشگاه ع.پ. مازندران)</p> <p>۳. اثربخشی اجرای دوره پاتولوژی بالینی برای دانشجویان پزشکی بر اساس رویکرد هنر دیداری (سمیعی راد فاطمه، دانشگاه ع.پ. قزوین)</p> <p>۴. تاثیر آموزش بالینی مبتنی بر سناریو بر حساسیت اخلاقی دانشجویان پرستاری (روحی بلسی لیلا، دانشگاه ع.پ. گیلان)</p> <p>۵. بررسی نقش آموزش بالینی بر یادگیری استراتژی‌های خودتنظیمی انگیزه در دانشجویان پزشکی بر پایه مدل کارآموزی شناختی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ (نژادکورکی حمید، دانشگاه ع.پ. کرمان)</p> <p>۶. تبیین محیط یادگیری بالینی بخش زایمان و ارائه مدل کاربردی ارتقاء آموزش فراگیران (رحیمی معصومه، دانشگاه ع.پ. شهرکرد)</p> <p>۷. تبیین تجارب دانشجویان پرستاری از یادگیری بر پایه حل مشکل (PBL) در بالین: یک مطالعه کیفی (گلی حمیده، دانشگاه ع.پ. سبزوار)</p> <p>۸. مقایسه اثربخشی آموزش استراتژی کار تیمی (Team STEPPS) با استفاده از واقعیت مجازی در مقایسه با فیلم آموزشی برای اعضای تیم‌های مراقبت ویژه بیمارستان بقیه ... (عج) (زائری رضا، دانشگاه ع.پ. تهران)</p> <p>۹. مقایسه طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش کنار تخت در اتاق لیبر، جهت ایجاد صلاحیت بالینی در تبدیل مهارت‌های پیچیده به آسان به روش معلم‌محور در مدل عمومی چرخه دو حلقه‌ای COX با مدل مبتنی بر فراگیر MiPLAN در دانشجویان رشته مامایی (قائم مقامی مهرنوش، دانشگاه ع.پ. تهران)</p>	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	<p>جمعه</p>



<p>۱۰. بررسی اثربخشی آموزش یادگیری خود تنظیمی بر عملکرد تحصیلی و یادگیری خود تنظیمی دانشجویان دارای عملکرد تحصیلی نامطلوب در مقطع علوم پایه‌ی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (زارعی حاجی آبادی زهرا، دانشگاه ع.پ. تهران)</p>		
<p>سخنرانی کوتاه ۸</p> <p>هیات رئیسه: دکتر آرمین شیروانی (مرکز ملی آموزش مهارتی و حرفه‌ای وزارت بهداشت)، دکتر سمیه دلاوری (دانشگاه ع.پ. ایران)، دکتر لیلا بذرافکن (دانشگاه ع.پ. شیراز)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۶</p> <p>حیطه ارزشیابی آموزشی</p> <ol style="list-style-type: none"> طراحی و روان‌سنجی پرسشنامه نگرش به مدیریت تعارض در دانشجویان پزشکی (محسنی فاطمه، دانشکده ع.پ. گراش) مقایسه آزمون‌های آنلاین از راه دور و در محل: یک مطالعه مقطعی در آموزش پزشکی (مستور هانیه، دانشگاه ع.پ. مشهد) بررسی تاثیر ارزشیابی بالینی به شیوه‌ی اتاق فرار و ارائه بازخورد به دانشجویان با الگوی PEARLS بر رضایت، آمادگی ورود به عرصه، یادگیری و عملکرد دانشجویان پرستاری (قیامی کشتگر نجمه، دانشگاه ع.پ. زاهدان) ارزیابی‌های نظام آموزش عالی حوزه سلامت به صورت برخط و در منزل: بررسی دیدگاه دانشجویان و دستیاران دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور (زهنتاب هاشمی هانیه، دانشگاه ع.پ. هوشمند) معرفی یک سیستم جدید ارزشیابی دانشجویان مبتنی بر میزان اطمینان داوطلبان از پاسخ‌های خویش (رشیدی فرهنگ، دانشگاه ع.پ. تهران) بررسی روایی و پایایی آزمون OSABS در ارزیابی مهارت‌های پایه جراحی دستیاران رشته جراحی دانشگاه علوم پزشکی البرز (ساداتی لیلا، دانشگاه ع.پ. البرز) تبیین درک دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران از هویت حرفه‌ای تجربه شده در فاز آموزش بالینی: یک مطالعه کیفی (طباطبائی زهرا سادات، دانشگاه ع.پ. مشهد) تبیین درک کارورزان و دستیاران گروه های داخلی و جراحی از الگوی نقش استاد؛ یک مطالعه کیفی (پوربایرامیان قدیر، دانشگاه ع.پ. اردبیل) معیارهای اثربخشی عضو هیات علمی در حوزه آموزش، پژوهش و ارائه‌ی خدمت (زارعی آفاق، دانشگاه ع.پ. بیرجند) طراحی ابزار سنجش آداب تعلیم در اساتید پرستاری (عابدینی زهرا، دانشگاه ع.پ. قم) 	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p> <p>جمعه</p>	
<p>سخنرانی کوتاه ۹</p> <p>هیات رئیسه: دکتر حوریه محمدی کناری (دانشگاه ع.پ. ایران)، دکتر ویدا سپاهی (دانشگاه ع.پ. کرمانشاه)، دکتر سارا حیدری (دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)، دکتر هلن درگاهی (دانشگاه ع.پ. ایران)</p> <p>محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۳</p> <p>حیطه پژوهش در آموزش علوم پزشکی</p>	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p> <p>جمعه</p>	





<p>۱. چالش‌های گذار ناگهانی به آموزش از راه دور در پاندمی کووید-۱۹ بر اساس تجارب مدرسین: تحلیل محتوای کیفی (حسنوند شیرین، دانشگاه ع.پ. لرستان)</p> <p>۲. رابطه سبک یادگیری با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان گروه بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی تربت جام در سال ۱۴۰۱ (جلمبادانی زینب، دانشکده ع.پ. تربت جام)</p> <p>۳. چالش‌های مشارکت موثر پرستاران بالینی در فرآیند کسب صلاحیت بالینی در دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی (حسنی سید عبدالمطلب، دانشگاه ع.پ. مازندران)</p> <p>۴. مقایسه دیدگاه اعضاء هیئت علمی و دانشجویان پزشکی دانشگاه جندی‌شاپور اهواز در خصوص فرم ارزشیابی اساتید (بیژن‌زاده مهدی، دانشگاه ع.پ. جندی‌شاپور اهواز)</p> <p>۵. بررسی اثربخشی آستی بر اساس نظریه‌ی بازاندیشی دونالدشون بر عملکرد اساتید در آموزش مهارت ارتباطی (احمری طهران هدی، دانشگاه ع.پ. قم)</p> <p>۶. بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی اساتید با تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان (طاهری ماهدخت، دانشگاه ع.پ. گیلان)</p> <p>۷. ارزیابی اثر زیست‌آهنگ بر میزان حساسیت صوتی و ترس از ارزیابی منفی در دانشجویان (ابوالحسن نژاد وحیده، دانشگاه ع.پ. بیرجند)</p> <p>۸. چالش‌های ارتباط و مشارکت در کلاس منحصرآ مجازی در دوران کوید؛ مطالعه ایی کیفی (سالاروند شهین، دانشگاه ع.پ. لرستان)</p> <p>۹. پاسخگویی آموزش مداوم: بررسی ارتباط میان مشارکت پزشکان در فعالیت‌های آموزش مداوم و رویداد قصور و تخلفات پزشکی (نیائی امیرمازیار، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)</p> <p>۱۰. تحلیل نیازهای آموزشی برنامه‌های فلوشیپ چشم پزشکی ایران: یک تحقیق کیفی بر اساس مدل STEEPV (طباطبایی شیماء، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)</p>		
---	--	--

جلسات ارائه پوسترهای الکترونیک

<p>پوستر ۷</p> <p>هیات رئیسه: دکتر افسانه یخ فروش‌ها (دانشگاه ع.پ. قزوین)، دکتر یحیی محمدی (دانشگاه ع.پ. بیرجند)، دکتر مهرناز گرانمایه (دانشگاه ع.پ. تهران)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی</p> <p>حیطه یاددهی-یادگیری</p> <p>۱. طراحی، اجرا و ارزشیابی پاورپوینت‌های انیمیشنی در آموزش آناتومی (حجازیان لیلابیگم، دانشگاه ع.پ. بابل)</p> <p>۲. تاثیر یادگیری به شیوه‌ی بازی‌وارسازی وقایع علوم پزشکی (سلامت و ایمنی شغلی) در قالب چت بات برای پلتفرم موبایل‌های هوشمند (همایونی سید دانیال، دانشگاه ع.پ. شهیدبهشتی)</p> <p>۳. طراحی، اجرا و ارزیابی آموزش مبتنی بر کیس در بهبود رضایت، نگرش و دانش دانشجویان پزشکی: اقدام پژوهی (صالحی امیر محمد، دانشگاه ع.پ. همدان)</p> <p>۴. بررسی نظرات دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی نسبت به ابعاد مختلف سیستم آموزش مجازی دان (کرمی فاطمه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات)</p> <p>۵. بررسی اثربخشی آموزش بالینی از دیدگاه اساتید و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود (گرکز امید، دانشگاه ع.پ. شاهرود)</p>	<p>جمعه</p> <p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	
---	-----------------------------------	--





<p>۶. تأثیر مدل نظارت بالینی بر عملکرد دانشجویان اینترنشیپ مبتنی بر فرایند پرستاری: یک مطالعه‌ی تجربی (شاه زیدی امیر، دانشگاه ع.پ. اصفهان)</p> <p>۷. بررسی میزان اثربخشی روش کلاس درس وارونه در تدریس سرفصل مقطع استازری چشم پزشکی (ربیعی مهدی، دانشگاه ع.پ. سبزوار)</p> <p>۸. طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره آموزشی بخیه زدن به روش شبیه سازی در افزایش اعتماد به نفس دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی فسا (شاه کرمی نگار، دانشگاه ع.پ. فسا)</p> <p>۹. تأثیر روش کلاس معکوس و ارزشیابی با روش ویژگی‌های کلیدی بر آموزش دستیاران پزشکی خانواده (عطایی زهرا، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>۱۰. بررسی تأثیر روش آموزشی تشویق به خطای دارویی بر دانش و صلاحیت ایمنی دارویی دانشجویان پرستاری: یک مطالعه‌ی نیمه تجربی (فرضی صدیقه، دانشگاه ع.پ. اصفهان)</p> <p>۱۱. مقایسه آموزش عفونت پس از زایمان به دو روش سخنرانی و نقشه مفهومی بر اساس دو سطح اول مدل کرک پاتریک در دانشجویان مامایی علوم پزشکی اردبیل (شهنازادگان سمیرا، دانشگاه ع.پ. اردبیل)</p> <p>۱۲. ارزیابی روش تدریس کلاس وارونه در ارتقا دانش و آمادگی دانشجویان پزشکی در مدیریت حوادث و بلایا (محمدی نیا لیلا، دانشگاه ع.پ. تبریز)</p> <p>۱۳. ارزیابی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد نسبت به یادگیری آمار به کمک تکنولوژی (ساکي آزاده، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>۱۴. کار گروهی و عملکرد گروه در آموزش مجازی دانشجویان پرستاری در دوران کووید ۱۹ (عادل مهربان مرضیه، دانشگاه ع.پ. ایران)</p> <p>۱۵. مقایسه تأثیر دو روش آموزشی بازخورد لحظه‌ای و گزارشگری ضبط ویدئویی بر مهارت احیای قلبی ریوی پایه در دانشجویان پرستاری (قادری محمدسجاد، دانشکده ع.پ. تربت جام)</p> <p>۱۶. تأثیر روش بازخورد بر یادگیری دستیاران زنان و زایمان در مدیریت خونریزی زودرس پس از زایمان (موسوی سید رضا، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>۱۷. شناسایی مؤلفه‌های پیش‌بینی‌کننده‌ی پیشرفت تحصیلی دانشجویان مجازی در سیستم مدیریت یادگیری (احمدی گلچهره، دانشگاه ع.پ. هوشمند)</p>		
<p>پوستر ۸</p> <p>هیات رئیسه: دکتر سولماز زارع (دانشگاه ع.پ. شیراز)، دکتر معصومه ایمانی پور (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر ماریا شاطر جلالی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی</p> <p>حیطه مشاوره، حمایت دانشجویی و توانمندسازی</p> <p>۱. بررسی ابعاد مدیریت منابع انسانی استراتژیک از دیدگاه کارکنان و اعضای هیات علمی در دانشکده پرستاری مامایی تهران (قانع گلنار، دانشگاه ع.پ. تهران)</p> <p>۲. تبیین شاخص‌های اخلاق حرفه‌ای اساتید علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی (رضائیه میلاد، دانشگاه ع.پ. بقیه ا...)</p> <p>۳. طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه توانمندسازی اعضای هیات علمی دانشگاه‌های کلان منطقه ۵: همکاری‌های بین دانشگاهی از طریق مدل‌های نیازسنجی (عاشورپور مهکامه، دانشگاه ع.پ. لارستان)</p>	<p>۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰</p>	<p>جمعه</p>



۴. توانمند سازی پژوهشی اساتید، دانشجویان و محققین از طریق آموزش و مشاوره الکترونیکی در حیطه آنالیز آماری و مقاله‌نویسی و مقایسه آن با آموزش چهره به چهره در دوران کووید ۱۹ در مرکز توسعه پژوهش‌های بالینی بیمارستان نمازی شیراز (غلامی مریم، دانشگاه ع.پ. شیراز)
۵. طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه ارتقای مهارت های آموزشی اساتید بالینی با استفاده از رویکرد همتای نزدیک در دانشگاه علوم پزشکی کرمان (سلاجقه مهلا، دانشگاه ع.پ. کرمان)
۶. بررسی نظرات اساتید مشاور شرکت کننده در کارگاه آموزشی آشنایی با آیین نامه‌های تسهیلات آموزشی، پژوهشی و رفاهی ویژه دانشجویان ممتاز استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان (فتاحی زاده لیدا، دانشگاه ع.پ. سمنان)
۷. تبیین نقش و ویژگی‌های ناظر بالینی در توانمندسازی دانشجویان پزشکی (خلیلی ازاندهی سلیمه، دانشگاه آزاد اسلامی ساری)
۸. بررسی ارتباط اضطراب ناشی از بیماری کووید - ۱۹ با فرسودگی تحصیلی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س) شیراز در سال ۱۴۰۰ (قیصری سمیه، دانشگاه ع.پ. شیراز)
۹. بررسی میزان تعامل دانشجویان و استادان مشاور تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی آبادان و عوامل موثر بر آن در دوران شیوع پاندمی کووید ۱۹ (بان مریم، دانشگاه ع.پ. آبادان)
۱۰. نقش پیش گویی کنندگی عزت نفس و رشته تحصیلی بر سلامت روان دانشجویان مقطع کارشناسی حرف بهداشتی حیطه: مشاوره و حمایت دانشجویی (پاسیار نیلوفر، دانشگاه ع.پ. شیراز)
۱۱. بررسی اثر حمایت اجتماعی، خودکارآمدی تحصیلی و عزت نفس بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ (خیراندیش صدیقه، دانشگاه ع.پ. بوشهر)
۱۲. بررسی رابطه بین همدلی و فرسودگی شغلی در دستیاران پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز (شکورنیا عبدالحسین، دانشگاه ع.پ. جندی شاپور اهواز)
۱۳. بررسی همبستگی بین هوش معنوی و فرسودگی شغلی بین دستیاران بالینی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در هنگامه همه گیری کوید-۱۹ در سال ۱۴۰۰ (مرادی سیاوش، دانشگاه ع.پ. مازندران)
۱۴. مقایسه میزان همدلی دانشجویان ایرانی سال اول و سال آخر پزشکی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی مشهد در سال های ۱۴۰۰-۱۴۰۱ (فرج پور آرزو، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد)
۱۵. تجربیات موثر بر ارتقای خودتصنیفی کارورزان پزشکی: یک پیمایش کیفی (زارعی مهرناز، دانشگاه ع.پ. شهیدبهشتی)
۱۶. اشتیاق و نگرش دانشجویان رشته های بهداشت نسبت به رشته تحصیلی در بدو ورود به دانشکده علوم پزشکی بهبهان (بررسی اولیه جهت انجام مداخله) (بابلی زینب، دانشگاه ع.پ. بهبهان)
۱۷. بررسی اثر بخشی آموزش مدیریت خشم بر بروز خشم و راهبردهای مقابله ای در دانشجویان کارشناسی پرستاری (میری سکینه، دانشگاه ع.پ. کرمان)

پوستر ۹

هیات رئیسه: دکتر نازیلا زرقی (دانشگاه ع.پ. مشهد)، دکتر لیلا صفاپخش (دانشگاه ع.پ. زاهدان)، دکتر هنگامه حبیبی (دانشگاه ع.پ. ارتش)

محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی

حیطه پژوهش در آموزش علوم پزشکی

۱. طراحی، اجرا و ارزیابی بازی آموزشی دیابت برای دانشجویان داروسازی (حیدری محمدرضا، دانشگاه ع.پ. البرز)
۲. بررسی دانش، نگرش و عملکرد پیشگیرانه تیم جراحی در مورد عوارض دود جراحی در بیمارستان‌های آموزشی یزد (انتظاری احمد، دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)
۳. موانع موفقیت احیای قلبی ریوی از دیدگاه ارائه دهندگان خدمات فوریت‌های پزشکی (اکبری ایوب، دانشگاه ع.پ. بیرجند)
۴. همبستگی بین بازخورد در آموزش بالینی و خود پنداره حرفه ای در دانشجویان پرستاری (ضیغمی محمدی شراره، دانشگاه آزاد اسلامی کرج)
۵. میزان استفاده اساتید دانشگاه علوم پزشکی ارومیه از ابزارهای تعاملی سیستم مدیریت یادگیری در دوران پاندمی کووید-۱۹ (جبرائیلی محمد، دانشگاه ع.پ. ارومیه)
۶. بررسی کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پرستاری طبس در دوران پاندمی COVID-۱۹ در سال ۱۴۰۰ (عبداللهی مصطفی، دانشگاه ع.پ. بیرجند)
۷. بررسی ارتباط میان سواد دیجیتال با میزان آمادگی یادگیری الکترونیک در دانشجویان دانشگاه عل و م پزشکی آجا در طی پاندمی کووید-۱۹ (شهریاری علیرضا، دانشگاه ع.پ. ارتش)
۸. تجربه یادگیری مبتنی بر تیم دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی (فتاحی بافقی علی، دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)
۹. ارزیابی محیط آموزشی بالینی بر اساس مدل DREEM از دیدگاه دانشجویان اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی لرستان در سال ۲۰۲۱ (مرادی بهزاد، دانشگاه ع.پ. لرستان)
۱۰. طراحی، اجرا و ارزشیابی رویکرد آموزشی کلاس درس وارونه مجازی در بهبود محیط آموزشی و عملکرد تحصیلی دانشجویان فیزیوتراپی (طلیم خانی آیلین، دانشگاه ع.پ. همدان)
۱۱. طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزش درمان تکاملی- عصبی در کودکان مبتلا به فلج مغزی برای دانشجویان توانبخشی: یک برنامه مبتنی بر گوشی‌های هوشمند براساس مدل ADDIE (دالوند حمید، دانشگاه ع.پ. تهران)
۱۲. ارزیابی نظام آموزش مجازی دانشکده علوم پزشکی شوشتر در دوران پاندمی کرونا ویروس (اسدی مریم، دانشکده ع.پ. شوشتر)
۱۳. بازسازی بازخورد در آموزش عالی پزشکی: طراحی ابزار REFLECT جهت سنجش وضعیت ارائه بازخورد در آموزش دستیاری (ایلاقی مهران، دانشگاه ع.پ. کرمان)
۱۴. پیش بینی سرزندگی تحصیلی دانشجویان رشته های علوم بهداشتی مبتنی بر مولفه های حمایت تحصیلی (عسکری پور طالب، دانشگاه ع.پ. سمنان)
۱۵. روانسنجی ابزار اندازه‌گیری استراتژی‌های فرآینگی در دانشجویان هوشبری (شاکری گوکی محمدحسین، دانشگاه ع.پ. کاشان)
۱۶. کاربرد گروه‌های بالینت در بهبود روابط پزشک و بیمار در میان دستیاران روان پزشکی در سال ۱۴۰۱ (شاهینی نجمه، دانشگاه ع.پ. گلستان)
۱۷. روانسنجی ابزار و اندازه گیری استراتژی‌های خودتنظیمی انگیزه تحصیلی در فراگیران دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان (رحمانی حسن، دانشگاه ع.پ. کاشان)

۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰

جمعه

جلسات ارائه تجربیات کلان مناطق

ارائه تجربیات ۴

سخنرانان: نمایندگان کلان منطقه ۴ و ۹

محل: ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۳

کلان منطقه ۴

رئیس پانل: دکتر فاطمه احمدی

اعضای پانل: دکتر نبی جمعه زاده، اعظم هنرمند پور، دکتر محمد صباغان، دکتر عزت اله قاسمی، دکتر شیرین حسنونند

۱. ساماندهی و هدفمند سازی کارگاه‌های توانمندسازی دانشجویی (دکتر محبوبه ممتازان، دانشگاه ع.پ. آبادان)
۲. برگزاری کارگاه‌های آموزشی فوریت‌های پزشکی در حوادث و بلایای طبیعی جهت دانشجویان (اعظم هنرمند پور، دانشگاه ع.پ. شوشتر)
۳. مواجهه زود هنگام دانشجویان پیراپزشکی بر بالین در راستای آموزش پاسخگو (زهره سخاوت پور، دانشگاه ع.پ. دزفول)
۴. استودیو سلامت در راستای آموزش پاسخگو (دکتر فاطمه احمدی، دانشگاه ع.پ. اهواز)

۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰

جمعه

کلان منطقه ۹

رئیس پانل: دکتر یوسف مهدی پور

اعضای پانل: دکتر هاشم حشمتی، دکتر فاطمه باقر نژاد، دکتر ویدا و کیلی، دکتر داود موحد زاده

۱. طراحی، اجرا و ارزشیابی مراکز خدمات جامع سلامت آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه (دکتر هاشم حشمتی، دانشگاه ع.پ. تربت حیدریه)
 ۲. تدریس نظام مراقبت کرونا با رویکرد تطبیق با پاسخگویی اجتماعی در نظام سلامت (دکتر فاطمه باقر نژاد، دانشگاه ع.پ. بیرجند)
 ۳. راه اندازی کلینیک جامعه نگر پزشکی خانواده در یک منطقه حاشیه کلانشهر مشهد (دکتر ویدا و کیلی، دانشگاه ع.پ. مشهد)
 ۴. رویکرد نظام مند در توانمندسازی اعضای هیأت علمی در راستای پاسخگویی اجتماعی بر اساس مدل AIDER (دکتر داود موحد زاده، دانشگاه ع.پ. سبزوار)
- مدت زمان برای هر کلان منطقه ۴۵ دقیقه

جلسات ارائه پایان نامه‌ها

پایان نامه ۴ (کارشناسی ارشد)

هیات رئیسه: دکتر الهام بوشهری (دانشگاه ع.پ. هرمزگان)، دکتر حمیدرضا کوهستانی (دانشگاه ع.پ. ساوه)، دکتر رضا لاری پور (دانشگاه ع.پ. ارتش)، دکتر محسن کشاورز (دانشکده ع.پ. تربت حیدریه)

۱۰:۳۰ تا ۱۲:۳۰

جمعه

محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۷



<p>۱. طراحی و تعیین تاثیر آموزشی ابزار مستند سازی، بازاندیشی و پس خوراند الکترونیکی فعالیت های آموزش بالینی دانشجویان پزشکی (اکبرزاده فریبرز، دانشگاه ع.پ. تبریز)</p> <p>۲. تاثیر استفاده از بازی جدی جراحی کوله سیستمی لاپاراسکوپی در ارتقای مهارت بالینی دستیاران جراحی (تیزمغز عدنان، دانشگاه ع.پ. شهیدبهشتی)</p> <p>۳. بررسی تاثیر روش یادگیری میکرو بر میزان یادگیری و خودکارآمدی در آموزش بالین دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ (کرمدار لیلا، دانشگاه ع.پ. شیراز)</p>		
جلسات کلینیک مشاوره		
<p>کلینیک مشاوره ۳</p> <p>عنوان: فوت و فن جمع آوری داده‌های کیفی با تاکید بر انجام مصاحبه</p> <p>برگزار کنندگان: دکتر فضل اله احمدی (دانشگاه تربیت مدرس)</p> <p>محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۸</p>	۱۲:۳۰ تا ۱۰:۳۰	جمعه
<p>اقامه نماز و صرف ناهار</p>	۱۳:۴۵ تا ۱۲:۳۰	جمعه
کارگاه آموزشی		
<p>کارگاه ۱۷ (زبان انگلیسی)</p> <p>عنوان: Immersive learning content design</p> <p>مدرس‌ان: Dr. Hasnain Zafar Baloch</p> <p>محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۳</p>	۱۵:۴۵ تا ۱۳:۴۵	جمعه
شبکه سازی متخصصان		
<p>نشست شبکه سازی (زبان انگلیسی)</p> <p>هماهنگ کننده: Dr. Yadollah Zarezadeh</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن یاسینی</p>	۱۵:۴۵ تا ۱۳:۴۵	جمعه



جلسات ارائه سخنرانی های کوتاه

سخنرانی کوتاه ۱۰

هیات رئیسه: دکتر مجتبی خواجه آزاد (دانشگاه ع.پ. بقیه ا...), دکتر مهدی سیاح برگرد (دانشگاه ع.پ. جندی شاپور اهواز), دکتر علیرضا شهریاری (دانشگاه ع.پ. ارتش), دکتر منصوره تقوی نیا (دانشگاه ع.پ. ایران)

محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۶

حیطه یاددهی - یادگیری

۱. بررسی تاثیر آموزش راند مجازی موارد بالینی کووید-۱۹ بر دیدگاه دانشجویان پزشکی مقطع کارآموزی داخلی نسبت به استفاده از استدلال بالینی در مواجهه با بیماران کووید-۱۹ در بیمارستان شریعتی (صادقی مرشد آناهیتا، دانشگاه ع.پ. تهران)
۲. بررسی تاثیر بازاندیشی بر روی بازخوردهای دریافتی حین آموزش بخیه، بر یادگیری کارآموزان در گروه جراحی دانشگاه علوم پزشکی کاشان (سجادی فر سید علیرضا، دانشگاه ع.پ. کاشان)
۳. بهبود کیفیت یاددهی و یادگیری در دوره دستیاری جراحی با طراحی، اجرا و ارزیابی بازخورد ساختاریافته (شفیعیان سارا، دانشگاه ع.پ. کرمان)
۴. چگونه مهارت های ارتباط پزشک و بیمار را با روش های یادگیری فعال در فضای مجازی آموزش دهیم؟ (صالح نرگس، دانشگاه ع.پ. تهران)
۵. فرایند تامل بر تجارب بالینی دانشجویان پرستاری در محیط یادگیری بالینی (کریمی شهناز، دانشگاه ع.پ. فسا)
۶. استفاده از طرح تدریس اعضای تیم (TMTD) مجازی، برای یادگیری مشارکتی در مقطع علوم پایه پزشکی در دوران همه گیری کرونا: یک مطالعه اقدام پژوهی (عرب فیروزجائی مریم، دانشگاه ع.پ. هرمزگان)
۷. ارزیابی نظرات اینترن ها در مورد آموزش تجویز منطقی آنتی بیوتیک به روش آموزش مبتنی بر سناریو از طریق سیستم تصمیم یارهمتا (فرهی سیده راضیه، دانشگاه ع.پ. بیرجند)
۸. تاثیر نرم افزار چیدن میز جراحی بر دانش و مهارت بالینی دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل (صراف نازنین، دانشگاه ع.پ. ایران)
۹. تأثیر یک برنامه آموزشی بر مهارت های ارتباطی دانشجویان پرستاری بر اساس یک مدل ارتباطی: یک مطالعه نیمه تجربی (صداقتی کسبخی مریم، دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن)
۱۰. افزایش دانش و عملکرد کارورزان پزشکی از طریق ادغام میکرولرنینگ و آموزش مبتنی بر وظیفه در روتیشن گوش، گلو و بینی (صداقت کار فرزانه، دانشگاه ع.پ. تهران)

جمعه ۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵

سخنرانی کوتاه ۱۱

هیات رئیسه: دکتر محمدحسن شیخها (دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)، دکتر افشین صراف نژاد (دانشگاه ع.پ. کرمان)، دکتر منیژه هوشمندجا (دانشگاه ع.پ. هوشمند)، دکتر زهرا جوهری (دانشگاه ع.پ. شاهد)

محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۷

جمعه ۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵



<p>حیطه مشاوره و حمایت دانشجویی</p>		
<p>۱. شناسایی علل و مداخلات موثر در اکت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان مشروطی در دانشگاه علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی (افشاری مریم، دانشگاه ع.پ. همدان)</p> <p>۲. طراحی، اجرا و ارزشیابی فرایند منتورینگ پیش عرصه، گامی بسوی ارتقای یادگیری دانشجویان در حیطه شناختی پیش از ورود به عرصه کارآموزی (عطاریان فهیمه، دانشگاه ع.پ. تربت حیدریه)</p> <p>۳. بررسی عوامل استرس زا و سبک های مقابله با آن در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی البرز (آقابراری مریم، دانشگاه ع.پ. البرز)</p> <p>۴. ارزیابی فرسودگی تحصیلی و تعیین گرهای آن از دیدگاه دستیاران، کارآموزان و کارورزان رشته پزشکی مرکز آموزشی درمانی امام خمینی (ره) ساری (محمدعلیزاده پژمان، دانشگاه ع.پ. مازندران)</p> <p>۵. بررسی تاثیر آموزش استراتژی های تنظیم انگیزش تحصیلی بر مؤلفه های انگیزشی دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی زنجان (صادقیان علی، دانشگاه ع.پ. زنجان)</p> <p>۶. بررسی وضعیت مشاوره تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران (دهقان سمانه، دانشگاه ع.پ. مازندران)</p> <p>۷. پدیده قلدری در محیط کار در بین دانشجویان علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی (دین محمدی محمدرضا، دانشگاه ع.پ. زنجان)</p> <p>۸. شناسایی و اولویت بندی عوامل استرس زای دستیاران رشته زنان و زایمان (میرزایی علیرضا، دانشگاه ع.پ. اصفهان)</p> <p>۹. مقایسه عوامل تنش زا در دانشجویان پرستاری و پزشکی در پاندمی کووید ۱۹ (مقصود فاطمه، دانشگاه ع.پ. کاشان)</p> <p>۱۰. وضعیت تندرستی روان (Psychological Well-Being) و عوامل مرتبط با آن در آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان (مهراور فاطمه، دانشگاه ع.پ. گلستان)</p>		
<p>سخنرانی کوتاه ۱۲</p> <p>هیات رئیسه: دکتر احسان شریفی پور (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)، دکتر سمیه اکبری فارمد (دانشگاه ع.پ. مشهد)، دکتر مریم آویژگان (دانشگاه ع.پ. اصفهان)، دکتر نوشین کهن (دانشگاه ع.پ. هوشمند)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۵</p> <p>حیطه یاددهی - یادگیری</p> <p>۱. تأثیر آموزش همتایان بر عملکرد دارودرمانی دانشجویان پرستاری در بخش های کودکان (یعقوبی یاسمن، دانشگاه ع.پ. گیلان)</p> <p>۲. آموزش بین حرفه ای ضرورتی برای ارتباط موثر بین حرفه ای (محمدی مریم، دانشگاه ع.پ. شهید صدوقی یزد)</p> <p>۳. تأثیر آموزش اخلاق پرستاری با نمایش فیلم بر استدلال اخلاقی دانشجویان پرستاری: یک مطالعه نیمه تجربی (باقری مریم، دانشگاه ع.پ. اصفهان)</p> <p>۴. طراحی، اجرا و ارزشیابی موشن گرافیک آموزشی آلودگی هوا جهت درس آلاینده ها و سلامت دانشجویان پزشکی (روزبهبانی نسرين، دانشگاه ع.پ. اراک)</p> <p>۵. بررسی تاثیر تدریس گروهی در آموزش تریسینگ سفالومتری برای دانشجویان دانشکده دندانپزشکی زنجان (شیخی مصطفی، دانشگاه ع.پ. زنجان)</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>جمعه</p>



۶. بررسی تاثیر یادگیری مبتنی بر مورد بر مهارت‌های تفکر انتقادی و هوش هیجانی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس (راضیه بیگی بروجنی، دانشگاه ع.پ. هرمزگان)
۷. بررسی شیوع و پذیرش استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی به‌عنوان ابزار تدریس در بین اساتید دانشگاه علوم پزشکی همدان ۱۴۰۱ (صدیدی معصومه، دانشگاه ع.پ. همدان)
۸. تبیین نقش الگویی اعضای هیئت علمی در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دستیاران تخصصی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (احمدی‌نیا فاطمه، دانشگاه ع.پ. مازندران)
۹. طراحی و تعیین تاثیر آموزشی ابزار مستندسازی، بازاریابی و پس‌خوراند الکترونیکی فعالیت‌های آموزش بالینی دانشجویان پزشکی (اکبرزاده فریبرز، دانشگاه ع.پ. تبریز)
۱۰. تبیین تجربیات زیسته دانشجویان پزشکی عمومی در خصوص کوریکولوم پنهان آموزش بالینی در پاندمی کووید-۱۹ (داودی لطف اله، دانشگاه ع.پ. مازندران)

جلسات ارائه پوستره‌های الکترونیک

پوستر ۱۰

هیات رئیسه: دکتر آرام فیضی (دانشگاه ع.پ. ارومیه)، دکتر فاطمه احمدی نیا (دانشگاه ع.پ. مازندران)، دکتر حبیب الله رضایی (دانشگاه ع.پ. یاسوج)

محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی

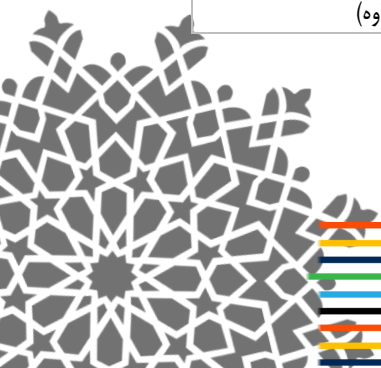
حیطه پژوهش در آموزش علوم پزشکی

۱. اندازه‌گیری رفتار بازخورد جویی دستیاران: روان‌سنجی سه ابزار (حسینی شاوون امین، دانشگاه ع.پ. تهران)
۲. تحلیل همگرایی حوزه های پژوهشی آموزش پزشکی با هوش مصنوعی (شریف پور الهام، دانشگاه ع.پ. کرمان)
۳. بررسی میزان آمادگی یادگیری الکترونیکی و رابطه آن با عوامل دموگرافیک دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در دوران همه گیری کرونا (اندرواژ محمدرضا، دانشگاه ع.پ. مازندران)
۴. چالش‌ها و فرصت‌های آموزش بالینی در پاندمی کووید ۱۹ از دیدگاه دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی (تولیت مریم، دانشگاه ع.پ. بیرجند)
۵. ارزیابی میزان انطباق فرایندهای آموزش با استانداردهای آموزش بالینی در بیمارستان‌های تحت قرارداد با دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود در سال ۱۴۰۱ (بهریزی فر صدیقه، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود)
۶. ادراک دانشجویان پیراپزشکی از محیط آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش (محمدی مهر مژگان، دانشگاه ع.پ. ارتش)
۷. رویکردی نوین در ارزشیابی بالینی دانشجویان پرستاری در کارآموزی و کارورزی ها: کاربرد نرم افزار ارزیاب (مطوری پگاه، دانشگاه ع.پ. تهران)
۸. بررسی مقایسه‌ای تأثیر آموزش به روش سخنرانی و ایفای نقش بر مهارت‌های ارتباط با بیمار در دانشجویان پرستاری (دمان شیما، دانشگاه ع.پ. چهرم)
۹. بررسی ارتباط درمانی پرستار با بیمار-دانشگاه علوم پزشکی کاشان -۱۴۰۱ (شبان محمد، دانشگاه ع.پ. کاشان)

۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵

جمعه

<p>۱۰. بررسی رابطه محیط آموزشی با یادگیری خودراهبر در دانشجویان کارشناسی پرستاری در دوران پاندمی COVID-۱۹ (بهرامی مهناز، دانشگاه ع.پ. بیرجند)</p> <p>۱۱. بررسی اثر آموزش در گروه کوچک، نقشه ذهن و مفهومی در آموزش مجازی بر یادگیری درس گیاهان دارویی دانشجویان رشته داروسازی (عسکری سیده فاطمه، دانشگاه ع.پ. بیرجند)</p> <p>۱۲. تبیین درک و تجارب دانشجویان پزشکی و اعضای هیئت علمی از آموزش بالینی در زمان بحران کووید-۱۹ (پاکدل مریم، دانشگاه ع.پ. شهیدبهشتی)</p> <p>۱۳. بررسی مقایسه نمرات ابعاد خودکارآمدی (تحصیلی- بالینی) و میزان تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه علوم پزشکی زاهدان (ریگی کومه بهزاد، دانشگاه ع.پ. زاهدان)</p> <p>۱۴. بررسی دیدگاه دانشجویان نسبت به استفاده از بازی‌های دیجیتال برای اهداف آموزشی در بین دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی، مشهد، ایران (موسوی بایگی سیده فاطمه، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>۱۵. رضایت تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری: تحلیل مفهوم هیبرید (رحمت پور پردیس، دانشگاه ع.پ. البرز)</p> <p>۱۶. تبیین چالش‌ها و موانع تاثیر گذار بر کاربرد و توسعه محتوای آموزشی الکترونیک از دیدگاه اساتید علوم پزشکی: مطالعه کیفی تحلیل محتوا (بیژنی مصطفی، دانشگاه ع.پ. فسا)</p> <p>۱۷. بررسی رابطه درگیری فکری با حافظه کاری و آموزش در دانشجویان علوم پایه پزشکی مشهد (رجبیان آرزو، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p>		
<p style="text-align: right;">پوستر ۱۱</p> <p>هیات رئیسه: دکتر شهناز کریمی (دانشگاه ع.پ. فسا)، دکتر مهسا شکور (دانشگاه ع.پ. اراک)، دکتر زهرا آموزشی (دانشگاه ع.پ. بیرجند)</p> <p style="text-align: center;">محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی</p> <p style="text-align: center;">حیطه مدیریت و رهبری آموزشی، پژوهش در آموزش علوم پزشکی</p> <p>۱. بررسی رابطه سبک‌های حل مسئله و مدیریت کلاس درس آنلاین در اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی مشهد (کریمی مونقی حسین، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>۲. عوامل موثر بر مدیریت زمان دانشجویان کارشناسی و پزشکی عمومی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور ایران در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ (عبدی محمد، دانشگاه ع.پ. تهران)</p> <p>۳. تبیین الزامات کارآفرینی در دانشگاه‌های علوم پزشکی و موسسات آموزش عالی سلامت (دستی رحمت آبادی مرضیه، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>۴. تبیین مدل سرآمدی مرجعیت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم از طریق مدل تحلیل سلسله مراتبی تصمیم‌گیری گروهی (عاطفه کرم زاده جهرمی، دانشگاه ع.پ. جهرم)</p> <p>۵. بررسی رابطه توانایی حل مسئله و تنظیم هیجان در دانشجویان دندان پزشکی قزوین (بهمن پور مهدیس، دانشگاه ع.پ. قزوین)</p> <p>۶. شناسایی ابعاد تاثیرگذار آموزش پاسخگو در دانشگاه علوم پزشکی مازندران (گل افشانی علی، دانشگاه ع.پ. مازندران)</p> <p>۷. شناسایی وضعیت آموزش علوم پزشکی پاسخگو و ارائه راهکارهای اجرایی از دیدگاه خبرگان حوزه آموزش (علیرضائی سمیرا، دانشگاه ع.پ. ساوه)</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>جمعه</p>



<p>۸. بررسی تاثیر اتاق عمل شبیه سازی شده در مرکز مهارت‌های بالینی بر افزایش سطح مهارت‌های فردی و رضایتمندی دانشجویان اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی جیرفت و بم (نوحی عصمت، دانشگاه ع.پ. کرمان)</p> <p>۹. دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در خصوص مفاهیم و ضرورت برنامه آموزشی پزشکی پاسخگو (شکری طیبه، دانشگاه ع.پ. شهیدبهشتی)</p> <p>۱۰. نیاز های آموزشی درک نشده پزشکان خانواده شاغل در مراکز خدمات جامع سلامت در حیطة بیماری های قلبی عروقی (جامعی مریم، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)</p> <p>۱۱. آموزش بدون سخنرانی (حبیبی محسن، دانشگاه ع.پ. کاشان)</p> <p>۱۲. بررسی میزان دستیابی به اهداف آموزشی تماس زودرس با بیمار از دیدگاه دانشجویان پزشکی در دوره علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (طهماسبی قرایی سمانه، دانشگاه ع.پ. ایلام)</p> <p>۱۳. بررسی وضعیت آموزش بالینی از دیدگاه اساتید رشته های پرستاری و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۴۰۰ (دهقانی علی، دانشگاه ع.پ. جهرم)</p> <p>۱۴. تبیین چالش‌ها و راهکارهای توسعه دانش پژوهی آموزشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران: مطالعه کیفی (عمویی فتنه، دانشگاه ع.پ. مازندران)</p> <p>۱۵. بررسی تاثیر آموزش کنترل استرس از طریق پادکست بر تعارض کار و زندگی در دستیاران خانم دانشگاه علوم پزشکی ایران سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ (نوروزی اعظم، دانشگاه ع.پ. ایران)</p> <p>۱۶. ارتباط بین گرایش به تفکر انتقادی با خودکار آمدی تحصیلی در دانشجویان پزشکی (میرفرهادی نسترن، دانشگاه ع.پ. گیلان)</p> <p>۱۷. مولاز الکترونیکی نمایش ارتباط شبکه بازویی و عضلات اندام فوقانی (اکبری بزم محسن، دانشگاه ع.پ. تربت حیدریه)</p> <p>۱۸. بررسی نقش میانجی اضطراب آزمون در رابطه بین اهمال کاری و خود ناتوان سازی دانشجویان (کیانی هاجر، دانشگاه ع.پ. شیراز)</p>		
<p>پوستر ۱۲</p> <p>هیات رئیسه: دکتر شهنام صدیق معروفی (دانشگاه ع.پ. ایران)، دکتر سمیه علیزاده (دانشکده ع.پ. اسفراین)، دکتر زهره خوش گفتار (دانشگاه ع.پ. شهیدبهشتی)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی</p> <p>حیطه مدیریت و رهبری آموزشی</p> <p>۱. با گذشت قریب بیست سال چالش‌های آموزش بالینی در حیطه‌های مختلف چه تغییری کرده است؟ مقایسه دیدگاه دانشجویان درمورد مشکلات آموزش بالینی امروز و دیروز (نیکنام فریده، دانشگاه آزاد اسلامی مراغه)</p> <p>۲. ارزیابی عملکرد مربیان بالین هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دیدگاه دانشجویان (حسن شیرینی فاطمه، دانشگاه ع.پ. کاشان)</p> <p>۳. آسیب شناسی فرآیند تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی مشهد از دیدگاه دانشجویان در حال تحصیل در سنوات خارج از بازه مجاز (دادگر آزاد محیا، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p> <p>۴. بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دکتری تخصصی سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ دانشگاه علوم پزشکی مشهد (عظیمی علی، دانشگاه ع.پ. مشهد)</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>جمعه</p>



۵. تبیین و ارزیابی نقش فرهنگ سازمانی مبتنی بر تعامل و یادگیری در اثربخشی عملکرد پرستاران (آرش ماندانا، دانشگاه ع.پ. البرز)		
۶. سناریوی مطلوب رشته تخصصی کودکان (رضایی حبیب اله، دانشگاه ع.پ. یاسوج)		
۷. بررسی علل و تمایل به مهاجرت پزشکان از دیدگاه دستیاران تخصصی دانشگاه‌های علوم پزشکی منتخب در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱ (سلطانی زاده عادل، دانشگاه ع.پ. کرمان)		
۸. اعتبار سنجی و هنجاریابی ابزار رهبری چند عاملی در مدیران دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۴۰۰ (مقدمی سیده مهیندخت، دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)		
۹. واکاوی چالش‌های موجود در زمینه پایان‌نامه‌های دانشجویی از دیدگاه اعضای هیئت علمی در راستای ایجاد سیستم هدفمندی پایان‌نامه‌های دانشجویی (عثمانی فرشته، دانشگاه ع.پ. بیرجند)		
۱۰. بررسی میزان اثربخشی برنامه آموزشی مهارت‌های ارتباطات میان فردی بر همدلی بالینی دانشجویان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در سال ۱۴۰۰ (احمدیان یزدی ناهید، دانشگاه ع.پ. اردبیل)		
۱۱. تجربه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده پرستاری و مامایی ساری در اجرای پایان‌نامه هایشان در طی همه‌گیری کووید-۱۹: یک مطالعه کیفی (حسام زاده علی، دانشگاه ع.پ. مازندران)		
۱۲. تدوین سند دیده بانی آموزش پزشکی مجازی در شرایط مشابه با قرنطینه جهانی کووید ۱۹ (الهام مسرت، دانشگاه تربیت مدرس)		
۱۳. تحلیل کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین بر اساس مدل SERVQUAL در سال ۱۴۰۱ (ضیائیها معصومه، دانشگاه ع.پ. قزوین)		
۱۴. تأثیر سامانه مدیریت تحصیلی دانشجویان بر فرآیندهای آموزشی و پژوهشی دانشجویان دکتری تخصصی (پورهاشمی اردکانی سید محمد حسین، دانشگاه ع.پ.)		
۱۵. خشونت کلامی و واکنش حرفه‌ای به آن در محل کار ماماها شغل در بیمارستان‌های دولتی شهر تهران (مدرس مریم، دانشگاه ع.پ. تهران)		
۱۶. بازنگری شرح وظایف: ارتقا عملکرد مراکز و دفاتر توسعه آموزش (شاطر جلالی ماریا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن)		
۱۷. ارزیابی وضعیت مدیریت تغییر در آموزش علوم پزشکی: مورد مطالعه دانشکده فناوری‌های نوین (رمضانی قباد، دانشگاه ع.پ. کرمانشاه)		

سمپوزیوم‌ها

<p>سمپوزیوم ۹</p> <p>عنوان: همگرایی علوم و آموزش بین رشته‌ای</p> <p>برگزار کننده: دکتر سید مهدی رضایت (رئیس کارگروه کشوری همگرایی در تعالی علوم و فناوری‌های پیشرفته)، دکتر محمد حسینی مقدم (پژوهشگاه مطالعات اجتماعی فرهنگی وزارت علوم)، دکتر حمیدرضا مقدسی (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی)، دکتر مهرداد حمیدی (دانشگاه ع.پ. زنجان)</p> <p>محل: ساختمان همایش رازی، طبقه همکف، سالن اصلی</p>	۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵	جمعه
---	----------------	------

<p>سمپوزیوم ۱۰ عنوان: طرح عدالت، تعالی و بهره‌وری آموزشی: گامی در جهت توسعه ادغام برگزار کننده: دکتر غلامرضا حسن زاده (دبیر شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی)، دکتر علی عرب خردمند (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر علی اکبری ساری (دانشگاه ع.پ. تهران)، دکتر سلیمان احمدی (دانشگاه ع.پ. شهید بهشتی) محل: ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۲</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>جمعه</p>
<p>جلسات ارائه تجربیات کلان مناطق</p>		
<p>ارائه تجربیات ۵ سخنرانان: نمایندگان کلان منطقه ۵ و ۶ محل: ساختمان همایش رازی، طبقه زیرزمین، سالن شماره ۳ کلان منطقه ۵ رئیس پانل: دکتر سید وحید حسینی اعضای پانل: دکتر مهدی حسنی آزاد، دکتر مراد علی فولادوند، دکتر سید محمدعلی سادات، دکتر امین کوهپایه، دکتر اسمعیل رعیت دوست ۱. سیستم مدیریتی تصمیم یار DSS (دکتر مهوش علیزاده، دانشگاه ع.پ. شیراز) ۲. توانمندسازی و هم افزایی دانش در بستر آمایش توسعه و بالندگی اعضای هیأت علمی و دانشجویان (دکتر ناهید ظریف صناعی، دانشگاه ع.پ. شیراز)</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>جمعه</p>
<p>کلان منطقه ۶ رئیس پانل: دکتر احسان صبوری اعضای پانل: دکتر محمدرضا زراعتی، دکتر عبدالرضا قریشی، زینب درگاهی، دکتر اکرم حیدری، دکتر پگاه محقق ۱. مرکز درمان سکنه حاد مغزی (دکتر عبدالرضا قریشی، دانشگاه ع.پ. زنجان) ۲. طرح خیریه دانشجویان همپا، آموزش بین حرفه ای دانشجویان در راستای ارتقای سطح سلامت بیماران (زینب درگاهی، دانشگاه ع.پ. قزوین) ۳. ادغام سلامت معنوی در آموزش پزشکی و سلامت (دکتر اکرم حیدری، دانشگاه ع.پ. قم) ۴. آموزش جامعه نگر بر پایه کسب شایستگی شغلی در دوره کارآموزی پزشکی اجتماعی (دکتر پگاه محقق، دانشگاه ع.پ. اراک) مدت زمان برای هر کلان منطقه ۴۵ دقیقه</p>	<p>۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵</p>	<p>جمعه</p>



جلسات کلینیک مشاوره		
کلینیک مشاوره ۴	عنوان: دانش پژوهی آموزشی از تئوری تا عمل: بررسی و حل اشتباهات رایج برگزار کنندگان: دکتر سعیده غفاری فر (دانشگاه ع.پ. تبریز)، دکتر سیاوش مرادی (دانشگاه ع.پ. مازندران)، دکتر فخرالسادات میرحسینی (دانشگاه ع.پ. کاشان) محل: ساختمان همایش رازی، طبقه فوقانی، اتاق شماره ۴	جمعه ۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵
جلسات کلینیک مشاوره		
کلینیک مشاوره ۵	عنوان: شناخت انواع (Typology) مطالعات مروری و کاربرد آن در آموزش پزشکی برگزار کنندگان: دکتر رسول معصومی محل: ساختمان کتابخانه مرکزی، سالن طبقه ۸	جمعه ۱۳:۴۵ تا ۱۵:۴۵
استراحت و پذیرایی		جمعه ۱۵:۴۵ تا ۱۶:۰۰
سخنرانی های کلیدی		
هیات رئیسه: Dr. Naveed Yousuf, Dr. Mahdi Aghabagheri مکان: ساختمان همایش رازی، سالن اصلی		جمعه ۱۶:۰۰ تا ۱۷:۰۰
سخنرانی کلیدی ۱۳	How joy, happiness, humor, curiosity help in face of burnout in medical education, Dr. Lawrence Sherman	جمعه ۱۶:۰۰ تا ۱۶:۲۰
پرسش و پاسخ		جمعه ۱۶:۲۰ تا ۱۶:۳۰
سخنرانی کلیدی ۱۴	Multiple intelligences and good work, Dr. Howard Gardner	جمعه ۱۶:۳۰ تا ۱۶:۵۰
پرسش و پاسخ		جمعه ۱۶:۵۰ تا ۱۷:۰۰
اختتامیه همایش، اهدای جوایز برگزیدگان جشنواره مطهری، برگزیدگان جشنواره دانشجویی ایده های نوآورانه آموزشی، برگزیدگان همایش کشوری آموزش علوم پزشکی		جمعه ۱۷:۳۰ تا ۱۹:۰۰
مهمانی شام در موزه ملی تاریخ علوم پزشکی "ویژه مدعوین بین الملل سایر کشورها"		جمعه ۲۰:۰۰ تا ۲۲:۰۰



بیست و چهارمین

همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

آموزش پاسخگو، دانشگاه متعالی پیامد انجام

تلفن دبیرخانه همایش: ۰۲۱-۸۸۹۵۵۰۱۶

۱۳-۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

راه های ارتباطی: ICHPE  info@ichpe.org

برگزارکنندگان



وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
سازمان آموزش پزشکی




موسسه علوم پزشکی
و خدمات بهداشتی درمانی تهران



سازمان مدیریت و برنامه ریزی
کشور



دانشگاه تهران، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی



www.ichpe.org